

قرآن مجید

ترجمه: ابوالقاسم پاینده

گر بریزی بحر را در کوزه ای
چند گنجد قسمت یک روزه ای

قرآن مجید

ترجمه: ابوالقاسم پاینده

قرآن مجید

ترجمه : ابوالقاسم پاینده

نشر اینترنتی: سال ۱۴۰۲ بر مبنای :

چاپ اول ۱۳۳۶

انتشارات نوید

انتشارات مهر

بازنویسی: مریم پایدار و رحمان دین خواه، سال ۱۴۰۲

فهرست سوره‌ها

مترجم کتاب ابوالقاسم پاینده



ابوالقاسم پاینده

ابوالقاسم پاینده (زاده ۱۲۹۰ نجف آباد – سالمرگ ۱۸ مرداد ۱۳۶۳ تهران) روزنامه‌نگار، داستان‌نویس، و مترجم ایرانی بود.

زندگی: تحصیلات مقدماتی را در نجف آباد، و صرف و نحو عربی و فقه اسلامی و فلسفه را در اصفهان، مدرسه جده بزرگ آموخت. دارای هوش و حافظهٔ فوق‌العاده‌ای بود. زیاد می‌خواند، هرچه را می خواند به خاطر می‌سپرد و به موقع استفاده می‌کرد. این هم دلیل دیگری بود برای موفقیت در کار روزنامه نویسی.

ابوالقاسم پاینده کار مطبوعاتی را از سال ۱۳۰۸ در روزنامهٔ *عرفان* اصفهان آغاز کرد که به مدیری احمد عرفان منتشر می‌شد و از بهترین روزنامه‌های شهرستانها در زمان خودش بود. در سال ۱۳۱۱ به تهران رفت و در روزنامه‌های *شفق سرخ* علی دشتی و *ایران* زین العابدین رهنما به کار پرداخت. در همان زمان در

وزارت پست و تلگراف و تلفن هم استخدام شد، اما چون این کار به مذاقش خوش نمی‌آمد، خود را به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (آموزش و پرورش امروزی) منتقل کرد.

پاینده چندی هم سردبیر مجلهٔ *تعلیم و تربیت* بود تا اینکه در سال ۱۳۲۱ مجله *صبا* را تأسیس کرد و آن را در زمره یکی از موفق‌ترین نشریات در تاریخ مطبوعات ایران ثبت کرد. پاینده در اسفند ۱۳۲۶ رئیس رادیو شد. در سال ۱۳۲۸ عضو دوره دوم مجلس مؤسسان قانون اساسی و دوره‌های بیست و یکم و بیست و دوم مجلس شورای ملی، نماینده نجف‌آباد بود. او در سال ۱۳۴۴، نماینده ایران در کنفرانس اسلامی مکه بود.

ترجمه قرآن: ابوالقاسم پاینده در سال ۱۳۳۶ ترجمه روان قرآن کریم به زبان فارسی را منتشر کرد که نقطه عطفی در ترجمه‌های معاصر قرآن است و همچنان موفق و ممتاز به شمار می‌آید و می‌توان آن را مهم ترین اثر پاینده نامید. علامه امینی نویسندهٔ کتاب *الغدیر* در نامه‌ای به پاینده در مورد این ترجمه نوشت: «آنچه سرمایه خیر دنیا و آخرت شماست، این صحایف است و بس. زحمتی که باید برای آن ارزشی فوق‌العاده قائل شد و تقدیر و ستایش کرد و افتخار نمود، این قدم برجسته‌ای است که در راه ترجمه قرآن عظیم برداشته‌اید و الحق خوب از عهده برآمده‌اید. آفرین بر آن خامه شیوا و بیان رسا و شیرین».

چاپ سوم ترجمهٔ فارسی قرآن مجید از ابوالقاسم پاینده که در سال ۱۳۳۹ خورشیدی به سرمایهٔ محمود کاشی‌چی در چاپخانهٔ خواندنی ها و صحافی مهرآئین به چاپ رسیده است.

ابوالقاسم پاینده علاوه بر ترجمه زیبای قرآن نثر زیبایی در ابتدای آن با عبارات زیبا و شیرین و شیوه‌ای مخصوص خود نگاشته است. صاحب نظران آن را اثری ماندنی در تاریخ نثر فصیح فارسی می‌دانند. پاینده در این مقدمه، پس از بیان نحوه آشنایی خود با قرآن و آرزوی سی ساله‌اش در ترجمه آن، به اجمال سرگذشت اسلام و پیامبر اکرم را مرور می‌کند و سپس بخش عمده مقدمه را به مباحث قرآنی اختصاص می‌دهد.

وی در این مقدمه ضمن انتقاد به ترجمه‌های موجود، مبنای کار خود را بر این قرار داده که از معانی قرآن آنچه را عرب عادی دریافت تواند کرد، به فارسی بیاورد. گرچه ترجمه خود را ترجمه‌ای تحت‌اللفظی نامیده است، اما این ترجمه را باید در ردیف ترجمه‌های محتوایی قرار داد که از سبک و سیاق امروزی و همه فهم برخوردار است، حتی از ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای بهتر و فصیح تر است.

به گفته آیت‌الله منتظری، آیت‌الله بروجردی از این مقدمه خیلی خوشش آمده و از او پرسیده بود که این شخص کیست. آیت‌الله منتظری نیز پاینده را به او معرفی کرده بود. آیت‌الله منتظری همچنین درباره پاینده از مرتضی مطهری نقل کرده: «کسی که این مقدمات را نوشته به حق باید فرد بااطلاع و صاحب سبکی باشد».

نقدهایی هم بر ترجمه او وارد شده که سلسله نقدهای محمد فرزان از آن شمار است و پاینده آنها را در چاپ‌های بعدی ترجمه خود اعمال کرد؛ البته اولین نقد بر این ترجمه به قلم مرتضی مطهری در مجله *یغما* منتشر شد.

پاینده در ابتدای ترجمه قرآن خویش، طی مناجاتی با خدای متعال می‌نویسد: «خدایا! من این کوشش خاص تو کردم و این رنجْ به وفای آن نذر که با تو داشتم، بردم و از همه کسان رو به تو آوردم و دل بر تو نهادم و امید به تو افکندم و از آن لطف‌های بی‌کران و نظرهای نهان که تو را با بندگان هست، امید قوی دارم که این پیشکش ناچیز، در پیشگاه عزیز تو به معرض قبول افتد که احراز رضای تو ای خدای لایزال! مرتبتی مافوق مرتبت هاست... خدایا! جان ما به نور هدایت خویش روشن کن و ما را از ظلمات آرزوها و هوس‌ها، به آن عالم صفا و وارستگی که خاص بندگان مطیع خویش کرده‌ای، راهبر باش که هر که با تو پیوست، از همگان رَست و موهبت جاویدان، این است».

پاینده به زبان های عربی، انگلیسی و فرانسه آشنایی کامل داشت. وی در روز ۱۸ مرداد ۱۳۶۳ در تهران درگذشت.

آثار

- مرده کشان جوزان
- دکتر ریش
- ظلمات عدالت
- گردآوری و ترجمهٔ نهج‌الفصاحه
- ترجمهٔ قرآن
- کتاب املاء یا دستور نوشتن
- ترجمهٔ زندگانی محمد
- ترجمهٔ تاریخ سیاسی اسلام در سه جلد
- ترجمهٔ مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر
- ترجمهٔ تاریخ طبری

- علی علیه‌السلام ابرمرد تاریخ
- قدمگاه شهرک «نون»
- ترجمه التنبیه و الاشراف (علی بن حسین مسعودی، ۱۳۴۹)
- ترجمه اسرار نیک‌بختی (اوریزان ماردن، ۱۳۳۳)
- ترجمه تاریخ سیاسی اسلام از آغاز ظهور تا انقراض دولت اموی (دکتر حسین ابراهیم حسن، سه جلد، ۱۳۱۸)
- ترجمه چرا فرانسه شکست خورد (آندره موروا، ۱۳۱۹)
- ترجمه در آغوش خوشبختی (لرد آوری بوری، ۱۳۱۳)
- ترجمه تاریخ عرب (از فیلیپ حتی، دو جلد، تبریز، ۱۳۴۴)
- ترجمه عشق و زناشویی (نیکلا حداد، ۱۳۳۵)
- ترجمه قوه عصبی
- تمدن اسلامی ترجمه جلد یازدهم تاریخ ویل دورانت

این متن (مترجم کتاب ابوالقاسم پاینده) از طرف بازنویسان کتاب، مریم پایدار و رحمان دین خواه در سال ۱۴۰۲ به کتاب اضافه شده است.

قدردانی ها

بازنویسی این کتاب از گفتگو با یکی از آشنایان من در یکی از شهرهای سوید به نام پوله شکل گرفت. گ. کتاب قرآن به فارسی را در کتابخانهٔ خود به من نشان داد. همان لحظه، کتاب را از ایشان وام کردم و از آن فتوکپی و اسکن گرفتم و آنها را به مدت ۱۵ سال در آرشیو کتابخانه‌ام نگاه داشتم. تا اینکه امسال فرصت بازنویسی آن به دست آمد و بازنویسی کتاب قرآن به فارسی را آغاز کردیم. از گ. سپاسگزارم که فکر بازنویسی را در ذهنم به وجود آوردند. از رضا آزاد سپاسگزاری می‌کنم که کتاب قرآن مجید به فارسی، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده که کمیاب است را از آرشیو کتابخانه‌ی شخصی خود به من وام داد تا کنترل نهایی از متن تایپ شده را قبل از چاپ انجام بدهم.

در اینجا از مریم پایدار باید سپاسگزاری کنم که مسؤلیت تایپ کردن آنرا به عهده گرفت. به راستی بدون تلاش مریم این کار امکان پذیر نبود. از همه‌ی کسانی که در این کار، به من یاری داده‌اند و این کار جمعی را به پیش برده‌ایم بسیار سپاسگزارم. دوستان زیادی هستند که در این کار کمک کردند، که بنا به درخواست آنها موافق آوردن نامشان در بازنویسی این کتاب نبودند، بی‌نهایت از این دوستان سپاسگزارم.

رحمان دین خواه شهر کویته، پاکستان ۱۰ اکتبر سال ۲۰۲۳

یادداشتی کوتاه بر کتاب قرآن مجید به فارسی ترجمه ابوالقاسم پاینده ۱۳۳٦

این ترجمه یکی از بهترین ترجمه‌های عملی است که ترجمه نیز توسط کسی صورت گرفته است که هم دانش زبانی و هم دانش فلسفی را در مذهب اسلام داشته است. تا امروز این ترجمه یکی از بهترین ترجمه-های قرآن به فارسی یاد شده است.

پیوست ها توسط ما بازنویسان کتاب تنظیم شده است. برای درک راحت تر کتاب، تصاویر و متن‌هایی را در پیوست های کتاب جمع‌آوری کرده‌ایم. ما معتقدیم این کار خواندن و درک آن را برای خوانندگان آسان تر می-کند .تصاویر و متن‌ها مربوط به کتاب است.

مقدمه‌ای بر ترجمه قرآن مجید به قلم ابوالقاسم پاینده

بنام خدای رحمان رحیم

کتاب احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر هود آیه۱

به زحمت الفبا آموخته بودم که با قرآن مجید (بروج ۲۱) کریم (الواقعه۷۷)، عزیز(فصلت ٤۱)، حکیم (یونس۱)، این کتاب مبارک (انعام۱٥٥)، مبین (قصص۱)، عظیم (حجر۸۷)، که شک در آن نیست (سجده۲)، و حقیقت یقین است (حاقه٥۱)، و دلیل روشن خداست (انعام۱٥۷)، و نیکوترین سخنان است (زمر۲۳)، و تذکار جهانیان است (تکویر۲۷)، و به حق (آل عمران۳)، از جانب خدای فرزانه دانای (نمل٦)، راز دان (هود۷۱)، ستوده (فصلت٤۲)، که زمین و آسمانهای بلند آفریده (طه٤)، به وسیله روح پاک (نحل۱۰٤)، امین (شعراء۱۹۳)، فرشته ارجمند (حاقه٤۰)، مطاع نیرومند (تکویر۲۱،۲۰)، به بیان عربی فصیح (شعرا۱۹٥)، بی انحراف (زمر۲۸،کهف۱)، به قلب (بقره۹۷، شعرا۱۰٤) ختم رسولان محمد امی مکی مدنی هاشمی قریشی نازل شده (دهر۲۳)، تا مردمان را از ظلمات به نور برد (ابراهیم۳)، و مؤمنان را استوار کند و هدایت مسلمانان (نحل۱۰٤)، و بصیرت و هدایت و رحمت اهل یقین (جائیه۲۰) و پند پرهیزکاران (نور٤۳،حاقه٤۸) و اندرز پروردگار و شفای بیماری دلها (یونس٥۷)، و نوید نیکوکاران است (احقاف۷)، و سوی اعتدال (بنی اسرائیل۹)، و رشاد (جن۱)، و حقیقت و راه راست هدایت میکند(احقاف۳۰)، و در آن آیات بینات (نور۱)، و حکایات گذشتگان (نور۳٤)، و مثل های گونا گون برای مردمان (کهف٥٤) و وعید (طه۱۱۳)، خدای منان هست، قرآنی که اگر به کوه نازل شده بود کوه را از بیم خدا به خشوع می دیدی (حشر۲۱)، و هر سوره آن ایمان مؤمنان را فزون می کند(توبه۱۲٤)، و ستمگران را جز خسارت نمی فزاید (بنی اسرائیل۸٤)، و جز کافران منکر آن نمی شوند(عنکبوت٤۸)، که سخن فصل است نه هزل (طارق۱۳، ۱٤)

با این معجزه علی الا طلاق قرون که تجلی اراده ازلی در کلمات مفهوم انسانی است که بی گفتگو اگر همه آدمیان و پریان فراهم آیند و پشتیبان همدیگر شوند که نظیر آن بیارند، هرگز نظیر آن نیارند (بنی اسرائیل۸۸) با این اعجاز جاودانی ختم پیغمبران که فرقان (آل عمران٤۰)، و بیان (آل عمران۱۳۸)، و نوید بخش و بیم رسان (فصلت٤)، و تذکار تذکار جویان (عبس۱۲،۱۱)، و نور (مائده۱٥)، و راهنماست (یس۱۱)،

و از آمیزش باطل و مصون است (فصلت٤٤)، با این کتاب شگفت انگیز، که کتاب نیست. بلکه دریایی ژرف و کرانه ناپیداست، آشنا شدن و چه فرخنده آشنای فرخ پی همایون فالی بود.

در دوران ما، طفل نو آموز، که گاهی کمتر از هفت ساله مکتبی می شد، بلافاصله پس از الفبا، این رمز حیرت انگیز، ثبت و ضبط افکار، تعلیم قرآن را از چند سوره کوتاه که خاص مکتبیان نوآموز بود، آغاز می کرد و با هجی کردن کلمات قرآنی، الفبا را که سرسری آموخته بود تمرین می کرد و به دنبال آن تمام جزو سی ام را که همه سوره های آن کوتاه است به قرائت، نه هجی، تعلیم می گرفت و آنگاه نوبت تمام قرآن می رسید که آغاز و ختم آن تشریفات خاص و جالب داشت و این کار با تفاوت شرایط معلم و متعلم از یک تا چند سال طول می کشید.

و من بنده این دوران را به سر برده بودم و تمام قرآن را به قرائت عادی و چند جزو را به تفاریق با رموز تجوید از آن شیخ استاد حافظ ثقۀ کم نظیر که همه یک عمر هفتاد ساله را تقریباً بدون طفره به تعلم و تعلیم قرائت و تجوید و شرح و تفسیر آیه های قرآن طی کرده بود آموختم چه مردی بود، از آن مردان خدا که به همت چو کوهند و به رفعت چو آسمان و به حوصله چون دریا و به افتادگی چو خاک، جهانی بود به گوشه-ای نشسته از خلق گسسته و به خالق پیوسته، قرآن را چون آب در ضمیر خویش روان داشت و آیه های شریف را با لحنی که هنوز پس از روزگاری دراز طنین آن در گوش جان من است و گویی زمزمه فرشتگان عالم بالاست می خواند، و هنگام تلاوت آیات، از دیدگان نافذش برقی عیان بود، گفتی عاشقی بود حیران در جمال قرآن. خدایش به رحمت خویش فرو برد که بر من منتی عظیم دارد.

از آن پس قرائت آیه های قرآن، بامداد و پسین، از پی فرائض معمول، کاری بود که مردم متعبد مقید به آداب شرع، از مواظبت آن غافل نمی شدند و بسیار بودند کسان که بعض سوره های کتاب خدا را به یاد سپرده، هنگام راه سپردن یا تنها به سر بردن، برای صیقل جان زنگ گرفته و تجدید قوای از دست رفته، به قرائت آن می پرداختند که در نظر آنان، تلاوت قرآن مایه قوت جان و رفع ناتوانی و وقت گذرانی و کسب فیض جاودانی بود.

ماه رمضان بهار و رونق قرآن بود و در تکیه ها و مسجد ها انجمن های مقابله با آداب خاص به پا میشد و هر کس که خواندن می توانست به قدر همت و رغبت و فراغت خود در این انجمن ها می نشست و یک یا چند قرآن ختم می کرد و فراوان بودند متادبان که در ایام رمضان به تناسب دوازده امام و چهارده معصوم، دوازده و چهارده ختم قرآن داشتند و من بنده نیز به تشویق مادر که زنیست متنسک و معنویات بدوی

من از تلقین های او مایه گرفته، با دقتی چون آن دقت که متعبدان را بر انجام فرائض هست، حاضر انجمن-های مقابله می شدم، و این کار تا آن زمان که موجهای نیرومند روزگار مرا از ساحل امان مولد خویش که خدایش از آفات مصون دارد، بکند و به غرقاب پرتلاطم حیات افکند، دوام داشت و ختم های قرآن برای رضای مادر مکرر همی شد. شاید نتیجه ممارست دوران صغراست که پس از سالها که دیگر آن توفیق مداوم و آن فراغ بی مزاحم رفیق و نصیب من نیست، بسیاری از آیه ها چون نقش سنگ در خاطرم روشن است، و با آنکه در کار خواندن کند رو نبوده ام و هر روز بیش از روز پیش حافظه را از کتابهای گونا گون گرانبار کرده ام، به جرئت توانم گفت که این کتاب عزیز به تنهایی خیلی بیشتر از همه کتابهای دیگر، در ضمیر من مؤثر بوده است.

تذکار این حسب حال، در طلیعه مقال، لازم بود تا شما خواننده عزیز که بی شک از گفتگو درباره قرآن شریف دچار ملال نمی شوید از آن عوامل نهانی که مرا به این تهور برانگیخت تا کوزه ای از این دریای پرموج را در قالب کلمات فارسی بریزم، بی خبر نباشید که حقاً جرئتی آمیخته به تهور باید تا بنده عاجزی، خویشتن را به این معرض درآرد که چیزی از آن معانی باریک و دقیق را که به راستی چون پرتو آئینه لرزان، از دسترس فکرت گریزان است با آن سایه روشن های حیرت انگیز که بالاتر از اوج تصور است، از بیان معجز نشان قرآن که سیاقت گفتار خالق سبحان است از کلمات اصلی منسلخ کند و از کلمات زبان دیگر عباراتی برای تفهیم آن بپردازد. تنها شور و شوق می تواند انسان را به طریقی چنین صعب العبور وادار کند و این وصف الحال آن شور و شوق قدیم است که گویی با شیر در جان من سر داده اند.

از دوران صحبت قرآن، سالی بیشتر گذشته بود که این آرزو در ضمیر من بیدار شد که چه می شد اگر به ساحت این کلمات مرموز تقربی رخ می داد که واعظان منبرها و امامان مسجدها را دیده بودم که گاهی از معنی بعضی آیه ها دم می زدند، گاهی به تقریبی استاد پیر را از وجود این آرزو خبردار می کردم اما حصول آن بعید می نمود که گویی پیر روشن ضمیر فهم مرا نارسا می دید و به لطائف الحیل بر این آرزوی سرکش سرپوش می کشید.

از نیمه قرآن به بعد گاهی که شیخ ما، شور و حالی داشت، بعضی آیه ها را ترجمه می کرد و آن شعله ها را که از شوق فهم آیه های دیگر در جان من بود تیز تر می کرد، ثلث دوم داشت تمام می شد که ما را به قرآن مترجمی که در همان سالها به کمک صاحب نفوذی چاپ شده بود حوالت داد، قرآنی بود به قطع بزرگتر از این با خطی درشت که ترجمه آیه ها را ذیل سطور با قلم ریزتر، خط به خط نوشته بودند، با چه زحمتی این گنج بی بدیل را بدست آوردیم، بماند، اما دریغ که فارسی ذیل سطور قرآن گویا و زبان دار نبود و من بنده و

چند مکتبی دیگر به ناچار فهم قاصر خویش را به ملامت گرفتیم که از فهم فارسی ناتوان است، عجب بود که وقتی شیخ استاد به حال وجد بود و با بیان روشن خویش یک یا چند آیه را ترجمه می کرد فهم ما از قصور خویش منصرف می شد و تقریر فارسی شیخ را آسان درک می کردیم. در همان اوان، کار آن قحطی هول انگیز که از تبعات جنگ بود بالا گرفت و نان به قیمت جان شد و بندگان خدا از رنج و سختی چون برگهای خزان زده به خاک همی ریختند و شیخ از ضعف خویش و محنت کسان، چنان شد که اشتر طبعش بخفت و ما از فیض ترجمه گاه به گاه یک یا چند آیه محروم شدیم و چند جزو آخر قرآن را چنانکه طوطی تلقین آینه دار را تکرار می کند همی خواندیم تا به آخر رساندیم.

اما همین ادراک قاصر ما، این نکته را فهم می کرد که کلمات مرموز قرآن با آهنگ و ترکیب خاص خود، رشته های جانمان را می لرزاند و از تکرار آن جذبه ای را که یافتنی است و گفتنی نیست احساس میکنیم، اما کلمات مترجم فارسی نیز چون کلمات عربی مبهم بود با این تفاوت که لطف و شور کلمات عربی را نداشت، یخ زده و بی جان به گوش می خورد و این نیز رمزی دیگر بود که شیخ ما با آن سماجت که داشت هیچوقت درباره آن توضیحی نداد.

از حاصل تجربه این سالها آرزویی در جان من ریشه دواند و به مرور زمان ریشه دارتر شد که باید کلید فهم این کتاب شگفت را که کلمات مرموزش چنین وجدی به انسان می دهد به دست آورد، این فکر ثابت که از پندار بیداری گذشته به رویای شبانه کشید و آن سالهای دراز عمر که زیت فکرت به چراغ محنت همی- سوخت و روز و شب در کار تعلیم زبان قرآن گذشت و بعد رشته دراز شد و چون استسقا زده بر چشمه نمک، آبم عطش افزود و سالها به دنبال سراب های متفلسفان که جز حیرت اند و حیرت نبود، سپری شد، دنباله های این فکر ثابت بود و این شعله های فروزان که از نور الهی در این کلمات جاویدان جا گرفته و در طی قرون چون خورشید بر جهان گرمی و نور پاشیده، مرا نیز پروانه خویش کرد و چنان پر آرزوها بسوخت که جز آن آرزویی نماند.

پس از تکاپوی دراز چون به گلستان آرزو رسیدم و نقاب ابهام از چهره معانی محبوب آسمانی برافتاد و جمال مطلوب رخ نمود، آرزویی دیگر همدم من شد و این تصور در آئینه خاطر جلوه گر آمد که دستی بر آرم و این کلمات القا شده از عالم غیب را که میثاق بزرگ، میان آفریدگار و آفریدگان است، ترجمانی کنم تا آنها که چون من این شور در جان دارند و توفیق آموختن زبان قرآن ندارند، در همان حال که از قرائت آیات کریم تمتع می برند و جان خویش را به کمک این زلال صافی از کدورت ها پاک می کنند، چیزی از معانی بلند و بعید المنال آن را چون میوه های بهشتی که آسان توان چید، در دسترس فهم خویش داشته باشند که بی-

گفتگو فهم شمه ای از معانی قرآن، روغنی پاک است که آتش شوق تلاوت آن را تیزتر می کند، این مجموعه که قرآن شریف و ترجمه فارسی آن را روبرو دارد و اکنون به دست شماست نتیجه آرزوئیست که نزدیک سی سال تمام رویای شبانه روزی من بوده و اکنون به توفیق الهی، از نهانگاه امل به جلوه گاه عمل می رسد و خدا را سپاس!

***

هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم ایاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانو من قبل لفی ضلال مبین. جمعه،۲

قرآن کریم، کارنامه نهضت عظیم اسلام است که با رقه ای از عالم غیب بود و نخست در دره مکه درخشید و شبه جزیره عربستان را روشن کرد و در مدتی کمتر از یک قرن، قسمت اعظم معموره آن زمان را تحت نفوذ گرفت و اکنون نیز بیشتر از یک چهارم نفوس انسانی که زندگی خاکی خویش را براین کوی سرگردان می گذرانند به وسیله این میثاق مقدس آسمانی، به خالق خویش پیوند دارند.

بی گفتگو، فهم قرآن، بی آشنایی بسیر نهضت اسلام و سیرت پیغمبر خاتم، میسر نیست و ادراک سیر نهضت و سیرت پیغمبر، بی هدایت قرآن محال است، قرآن روح اسلام است و این تعبیر محتاج تصحیح است که اسلام و قرآن از هم جدا نیست، اسلام قرآن است و قرآن اسلام، به همین سبب برای گفتگو از وحی و کتابت و ضبط قرآن که بی شک از بیشتر حادثه ها که در تاریخ معنوی انسان توان خواند، شورانگیزتر است، به ناچار باید سرگذشت این نهضت عظیم را که به اتفاق مورخان در تاریخ جهان حوادثی به عظمت آن بسیار کم است، به سرعت از نظر گذراند:

محمد ص پدر عبدالله از خاندان هاشم از طایفه قریش بود، پیش از تولد یتیم شد و در آن دوران که کودک نازک دل بیش از همه به موهبت احتیاج دارد، غم مرگ مادر، روح او را فشرد، چند سال در خانه پدربزرگ خویش، عبدالمطلب به سر برد و چون او نیز مانند همه موجودات فانی بمرد، به خانه ابوطالب رفت، تا بیست و پنج سالگی قسمتی از عمر او به چوپانی گذشت، یک بار یا دو بار نیز همراه عم خود به سوریه کنونی، یعنی شام که مستعمره روم شرقی و بارانداز کاروانهای شرق نزدیک و دور بود، سفر کرد پس از بیست سالگی بار دیگر با جیری زنی مال دار به شام رفت و در بازگشت به اراده تقدیر و تدبیر ابوطالب و ندای قلب که طلب از سوی آن زن بود، خانه و سامان یافت و از غم معاش و کدیمین بیاسود، از این ازدواج پسری آمد به نام قاسم و این کنیه ابوالقاسم که معروف ترین کنیه ختم پیغمبران است از همین

جاست. قاسم در کودکی بمرد و این جوان شریف نیک سیرت اصیل بلند همت که در مکه و اطراف عنوان محمد امین داشت، آن سوزش الم انگیز را که مرگ فرزند، در جان پدر پدید می آورد با همه تلخی های آن احساس کرد.

مکه بتخانه اعراب، ایستگاه کاروانهای جنوب و شمال، دره محصوری که چاه آبی داشت و در آن صحراهای وسیع و بی حفاظ، مکانی امن و قابل دفاع بود و به مرور زمان حرمت آن چنان در خاطره ها نفوذ کرده بود که با آن شدت حمیت عرب، خونی و خون خواه چون به آنجا می رسیدند، بی تعرض و تجاوز در کنار هم می زیستند و مثل چرای مشترک گرگ و میش را به عمل نشان می دادند، شهری چنین در آن غوغای تفرقه قبایل و کینه جویی های دائم که گاهی ریشه آن در ظلمات زمان گم می شد اما دنباله آن را می-کشیدند، حقاً بهشت فراغت و امان بود. طوایف قریشی، فرزندان قصی، ساکنان مکه که تدبیرشان در استقرار و نگهبانی این وضع بی اثر نبود، بهشت خویش را به واسطه افراط در سود جویی و ربا خواری و خود پسندی و تمایلات نژادی و بت پرستی و بی انصافی و ستمگری و تعظیم بی حد طلا، جهنم مردم ناتوان کرده بودند.

تجارت پیشگان قریشی رموز مال یابی و بهره گرفتن از دسترنج بندگان خدا را با وسائل به ظاهر انسانی و به حقیقت شیطانی خوب می دانستند و با شمه ای از آن تدبیرها که از ابنای بشر هر که هوای خویش را خدای خویش می داند و مال را برتر و بهتر از همه چیز می شمارد، به کار بستن تواند، در بتخانه مکه نظمی حیرت انگیز پدید آورده بودند که هدف آن کسب سود بیشتر با کوشش کمتر بود و در این راه توفیقی یافته بودند، زائر عرب که به تفقد بتان و طواف خانه مکعب شکل به مکه می شد توشه همراه نمی بایدش داشت و جامه دوخته بیرون حرم نمی بایدش پوشید، این همه از مکه می باید خرید که بازار مکیان رونق گیرد و اگر زائری هنگام طواف جامه خویش می پوشید پس از آن بایدش از خود دور کند[۱] البته زائران فقیر از رفادت متولیان کعبه بهره ور می شدند و چیزی از آن منافع بی حساب که در سایه بتان به دست می آید در این راه صرف می شد، اما آن منفعت ها را غنیمت خویش می پنداشتند و اگر چیزی از آن با طعام زائر فقیر خرج می کردند، صلای کرم می دادند و چه خطابه های غرا و قصیده های شیوا، به تشهیر جود عمیم خویش انشاء می کردند و در بازارها که برای تجارت و تفاخر به پا می شد، انشاد می کردند.

---

۱ - الکامل فی التاریخ

ربا، رسمی متبع بود، ربای دینار به دینار و بدو دینار و به دینار و ربع روی ربع که عملا دینار به چهار و پنج دینار و تعبیر قرآن اضعاف مضاعف می شد متداول بود و بیچاره ای که ضرورت حیات مگس-وار به دام عنکبوتان رباخوار می افتاد تا وقت مرگ مزدور بی جیره او بود و اگر وارثی داشت، پرداخت باقی را که غالباً چیزی بیش از اصل بود به عهده او می گذاشت، قدرت دینار، مستقر و نامحدود بود این به حکم رسوم، بر جان و مال و احیاناً عرض مدیون استیلا داشت، می توانست او را به خدمت بگیرد، به جنگ بفرستد، بزند یا عرض او را به حریف سپرده طلب خود را بگیرد. بهره برداری از عرض زنان تجارت عادی بود عبدالله بن جدعان مال دار معروف تیمی قریشی که از اشراف به نام بود و حلف معروف فضول در خانه او بسته شد، از این راه منافع سرشار می برد، درهم و دینار از هر طریق به دست می آمد مایه شرف و اعتبار بود، سیصد و شصت بت سنگی و فلزی که بعض آنها چشمانی از یاقوت سرخ و زیورهای گرانبها از طلا داشت و صنایع بدوی در آرایش آن تفنن ها کرده بود، از فراز کعبه و داخل آن ناظر استمرار فضایحی بود که چون طمع قرشیان را اقناع می کرد، پنداشتند، مدینه فاضله است و از آن بهتر هیچ نیست، بت پرستی رمز سقوط و انحطاط معنویات و وسیله بسط تجارت و استقرار نفوذ قرشیان در سراسر عربستان از حدود یمن تا مرزهای شام بود، ائتلاف با قبایل عرب که سفر تابستان به شام و زمستان به یمن، در پناه آن منظم می- شد و از غارت کاروان به وسیله بدویان و گرسنگی و فقر که نتیجه آن بود امان می یافتند[۲] سبب جلب بتان و حفاظت آن در حرم مکه بود، در حقیقت این بتان بی جان که رسوم زمان، هاله جلال و قدس الهی اطراف آن برآورده بود عنوان قبایل مختلفی بود که به ائتلاف تجارتی قرشیان پیوسته بودند و کاروان تجارت مکه، که آبنوس و عقیق و مرو کندر و خاکه طلا و مویز و پوست دباغی شده شتر از یمن به شام و از شام به یمن می برد و از این داد و ستد، دیناری دو سه دینار فایده می آورد، در منطقه آنها با پرداخت باجی مختصر، بی خطر می گذشت قبیله ها بتی داشتند و افراد قبیله نیز بتانی داشتند، بت پرست بدوی سنگ صافی را بت خویش می گرفت و اگر سنگ صاف تری می یافت سنگ دیرین را بدور افکنده سنگ تازه را به بغل نهاده راهی می شد، و در مشکلات و مهالک از قدرت او اعانت می جست و در مهمات امور به مشورت او کار می کرد، بعضی کسان بتان خمیری داشتند و هنگام عسرت خدای خویش را می خوردند، تا در فرصت دیگر خدایی تازه تر بسازند.

در محیطی چنین منحط و آشفته که دائماً بتان مقتدرتر و مال داران طماع تر و فقیران فقیرتر می شدند محمد امین، سلاله دودمان شریف و فضیلت پیشه هاشم که از سالها پیش تقریباً همه افراد آن از شفاعت این

---

۲ -سوره فیل

استثمار دامنه دار برکنار بودند، و تقوای خویش را به این فضیحت ها نمی آلودند به سنت خاندان، دین حنیف ابراهیم، پیغمبر قدیم و پدر مشترک قبایل عرب را که اساس آن بر یکتا پرستی و احترام، شرف، فضیلت و شخصیت انسانی بود، پیروی می کرد، به برکت مال خدیجه غم معاش نداشت و برای تفکر در وضع موجود که به حکم صفای باطن، حقارت و قباحت آن را بهتر از همه ادراک می کرد فرصت کافی داشت و بیشتر اوقات خویش را در کوه و صحرا به خلوت و تفکر به سر می برد و یا روزها و شبها از اوج کوه حرا همانجا که مهبط وحی نخستین بود، خانه های مکه را که از دور بر دو کناره دره چون لانه های زنبور می نمود می-دید و از دنائت نظم موجود احساس نفرت می کرد و از آن ستم ها که قرشیان بی انصاف به حمایت بتان به مردم ناتوان روا می داشتند به خدای خویش شکایت می برد.

این دوران خلوت و تفکر سالی چند به طول انجامید گویی در همین اوان بود که تعبیر صمیمی ترین یار و همدم وفادار وی، علی پسر ابوطالب که از کودکی در خانه محمد بزرگ شده بود و جایی را که با مرگ قاسم در زندگی وی خالی مانده بود پر می کرد و در سالهای آخر این سیر معنوی در کوه و صحرا چون سایه به دنبال او همی رفت و توشه وی را از خانه به صحرا می رساند، تبعبیر وی سنگها و درختها؛ طبعاً با آن زبان که فقط اهل دل توان ادراک دارند؛ با او سخن می کردند و سلامش می دادند.

دوران عزلت و نحنث و تفکر، تا چهل سالگی دوره بلوغ عقلی مردان طول کشید و نخستین آثار وحی صورت رویاهای روشن چون فلق صبح دم بر او آشکار می شد[3] روح عظیم کائنات خدای لایزال ابدی که هر چه در خلقت هست از اوست و جز او هر چه هست به هستی او وابسته است این جان پاک و مستعد را برای اعلام پیام خویش به آن گمشدگان بی خبر از حق اسیر در دام اوهام که معبود ظاهرشان سنگ و معبود حقیقی شان طلا بود و همه مردم جهان هر که پیام بدو تواند رسید، برگزیده بود.

شبی در غار حرا همانجا که عبادت گاه و خلوت گاه این روح بزرگ در آن سفر طولانی از خلق سوی خالق بود فرشته خدا به او نمایان شد و اولین آیه های قرآن را به او تعلیم داد. بگذارید وصف آن لحظات هیجان انگیز را که از حوادث فاصل تاریخ است از زبان محمد ص که بی گفتگو صدیق ترین و امین ترین مردان جهان بود نقل کنیم، این تفصیل راسیرة ابن هشام که قدیمی ترین کتاب سیرت موثق و موجود است و منشی آن بسیار نزدیک به عصر رسالت می زیسته از زبان همو که در غار حرا خلعت رسالت پوشید، درباره وحی نخستین نقل می کند که فرمود«در آن حال که خفته بودم جبرئیل با طوماری نوشته از دیبا نزد من شد

---

۳ -الروض الانف

و گفت بخوان گفتم خواندن نتوانم، پس مرا فشاری داد که پنداشتم حال مرگ است، آنگاه رهایم کرد و گفت: بخوان گفتم چه بخوانم چنین گفتم مبادا آن رنج تکرار شود گفت: اقراء باسم ربک الذی خلق، خلق الانسان من علق، اقراء و ربک الاکرم، الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم[4] پس بخواندم و به پایان بردم و از نزد من برفت و از خواب برخاستم، گویی این کلمات در قلب من نقش بسته بود، از غار برون شدم، و در نیمه راه کوه. از آسمان بانگی شنیدم که می گفت: ای محمد تو فرستاده خدایی و من جبرئیلم، سر به آسمان بلند کردم و نگریستم جبرئیل به صورت مردی پاهای خویش در افق آسمان گشوده بود و می گفت: ای محمد تو پیغمبر خدایی و من جبرئیلم پس ایستادم و او را نگریستن گرفتم، و نه جلو رفتم و نه عقب رفتم روی خویش در آفاق آسمان از او بگردانیدم اما به هر طرف نگریستم او را همچنان بدیدم به همان حال ایستاده بودم و جلو نرفتم و به عقب باز نگشتم تا خدیجه کسان خویش به طلب من فرستاد که به بالای مکه رفته و سوی او بازگشته بودند و من در جای خویش ایستاده بودم، آنگاه جبرئیل برفت و من نیز سوی خانه شدم».

چه دقیق و شیرین و باشکوهست، این کلمات که آن روح منور مصفا که پس از سال ها تکاپو، به جستجوی حقیقت و فرار از اوهام از نخستین رابطه خویش با سرچشمه نور و معرفت و حیات و بقا، روح الارواح بزرگ که آسمانها و زمین و ماه و خورشید و ستارگان، پای کوبان بزم جلال اویند، به زبان می آورد.

بدین طریق، به سال چهلم حیات محمد ص سیزده سال بیش از هجرت یعنی به تقریب ۱۳۹۰ سال پیش در شب بیست و هفتم رجب در غار حرا که شهر مکه را در دامان خود دارد نزول وحی الهی به صورت کلامی صریح به زبان عربی فصیح که قبلاً و بعداً برای هیچ یک از ابنای آدم قابل تقلید نبوده و نیست آغاز شد و آیه اول تا پنجم سوره علق که در نظم موجود سوره نود و ششم قرآن است به او وحی شد که در خاطرش نقش بست.

آنگاه فترتی بود که مدت آن معلوم نیست و به دنبال فترت، نخستین آیه های سوره مدثر سوره هفتاد و سوم نظم موجود قرآن القا شد که یا ایها المدثر، قم فانذر و متعاقب آن دعوت محمدی برای ترک بتان و پرستش خدای یکتای بی نظیر و ترک ربا و انفاق مال و تاهل با فقیر و اعانت مضطر و اعتدال و انصاف و تقوی و امید ثواب و بیم عذاب آغاز شد و پیغمبر منتخب خدا تا بیست و سه سال بعد که جانش از قالب خاکی به مرجع جانهای مطمئن پیوست در راه اشاعه این دعوت عام که مرحله به مرحله بسط یافت و مکه و اطراف آن و همه عربستان و همه جهانیان را به اسلام دین خاص خدای می خواند یک لحظه از پای ننشست و چون صدای

---

٤ -سوره علق۱،۵

«یا ایها المدثر» شنید به پاسخ همسر وفادار خویش که وی را به استراحت می خواند فرمود:«دیگر وقت استراحت گذشت».

قرشیان در اول نسبت به دعوت محمدی بی اعتنا ماندند پنداشتند هوسی گذراست که به مرور زمان خاموش می شود. گذشت ایام نشان داد که خطا کرده اند دعوتگر جدید در کار خویش کوهی بود استوار، نه نرمش می کرد و نه لغزش می یافت. وقتی به او می گفتند اگر از دعوت خویش رفاه و مال و جاه می جوید جمهوری مکه برای امنیت خویش مقاصد او را انجام می دهد پاسخی داد که چون آتش دان شعله ایمان از آن می جهد گفت:«بخدا اگر خورشید را در یک دست و ماه را در دست دیگرم بگذارند از پای نخواهم نشست».

نخستین تصادم به صورت تبلیغات شدید بر ضد دین جدید که قرشیان هوش و دهای شیطانی خویش را در راه بسط آن به کار می بردند آغاز شد«از اینکه پیغمبری از خودشان سویشان آمده بود، تعجب کردند، گفتند «این جادوگری دروغگوست»[۵] گفتند«این چه پیغمبریست که غذا می خورد و در بازارها گام می زند، چرا فرشته ای با او نفرستاده اند. چرا گنجی برای او نینداخته اند. چرا باغی ندارد که از آن بخورد» (فرقان۷،۸) گفتند:« چطور همه خدایان را یک خدا می کند، واقعاً که این چیزی عجیب است» (انعام۵) گفتند:«به تو ایمان نیاریم تا از زمین چشمه ای برای ما بشکافی یا باغی از نخلها و تاکها داشته باشی، یا چنانکه پنداری پاره ای از آسمان را روی ما بیندازی، یا خدا و فرشتگان را به گروه سوی ما بیاری، یا خانه ای از طلا داشته باشی، یا به آسمان بالا روی و بالا رفتنت را نیز باور نکنیم تا مکتوبی به ما نازل کنی که آن را بخوانیم» (بنی اسرائیل۹) این منطق مخالفان بود، اراده خدا را تابع هوس خویش می خواستند می گفتند «چرا به او فرشته ای نازل نمی شود (انعام۸) چرا از پروردگارش معجزه ای از آن معجزه ها که ما میخواهیم به او نازل نمی شود»(رعد۲۷)

امانت و نصفت را ببینید، این قرآن است که تبلیغات دشمنان را تکرار می کند که اسلام دین برهان و تفکر است و از قوت خویش اطمینان دارد، اعتراضات مخالفان را تکرار می کند، تا همه بشنوند و بیندیشند و قضاوت کنند، سماحت و وسعت نظر، در تحمل نظریات خصم اینست.

جنگ سرد دیری نپایید، دعوت محمدی رونق گرفت و به تدریج گروهی از آنها که خدا نعمت هدایت نصیب شان کرده بود، از زلال تعلیمات محمدی که بر ضد نظم موجود به احترام تعقل و تفکر و رهایی از قید اوهام و عادات و هوس ها دعوت می کرد، سیراب شدند. و آوازه دین جدید از مکه برون شد و به قبایل

---

۵ - ص،٤

دیگر رسید، نظم مکه در خطر افتاد و دارالندوه سنای بدوی مکه به عضویت نمایندگان قبائل قریش، به رهبری ابوالحکم مخزومی معروف به ابوجهل داهیه قریش، فعالیت عملی و جدی بر ضد اسلام آغاز کرد. تهمت و افترا کاری نساخته بود، نوبت تهدیدات سخت تر و اعمال شدید تر رسیده بود، و این گروه به ظاهر ضعیف به معنی قوی، پیروان دین جدید که تعدادشان کمی از تعداد چند بار انگشتان دو دست بیشتر بود، در تابستان آتش پز مکه که گوشت خام در چند لحظه بر ریگ ها قدید می شود، شاهد این منظره هول انگیز بودند، که دو زن و مرد پیر، از مسلمانان نخستین بر ریگ های سوزان، شکنجه شیخ مخزومیان را تحمل می کنند و یکی از آنها در آن حال که در زیر شکم ضربتی سخت خورد و زوبین از جلو رفت و از پشت درآمد، با زجری که تصور آن اعصاب را متشنج می کند در چنگال تشنجات مرگ آنجا که پرده پندار و دورغ و ریا می درد و ریشه دارترین معنویات انسان، از عمق خاطر جلوه گر می شود، احد احد گفت تا جان داد.

تهدید قرشیان چنان سخت شد که تعدادی از پیروان دین جدید، به ترک یار و دیار ناچار شدند و راه حبشه را که در آن روزگار، دولتی مقتدر تابع دین مسیح داشت پیش گرفتند و باقی به تبعیت هاشمیان که به تلقین محمد ص و تایید ابوطالب، پیر شریف و مصمم و شجاع سر مقاومت تا آخرین رمق داشتند، در حصار اقتصادی قرشیان افتادند، آن روزها نیز مثل امروز و مثل همیشه ابوالهول اقتصاد در سقوط همتها و در هم شکستن دعوت ها عامل اول بود و سنای بدوی مکه که در کار دعوت جدید درمانده بود و نفوذ بتان و قدرت درهم و رواج ربا و ائتلاف قریش را در خطر می دید سلاح برنده اقتصاد را برای فرود آوردن ضربت نهایی به کار برد و میان قریشیان پیمانی بسته و در کعبه آویخته شد که با هاشمیان داد و ستد نکنند تا از احتیاج به جان آمده برای رهایی خویش حمایت از محمد ص بردارند.

به ناچار هاشمیان و تنی چند از باقیمانده مسلمانان در آن دره فرعی مکه معروف به دره ابوطالب فراهم شدند و سه سال تمام در حصار اقتصاد مکیان، خدا می داند از گرسنگی و هول و اضطراب دائم چه کشیدند، فتح عظیم اسلام، داستان این شکنجه ها را که فقط کوه های بلند یا مردانی که همتی به بلندی کوهها و صلابت صخره ها دارند به تحمل آن قادرند، از یادها برد و مورخان با چند جمله کوتاه به سرعت از روی سه سال رنج و اضطراب دائم که گروهی از نفوس انسانی فقط به این گناه که می گفته اند خدای ما یکی ست از دست خداوندان قدرت و مال تحمل کرده اند، گذر می کنند. تاریخ از این بی انضباطی ها بسیار دارد. در همین ایام بود که ابوطالب شیخ بنی هاشم، مرد مدبر و شریف و فداکار که در کار حمایت دعوت نوزاد اسلام حقی فراموش نشدنی دارد، از بیم شبیخون متعصبان قریشی، هر شبانگاه علی ع فرزند دلبند خویش را که هیجده و نوزده ساله بود به جای محمد ص به بستر جای می داد و بستر او را به خفاگاه می برد.

عاقبت موریانه ایام پیمان قریشیان را بخورد و حصار درهم شکست اما به دنبال حصار در نتیجه آن زجرهای مداوم سه ساله، دو زن و مرد سالخورده، ابوطالب و خدیجه که هریک به تقریب هفتاد و بیشتر داشتند و حمایت معنوی و مادیشان در بسط دین جدید و تایید مسلمانان بسیار مؤثر بود، یکی پس از دیگری، قالب خاکی تهی کردند و مرگشان برای دعوت نو بنیاد که دشمنانی سرسخت و عنود چون شیخ مخزومیان و علمدار امویان و سایر متنفذان قریش داشت، خسارتی جبران ناپذیر بود و شاید به همین دلیل سنای بدوی مکه جرئت یافت و برخلاف رسوم مستقر قدیم که مکه را حرم امن اعلام می کرد و در آنجا، خون ریختن راحتی در مقابل جنایت مسلم ممنوع می داشت، رأی داد که خون پاک محمد به دست نمایندگان قبایل ریخته شود تا جمهوری مکه و مقام بتان از خطر دعوت جدید که هر روز قوت آن آشکار تر می شد محفوظ ماند.

شبانگاهی که رای سنای بدوی پخته و برای اجرا آماده می شد، فرستادگان دارالندوه اطراف خانه محمد را گرفتند تا صبحگاه که همه تشریفات کامل می شود به پندار خویش خون محمد امین بت شکن را، در آستان بتان بریزند.

گویی یکی از نمایندگان قبایل در مرحله آخر به لیت و لعل افتاده بود و سنا بیم داشت تا اقناع وی مرغ بهشتی از قفس پریده باشد، احتیاطی پس از وقت بود که رهبر دین جدید، روز همان شب از خطر رسته و تا غوغای تعاقب قریشیان آرام شود، به غاری پناه برده بود و این علی پسر ابوطالب بود که در بستر او خفته و نگهبانان سنا را به مراقبت خود مشغول داشته بود و قریشیان خشمگین که با آن همه نیرنگ حکم سنا را یاوه می دیدند، تعاقب کنان تا نزدیک خفاگاه رفتند اما عنکبوتی بر در غار تار تنیده و کبوتری بر کنار آن تخم گذاشته بود جز بازگشت چه می توانستند کرد؟ این اراده خداست وقتی بخواهد به تار عنکبوتی و تخم کبوتری مجرای تاریخ را عوض می کند.

هجرت محمدی، دعوت جدید را به مرحله تازه کشید قبایل جنوبی اوس و خزرج که در شهرک یثرب اقامت داشتند و از تطاول یهودان اطراف به جان آمده بودند، مقدم پیغمبر را که پیوسته بشارت ظهور قریب الوقوع او را از احبار یهود می شنیدند، گرامی داشتند و انصار دین جدید شدند مهاجران مکی و انصار مدنی به برکت اسلام برادران شدند و هر چه داشتند، قسمت نهادند و هنگام آن رسید که اتباع دین جدید برای بسط دعوت خدا قوت را به قوت پاسخ دهند و از جانب خدا به آنها که چون ستم دیده بودند قصد کارزار داشتند،

همانها که به ناحق فقط به این گناه که می گفتند پروردگار ما خدای یکتاست از دیارشان بیرون شده بودند اجازه داده شد.[6]

تصادم نخستین، میان نظم موجود و دین جدید، سال دوم هجرت بر سر چاه بدر در جنوب مدینه رخ داد، نخبه مردان قریش که برای حمایت کاروان خویش آمده بودند وقتی کاروان از خطر جست و گروه سیصد و چند نفری مسلمانان به ظاهر حقیر را نزدیک خویش می دیدند، مصمم شدند، با یک یورش فتحی نمایان کنند و شتر بکشند و می نوشند و دف بزنند و هیبت وصولت قریش را تجدید کنند و آن سیصد و چند مهاجر مکی و انصار مدنی که بیشترشان جز اطمینان کامل از یاری خدا، سلاحی برای جنگ نداشتند در گرماگرم معرکه، شجاعانه کوشیدند و فتحی بزرگ چون ایمان خویش کردند، جبروت مکیان در سراشیب سقوط افتاد و هفتاد و چند تن از معاریف رجال که همه سری و کلاهی و فروجاهی داشتند، به تیغ جنگاوران بدر که قهرمان بی رقیب شان علی پسر ابوطالب بود، لاش بی جان شدند و ابوجهل متعصب، شیخ طائفه زورمند مخزوم که صبحگاه بدر، در آن لحظه آخر که کفه صلح سنگینی می گرد، با نیرنگی ماهرانه آتش جنگ بیفروخت، به دست یک چوپان مدنی سزای خویش بدید: سرش چون گوسفند بریده شد. تصادم بدر از فواصل تاریخ بود، که ورق برگشت و مستضعفان دیروز، به نیروی اسلام، فاتحان امروزی شدند نسیمی که از بدر برخاست، طوفانی عظیم شد و تا یک قرن بعد به قلب اروپا و پشت دیوار چین رسید.

جنگ انتقامی مکیان سال بعد در دامنه کوه احد، در شمال مدینه، رخ داد، سه هزار مرد از مکیان و قبایل معاهدشان آمده بودند شکست بدر را جبران کنند، در نخستین ساعات تصادم، تفرقه در صف قرشیان افتاد و آن گروه کمان دار پنجاه نفری که در حقیقت عقب دار نیروی اسلام بود برخلاف دستور صریح پیغمبر که فرموده بود هر چه پیش آمد جای خود را رها نکنید، به طمع غنیمت از محل خود سرازیر شد و خالد بن ولید مخزومی، نیروی شکست خورده را فراهم آورده از پشت سر از همانجا که کمان داران مأمور دفاع آن بودند، ناگهان به نیروی فاتح که به غنیمت بردن و اسیر گرفتن سرگرم بود و آرایش جنگی نداشت و آماده دفاع نبود حمله برد، مصیبتی رخ داد، فتح افتخار آمیز، به شکستی هول انگیز بدل شد، گروهی از مسلمانان از جمله حمزه عموی شجاع پیغمبر که قوتش مایه عزت اسلام بود، جان باختند و هند مادر معاویه، همان که چهل سال بعد قبای خلافت اسلام به تن کرد، به انتقام کشتگان بدر، طبق یک رسم بدوی جگر حمزه قاتل عزیزان خویش را به دندان کشید و شاید پاره ای از آن را بخورد و اگر علی شهسوار اسلام که هیچ وقت پشت به دشمن نکرد و تنی چند جانبازان دیگر سر شکست را متوقف نمی کردند و در مقابل هجوم آخرین که

---

٦ -حج٤٠، ٣٩

هدف آن کشف نهانگاه محمد در دل کوه و قتل وی بود به دفاع صمیمانه نمی پرداختند خدا می داند دنباله این شکست تا کجا می کشید.

و دو سال بعد بار دیگر قرشیان که در بدر، زخم خورده و در احد زخم زده بودند نیرویی به تقریب بیش از ده هزار از مکه و اطراف و از قبایل همدل فراهم آوردند که به پندار خویش کار را یکسره کنند و از تهدید دائم مسلمانان که نفوذ تجارتشان را به خطر داشت بیاسایند و سپاه معروف احزاب، یثرب شهر کوچک بی حفاظ را که فقط در روزهای قبل از هجوم، به تلقین سلمان، نخستین ایرانی مسلمان، گودالی آنقدر عریض که اسب و مرد عادی از روی آن جستن نتواند، در شمال آن به شکل نیم دایره و طول چند صد ذرع کنده بودند، در محاصره گرفت. وضعی دقیق و پرخطر بود در آن سال بی حاصل، مسلمانان قحطی زدهٔ حصاری، در قبال نیرویی لااقل شش برابر خویش توان دفاع نداشتند، وحدت داخلی نیز به خطر بود، عبدالله ابن ابی سلول اوسی، منافق معروف که پیش از استقرار اسلام، صولجان شاهی مدینه را در دامن خویش می دید و زرگران ماهر یهود، تاج او را در دست ساختن داشتند، مثل همه قدرت دوستان مقام باخته، فتنه گری آغاز کرد و می گفت:«ای یثربیان جای ماندن شما نیست بروید» (احزاب۱۳) و یهودان بنی قریظه که خانه هایشان در انتهای جنوب شرقی یثرب، حفاظ قسمتی از شهر بود، در آن تنگنا به سنت دیرین فرزندان اسرائیل، پیمان شکستند و به دشمن پیوستند.

«دشمن از بالا و زیر آمده بود و دلها به گلوها رسیده بود و مؤمنان به سختی متزلزل شده بودند»(احزاب۱۲،۱۱،۱۰) و سست همتان می گفتند خدا و پیغمبرش جز فریب به ما وعده ندادند (احزاب۹).

اما بر رغم کافران و قدرت طلبان و یهودان و غارتیان بدوی، خدا می خواست دین خویش را غلبه دهد و چنین شد، به تدبیر محمدی شکاف و بد دلی میان یهودان و احزاب پدید آمد و علی دلیر دلیران، در لحظه خطر عمر عبدود را که با تهوری رعب انگیز از تنگنای خندق جسته هماورد می طلبید شانه درید و نقش خاک کرد و ضرب شصت وی احزاب آماده یورش را تا شب دو دل کرد و شبانگاه یاری نهانی خدای که طوفانی سخت بود، خیمه و خرگاه احزاب را که از طول حصار به رنج در بودند، به هم ریخت و دیگها را وارونه و آتش ها را پراکنده و خاموش کرد و سورت سرما بدویان را چنان به جان آورد که شبانه بار بستند و چون هزیمتیان برفتند و بامدادان، از آن نیروی عظیم که یثرب را ز یرسم ستوران خویش ویران و مسلمانان را تار و مار می دید دیاری نبود، «خدا جنگ را از مؤمنان کفایت کرده بود» (احزاب۲۵).

از آن پس در نتیجه سفر حدیبیه به سال ششم هجرت رخ داد، و در نتیجه قراردادی که در موقع خود شکستی تلقی شد اما حوادث نشان داد که فتحی مبین (فتح۱) بوده است زمینه سقوط مکه مرکز بتان فراهم شد. و در ضمن این حوادث، از بدر تا عمرة القضا که به سال هفتم بود، مشکل بزرگ دیگری که خطر آن برای بسط اسلام از خطر خصومت مکیان، کمتر نبود، یعنی مشکل فرزندان توانگر و فتنه جوی اسرائیل، که از قرون بسیار قدیم در اطراف یثرب و در خیبر و فدک و تیما و وادی القری مقیم بودند، مرحله به مرحله نهایی رسید و شوکت این گروه توطئه چین که چون موریانه بنای سلامت جماعت ها را می خورند و ثروت ملتها را به دم می کشند درهم شکست، پس از بدر یهودان زرگر بنی قینقاع، ضمن یک محاصره کوتاه به ترک دیار خویش وادار شدند، پس از احد سرنوشت یهودان بنی نصیر نیز چنین شد و از پس احزاب، یهودان بنی قریظه به سزای آن خیانت که هنگام خطر کردند پس از محاصره ای کوتاه، بلا شرط تسلیم شدند و به حکم حکم مرضی الطرفین به قتل عام محکوم و یک روز معدوم شدند و پس از حدیبیه قلعه نشینان خیبر و فدک و یهودان تیما و وادی القری، پس از زد و خوردهای کوتاه به اطاعت در آمدند و مزارعان اسلام شدند. بدینسان پسران اسرائیل که تساهل اسلام و سماحت قرآن، مغرورشان کرده بود، و عیان و نهان در اکثر توطئه- های ضد اسلام به مال و مقال شرکت داشتند، به سزایی که به قیاس خیانت هایشان، قرین اعتدال بود رسیدند و دین نوزاد از تحریکات مسلحشان بیاسود.

وقتی به سال هشتم هجرت فتح مکه رخ داد و بتان از فراز کعبه نگون سار شدند و فتنه گریهای متنفذان قریش بر ضد اسلام پایان یافت و این مردم مدبر و داهیه که رموز حیات را در مکتب تجربه نیک آموخته بودند، به جز چند تن فراری، به طمع یا امید، به حلق دین جدید پیوستند، راه استقرار مسلمانی در سراسر عربستان هموار شد، نصرت و فتح خدا بیامد و مردمان گروه گروه بدین خدا در آمدند.(نصر۲،۱) و قبایل عرب در راه اسلام و اطاعت، مسابقه آغاز کردند.

کمی پیش از فتح عظیم، در ناحیه شمال با نیروی مستعمراتی روم و پس از آن در جنوب در دره حنین و اطراف طائف، با قبایل سرسخت هوازن و ثقیف جنگها رخ داد که توفیق در جنگهای جنوب، آثار عقب نشینی شمال را محو کرد و ستاره اقبال مسلمانان همچنان تابناک و در اوج جلوه خویش بود.

به سال نهم، در دل آن تابستان بسیار گرم، سفر تبوک پیش آمد و فتنه گران داخلی که سالها امید داشتند مال داران مکی بادها و توطئه های خویش بنیاد اسلام را براندازند از روی نومیدی، به دستیاری عبدالله بن ابی و ابی عامر راهب، زمینه آشوبی را برای واژگون کردن وضع موجود، فراهم کردند و مسجد ضراری برای تفرقه مؤمنان بساختند (برائت۱۰۷) و سر آن داشتند که هنگام بازگشت از تبوک در گردنه ای صعب

العبور، رهبر عظیم الشان اسلام را از میان بردارند، و به همین دلیل بود که هنگام سفر علی پسر ابوطالب را که به شجاعت و صمیمیت وی اعتمادی بی نهایت داشت بجای خویش گماشت.

آنگاه به سال نهم، حجة الوداع بود که ضمن مراسم آن در عرفه در برابر گروه های عظیم زائران که تقریباً از همه قبایل عرب بودند، آن خطابه جاوید را القا کرد و به تهلویح اعلام داشت که من وظیفه رسالت خویش به سر بردم و پیاپی خدا را بر این قضیه شاهد گرفت و از پی آن وحی آمد که «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خویش به شما تمام کردم» (مائده۳) و در بازگشت از حجة الوداع نزدیک جحفه در محل غدیر خم از روی منبر موقت بازوی آن جوان دلیر و مخلص و مؤمن را که در مواقع مکرر با استقامت و شجاعت خویش اسلام را از خطر رهانده بود گرفت و صلای من کنت مولاه فعلی مولاه داد.

این تذکار فهرست وار در مقدمه گفتگو از قرآن شریف لازم بود تا دورنمایی از فعالیت مداوم پیغمبر خاتم را برای فهم شمه ای از تاریخ قرآن، به یاد داشته باشیم، فعالیتی که بیست و سه سال تمام سیزده سال در مکه و ده سال در مدینه، بی وقفه دنبال شد تا آنجا که به جرئت می توان گفت: در این مبارزه مستمر بر ضد مکیان قدرت و ثروت طلب و بدویان متعصب و یهودان فتنه جو و منافقان آشوبگر، تنها ایام استراحت و فراغت وی، همان روزها بود که در خانه عایشه در گرمای توان فرسای تب، در انتظار سرنوشت همه فرزندان آدم بود و با تأثر می دید که اختلاف یاران وی، بر سر آن میراث عظیم معنوی که به جهانیان تعلق داشت و قطعاً برای رهبری آن پسر عم خود را بر دیگران ترجیح می داد، از همان کنار بستر آغاز شده است و این کسان که به برکت وجود وی از ظلمات سرگردانی و گمنامی به هدایت خدا و عزت دنیا و روشنی تاریخ رسیده اند در آستانه مرگ که روسوی خدای خویش دارد، قلم و دواتی را از او دریغ می کنند.

و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسورة من مثله(بقره،۲۳)

در دوران نبوت و دعوت محمدی از بعثت تا وفات، سوره های قرآن به وسیله روح امین به تفاریق به وی نازل وحی و القا گردید.

قرآن در موارد بسیار برای اعلام کلمات و آیات الهی صیغه انزال و تنزیل را به کار میبرد.

بما انزل الیک (بقره۲) انزل علیک الکتاب (آل عمران،۷) و الذی انزل الیک من ربک (رعد،۱) کتاب انزلناه الیک (ابراهیم۱) بالحق انزلنا هو بالحق نزل (بنی اسرائیل۱۰۵) انا انزلنا الیک الکتاب (زمر۲) الذی

انزل الکتاب (شوری۱۷) انا انزلنا في ليلة مباركة (زمر) انزلنا هد القرآن علی جبل (دخان۳) کتاب انزلناه مبارک (حشر۲۱) انا انزلناه قرآناً (یوسف۲) کذلک انزلناه قرآناً عربیاً (طه،۱۱۳) کتاب انزل الیک (اعراف۲) و اذاما انزلت سورة (توبه۱۲٤) سورة انزلناها (نور۱) ولقدا انزلناها الیکم آیات (نور۳٤) و کذلک انزلناه آیات (حج۱٦) انزله الذی یعلم السر (فرقان٦) لقد انزلنا الیکم کتاباً (انبیا۱۰) نزل علیک الکتاب (آل عمران۳) نزله روح القدس من ربک (نحل۱۰۲) الله نزل احسن الحدیث (زمر۲۳) انا نحن نزلنا علیک القرآن (زمر۲۳) و انه لتنزیل رب العالمین (شعرا۲۰،۱۹) تنزیل من الرحمن الرحیم (فصلت۲) تنزیل ممن خلق الارض (طه٤) تنزیل الکتاب لاریب فیه (سجده۲) تنزیل الکتاب من الله العزیز الحکیم (جائیه۲) تنزیل من رب العالمین (حاقه٤۳)

و در موارد بسیار دیگر، برای این حالت صیغه ایحا به کار رفته است و کذلک، اوحینا الیک قرآنا (شوری۷) و الذی اوحینا الیک (شوری۳۱) اوحینا الیک روحاً (شوری۵۲) اتل ما اوحی الیک (کهف۲۷) بما اوحینا الیک هذالقرآن (یوسف۳) اوحینا الیک (نساء۱٦۳) اوحینا الی رجل منهم (یونس۲) و الذی اوحینا الیک (فاطر۳۱) ثم اوحینا الیک (نحل۱۲۳)

و در بعضی موارد نیز به صیغه القا یاد شده است و انک لتلقی القرآن (نمل٦) و ما کنت ترجوا ان یلقی الیک الکتاب (قصص۸٦) و انزال، در قرآن به معنی فرود آوردن در مکان رب انزلنی منزلا مبارکا (مومنون۲۹) و فرود آوردن از بالا به پایین و انزلنا من السماء ماء (بقره۲۲) و مهیا کردن، انزلنا الحدید(حدید۲۵) آمده است.

و نیز ایحا به معنی اعلام نهانی است (مجمع البحرین) وفا و اوحی الیهم آن سبحوا (مریم۱۱) و نیز به معنی الهام فطری است و اوحی ربک الی النحل (نحل٦۸) و اوحینا الی ام موسی (قصص٦) و بی گفتگو مقصود از نزول و تنزیل قرآن و وحی کردن آن همان اعلام کلمات و آیات است که به کیفیت خاص از جانب خدای رحمان به قلب ختم پیغمبران القا شده است که قرآن کریم بدین نکته ناطق است نزله علی قلبک باذن الله (بقره۹۷) نزل به روح الامین علی قلبک (شعرا۱۹٤،۱۹۳)

و درباره کیفیت نزول وحی یک روایت قدیمی نسبة مؤثق منتسب به فراگیرنده وحی چنین گوید: «گاهی وحی به من می رسد، چون صدای زنگ و این بسیار سخت است و چون منقطع شود آنچه گفته به خاطر دارم و احیاناً فرشته به صورت مردی به من نمایان می شود و آنچه می گوید به خاطر گرفته ام» (مناهل)

و آن کسان که افتخار صحبت ختم پیغمبران داشته اند از حالات نزول وحی از مشاهدات خود گفته اند که گاه در سرمای سخت وحی بر او نازل می شد و چون انحال قطع می شد عرق از پیشانی وی همی ریخت، و بعض کسان دیگر که در هنگام نزول وحی حضور داشته اند نقل کنند که صدایی خفیف چون صدای زنبور می شنیده اند محقق است که این روایات به قوت سند و اعتبار انتساب یکسان نیست اما چون با آنچه در قصوص قرآن هست ناسازگار نیست و بلکه تا حدی موضح آنست، اعتماد بر آن توان کرد.

بسیاری محققان از این مرحله جلوتر رفته و در کیفیت نزول وحی و ظهور فرشته و طریقه وساطت در تلقی و القای وحی که آیا کلمات قرآن را با همه خصوصیات از علم خدا دریافت و عیناً القا کرده و یا معانی را از علم خدا گرفته و کلمات از انشای او(یعنی فرشته) است و یا فقط معانی را دریافت کرده و به فراگیرنده وحی القا کرده است گفتگوها در انداخته اند که حقاً همه رجم به غیب است زیرا در زمینه مسائلی که منبع آن نقل است، به قیاس و تنظیر، خوض کردن، تهوری عجیب است و حقاً من از آن کسان از فضلای سلف از اهل سنت چون ما وردی و طیبی که در حسن نیتشان تردید نیست به حیرتم که چسان بدون دلیل نقل و هدایت عقل فقط به کمک لیت و لعل درباره جزئیات وحی و کیفیت آن سخن می کنند و نیز از بعضی متاخران چون صاحب مناهل العرفان با آن همه حمیت که در دفاع از مقام قدس قرآن ابراز می کند، در عجبم که به چه جرئت قضیه وحی الهی را که خارج از حدود نصوص، کیفیت آن مرموز است، با خواب مغناطیسی که آن نیز حالتی مبهم و غیر قابل فهم است قیاس می کنند.

آنها محقق است و از متواترات تاریخ است محمد امین، صاحب فضیلت و شرف و عفت و صدق امانت و تقوای بی نظیر، پس از سالها عبادت و تزکیه نفس و تکاپو در راه طلب که به خلوت و تفکر گذشت، بدون تعلیم انسانی، ناگهان از غار حرا باز آمده و اعلام کرد که فرشته خدا به من نمایان شده و وحی آورده و کلمات وحی را به زبان عربی فصیح اما به سیاقی که تا آن روز سابقه نداشت، در کوی و برزن همی خواند و می-گفت این کلمات و آیات از جانب خدای یکتای (اخلاص۱) بی همتای قادر روزی رسان که پیش از همه بوده و پس از همه خواهد بود (حشر۳) که جز ذات او همه چیز فانیست (قصص۸۸) و خدایی جز او نیست و زنده و پاینده است (آل عمران۲) و شاهی آسمانها و زمین و هر چه در آن هست خاص اوست (مائده۱۷) خدای شنوای بینای (غافر۳) والای بزرگ (غافر۱۳) آمرزگار مودت شعار (بروج۱٤) توبه پذیر رحیم (توبه۱۱۸) نیرومند مقتدر (سجده۲۲) بی نیاز (یونس٦۸) فرزانه (شوری٥۱) که نامهای نیکو خاص اوست (طور۲۸) و خالق همه چیز است (انعام۱۰۳) و در شاهی شریک ندارد (بنی اسرائیل۱۱۱) و علم او به همه چیز رساست (انعام۸۰) و دانای غیب و شهود است (مومنون۹۲) و در زمین و آسمان چیزی از او نهان نیست (آل عمران٥)

و گنجینه های غیب نزد اوست و هیچکس جز او غیب نمی داند در خشکی و دریا هر چه هست می داند و هیچ برگی نیفتد مگر آن را بداند (انعام۵۹) و هر چه عیان کنید و هر چه نهان کنید می داند و دانای مکنونات سینه هاست (تغابن٤) خدایی که آسمان و زمین را به حق آفریده (انعام۷۳) و آسمانها را بدون ستونها که توانید دید بالا برده (رعد۲) و زمین بگسترده (رعد۳) و ظلمات و نور پدید آورده (انعام۱) و در آسمانها برجها و چراغی و ماهی روشن نهاده و شب و روز را از پی هم کرده (فرقان٦١، ٦٢) خدایی که شما را نقش بندی کرده و صورت هایتان نکو کرده (تغابن۳) و شما را از زمین و آسمان روزی می دهد (نمل٦٤) که خلقتان کرده و روزیتان داده و باز بمیراندتان و باز زنده تان کند (روم٤) و اگر خواهد شما را ببرد و دیگرانی بیارد (نساء۱۳۳) خدای یگانه مقتدر (رعد١٦) پروردگار شما و پدران قدیم شما (دخان۸) که از جهانیان بی نیاز است (بقره۹۷) و شاهی و ثنا خاص اوست و به همه چیز تواناست (تغابن۱) خدایی که رعد به ستایش او تسبیح می کند (رعد۱۳) و هر چه در آسمانها و زمین هست با خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جنبندگان و بسیاری مردمان سجده او می کنند (حج۱۲) و هر چه در آسمانها و زمین هست از اوست و همه فرمانبران اویند (بقره١١٦) پادشاه پاک بی خلل ایمنی بخش مراقب نیرومند مقتدر عظیم الشان (حشر۲۳) که دیدگان ادراک وی نکند (انعام۱۰۳) و غذا دهد و غذا نخواهد (انعام١٤) خدایی که با بندگان مهربان است (بقره۲۰۷) و رحمت را بر خویش مقرر کرده (انعام۱۲) خالق صورت آفرین (حشر۲٤) که چون چیزی اراده بدو گوید باش و وجود یابد (مریم۳۵) این کلمات از جانب آن خداست و من شما را عذاب او بیم می دهم.

حقاً نادره ای بود یکی از ابنای بشر می گفت، خدا مرا خاص اعلام پیام خویش کرده ات و بر ادعای خویش نشانی داشت، می گفت: همین کلمات که من به زبان شما می خوانم کلمات خداست. و نشان رسالت من همین است که شما مردم سخن دان و فصیح البیان که رموز سخن و هنر ترکیب کلمات نیک دانید، از تقلید آن ناتوان مانید ادعایی عجیب بود و معجزی عجیب تر.

محمد ص به زبان وحی می گفت اگر از این قرآن به شک اندرید سوره ای نظیر آن بیارید و اگر نکردید و هرگز نخواهید کرد از آتشی که هیزمش مردم و سنگ است و برای کافران آماده شده بترسید (بقره۲٤،۲۳) اگر می گویید قرآن را ساخته است سوره ای نظیر آن بیارید (یونس۳۸) اگر می گویید قرآن را ساخته است و سوره ساختگی نظیر آن بیارید (هود۱۳) و کار تحدی و دعوت به معاوضه را به آنجا رسانید که میان آن گروه متعصب که سخن دانی را مایه تشخص و ناحیه تخصص خود می دانستند به زبان قرآن صلا داد که اگر آدمیان و پریان فراهم آیند که نظیر این قرآن بیارند هرگز نظیر آن نیارند و گرچه پشتیبان همدیگر شوند (بنی اسرائیل۸۸) جنگ سرد بر ضد قرآن آغاز شد. گفتند بشری به او تعلیم می دهد (نحل۱۰۳) دروغی

است که ساخته و گروهی دیگر به ساختن آن کمکش کرده اند (فرقان٤) این داستانهای گذشتگان است که نوشته شده است و بامداد و پسین بدو املا می کنند (فرقان٥) گفتند این خیالات پریشان است، اصلا آن را ساخته است، اصلا او خیال پرداز است (انبیاء٥) می گفتند: این قرآن جز داستانهای گذشتگان نیست (انعام٧) چرا از پروردگارش معجزه ای به او نازل نمی شود (رعد٢٧) و از اینگونه گفتگوها که تشبثات مردم ناتوان است فراوان بود اما آن تحدی و معاوضه بی جواب ماند و این مردم قریش که همگی عرب اصیل بودند و میانشان سخن پردازان نامدار بسیار بود و سایر مردم سخن سنج عرب که در بیشتر ایام سال اشتغالی جز بازی با کلمات تقریبا بی انتها زبان کهنسال خود نداشتند، با آن تعصب خاص صحرانشینان این تحدی و دعوت جدی به معاوضه را که پیوسته با عبارات گوناگون چون مطرقه ای سنگین سرکوبشان می داد شنیدند و معاوضه نکردند، چون نمی توانستند کرد، پس به همین یک دلیل، دعوی او صحیح است حاجت به گفتگوی دیگر نیست.

این ضمیر انسانی که قرآن با عبارات مختلف از آن به نفس و قلب و صدر تفسیر می کند اعجوبه عظیم کائنات است و این فرزندان آدم هر کدام ضمیری خاص خویش دارند که با ضمیرهای دیگر جز به عنوان، شباهت ندارد. و همان تفاوت که میان ستارگان از لحاظ ترکیب و نور و فاصله و مقام هست میان ضمیر انسانها از یکدیگر هست. حقاً باید شگفت داشت از آن کسان که ندانند در ضمیرشان چه می گذرد و چون پشه-ای در برابر طوفان، اسیر جریان های ظلمانی لاشعور خویشند و با وجود این می خواهند با این پای چوبین و لنگ قیاس، از خصایص ضمیر پیغمبری که چهارده قرن پیش می زیسته و به موهبت وحی خدا ممتاز بوده و چنین اعجاز عظیم جاودانی به جهانیان عرضه داشته و پیوسته صلای تحدی داده و اقوام عرب را به ناتوانی از معاوضه آن منصرف ساخته است از خصایص ضمیر چنین کسی گفتگو کنند و مقیاسشان در این گفتگو ضمیرهای دیگر است که از خفایای آن نیز هیچ نمی دانند، همه دیده ایم که کودکان نورس در شب ماهتاب به اصرار، دست فرا می برند که ماه را بگیرند که به قیاس آنها اوج ماه کمی بیشتر از طول یک دست است و مضحکه کسان می شود، به پندار من سزای آن کسان که مسائلی از این قبیل را بر بساط بحث قیاسی می نهند به از آن کودک نادان نیست.

ای عجب که این قوم عرب در مقام معاوضه و مبارزه با صاحب اعجاز، به تجهیز نیروها و تحریک سپاه ها و ایجاد جنگ ها پرداختند و کشته ها دادند و خون ها ریختند و عرصه بدر و دامنه احد و بسیاری نواحی دیگر جزیره را از خون عزیزان خویش رنگین کردند و همه قدرت و ثروتهای خویش را در این راه

به کار می بردند، مگر انشای یک سوره نظیر قرآن که از همان کلمات مستعمل و متداول از زبان خودشان ترکیب شده ، اگر می توانستند، از این همه کشمکش کم دردسرتر نبود!

کوچکترین سوره قرآن کوثر است [۱۰۹] که مجموع کلمات آن به تقریب از ده بیشتر نیست و مجموع حروف آن چهل و پنج یا کمتر است، گویی هر عقل عادی این مطلب را در صف بدیهات اول می گذارد که ترکیب چهل و پنج حرف و انشا ده کلمه و انشای سه آیه معادل کوچکترین سوره قرآن عظیم که به فرض انجام معاوضه محقق و دعوت اسلام محکوم به سقوط بود، چنین کاری از سامان دادن نیروی بزرگ احزاب، مرکب از ده هزار مرد از قبایل مختلف الهدف عرب که به قیاس وسایل ارتباط آن عصر حقاً کاری خارق-العاده بود، آسانتر بود معذالک این کار را نکردند، برای آنکه قدرت نداشتند.

در این که نکرده اند گفتگو نیست. اگر کرده بودند، قبل از همه قرآن که با سماحتی عجیب به همه اعتراضات مخالفان اشاره می کند و به برکت آن از طرز تفکر معارضان اسلام در صدر اول خبر می توان یافت قطعاً به نقل آن می پرداخت یا لااقل در ضمن آیه ای به تلویح از آن یاد می کرد.

حقاً که اهانت و صداقت قرآن اعجازی دیگر است نضربن حارث قریشی، جوانی جهان دیده و سخن-دان بود و از آن چند تن معدود که در مکه خط نوشتن و خواندن توانستند، به شمار می رفت و به تجارت در مستعمرات ایران در ناحیه بین النهرین رفت و آمد داشت و داستانهایی از شاهان قدیم ایران و رزم رستم و اسفندیار از ایرانیان فرا گرفته بود وقتی جلوه و جذبه قرآن را با رغبتی که مردم عرب از سفری و حضری، شهری و بدوی، موالف و مخالف به استماع آیات قرآن داشتند بدید، حس رقابتش بجنبید و پنداشت اقبال مردم به آن حکایت هاست که از انبیای سلف در خلال بعض سوره ها هست و چه روزها رنج برد تا خاطره ها را به داستان شاهان ذوی العز و الاقتدار و افسانه هنر نمایی رستم در جنگ اسفندیار، جلب کند اما نشد و قرآن کریم همین کوشش او را که تذکار قرآن نبود جز مکیان آن عصر هیچ کس از آن خبردار نمی شد در آیه ششم سوره لقمان یاد کرده است.

بدون گفتگو اگر از مردم عرب کسی سخنی چون قرآن در قالب بیان ریخته بود، یهودان قتل عام شده زخم خورده فراری مال باخته که نهضت اسلام برای همیشه ریشه آنها را از شبه جزیره عربستان برانداخت، و هیچ وقت کینه دیرین را از یاد نبرده اند جهان را از ولوله آن پر می کردند، راستی این دشمنان متعصب اسلام که گویی پس از قرن ها هنوز قتل عام بنی قریظه و جلای بنی نضیر و سقوط خیبر را از یاد نبرده اند و پیوسته در قرآن و مواریث اسلام به هوس کشف نقاط ضعف که آرزوی خام است بحث و فحص می کنند

و قرآن مجید را که مؤسس مکتب بلاغت و بنیان گذار نحو عرب است، به مقیاس اقوال متروک نحویان ناشناس می سنجید و گفته های واهی قرون سلف را پیوسته تکرار می کنند در قبال چنین حادثه ای سکوت می کردند.

در اینکه معارضه با قرآن، یعنی انشای سوره ای به بلاغت هم سنگ آن، نه در عصر اول و نه در عصرهای دیگر تا دوران ما انجام نشده گفتگو نیست و از این همه معاند که اسلام و قرآن را بوده و هست حتی یکی به معرض ادعایی نظیر این نیامده است. حقاً حادثه ای عجیب است که بیانی مرکب از کلمات عادی، چنان باشد که در طول قرون کسی قدرت تقلید آن نیابد، اکنون ببینیم علت این حادثه شگفت انگیز چیست؟

از دو تن از متفکران بسیار قدیم دوران اسلامی یعنی نظام معتزلی که از متقدمان و بنیان گذاران فرقه اعتزال و استاد جاحظ پادشاه نثر عرب بود و ابو اسحق اسفراینی که از فحول متکلمان بود نقل کنند که به پندار ایشان معاوضه با قرآن کریم، از این جهت انجام نگرفت که اراده ازلی همت ها را سست کرد و اذهان را از آن بازداشت. این اجمال تقریر منتسب به نظام و ابواسحق است که از نقل دیگران، مستفاد تواند شد و این وهم هست که در این تقریر تحریفی شده باشد زیرا متأسفانه غالب اهل بحث و نظر، خاصه وقتی در قید ملاحظات خاص خویش باشند، در معرض این خطر هستند که ندانسته و یا دانسته تقریر حریف را تحریف کنند و من در تتبع تاریخ فرق اسلامی مظاهر این تحریف را فراوان یافته ام.

معتزلیان متفکران بودند که در طریق شریعت به هدایت منطق گام می زدند و مایه ای از فلسفه یونان در قالب مباحث دینی می ریختند و علم کلام که در حقیقت فلسفه مقید به مذهب بود از مباحث ایشان مایه و قدرت می گرفت و می توان آنان را آزاد فکران قرن اول اسلام نام داد و همین نظام معتزلی که جا حظ به شاگردی او اعتراف و افتخار می کند، در موارد دیگر مردی دقیق و خوش فکر است فی المثل در باب تفسیر صدق و کذب و آن تعبیر بسیار شیرین که از آیه والله یشهدان المنافقین لکاذبون می کند و تفصیل آن در کتب بلاغت معروف است وی را مردی مستقیم الرای می بینیم و حقاً از مردی چنین، گفتاری چنان بعید می نماید و به پندار من این سخن وهن آمیز را آن کسان که رسمشان سم به دسم آمیختن است پرداخته و به نام دو تن از مشاهیر متقدهان که آثارشان به دست نیست در دهان ها انداخته اند و ای عجب که بعض ناقلان، شریف مرتضی را که از اقطاب مذهب ماست در این گفتار واهی شریک دانسته و نظریه «صرف اذهان» را به ناحق بدو نیز نسبت داده اند.

حقاً پندار ناروائیست اینکه تصور کنیم خدای منان از یک سو به زبان پیغمبر خویش کسان را به معارضه قرآن دعوت کند و از سوی دیگر به اراده خویش اذهان و همم را از این معارضه منصرف سازد و گویی شک نیست که این پندار با عدل خدایی سازگار نیست و گویی آن کسان که به نقل و بحث این نظر پرداخته اند از این نکته غفلت کرده اند که در خلال آن نسبت به مقام قدس قرآن وهنی ناروا هست که گویی مبدع این رأی سخیف، سبک بدیع قرآن را والاتر از تقلید ندانسته که نظریه «صرف اذهان و همم» را طرح کرده تا علت عجز کسان را از معارضه آن توضیح کند. حقاً که مقام قرآن از این پندار والاتر است. معجز جاودان ختم پیغمبران کلا و جزءاً قابل تقلید نیست و برخلاف نظریه «صرف همم» بسیار کسان در طی قرون درصدد معارضه آن بودند و به خیال فاسد خویش در این راه گام زدند اما حاصل کارشان به جز رسوایی نبود.

تاریخ عده ای از این معارضان را به نام و نشان نقل می کند. از جمله مسیمله پسر حبیب، معروف به کذاب متنبی یمامه بود که وقتی کار اسلام رونق گرفت، صلای نبوت داد و جمعی از بنی حنیفه از هم چشمی مردم حجاز بدو گرویدند و روزی چند کر و فری داشت، داستان وی در تاریخ ها ضبط است و این متنبی کذاب در معارضه قرآن عظیم کلماتی پرداخته که شمه ای از آن را در کتابهای ادب برای طیبت نقل میکنند از جمله این کلمات است که به تقلید از سوره کوثر ساخته: انا اعطیناک الجماهر، فصل لربک و هاجر، ان مبضنمک رجل کافر و نیز این کلمات: الفیل ماالفیل له ذنب و بیل و خرطوم طویل و از این قبیل...

و هم معارضان قرآن طلیحه پسر خویلد از طایفه بنی اسد از شجاعان عرب بود که در صدر اول اسلام دعوی پیمبری کرد و از کلمات او که از دسترس فراموشی زمان رسته اینست که گوید:ان الله لایصنع بتغفیر وجوهکم و قبح ادبار کم شیئا فاذکروالله قیاما و هم از معرضان سجاح دختر حارث از طایفه بنی تمیم بود که در طایفه مسیحی بنی تغلب پیروان داشت و چون به تنهایی کاری از پیش نبرد با کذاب یمامه جفت شد و از سخنان اوست که علیکم بالیمامه و دفوا دفیف الحمامه فانها عز و صرامه. لایلحقکم بعدها ملامه.

حقاً که این کلمات ساقطات از سیاق عربی اصیل بویی ندارد و به هذیان دیوانه تب دار از کلمات عاقل مسلط بر ضمیر خویش و توانا به صیاغت معانی در قالب الفاظ، بیشتر می ماند که کلمات قرآن به فصاحت و روانی و قوت در اعلای ثریاست و این خزعبلات به سقوط از ثری نیز پائین تر رفته است و آنها که ذوق نقد بیان دارند و از فن تشخیص غث و ثمین سخن، بهره ورند به یک نظر دانند که قیاس این کلمات رکیک با کلمات تابناک قرآن، چون برابر گرفتن خرمهره و خزف با در صدف است.

و نیز از معارضان قرون اول، روزبه معروف به ابن مقنع ادیب بزرگ پارسی زبان را که به واسطه آشنایی به آداب قدیم ایران و تبحر در فنون انشای زبان عرب، در دربار عباسیان مقامی داشت، نام می برند و گویند وی سالها در این پندار بود و روزی در کوچه شنید که کودکی از سوره نوح این آیه را می خواند که و قیل باارض ابلعی ماءک تا آخر و از شنیدن این آیه از معارضه منصرف شد و ساخته های خویش را بشست.

از سیاق این روایت که در کتابهای معتبر نقل شده فساد آن روشنست مفروض این است که مردی متبحر مانند روز به فارسی که در زبان عرب مسلط و مقتدر بوده سر معارضه با قرآن داشته است. مسلم است مردی با چنین مایه، قرآن خوانده و سالی چند در اسلوب عجیب آن ممارست و تفحص کرده و محتاج این نبوده که آیه سوره نوح را از زبان کودکی بشنود تا از معارضه منصرف شود.

از این قبیل داستانها در تاریخ بسیار هست که با کمی تأمل اساس آن متزلزل می شود، گویی درباره روزبه به حق یا ناحق این سخن در عصر او شهرتی یافته که وی کتاب درة الیتیمه را در معرض معارضه با قرآن انشاء کرده است، درة الیتیمه در دسترس همگان هست و در آن از تقلید سیاق قرآن اثری نیست و از مراجعه این داستانها پنداری تازه در من قوت می گیرد که روزبه پارسی اعجوبه عصر خویش در معرض طعن حاسدان بوده و این شایعات را برای مرهون های تابناک اسلوبی خاص دارد و گرنه منشی درة الیتیمه که دقایق زبان تازی را از بسیاری فحول عرب زبان نیک تر می شناخت، بهتر از همه می توانست دانست که معارضه با قرآن در حوصله ابنای بشر نیست که برای همه کسان که از رموز سیاقت قرآن خبر دارند به کف آوردن آن نقاط درخشان که هنگام شب در آسمان نمایان است، از ترکیب کلماتی بقوت و جزالت قرآن آسانتر است.

و از متأخران دولت اسلامی ابوالحسن احمد بن یحیی معروف به ابن راوندی را که زندوقه و الحاد او شهرتی دارد از معارضان قرآن دانند و گویند وی به این منظور کتابی به نام تاج پرداخته بود، از کتاب تاج چیزی به دست نیست اما از کلمات ابوالعلای معری که او را نیز از متهوسان این میدان دانند انتقادی تند بر کتاب تاج به یادگار مانده است و هم گویند ابوالعلا، به صدد معارضه، رساله ای به نال الفصول و الغایات فی مجاراة السور و الایات پرداخته بود که این عبارات از آن به جای مانده است: اقسم به خالق الخیل، و الریح الها به بلبل بین الشط و مطالع سهیل، ان الکافر لطویل الویل و ان العمر لمکفوف الذیل تا آخر.

شیوه این سخنان چنان است که در انتساب آن به مردی چون معری محتاط باید بود که از کلمات دیگر او کمال بلاغت نمایان است و باور نتوان کرد کسی چون ابوالعلا با آن مقام سخن دانی، با سجعی چنین خنک به معارضه قرآن برخیزد، مؤید پندار من اینست که ناقلان در دنباله نقل این عبارات منتسب به معری گویند از او پرسیدند چرا این کلمات خشن و ناهنجار است و لطف و صفای قرآن ندارد، گفت:«بگذارید قرنی چند بگذرد و قرائت در معبدها، سخنان مرا صیقل دهد، آنگاه خواهید دید» مرا یقین است که این سخن از معری نیست، زیرا کسی چون وی که در باریک بینی نادره زمان خویش بود و رساله الغفران وی در ظرافت تعبیر و دقت معنی و قدرت بیان از شاهکارهای به نام است، بهتر از همه می دانست که قدرت سخن در سخن است نه در آن پندارها که مردم درباره آن می کنند!

ابوالطیب متنبی، پیمبر صحرای سماوه که روزی چند گروهی از طایفه بنی کلب و دیگران را فریفته خویش کرده هم از آن کسانست که گویند هوس خام معارضه با قرآن بدل داشت و به نقل معری این سخنان از معارضات اوست والنجم السیار و الفلک الدوار، واللیل و النهار، ان الکافر لفی اخطار، امض علی سننک واقف اثر من قبلک من المرسیلین و این بیشتر به سجع کاهنان می نماید که از شیوه قرآن جدا است، که آن سیاقت و نظم عالی که قرآن را هست از قماشی دیگر است و منشی این کلمات سجع مانند، حتی تقلید شیوه قرآن نتوانسته است کرد.

گفتگوی معارضان قرآن را که تفصیل آن در همه جا هست به اختصار آوردم تا معلوم شود که نظریه «صرف همم» چگونه از حقیقت دور است زیرا این کوششها که بسیار کسان به تصور خام خویش برای معارضه با قرآن کرده اند دلیلی روشن است که همت ها و خاطرها از معارضه منصرف نبوده سهل است در این راه رنج ها برده، اما به مقصد نرسیده اند و دلیل اعجاز قرآن همین است که تقلید کردن شیوه آن ناممکن است. بالطبع اکنون این سخن پیش می آید که جهت این اعجاز چیست و چه راز عجیبی در این آیه های مرکب از کلمات عرب هست که در طول قرون از این همه مردم سخن دان صاحب حمیت، یکی نتوانسته عبارتی به سیاق ده کلمه آن انشا کند.

افلا یتد برون القرآن و لوکان من عند غیرالله لوجد و افیه اختلافا کثیراً نساء۸۲

در همین سالهای نزدیک، جماعتی از فرنگان کوه پیما برای اوج گرفتن به قله آسمان سر اورست که قرن هاست در اعلای جبال هیمالیا، حقارت فرزندان مورچه وش آدم را ریشخند می کند، رهسپار شدند و گویی با تحمل رنج های توان فرسا، پس از هفته ها کشاکش، با طوفان های سخت همت شکن و عبور از

دیوارهای یخی هول انگیز، از فراز پرتگاه های هراس آوری که اعماق تاریک آن در امتداد خط بصر از دیده شدن فراری بود، یکی از آنها به اوج قله رسید، کوه پیمایان فرنگی هنگام بازگشت از سفر پر مهابت خویش از حادثات این سفر قهرمانی برای تسخیر عظیم ترین کوهستانهای جهان چند عکس همراه داشتند و یک مشت کلمات نیز برای تعبیر آن هول ها و اضطراب ها که در هر قدم با آن روبرو شده بودند به زبان می راندند، من نمی دانم این کلمات بی جان و آن عکس های خاموش تا چه حد می توانست آنچه را ره سپران آن معابر صعب العبور، در کشاکش برف و طوفان دیده و احساس کرده بودند تکرار کند و تازه آن کوهنوردان صاحب همم، در دل دره های عمیق، در اوج گردنه های سخت که حقاً چون مورچه ها بر دل سنگ ها می-لغزیده اند، خودشان عظمت و جلال هیمالیا را تا چه حد ادراک کرده اند که با ما توانند گفت.

نمی دانم این تمثل، تا چه حد می تواند فاصله عظیم حالت اعجاز آمیز قرآن کریم را با آنچه محققان جدید و قدیم در وصف آن به قالب کلمات ریخته اند نمودار کند.

و تمثلی دیگر به خاطر نزدیک تر، در یک روز بارانی که رگبار بهار گرد و غبار از چهره فضا شسته و هوا را چون خاطر پیران روشن ضمیر، صاف کرده و طوق رنگارنگ قوس قزح به گردن آسمان افتاده از این رنگ آمیزی شگفت خاطر فریب که گویی همه جادوی پریان رونق افزای آن شده است، چه جلوه ها که نمی بیند، اما وقتی از آن حال مفتونی باز آمدید به باران ندیده جز کلمات سرد و نارسای قشنگ و خوب و زیبا چه دارید بگویید.

به پندار من همه آن وصف ها که محققان قدیم چون قاضی باقلانی و علامه جرجانی که به حق پی-افکنان علوم بلاغتند و متتبعان جدید، چون هزار بیان عربی، مصطفی رافعی از جمال بیانی و لطائف معانی و قوت کلمات و استحکام آیات و دقت تعبیر و رقت تصویر و انطباق عجیب میان حالات معانی و آهنگ کلمات قرآن می کنند، بیش از این نیست که اندکی از هزار می گویند که جمال معانی و جلال بیانی قرآن حالتی است دریافتنی نه گفتنی، اراده بالغه ازلی در کائنات خویش، شکوه ها آفریده که وصف آن با کلمات عادی میسر نیست. چگونه ما از این کلمات کوتاه و نارسا انتظار داریم که آتشفشان و موج و طوفان را وصف کنند که برای توصیف کائناتی بدین عظمت کلماتی به قوت ایشان یابد. قوت و مهابت و شکوه و جلال قرآن به قیاس از این همه بیشتر است که قرآن کلام خداست و این کمال جمال از لیست که در قالب کلمات عادی ریخته اند و بالای این سخن سخنی نیست که وصف رسای قرآن را بلاغتی مانند قرآن باید که در طاقت ابنای بشر نیست.

معذالک به اقتضای مقام و اقتفای اساتید سلف که از خرمن فضیلتشان خوشه ها چیده ام و فیض ها برده ام من نیز در این میدان آزمایشی کنم و گویی زنم و در وصف آن جذبه و شور و لطف و بلاغت که قرآن راست، و خدا را سپاس که چیزی از آن ادراک توانم کرد، سخنی گویم که اگر با بیان انسانی وصف جمال این اعجوبه خلقت یزدانی نتوان کرد لامحاله چیزی گفتن از هیچ نگفتن بهتر است.

اگر در این غوغای تکامل دانش که دانشوران جهان به کمک رموز ریاضی ابعاد فضا را اندازه می-گیرند کسی به شما گفت از طرز کار این ابزار دقیق و ظریف که ضمیر انسانش نام داده اند، کم یا بیش خبری دارد بی تأمل بدانید که مزدوری دروغگوست، ضمیر انسان به حق شگفت انگیزترین مخلوقات خداست که گاهی به تنهایی محفوظاتی معادل یک کتابخانه را در محفظه جادویی خویش جا می دهد و باز هم برای محفوظات تازه جای آماده دارد، به پندار من این رگ و پی و پوست و استخوان و همه دیده ها و ندیده ها و دانسته ها و ندانسته ها که در پیکر انسانی به خدمت درند، خادمان درگاه ضمیرند که انسان همان است که شایسته استمرار و بقاست و جز آن هر چه هست پیوسته در کار فناست. اما ضمیر انسان تا در ظلمات لاشعور یا روشنی شعور به تنهایی کار می کند، هیچ نیست و همه این رونق و جلال تمدن ما نتیجه ارتباط ضمیرها است. که از تصادم آن جرقه ها جسته و جرقه ها شعله شده و شعله ها کانون پرحرارت فرهنگ و علوم را پدید آورده است وسیله ارتباط ضمیرها همان صداهای کوتاه و منظم است که حروف نام دارد و رموز خطی آن را در اشکال الفبا که بی گفتگو ابداع آن در تکامل انسان و تحول جهان از شکافتن اتم موثرتر بوده است، می توان دید. خدا می داند این کاروان کند رفتار تمدن انسانی در ظلمات قرون ماقبل تاریخ، چه دورانهای وبال و رنج و آشفتگی را در جستجوی همین رموز کوچک پشت سر گذاشته تا به برکت این بیست و هشت و نه حرکت صوتی و رمز خطی از وحشت گنگی و ظلمت تنهایی جسته و ضمیر خویش را با ضمیر انسانهای دیگر مربوط کرده است. چه فتح عظیمی بود نظم و ضبط این صداهای کوتاه که حقاً با نعمت خلقت برابر است که خلق الانسان علمه البیان (الرحمن۳،٤)

این دیگر واضح است که حرکات صوتی، مایه خام کلمات است و از کلمات کلام می سازند و اینجاست که میدان وسیع بیان آغاز می شود که وسعت آن چون آسمانهاست که حضیضش گفتار روزمره است و اوجش ترکیب ظریف قرآن که اعجاز بلاغت قرون است.

تفاوت متکلمان در مراتب کلام کمی مربوط به انتخاب کلمات و بیشتر وابسته به ترکیب آنست و کلمات چون لوازم بناست که از پیش ساخته و آماده کرده اند و معمار خوب جز انتخاب لوازم مرغوب کاری ندارد اما همین انتخاب در تجلی هنر و سلیقه او اثر فراوان دارد، متکلمان هر زبان در طی دورانهای دراز به

اقتضای حاجات و رعایات حالات خویش از حروف خام کلمه های فراوان ساخته و در نتیجه کثرت استعمال آن را پخته و صیقلی کرده اند. به همین جهت، قدرت و استعداد هر زبان مربوط به هنر و لیاقت و امکانات اهل زبان است که هر چه میدان فعالیتشان بیشتر و همتشان بلندتر و ضمیرشان حوصله دارتر و فکرشان تابناک تر باشد، حاصل کارشان پررونق تر است. سنگهای بستر رودخانه را دیده اید که در نتیجه تصادم مداوم در جریان آب چون حریر نرم می شود؟ این ریگ های نرم حریر آسای امروز، لاشه سنگ های خشن سالیان پیش است که گوشه های تیز آن دست را می خراشید کلمات نیز چنین است و در ضمن استعمال از برخورد یکدیگر نرمش و ظرافت می گیرد و شاید از روی همین اساس بعضی از آنها که در فقه اللغهٔ زبان کار کرده اند دعوی دارند که از ساختمان و نرمش کلمات ، تاریخ نامکتوب زبان را به تقریب، کشف توانند کرد.

تفاوت متکلمان از قدر مکان در ابداع معانی و ترکیب کلمات و انطباق آنها باحالات خاص مستمعان پدید می شود، برای توضیح مطلب گفتار سخنگوی عادی را که از مجموع کلمات زبان خویش مایه ای بسیار ناچیز درخور حاجات روزانه دارد و میدان افکارش نیز از آن وسیع تر نیست و سخن گفتنش با اصوات حیوانات یک تفاوت دارد که سخن آن در قالب کلمات است و صدای این به صورت اصوات، گفتاری چنین را با گفتار مرد سخن دانی که خاطره اش از ذخیره کلمات و تعبیرات و تشبیهات و استعارات کافی سرشار است و ضمیرش از افکار بدیع پر، و افکار دقیق خویش را در قالب کلمات مناسب می ریزد و هر کلمه را به جای خود به کار می برد و مقام سخن را از لحاظ رسایی و روشنی که مایه جذبه و اثر است به پایه جادو می رساند قیاس کنید. فی المثل استاد اجل شیراز پادشاه بلامنازع نثر و غزل پارسی را در آن تغزلات و تشبیبات بدیع و آن حکایات سلیس مسجع بی تکلف که چون آب روان و چون سرب سنگین و چون فولاد محکم است با کودک نامربائی از همان مردم پارس که نه ذخیره معنی برای گفتن دارد و نه مایه لغوی برای تعبیر کردن، برابر کنید ببینید تفاوت دو گفتار از کجا تا کجاست، البته بی تأمل تعرض نخواهید کرد اگر بگویم شیخ اجل شیراز این شور سخن را که تا اعماق جان نفوذ می کند از انس با سخنانی به دست آورده که از سرچشمه معنویات قرآن سیراب شده و این سوز که در گفتار او جاودانست در حقیقت جرقه ای از کانون قرآنست.

این تمثل برای درک آن تفاوت که سخنگویان را در مقامات کلام هست، مقیاسی درست بدست می دهد و محققان را در توضیح آن نکته ها که بلاغت سعدی را از من و من چوبانک بیابانی امتیاز می دهد و طبقات سخن را از اعلا و عالی و خوبتر و خوب و متوسط و عادی و پست و پست تر از هم جدا می کند، کتابها هست که حقاً بعضی از آنها چون دلایل الاعجاز و اسرار البلاغه علامه جرجانی و اعجاز القرآن قاضی

باقلانی، نمونه های بدیع هنر و ذوق انسانی است و در نتیجه همین کنجکاوی ها بر علوم ادب دو علم جدا به نام معانی و بیان، پدید آمده که در عین استقلال به هم پیوسته است و موضوع آن فصاحت و بلاغت است. فصاحت یعنی روشنی و بلاغت یعنی رسایی، بنابراین علم فصاحت و بلاغت از آن نکته ها بحث می کند که رعایت آن سخن را روشن تر و ادراک معنی را برای مستمعان آسانتر و مقصود را به ضمیرها رساتر و نافذتر می کند.

قوت و نفوذ کلام در مرحله اول از موزونی کلمات مایه می گیرد که هر کلمه را آهنگ و حالت دیگر هست و از ترکیب حروف مختلف تناسب یک نهج، نمی زاید بعضی کلمات در گوش ناخوش است و بعضی از شدت ناخوشی نفرت زاست و بعضی دیگر به تفاوت حال و کیفیت و مقام ادا، آهنگی خوش و دل انگیز دارد که همان، راه را برای نفوذ معنی هموار می کند و در تشخیص این حالتها که راهنمای بی بدل، ذوق سلیم است به گفتگو از خواص حروف و رمز ترکیب آن می رسند که ما را مجال غور در آن نیست آنگاه نوبت معنی می رسد و این تعبیر را تصحیح باید کرد که خصایص لفظ و معنی را از هم جدا کردن آسان نیست و اصلا نشد نیست، چون تصویر در آئینه دیدن که طبعاً مستلزم آئینه دیدن است که تصویر و آئینه چنان به هم آمیخته که گویی یکی است و دیدن یکی بی دیگری میسر نیست، معنی هر کلمه حالتها و نسبت ها و دنباله ها و ریشه ها و شاخه ها دارد که با رعایت آن سایه روشن ها که از همانندی و مجاز گویی و استعاره پدید می شود، گاه کلمه را یک گروه معانی هست که هر یک را مقامی جداست و نیز معنی را به حالتهای مختلف، یک گروه لفظ هست که هر یک نمایندهٔ دقیق حالتی خاص است و فقط در نظر گذران می توان در عرصه بیان کلمات مشترک و مترادف دید. از اینجاست که ترکیب کلمات و ادای معانی با رعایت مقتضیات و مقامات بری از ایجاز مخل و اطناب ممل، حقاً صنعتی بزرگ می شود. برای بسیار کسان که پندارند، نظم و ردیف کلمات مطابق آن اصول که صنعت بیان را هست، از هر مدعی بی پروایی ساخته است این سخن شگفت آور است. اما در خلقت خدا بسیاری چیزهای شگفت انگیز هست و این هم یکی از آنهاست که این کلمات بی جان به ظاهر مطیع مثل همه موجودات دیگر تابع نظم و انضباطی خاصند که فقط در سایه آن استعدادهای نهانشان عیان می شود. چون سنگهای گونا گون که ریزه ساز هنرمند اگر خوب ردیفشان کرد، آیت جمالی بی بدل می شوند و اگر مدعی درهمشان ریخت ، نمونه فساد و تشویش شیطانی را در خلقت خدای نشان می دهند. دریغ است اگر کسان باشند که این نکته را ندانند و گمان برند که این کلمات و معانی که به حق چون در درختهای باغ ریشه و شاخه و طبقه و حیات و تکامل دارند و با بداع ضمیر انسانی در قالبهای مختلف، جلوه گر می شوند از سنگ و آجر بنا کمترند و می توان بدون هندسه خاص روی همشان چید و از

ترکیب آن بنایی محکم و قابل بقا داشت. در تاریخ سخنان موزون، خوانده ایم که شاعری با کلمات آهنگ دار خویش چنان خاطره دیار را در امیر سامانی برانگیخت که بی کفش بر اسب جست و راهی شد و هیجان و شتابش تا مقصد فرو ننشست، این یک نمونه از رعایت هندسه کلمات است که حقاً از اعجب صناعات است که به کمک این صنعت، خاطر انسانها را برانگیزند و جماعتها را سوی هدف های بلند کشانند. مگر صلای دهقان زاده هنرور کم اقبال طوس را نشنیده اید که چون گوهر خویش را خریداری ندید هنر خویش را به آستان قرون عرضه کرد و از فرط قوت، اعصار را درنوردیده و همچنان زنده است که پی افکند از نظم کاخی بلند. دهقان زاده والامقام طوس، مهندس کلمات بود و با ابداع ضمیر پرمایه خویش، آن کلمات را که در طوس ابزار تفاهم بازاریان بود، چنان خوب به هم پیوست که استخوان امیر و وزیر، به خاک آمیخته و شوکتشان فسانه شده اما بنای بلند صنعتگر طوس، هنوز و قرنها پس از هنوز از باد و باران حوادث نیابد گزند.

برای این که قضیه ای از هندسه خاص کلمات را به دست داده باشم و یقین کنید هر کلمه را بی رعایت مناسبات، به دلخواه گوینده، در هر جا از صدر و ذیل سخن نمی توان نشاند، این نکته را خاطر نشان میکنم که در شرح مطول سعدالدین تفتارانی که هنوز هم در حوزه های علوم قدیم تدریس می شود، در گفتگوی تقدم و تاخر اجزای کلام در تفاوت این دو جمله که انا ماقلت و ما اناقلت، یعنی من نگفتم و نه من گفتم که کلمات هر دو یکی است و فقط در یکی برخلاف دیگری حرف نفی از ضمیر شخص جلو افتاده است، بحثی بسیار دقیق و شیرین هست که به تقریب از دو هزار کلمه یعنی پنج صفحه، از همین صفحات که خاطرتان به قرائت آن مشغول است، کمتر نیست، البته به یاد دارید که این کتاب در روزگاری از نهانخانه خاطر مؤلف به نور وجود آمده که هنوز غول عظیم گوتامبرگ که هر یاوه ای را به هزارها نسخه تکثیر تواند کرد از مادر اختراع نزاده بود و مؤلفان ناچار بودند برای سهولت ثبت و ضبط کتاب خویش، معانی بسیار را در کلمات اندک جا دهند.

به دنبال این گفتگو که به اختصار آن کوشیدم توانم گفت که اعجاز قرآن کریم از یک جهت در ترکیب حیرت انگیز بیانی و تلفیق دقیق معانی و تطبیق آن با حالات گونه گون نفسانی است که حقاً نمونه گفتار خداست. دریغا که مجال سخن تنگ است و گفتنی بسیار، این آیات بینات که جمعاً به نام قرآن نامیده می شود از لحاظ ترکیب و روانی کلمات و قوت و بیان و رعایت دقایق فصاحت و نکات بلاغت مقام سخن را به آنجا برده که فقط کهکشان ها توانند رسید، در سراسر قرآن که بیش از ۷۸۰۰۰ کلمه است، یک کلمه سست و ناباب که به کلمه دیگر مبدلش توان کرد و کلام از سیاقت و قوت خویش نیفتد نیست، آن کسان از عربان که

در طی قرون، پندار خام معارضه قرآن را به خاطر راه داده اند، در مقابل این جمله کوتاه قرآنی که گوید ولکم فی القصاص حیاة عبارتی پرداخته اند که القتل انفی للقتل و به پندار خویش آن معنی را که درولکم فی القصاص هست، در آن ریخته اند، اما محققان نقد بیان در عبارت اول از لطایف کلام بیست و چند نکته دقیق شمرده اند که یکی در القتل انفی للقتل نیست، یکی از وجوه اعجاز قرآن همین است و در این دریای زخار هر چه هست از این قبیل گوهرهای گرانبها است که طبع آدمیان از ابداع نظیر آن ناتوان است.

از دقایق بلاغت و حقایق فصاحت اعجاز آمیز قرآن که بدون انس کافی با زبان عرب درک آن محال است می گذرم، همین ترکیب کلمات بدون توجه به معانی، اعجازی دیگر است که کلمات قرآن چنان خوب به هم پیوسته که استماع آن از لحاظ هماهنگی و روانی گویی نغمه فرشتگان است و جان را به شور در می آورد و این وجد و طرب که مستمعان قرآن از صوت آن می یابند، نتیجه همین ترکیب عجیب است. شما اگر با زبان عرب انس ندارید، برای امتحان چند آیه قرآن را از هر کجا خواستید انتخاب کنید و چند بار به دقت بخوانید تا این اعجاز ترکیب کلمات را که خاص قرآنست ادراک کنید.

و ای عجب که این کتاب مفصل در طی بیست و سه سال از چهل سالگی تا شصت و سه سالگی، در حوادث مختلف در عسرت مکه و قدرت مدینه، در سفر و حضر، در جنگ و صلح و حالات مختلفی که معنویات انسانها را واژگون و طبعاً گفتارشان را دگرگون می کند، به تفاریق نازل شده اما در همه جا اسلوب کلام یکی است، سیاق و نظم سخن تغییر ناپذیر است و این دلیل دیگر است که قرآن کلام خدای یکتاست که تغییر در ذات او نیست که اگر از جانب خدا نبود طبعاً از این تغییر حالات، اختلافات بسیار در آن رخ میداد.

و نکته دیگر از واردات خاطر، به تأیید این قضیه که قرآن بی گفتگو کلام خدای رحمان است. این است که کلمات و گفته های مقطع و خطبه های مفصل و احادیث منقول از پیغمبر خاتم که همگی حکایت از سیاق خاص عبارات وی می کند، در متون حدیث و ادب فراوان است حقاً سخنان مأنور پیغمبر خاتم در اوج فصاحت است و سیاق خاص آن چنانست که به حق، این کلمات تامات را از هر کلام دیگری ممتاز می سازد. جاحظ که به استحقاق پادشاه نثر عرب لقب گرفته و پس از عصر اول هیچ کس به شیرینی و قوت او معانی در قالب کلمات و کلمات را در قالب عبارات نیاورده و طبعاً شهادت وی در این زمینه سندی انکارناپذیر است ضمن گفتگو از زیبایی اسلوب و قوت سیاق و فصاحت بیان محمدی چنین گوید:«سخنی است که شماره حروفش اندک و شماره معانیش بسیار، از تصنع بری و از تکلف بر کنار است، آنجا که تفصیل مفصل و آنجا که اختصار شاید مختصر است، از کلمات نامأنوس فراری و از سخنان مبتذل و بازاری مبراست. کلماتش با حکمت همدوش و با عصمت هم آغوش و با تایید قرین و با توفیق همنشین بود. این گفتار را خداوند با محبت

و قبول توأم ساخته بود، مهابت و حلاوت و افهام و اختصار را با هم داشت، از تکرار سخن بی نیاز بود و شنونده را بدین کار نیاز نمی افتاد، با وجود این هیچ وقت کلمه ای از سخنش نمی افتاد و خطایی بر او رخ نمی داد، و دلیلش سستی نمی گرفت و هیچکس بر او فائق نمی شد و سخندانی او را مجاب نمی کرد سخنان مفصل را با کلمه مختصر رد می کرد برای اسکات حریف در حدود معلومات او سخن می گفت، جز سخن راست دلیلی نمی آورد و غلبه را جز به وسیله حقیقت نمی خواست و سخنان فریبنده و خدعه آمیز نمی گفت عیب جویی نمی کرد و گوشه نمی زد و در سخن نه کند بود و نه تند، گفتارش نه طولانی بود و نه مبهم، مردم سخنی سودمندتر و شیواتر و رساتر و مؤثرتر و روان تر و فصیح تر و واضح تر از سخن وی نشنیدند» (مقدمه نهج البلاغه)

و جاحظ پس از ذکر این سخن از بیم آنکه مبادا گفتارش در وصف بلاغت مقام رسالت به نظر کوته نظران و بی خبران گزاف جلوه کند چنین می گوید:«شاید آنها که از دانش بهره کافی ندارند و از رموز سخن و سخن دانی بی خبرند گمان برند که مادر ستایش سخن محمدی راه تکلف پیموده و درباره اهمیت آن گزاف گفته ایم، چنین نیست قسم به آن کس که گزاف گویی را بر دانشمندان حرام کرده و تکلف را در نظر اهل نظر قبیح ساخته و دروغگویان را نزد خردمندان بی قدر نموده این گمان را کسان می کنند که از راه حقیقت منحرف شده اند.»

و نیز این سخن از محمد ص سخت معروف است که من از همه مردم عرب فصیح ترم و کلمات مختصر پر معنی خاص منست. و گویی از اهل نظر هیچ کس در این نکته تردید ندارد که گفتار محمدی از لحاظ سیاقت و اسلوب مافوق سخنان مخلوق است و حتی نهج البلاغه شاهکار بیان عربی علی الاطلاق، محصول تامل و تفکر شاگرد صمیمی و با وفای محمد که قطعاً افصح و اعلم و اورع و اتقای جهانیان بود و مقام آن در تعبیر معانی دقیق بدانجا رسید، که بعض منتقدان به خطا پیدایش چنین نادره ای را در محیط آن روز عرب بعید می دانند، همین نهج البلاغه را وقتی با کلمات محمدی قیاس می کنیم از لحاظ سیاق و هدف تفاوت بین در میان هست که هر یک از بابی دیگر است و نکتهٔ نکته ها اینست که بیان محمدی با آن وصف که از جاحظ شنیدید و این خصائص انکارناپذیر که دارد و حقاً از لحاظ قوت و روانی چون رودی خروشان سراسر موج های جوشان از معانی دلفریب است.

در مقام قیاس با آیه های قرآن، فاصله عظیم کلماتی را که به وحی الهی القا شده با کلماتی که ضمیر انسان ابداع کرده نمایان می کند و این تفاوت آن قدر آشکار است که هنگام اختلاط حتی بدون انس با آیه های قرآن با یک نظر می توان عبارات و کلمات مائور نبوی را از آیه های قرآن شناخت و این فاصله خارق

العاده، میان اسلوب قرآن و حدیث مائور، دلیل دیگری بر اعجاز قرآنست که اگر قرآن کلام خدا نیست پس این فاصله شگفت میان سخنان محمد و آن سخنان که به وحی الهی دریافت می کرد از کجاست، کنجکاوی های روانی عصر ما این نکته را روشن می کند که محال است یک تن با تعمل و عمد از ضمیر خویش دو اسلوب چنین متفاوت برآرد و قطعاً یکی از آنها سرچشمه دیگر دارد که همان وحی خدایی است که اگر جز این می‌بود محال بود سیاق قرآن و اسلوب کلمات محمدی مندهج نشود و دو اسلوب در سایه روشن تعبیرات و تشبیهات و استعارات از نفوذ یکدیگر متأثر نشود، حقیقت روشن همین است و هر که ذهنی مصفا برای درک نکته‌های دقیق دارد، این معنی را چونان که گل، شبنم صبحگاهی را به خود می گیرد می پذیرد و آنکه پرده غرض و هوس بر دیده جان دارد و خاطرش چون دیوار روغن آلود آب معنی نمی گیرد و چون دیده معیوب حق را واژگون می بیند و اسیر پندارهای مشوش خویش است، خدایش بصیرت دهد که کور باطن جز به اراده خدا بینا نمی شود!

از گفتگوی نزول قرآن و مدت آن به بحث اعجاز افتادیم و در این گرداب عمیق دامن دل و رشته سخن از کف برفت اما حق سخن ادا نشد که این مرحله را نهایت نیست و در وصف آن آیت بلاغت که خدای منان برای قدرت نمایی به عنوان اعجاز، به بنده منتخب خویش فرستاده سخن آسان به سر نتوان بر دومن به تمکن خویش و حوصله مقام، از این دریا، جرعه ای به پیمانه کردم و اهل دل که گوش هوششان آماده سماع است، حدیث مفصل از این مجمل توانند خواند که اگر در خانه کس است حرفی بس است.

و قرآناً فرقناه لتقرأٌ معلی الناس علی مکث (بنی اسرائیل١٠٦)

گفتیم قرآن در مدت بیست و سه سال به تفاریق نازل شد، نزول آیه ها به مناسبت حوادث یا در نتیجه سؤال کسان یا برای تشریع احکام و یا نقل حکایت انبیای سلف یا ترغیب کسان به فضایل و نهی از رذایل و امثل آن بود، معمولاً چند آیه مربوط به یک موضوع یک جا نازل می شد، فی المثل حکایت ذوالقرنین از آیه ٨٣ تا ٩٨ سوره کهف در جواب سؤال یهودان یک جا نازل شد، سوره های کوتاه چون سوره اخلاص و ناس و کوثر و کافرون هر کدام در یک نوبت نازل شد، در بازگشت از سفر حدیبیه که مکیان متعصب از ورود مسلمانان به مکه جلوگیری کردند و قرارداد معروف در حدیبیه بسته شد و محمد ص از همانجا بازگشت، تمام سوره نسبة مفصل فتح، در اثنای راه یک جا نازل شد، گاه اتفاق می افتاد که قسمتی از آیه نازل می شد و بعد قسمت دیگر در تکمیل و توضیح آن نزول می یافت، از جمله آیه ٢٨ از سوره توبه که یک نیمه آن از «یا ایها الذین آمنو» تا «بعد عامهم هذا» نازل شد و به فاصله کمی نیمه دیگر از «وان خفتم علیة» تا آخر به تکمیل آ«نزول یافت و نیز آیه ٩٥ از سوره نساء که نخست بدون قید «غیر اولی الضرر» نازل شده بود و

تنی چند از مسلمانان چون ابن ام مکتوم و عبدالله بن حجش که بینایی نداشتند از آن فاصله که به حکم آیه میان مجاهدان و نشستگان از جهاد هست سخت غمگین شدند. بار دیگر جمله «غیر اولی الضرر» به توضیح نازل شده تا بیان کند که تعریض الهی خاص آن کسانست که استعداد بدنی دارند و از جهاد سرباز می زنند نه آنها که نقص عضوی دارند و به جهاد نتوانند رفت.

در موارد دیگر آیه ها، پنج و بیشتر یک بار نازل می شد، وقتی قسمتی از قرآن نزول می یافت، یکی از کاتبان وحی مأمور نوشتن آن می شد. تعداد کسانی که نامشان در صف کاتبان وحی یاد شده از هفده و هیجده بیشتر است اما کسانی که بیشتر ملازمت حضور داشتند، پنج نفر بودند یعنی علی پسر ابوطالب و عبدالله پسر مسعود و معاذ پسر جبل و ابی پسر کعب وزید پسر ثابت که به تدریج تمام آیه های قرآن را نوشته و نسخه کاملی از آن فراهم کرده بودند، از علی ع روایت کند که فرمود؛ «آیه ای از قرآن نیست مگر دانم به شب نازل شده یا به روز، به دشت نازل شده یا به کوه» زمان و مکان و سبب نزول بسیاری آیه ها را به روایت معین کرده اند که وقوف بر ترتیب زمانی و علت نزول آیه به فهم آن کمک مؤثر می کند فی المثل آیه۴۲ از سوره نساء که نخستین قدم در راه حرمت شراب بود بدین مناسبت نازل شد که یکی از مسلمانان به حال مستی پیشوای نماز دیگران شد و هنگام قرائت سوره کافرون، به جای «لااعبد» ماتعبدون ، اعبد ماتعبدون خواند و این آیه که به نماز ایستادن را در حال مستی و بیخودی منع می کند نازل شد و آیه ۹۰ و ۹۱ سوره مائده، در مناسبت دیگر نازل شد و چنان بود که گروهی از مردم انصار، از دو طایفه اوس و خزرج شتری کشته غذایی ساخته به خوردن نشسته بودند و شرابی داشتند و سرها گرم بود. در آن حال سر خوشی به رسم مفاخرت از روزگاران قدیم و آن هماوردی ها که میان دو طایفه بود سخن کردند و کینه ها بیدار شد و یکی از حاضران استخوان شتر به مغز دیگری کوبیده چهره او را خونین ساخت و آن کسان از طایفه مجروح که حاضر بودند بانگ زدند که اگر خواهید باز هم جنگ آزمایی توانیم کرد. کار بالا گرفت و حاضران در کوچه صف آراستند و باقیمانده دو طایفه خبر شدند و فتنه داشت بزرگ می شد که ختم پیمبران شخصاً به محل آمد و فتنه خاموش شد و این آیه ها که به مناسبت کلمه «فهل انتم منتهون» نهی قطعی عام از آن مستفاد میشود نازل شد و خم های شراب را در کوچه ها می شکستند.

داستان اختلافات دیرین میان طوایف مسلمان، از ابتلائات بزرگ صاحب دعوت بود که مردم عرب در کشیدن رشته اختلافات اصراری عجیب داشتند و یاد خلاف های قدیم سرگرمی مورد علاقه آنها بود که در ساعتهای فراغت بدان سرخوش می شدند و آیه های قرآن که در این باب نازل شده بسیار است از جمله آیه ۹۹ سوره آل عمران و چند آیه متعاقب آن است که چنین آغاز می شود:«یا ایها الذین امنوا ان تطیعوا تا آخر»

و مورد نزول آن، چنان بود که گروهی از یهودان، میان دو طایفه اوس و خزرج دسیسه ای کردند و جماعتی از دو گروه دست به سلاح بردند و چیزی نمانده بود که خونریزی آغاز کنند و این آیه ها که در مقام نهی از تفرقه و خلاف در اوج بلاغت است، نزول یافت.

و هم آیه ۳۹ انفال «و من اظلم ممن افتری تا آخر» به این مناسبت نازل شده، که عبدالله بن سعد بن ابی سرح اموی که در آغاز دوران اسلام در مکه از جمله کاتبان وحی بود از دین بگشت و بگریخت و نزد کسان یاوه گویی کرد که به هنگام نوشتن، در مقطع آیه ها به جای رحیماً، حکیماً می نوشتم بنابراین من نیز در وحی شریکم و از این ترهات. و این آیه در قدح و ردع وی نازل شد.

و هم آیه ۲۷ سوره انفال که «یا ایها الذین امنو الا تخونو اتا آخر» درباره ابولبا به انصاری نزول یافت آن دم که به هنگام حصار قرظیان یهود، برای مشورت نزد ایشان شد و درباره تسلیم شدن یا نشدن، رأی از او خواستند، گفت البته باید تسلیم شد و دست به گلوی خود کشید و به ایشان فهماند که سرهایتان را می برند و چون از پیش یهودان باز آمد. سخت پشیمان شد و به مسجد رفت و خویشتن به ستون بست و همچنان بود تا این آیه نزول یافت و گناه او نیز بخشوده شده. درباره اسباب نزول آیه ها کتابها پرداخته اند که لباب النقول سیوطی و اسباب النزول و احدی از همه معروف تر است.

ترتیب آیه ها و نظم سوره ها به دستور پیغمبر انجام می شد و همین که چند آیه نازل می شد بعض کاتبان وحی را پیش خوانده می فرمود این آیه را در سوره ای که فلان آیه هست بگذارید، در آن دوران کاغذ نبود یا در عربستان معمول نبود و آیه های قرآن را بر قطعات پوست، یا چرم یا برگ نخل، یا چوب یا استخوان شانه یا دنده گوسفند می نوشتند و طبعاً ردیف و نظم آیه ها را با علائم خاص محفوظ می داشتند. بدین طریق شش هزار و دویست و پنج آیه قرآن که جمعاً در یکصد و چهارده سوره مرتب شده است فراهم آمد.

در تعداد آیه های قرآن اختلافی هست، که آن را شش هزار و دویست و پنج و شش و دویست و چهارده و شانزده و بیست و بیست و پنج گفته اند، اما این اختلاف، چون آن اختلاف که در تعداد سوره ها هست اثر عملی ندارد، یعنی قرآن همین است و اختلاف در شمار آیه ها از اینجاست که بعضی ها همه یا بعض حروف اول سوره ها را به شمار آیه ها آورده اند و نیز آنها که تعداد سوره ها را یکصد و دوازده به حساب آورده اند ازاین روست که سوره فیل و قریش و هم سوره و الضحی و انشراح را یکی دانسته اند.

معنی قرآن در آیه ۱۷ سوره قیامت که گوید: ان علینا جمعه و قرانه تعیین شده است و از سیاق آیه و توضیحات اکثر مفسران محقق است که قرآن در اینجا و هم درباره کلمه عام که بر مجموع آیه ها و سوره ها اطلاق می شود به معنی مجموعه آمده است با وجود نص قرآن، گفتگو از آن احتمال که قرآن را از لحاظ به قرائت گرفته اند بی مورد است، بنابراین قرآن بنص الهی مجموع آیه هاست که ضمن سوره ها منظم شده و در اوراقی که قرن هاست میان مسلمانان متداول است میان دو جلد مرتب شده است.

سوره را محققان از مایه سور یعنی دیوار و حصار گرفته اند به این تناسب که مجموعه ای از آیه ها ضمن سوره ای به هم پیوسته و در حصاری قرار گرفته است، درباره این اشتیاق و تناسب آن هر چه بگویند محقق است که سوره قرآن یعنی گروهی از آیه ها که از پی هم در نظم قرآنی میان دو بسم الله قرار گرفته اند زیرا در سیاق وحی الهی همهٔ سوره ها به بسم الله آغاز شده و فقط در اول سوره برائت که قسمت اعظم آیه های آن تهدید و تخویف مشرکان پیمان شکن و منافقان مفتن است، بسم الله تکرار نشده است.

آیه نیز در متن قرآن به معنی معجزه و نشانه و عبرت و جماعت و برهان به کار رفته و اطلاق آن به قسمتی از کلمات قرآن که از فاصله ای آغاز و به مقطعی ختم می شود با همه این معانی سازگار است در این باب گفتگو نیست که مقطع آیه ها به دستور خاص پیغمبر مشخص شده و نیز تعداد آیه ها که یک سوره را تشکیل می دهد، به همان نهج تعیین شده است، فقط در نظم سوره ها یعنی تقدم و تاخر ان از طرف آنها که پس از وفات رسول جمع و مقابله قرآن را به عهده گرفته اند اجتهادی صورت گرفته است و هر یک نظمی خاص به سوره ها داده اند، که از آن جمله نظم متبع و متداول است که از فاتحه آغاز و به سوره ناس ختم می- شود، آنچه مسلم است علی ع در قرآن خویش، سوره ها را به ترتیب نزول فراهم کرده و سوره علق را در اول قرآن نهاده بود، در نظم موجود قرآن که متن ما مطابق آنست، ردیف نزول سوره ها با عددی که به دنبال عنوان سوره ثبت شده تعیین گردیده است، فی المثل دنبال عنوان سوره بقره عدد ۸۷ آمده این سوره در ترتیب نزول سوره هشتاد و هفتمین است.

مجموع سوره های قرآن را به مدنی و مکی تقسیم کرده اند چنانکه از این عنوان مستفاد می شود سوره- های مکی آنهاست که در مکه نازل شده و مدنی آن سوره هاست که نزول آن در دوران اقامت مدینه صورت گرفته است، بعضی این تفکیک را نپسندیده و گفته اند مکی آن سوره هاست که روی خطاب با مردم مکه دارد و مدنی آنهاست که مردم مدینه را مخاطب می کند، به نظر اینان همه سوره ها که خطابات آن «یا ایها الناس» است مکی است که در دوران اقامت مکه بیشتر مردمان مشرکان بودند و خطاب ایشان به عنوان «ای مردمان» انسب می نمود و نیز همه سوره ها که خطابات آن (یا ایها الذین آمنو) است مدنی است که در مدینه اکثر

مردمان مؤمنان بودند و خطاب ایشان به «شما که ایمان آورده اید» لایقتر بود البته به نظر آنها خطاب «یا بنی آدم» نیز چون «یا ایها الناس» است. و هر سوره که حاوی آن باشد، مکی است، اما این تفکیک درست نمی نماید که در سوره بقره و نساء که قطعاً مدنی است خطاب یا ایهاالناس هست و نیز در سوره حج که مسلماً مکی است خطاب یاایها الذین آمنو هست، و نیز گفته اند که مکی همه آن سوره هاست که پیش از هجرت نازل شده بنابراین آن سوره ها که پس از هجرت در مکه یا اطراف آن نازل شده باشد مدنی است، گویی تفکیک سوره های مدنی و مکی که در قرآن ها متداول است طبق نظر اول است که با معنی کلمه نیز سازگارتر است.

برای تشخیص سوره های مکی و مدنی ضابطه های مختلف تعیین کرده اند از جمله آنکه هر سوره که کلمه کلا در آن هست قطعاً مکی است که کلا کلمه زجر و توبیخ است و سیاق قرآن در ایام دعوت مکه در مقام مقابله یا اعتراضات و تبلیغات مخالفان بیشتر زجر و توبیخ بوده است، کلمه کلاسی سی و سه بار، ضمن پانزده سوره قرآن آمده که همه در آخر قرآن از سوره های کوچک مکی و نیز همه سوره ها که سجده در آن هست مکی است و نیز همه سوره ها که حروف مقطع در آغاز آن هست مکی است به جز بقره و آل عمران که با داشتن حروف مقطع، مدنی است و نیز همه سوره ها که حکایت انبیای سلف در آن هست مکی است و نیز همه سوره ها که حکایت ابلیس و آدم در آن هست ولی مکی است، به جز بقره که ذکر انبیای سلف و آدم و ابلیس در آن هست ولی مدنی است، و نیز همه سوره ها که ضمن آن از حدود واجبات و احکام شریعت ذکری رفته مدنی است که دعوت اسلام، در مکه عام و کلی و صلای خیر و صلاح و خداپرستی و احتراز از شرک بود و تشریع احکام از مدینه آغاز شد و نیز همه سوره ها که از جهاد و احکام آن سخن می کند مدنی است که در مکه بنای دعوت بر تسامح و تساهل بود و تشریع جهاد از مدینه بود. و نیز همه سوره ها که ذکر منافقان در آن آمده مدنی است زیرا در مدینه شوکت اسلام بالا گرفت و گروهی از آنها که دلشان به مسلمانی راغب نبود و از فیض هدایت خدا بی نصیب مانده بودند، از بیم یا طمع تظاهر به مسلمانی می کردند و آن آیه ها که در ذم و تقبیح و وصف و کشف خفایای مقاصد آنها نازل شده با صرف نظر از خصوصیات زمان و مکان وصف حال همه منافقان در همه دوران هاست که دل به سویی دارند و زبان به سوی دگر این نکته نیز یاد کردنی است که در بعضی سوره ها قسمتی از آیه ها مدنی و قسمتی مکی است و طبعاً به رعایت اکثر آیه ها یا به لحاظ آن آیه ها که در اول سوره هست، که مدنی است یا مکی، تمام سوره را مدنی یا مکی به شمار آورده اند فی المثل، سوره عنکبوت را مکی می شمرند اما یازده آیه اول آن که ذکر منافقان در آن هست مدنی است از جمله سوره ها، بقره و آل عمران و نساء و مائده و انفال و توبه و نور و احزاب و محمد و فتح و حجرات و حدید و مجادله و حشر و ممتحنه و جمعه و منافقان و طلاق و تحریم و نصر بی گفتگو

مدنی است درباره سوره های فاتحه و رحمان وصف و تغابن و تطفیف و قدر و لم یکن و زلزله و اخلاص و فلق و ناس اختلاف هست و به جز این سی و دو سوره یعنی بیست سوره قطعاً مدنی و دوازده سوره مختلف فیه، هشتاد و دو سوره دیگر قطعاً مکی است.

چنان که گفتیم در حیات پیغمبر قرآن فراهم و سوره ها منظم شده و دو از کاتبان وحی کسان بودند که نسخه کامل رآن را فراهم داشتند و بی گفتگو نسخه کامل قرآن که در مناسبات مختلف وحی به قلم آمده بود نزد علی پسر ابوطالب بود و پس از وفات پیغمبر، در آن هنگام که بحث و گفتگوی خلافت و اختلافات نخستین پیش آمد، وی در خانه به مراجعه و ضبط دقیق نسخه فراهم شده خویش اشتغال داشت.

به غیر از کاتبان وحی بیشتر مسلمانان نیز یک قسمت یا همه قرآن را به خاطر داشتند و صفحه خاطرشان دفتری دقیق برای ضبط آیه های قرآن بود در ایام ابوبکر که در جنگ های ارتداد هفتاد تن از حافظان قرآن کشته شدند فکر مقابله قرآن و تطبیق نسخه های موجود با آن چه در اذهان محفوظ مانده بود قوت گرفت وزید پسر ثابت را که از کاتبان وحی بود بدین کار مأمور کردند و وی نسخه ای از قرآن را اساس کار خویش کرد و مقابله دقیق همه آیه ها و سوره ها که در خاطره ها بود و تطبیق آن به نسخه مضبوط انجام شد و این همانست که راویان به توسع، عنوان جمع قرآن در زمان ابوبکر بدان می دهند، چنانکه می بینیم باز هم در عهد عثمان صحبت از جمع قرآن می کنند و از آن روایت ها که در این باب هست محقق است که در دوران عثمان فقط تطبیق نسخه ها باهم و اتفاق بر یک نسخه که آن را «نسخه پیشوا» نام دادند انجام شد، روایات می گوید که بعض صحابیان در سفرهای خویش به شام و کوفه و اقطار اسلام دیدند که در طریق خواندن قرآن اختلاف ها هست و این اختلاف ها به مشاجره ها می کشد و در بازگشت کیفیت حال به عثمان نمودند و هم در مرکز خلافت معلمان بودند که هر یک قرآن را به قرائت دیگر تعلیم می دادند و نو آموختگان به قرائت-های مختلف می خواندند و کار اختلافات به آنجا می رسید که معلمان یکدیگر را به کفر نسبت می دادند که در نظرشان هر که آیه ای را جز به قرائت خاص آنها می خواند از دین خارج شده بود و عثمان وقتی از این احوال خبر یافت در خطبه ای گفت:«شما نزد من چنین اختلاف می کنید البته آنها که در شهر های دورند اختلافشان شدیدتر است» این ملاحظات محرک عثمان شد که نسخه های قرآن را فراهم کرده زید پسر ثابت و عبدالله پسر زبیر و سعید پسر عاص و عبدالرحمن پسر حارث را به کار وادارد که بار دیگر نسخه ها را باهم و با اذهان تطبیق کنند و همین است که به نام «جمع آوری» قرآن به دوره عثمان در روایت ها یاد میکنند که بی گفتگو قرآن پیش از آن به مدت ها مجموع بود و در این دوران تطبیق و ضبط دقیق آن را مکرر کرده و از متن کامل و دقیق چهار یا هفت نسخه نوشته شده و به شهرها فرستاده اند و باقی نسخه ها را بسوخته اند

که همین سوختن قرآنها را بر عثمان خرده گرفتند و بعضی صحابیان چون ابن مسعود که در نسخه خویش نظم سوره ها را به صورت دیگر به خلاف قرآن عثمان آورده بودند، از تسلیم آن سرباز زدند و همین کار، مایه اختلافات بسیار شد.

آنچه مسلم است متن متداول و منبع قرآن که اکنون در دستها است همانست که از روی نسخه عثمان گرفته اند و حتی در نسخه های اصیل قرآن از جمله همین که مبنای چاپ ماست رسم الخط آن زمان که با رسم الخط متداول عصر ما تفاوت دارد، دقیقاً حفظ شده که در نظر منتشران حتی این مقدار تغییر در کتابت قرآن، ناروا و محتملا مایه بدعت و کفر و ضلال بوده است.

برای کمال دقت در ضبط رسم الخط قرآن کتابهای مفصل پرداخته اند که از جمله کتاب، المقنع ابی سعید دانی مورد مراجعه من بوده است و به جرئت می توان گفت که در تاریخ خط و کتابت، درباره هیچ کتاب این دقت که در ضبط و مقابله قرآن و وحدت و انطباق نسخه های آن می کنند نکرده اند به طوری که در مدت نزدیک به چهارده قرن مطابقت قرآن با نسخه عثمان محفوظ مانده و حتی تحریفات ناچیز که از لوازم ثبت و ضبط است در آن رخ نداده و اگر اختلافی هست در قرائت کلمات است که بعداً توضیح می دهیم.

اما درباره انطباق کامل متن عثمان با متن فراهم شده در ایام پیغمبر گفتگویی هست، این نکته مسلم است که هر چه در قرآن عثمان ضبط شده کلمه به کلمه مطابق آن آیه هاست که به وحی الهی به پیغمبر القا شده و به زبان وی به کاتبان وحی املا شده و در زمان ابوبکر مقابله و تطبیق و نسخه واحد متبع انتخاب شده است، یعنی هیچ کس ادعا نکرده که در متن موجود یک کلمه غیر منزل هست اگر گفتگویی از روایات شیعیان و سنیان هست اجمالا اینست که محتملا بعضی آیه های منزل سهواً یا عمداً از متن موجود اسقاط شده است، بعض راویان عباراتی را نقل می کنند که به پندار آنها در صف آیه های قرآن بوده و سهواً از قرآن عثمان افتاده است اما این آیه ها از سیاق قرآن به دور است و روایت ها نیز معتبر و درخور اعتنا نیست و نیز روایات منتسب به راویان شیعه می گوید که بعض آیه ها در فضایل علی ع و تصریح وصایت و ولایت او به عمد از قرآن عثمان حذف شده است اما همه آن عبارت ها که نقل می کنند از عبارت هایی که قرآن بودن آن مورد ادعای راویان سنی است به سیاق قرآن نزدیک تر نیست بعضی روایتها از این هم جلوتر رفته از یک سوره قرآن که عنوان سوره ولایت داشته گفتگو می کنند و متن این سوره با بعضی عبارتهای دیگر که دعوی قرآن بودن آن هست چندی پیش درهند چاپ شده است. عجب است از آنها که با نظم و اسلوب بدیع قرآن آشنایند چگونه این عبارات را که ضعف ترکیب آن از مبتدیان نیز مخفی نتواند ماند به سیاق اعجاز آمیز قرآن قابل قیاس می دانند شیخ طبرسی صاحب مجمع البیان که در این باب مرجعی موثق و متبع است گوید: «جمعی

از یاران ما و گروهی از حشویان عامه روایت کرده اند که در قرآن تغییر و نقصانی رخ داده اما رای صحیح یاران ما برخلاف اینست» به پندار من همه آن روایت های منسب به شیعیان و سنیان درباره نقصان قرآن از مبدعات آنها است که در طول قرون کینه اسلام را از دل برون نکرده اند و به خیال باطل خویش خواسته اند به این دستاویز قرآن عظیم را که معجزه باقی پیغمبر خاتم است به ضعف منتسب کنند. از تطاول یهودان بر این دین مبین و متعلقات آن در امان نباشید که خبث طینت فرزندان اسرائیل از حوادث قرون نشانه ها دارد.

بی گفتگو بنای اسلام به کمک و هدایت و برکت قرآن استوار شده و به پشتیبانی این کتاب جاوید از دست برد حادثات زمان مصون مانده است، قرآن معجزه ابدی محمد ص و دستور اساسی اسلام و کارنامه نهضت عظیم مسلمانی است و صلایی که چهارده قرن پیش، محمد امین ختم رسولان از دره محصور مکه بلند کرد همراه با آیه های روشن و رسای قرآن هنوز در گوش جان ها طنین دارد و همین زبان عرب که اکنون در صف زبان های زنده دنیاست در طی این قرون دراز، بقا و یک نواختی خود را به قرآن مدیون است و اگر این کتاب عظیم آسمانی در این مدت طولانی رشته وحدت و اعمال زبان پسران عدنان را از ضعف و وهن، مصون نمی داشت، خدا می داند تاریخ سنگدل با این زبان که زیبایی های دل انگیز آن قابل انکار نیست و قسمت اعظم این زیبایی ها را از جلال و شکوه قرآن وام گرفته است، تاکنون چه ها کرده بود. شاید به همین جهات است که بیشتر متفقان عرب زبان از دیرباز، به تبعیت نظریات خاص خویش که مویدی از کتاب و سنت و عقل ندارد نقل چیزی از معانی قرآن را به زبان های دیگر بی اشکال ندانسته و خواسته-اند دست خوش این پندار واهی شوند که این کار العیاذ بالله، رونق قرآن کریم را کاهش می دهد، این ملاحظه بی جاست و این دستاویز سست، از سیرت سلف برخلاف این قراین واضح هست که پیوسته در بسطو توضیح و تفسیر عبارات قرآن می کوشیده اند و در این باب از رویه معصوم نیز تاییدها هست.

روایات موثق حکایت می کند که رواج قرآن در نظر آن کس که به وحی الهی آیات آن را فرا گرفته بود، ارجی بزرگ داشت و پیوسته کسان را برای تعلیم آیه های آن به قبایل عرب می فرستاد و این رغبت به رواج دادن قرآن تا آنجا بود که تعلیم یک یا چند سوره آن را به جای کابین زنان منظور توانستند داشت و یقین هست که معلمان قرآن در اثنای تعلیم آن در توضیح آیه ها از کلمات غیر قرآن کمک می گرفته اند و نیز روایتهای فراوان هست که پیغمبر و فرزندان و یاران وی در توضیح آیه ها و کلمه های قرآن حسن تفهم مستمعان کلمات دیگر یاد می کرده اند وقتی توضیح و نقل معنی قرآن به کلمات غیر قرآن از زبان عرب توان کرد، خاصه که نقل چیزی از معانی قرآن به زبان های دیگر که کسان فهم توانند کرد مایه تعظیم جلال و

اظهار جمال آن می شود و کسان را با معانی دلپذیر آن مأنوس می کند و آن رغبت نیرومند را که در دلها برای درک حقایق بی پیرایه هست، تحریک می کند و مایه رواج قرآن می شود.

قرآن کریم به لحن تقریع و توبیخ، امیان اهل کتاب را که از کتاب آسمانی خویش جز قرائت ها ندانند یاد می کند و من از آن متفقهای عرب در عجبم که چسان از این نکته غافل مانده و همدینان غیر عرب خویش را از آن لوم و تحقیر که خداوند منان به امیان اهل کتاب می کند بهره ور خواسته اند مگر اینان پنداشته اند همه مسلمانان غیر عرب آن توفیق توانند داشت که آداب زبان عرب را چنان بیاموزند که بی واسطه ترجمان از سرچشمه فیاض معانی قرآن سیراب شوند اگر چنین است حقا پنداری نارواست.

این گفتگو کردم تا معلوم دارم بعضی از آن ملاحظات که در قرون سلف بسیار کسان به رعایت آن از ترجمانی قرآن بازمانده اند از چه باب است نگفته پیداست ترجمانی قرآن چنانکه باید، محال است و گفتار رب جلیل را در عبارات بنده ذلیل ریختن، دریا به کوزه پیمودن است مترجم دقیق و نکته سنج اگرش توفیق الهی رهنمون شود بیش از این نتواند که مشتی از آن خرمن هدیه دوستان کند و بویی از آن گلبن برای گل دوستان بیارد که این نیز جرئتی است که در این راه خطرها و مشکل هاست که ساختمان کلام و نظم موضوع و محمول و متعلقات جمل در تازی برخلاف پارسی است که ریشه دو زبان از هم جداست به علاوه با حروف و ظروف و موصولات و روابط و موکدات و همه آن چیزها که تعبیر از دقایق و حالات معانی بدان وابسته است در فارسی یا نیست و اگر هست بدان تنوع و دقت که در تازی هست نیست و مرا که به استعداد و مایه شگفت فارسی اعتراف دارم، این پندار سخت قوی است که در تازی نرمش و استعداد کلمات، به سبب آن وسعت که در دامنه تصریف آن هست از زبان ما بیشتر است و نیز در زبان عرب وسیله ها برای ادای حالات خاص از قبیل تاکید و تعریف و تنکیر معانی دیگر هست که به فارسی آوردن آن محال است فی المثل حصر مستفاد از انمارا یا تاکید مفهوم از لام مقرون به نون تاکید ثقیل یا خفیف را یا تحقق و تثبیت معلوم از قد و تحقق موکد مفهوم از لقد را با کدام کلمه به سیاق فارسی توان آورد؟ گویی ترجمانان قرآن از دیرباز به همین زحمت دچار بوده و کلمات نامأنوس چون «هرآینه» و «اینست و جز این نیست» و «بدرستی که» و امثال آن را که نظم سخن را مشوش و آهنگ گفتار را ناخوش می کند از روی اجبار به کار می برده اند.

از آن مشکل ها که در راه تشخیص حالات حروف و معانی کلمات هست چیزی نمی گویم فی المثل الف و لام تعریف را بنگرید که به اختلاف مقام، معانی مختلف دارد، یک جا در مقام استیعاب و به معنی تمام است الرجل یعنی«همه مردان» و یا به قرینه مقام یعنی «هر چه مرد در هر زمان و مکان» هست جای دیگر به معنی اشاره بی سابقه است و این سابقه یا ذهنی است که میان متکلم و مخاطب هست یا سابقه یادآوری در

طی کلام است و گاهی همین الف و لام معنی «این» می دهد زیرا از موجود حاضر حکایت می کند و این حالات را از قراین مقام توان دریافت و پس از دریافت، کلمه مناسب که از آن تعبیر کند و نظم سخن را مختل نکند کجاست!

شاید به سبب آن اختلاط که از دوران نفوذ اسلام، میان دو زبان هست و بسیاری لغات تازی به پارسی در آمده، بعضی تصور کنند که کار ترجمان میان این دو زبان آسان تر است اتفاقا وجود همین کلمات مهاجر بیشتر مایه زحمت است که غالب آن از معنی اصلی منسلخ شده و در فارسی، قالب منی دیگر شده است و غفلت از این نکته برای بعضی مترجمان لغزش های عجیب پدید آورده است.

این مشکلات که شمه ای از آن گفتیم و آنچه نگفتیم نکته بینان دانند موجب آن شده که بیشتر مترجمان قرآن که همه در کار خود حسن نیت داشته و رضای خدا می جسته اند، راه توفیق گم کنند و معانی قرآن را از سیاق کلمات عرب بیرون کشیده اما به قلمرو فارسی نیارند که غالباً در این ترجمه ها معنی در نشیب و فراز ناهنجار کلمات گم می شود و خوانندگان، ارکان و متعلقات کلام را به زحمت شناختن توانند و یا اصلا نتوانند و از فهم آن مقدار کم از معانی قرآن که در کلمات دیگر تواند آمد فرو مانند که حقاً بعضی از این مترجمان عربی موزون را فارسی ناموزون کرده اند که بی گفتگو فارسی زبان عربی ندان ترجمه را از اصل آسان تر فهم نتواند کرد، شاید سرچشمه این شگفتی ها قسمتی از آنجاست که مترجمان، هنگام کار، فراموش می کرده اند که معانی را در قالب کلمات فارسی باید ریخت و کلمات را به سیاق جملات فارسی باید برد، گویا به نظر ایشان ردیف کردن کلمات فارسی به رسم کلمات تازی از آن قیدهاست که چشم پوشیدن از آن مطابقت ترجمه را خلل دار می کند و به فرار از این خلل وهمی، بخلل قطعی تن داده اند.

برای نمونه، جمله ای چند از یک ترجمه بسیار قدیم قرآن را که بعضی متادبان به حکم کهنسالی، شاهکار ترجمه های خویش قرآنش می خوانند در اینجا می آورم مثلا ترجمه آیه ۲۳۱ از سوره بقره چنین است:«و چون طلاق دهید زنان را برسند به وقت عدت ایشان مه باز داریدشان که شوهری کنند زنانشان را چون بپسندند میان ایشان به نیکوی، این پند دهند بدان آنکه بود از شما که بگرود به خدای و روز رستخیز»

و ترجمه آیه ۱۷۲ از همان سوره چنین است:«و گفت آن کس ها که نمی دانند چرا مه سخن گوید با ما خدای، یا بیابد، به ما حجتی چنین گفت آن کس ها که از پیش ایشان همچون گفتار ایشان به یکدیگر ماند دلهای ایشان که پیدا کردیم اینها گروهی را که بی گمانند.»

در این جمله صرف نظر از ملاحظات دیگر«گفت» را که در اصل به سیاق مفرد آمده اما فاعل آن جمع است به همان صیغه به فارسی آورده است، راستی اگر ترجمان تا این حد در چها دیوار زبان اصل محصور باشد که قواعد زبان مترجم را از یاد ببرد و فعل را که در زبان فارسی باید با فاعلان مطابقت کند، مطابق نکند اصلا این ترجمه کردن چه ضرور، این ترجمه کردن قرآن نیست به صیغه عربی درآوردن کلمات فارسی است.

باز، این ترجمه با همه تشویش و اغلاق یک فضیلت بزرگ دارد که کلمه به کلمه با اصل انطباق دارد، نه افزون است نه کم، اما ترجمه دیگر که در این ایام مرجع انام است از این فضیلت نیز که شرط اول ترجمه آن هم ترجمه کلام خداست بی بهره است و در آن غلط های صریح و تأویل ناپذیر برخلاف متن فراوان هست و برای نمونه چند مورد را یادآوری می کنم.

در آیه ٣٦ از سوره بقره در ترجمه فازلهما الشیطان عنها معنی «عنها» از ترجمه افتاده و مترجم محترم توجه نفرموده اند که این کلمه متعلق به کجاست و مرقوم داشته اند که «شیطان آدم و حوا را به لغزش افکند» اما از کجا؟ این را دیگر معترض نشده اند در صورتی که ضمیر عنها به بهشت یا آسمان یا اطاعت باز می-گردد و شیطان آدم و حوا را از آن لغزانیده است و هم در آیه ٦١ از همان سوره اهبطوا مصر ارا «به شهر مصر درآئید» ترجمه کرده و مصر را به معنی علمی گرفته اند در صورتیکه قطعاً به معنی نوع است یعنی «به شهری درآیید» زیرا به غیر از اتفاق مفسران که همه مصر را به معنی نوع گرفته اند، چون آیه در سر گذشت بنی اسرائیل است پس از خروج از مصر و مسلم است که پسران اسرائیل پس از خروج بار دیگر به مصر نرفته اند و فرضاً از این قرینه تاریخی مسلم صرف نظر کنیم محقق است که مصر علمی هیچوقت شهری نبوده بلکه مملکتی بوده است و تازه این تنوین مصر دلیل دیگر است که در اینجا مصر علم نیست و گرنه غیر منصرف می بود.

و باز در آیه ٢٣٢ همان سوره «فصال» را که بی گفتگو به معنی از شیر گرفتن فرزند است و کلمات سابق و لاحق آیه شاهد آنست طلاق و جدایی زن و شوهر ترجمه کرده اند و هم در آیه ٢٨١ از همان سوره در سه جا املا کردن را که معنی آن القای کلمات برای نوشتن دیگران است امضا کردن ترجمه کرده اند.

و در آیه هشتم سوره انعام «للبسنا علیهم مایلبسون» را چنین ترجمه کرده اند:«بر آنان همان لباس که مردمان پوشند بپوشانیم» و این اشتباه عظیم که تحریف کلام خدا است شاهد آن سخن است که پیش از این گفتیم اختلاط لغات عرب به زبان فارسی مایه لغزش مترجمان می شود. اینجا کلمه للبسنا و یلبسون هست که

از مایه لبس به معنی خلط و پوشش واقع است و لباس نیز به اعتبار پوشش، مصدر دیگر از همین مایه است و مترجم محترم از اشتراک مایه کلمه بدون توجه به ضمیر«علیهم» که جمع است و قطعاً مرجع آن ملک و پیغمبر مضمر در اول آیه نیست چنین لغزشی که خدا ما را ارتکاب نظایر آن مصون دارد مرتکب شده اند اینجا صحبت از لباس پوشاندن نیست بلکه معنی آیه به حکم سیاق و اقتضای لغت اینست که اگر فرضاً پیغمبر را چنان که مشرکان گویند و خواهند فرشته ای می کردیم او را به صورت مردی می آوردیم و باز مشرکان را دچار خلط و اشتباه می کردیم و بی گفتگو ضمیر علیهم مربوط به مشرکان است.

حقاً من به حیرتم که چرا اهل صلاح در قبال آن خطاهای فاضح که در ترجمه های قرآن هست چنین خاموش گرفته اند مگر آن فضیلت بزرگ امر به معروف که قرآن کریم تا قیامت بدان صلا می دهد چنان از یاد رفته که قرآن خدا را نادرست ترجمه کنند و در هر شهر و دیار برپا کنند و مردمان بگیرند و ببرند و بخوانند و اهل دلی به حکمت و موعظه حسنه برای اصلاح آن تذکاری ندهد، حقاً آن متشرعان که به اداب شریعت علاقه دارند باید در رمضان و غیر رمضان از ترجمه قرآن و کلمات معصوم، جز آنچه اصالت و مطابقت آن معلوم باشد نخوانند که کلامی را از معنی خویش بدر بردن مصداق روشن افتراست.

در ترجمه حاضر بنای کار من بر این بوده که از معانی قرآن آنچه را عرب عادی، دریافت تواند کرد، به فارسی بیارم، برای این منظور کلمه ها را به معادل فارسی آن برگردانیده و آنگاه کلمه های فارسی را که از این کار به دست آمده در قالب جمله های فارسی ریخته ام، مگر درباره مجازها که این کار میسر نبود. بنابراین با اطمینان توانم گفت که این ترجمه، با تمام دقت های ممکن یک ترجمه تحت اللفظی است و مثل بسیاری مترجمان به نقل مفهوم و الحاق عبارات اضافی، دست نزده ام فقط در بعضی موارد به اقتضای ضرورت کلام، یک و گاهی دو کلمه بر جمله ای افزوده ام که آن را نیز میان دو هلال نهاده ام که مشخص باشد، اگر حاصل کار من که با قیاس به کمال بلاغت قرآن، بی نقص نمی تواند بود، از آن تشویش و اغلاق که در ترجمه های دیگر هست مصون باشد، و خواننده فارسی زبان در عبارات آن سیاقی مفهوم و دلپذیر که حاکی از شمه ای از معانی آیات آسمانی باشد تواند دید که مشوق او در آشنایی بیشتر با کارنامه نهضت عظیم اسلام شود، اگر چنین باشد، حقاً به تایید خداوند منان، توفیقی شایسته رخ نموده که در گیتی هر چه هست جلوه اراده خداست و اگر جز این باشد، نتیجه آن قصور است که در امکانات انسانی هست که انسان را از ناتوانی آفریده اند به هر حال مرا این خوش دلی هست که غایت کوشش خویش بکرده ام و اگر به کمال امنیت نرسیده-ام از پاداش حسن نیت بی بهره نخواهم بود که خدا هیچ کس را بیش از توانش مکلف نکند و از همه کسان که بر این اوراق می نگرند و در خویش صلاح و مایه مقایسه متن و ترجمه می بینند با الحاح تقاضا دارم، از

دقت و کنجکاوی دریغ نکنند و اگر خطایی دیدند بگویند و بشنوانند و بنویسند و یادآوری کنند که سکوت در قبال خطاهایی از این باب، خطایی دیگر است.

در صدر این مقدمه شمه ای از آن کتابها را که در این ترجمه مورد استفاده من بوده یاد کرده ام با این توضیح که آن کتابها مراجع دائم بوده که اساس کار خویش در آن نهاده ام و گرنه کتابهای لغت و ادب و حدیث و تفسیر که برای حل مشکلی و ایضاح نکته ای بدان مراجعه کرده ام بسیار است و از کتابهای تفسیر خاصه و عامه آنچه چاپ شده و به دسترس بوده، به ندرت کتابی هست که در مضایق کلام از آن اعانتی نجسته باشم که راهی صعب العبور بود و پای فکرت لنگ و در بیشتر تنگناها چراغ فکرت سلف ماضی رحمهم الله دلیل راه من بود که هر چند به نعمت خدای از درک آن معانی باریک که در کلمه ها هست و حل آن عقده ها که در جمله ها هست ناتوان نبوده ام، اما همیشه کوشیده ام تا به اقتضای سلف صالح، از توضیح قرآن برای که صوابش خطایش هول انگیز، برکنار مانده باشم.

تذکار این نکته لازم می نماید که در این ترجمه به قرائت های مختلف قرآن جز آنچه متن موجود مطابق آن ضبط شده، نظر داشته ام و به اقتضای مقام گاهی قرائتی را جز قرائت متن برگزیده و ترجمه راه مطابق آن کرده ام قضیه قرائتهای مختلف قرآن که به هفت و بعد بده و آنگاه به تعداد بیشتر رسیده چنین است که در متن قرآن بعضی کلمات گوناً گون خوانده می شود و هر یک را ضبط و قرائت دیگر دانند. این اختلافات نوعاً از کم و بیش شدن نقطه ای یا زیر و زبر شدن اعرابی پدید آمده یا در فعل مضارع صیغه خطاب را به صیغه غیاب خوانده اند، معذالک آن دقت خارق العاده که در طول تاریخ برای کمال ضبط قرآن بوده و موجب شده که جزئیات این اختلافات را ثبت کنند و علم قرائت دامنه ای وسیع یافته و درباره آن کتابهای مفصل پرداخته اند که کتاب قراآت العشرا بی الخیر دمشقی که از ثقات علم قرائت است مورد استفاده من بوده است و از روی آن رساله ای در ثبت و ضبط وجوه قرائتها پرداخته ام که شاید روزی وسیله نشر آن فراهم شود.

در سبب این تغییرات و اختلاف قراآت نظر محققان یکسان نیست، گویند تغییر قرائت ها از آن جا پدید آمد که قرآن در اول کار با اعتماد به ذوق قاریان، اعراب و نقطه نداشت و متن قرآن را طبق اصول روایت که در قرون اول درباره همه متون با کمال دقت رعایت می شد دهان به دهان و سینه به سینه با جزئیات اعراب فرا می گرفتند و تا مدتها به این تصور که هر تغییری در کتاب قرآن بدعت است، از اعجام و اعراب آن دریغ می کردند و همین اختلاف قرائت ها بود که ابوبکر را و بار دیگر عثمان را به مقابله یا جمع آوری قرآن وادار کرد. و گروه دیگر، به تایید این حدیث قابل تاویل منتسب به ختم رسل که فرمود:« قرآن به هفت

حرف نازل شد» اختلاف قرائت ها را مصداق حروف هفت گانه منزل دانند و پندارند که قرآن بر این وجوه مختلف نازل شده است، دامنه این گفتگو دراز است و ما را مجال و حاجت استقصا نیست.

وجوه اختلاف قرائت را طبقه بندی کرده اند و از همه آنها طبقه بندی صاحب مجمع البیان منظم تر است که گوید:«یکی آن که اعراب کلمه مختلف باشد اما معنی و صورت آن در کتابت تغییر نکند چون فیضاعفه که به رفع و نصب خوانده اند دوم آنکه اعراب کلمه مختلف شود و معنی تغییر کند اما صورت کتابت آن تغییر نکند چون تلقونه که به فتح تای اول به صیغه مضارع ثلاثی و هم بضم تا به صیغه مضارع مزید فیه خوانده شده سوم آنکه اختلاف در حروف کلمه باشد و اعراب آن تغییر نکند و صورت کتابت نیز یکسان باشد چون ننشرها که باز ای نقطه دار و رأی بی نقطه خوانده اند چهارم اختلافی است که صورت و کتابت کلمه را تغییر دهد اما معنی یکی باشد چون آن کانت الاصیحة (یس۲۹) والازقیة که هر دو به یک معنی است پنجم اختلافی است که صورت معنی را دگرگون کند چون طلح (واقعه۲۸) منضود و طلع منضود که طلح به حاو طلع به عین که دو قرائت مختلف است به صورت و معنی جداست که طلح به معنی موز و طلع به معنی شکوفه است ششم اختلافی است که از تقدیم و تاخیر کلمه به وجود می آید چون وجاء ت سکرة الموت بالحق (سوره ق۲۹) که وجاء ت سکرة الحق مالموت نیز خوانده اند هفتم اختلافی است که از زیادت حرفی پدید آید چون و ما عملت ایدیهم که و ما عملته ایدیهم (یس۳۵) نیز خوانده اند»

و به دنبال این طبقه بندی، این توضیح ضروری است که اختلاف قرائت ها در متن قرآن کریم، بیشتر از نوع اول و دوم و سوم و چهارم است و نوع پنجم و ششم و هفتم در سراسر قرآن بیش از چند مورد نیست برای نمونه اختلاف قرائت ها را در مورد سوره حمد که دیباچه قرآنش نام می دهند از روی همان کتاب« النشر» و توضیحات اضافی از روی بعضی کتابهای دیگر در اینجا می آورم.

در الحمدالله ابراهیم بن ابو عبله لام لله را به تبعیت دال الحمد مضموم خوانده و حسن بصری دال الحمد را به تبعیت لام لله مکسور خوانده است و زیدبن علی بن حسین حمد را به نصب خوانده و یکی از قاریان دال حمد و لام لله هر دو را مفتوح خوانده است.

در مالک یوم الدین علی ع ملک یوم الدین به فتح لام و کاف به صورت فعل ماضی خوانده یعنی روز جزا را مالک گشت و صالح یکی از قاریان مالک را به مقام ندا منصوب خوانده یعنی ای مالک روز جزا و ابوالحیاة قاری دیگر ملک بدون الف و به نصب خوانده و هم از علی ع ملاک یوم الدین به تشدید لام به صیغه

مبالغه روایت کرده اند، ابن عمر ملک یوم الدین به سکون لازم و کسر کاف خوانده و یمانی که از قاریان معروف است ملیک یوم الدین به صیغه صفت مشبهه خوانده است.

در ایاک نعبد و ایاک نستعین، بعض قاریان یاء مشدد ایاک را در هر دو جا سبک کرده اند و نون مضارع را مکسور خوانده اند.

عبدالله بن مسعود اهدنا الصراط المستقیم را ارشدنا الصراط المستقیم خوانده است.

در صراط الذین انعمت علیهم، عمر به جای الذین من موصول آورده و صراط من انعمت علیهم خوانده است و نیز بعض قاریان هاء علیهم را در اینجا و پس از مغضوب هر دو مضموم خوانده اند.

در غیر المغضوب خلیل بن احمد را به نصب خوانده و طبعاً آن را حال گرفته و عمر غیر را به رفع خوانده که خبر مبتدای محذوف می شود.

در ولاالضالین، عمر به جای لاغیر آورده و غیر الضالین خوانده و سجستانی قاری معروف در ضالین به جای الف، همزه آورده و آن را مفتوح خوانده است یعنی ضئلین، و هم در این سوره شریف وجوه دیگر از اختلاف قرائت ها هست که از شرح آن می گذریم.

این توضیح درباره اختلاف قرائت ها ضرور بود تا اگر در بعض موارد عبارات ترجمه را از لحاظ صیغه خطاب و غیبت یا سیاق فعل، عین متن ندیدید در قضاوت شتاب نکنید.

در انتخاب نسخه متن ملاحظات خاص در میان بود. نخست آنکه اسلوب خط آن با دقت کامل مطابق رسم الخط اصیل و قدیم قرآن است که با رسم الخط عادی ما، در بسیاری موارد اختلاف دارد و دیگر آن که نسخه حاضر از لحاظ صحت و هم از لحاظ دقت در انطباق اعراب با حروف، کم نظیر است و برای خوانندگان متن شریف غنیمتی است که به ندرت ممکن است در قرائت آن از لحاظ اعراب خطایی رخ دهد و مزیت دیگر نسخه حاضر از اینجاست که خط آن قوی و پرمایه است و از خطر محو و سقوط نقطه و اعراب در کلیشه سازی مصون است، زیرا متن شریف را با کلیشه چاپ کرده ایم و در کلیشه سازی خطوط را به کمک عکاسی روی فلز می برند و آنجاها را که خط نیست به کمک تیز آب فرو می برند که خط ها برجسته و برای چاپ آماده شود. در خطوط معمول که دندانه کلمات و اعراب و نقاط، دقیق و ظریف است، بیم آن هست که طغیان تیز آب نقطه ها وزیر وزبرها را ببرد و در کتاب کریم غلطی رخ دهد، در این باب تجربه تلخی نیز داریم که از نسخه دیگر صفحات بسیار آماده کار شد و در لحظه آخر متوجه سقوط بعضی نقطه ها شدیم و به ناچار

کار را از سر گرفتیم، در قبال این مزیت ها که متن حاضر دارد اگر خط آن که شیوه ای شیرین و دلپسند دارد با شیوه خوشنویسی معمول کاملا منطبق نیست ما را معذور خواهید داشت که در برابر ملاحظه ای از این قبیل از صحت و دقت متن شریف صرف نظر نمی توانستیم کرد زیرا به جرئت می توانیم گفت که در سراسر این نسخه از سقوط اعراب یا نقطه، ناروایی رخ نداده و اگر خدای نکرده رخ داده چنان است که دقت های مکرر ما که به وسیله چند تن بارها کلیشه ها را با متن و متن را با متن های دیگر مقابله کرده ایم برای کشف آن کافی نبوده است و همین دقت بی حساب در تصحیح و مقابله متن، ما را از دقت کامل در تصحیح ترجمه فارسی غافل کرد که در آن بعض غلط ها از تغییر یا سقوط حروف کلمه هست که به فراست کشف آن توانید کرد.

و نکته دیگر آنکه از آغاز کار دقت و محاسبه کردیم که هر صفحه از ترجمه عیناً و دقیقاً مقابل یک صفحه متن چاپ شود و در صفحات اول این کار مطابق پیش بینی ما بود اما از جزو ششم به بعد احیانا متن فارسی بیش از گنجایش یک صفحه شد و به ناچار قسمتی از آن با حروف دیگر که به چشم واضح تر می-نماید و جا کمتر می گیرد چیده شد زیرا اگر مطلب اضافی را به صفحه دیگر می بردیم ناچار از صفحه دیگر نیز به صفحه بعد می رفت و آن نظم ملتزم که تقابل متن و ترجمه بود به هم می خورد.

چنانکه گفتم در سراسر ترجمه این التزام مسلم را داشته ام که از اقتفای سلف صالح و رحمهم الله که در مضمار دقت گوی سبقت ربوده اند تجاوز نکنم و اگر در کار خویش احیاناً به نتایجی جز آنچه معمول مترجمان دیگر است رسیده ام بی تأمل سنگ مسئولیت به کفه من نتوان نهاد، فی المثل در همین بسم الله الرحمن الرحیم که در همه ترجمه ها رحمان و رحیم را بخشنده و مهربان ترجمه می کنند و حتی بعضی روایات منشاء این ترجمه را به صدر اول می برند و نقل می کنند که نخستین بار سلمان فارسی بسم الله الرحمن را به تقاضای مردم مداین به نام یزدان بخشاینده ترجمه کرد (النحه القدسیه، شر نبلالی) این پندار صحیح باشد یا ناصحیح، آنچه مسلم است کلمه بخشاینده یا بخشنده مهربان تقریباً در همه ترجمه های فارسی، ترجمه متبع رحمان رحیم تلقی شده و اخلاف از اسلاف گرفته اند اما به پندار من نه بخشنده تر ترجمه رحمان است و نه مهربان تر ترجمه رحیم و مترجمان در این کار تسامحی عجیب کرده اند که قابل اغماض نیست. رحم در لغت به معنی رقت و تأثر است که منجر به عمل خیری درباره کسی شود و رحمان و رحیم که از مایه رحم است چون درباره خدا به کار می رود و فرض تأثر درباره ذات باری روا نیست، از قسمت اول منسلخ شده و فقط معنی عمل خیر در آن ملحوظ است رحمان نیز صیغه مبالغه است یعنی کسی که رحم فراوان کند و رحیم صفت مشبهه است، یعنی فاعل مستمر و بی انقطاع خیر و چنانکه می دانید در فارسی حالت استمرار فاعلی را با

گار و گر تعبیر می کنند چون صنعت گر و آمرزگار بنابراین اگر قطعاً بخواهم، رحمان و رحیم را بدو کلمه دیگر مبدل کنیم، آن دو کلمه بخشنده و مهربان نیست، که بخشنده، اگر منظور بخشش معنوی است ترجمه غفار است و اگر منظور بخشش مادی است ترجمه معطی است، و مهربان نیز برای تعبیر از کلمه رؤف و شفیق شایسته تر است، پس در قبال رحمان و رحیم فقط رحمت پیشه و رحمت شعار می توان گفت که آن هم تبدیلی نامرغوب است که یک کلمه عربی را به دو عربی یا یک عربی و یک فارسی مبدل کردن و مفرد زیبای مفهومی را به مرکب نامانوسی برگردانیدن از حسن ذوق به دور است، به اقتضای این ملاحظات، من در ترجمه بسم الله در آغاز سوره ها رحمان و رحیم را که گمان دارم، از لحاظ زیبایی و آهنگ و مفهوم بودن از هر دو کلمه دیگر که به جای آن توان گذاشت شایسته تر است، عیناً به جا گذاشتم تا شما چه اندیشید.

در آیه ۲۵۸ سوره بقره در حکایت آن پیغمبر قدیم که بر دهکده ای گذر کرد، در ترجمه «وهی خاویة علی عروشها» تشویشی داشتم که اکثر مفسران خاویه را به معنی ساقطه گرفته و عبارت را چنین توضیح کرده اند که دهکده بر طاق ها افتاده بود، یعنی طاق ها افتاده و دیوارها بر آن، یعنی خراب اندر خراب بود، و این توضیح تقریباً جمعی در خاطره من خلجانی ناموافق داشت، زیرا گفتگو نیست که ضمیر مؤنث مربوط به دهکده است و طبق این توضیح به طور مجاز ضمیر دهکده به دیوارهای دهکده باز می گردد و به پندار من مجازی چنین با فصاحت و سیاق قرآن سازگار نیست که مجازی بعید است به علاوه در مقدمه آیه که «مرت علی قریة» آمده، اگر قریه چنان خراب بود که طاق ها افتاده و دیوار ها بر آن، دهکده نامیدنش مجاری دیگر است و صفت خراب برای آن آوردن اولی می نمود که به اجماع اهل نظر در قرآن شریف ترک اولای بیانی نیست و هر چه هست چنانست که می باید بود و پندار من در نتیجه تأمل، با قرائن دیگر چنان قوت گرفت که چشم پوشیدن از آن مشکل می نمود اما چون دلیلی از مصرحات ائمه سلف به دست نبود تبعیت از آن را طبق آن التزام که از اول داشتم مناسب ندیدم، اتفاقاً در آن کتاب بسیار پر قیمت تلخیص البیان علامه شریف رضی که در همین نزدیکی ها به همت راد مردی منتشر شده در صفحه ٥٦ در توضیح مجازات سوره هود تأیید پندار خویش را یافتم که گوید:«والعروش الابنیه ای خالیة من اهلها علی ما فیها من بواقی ابنیتها» واین رأی صریح که از شریف رضی قطب شیعه امامیه مقتدای تفسیر و لغت و ادب به دست آمد مرا به ترجمه آیه به وضعی که آن را با سیاق زبان و فصاحت بیان قرآن مناسب تر می دیدم جرئت داد و چنان کردم.

و هم در آیه ٤٩ سوره اعراف در ترجمه حتی یلج الجمل فی سم الخیاط که همه مترجمان و اکثر مفسران به رعایت نظر بدوی جمل را شتر گرفته و بعضی از آنها به همین قرینه شأن نزول آیه را بر مبارزان جمل انطباق داده اند! مرا از فواید شفاهی شیخ علامه یزدی رحمه الله که بحری بی کنار بود و من همه مطول

تفتازانی را از او درس گرفته ام این نکته به یاد بود که جمل کلمه مشترک است و همیشه شتر نیست و به معنی تنه بزرگ نخل و طناب ضخیم بادبان کشتی نیز هست و پس از تصفحی که از بیم خطا در نقل و سماع کردم صحت این نظر محقق گشت و بی گفتگوست که در کلمات مشترک، ترجیح یک معنی بر معانی دیگر محتاج قرینه روشن است، در اینجا گویا قرینه روشن که شباهت نخ سوزن با طناب کشتی از لحاظ صفات مشترک است کفه این معنی را سنگین تر می کند، اتفاقاً این معنی از لحاظ بلاغت نیز دقیق تر است زیرا آیه شریف در مقام تمثل است بر این معنی که درهای آسمان بر مکذبان و متکبران گشوده نمی شود و آن را به حبور طناب کشتی با آن ضخامت، از سوراخ سوزن معلق می کند و این تعلیق با وجود شباهتی که میان طناب و نخ و سوزن هست قوی تر و دلپذیرتر است که عبور شتر از سوراخ سوزن محال است اما تعبیری دلپذیر نیست و اگر گذر شتر از سوراخ سوزن در امثال فارسی و عربی آمده، قطعاً مایه ای جز همین ترجمه یا تفسیر مسامحه آمیز ندارد.

همیشه کار چنین آسان نبود، در بعضی موارد، در نتیجه اختلاف مفسران در توضیح یک آیه که نتیجه اختلاف در ترکیب نحوی آن بود حیرتی رخ می داد که رهایی از آن دشوار بود، فی المثل در آیه ۸ سوره آل عمران در اعراب «والراسخون» خلافی هست گروهی و او را عاطفه پندارند و «الراسخون» را به وسیله آن به «الله» عطف کنند که معنی چنین می شود که تأویل آیه های متشابه را جز خدا و راسخان علم ندانند، یعنی خدا داند و راسخان نیز دانند و موید رأی خویش چنین گفته اند که خدا آیه ای که تاویل آن جز او نداند چگونه نازل کند و نیز این نکته که ائمه سلف در تفسیر و توضیح هیچ یک از آیه های قرآن تردید و توقف نکرده اند البته با این ترتیب «یقولون» جمله حال و در مقام نصب است یعنی آن راسخان که علم متشابهات دانند گویند و گروهی دیگر و او را استیناف گرفته اند که به تبعیت آن «راسخون» مبتدای جمله دیگر است و جمله سابق بر «الله» ختم می شود که در آنجا وقف باید کرد و معنی چنین است که راسخان علم گویند به آیه-ها ایمان داریم تا آخر. علامه موثق صاحب مجمع البیان پس از نقل این دو قول بی اینکه یکی را بر دیگری مرجع شمارد گوید بر این تاویل، آیه مربوط به مدت بقای این امت و وقت قیام رستاخیز و فنای دنیا و طلوع خورشید از مغرب و نزول عیسی و خروج دجال و نظائر آنست که علم آن خاص خداست و من نیز، در ترجمه آیه رأی دوم را که پنداشتم به سیاق آیه مناسب تر است انتخاب کردم که به پندار من اعراب «یقولون» به عنوان جمله حالیه رشته کلام را قطع می کند و نظم مطلب اقتضا داشت که در این میانه رابطی از قبیل ضمیر یا موصول ارتباط مقدم و مؤخر جمله را حفظ کند و به احتمال قوی علت سکوت صاحب مجمع البیان

از ترجیح قول اول که با صرف نظر از این اشکال بیانی از بعضی جهات دیگر مرجع می نماید، همین بوده است.

این چند مورد به مثال گفتم تا خواننده حقیقت جو، دریافت تواند کرد که در کار این ترجمه چه مشکل ها داشته ام که در هر قدم پیچ و خم ها پر از احتمالات گونا گون بود که از هر طرف گروهی از بزرگان تفسیر و حدیث و ادب و شریعت بودند و در حیرت احتمال ها بر دو دلی فائق شدن و راهی برگزیدن کاری دشوار بود و رهبر من در هر دو راهی سیان بیان عربی و نظم زبان فارسی بود، یعنی از اقوال مساوی الطرفین آن را که با نظم بیان سازگارتر بود و ترجمه آن به سیاق فارسی آسان تر می نمود، برگزیدم که من نیز مانند همه کسان که در این دریا زورق افکنده اند، غیب نمی دانستم و راهنمایی جز قانون کلمات که خداوند سبحان کتاب خویش را در قالب آن ریخته و توضیحات آن کسان که خدایشان موهبت آشنایی با دقایق این کلمات داده نداشتم که مفتاح حقایق قرآن همین است و ای عجب که بعضی از این کلمات حتی برای آنها که در صدر اول می-زیسته وبه منبع فیض فرا گیرنده و حسی نزدیکتر از ما بوده اند آسان نبوده است چنان که روایات می گوید تفسیر کلمه «آب» را در آیه ۳۱ سوره عبس از بعض صحابه پرسیدند گفت ما را از تعمق در این مطالب منع کرده اند.

و لقد صرفنا الناس فی هذا القرآن من کل مثل فابی اکثر الناس الاکفوراً (بنی اسرائیل۸۹)

اکنون که این ترجمه به لباس چاپ درآمده برای نشر آماده می شود این امید در من قوت می گیرد که آن رغبت فوق العاده که پیوسته برادران مسلمان، به خواندن ترجمه دقیق و امین و قابل فهم قرآن داشته اند و گویی قسمت اعظم آن به واسطه ابهام و نارسایی بعضی ترجمه ها سر کوفته مانده است فرصت بیشتری برای تظاهر پیدا کنند و این کانون نور و حرارت که در طی قرون پیوسته جهان را گرم و روشن داشته است در مستحکم کردن آن مبانی که خط فاصل انسان از سایر جنبندگان است و ابلاغ و ترویج آن از هدف های اساسی قرآن است مؤثر افتد و آنها که با خواندن این ترجمه از آن نهر عظیم جان بخش کفی بر می گیرند بیشتر به خواندن متن راغب شوند خاصه آن جوانان که در این عصر تردید و اضطراب منبع الهامی ندارند و چون زورق بی بادبان طوفان زده در ظلمات حیرت از صخره ای به صخره ای پرتاب می شوند، در این مجموعه هدف خویش را بیابند و از جمله آنها که با استعدادی برای خلق آثار زیبا در شعر و نثر فارسی دارند از برکات قرآن برای صیقلی کردن طبع خویش بهره گیرند که برکات قرآن پایان ناپذیر است و در این باغ بزرگ آن قدر گلهای طرب انگیز برای چیدن هست که هیچ کس از آن تهی دست باز نمی گردد حقاً که قرآن مجید دریایی ست زخار که گوهر معانی در آن بسیار است از آیه های مربوط به احکام شریعت که بحث آن خاص

اهل صلاح از فقهای مجاز است بگذریم در قرآن حکایت پیغمبران سلف هست، گوشه هایی از تاریخ قرون هست، مواعظ و نصایح هست، ترغیب فضایل و ترهیب رذایل هست و با اسلوبی جذاب، دعوت به تفکر در آفاق جهان و غور در راز نهان کائنات هست و هر یک از این مباحث که چون صفا و رنگ و بوی گل در آیه های قرآن به هم آمیخته است عرصه دیگری برای تفکر، این راز حیرت انگیز سعادت که به تعبیر حدیث مائور. ساعتی از آن با عبادت سالی برابر است پیش روی شما می گشاید، چه برکتی است این تفکر که قرآن پیوسته به هر مناسب ابنای بشر را بدان دعوت می کند که در نظر قرآن بلایی بدتر از غفلت نیست و حقاً که غفلت سرچشمه همه مصیبت ها است.

قرآن اسلوب و سیاق خاص دارد که اگر با آن آشنا شدید دری از آن سعادت که چون آب حیوان همه به جستجوی آن می روند به روی شما گشوده می شود اما این در را آسان نمی گشایند، صبر و همت و حوصله باید که گنج شیرین معانی از پوست عبارات درآوردن بی رنج میسر نیست اگر این راه به پای ثبات طی کنید و بکوشید و به زبان قرآن آشنا شوید، بدون تردید قسمتی از فعالیت معنوی شما بدان انحصار خواهد یافت که قرآن به حق کتاب کتاب هاست.

برای آنکه کلید آشنایی با اسلوب قرآن را به دست شما داده باشم در خاتمه این سطور که بیش از آنچه بنا بود مفصل شد، نمونه ای از آن کنجکاوی ها که غواصان ماهر در این دریای ژرف و پهناور قرآن کرده-اند در اینجا می آورم و البته صاحب نظران را اشارتی بس است و غافلان را بانگ ها بیهوده.

درباره آن «حکایت ها که قرآن از امم قدیم می گوید که به سنت لایتغیر تاریخ، تحت نفوذ عیاشان و منعماتشان قرار گرفتند و از اطاعت هادیان خویش سرباز زدند و تکبر کردند و تبعیت دین خدای را به این بهانه که فقیران و زبونان پیرو آن شده اند دون شان خویش دانستند و عذاب خدای نیمروز یا شبانگاه به صورت طوفانی سخت یا بادی ریگ بار یا ابری آتش بیز یا زلزله ای هول انگیز بر آنها فرود آمد و دیارشان واژگون شد محققان باستان شناس از بحث و فحص خویش در قرون اخیر و مناطق متروک جزیرة العرب به این نتیجه رسیده اند که همه این حکایتها مایهٔ تاریخی محقق دارد و این اشارت های کوتاه قرآن که گاهی با چند جمله مختصر انجام می شود، عصاره تاریخ قرن هاست.

فی المثل همین حکایت اصحاف (سوره فیل) که مشککان درباره آن هر چه خواسته اند، گفته اند حادثه ایست محقق الوقوع که اتفاقاً با تاریخ ایران قدیم و جنگ های هفتصد ساله روم ارتباطی نزدیک دارد، قرآن در چند آیه کوتاه به صاحبان فیل اشاره می کند که خدا نیرنگشان را به گمراهی نهاد و پرندگان گروه گروه

به آنها فرستاد که سنگ های گلی بر آنها افکنده و چون کاه خورده شده شان کرده اند و از روایات عرب محقق است که به تقریب چهل سال، پیش از بعثت، حادثه ای بزرگ رخ داده، قشونی سوی مکه آمده و بعد تار و مار شده، و این سال را به یاد آن حادثه بزرگ عام الفیل نام داده اند، اما مفسران عرب که غالباً با استفاده از افسانه های بی مایه و افزون شاخ و برگهای بی جا، در کار تحریف حقیقت، و اختلاط اوهام با وقایع مسلم، هنرها دارند در ترجمه این حادثه قطعی که مورخان یونان و روم حاضر آن عصر، به وقوع آن شهادت داده اند. چنان عجله کرده اند قصیه فیل، به ناحق دستاویزی برای خرده گیران شده است.

کلمان هوار خاورشناس فرانسوی در تاریخ عرب به نقل از پروکوپ، نویسنده و سردار رومی متولد به سال ۵۰۰ میلادی که حادثه فیل در عصر او رخ داده است و یادداشت های او از منابع موثق تاریخ قدیم است نقل می کند که کمی قبل از پنجمین سال سلطنت ژوستی نیان [۵۳۰ مسیحی] کشور یمن منطقه حاصل خیز و آباد عربستان به وسیله حبشه، قدرت معتبر آفریقایی آن زمان، اشغال شد و چند سال بعد امپراطور روم شرقی سفیری به نام ژولیان به دربار حبشه فرستاد تا آن کشور را به شرکت در جنگ ایران وادار کند، به این صورت که حبشه با نیروی خویش از طرف جنوب به مستعمرات ایران در ناحیه فرات حمله کند و روم نیز از راه شمال حمله آغازد. در سال ۵٤۰ میلادی جنگ بزرگ میان ژوستی نیان و خسرو اول انوشیروان رخ داد و نتایج آن برای رومیان وحشت انگیز بود. در همان سال ابرهه نایب السلطنه حبشی یمن، تصمیم گرفت به اراده امپراطور روم شرقی تسلیم شود و با سپاه خویش سوی جنوب عربستان حرکت کرد، محتملا به این منظور که راه تجارتی مکه را طی کند آنگاه از معبر طبیعی وادی الرمه به متصرفات بابلی ایران برسد. چون حبشه کشتی نداشت نمی توانست به وسیله کشتی رانی در خلیج فارس، در ناحیه شط العرب نیرو پیاده کند و تنها راه وی راه زمین بود.»

این گفتار پروکوپ، یا پروکوپیوس، به نقل خاورشناس فرانسوی است که محتاج بحث و دقت است، و من همین قدر می دانم که روی نقشه های قدیم عربستان دره کم عمقی را که به نام وادی الرمه معروف است و از حدود خیبر آغاز می شود و در ناحیه جنوب نزدیک مرزهای عراق پایان می پذیرد، دیده ام، جغرافی نویسان قدیم از این وادی یاد کرده و گفته اند که در بعض فصول سال در این وادی آب و علف کافی برای چرای شتران و آسایش کاروانها یافت می شده است.

بعد کلمه هوار اضافه می کند که: «مورخان یونان می گویند ابرهه به زحمت حرکت آغاز کرده بود که ناگهان عقب نشینی کرد ممکن است یک مرض و بائی قشون او را تارومار کرده و ابرهه را به عقب نشینی وادار کرده است.»

به پندار من میان آیه های قرآن و گفته پرو کوپیوس و نقل مورخان یونان تناقض نیست و بلکه ریشه تاریخی قضیه تشکیل آنگروماز خاورشناسان را که با خشونت می پرسند برای خراب کردن کعبه در شهر بلا دفاع مکه حرکت دادن نیروی عظیم حبشی لازم نبود و به پندار خویش از این استبعاد برای تضعیف حکایت قرآن استفاده می کنند، نقش برآب می کند. قشون ابرهه که در آن روزگار قشون بزرگی بود برای خراب کردن کعبه و ترویج کعبه صنعا، چنان که افسانه بافان می گویند، نیامده بلکه هدفی تهور آمیز داشته و می-خواسته از قلب جزیرة العرب گذشته در یک فصل از جنگ های هفتصد ساله ایران و روم شرکت کند و قرآن نیز، عصاره واقعه را که تجهیز قشونی به نام فیل است و ناتمام ماندن هدف آن و تار و مار شدن افراد آن به وسیله پرندگان گروه گروه که سنگهای گلی بر آنها افکنده اند نقل می کند و صدق الله العظیم.

در قصه ذوالقرنین [سوره کهف] که موضوع طعنه خاورشناسان است رساله پر قیمت ابوالکلام آزاده محقق هندی با اسلوبی شیرین که نمونه دقت در بحث و تحقیق است نشان می دهد که ذوالقرنین چنانکه افسانه سازان پنداشته اند، اسکندر مقدونی نیست و بلکه ذوالقرنین، به انی سد در تنگه در بند، برای جلوگیری از قوم یاجوج و ماجوج، همان کورش پادشاه بزرگ ایران است و با این ترتیب همه اشکالات تاریخی یهودیان که بر آیه های قرآن درباره ذوالقرنین می کنند، خود به خود حل می شود.

در قرآن کریم بسیار آیه هاست که در طول قرون منبع الهام اهل تحقیق بوده است فی المثل آیه ۸۸ سوره نمل که گوید و ترى الجبال تحسب ها جامده تا آخر صدر المتالهین شیرازی، در بحث حرکت جوهری که طرح و توضیح آن ابداع نبوغ اوست این آیه را ملهم نظر خویش می گیرد، قضیه حرکت جوهری اجمالا چنین است که ائمه فلسفه یونان که فلسفه متداول مشرق زمین توضیح و بسط افکار ایشان است و فیلسوفان شرقی در حقیقت مترجمان و شارحان نظریات آنان بوده اند و به ندرت چیزی از خویشتن بر آن افزوده اند، چنین پنداشته اند که در جهان ما عرض، متحرک و سایر است و جوهر که اعم از ماده است ثابت و مستقر است در حقیقت مایه ثبات جهان از جوهر است و مایه تغییر دائم از عرض، فیلسوف شیرازی در این نظریه بدیع خویش استقرار جوهر را نیز واهی می شمارد و به حرکت و جهش مستمر کائنات، حتی جوهر ظاهراً مستقر نظر می دهد، من نمی دانم این نظر که از الهامات قرآن و ابداعات فیلسوف شیرازی است به نظریات جدید که جهان را چون شعله لرزان سراسر جنبش و جهش می بیند تا چه حد انطباق دارد اما دانستن این نکته شیرین است که قرنها پیش از آن که معادلات ریاضی در دل ذرات ناپیدا نفوذ کند و این جهش مخفی کائنات را فاش کند، یکی از فرزندان مشرق به الهام قرآن در رویاهای فلسفی خویش از این شور و جنبش دائم سکون

ناپذیر سخن گفته است و به پندار من همین کلمه جهان که گویی از مایه جهش است شاید نشان این باشد که بسیاری چیزها در جهان تازه نما هست اما تازه نیست.

و یکی از صاحب نظران، در کتاب هیئت و اسلام، همین آیه را دلیل اشاره قرآن به حرکت وضعی و انتقالی زمین می گیرد به این تقریر که در اثنای حرکت وضعی و انتقالی این کوی گردان در عرصهٔ فضا، ناظران دور دست، بر زمین مدور ما فقط کوه ها را متحرک توانند دید و گویی از این چند نمونه دریافت توانید کرد که قرآن برای اهل دقت و بحث چه میدان وسیعی برای هنرنمایی و ازمایش طبع است.

در آیه های قرآن بسیار اشارتها هست که تذکار آن را در چهارده قرن پیش جز به اعجاز نسبت نمی-توان داد از جمله آیه ۲۲ سوره حجر که بادها را صفت «تلقیح کنان» داده است، این اشاره اکنون مطلبی روشن است که معلوم شده بادها در تلقیح کردن نباتات نقش خاص دارند، ای کاش مجالی بود و شمه ای از توجیهات مفسران را درباره «لواقح» کلمه اعجاز آمیزی که در آیه شریف آمده و معنی آن در دورانهای قدیم بر ایشان روشن نبوده برای شما نقل می کردم تا به طیبت آن دفع ملالی می کردیم.

اما این کلمه از آقای آ.جنیر استاد زبان عرب در اکسفرد قابل دقت است که گوید مردم عرب به هدایت قرآن سیزده قرن پیش از ما می دانستند که باد، درختان و گیاهان را تلقیح می کند.

چنین است شمه ای از آن حقایق نمایان این کتاب عظیم الشأن آسمانی که اراده یزدانی ، عصاره مدرکات قرون سلف و خلف را در آن ذخیره کرده است و آنها که دیده اعتبار و گوش استماع و عقل مفکر دارند از این خرمن بزرگ خوشه ها خواهند چید که در این درگاه فیض عمیم، حاجب و دربان نیست، صلای عام است و هر که برای استقاضه جان روشن دارد گو بیاید و بر این چشمه نور، جان خویش از آلایش اوهام بشوید و در خلوتگه معنی که عرصه فراغ و امان از ذل نیاز کسان است راه یابد.

به تائید خدای قادر لطیف خبیر منان ترجمه قرآن و تحریر مقدمه آن در انتهای سال ۱۳۳۵ خورشیدی در آن حال که همه لوازم تفرقه بال و پراکندگی خیال آماده بود اما تأیید الهی ناهمواری ها را هموار کرده بود، به پایان رسید و چاپ آن نیز آماده گشت.

***

خدایا! من این کوشش خاص تو کردم و این رنج به وفای آن نذر که با تو داشتم بردم و از همه کسان رو به تو آوردم و دل بر تو نهادم و امید به تو افکندم و از آن لطف های بی کران و نظرهای نهان که تو را

با بندگان هست امید قوی دارم که این پیشکش ناچیز در پیشگاه عزیز تو به معرض قبول افتد که احراز رضای تو ای خدای لایزالً مرتبتی مافوق مرتبت هاست .

خدایا! این تویی که به زبان فرستاده امین و صدیق خویش اعلام کرده ای که هرکس از بندگان قرین غفلت شود و از کرم عمیم تو نومیدی کند و امید بر بنده عاجز دیگر افکند، ضمان نومید کردنش به عهده تو است، چه راست گویی تو و چه راستگوست پیغمبر امین تو که وعده تو بی تخلف است و وعید تو اجتناب ناپذیر!

خدایا! جان ما به نور هدایت خویش روشن کن و ما را از ظلمات آرزوها و هوس ها به آن عالم صفا و وارستگی که خاص بندگان مطیع خویش کرده ای راه بر باش که هر که با تو پیوست از همگان رست و موهبت جاوید اینست.

تهران نوروز ۱۳۳٦ ابوالقاسم پاینده

کتابهایی که در کار این ترجمه از آن استفاده کرده ام

مجمع البیان شیخ طبرسی

تفسیر تبیان شیخ طوسی

انوارالتنزیل بیضاوی

تفسیر جلالین

کشاف زمخشری

تفسیر کبیر امام فخر رازی

مجمع البحرین طریحی

غریب القرآن

مفردات القرآن راغب اصفهانی

غریب القرآن سجستانی

مجاز القرآن ابی عبیده تیمی

تلخیص البیان عن مجازات القرآن شریف رضی

معجم القرآن ابورزق عبدالرؤف مصری

و کتابهایی که برای تحریر مقدمه از آن کمک گرفته ام

تفصیل الایات القرآن الحکیم فرید وجدی

ارشاد الراغبین فی الکشف عن آی القرآن محمد منیر دمشقی

اعجاز القرآن قاضی باقلانی

دلایل الاعجاز شیخ عبدالقاهر جرجانی

اعجاز القرآن و البلاغة النبویه مصطفی صادق رافعی

الاتقان فی علوم القرآن علامه سیوطی

لباب النقول فی اسباب النزول

مناهل العرفان فی علوم القرآن محمد عبدالعظیم زرقانی

النشر فی قرآآت حافظ ابی الخیر محمد دمشقی

انسان العیون فی سیرة الامین المأمون برهان الدین حلبی

سیره ابن هشام

حیاة محمد ص محمد حسین هیکل

فی منزل الوحی محمد حسین هیکل

تاریخ عرب کلمان هوار

سوره فاتحه ۱

سوره الفاتحة مکیة سوره فاتحه، در مکه نازل شده است

بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ۱ بنام خدای رحمان رحیم، اَلْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ۲ ستایش خدا را که پروردگار همگان، الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ۳ رحمان و رحیم، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ٤ و فرمانروای روز جزاء است، إِيَّاکَ نَعْبُدُ وَإِيَّاکَ نَسْتَعِينُ٥ [خدایا] ترا می پرستیم و از تو یاری می خواهیم، اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ٦ مارا به راه راست هدایت فرمای، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ٧ راه کسانی که موهبتشان داده- ای، نه غضب شدگان و گمراهان.

سوره بقرة ۲

سورة البقرة مدینة سوره بقره، در مکه نازل شده است

بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ۱ بنام خدای رحمان رحیم الم۱ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ۲ الف، لام، میم این کتابست، که بی گمان هدایت پرهیزکاران در آنست، الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ۳ کسانی که نادیده را باور دارند و نماز گزارند و از آنچه روزیشان کردیم انفاق کنند. وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ٤ و کسانی که بدین تو و دین های سلف ایمان آورده اند و به دنیای دیگر یقین دارند.آنها قرین هدایت پروردگار خویشند و آنها، خودشان رستگاراننده کسانی که به کفر خو کرده اند، تفاوتشان نکند، بیمشان دهی یا ندهی، ایمان نیارند٦ خدا بر قلوبشان مهر زده و بر گوش و چشمهایشان پرده ای هست و عذابی بزرگ دارند۷ بعضی مردم گویند: به خدا و دنیای دیگر ایمان داریم ولی ایمان ندارند۸ خدا و مومنان را فریب می دهند اما جز خودشان را فریب نمی دهند ولی نمی فهمند۹ در دلهایشان مرضی هست، خدا مرضشان افزون کند؛ و برای دروغ گفتن شان، عذابی الم انگیز دارند۱۰ و چون گویندشان در زمین تباهی مکنید گویند ما فقط اصلا حگرانیم۱۱ بدانید که آنها خودشان تباهکارانند اما نمی فهمند۱۲ و چون گویندشان شما نیز، چنانکه مردم ایمان آورده اند، ایمان بیارید، گویند:چسان ما نیز مانند کم خردان ایمان بیاریم بدانید که آنها، خودشان کم خردانند، اما نمی دانند۱۳ و چون مؤمنان را ببینند گویند:ایمان داریم و چون با یاران دیو نهاد خویش تنها شوند، گویند:ما با شمائیم، ما فقط مسخره می کنیم۱٤ خدا تمسخرشان [را تلافی] می کند و در طغیانشان می کشاند تا کور دل بمانند۱٥ همین کسانند که ضلالت را به هدایت خریدند و تجارتشان سود نکرد و هدایت نیافتند۱٦ حکایت آنها چون کسی است که آتشی بیفروخت و همین که اطراف

وی را روشن ساخت، خدا نورشان بگرفت و در ظلمانی رهاشان کرد که دیدن نتوانند۱۷ کر و لال و کورند و از ضلال باز نیایند۱۸ یا چون بارانی سخت که از آسمان ریزد با ظلمات و رعد و برق، که از نهیب صاعقه ها و بیم مرگ، انگشتان خویش در گوش ها کنند و خدا فراگیر کافران است۱۹ نزدیک باشد که برق دیدگانشان ببرد، هر گاه روشن شود راه روند و چون تاریک شود بایستند، اگر خدا می خواست گوش و چشمانشان می گرفت که خدا به همه چیز تواناست۲۰ ای مردم پروردگار خویش را که شما و اسلافتان را آفریده بپرستید، شاید پرهیزکاری کنید۲۱ خدایی که برای شما، زمین را فرشی و آسمان را بنایی کرده و از آسمان آبی فرود آورده و با آن میوه ها، برای روزی شما، پدید کرده پس شما که دانایید برای خدا همتا مگیرید۲۲ و اگر از آنچه بر بنده خویش نازل کرده ایم، به شک اندرید، سوره ای مانند آن بیارید و اگر راست می گویید، غیر خدا یاران خویش را بخوانید۲۳ و اگر نکردید و هرگز نخواهید کرد، از آتشی که هیزمش مردم و سنگ است و برای کافران مهیا شده، بترسید۲٤ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، نویدشان ده که بهشت ها دارند که جویها در آن روانست و چون میوه ای از آن روزیشان شود گویند: این همانست که قبلاً روزی ما شده بود، و همانند آن بدهندشان، در آنجا همسران پاکیزه دارند و خودشان در آن جاودانند۲٥ خدا آرزم نیارد که به پشه کی و کمتر از آن مثلی زند، مؤمنان دانند که این درست است و از پروردگارشان و کافران گویند: خدا از این مثل چه منظور داشت؟ بسیاری را بدان هدایت می کند و بسیاری را بدان گمراه می کند ولی جز گروه بدکاران را بدان گمراه نمی کند۲٦ کسانی که پیمان خدا را پس از بستن می شکنند و رشته ای را که خدا به پیوستن آن فرمان داده می گسلند و در زمین تباهی می کنند، آنها خودشان زیانکارانند۲۷ شما که مردگان بودید و خدا جانتان داد و بار دیگر می میراند و باز جانتان می دهد و باز به سوی او می روید چگونه منکر او می شوید؟۲۸ اوست که هر چه در زمین هست یک سره برای شما آفرید، سپس به آسمان پرداخت و هفت آسمان بپا ساخت و به همه چیز داناست۲۹ و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی پدید می کنم، گفتند: در آنجا مخلوقی پدید می کنی که تباهی کند و خونها بریزد، و ما تو را به پاکی می ستاییم و تو را تقدیس گوییم. گفت: من چیزی می دانم که شما نمی دانید۳۰ و خدا همه نامها را به آدم بیاموخت پس از آن، چیزها را بر فرشتگان عرضه کرد و گفت اگر راست می گویید مرا از نام اینها خبر دهید۳۱ گفتند: تو را تنزیه می کنیم دانشی جز آنچه به ما آموخته ای، نداریم که دانای فرزانه تویی۳۲ گفت: ای آدم فرشتگان را از نام چیزها آگاه کن و چون از نام آنها آگاهشان کرد گفت: مگر به شما نگفتم که من نهفته آسمانها و زمین را می دانم و آنچه را آشکار کردید و آنچه را نهان می داشتید می دانم ۳۳ و فرشتگان را گفتیم: به آدم سجده کنید همه سجده کردند مگر ابلیس که سر پیچید و بزرگی کرد و از کافران شد ۳٤ و گفتیم: ای آدم! تو و همسرت در بهشت آرام گیرید، و از آن به فراوانی از هر جا خواهید، بخورید و نزدیک این درخت مشوید که

از ستمگران می شوید۳۵ و شیطان از بهشت بینداختشان، و از آن نعمت که بودند بیرونشان کرد، گفتیم: چنین، که دشمن یکدیگرید، پایین روید که تا مدتی در زمین قرارگاه و بهره دارید ۳٦ و آدم از پروردگار خود سخنانی فرا گرفت و خدا او را ببخشید که وی بخشنده و رحیم است ۳۷ گفتیم: همگی از بهشت پایین روید، اگر هدایتی از من به سوی شما آمد آنها که هدایت مرا پیروی کنند، نه بیمی دارند و نه اندوهگین شوند ۳۸ و کسانی که کافر شوند و آیه های ما را دروغ شمارند، اهل جهنمند و، خودشان در آن جاودانند ۳۹ ای پسران اسرائیل! نعمت مرا که به شما ارزانی داشتم به یاد آرید و به پیمان من وفا کنید، تا به پیمان شما وفا کنم و از من بیم کنید٤٠ به قرآنی که نازل کرده ام، و کتابی را که نزد شماست راست می شمارد، بگروید و نخستین منکر آن مباشید و آیه های مرا به بهای ناچیز مفروشید و از من بترسید٤١ شما که داناپید، حق را به باطل میامیزید و حق را نهان مدارید٤٢ نماز کنید و زکات دهید و با راکعان رکوع کنید٤٣ شما که کتاب آسمانی می خوانید چگونه مردم را به نیکی فرمان می دهید و خودتان را از یاد می برید، چرا به عقل نیایید٤٤ از صبر و نماز کمک جویید و آن بسی سنگین است مگر برای خشوع پیشگان٤٥ که یقین دارند به پیشگاه پروردگار خویش می روند و به او باز می گردند٤٦ ای پسران اسرائیل! نعمت مرا که به شما ارزانی داشتم و شما را بر مردم زمانه برتری دادم. به یاد آرید٤٧ و از آن روز، که کس به کار کس نیاید و از او شفاعتی نپذیرند و از او عوضی نگیرند و کسان یاری نشوند، بترسید٤٨ و چون از فرعونیان نجاتتان دادیم که پسرانتان را سر می بریدند و زنانتان را زنده نگه میداشتند و در این کارها بلایی بزرگ از پروردگار شما بود٤٩ و چون دریا را برای شما بشکافتیم و نجاتتان دادیم و فرعونیان را غرقه کردیم و شما می- نگریستید٥٠ و چون با موسی چهل شبه وعده کردیم و پس از او گوساله پرستیدید و ستمکار بودید٥١ آنگاه از شما درگذشتیم شاید سپاس دارید٥٢ و آن کتاب و فرقان به موسی دادیم شاید هدایت یابید٥٣ و موسی به قوم خود گفت: ای قوم! شما با گوساله پرستی به خویش ستم کردید، به خالق خود بازایید و خودتان را بکشید که این، نزد خالقتان، برای شما بهتر است. پس خدا بر شما ببخشود که او بخشنده و رحیم است٥٤ و چون گفتید: ای موسی! تو را باور نکنیم تا خدا را آشکار ببینیم و صاعقه شما را که می نگریستید بگرفت٥٥ آنگاه شما را، از پس مرگتان، برانگیختیم، شاید سپاس دارید٥٦ و ابر را سایبان شما کردیم و ترنجبین و مرغ بریان برای شما فرستادیم، از چیزهای پاکیزه که روزیتان کرده ایم بخورید! به ما ستم نکردند بلکه به خودشان ستم می کردند٥٧ و چون گفتیم به این دهکده درآیید و از هر جای آن خواهید به فراوانی بخورید و از این در سجده کنان درون روید و گویید: گناهان ما فرو ریز! تا گناهان شما بیامرزیم و نیکوکاران را فزونی دهیم٥٨ و کسانی که ستم کردند، سخنی جز آنچه دستور داشتند، به جای آن آوردند و به آنها که ستم کردند، به سبب کارهای ناروا که همی کردند، از آسمان عذابی نازل کردیم٥٩ و چون موسی برای قوم خویش آب همی خواست، گفتیم: عصای خود

به این سنگ زن و دوازده چشمه از آن بشکافت که هر گروهی آبخورگاه خویش بدانست، روزی خدا را بخورید و بنوشید و در زمین به تباهکاری سر مکشید۶۰ و چون گفتید: ای موسی! ما به یک خوراک ساختن نتوانیم، پروردگار خویش را بخوان تا از آنچه زمین همی- رویاند سبزی و خیار و گندم و عدس و پیاز، برای ما برون آرد. گفت: چگونه پست تر را با بهتر عوض می کنید! به شهری فرود آیید تا این چیزها که خواستید بیابید. و ذلت و مسکنت بر آنها مقرر شد و به غضب خدا مبتلا شدند، زیرا آیه های خدا را انکار همی کردند و پیغمبران را به ناروا می کشتند، زیرا نافرمان شده بودند و تعدی همی کردند۶۱ کسانی که مؤمنند و کسانی که یهودی و نصرانی و صابئیند هر کدام به خدا و دنیای دیگر معتقد باشند و کارهای شایسته کنند، پاداش آنها پیش پروردگارشان است، نه بیمی دارند و نه غمگین شوند۶۲ و چون از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای شما بردیم، کتابی را که به شما داده ایم محکم بگیرید و مندرجات آن را به خاطر آرید، شاید پرهیزکاری کنید۶۳ پس از آن پشت بکردید واگر کرم و رحمت خدا شامل شما نبود، از زیانکاران شده بودید۶۴ آنها را که از شما در شنبه تعدی کردند بدانستید که گفتیمشان: بوزینگان مطرود شوید! ۶۵ و آن را عبرت حاضران و آیندگان و پند پرهیزکاران کردیم۶۶ و چون موسی به قوم خویش گفت: خدا به شما فرمان می دهد که گاوی را سر ببرید، گفتند: مگر ما را ریشخند می کنی! گفت از نادان بودن به خدا پناه می برم۶۷ گفتند: برای ما پروردگار خویش را بخوان تا به ما روشن کند: گاو چگونه است؟ گفت: خدا گوید: گاویست نه سالخورده نه خرد سال، میانه این دو حال، پس آنچه را فرمان یافته اید کار بندید۶۸ گفتند: برای ما پروردگار خویش را بخوان تا به ما روشن کند: گاو چه رنگ است؟ گفت: خدا گوید: که آن گاویست زرد و پررنگ که رنگش بینندگان را شادمان کند۶۹ گفتند: برای ما پروردگار خویش را بخوان، تا به ما روشن کند: گاو چگونه است که گاوان چنین به ما مشتبه شده اند و اگر خدا خواهد هدایت شویم۷۰ گفت: خدا گوید: که آن گاویست نه رام که زمین شخم زند و کشت آب دهد، از کار برکنار است و نشان دار نیست. گفتند: اینک حق را آشکار کردی پس گاو را سربریدند و می- خواستند نکنند۷۱ و چون کسی را کشته بودید و درباره آن کشمکش می کردید و خدا آنچه را نهان می- داشتید آشکار کرد۷۲ گفتیم: پاره ای از گاو را به کشته زنید، خدا مردگان را چنین زنده می کند و نشانه های قدرت خویش به شما می نمایاند شایسته به عقل آیید۷۳ از پس این، دل هایتان سخت شد که چون سنگ یا سخت تر بود، که بعضی سنگها جوی ها از آن بشکافد و بعضی از آنها دوپاره شود و آب از آن برون آید و بعضی از آنها از ترس خدا فرو دافتد و خدا از آنچه می کنید، غافل نیست۷۴ چگونه طمع دارید یهودان به شما بگروند و گروهی از آنها بودند که گفتار خدا را می شنیدند و آن را پس از فهمیدنش دگرگون می کردند و خودشان می دانستند۷۵ و چون مؤمنان را دیدار کنند گویند: ایمان داریم و چون با همدیگر به خلوت شوند گویند با مسلمانان از آنچه خدا به شما گشوده گفتگو می کنید تا به دست آویز آن در

پیشگاه پروردگارتان با شما محاجه کنند مگر به عقل نیامده اید! ٧٦ مگر نمی دانند که خدا آنچه را آشکار می کنند و آنچه را نهان می دارند می داند٧٧ بعضی یهودان بی سوادند که از تورات جز قرائت ها ندانند و جز پندار گران نباشند٧٨ وای بر آنها که مکتوبی با دستهای خود نویسند و گویند: این از نزد خداست تا آن را به بهایی ناچیز فروشند. وای بر آنها از آنچه دستهاشان نوشته و وای بر آنها از آنچه دستهاشان نوشته و وای بر آنها از آنچه به دست می آورند٧٩ گویند: آتش به ما نرسد مگر روزی چند بگو مگر از خدا وعده ای گرفته اید که از وعده خویش تخلف نکند؛ یا درباره خدا آنچه نمی دانید گویید! ٨٠ [نه چنین است] بل هر که کار بدی کند و گناهش بر او چیره شود آنها جهنمیانند که خودشان در آن جاودانند٨١ و آنها که ایمان دارند و کارهای شایسته کنند بهشتیانند و خودشان در آن جاودانند٨٢ و چون از پسران بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدای یکتا را نپرستید و با پدر و مادر و خویشاوند و یتیمان و تنگدستان نیکی کنید و با مردم نکو گویید، نماز کنید و ذکات دهید آنگاه جز اندکیتان پشت بکردید و شما نیز روی گردان شده اید٨٣ و چون از شما پیمان گرفتیم که خونهای خویش نریزید و نفوس خویش از دیارتان بیرون نکنید و شما پذیرفتید و گواهی می دهید٨٤ پس از آن، همین شما نفوس خویش همی کشید و گروهی از خودتان را از دیارشان بیرون می کنید و بر ضد آنها به نادرستی و دشمنی هم نشینی می کنید. و اگر اسیران شما شوند عوض از آنها گیرید، در صورتی که بیرون کردنشان برای شما روا نبود؛ آیا به قسمتی از تورات می گروید و قسمتی را انکار می کنید! هر که از شما چنین کند سزای او در زندگی دنیا جز خواری نیست و روز رستاخیز به عذابی سخت ترشان میبرند و خدا از آنچه می کنید بی خبر نیست ٨٥ همین کسانند که زندگی این دنیا را به بهای آخرت خریدند،عذابشان سبک نشود و یاریشان نکنند.٨٦ ما این کتاب به موسی دادیم و از پی او پیغمبران فرستادیم و عیسی پسر مریم را حجت ها دادیم و او را به روح پاک قوی کردیم. چرا هر وقت پیمبری با تعلیماتی که دلهایتان دوست نداشت سوی شما آمد، بزرگی کردید و گروهی را دروغگو می خواندید و گروهی را می- کشتید٨٧ گویند: دلهای ما فهم کردن نتواند[نه چنین است] بلکه خدا به سبب انکارشان طردشان کرده و اندکی ایمان می آورند٨٨ و چون کتابی از نزد خدا بیامد شان که تورات شان را تصدیق می کرد و از پیش، بدان بر کافران فیروزی می جستند، وقتی آنچه می شناختند بیامد، منکر شدند، لعنت خدا بر منکران باد٨٩ دلهای خویش به گرو پندار زشتی داده اند و آنچه را خدا نازل کرده منکر می شوند از حسد، که چرا خدا از کرم خویش به هرکس از بندگان خواهد وحی نازل کند و به خشمی از پس خشمی مبتلا شدند و کافران عذابی خفت انگیز دارند٩٠ و چون گویندشان: به آنچه خدا نازل کرده ایمان بیارید! گویند به آنچه بر ما نزول یافته ایمان داریم و جز آن را که حق است و کتابشان را تصدیق می کند منکر می شوند. بگو اگر مؤمن بودید پس چرا پیش از این پیغمبران خدا را می کشتید! ٩١ موسی با حجت ها سوی شما آمد و پس از او گوساله پرستیدید و ستمگر شدید٩٢ و

چون از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای شما بردیم، آنچه را به شما داده ایم محکم بگیرید و بشنوید! گفتند: شنیدیم و کار نبستیم و به سبب کفرشان دل به گوساله باختند، بگو اگر دعوی ایمان ارید، چیزی که ایمانتان بدان وادارتان می کند بسیار بد است۹۳ بگو اگر راست می گویید و از همه مردم، نزد خدا، سرای آخرت خاص شماست، پس آرزوی مرگ کنید۹٤ و هرگز به سبب اعمالی که کرده اند آرزوی مرگ نکنند و خدا ستمگران را می شناسد۹۵ یهودان را، از همه مردم حتی مشرکان بر زندگی حریص تر خواهی یافت یکیشان دوست دارد هزار سال عمر کند و عمر هزارساله او را از عذاب دور نکند و خدا به اعمالشان بیناست۹٦ بگو هر که دشمن جبرئیل است او قرآن را به اذن خدا به قلب تو نازل کرده که مصدق کتابهای سلف و هدایت و بشارت مؤمنان است ۹۷ و هر که دشمن خدا و فرشتگان و پیغمبران و جبرئیل و میکائیل باشد خدا نیز دشمن کافران است ۹۸ ما آیه های واضح به تو نازل کرده ایم که جز بدکاران منکر آن نمی شوند۹۹ چرا هر وقت یهودان پیمانی ببستند گروهیشان آن را پشت سر انداختند بلکه بیشترشان نمی گرویدند۱۰۰ و چون از نزد خدا پیغمبری بیامدشان که مصدق توراتشان بود گروهی از اهل کتاب چنانکه گویی دانا نیستند کتاب خدا را پشت سر افکندند۱۰۱ و پیرو آن افسونها شدند که دیوان به روزگار پادشاهی سلیمان همی خواندند.سلیمان کافر نبود ولی دیوان کافر بودند و جادو به مردم یاد می دادند، و به آن دو ملک هاروت و ماروت نام در شهر بابل وحی نیامده بود کسی را تعلیم نمی دادند مگر بدو می گفتند: ما وسیله امتحانیم و تو به کفر مگرای! از آنها افسون ها می آموختند که با آن میان مرد و همسرش جدایی می انداختند، اما هیچ کس را جز به اذن خدا زیان رسان نبودند. چیزها تعلیم می گرفتند که زیانشان می زد و سودشان نمی داد. یهودان محقق دانند که هر که خریدار جادو شود، از جهان دیگر بهره- ای نخواهد داشت. اگر بدانستند چیزی که دلهای خویش به گرو آن نهاده اند، بسیار بد است۱۰۲ اگر ایمان آورده و پرهیزکار شده بودند، پاداشی که از پیش خدا می یافتند، بهتر بود، اگر بدانستند۱۰۳ شما که ایمان دارید! [به پیغمبر] نگویید راعنا [یعنی رعایتمان کن. که یهودان تحریف به ناسزا کنند] بلکه گویید ما را بنگر! و گوش فرا دارید که کافران عذابی الم انگیز دارند۱۰٤ کافران اهل کتاب و مشرکان دوست ندارند که از پروردگارتان، خیری به شما نازل شود، اما خدا هر که را خواهد خاص رحمت خویش کند که خدا کرمی بزرگ دارد ۱۰۵ هیچ آیه ای را نسخ یا محو نکنیم، مگر بهتر از آن یا مانند آن بیاریم، مگر نمی دانی که خدا به همه چیز تواناست۱۰٦ مگر نمی دانی که ملک آسمانها و زمین خاص خدای یکتاست و جز خدا دوست و یاوری ندارید۱۰۷ مگر خواهید از پیغمبر خود سؤال کنید، چنان که سابقاً از موسی سؤال می شد! هر که کفر را با ایمان عوض کند محققاً میانه راه گم کرده است۱۰۸ بسیاری از اهل کتاب با وجود اینکه حق بر آنها روشن شده، به سبب حسدی که به دل گرفته اند، دوست دارند، شما را پس از ایمان آوردنتان، به کفر باز برند. چشم بپوشید و ببخشید تا

خدا فرمان خویش بیارد که خدا به همه چیز تواناست۱۰۹ نماز کنید و زکات دهید، هر چه از پیش برای خویش فرستید، نزد خدا بیابید که خدا به کارهای شما بیناست۱۱۰ گویند به بهشت درون نشود مگر کسی که یهودی یا نصرانی باشد، این آرزوی آنهاست، بگو اگر راست می گویید برهان خویش بیارید۱۱۱ [چنین نیست] بل هر که به جان گردن گزار خدا شود و نیکوکار باشد، پاداش او پیش پروردگار اوست، نه بیمی دارند و نه غمگین شوند۱۱۲ یهودان گویند: نصاری چیزی نیستند و نصاری گویند: یهودان چیزی نیستند اینان کتاب خدا می خوانند و کسانی که دانا نیستند، مانند سخن آنها گویند و خدا روز رستاخیز میان آنها درباره چیزی که در آن اختلاف کرده اند، داوری می کند۱۱۳ ستمگرتر از آنکه نگذارد در مسجدهای خدا نام او را یاد کنند و به ویرانی آن کوشد کیست؟ نمی بایست آنها جز به حال ترس به مسجدها در آیند، در این دنیا خفتی دارند و در آخرت عذابی بزرگ۱۱٤ مشرق و مغرب مال خداست، به هر جا رو کنید جهت خدا همانجاست که خدا وسعت افزا و دانا است۱۱٥ گویند خدا فرزندی گرفت، پاک است او، هر چه در آسمانها و زمین هست از اوست و همه فرمانبران اویند۱۱٦ پدیدارنده آسمانها و زمین است و چون چیزی اراده کند بدان گوید: باش! و وجود یابد۱۱۷ کسانی که دانا نیستند، گویند: چرا خدا با ما سخن نگوید، یا معجزی به سوی ما نیاید، اسلاف آنها نیز چنین گفتند دلهایشان همانند بود، ما آیه های خویش برای گروهی که ایمان می آورند بیان کرده ایم۱۱۸ ما تو را به حق، نوید بروبیم رسان، فرستاده ایم و تو را از جهنمیان نمی پرسند۱۱۹ یهود و نصاری از تو راضی نشوند، مگر پیرو آئین آنها شوی، بگو:هدایت هدایت خداست، اگر با وجود این دانش که سوی تو آمده، هوسهایشان را پیروی کنی، در قبال خدا دوست و یاوری نخواهی داشت ۱۲۰ کسانی که کتابشان داده ایم و آن را چنانکه باید خواند، همی خوانند، بدان ایمان آورده اند و آنها که منکر کتاب خدا شوند زیان کارانند۱۲۱ ای پسران بنی اسرائیل! نعمت مرا که به شما ارزانی داشتم و از مردم زمانه برترتان کردم به یاد آرید۱۲۲ و از روزی که کس به کار کس نیاید و از او عوض نپذیرند و شفاعت او را سود ندهد و کسان یاری نشوند، بترسید۱۲۳ و چون ابراهیم را، پروردگار وی با موری مکلف کرد و آن را انجام داد، گفت: تو را پیشوای مردم کنم. گفت و از فرزندان من؟ گفت: پیمان من به ستم کاران نمی رسد.۱۲٤ و چون این خانه را ثوابگاه مردم و امان گاه کردیم، مقام ابراهیم را جای دعا کنید و به ابراهیم و اسمعیل سپردیم که خانه مرا برای طائفان و معتکفان و راکعان و ساجدان پاکیزه دارید۱۲٥ و چون ابراهیم گفت: پروردگارا این مکان را شهری امن گردان و از مردم آن هر که را به خدا و روز جزا ایمان بیارد از میوه ها روزی رسان، گفت: و هر که کافر شود، او را اندکی برخودار کنم، آنگاه او را به عذاب جهنم بکشانم که سرانجامیست بد۱۲٦ و چون ابراهیم پایه های این خانه را با اسمعیل بالا می برد، پروردگارا از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی۱۲۷ پروردگارا! ما را مسلمان خویش کن و فرزندان ما را جماعتی مسلمان خویش کن و آداب عبادتمان را به ما بیاموز، و بر ما

ببخشا که تو بخشایش گر و رحیمی۱۲۸ پروردگارا به فرزندان ما پیغمبری از خودشان فرست که آیه های تو بر آنها بخواند و فرزانگیشان آموزد و پاکشان کند که تو عزیز و فرزانه ای۱۲۹ از آئین ابراهیم کناره نکند مگر آنکه خویش به هلاک افکند، وی را در این دنیا برگزیده ایم و در آخرت از شایستگان است۱۳۰ و چون پروردگار او به او گفت: مسلمان باش! گفت: مسلمان پروردگار جهانیان شدم۱۳۱ و ابراهیم آئین را به پسران خویش و یعقوب سفارش کرد، ای پسرکان من ! خدا این دین را برای شما برگزید، نمی رید مگر آنکه مسلمان باشید۱۳۲ مگر آن دم که مرگ یعقوب در رسید شما حاضر بودید که به پسران خویش گفت: پس از من چه می پرستید؟ گفتند: خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و اسمعیل و اسحق، خدای یگانه را، می- پرستیم و مسلمان اوییم ۱۳۳ این جماعتی است که در گذشته.اعمال او خاص اوست و اعمال شما خاص شماست و شما را از اعمالی که آنها می کرده اند: نمی پرسند۱۳٤ گویند: یهودی یا نصرانی شوید تا هدایت یابید بگو: [نه] بل بر آئین ابراهیم می رویم که معتدل بود و از مشرکان نبود۱۳۵ گوئید: به خدای یکتا و آنچه به ما نزول یافته و آنچه به ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اخلاف نزول یافته و آنچه به موسی و عیسی آمده و آنچه به پیغمبران از پروردگارشان آمده ایمان داریم و میان هیچ یک از آنها فرق نگذاریم و مسلمان خدائیم۱۳٦ اگر آنها نیز به آنچه شما ایمان آورده اید ایمان بیارند هدایت یافته اند و اگر روی برتافتند سرخلاف دارند، خدا تو را از شر آنها مصون می دارد که خدا شنوا و داناست۱۳۷ [گویید] رنگ خدا داریم و کیست که رنگ او از خدا بهتر است؟ و ما پرستندگان اوئیم۱۳۸ بگو چرا درباره خدای یکتا با ما مجادله می کنید؟ او پروردگار ما و شما است، اعمال ما خاص ماست و اعمال شما خاص شماست و ما اخلاصمندان اوئیم۱۳۹ و یا می گویید ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اخلاف یهودی و نصرانی بوده اند؟ بگو شما بهتر می دانید یا خدا؟ ستمگرتر از آنکه شهادت خدا را نزد خویش نهان دارد کیست؟ و خدا از اعمالی که می کنید غافل نیست۱٤۰ این جماعتی است که در گذشته، اعمال او خاص اوست و اعمال شما خاص شماست و شما را از اعمالی که آنها می کرده اند نمی پرسند۱٤۱ مردم کم خرد خواهند گفت: چه چیز مسلمانان را از قبله ای که بر آن بودند، بگردانید؟ بگو مشرق و مغرب مال خداست و هر که را خواهد به راه راست هدایت کند۱٤۲ بدین گونه شما را جماعتی معتدل کردیم که بر مردم گواه باشید و این پیغمبر بر شما گواه باشد. قبله ای را که بران بودی بگردانیدیم تا آن که را تابع پیغمبر می شود از آنکه روی می- گرداند معلوم کنیم، گرچه این جز برای کسانی که خدا هدایت شان کرده سخت بود، خدا کسی نیست که ایمان شما را تباه کند که خدا به مردم مهربان و رحیم است۱٤۳ گردش روی تو را به طرف آسمان می بینیم و تو را به قبله ای که دوست داری بگردانیم، روی خود سوی مسجدالحرام کن و هر جا بودید روهای خود سوی آن کنید، آنها که کتاب آسمانی دارند می دانند که این حق است و از جانب پروردگارشان و خدا از آنچه می- کنید بی خبر نیست۱٤٤ برای اهل کتاب هر دلیلی

بیاری قبله تو را پیروی نکنند، تو نیز پیرو قبله آنها نیستی، آنها نیز پیرو قبله یکدیگر نیستند، اگر با وجود این دانش که سوی تو آمده، هوس هایشان را پیروی کنی، از ستمگران خواهی بود۱۴۵ آنها که کتابشان داده ایم، پیغمبر را شناسد چنانکه پسران خویش را شناسند ولی گروهی از آنها حق را که می دانند، نهان می دارند۱۴٦ حق همانست که از جانب پروردگار تو است، از دو دلان مباش۱۴۷ هر گروهی را جهتی هست که رو سوی آن می کند به نیکی ها پیشی کنید خدا همه شما را بیارد که خدا به همه چیز تواناست۱۴۸ هر جا رفتی روی خود سوی مسجدالحرام کن این حق است و از پروردگار توست و خدا از آنچه می کنید بی خبر نیست۱۴۹ هر جا رفتی روی خود سوی مسجدالحرام کن و هرجا بودید، روهای خود سوی آن کنید، تا مردم را بر ضد شما دستاویزی نباشد مگر کسانی که به ستم خو کرده اند از آنها نترسید و از من بترسید و تا نعمت خویش بر شما کامل کنم و شاید به حق راه یابید۱۵۰ چنانکه به شما پیغمبری از خودتان فرستادم که آیه های ما بر شما می خواند و پاکتان می- کند و کتاب و حکمت می آموزد و آنچه نمی دانسته اید به شما تعلیم می دهد ۱۵۱ مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم، مرا سپاس دارید و کفران من مکنید۱۵۲ شما که ایمان دارید، از صبر نماز یاری جوئید که خدا با صابران است۱۵۳ به آنها که در راه خدا کشته می شوند نگویید مردگانند بل زندگانند ولی شما در نمی یابید۱۵۴ شما را به شمه ای از ترس و گرسنگی و کاهش اموال و نفوس و محصولات امتحان خواهیم کرد و صابران را نوید ده۱۵۵ که چون مصیبتی رسدشان گویند: ما متعلق به خداییم و به سوی او باز می گردیم۱۵٦ درود و رحمت پروردگارشان بر آنها باد که هدایت یافتگانند۱۵۷ صفا و مروه از مراسم خداست هر که حج خانه کند یا عمره گذارد، رواست که بر آن طواف بر دو هر که نیکی ای به دلخواه کند خدا حق- گزار و داناست۱۵۸ کسانی که حجت ها و هدایت ما را که نازل کرده ایم با وجود آنکه در کتاب آسمانی برای مردم توضیح داده ایم نهان می دارند، خدا و لعنت گران لعنتشان می کنند۱۵۹ مگر آنها که توبه کردند و به اصلاح پرداختند و توضیح دادند، بر آنها ببخشایم که من بخشنده و مهربانم۱٦۰ کسانی که کافرند و کافر بمیرند لعنت خدا و فرشتگان و مردم یکسره بر آنها باد۱٦۱ جاودانه در لعنتند، عذابشان سبک نشود و مهلت نیابند۱٦۲ خدای شما خداییست یگانه که جز او خدایی نیست و رحمان و رحیم است۱٦۳ در خلقت آسمانها و زمین و تفاوت شب و روز و کشتی ها که به سود مردم به دریا روانست و آبی که خدا از آسمان فرود آورد و زمین را پس از موات شدنش بدان زنده کرد و از همه جنبندگان در آن پراکند و تغییر بادها، و ابرها که میان آسمان و زمین به خدمت در است، برای گروهی که خرد وری می کند عبرت هاست۱٦۴ بعضی مردم سوای خدا بت ها گیرند که چون خدا دوستشان دارند و مؤمنان خدا را بیشتر دوست دارند کاش آن کسان که ستم می کنند می دانستند که وقتی عذاب را عیان ببینند، اقتدار یکسره خاص خداست و عذاب خدا بسیار سخت است۱٦۵ آن دم که پیشوایان از پیروان بیزاری کنند و عذاب را ببینند و روابطشان

قطع شود۱٦٦ و پیروان گویند: ای کاش ما را بازگشتی بود تا از آنها بیزار می شدیم چنانکه از ما بیزار شدند، بدین سان خدا اعمالشان را نشان شان می دهد که برای آنها پشیمانی هاست۱٦۷ شما که ایمان دارید! از آنچه در زمین هست، حلال و پاکیزه، بخورید و به دنبال شیطان مروید که او دشمن آشکار شماست۱٦۸ فقط شما را وا می دارد که بدی و ناروانی کنید و درباره خدا چیزها که می دانید گوییید۱٦۹ و چون به مشرکان گویند: چیزی را که خدا نازل کرده پیروی کنید گویند:[نه] بل، آئینی را که پدران خویش را بر آن یافته ایم، پیروی می کنیم، و گرچه پدرانشان چیزی نمی فهمیده، و هدایت نیافته بوده اند۱۷۰ حکایت کافران چنانست که شخصی به حیوانی که جز صدایی و ندایی نمی شود بانگ زند، کر و گنگ و کورند و خردوری می کنند۱۷۱ شما که ایمان دارید! از چیزهای پاکیزه که روزیتان کرده ایم بخورید و اگر خدا را می پرستید او را سپاس دارید۱۷۲ مردار و خون و گوشت خوک و ذبحی که نام غیر خدا بر آن بانگ زده اند بر شما حرام است و هر که ناچار باشد، نه مفرط و متجاوز، گناهی ندارد که خدا بخشنده و رحیم است۱۷۳ آنها که کتاب منزل خدا را نهان کنند و آن را به بهایی اندک فروشند، جز آتش به شکم های خویش فرو نمی برند، روز قیامت خدا با آنها سخن نگوید و پاکشان نکند و عذابی الم انگیز دارند۱۷٤ همین کسانند که ضلالت را به هدایت و عذاب را به مغفرت خریده اند، چیست که آنها را به جهنم جری کرده است۱۷٥ زیرا خدا کتاب خویش به حق نازل کرده و کسانی که درباره آن اختلاف کرده اند در ضلالتی بی انتها افتاده اند۱۷٦ نیکی آن نیست که روهای خود به سوی مشرق یا مغرب کنید، نیک آن است که به خدا و روز جزا و فرشتگان و کتابهای آسمانی و پیغمبران ایمان دارد و از مال خویش که آن را دوست دارد، به خویشان و یتیمان و تنگدستان و به راه مانده و خواهندگان و آزادی بردگان دهد و نماز کند و ذکات دهد و آنها که چون پیمان کنند به پیمان خویش وفادارند و صبوری پیشگان در سختی و مرض و هنگام جنگ همین کسانند که راستی پیشه کرده اند و همینان خودشان پرهیزکارانند۱۷۷ ای کسانی که ایمان دارید! شمار را درباره کشتگان قصاص مقرر شد آزاد به آزاد بنده به بنده و زن به زن و هر که از [خون] برادر[مقتوا] یش چیزی به او گذشت شود، رعایت عرف و پرداخت [خونبهاء] یی شایسته به خونخواه باید کرد، این تخفیف و مرحمتی از پروردگار شماست و هر که پس از این تجاوز کند عذابی الم انگیز دارد۱۷۸ شما را، در قصاص، ای خردمندان! زندگی ای هست، شاید پرهیزکاری کنید۱۷۹ بر شما مقرر شد که چون یکی تان را مرگ در رسد، اگر مالی به جا می گذارد برای پدر و مادر و خویشان، به اقتضای عدالت که شایسته پرهیزکارانست وصیت کند۱۸۰ و هر که وصیت را پس از آنکه شنیده باشد عوض کند، گناه آن فقط به گردن کسانی است که عوضش می کنند و خدا شنوا و داناست۱۸۱ و هر که از وصیت گزاری خطا یا ناروانی بداند و اصلاحشان دهد، گناهی ندارد که خدا بخشنده و رحیم ست۱۸۲ شما که ایمان دارید، روزه بر شما مقرر شده چنانکه بر اسلافتان مقرر بود، شاید پرهیزکاری

کنید۱۸۳ روزهایی چند در شهر و هر که از شما، بیمار یا به سفر باشد، چندی از روزهای دیگر کسانی که تاب روزه ندارند، عوض آن غذای مسکینی دهند و هر که نکویی ای به دلخواه کند همان برای وی خوبست، و روزه داشتن، اگر بدانستید برای شما بهتر است۱۸٤ ماه رمضان که آیه های قرآن برای هدایت مردمان با حجت ها از هدایت و تمیز، در آن نازل شده هر که از شما در این ماه حاضر بود، آن را روزه دارد و هر که بیمار یا به سفر باشد چندی از روزهای دیگر خدا برای شما سهولت می خواهد و مشقت نمی خواهد. شما روزه را کامل کنید و خدا را برای آنکه شما را هدایت کرده، تکبیر گویید شاید سپاس دارید۱۸۵ و اگر بندگانم مرا از تو پرسند من نزدیک هستم و چون صاحب دعا مرا بخواند دعای او را اجابت می کنم، مرا اجابت کنند و به من مؤمن باشند، شاید به کمال [هدایت] رسند۱۸٦ آمیزش زن هایتان در شب روزه برای شما حلال شد. آنها پوشش شمایند و شما پوشش آنهایید. خدا می دانست که شما دلهای خویش به خیانت می دهید، بر شما ببخشود و از شما درگذشت. اکنون توانید با آنها در آمیزید و آنچه را خدا بر شما مقرر کرده بجویید، بخورید و بیاشامید، تا از طلوع صبحدم رشته سپید از رشته سیاه بر شما نمایان شود، آنگاه روزه را تا شب به پایان برسد، هنگامی که در مسجدها معتکفید با زنان میامیزید، این حدود خداست، بدان نزدیک مشوید. بدین سان خدا آیه های خویش برای مردم بیان می- کند، شاید پرهیزکاری کنند۱۸۷ شما که دانایید اموال همدیگر را به ناحق مخورید و به وسیلهٔ آن به حکومت پیشگان تقرب مجویید که قسمتی از اموال مردم را به ناروا بخورید۱۸۸ تو را از ماههای نو پرسند، بگو: وقت هاست برای مردم و حج نیکی آن نیست که به خانه ها از پشت آن درآیید بلکه نیک آنست که پرهیزکاری کند. به خانه ها از درهای آن درآیید و از خدا بترسید شاید رستگار شوید۱۸۹ با کسانی که به کارزار شما می پردازند، در راه خدا کارزار کنید و تعدی مکنید که خدا متعدیان را دوست ندارد۱۹۰ هر جا یافتیدشان بکشیدشان و از آنجا که شما را بیرون کرده اند، بیرونشان کنید. فتنه [که آنها کرده اند] از کشتار[که شما می کنید] بدتر است. نزدیک مسجدالحرام با آنها کارزار مکنید تا در آنجا با شما کارزار کنند اگر با شما کارزار کردند بکشیدشان که سزای کافران چنین است۱۹۱ و اگر باز ایستادند، خدا آمرزگار و رحیم- ست۱۹۲ با آنها کارزار کنید تا فتنه برافتد و دین خاص خدای یکتا شود و اگر باز ایستادند تجاوز، جز بر ستمکاران، روا نیست۱۹۳ ماه حرام به ماه حرام و شکستن حرمت ها را قصاصی هست.هر که به شما تعدی کرده چنانکه به شما تعدی کرده به او تعدی کنید و از خدا بترسید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است۱۹٤ در راه خدا خرج کنید و [از فرط امساک] خویشتن به هلاکت می فکنید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد۱۹۵ حج و عمره را برای خدا انجام دهید و اگر وامانده شدید هرچه میسر شود قربان کنید و سرهای خویش متراشید تا قربانی به قربان گاه رسد، هر که از شما بیمار است یا آزاری به سر دارد [و بتراشد] به عوض روزه ای یا صدقه ای یا ذبح گوسفندی باید. و چون امان یافتید هر که پس از

فراغ از عمره، به حج پرداخته باشد هر چه میسر شود قربان کند. و هر که نیابد سه روز در اثنای حج و هفت روز چون بازگشتید، روزه دارد، این ده روز تمام است. این برای کسی است که خانواده اش مقیم مسجدالحرام نباشد. از خدا بترسید و بدانید که مجازات خدا سخت است۱۹٦ وقت حج، ماه های معین است و هر که در آن ملتزم حج شود، آمیزش و بدکاری و مجادله در اثنای حج موقوف.نیکی هر چه کنید خدا می- داند. توشه گیرید، که بهترین توشه ها پرهیزکاری است و از من، ای صاحبان خرد بترسید۱۹۷ گناهی بر شما نیست که از پروردگار خویش فزونی خواهید و چون از عرفات سرازیر شدید، در مشعرالحرام خدا را یاد کنید، وی را یاد کنید، که شما را و گرچه پیش از این از گمگشتگان بوده اید، هدایت کرده است۱۹۸ آنگاه از آنجا که همه مردم سرازیر می شوند، سرازیر شوید و از خدا آمزش طلبید که خدا آمرزگار و رحیم است۱۹۹ و چون مناسک خود به سر بردید خدا را، چون یاد کردنتان از پدرانتان و یا یادکردنی خوب تر از آن، یاد کنید.از جمله مردم کسی است که گوید: پروردگارا ما را از این دنیا عطا کن و او را در آخرت نصیبی نیست۲۰۰ و از جمله آنها کسی است که گوید پروردگارا ما را در این دنیا نعمتی بخش و در آخرت نعمتی بخش و از عذاب جهنم نگاهمان دار۲۰۱ آنان، از آنچه کرده اند، نصیبی دارند و حساب کردن خدا سریع است۲۰۲ خدا را در روزهایی چند یاد کنید، هر که در دو روز به شتاب کند، گناهی بر او نیست و هر که دیرتر کند، اگر پرهیزکار باشد، گناهی بر او نیست از خدا بترسید و بدانید که در پیشگاه او محشور می شوید۲۰۳ از جمله مردم کسی است که گفتار وی درباره زندگی این دنیا تو را به شگفت از جمله مردم کسی است که گفتار وی درباره زندگی این دنیا تو را به شگفت آورد و خدا را بر آنچه به دل دارد گواه گیرد و او سخت ترین دشمنان است۲۰٤ و چون برود، در زمین بکوشد تا در آن فساد کند و کشت و دام تباه کند، و خدا فساد را دوست نمی دارد۲۰٥ و چون به او گفته شود: از خدا بترس! غرور او را به گناه وا دارد جهنم او را بس که بستر بسیار بدیست۲۰٦ از جمله مردم کسی است که جان خویش به طلب خشنودی خدا فروشد و خدا به بندگان مهربان است۲۰۷ شما که گرویده اید! با سلام تمام، درآئید و به دنبال شیطان مروید که او برای شما دشمنی آشکار است۲۰۸ و اگر با وجود این حجت ها که سوی شما آمده به خطا رفتید بدانید که خدا عزیز و فرزانه است۲۰۹ گویی [یهودان] انتظار دارند که خدا در سایبان های ابر، با فرشتگان بیابدشان و کار یکسره شود! ولی همه کارها به خدا بازگشت می باید۲۱۰ از پسران اسرائیل بپرس چه معجزه های روشن فرستادیمشان و هر که نعمت خدا را که سوی وی آمده تغییر دهد مجازات خدا بسیار سخت است۲۱۱ برای آنها که کافرند زندگی این دنیا آرایش یافته و مؤمنان را ریشخند می کنند کسانی که پرهیزکاری کرده اند روز رستاخیز بالای آنهایند و خدا هر که را خواهد بی حساب روزی می دهد۲۱۲ مردم یک امت بودند خدا پیغمبران را نویدآور و بیم رسان فرستاد و کتابها به حق نازل کرد تا میان مردم درباره آن چیزها که در آن اختلاف کرده بودند داوری کند. درباره دین

ها اختلاف نکردند مگر کسانی که آن را داشتند از حسد همدیگر با وجود آن حجت ها که سوی آنها آمده بود. و خدا به اراده خویش کسانی را که ایمان آورده بودند به حقیقت چیزی که در آن اختلاف کرده بودند هدایت کرد که خدا هر که را خواهد به راه راست هدایت می کند۲۱۳ مگر پندارید به بهشت می روید و حکایت آنها که پیش از شما در گذشته اند. به شما نرسیده که تنگدستی و مرض دیدند و متزلزل شدند تا آنجا که پیغمبر و مؤمنان با وی همی گفتند: یاری خدا کی است؟ بدانید! که یاری خدا نزدیک است۲۱٤ از تو پرسند: چه اتفاق کنند؟ بگو هر چه از خواسته انفاق کنید از آن پدر و مادر و خویشان و یتیمان و تنگدستان و به راه مانده است، و هر نیکی ای کنید، خدا بدان داناست۲۱۵ جهاد بر شما مقرر شده و مکروه شماست، شاید چیزی را مکروه دارید که برای شما خوب است و شاید چیزی را دوست دارید که برای شما بد است، خدا می داند و شما نمی دانید۲۱٦ تو را از ماه حرام می پرسند و جنگ در آن، بگو: جنگ در آن مهم و باز داشتن از راه خدا و انکار اوست. و مسجد حرام و بیرون کردن مردمش، نزد خدا مهمتر است. و فتنه از کشتار بدتر است. مشرکان پیوسته با شما جنگ می کنند، تا اگر توانند شما را از دینتان باز گردانند. هر که، از شما از دین خویش بازگردد و بمیرد و کافر باشد چنین کسان در دنیا و آخرت اعمالشان باطل گشته است.آنها جهنمیانند و خودشان در آن جاودانند۲۱۷ کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد کرده اند آنها به رحمت خدا امیدوارند و خدا آمرزگار و رحیم است۲۱۸ تو را از شراب و قمار می پرسند. بگو: در آن گناهی بزرگ هست و سودها برای مردم. و گناهش از سودش بزرگتر است. از تو می پرسند: چه انفاق کنند؟ بگو: هر چه باشد بدین سان خدا، این آیه ها را برای شما بیان می کند، شاید در کار دنیا و آخرت بیندیشید۲۱۹ و تو را از یتیمان می پرسند بگو: اصلاح کارشان نیکوست و اگر معاشرشان شوید برادران شمایند و خدا مفسد را از مصلح می شناسد، اگر خدا می خواست شما را به مشقت می انداخت که خدا عزیز و فرزانه است۲۲۰ زنان مشرک را مگیرید تا ایمان بیارند. کنیزی که مؤمن باشد از زن مشرک بهتر است اگر چه شما را به شگفت آورده باشد. به مردان مشرک شوهر مکنید تا ایمان بیارند، غلامی که مؤمن است از مرد مشرک بهتر و گرچه شما را به شگفت آورده باشد. آنها به جهنم می خوانند و خدا به اراده خویش به بهشت و مغفرت می خواند و آیه های خویش برای مردم بیان می کند شاید پند گیرند۲۲۱ تو را از حیض میپرسند. بگو: آن آزاری است.هنگام حیض از زنان کناره کنید و نزدیکشان مشوید تا پاک شوند و چون پاک شدند از آنجا که خدا فرمانتان داده بر آنها درآیید که خدا توبه گران و پاکیزه خویان را دوست دارد۲۲۲ زنان شما کشت شمایند، به کشت خویش چنانکه خواستید در آیید برای خویش پیش اندیشی کنید و از خدا بترسید که به درگاه او می روید. و مؤمنان را بشارت رسان۲۲۳ خدا را به سبب قسم های خویش حایل نیکی کردن و پرهیزکار بودن و اصلاح کردنتان میان مردم نکنید، که خدا شنوا و داناست۲۲٤ خدا شما را به قسم های بیهوده بازخواست نمی کند ولی

به آنچه دلهایتان کرده بازخواست می کند و خدا آمرزگار و بردبار است۲۲۵ آنها که به سوگند از زنان خویش دور شوند چهار ماه منتظر مانند اگر باز گشتند خدا آمرزگار و رحیم است۲۲٦ و اگر قصد طلاق کردند خدا شنوا و داناست۲۲۷ طلاقی شدگان، تا سه پاکی منتظر بمانند و اگر به خدا و روز دیگر ایمان دارند روانیست چیزی را که خدا در رحمهایشان خلق کرده نهان دارند. شوهرانشان، اگر سر اصلاح دارند، در مدت انتظار، به باز آوردنشان سزاوارترند. زنان را نیز مانند وظائفشان حقوقی شایسته است و مردان را بر آنها مرتبتی هست و خدا عزیز و فرزانه است۲۲۸ طلاق دوبار است، آنگاه یا به شایستگی نگهداشتن یا به نیکی رها کردن شما را نرسد که از آنچه به زنان داده اید چیزی بگیرید، مگر آنکه بدانید که حدود خدا را به پا نمی دارند. اگر دانستید که حدود خدا را به پا نمی- دارند، در آنچه زن به عوض خویش دهد، گناهی بر آنها نیست. این حدود خداست، از آن تجاوز مکنید و کسانی که از حدود خدا تجاوز کنند، ستمکارانند ۲۲۹ اگر باز زن را طلاق داد، دیگر بر او حلال نیست تا با شوهری غیر او نکاح کند اگر طلاقش داد و دانند که حدود خدا را به پا می دارند گناهی بر آنها نیست که به یکدیگر باز گردند. این حدود خداست که، برای گروهی که دانایند، بیان می کند۲۳۰ و چون زنان را طلاق دادید و به مدت خویش رسیدند، به شایستگی نکاهشان دارید یا به شایستگی رها کنید، برای ضرر زدن نکاهشان مدارید که ستم کنید هر که چنین کند به خویش ستم کرده است. آیه های خدا را مسخره مگیرید، نعمت خدا را بر خویشتن با این کتاب و حکمت که بر شما نازل کرده و به وسیله آن پندتان می- دهد، به یاد آرید. از خدا بترسید و بدانید که خدا به همه چیز داناست۲۳۱ و چون زنان را طلاق دادید و به مدت خویش رسیدند، منعشان مکنید که با شوهرهای خود، اگر به شایستگی به همدیگر رضایت داده اند، زناشویی کنند. هر که از شما به خدا و روز دیگر ایمان دارد. از این اندرز می گیرد. این برای شما خوبتر است و پاکیزه تر. خدا می داند و شما نمی دانید۲۳۲ مادران، فرزندان خویش را دو سال تمام شیر دهند برای کسی که خواهد شیردادن را کامل کند. صاحب فرزند خوراک و پوشاک آنها را به شایستگی عهده دارست هیچ کس بیش از توانش مکلف نمی شود، هیچ مادری به سبب طفلش زیان نبیند و نه صاحب فرزند به سبب فرزندش. وارث نیز مانند این را بر عهده دارد. اگر پدر و مادر به رضایت و مشورت هم، گرفتن از شیر خواهند گناهی بر آنها نیست. و اگر خواستید برای فرزندان خود دایه گیرید، اگر مزدی را که در نظر می گیرید به شایستگی بدهید، گناهی بر شما نیست. از خدا بترسید و بدانید که خدا بینای اعمال شماست۲۳۳ کسانی از شما که بمیرند و همسرانی به جا گذارند زنان چهار ماه و ده روز به انتظار بمانند و چون به مدت خویش رسیدند، آن چه به شایستگی درباره خویش کنند گناهی بر شما نیست. که خدا از آنچه می کنید آگاه است۲۳٤ آنچه درباره خواستگاری زنان به اشاره گویید یا در دل خویش نهان کنید، گناهی بر شما نیست. خدا داند که شما یادشان خواهید کرد ولی با آنها وعدۀ آمیزش مکنید مگر آنکه سخنی شایسته گویید ولی قصد

بستن عقد زناشویی مکنید، تا مدت مقرر به سر رسد. بدانید که خدا آنچه به دلهای شماست می داند از او بترسید و بدانید که خدا آمرزگار و بردبار است٢٣٥ اگر زنان را طلاق دادید مادام که به آنها دست نزده یا مهری برایشان مقرر نداشته اید، گناهی بر شما نیست. ولی از بهره ای شایسته، که در خور نیکوکاران است، توانگر به قدر خویش و تنگدست به قدر خویش بهره ورشان کنید٢٣٦ و اگر پیش از آنکه به زنان دست بزنید طلاقشان دادید و مهری برای آنها مقرر داشته اید، نصف آنچه مقرر داشته اید نصف آنچه مقرر داشته اید باید داد، مگر آنکه گذشت کنند یا آنکه گره زناشویی به دست اوست گذشت کند. و گذشت کردن شما به پرهیزکاری نزدیکتر است، بزرگواری را میان خودتان فراموش مکنید که خدا به آنچه می کنید بیناست٢٣٧ همه نمازها و نماز میانه را مواظبت کنید، و برای خدا مطیعانه بپای خیزید٢٣٨ و اگر بیم داشتید [در راه] پیادگان یا سوارکاران [نماز کنید] و چون ایمن شدید خدا را یاد کنید چنان که به شما چیزهایی را که نمی دانسته اید، تعلیم داده است٢٣٩ کسانی از شما که مرگشان در رسد و همسرانی به جا گذارند، برای همسران خویش، معاشی تا یک سال بدون برون کردن وصیت کنند. اگر برون رفتند درباره خویش،کاری که شایسته باشد، هرچه کنند، گناهی بر شما نیست. و خدا عزیز و فرزانه است٢٤٠ طلاقی شدگان، بهره ای به شایستگی در خور پرهیزکاران دارند٢٤١ بدین سان خدا آیه های خویش را برای شما بیان می کند شاید خردوری کنید٢٤٢ مگر آنها را که از بیم مرگ از دیار خویش برون شدند و هزاران بودند، نشنیدی که خدا بدیشان گفت: بمیرید! آنگاه زنده شان کرد که خدا با مردم صاحب کرم است ولی بیشتر مردم سپاس نمی دارند٢٤٣ در راه خدا کارزار کنید و بدانید که خدا شنوا و داناست٢٤٤ کیست که خدا را وامی نیکو دهد و خدا وام او را به دو برابرهای بسیار افزون کند خداست که تنگی آرد و گشادگی دهد و به سوی او بازگشت می باید مگر آن بزرگان از پسران اسرائیل را پس از موسی نشنیدی که با پیغمبر خویش گفتند: پادشاهی برای ما نصب کن تا در راه خدا کارزار کنیم. گفت: توانید بود که اگر کارزار بر شما مقرر شود، کارزار نکنید؟ گفتند: ما که از دیار و فرزندان خویش دور شده ایم، برای چه کارزار نمی- کنیم! و چون کارزار بر آنها مقرر شد، جز اندکیشان روی بگردانیدند و خدا به کار ستمگران داناست٢٤٥ پیغمبرشان به آنها گفت: خدا، طالوت را به پادشاهی شما نصب کرد. گفتند: از کجا وی را به ما پادشاهی بود، که ما به شاهی از او سزاوارتریم که او را گشادگی مال نیست. گفت: خدا او را از شما برگزید و وی را به دانش و تن، بزرگی افزود. خدا ملک خویش به هر که خواهد دهد که خدا وسعت بخش و داناست٢٤٦ و پیغمبرشان به آنها گفت: نشان پادشاهی وی اینست که صندوق [معهود] سوی شما آید که آرامشی از پروردگارتان و باقیمانده ای از آنچه خاندان موسی و هرون وا گذاشته اند در آنست و فرشتگان آن را حمل کنند که در این، اگر ایمان دارید، برای شما عبرتی هست٢٤٧ و همین که طالوت سپاهیان را برون برد، گفت: خدا شما را به جویی امتحان می کند، هر که از آن بنوشد از

من نیست و هر که از آن نخورد از من است.۲٤۸ مگر آن کس که با دست خویش کفی برگیرد. و از آن جز اندکیشان، بنوشیدند. و همین که او با کسانی که ایمان داشتند، از جوی بگذشت، گفتند: امروز ما را طاقت طالوت و سپاهیان وی نیست. آنها که یقین داشتند به پیشگاه پروردگار خویش می روند گفتند: بسیار شده که گروهی اندک بخواست خدا بر گروهی بسیار غلبه یافته و خدا پشتیبان صابران است۲٤۹ و چون با جالوت و سپاهیانش روبرو شدند گفتند: پروردگارا صبری به ما ده و قدمهایمان استوار ساز و بر گروه و کافران فیروزمان کن۲٥۰ پس، به خواست خدا، شکستشان دادند و داود جالوت را بکشت و خدایش پادشاهی و فرزانگی داد و آنچه می- خواست به او بیاموخت، اگر خدا بعض مردم را به بعض دیگر دفع نمی کرد، زمین تباه می شد ولی خدا با اهل جهان صاحب کرم است۲٥۱ این آیه های خداست که ما به حق بر تو می خوانیم و محققاً تو از پیغمبرانی۲٥۲ این پیغمبران، پاره ای از ایشان را بر پاره ای برتری داده ایم، از آنها کسی بود که خدایش سخن گفت: و بعضی از آنها را مرتبه ها بالا برد، و عیسی پسر مریم را حجت ها دادیم و او را به روح پاک قوی کردیم. اگر خدا می خواست کسانی که پس از پیغمبران بودند، با وجود حجت ها که سویشان آمده بود، با هم کارزار نمی کردند. ولی مختلف شدند. از آنها کسانی بودند که ایمان داشتند و از آنها کسانی بودند که کافر بودند، اگر خدا می خواست با هم کارزار نمی کردند ولی خدا هر چه بخواهد می کند۲٥۳ شما که ایمان دارید! پیش از آنکه روزی بیاید که در آن معامله و دوستی و شفاعت نباشد، از آنچه روزیتان کرده ایم انفاق کنید و کافران خودشان ستمگرانند۲٥٤ خدای یکتاست که خدایی جز او نیست، زنده و پاینده است. نه چرت می گیردش نه خواب . هر چه در آسمانها و زمین هست، از اوست. آنکه به نزد او، جز به اجازه اش شفاعت می کند کیست؟ آنچه پیش رو و آنچه پشت سرشان هست می داند و به چیزی از دانش وی جز به اجازه اش رسایی ندارند قلمرو او آسمانها و زمین را فرا گرفته و نگهداشتنش بر او سنگینی نمی کند که او والا و بزرگ است۲٥٥ اکراه در این دین نیست، که کمال از ضلال عیان شده، هر که به طغیان گران کافر شود و به خدا ایمان آرد، به دستاویز محکمی چنگ زده که گسستنی نیست، و خدا شنوا و داناست۲٥٦ خدا کارساز کسانیست که ایمان آورده اند و از ظلمات به نورشان می برد. کسانی که کافر شده اند، یارانشان طغیان گرانند که از نور به ظلماتشان می برند، آنها جهنمیانند و خودشان در آن جاودانند۲٥۷ مگر آن کس را نشنیدی که دربارهٔ پروردگارش که ملک به او عطا کرده بود با ابراهیم محاجه می کرد ابراهیم گفت: خدای من آنست که زنده می کند و می میراند. گفت: من زنده می کنم و می میرانم. ابراهیم گفت: خدای یکتا، خورشید را از مشرق می آورد تو آن را از مغرب بیار. آنکه کفر می ورزید مبهوت شد و خدا گروه ستمگران را هدایت نمی کند۲٥۸ یا آنکه بر دهکده ای گذر کرد که با وجود بناها که داشت خالی بود و گفت: خدا چگونه مردم این دهکده را زنده می کند! خدا او را صد سال بمیرانید، آنگاه زنده اش کرد و گفت: چه مدت بوده ای؟ گفت:

یک روز یا قسمتی از روز بوده ام، گفت: [نه] بلکه صد سال بوده ای، خوردنی و نوشیدنی خویش بنگر، دگرگون نشده و دراز گوش خویش بنگر! تو را برای مردم عبرتی می کنیم، استخوانها را بنگر چگونه بلندشان می کنیم. سپس آن را به گوشت می پوشانیم، همین که بر او روشن شد گفت: می دانم که خدا به همه چیز تواناست۲۵۹ و چون ابراهیم گفت: پروردگارا! به من بنما که مردگان را چگونه زنده می کنی؟ گفت مگر ایمان نداری! گفت: چرا! ولی تا دلم آرام گیرد. گفت: چهار پرنده برگیر و نزد خویش پاره پاره کن، سپس بر هر کوهی پاره ای از آنها بگذار و ندایشان کن که دوان سوی تو آیند و بدان که خدا عزیز و فرزانه است۲٦۰ حکایت آنها که اموال خویش در راه خدا انفاق می کنند، چون دانه ایست که هفت خوشه رویانیده که در هر خوشه صد دانه است و خدا برای هر که خواهد دو برابر می کند که خدا وسعت بخش و داناست۲٦۱ کسانی که اموال خویش در راه خدا انفاق می کنند و سپس چیزی را که انفاق کرده اند به منتی یا اذیتی همراه نمی کنند، پاداش آنها پیش پروردگارشان است، نه بیمی دارند و نه غمگین می شوند۲٦۲ سخنی شایسته با پرده پوشی، از صدقه ای که اذیتی در پی دارد بهتر است و خدا بی نیاز و بردبار است۲٦۳ شما که ایمان دارید! صدقه های خویش را چون آن کس که مال خویش بر پای مردم انفاق می کند و به خدا و روز جزا ایمان ندارد؛ به منت و اذیت باطل مکنید. حکایت وی مانند سنگی است خاره که خاکی روی آن بوده و رگباری بدان رسیده و آن را صاف جابجا گذاشته! ریاکاران از آنچه کرده اند ثمری نمی برند و خدا گروه کافران را هدایت نمی کند۲٦٤ حکایت آنها که اموال خود را به طلب رضای خدا و استوار کردن دلهای خویش انفاق می کنند مانند باغی است بر تپه ای که رگباری بدان رسیده و دو برابر ثمر داده و اگر رگباری نرسیده نمباری رسیده و خدا به آنچه می کند بیناست۲٦۵ مگر یکی تان دوست دارد که باغی داشته باشد از نخل ها و تاکها از همه گونه میوه در آن، و پیروی بدو رسیده و فرزندانی ناتوان دارد، و گردبادی آتش بیز به باغ رسیده و بسوخته این سان خدا برای شما این آیه ها را بیان می کند، شاید بیندیشید۲٦٦ شما که ایمان دارید، از خوبهای آنچه به دست آورده اید و آنچه برای شما از زمین برون آورده ایم، انفاق کنید و پست آن را که خودتان نمی گیرید، مگر از آن چشم بپوشید، برای انفاق کردن منظور مکنید و بدانید خدا بی نیاز و ستوده است۲٦۷ شیطان به شما وعده تنگدستی می دهد و به بدکاری وادار می کند و خدا از جانب خویش آمرزش و فزونی به شما وعده می دهد که خدا گشادگی بخش و داناست۲٦۸ فرزانگی را به هر که خواهد دهد و هر که فرزانگی یافت، خوبی فراوان یافت و جز خردمندان اندرز نگیرید۲٦۹ هر خرجی کرده اید و به هر نذری ملتزم شده اید خدا می داند و ستمگران یارانی ندارند.۲۷۰ اگر صدقه ها را عیان کنید، عیان کردن آن نیکست و اگر نهان کنید و به تنگدستان دهید برای شما بهتر است و گناهانتان را محو می کند که و خدا از آنچه می کنید آگاه است۲۷۱ هدایت کسان با تو نیست بلکه خدا هر که را خواهد هدایت می کند، هر خواسته ای انفاق کنید برای خودتان

است. انفاق جز برای رضای خدا نکنید، هر خواسته ای انفاق کنید به شما می رسد، و ستم نمی بینید۲۷۲ صدقه از آن فقیرانیست که در راه خدا از کار مانده اند و زمین سپردن نتوانند. غافل از فرط مناعت، توانگرشان پندارد، به سیمایشان می شناسیشان، از مردم به اصرار سؤال نمی کنند هر خواسته ای انفاق می کنید خدا به آن داناست۲۷۳ کسانی که اموال خویش را شب و روز، نهان و آشکارا انفاق می کنند پاداش آنها پیش پروردگارشان است، نه بیمی دارند و نه غمگین می شوند۲۷٤ کسانی که ربا می خورند بر نمی خیزند مگر چون آن کس که شیطان به جنون آشفته اش می کند. از آن رو که گویند: معامله چون رباست و بس. ولی خدا معامله را حلال و ربا را حرام کرده است، هر که را از پروردگارش پندی بیابد و باز ایستد، آنچه گذشته از اوست و کار او با خداست، و هر که تکرار کند آنها جهنمیانند و خودشان در آن جاودانند۲۷۵ خدا ربا را کاهش می دهد و صدقه ها را افزون می کند که خدا هیچ ناسپاس بدنهاد را دوست نمی دارد۲۷٦ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز به پا داشته و زکات داده اند، پاداش آنها نزد پروردگارشان است، نه بیمی دارند و نه غمگین می شوند۲۷۷ شما که ایمان آورده اید! از خدا بترسید و اگر به راستی مؤمن شده اید، از رباها هر چه باقیمانده رها کنید۲۷۸ و اگر نکردید آماده جنگ خدا و پیغمبر شوید، و اگر توبه کردید سرمایه هاتان از آن شماست نه ستم کنید و نه ستم ببینید۲۷۹ اگر بدهکار تنگدست باشد تان را خدمتی او مهلتی باید و اگر ببخشید برای شما بهتر است اگر می دانستید۲۸۰ از روزی که در آن به سوی خدا بازگشت می یابید و هر کس هر چه کرده بدو می رسد، و ستم نمی بینند بترسید۲۸۱ شما که ایمان دارید. اگر به همدیگر وامی تا مهلت معین دادید آن را بنویسید. نویسنده ای میان شما به درستی نویسد. و نویسنده از نوشتن، چنان که خدایش آموخته دریغ نکند، باید بنویسد! و کسی که حق به عهده اوست املا کند. از خدا، پروردگار خویش بترسد و چیزی از آن نکاهد. اگر کسی که حق به عهده اوست کم خرد یا بی- خرد است و املا کردن نمی تواند سرپرست وی به درستی املا کند. و دو گواه از مردان خویش به گواهی گیرید. اگر دو مرد نباشند، یک مرد و دو زن از گواهانی که رضایت می دهید تا اگر یکیشان از یاد برد، یکی از آنها به خاطر آن دیگر بیارد، گواهان چون دعوت شوند دریغ نکنند. از نوشتن وام، کوچک یا بزرگ به مدت آن ملول مشوید. که این، نزد خدا درست تر و برای گواهی دادن استوارتر و برای تردید نکردن شما، مناسب تر است. مگر آنکه معامله ای نقد باشد که مابین خودتان دهید و گیرید، گناهی بر شما نیست که ننویسید. و چون معامله کردید گواه گیرید.نویسنده و گواه زیان نبینند و اگر بکردید این بدکاری با خودتان است. از خدا بترسید خدا شما را تعلیم می دهد که خدا به همه چیز داناست۲۸۲ و اگر در سفرید و نویسنده ای نمی یابید گروی باید که گرفته شده باشد. اگر بعض شما بعضی را امین شمرد، امانتدار امانت او را بدهد و از خدا پروردگار خویش بترسد. گواهی را نهان مدارید و هر که آن را نهان کند دل وی گناهکار است و خدا به آنچه می کنید داناست۲۸۳ هر

چه در آسمانها و زمین هست از آن خداست اگر آنچه را در نهاد شماست. عیان کنید یا نهان کنید، خدا شما را برای آن به حساب می کشد و هر که را خواهد می آمرزد و هر که را خواهد عذاب می کند که خدا به همه چیز تواناست۲۸٤ پیغمبر بدآنچه از پروردگارش به او نزول یافته ایمان دارد و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتابها و پیغمبران او ایمان دارند. میان هیچ یک از پیغمبران او فرق نگذاریم. و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا آمرزش تو می جوییم که سرانجام سوی تو است۲۸٥ خدا هیچ کس را، جز به اندازه توانش مکلف نمی کند. هر چه نیک کرده مال اوست و هر چه بد کرده و بال اوست، پروردگارا اگر فراموش کردیم یا خطا کردیم بر ما مگیر و تکلیف سخت به ما بار مکن، چنانکه بر آن کسان که پیش از ما بوده اند، بار کرده ای. پروردگارا چیزی که ما را تاب آن نیست به ما تحمیل مکن. از ما درگذر، و ما را بیامرز و به ما رحم کن که تو کارساز مایی، پس ما را بر گروه کافران فیروز ساز.۲۸٦

سوره آل عمران ۳

سوره آل عمران،در مدینه نازل شده است

بنام خدای رحمان رحیم

الف، لام، میم۱ خدای یکتاست که خدایی جز او نیست، و زنده و پاینده است۲ این کتاب به حق بر تو نازل کرده که کتابهای پیشین را تصدیق می کند، و از پیش، تورات و انجیل را نازل کرده۳ که هدایتی برای مردم است و نیز فرقان را نازل کرده کسانی که آیه های خدا را انکار کرده اند، عذابی سخت دارند و خدا عزیز و انتقام گیر است٤ در آسمان و زمین چیزی از خدا نهان نیست٥ هم اوست که شما را در رحمها بدانگونه که خواهد نقش بندی می کند.خدایی جز او نیست که عزیز و فرزانه است٦ هم اوست که این کتاب بر تو نازل کرده از آن جمله آیه هایست استوار، آنها مایه کتاب است. و دیگر آیه ها یست مبهم، آنها که در دلهایشان خللی هست، از این کتاب آنچه را مبهم است و تأویل آن را جز خدا نداند، در طلب فتنه و به قصد تأویل پیروی می کنند و آنها که در دانش ریشه دارند می گویند: بدان ایمان داریم، همه از پیش پروردگار ماست و جز خردمندان اندرز نگیرند۷ پروردگارا! دلهای ما را پس از آنکه هدایتمان کرده ای، منحرف مساز و ما را از نزد خویش رحمتی بخشای که بخشش گری۸ پروردگارا تو، در آن روز که شک ندارد مردم را فراهم می کنی که تو از وعده تخلف نمی کنی۹ کسانی که کافر شده اند هرگز اموال و اولادشان در قبال خدا سودشان نمی دهد و آنها خودشان هیزم جهنمند۱۰ به عادت فرعونیان و اسلافشان که آیه های ما را دروغ

شمردند و خدا به گناهانشان بگرفتشان که خدا سنگین مجازات است١١ به کسانی که کافر شده اند، بگو: بزودی مغلوب و در جهنم محشور می شوید که بد آرامگاهی است١٢ برای شما در دو گروه که روبرو شدند عبرتی بود گروهی در راه خدا کارزار می کرد و دیگر گروه کافر بود که آنها را، به چشم دو برابر خویش می دیدند و خدا هر که را خواهد، به یاری خویش نیرو می دهد، که در این برای اهل بصیرت عبرتی است١٣ دوست داشتن خواستنی ها از زنان و فرزندان و بسته های فراهم شده طلا و نقره و اسبان داغ دار ورمه و کشت برای مردم آرایش یافته، این کالای زندگی دنیاست و بازگشت گاه نیک پیش خداست١٤ بگو آیا شما را به بهتر از اینها خبر دهم؟ برای کسانیکه پرهیزکار بوده اند، نزد پروردگارشان بهشت هاست که جویها در آن روانست و در آن جاودانند، با همسران پاکیزه و خشنودی خدا و خدا بینای بندگان [نیک] است١٥ کسانی که می گویند: پروردگارا ما ایمان داریم گناهان ما را بیامرز و از عذاب جهنم مصونمان دار١٦ و صابران و راستگویان و فرمانبران و انفاق گران و آمرزش طلبان سحرگاه ها١٧ خدای یکتا عیان کرده و فرشتگان و دانشوران گواهی داده اند که خدایی جز او نیست که انصاف بدو پایدار است. خدایی جز او نیست که عزیز و فرزانه است١٨ دین پسندیده، نزد خدا اسلام است و کسانی که کتابشان داده اند اختلاف نکرده اند، مگر از پس آنکه دانش به سویشان آمده و از حسد همدیگر و هر که آیه های خدا را انکار کند، حساب کردن خدا سریع است١٩ اگر با تو محاجه کردند بگو من قلب خویش و کسانی را که پیرو من شده اند بخدا تسلیم کرده ام به کسانیکه کتابشان داده اند و به بی کتابان بگو: آیا اسلام آورده اید؟ اگر اسلام آورده اند هدایت یافته اند و اگر پشت بکردند، بر تو بلاغ باشد و بس که خدا بینای بندگان است٢٠ کسانی که آیه های خدا را انکار کردند و پیغمبران را به ناحق می کشند و کسانی که به انصاف فرمان می دهند می کشند به عذابی الم انگیز بشارتشان بده٢١ همین کسانند که اعمالشان در دنیا و آخرت هدر شده و یاورانی ندارند٢٢ مگر آن کسان را که از تورات بهره ایشان داده اند، نمی بینی که به کتاب خدا دعوت می شوند، که میان آنها حکم کند، ولی گروهی از آنها پشت می کنند و اعراض گردانند٢٣ اعراضشان برای این است که گویند: آتش به ما نرسد مگر روزی چند. دروغی که ساخته اند در کار دینشان فریبشان داده است٢٤ چگونه باشد وقتی در آن روز، که شک ندارد فراهمشان کنیم و به هر کس آنچه کرده است داده شود و ستم نبینند٢٥ بگو: ای خدا صاحب ملک! ملک به هر که خواهی می- دهی و ملک از هر که خواهی می ستانی هر که را خواهی عزیز می کنی و هر که را خواهی ذلیل می- کنی همه خوبیها بدست تو است که تو بر همه چیز توانایی٢٦ شب را به روز در می کنی و روز را به شب در می کنی، زنده را از مرده پدید می آوری و مرده را از زنده پدید می آوری و هر که را خواهی بدون شمار روزی می دهی٢٧ مؤمنان به غیر مؤمنان کافران را دوستان نگیرید. هر که چنین کند با خدا کاری ندارد مگر که از آنها ترسی داشته باشید، خدا شما را از خود می ترساند و سرانجام سوی اوست٢٨ بگو، آنچه را

در سینه های شماست، چه نهان کنید چه عیان کنید، خدا آن را می داند و هر چه در آسمانها و زمین هست می داند که خدا به همه چیز تواناست۲۹ روزی که هرکس آنچه کار خوب کرده حاضر بیابد، و نیز آنچه کار بد کرده است و دوست دارد که میان او و کارهای بدش فاصله ای دور باشد خدا شما را از خویش می ترساند و خدا با بندگان مهربان است۳۰ بگو اگر خدا را دوست می دارید مرا پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان شما را بیامرزد که خدا آمرزگار و رحیم است۳۱ بگو خدا و پیغمبران را فرمان برید، اگر پشت بکردند، خدا کافران را دوست نمی دارد۳۲ خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را از اهل جهان برگزید۳۳ نژاد ابراهیم و عمران بعض آن از بعض دیگر است و خدا شنوا و داناست۳٤ و چون زن عمران گفت: پروردگارا آنچه را در شکم منست آزاد از قیود نذر تو کردم. از من بپذیر که تو شنوا و دانایی۳٥ و چون بار خود بگذاشت، گفت: پروردگارا من بار خویش دختر گذاشتم، خدا بهتر داند که چه گذاشتم، که پسر چون دختر نیست. من او را مریم نامیدم و او را با فرزندانش از شیطان ملعون به تو می سپارم۳٦ پروردگارش او را پذیرفت، پذیرشی نیکو و او را نموی نیک داد و زکریا را سرپرست وی کرد هر وقت زکریا به محراب نزد او می رفت روزی ای پیش وی می یافت و می گفت: ای مریم! این برای تو از کجا آمده؟ می گفت: این از پیش خداست که خدا هر که را خواهد، بی شمار روزی می دهد۳۷ در این هنگام زکریا پروردگار خویش را بخواند گفت: پروردگارا مرا از جانب خویش فرزندی پاکیزه بخش که تو شنوای دعایی۳۸ و فرشتگان او را که در محراب به نماز ایستاده بود، ندا کردند که خدا تو را به یحیی بشارت می دهد که مصدق کلمه خداست و آقا و پارسا و پیغمبری از شایستگان است۳۹ گفت: پروردگارا! چگونه مرا پسری باشد! که پیر شده ام و زنم نازاست! گفت: همینطور، خدا هر چه بخواهد انجام می دهد. ٤۰ گفت پروردگارا برای من نشانی ای بگذار، گفت: نشانی تو اینست که سه روز با مردم جز بر من سخن نکنی. پروردگار خویش را بسیار یاد کن و شبانگاه و بامداد وی را تسبیح گوی٤۱ و فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک کرده و بر زنان زمانه برتری داده است٤۲ ای مریم! فرمان پروردگار خویش ببر و سجده کن و با راکعان رکوع گذار٤۳ این از خبرهای غیب است که به تو وحی می کنیم، آن دم که احبار قلم های خویش بیفکندند که کدامشان سرپرستی مریم کنند تو پیش آنها نبودی و آن دم که کشمکش می کردند تو پیش آنها نبودی٤٤ و فرشتگان گفتند: ای مریم خدا تو را به کلمه خویش نوید می دهد که نام وی مسیح عیسی پسر مریم است در دنیا و آخرت آبرومند و از نزدیکان است٤٥ و با مردم در گهواره و در بزرگی سخن گوید و از شایستگانست٤٦ گفت: پروردگارا! چگونه مرا فرزندی باشد که بشری به من دست نزده! گفت: همینطور، خدا هر چه خواهد می-آفریند و چون چیزی را اراده کند، فقط به آن می گوید باش و وجود می یابد٤۷ و او را کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد٤۸ و پیمبری سوی پسران اسرائیل باشد [گوید] با معجزه ای از پروردگارتان سوی

شما آمده ام، برای شما از گل چون شکل مرغی می سازم و در آن می دمم که به اذن خدا مرغی می شود کور مادرزاد و برص زده را شفا می دهم و مرده را به اذن خدا زنده می کنم و شما را از آنچه می خورید و در خانه هاتان ذخیره می نهید، خبر می دهم و در این اگر گرویده اید برای شما عبرتی است٤٩ [آمده ام] تا تورات را که پیش از من بوده تصدیق کنم و بعضی چیزها را که بر شما حرام شده بود، برایتان حلال کنم، با معجزه ای از پروردگارتان به سوی شما آمده ام از خدا بترسید و مرا فرمان برید.٥٠ «خدای یکتا، پروردگار من و پروردگار شماست، او را بپرستید که راه راست اینست٥١ و هنگامی که عیسی احساس کفر از آنها کرد گفت: کیانند که یاران من در راه خدایند! حواریان گفتند: ما یاران خداییم، به خدا ایمان آورده ایم و گواه باش که ما گردن نهادگانیم٥٢ پروردگارا! به آنچه نازل کرده ای ایمان آورده و این پیغمبر را پیروی کرده ایم، ما را با گواهی دادگان ثبت فرمای٥٣ کافران نیرنگ کردند و خدا نیرنگ [آنها را تلافی] کرد و خدا از همه نیرنگیان ماهرتراست٥٤ و خدا گفت: ای عیسی، من تو را از زمین برگیرم و به سوی خویش برآرم و از کسانی که کافر شده اند برکنار دارم و کسانی را که پیروی تو کرده اند تا روز قیامت بالا دست کافران کنم، و عاقبت بازگشت شما سوی منست و میان شما درباره چیزهایی که در آن اختلاف می کرده اید حکم میکنم٥٥ اما کسانیکه کافر بوده اند، در دنیا و آخرت عذابی سختشان می کنم و یارانی نخواهند داشت٥٦ اما کسانی که ایمان داشته و کارهای شایسته کرده اند خدا پاداششان را به آنها می رساند و خدا ستمگران را دوست نمی-دارد٥٧ اینکه بر تو می خوانیم آیه ها و اندرز حکمت آموز است٥٨ حکایت عیسی نزد خدا چون حکایت آدم است. وی را از خاک ساخت و بدو گفت: باش و وجود یافت٥٩ حق همین است که از جانب پروردگار تو است، بنابراین از دو دلان مباش٦٠ و هر که با وجود این دانش که سوی تو آمده، دربارهٔ عیسی با تو مجادله کند بگو بیایید پسران و زنان و نفوس خویش بخوانیم و تضرع کنیم آنگاه لعنت خدا را به دروغگویان کنیم٦١ این همان خبرهای درست است خدایی جز خدای یکتا نیست و خدای یکتاست که عزیز و فرزانه است٦٢ اگر پشت بکردند. خدا تبهکاران را می شناسد٦٣ بگو: ای اهل کتاب! بیایید کلمه ای را که میانهٔ ما و شماست بپذیرید، که جز خدا را نپرستیم و کسی را با او شریک نکنیم و بعضی از ما بعضی را غیر خدا بخدایی نگیرد. اگر پشت بکردند بگو گواه باشید که ما گردن نهادگانیم٦٤ ای اهل کتاب چرا در مذهب ابراهیم که تورات و انجیل بعد از او نازل شده محاجه می کنید، چرا نمی فهمید! ٦٥ شما اشخاص! در موضوعی که دربارهٔ آن دانشی دارید محاجه کرده اید به چه جهت در موضوعی که دربارهٔ آن دانشی ندارید محاجه می کنید ! خدا می-داند و شما نمی دانید٦٦ ابراهیم نه یهودی بود، نه نصرانی، بلکه معتدل و مسلمان بود و از مشرکان نبود٦٧ نزدیکتر از همه مردم به ابراهیم آن کسانند که وی را پیروی کرده اند و این پیغمبر و کسانی که بدو گرویده اند و خدا یار مؤمنان است٦٨ گروهی از اهل کتاب آرزو دارند که شما را گمراه کنند ولی جز خودشان را

گمراه نمی کنند اما نمی فهمند٦٩ ای اهل کتاب! شما که به آیه های خدا گواهی می دهید چرا منکر آن می- شوید٧٠ ای اهل کتاب! چرا حق را به باطل میامیزید و حق را که می دانید نهان می دارید٧١ دسته ای از اهل کتاب گفتند اول روز به آنچه بر مؤمنان نزول یافته بگروید و آخر روز انکار کنید، شاید آنها نیز بازگردند٧٢ و باور مدارید که، جز آنکه پیرو دین شماست، هیچ کس نظیر آن چه شما را داده اند، تواند داشت بگو هدایت هدایت خداست یا نزد پروردگارتان با شما محاجه توانند کرد. بگو برتری بدست خداست به هر که بخواهد می- دهد که خدا وسعت افزا و داناست٧٣ هر که را خواهد خاص رحمت خود کند و خدا دارای کرمی بزرگ است٧٤ از جمله اهل کتاب کسی است که او را بر نقد بسیار امین شماری آن را به تو رد می کند و از جمله آنها کسی است که اگر او را بر دیناری امین شماری آن را به تو رد نکند مگر پیوسته [بطلب] بر او ایستاده باشی، برای آنکه گویند در کار بدویان بر علیه ما راه [تعرض] نیست. خودشان می دانند که درباره خدا دروغ می گویند٧٥ [چنین نیست] بل هر که به پیمان خویش وفا کند و پرهیزکار باشد خدا پرهیزکاران را دوست می- دارد٧٦ کسانی که پیمان و قسم های خویش را به بهایی ناچیز می فروشند، آنان در آخرت نصیبی ندارند و روز قیامت خدا با آنها سخن نمی گوید و سویشان نمی نگرد و پاکشان نمی کند و عذابی الم انگیز دارند٧٧ گروهی از آنها هستند که زبانهای خویش به خواندن کتاب همی گردانند که آن را از تورات پندارید ولی از تورات نیست و گویند این از جانب خداست ولی از جانب خدا نیست دروغ به خدا می بندند و خودشان می- دانند٧٨ هیچ بشری حق نداشت که خدایش کتاب و حکم دانی و پیغمبری دهد،آنگاه به مردم گوید به غیر خدا بندگان من باشد ولی گوید راستان دین باشید برای آن که کتاب آسمانی تعلیم می داده اید و برای آنکه به درس می پرداخته اید٧٩ و شما را وا نمی دارد که فرشتگان و پیغمبران را خدایان گیرید، چگونه شما را پس از آنکه مسلمان هستید به کفر فرمان می دهد٨٠ و چون خدا از پیغمبران پیمان گرفت که به حق این کتاب وحکمت که به شما داده ام، چون پیغمبری سوی شما آید و آنچه را همراه شماست تصدیق کند، بدو ایمان بیارید و وی را یاری کنید. گفت: آیا پذیرفتید و تکلیف مرا به گردن گرفتید؟ گفتند: پذیرفتیم، گفت: گواه باشید و من نیز با شما گواهم٨١ و هر که پس از این روی بگرداند، آنها خودشان بدکارانند٨٢ چگونه جز دین خدا می جویید؟ و هر که در آسمانها و زمین هست، به رغبت یا کراهت، به فرمان او گردن نهاده اند و به سوی او بازشان می برند٨٣ بگو به خدا و آنچه بر ما نزول یافته و آنچه بر ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اخلاف نزول یافته و آنچه به موسی و عیسی و دیگر پیغمبران از پروردگارشان آمده ایمان داریم و میان هیچ یک از ایشان فرق ننهیم و مسلمان اوییم٨٤ هر که جز اسلام دینی جوید از او پذیرفته نشود و همو در آخرت از زیانکارانست٨٥ گروهی از پی ایمان خویش که گواهی داده اند این پیغمبر به حق است و حجت ها سویشان آمده کافر شده اند، خدا چگونه هدایتشان می کند؟ که خدا گروه ستمگران را هدایت نمی کند٨٦ آنان سزایشان

اینست که لعنت خدا و فرشتگان و مردم یک سره بر آنها باد۸۷ در لعنت جاوید باشند، عذاب آنها تخفیف نیابد و مهلتشان بدهند۸۸ مگر آنها که پس از کفر توبه کرده و به اصلاح پرداخته اند که خدا آمرزگار و رحیم است۸۹ کسانی که از پی ایمان خویش کافر شده اند و کفرشان بیشتر شده توبه ایشان هرگز پذیرفته نمی شود و آنها خودشان گمراهانند۹۰ کسانی که کافر شوند و کافر بمیرند اگر یکیشان طلا به عوض دهد که زمین پر شود از او نپذیرند.آنها عذابی الم انگیز دارند و یارانی ندارند۹۱ به نیکی نمی رسید مگر از آنچه دوست دارید انفاق کنید و از هر چه انفاق کنید خدا می داند۹۲ همه خوردنی ها بر فرزندان اسرائیل حلال بود مگر آنچه اسرائیل از آن پیش که تورات نازل شود، بر خویش حرام کرده بود. بگو: اگر شما راست گویید تورات را بیارید و آن را بخوانید۹۳ و هر که پس از این بر خدا دروغ ببندد آنها خودشان ستمگرانند۹۴ بگو خدا راست گفت آئین ابراهیم را که معتدل بود و از مشرکان نبود پیروی کنید۹۵ نخستین خانه که برای مردم بنا شد همانست که در مکه مایه برکت و هدایت جهانیان است۹۶ در آن نشانهای روشن است، چون جایگاه ابراهیم و هر که درون آن شود ایمن است. به پاس خدا، زیارت این خانه بر همه مردمان هر که بدان راه تواند یافت مقرر است و هر که انکار کند خدا از جهانیان بی نیاز است۹۷ بگو: ای اهل کتاب! چرا آیه های خدا را منکر می شوید! خدا بر آنچه می کنید گواه است۹۸ بگو: ای اهل کتاب چرا کسانی را که ایمان آورده اند، از راه خدا باز می دارید و آن را منحرف می خواهید، در صورتی که شما گواهانید، و خدا از آنچه می کنید بی خبر نیست۹۹ شما که ایمان دارید! اگر گروهی از آنها را که کتابشان داده اند، فرمان برید، شما را از پی ایمان آوردنتان کافر می کنند۱۰۰ شما که آیه های خدا برایتان خوانده می شود و فرستاده وی میان شماست چگونه کافر می شوید هر که به خدا متمسک شود به راهی راست هدایت شده است۱۰۱ شما که ایمان دارید! از خدا چنانکه شایسته ترسیدن از اوست، بترسید و نمیرید جز اینکه مسلمان باشید۱۰۲ همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده مشوید و موهبت خدا را بر خودتان به یاد آرید آن دم که دشمنان بودید و میان دلهایتان پیوند داد و به موهبت وی برادران کشتید بر لب مغاکی از آتش بودید و شما را از آن برهانید. بدین سان خدا آیه-های خویش برای شما بیان می کند شاید هدایت شوید۱۰۳ باید دسته ای از شما باشند که سوی نیکی بخوانند و به معروف وادارند و ازمنکر باز دارند، آنها خودشان رستگارانند۱۰۴ و چون آن کسان مباشید که با وجود حجت ها که سویشان آمده بود، پراکنده شدند و اختلاف کردند که آنها عذابی بزرگ دارند۱۰۵ روزی که روهایی سفید می شود و روهایی سیاه می شود اما کسانی که روهاشان سیاه شده [گویندشان] چگونه پس از ایمان آوردنتان منکر شدید، اکنون به سبب آن انکار می کردید از این عذاب بچشید۱۰۶ اما کسانی که روهاشان سفید شده در رحمت خداوند، خودشان در آن جاودانند۱۰۷ این آیه های خداست که آن را به حق بر تو می-خوانیم و خدا برای اهل جهان ستمی نمی خواهد۱۰۸ هر چه در آسمانها و زمین هست از خداست و کارها به

سوی او بازگشت دارد۱۰۹ بهترین دسته ای که برای این مردم نمودار شده اند شما بوده اید به نیکی وا میدارید و از بدی باز می دارید و به خدا ایمان دارید. اگر اهل کتاب مؤمن می شدند برایشان بهتر بود بعضی از آنها مؤمنانند و بیشترشان از دین برون شدگانند۱۱۰ هرگز به شما زیان نزنند، مگر آزارکی، و اگر با شما بجنگند پشت ها به شما کنند و فیروز نشوند۱۱۱ هر کجا باشند ذلت بر آنها مقرر است، مگر پیمانی از خدا و پیمانی از مردم داشته باشند، قرین خشم خدا شدند و مسکنت بر آنها مقرر شد. برای آنکه آیه های خدا را انکار میکردید و پیغمبران را به ناحق میکشتند، برای آنکه نافرمان بودند و تعدی میکردند۱۱۲ یکسان نیستند، از اهل کتاب مردمی راستارند که آیه های خدا را در اثنای شب می خوانند و سجده می کنند۱۱۳ به خدا و روز جزا ایمان دارند، به نیکی وا می دارند و از بدی باز می دارند و به خوبیها می شتابند، اینان از شایستگانند۱۱٤ که خوبی هر چه کنند هرگز ناسپاسی نبینند و خدا پرهیزکاران را می شناسد۱۱۵ کسانی که کافرند اموال و اولادشان در قبال خدا سودشان نمی دهد آنها اهل جهنمند و خودشان در آن جاودانند۱۱٦ حکایت آنچه در زندگی این جهان خرج می کنند چون بادیست که در آن سرمایست و به کشت گروهی که خویشتن را ستم کرده- اند، رسیده و آن را نابود کرده خدا ستمشان نکرده بلکه به خودشان ستم می کنند۱۱۷ شما که ایمان دارید از غیر خودتان هم راز مگیرید که در تباهی شما کوتاهی نکنند. و رنج بردن شما را دوست دارند، دشمنی از گفتارشان عیان است و آنچه در سینه هاشان نهان است بدتر است، اگر تعقل می کنید اما این آیه ها را برای شما بیان کرده ایم۱۱۸ شما اشخاص! آنها را دوست دارید و آنها شما را دوست ندارند، شما به همه کتابها گرویده اید و آنها چون شما را ببینند گویند: گرویده ایم و چون به خلوت شوند از خشم سرانگشتان گزند، بگو: از خشم خویش بمیرید، که خدا از مکنونات سینه ها آگاه است۱۱۹ اگر نیکی به شما رسد غمینشان کند و اگر بدی به شما رسد، از آن شادمان شوند. اگر صبوری کنید و بپرهیزید، از مکرشان ضرری به شما نرسد که خدا، به اعمالشان واقف است۱۲۰ و چون بامداد از بر اهل خویش درآمدی تا مؤمنان را در مواضع جنگ جا دهی و خدا شنوا و داناست۱۲۱ آن دم که دو گروه از شما سر ترسیدن داشتند و خدا یارشان بود و مؤمنان باید به خدا توکل کنند۱۲۲ خدا در بدر نصرتتان داد در صورتی که زبون بودید پس از خدا بترسید شاید سپاس دارید۱۲۳ آن دم که به مؤمنان می گفتی مگر بستان نیست که پروردگارتان به هزار فرشته فرود آمده، مددتان کند! ۱۲٤ آری، اگر صبور باشید و پرهیزکاری کنید، و دشمنان در این هیجان خویش به شما تازند، پروردگارتان به پنج هزار فرشته نشان گزار مددتان می کنند۱۲۵ و خدا آن را، جز بشارتی برای شما نکرد تا دلهایتان مطمئن شود که فیروزی جز از نزد خدای عزیز فرزانه نیست۱۲٦ [نصرتتان داد] یا گروهی از آنها را که کافر شده اند نابود کند یا سرکوبشان کند و نومید بازگردند۱۲۷ از این کار چیزی به دست تو نیست یا خدا می بخشدشان و یا عذابشان می کند که آنها ستمگرانند۱۲۸ هر چه در آسمانها و زمین هست از خداست

هر که را بخواهد بیامرزد و هر که را بخواهد عذاب کند و خدا آمرزگار و رحیم است۱۲۹ شما که ایمان دارید! ربا را با فزودن های مکرر مخورید و از خدا بترسید شاید رستگار شوید۱۳۰ و از آن آتش که برای کافران آماده شد بترسید۱۳۱ خدای یکتا و این پیغمبر را فرمان برید، شاید مرحمت ببینید۱۳۲ بشتابید به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن چون آسمانها و زمین است و برای پرهیزکاران مهیا گشته است۱۳۳ همانها که در گشادگی و سختی انفاق می کنند نگهداران خشم و بخشندگان مردم و خدا نیکوکاران را دوست می دارد۱۳٤ و آنها که چون ناروایی کردند یا به خویشتن ستم کردند، خدا را یاد کنند و برای گناهان خویش آمرزش طلبند و جز خدا کیست که گناهان بیامرزد و بر آن چه کرده اند دانسته اصرار نورزند۱۳۵ پاداش آنها آمرزش پروردگارشان است با بهشت ها که در آن جوی ها روانست که جاودانه در آن باشند. و پاداش اهل عمل چه نیکست۱۳٦ پیش از شما ماجراها گذشته در زمین بگردید و ببینید سرانجام تکذیب کنان چسان بود۱۳۷ این برای مردم بیانی و برای پرهیزکاران هدایت و پندی است۱۳۸ سستی مگیرید و غمگین مشوید که شما، اگر واقعاً ایمان دارید برترید۱۳۹ اگر به شما زخمی رسیده آن گروه را نیز زخمی مانند آن رسیده این روزها را میان مردم جا به جا می کنیم تا خدا کسانی را که ایمان آورده اند معلوم دارد و از شما گواهان گیرد که خدا ستمگران را دوست ندارد۱٤۰ و تا خدا کسانی را که ایمان آورده اند تصفیه کند و کافران را نقصان دهد۱٤۱ مگر پنداشتید به بهشت درون می شوید و خدا کسانی از شما را که جهاد کرده اند معلوم نمی کند و صبوری پیشگان را معلوم نمی کند۱٤۲ شما بودید که مرگ [در میدان جنگ] را پیش از آنکه با آن روبرو شوید، به آرزو می خواستید ولی آن را بدیدید و تماشایی شدید۱٤۳ محمد جز فرستاده ای بیش نیست که پیش از او فرستادگان در گذشته اند. آیا اگر بمیرد یا کشته شود عقب گرد می کنید و هر که عقب گرد کند ضرری به خدا نمی زند و خدا سپاس داران را پاداش خواهد داد۱٤٤ هیچ کس جز به اذن خدا نخواهد مرد، ثبتی است مدت دار. هر که پاداش دنیا خواهد از آنش دهیم و هر که پاداش آخرت خواهد از آنش دهیم و سپاس داران را پاداش خواهیم داد۱٤۵ بسی پیغمبران که خدا دوستان بسیار همراه وی کارزار کردند و از آنچه در راه خدا به آنها رسید، سستی نگرفتند و ناتوان نشدند و زبونی نکردند و خدا صابران را دوست دارد۱٤٦ و سخنشان جز این نبود که گفتند: پروردگارا! گناهان ما و زیاده روی هایمان را در کارمان بیامرز و قدمهای ما را استوار کن و بر گروه کافران فیروزمان ساز۱٤۷ خدا پاداش نیک آخرت به آنها داد و خدا نیکوکاران را دوست دارد۱٤۸ شما که ایمان دارید! اگر کسانی را که کافر شده اند، فرمان برید شما را از دینتان باز می- گردانند و زیان کارمیشوید ۱٤۹ [نکنید] که خدا یار شماست و او بهترین یاری کنان است۱۵۰ در دل کسانی که کافر شده اند هراس خواهیم افکند زیرا چیزهایی را که خدا دلیلی بر آن نفرستاده با وی شریک کرده اند جایشان جهنم است و جایگاه ستمگران چه بد است۱۵۱ خدا وعده خویش با شما راست کرد آن دم که

به اذن وی بکشتید شان، تا وقتی که سست شدید و در کار جنگ اختلاف کردید و نافرمان شدید؛ با وجود آن که خدا چیزی را که دوست می داشتید به شما نمایانده بود؛ کسانی از شما بودند که دنیا می خواستند و کسانی از شما بودند که آخرت می خواستند. آنگاه شما را از کشتنشان باز داشت تا بیازمایدتان و از شما درگذشت که خدا با مؤمنان کرمی دارد۱۵۲ آن دم که دور می شدید و به کسی اعتنا نمی کردید و پیغمبر از دنبالتان شما را می- خواند، و [خدا] سزایتان غمی روی غمی داد تا بر آنچه از کفتان رفته و آنچه به شما رسیده اند مخورید و خدا از آنچه میکنید آگاه است ۱۵۳ عاقبت پس از آن غم آرامشی بر شما نازل کرد، خوابی که گروهی از شما را فرو گرفت و گروهی که غصه جان های خویش داشتند، درباره خدا گمان ناحق، گمان جاهلیت می بردند میگفتند: ما را در این کار اختیاری نبود بگو اختیار کارها یکسره با خداست، در ضمیر خویش چیزها نهان می دارند که بر تو عیان نمی کنند، می گویند اگر در این کار اختیاری داشتیم در اینجا کشته نمی شدیم، بگو: اگر در خانه های خویش بودید، کسانی که کشته شدن بر آنها مقرر شده بود به کشتن گاه خویش می آمدند. تا خدا آنچه را در سینه های شماست مصفا کند و خدا مکنونات سینه ها را میداند۱۵٤ کسانی از شما که روز تلاقی دو جماعت پشت بکردند جز این نبود که شیطان به شوم پاره ای بدها که کرده بودند به گناهشان کشید، خدا از آنها درگذشت که خدا آمرزگار و بردبار است۱۵۵ شما که ایمان دارید! مانند آن کسان مباشید که کفر ورزیدند و درباره برادران خویش که زمین سپرده با جنگ آوران بوده اند گفتند: اگر نزد ما بودند، نه می- مردند و نه کشته می شدند. تا خدا این را در دلهای ایشان حسرتی کند، خداست که زنده می دارد و می میراند و خدا به اعمالی که می کنید بیناست۱۵٦ اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، آمرزش و رحمت خدای، از آنچه جمع می کنند بهتر است۱۵۷ اگر بمیرید یا کشته شوید در پیشگاه خدا محشور می شوید۱۵۸ به مرحمت خدا با آنها نرم خو شده ای، اگر خشن و سخت دل بودی از دور تو پراکنده می شدند، آنها را ببخش و برای ایشان آمرزش بخواه، و در کار جنگ با آنها کنکاش کن و چون مصمم شدی به خدا توکل کن که خدا متوکلان را دوست دارد۱۵۹ اگر خدایتان نصرت دهد، هیچ کس بر شما چیره شدنی نیست و اگر شما را رها کند کیست که پس از وی نصرتتان دهد پس مؤمنان به خدا توکل کنند۱٦۰ بر هیچ پیغمبری روا نبود که خیانت کند و هر که خیانت کند روز قیامت با آنچه خیانت کرده بیاید، آنگاه به هر کس هر چه کرده سزا دهند و ستم نبینند۱٦۱ آن که خشنودی خدا را پیروی کرده با آن که قرین خشم خداست و جهنم که سرانجامیست بد، جای اوست، چگونه مانند تواند بود۱٦۲ آنها نزد خدا به درجه ها مختلفند و خدا با اعمالی که می کنند بیناست۱٦۳ خدا بر مؤمنان منت نهاد که میان آنها پیغمبری از خودشان برانگیخت که آیه های خدا برایشان بخواند و پاکشان کند و کتاب و حکمتشان آموزد و گرچه از پیش در ضلالی آشکار بوده اند۱٦٤ چرا وقتی شما را صدمه ای رسید که دو برابر آن را رسانیده بودید گفتید: این از کجا به ما رسید؟ بگو این از جانب خودتان بود

که خدا بر همه چیز تواناست۱٦٥ آنچه روز تلاقی دو جماعت به شما رسید به اذن خدا بود تا مؤمنان را معلوم دارد۱٦٦ و نیز کسانی را که انفاق کرده اند معلوم کند [همان کسان] که [چون] گویندشان: بیایید در راه خدا کارزار کنید یا به دفاع پردازید، گویند: اگر جنگ آزموده بودیم شما را پیروی می کردیم. در آن لحظه ایشان به کفر از ایمان نزدیک ترند به زبانهای خویش چیزها می گویند که در دلهای شان نیست و خدا به آن چه نهان می کنند داناتر است۱٦۷ کسانی که خودشان نشسته اند و درباره برادران خویش گویند، اگر فرمان ما برده بودند، کشته نمی شدند، به آنها بگو: اگر راست می گویید مرگ را از خودتان دفع کنید۱٦۸ کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار، بل زندگانند و نزد پروردگار خویش روزی می برند۱٦۹ به آنچه خدا از کرم خود به آنها داده خوش دلند و از سرنوشت کسانی که از پی می رسند و هنوز به ایشان نپیوسته اند شادمانند که نه بیمی دارند و نه غمگین می شوند۱۷۰ به نعمت و کرم خدا و اینکه خدا پاداش مؤمنان را تباه نمی کند شادمانند۱۷۱ کسانی که خدا و پیغمبر را از آن پس که آن زخم به ایشان رسیده بود اجابت کردند، نیکوکاران و پرهیزکارانشان پاداشی بزرگ دارند۱۷۲ کسانی که مردم گفتندشان: مردمان برای [جنگ] شما گرد آمده اند از آنها بترسید و ایمانشان فزون شد و گفتند: خدا ما را بس! که نیکو تکیه گاهیست۱۷۳ آنگاه با نعمت خدا و فزونی بازگشتند و بدی به آنها نرسیده بود و خدا دارای کرمی بزرگ است۱۷٤ این شیطان است که یاران خویش را همی ترساند، اگر واقعاً مؤمنید، از آنها نترسید و از من بترسید۱۷٥ کسانی که به کفر می شتابند، تو را محزون نکنند، که آنها هرگز به خدا ضرری نمی زنند، خدا می خواهد برای ایشان در آخرت بهره ای مقرر ندارد و عذابی بزرگ دارند۱۷٦ کسانی که کفر را به ایمان خریده اند، هرگز به خدا ضرری نمی زنند و عذابی الم انگیز دارند۱۷۷ کسانی که کافر شده اند مپندارند این مهلت که به ایشان می دهیم خیر آنهاست، فقط مهلتشان می دهیم تا گناهشان بیشتر شود و عذابی خفت انگیز دارند۱۷۸ خدا مؤمنان را بر این حال که شمایید نمی گذارد، تا پلید را از پاک جدا کند، خدا را از غیب مطلع نمی کند ولی از فرستادگان خویش هر که را خواهد برمی گزیند و اگر ایمان بیاورید و پرهیز گاری کنید پاداشی بزرگ دارید۱۷۹ کسانی که درباره نعمت های خدا که از کرم خویش به ایشان داده بخل می کنند. مپندارند که بخل کردن برای ایشان مایه خیری است بلکه بخل برای ایشان مایه شریست، روز قیامت مایه بخلشان طوق گردنشان می شود، میراث آسمانها و زمین از خداست و خدا از اعمالی که می کنید آگاهست۱۸۰ خدا گفتار آن کسان را که گویند خدا فقیر است و ما توانگرانیم بشنید. گفتارشان را، با قتل به ناحق پیغمبران ثبت کنیم و گوییم عذاب سوزان را بچشید۱۸۱ این برای کارهایست که دستهای شما از پیش کرده و خدا به بندگان ستمگر نیست۱۸۲ کسانی که گویند خدا به ما سپرده به هیچ پیغمبری ایمان نیاریم تا قربانی ای برای ما بیارد که آتش آن را بخورد، بگو: پیش از من پیغمبرانی با معجزه ها و آنچه گفتید سوی شما آمدند. اگر راست می گویید، چرا آنها را بکشتید!

۱۸۳ اگر تو را تکذیب می کنند، پیش از تو پیغمبرانی که با معجزه ها و زبورها و کتابهای روشنی بخش آمده
بودند، تکذیب شده اند۱۸٤ همه کس چشنده مرگ است و روز قیامت پاداش های شما را تمام می دهند، هر
که را از جهنم دور و به بهشت درون کنند، کامیاب شده و زندگی این جهان به جز مایه فریب نیست۱۸۵ در
مالها و جانهای خویش بلیه ها می بینند و از کسانی که پیش از شما کتابشان داده اند و از کسانی که شرک
ورزیده- اند، ناهنجار بسیار می شنوید، اگر صبوری کنید و پرهیزکار باشید صبر و پرهیز از کارهای پسندیده
است۱۸٦ و چون خدا از آنها که کتابشان داده اند پیمان گرفت که کتاب خدا را برای مردم بیان کنید و آن را
نهان مکنید آنگاه پیمان را پشت سر انداختند و آن را به بهایی اندک فروختند و چیزی که می خرند چه بد
است۱۸۷ مپندار آن کسان که به اعمال خویش شادمانی می کنند، دوست دارند برای کارهایی که نکرده اند
ستوده شوند، مپندارشان که در مقام نجات از عذاب باشند که عذابی الم انگیز است۱۸۸ ملک آسمانها و زمین
از خداست و خدا به همه چیز تواناست ۱۸۹ در خلقت آسمانها و زمین و تفاوت شب و روز برای صاحبان
خرد، عبرت هاست۱۹۰ کسانی که خدا را ایستاده و نشسته و به پهلو خفته یاد می کنند و در خلقت آسمانها و
زمین بیندیشند [و گویند] پروردگارا! این را بیهوده نیافریده ای، پاکی تو راست، ما را از عذاب جهنم
نگهدار ۱۹۱ پروردگارا، هر که را به جهنم درون کنی وی را زبون کرده ای و ستمگران یارانی ندارند۱۹۲
پروردگارا! ما ندا زنی را شنیدیم که به ایمان ندا می زد که به پروردگار خویش ایمان بیارید! ما نیز ایمان
آوردیم. پروردگارا گناهان ما را بیامرز و بدی هایمان را پوشیده دار و ما را با نیکان بمیران۱۹۳ پروردگارا
چیزی را که وسیله فرستادگان خویش به ما وعده داده ای به ما عطا کن و روز رستاخیز رسوایمان مکن که
تو خلف وعده نمی کنی۱۹٤ پروردگارشان اجابتشان کرد که من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را، مرد یا
زن تباه نمی کنم. بعض شما از بعض دیگرید، کسانی که مهاجرت کرده و از دیار خویش اخراج شده و در
راه من آزار دیده و کارزار کرده و کشته شده اند، گناهشان را می پوشانم و به بهشت ها درونشان می کنم که
جوی ها در آن روانست، پاداشی از جانب خداست۱۹۵ کسانی که کافرند رفت و آمدشان در شهرها تو را
فریب ندهد۱۹٦ تمتعی اندکست آنگاه جایشان جهنم است که بد جایگاه هیست۱۹۷ ولی آنها که از پروردگارشان
ترسان بوده اند بهشت ها دارند که در آن جوی ها روان است پذیرایی ای از جانب خداست و آن چیزها که
برای نیکان نزد خدا هست بهتر است۱۹۸ از جمله اهل کتاب کسانند که به خدا و آنچه به شما نازل شده و
آنچه به ایشان نازل شده ایمان دارند و از خدا ترسانند و آیه های خدا را به بهای اندک نمی فروشند آنها،
اجرشان پیش پروردگارشان است که خدا تند حساب است ۱۹۹ شما که ایمان دارید ! صبوری کنید و ثبات
ورزید و آماده باشید و از خدا بترسید شاید رستگار شوید. ۲۰۰

سوره نسآء ٤

سوره زنان، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

ای مردمان از پروردگارتان که شما را از یک تن آفرید و همسر او را از او آفرید و از آنها مردان بسیار و زنان پدید کرد. بترسید از خدایی که به نام وی از همدیگر تقاضا می کنید، و از [بریدن] خویشاوندیها بترسید که خدا مراقب شماست۱ اموال یتیمان را بدهیدشان و بد را با خوب عوض مکنید و اموال آنها را با اموال خودتان مخورید که این گناهی بزرگ است۲ اگر بیم دارید که عدالت نکنید فقط یک زن یا کنیزی که مالک آنید، این مناسب تر است که ستم نکنید۳ کابین زنان را به رغبت بدهید.اگر چیزی از آن را به رضای خاطر به شما واگذاشتند، شیرین و گوارا بخورید٤ اموالتان را که خدا قوام کار شما کرده به کم خردان مدهید، از آن روزیشان دهید و بپوشانیدشان و با آنها سخنی پسندیده گویید٥، یتیمان را بیازمایید و چون به سن نکاح رسیدند اگر از آنها رشدی بدیدید اموالشان را به آنها رد کنید و آن را به افراط از آن زودتر که بزرگ شوند مخورید هر که توانگر باشد خودداری کند و هر که فقیر باشد به شایستگی خورد. و چون اموالشان را به ایشان دادند بر آنها گواه گیرید و خدا برای حسابگری کافیست٦ مردان را از آنچه پدر و مادر و خویشان واگذاشته اند، بهره ای هست. و زنان را نیز از آنچه پدر و مادر و خویشان از خواسته کم یا زیاد واگذاشته اند بهره ای هست، بهره ای مقرر۷ و چون خویشان و یتیمان و تنگدستان بر تقسیم حضور یافتند از آن روزیشان دهید و با آنها سخنی شایسته گویید۸ آن کسان اگر فرزندانی ناتوان از پی خویش واگذارند بر آنها بیمناکند، از خدا بترسند و سخنی درست گویند۹ آن کسان که اموال یتیمان به ستم می خورند، فقط آتشی در شکمهای خویش فرو میبرند و به آتشی افروخته درون خواهند شد۱۰ خدا شما را درباره فرزندانتان سفارش می کند، پسر را بهره مانند دو دختر است و اگر دختر باشند و بیش از دو تن دو سه یک آنچه وانهاده از آنهاست و اگر یک دختر باشد نیمی از اوست.اگر مرده را فرزندی باشد، پدر و مادر هر کدام شش یک دارند و اگر او را فرزندی نباشد و [فقط] پدر و مادر از او ارث می برند، سه یک از مادر اوست اگر او را برادری هست شش یک از مادر اوست پس از[انجام] وصیتی که کرده یا [پرداخت] وامی که داشته. شما چه دانید که پدرانتان یا پسرانتان کدامشان برای شما سودمندترند. مقرر جانب خداست و خدا دانا و فرزانه است۱۱ نصف آنچه زنان شما وانهاده- اند، اگر فرزندی ندارند، از شماست و اگر فرزندی دارند چهار یک آنچه واگذاشته اند از شماست،

پس از[انجام] وصیتی که می کنند یا [پرداخت] وامی که دارند، و چهار یک آنچه شما وا میگذارید، اگر فرزندی ندارید، بهره زنان است و اگر فرزندی دارید هشت یک آنچه وامی گذارید از آنهاست، پس از[انجام] وصیتی که می کنید یا [پرداخت] وامی که دارید. اگر مردی یا زنی از بالا و زیر وارثی ندارد، و برادری یا خواهری دارد، شش یک خاص هر یک از آنهاست و اگر بیش از این باشند همه در سه یک شریکند، پس از [انجام] وصیتی که بدون زیان رسانیدن می کند یا [پرداخت] وامی که دارد. سفارش خداست و خدا دانا و بردبار است۱۲ این حدود خداست و هر که خدا و پیغمبر را فرمان برد او را به بهشت ها درآرد که در آن جوی ها روانست و جاودانه در آن باشند و کامیابی بزرگ اینست۱۳ و هر که نافرمانی خدا و پیغمبر وی کند و از حدود خدا تجاوز کند او را به آتشی درآرد که در آن جاودان باشد و عذابی خفت انگیز دارد١٤ آن کسان از زنان شما که کار بد می کنند، چهار گواه از خودتان بر آنها بجویید اگر گواهی دادند در خانه ها بازشان دارید تا مرگشان برسد، یا خدا راهی برای آنها پدید آرد ۱۵ و آن دو تن از شما که کار بد می کنند آزارشان کنید.اگر توبه کردند و به صلاح آمدند دست از آنها بردارید که خدا بخشنده و رحیم است١٦ بازگشت به سوی خدا فقط برای کسانی است که بد از روی نادانی می کنند و سپس به زودی توبه می کنند اینان خدا می بخشدشان که خدا دانا و فرزانه است۱۷ بازگشت برای آنها نیست که بدی همی کنند تا چون مرگ یکیشان در رسد، گوید اینک توبه می کنم و نه آنها که میمیرند و کافرند اینان عذابی الم انگیز برای ایشان آماده کرده ایم۱۸ شما که ایمان دارید ! برای شما روا نیست که زنان را با اکراه به ارث برید بر آنها سخت مگیرید که پاره ای از آنچه به ایشان داده اید ببرید، مگر آنکه کار بدی محقق کند. با زنان به شایستگی زندگی کنید، اگر از آنها به کراهت درید باشد که چیزی را مکروه دارید و خدا در آن، خوبی بسیار نهاده باشد ۱۹ اگر خواستید زنی را با زنی دیگر عوض کنید و یکی شان را مال بسیار داده اید، از او چیزی مگیرید. چگونه به ستم و گناه آشکارا می گیرید ۲۰ چگونه آن را می گیرید در صورتی که شما به یکدیگر رسیده اید و زنان از شما پیمانی استوار گرفته اند ۲۱ زنانی را که پدران شما گرفته اند مگیرید مگر آنچه گذشته که این کاری زشت و نفرت انگیز و و طریقه بدی است۲۲ [اینها] بر شما حرام است: مادران و دختران و خواهران وعمگان و خالگان و برادرزادگان و خواهرزادگانتان و مادرانی که شیرتان داده اند و خواهران و عمگان و خالگان و برادرزادگان و خواهرزادگانتان و مادرانی که شیرتان داده اند و خواهران شیری شما و مادرزنانتان و پرورش یافتگان شما که در کنارتان هستند، از زنانی که بر آنها درآمده اید«و اگر بر آنها در نیامده اید گناهی بر شما نیست» و زنان پسرانی که از پشت شما هستند و جمع کردن میان دو خواهر مگر آنچه گذشته که خدا آمرزگار و رحیم است۲۳ و زنان شوهردار مگر زنی که مالک آن شده اید. نوشته خدا درباره شما است و جز اینها برای شما حلال است که با صرف اموال خویش [زنی] بجویید که عفیف باشد نه زناکار. هر کس از زنان که از او

برخوردار شده اید، مهر مقررشان را بدهید. شما را در آنچه پس از مهر مقرر بر آن توافق کنید گناهی نیست که خدا دانا و فرزانه است٢٤ و هر کس از شما که از جهت مکنت نتواند زنان عفیف مؤمن به نکاح آرد از آنچه مالک آن شده اید از کنیزان مؤمنتان گیرد خدا به ایمان شما داناتر است همه از یکدیگرید آنها را به اذن کسانشان به زنی گیرید و مهرشان را به شایستگی بدهید، که عفیفان باشند نه زناکار و رفیق گیر. و چون شوهردار شدند اگر کار بدی کردند، مجازاتشان نصف زنان آزاد است.این برای آن کس از شماست، که از زحمت بیم دارد و اگر صبر کنید برای شما بهتر است که خدا آمرزگار و رحیم است٢٥ خدا می خواهد روشهای کسانی را که پیش از شما بوده اند، برایتان بیان کند و بدان هدایتتان کند و شما را ببخشد و خدا دانا و فرزانه است٢٦ خدا می خواهد شما را ببخشد و کسانی که هوسها را پیروی می کنند می خواهند بلغزید لغزشی بزرگ٢٧ خدا می خواهد به شما سبک گیرد که انسان را ناتوان آفریده اند٢٨ شما که ایمان دارید! اموالتان را ما بین خودتان به ناحق مخورید. مگر معامله ای به تراضی شما باشد، خودتان را نکشید که خدا با شما رحیم است٢٩ هر که از روی تعدی و ستم چنین کند، بزودی او را به آتشی درون می کنیم و این برای خدا آسان است٣٠ اگر از گناهان بزرگی که از آن منع شده اید کناره کنید، گناهان [کوچک] شما را محو میکنیم و شما را به جایگاهی گرامی داخل می کنیم٣١ آن چیزها را که خدا شما را به وسیله آن بر یکدیگر برتری داده ، آرزو مکنید، مردان را از آنچه کرده اند بهره ای هست و زنان را نیز از آنچه کرده اند بهره ای هست، خدا را از کرم وی مسئلت کنید که خدا به همه چیز داناست٣٢ همه را در ترکه پدران و مادران و خویشان، بستگانی قرار داده ایم، کسانی که با هم دست داده اید بهره آنها را بدهید که خدا بر همه چیز گواه است٣٣ مردان، کار اندیش زنانند برای آنکه خدا بعضی کسان را بر بعض دیگر برتری داده و برای آنکه از مالهای خویش خرج کرده اند. زنان شایسته، فرمانبرند و حفظ غیب کن به حفاظ خدا. زنانی که از نافرمانیشان بیم دارید، پندشان دهید و در خوابگاهها از آنها جدایی کنید و بزنیدشان و اگر فرمانبر شدند بر آنها بهانه مجویید که خدا والا و بزرگ است٣٤ اگر میان آنها اختلافی دیدید، داوری از کسان مرد و داوری از کسان زن برانگیزند، اگر خواهان صلح باشند خدا میانشان وفاق آرد که خدا دانا و آگاه است٣٥ خدا را بپرستید و چیزی را با او انباز مکنید، با پدر و مادر و خویشان و یتیمان و تنگدستان و همسایه نزدیک و همسایه دور و یار نزدیک و به راه مانده و آنچه مالک آن شده اید، نکویی باید که خدا هر که را گردنکش و خودپسند باشد دوست ندارد٣٦ همان کسان که بخل کنند و مردم را به بخل وادارند، و آنچه را خدا از کرم خویش به آنها داده نهان کنند که برای کافران [نعمت] عذابی خفت انگیز آماده کرده ایم٣٧ همان کسان که اموال خویش بر پای مردم انفاق کنند و به خدا و روز جزا ایمان ندارند، و هر که شیطان همدم او باشد همدم بدی است٣٨ چه می شد، اگر به خدا و روز جزا ایمان آورده و از آنچه خدا روزیشان داده انفاق می کردند و خدا به کارشان دانا

بود۳۹ خدا هم وزن ذره ای ستم نمی کند، اگر نیکی ای باشد آن را افزون می کند و از جانب خویش پاداشی بزرگ می دهد٤٠ چگونه باشد آن زمان که از هر امتی گواهی بیاریم و تو را بر این گروه گواه گیریم٤١ در آن روز کسانی که کفر ورزیده و این پیغمبر را نافرمانی کرده اند آرزو دارند با زمین یکسان شوند، و سخنی را از خدا پوشیده نمی دارند٤٢ شما که ایمان دارید! در آن حال که مستید، نزدیک نماز مشوید«تا بدانید چه میگویید» و نه وقتیکه ناپاکید، مگر راهسپر باشید تا غسل کنید، و اگر بیمار یا به سفر بودید، یا یکی از شما از نهانگاه آمده، یا به زنان دست زده اید، به خاکی پاک تیمم کنید و روها و دستهای خویش را مسح کنید که خدا بخشش گر و آمرزگار است٤٣ مگر آن کسان را که از کتاب آسمانی بهره ای به ایشان داده اند، نمی بینی، که گمراهی را خریداری کنند و خواهند که شما نیز راه گم کنید٤٤ خدا به کار دشمنان داناتر است و خدا برای دوست داری کافیست و خدا برای یاوری کافیست٤٥ بعضی از آنها که یهودیند کلمه ها را از معانی آن بگردانند و گویند: شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو که شنیده نشوی و راعنا [یعنی رعایتمان کن که راعینا یعنی چوپان ما می گفتند] زبانهای خویش بپیچانند و به این دین طعنه زنند، اگر آنها می گفتند: شنیدیم و فرمان بردیم و بشنو و ما را بنگر، برایشان بهتر و درست تر بود. ولی خدا به سبب کفرشان لعنتشان کرده و جز اندکی ایمان نمی- آرند٤٦ شما که کتابتان داده اند! به آنچه نازل کرده ایم و مصدق تورات شماست بگروید از آن پیش که بزرگانی را از میان ببریم و کارشان را وارونه کنیم، یا لعنتشان کنیم چنانکه شنبه ئیان را لعنت کردیم و اراده خدا شدنیست٤٧ محققاً خدا نمی بخشد که بدو شرک آورند و جز این هر که را بخواهد ببخشد و هر کس به خدا شرک آورد گناهی بزرگ ساخته است٤٨ مگر آن کسان را نمی بینی که خویشتن را به پاک خویی یاد کنند [بیهوده] بلکه خدا هر که را خواهد به پاک خویی یاد کند و به قدر نخ هسته خرمایی ستم نمی بینند٤٩ بنگر چگونه درباره خدا دروغ می سازند! و همین بس گناهی آشکار است. ٥٠ « مگر آن کسان را که از کتاب آسمانی بهره ای به ایشان داده اند نمی بینی که به بت و طغیانگر گروند، و درباره کافران گویند: این گروه، از مؤمنان هدایت یافته ترند٥١ اینان همان کسانند که خدا لعنتشان کرده و هر که را خدا لعنت کند هرگز یاوری برای او نخواهی یافت٥٢ مگر آنها را از این ملک بهره ای هست که در آن صورت پوسته هسته خرمایی به مردم ندهند٥٣ و یا به مردم نسبت به آنچه خدا از کرم خویش به ایشان داده حسد می برند؟ حقا که ما خاندان ابراهیم را کتاب و حکمت دادیم و به آنها ملکی عظیم دادیم٥٤ کسانی بودند که به آن گرویدند و کسانی بودند که از آن روی گردانیدند و جهنم [آنها را] بس افروخته آتشی است٥٥ کسانی که آیه های ما را انکار کرده اند، به زودی به آتشی درونشان کنیم که هر وقت پوست هایشان بسوزد به عوض، پوست هایی غیر از آنشان دهیم تا عذاب را کامل بچشند، که خدا نیرومند و فرزانه است٥٦ و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند به بهشت ها درونشان خواهیم برد که در آن جوی ها روانست، در آنجا همسران

پاکیزه دارند و آنها را به سایه همیشگی می بریم۵۷ خدا به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش پس دهید، و چون میان مردم حکم کردید به عدالت حکم کنید. چه نیک است این چیزها که خدا شما را بدان پند می دهد، که خدا شنوا و داناست۵۸ شما که ایمان دارید! خدا را فرمان برید و پیغمبر و کارداران خویش را فرمان برید، و چون در چیزی اختلاف کردید اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید، آن را به خدا و پیغمبر ارجاع کنید که این بهتر و سرانجام آن خوبتر است۵۹ مگر آن کسان را که گمان دارند به کتاب تو و کتابهای سلف ایمان آورده اند نمی- بینی که خواهند محاکمه به طغیان گر برند در صورتیکه فرمان یافته بودند بدو کافر شوند، شیطان می خواهد بظلالشان افکند، ضلالی دور۶۰ و چون گویندشان: به سوی حکمی که خدا نازل کرده و به سوی پیغمبر آیید، منافقان را بینی که از تو به سختی روی بگردانند۶۱ پس چرا وقتی به سبب کارهایی که از پیش کرده اند، مصیبتی به آنها رسد، پیش تو آمده به خدا قسم می خورند که ما جز نیکی و توافق نمی خواستیم۶۲ اینان همان کسانند که خدا می داند در دلهایشان چیست؟ از آنها در گذر و پندشان ده و با آنها درباره ضمیرهایشان سخنی رسا بگوی۶۳ هیچ پیغمبری نفرستادیم مگر که به اذن خدا فرمانش برند، اگر آنها دمی که به خویش ستم کردند پیش تو آمده و از خدا آمرزش خواسته بودند و پیغمبر برایشان آمرزش خواسته بود، خدا را توبه پذیر و رحیم می یافتند۶۴ نه، به پروردگارت قسم! ایمان ندارند تا تو را در اختلافات خویش حاکم کنند، سپس در دلهای خویش از آنچه حکم کرده ای، ملالی نیابند و بی چون و چرا، گردن نهند۶۵ اگر بر آنها مقرر داشته بودیم که خودتان را بکشید یا از دیار خویش بیرون شوید، جز اندکیشان چنین نمی کردند، اگر آن چیزها را که بدان پندشان می دهند انجام می دادند، برای آنها بهتر و استوار تر بود۶۶ آن وقت از جانب خویش پاداشی بزرگ به آنها می دادیم۶۷ و به راهی راست هدایتشان می کردیم ۶۸ آنان خدا و این پیغمبر را اطاعت کنند همدم آن کسانند که خدا موهبتشان داده، از پیغمبران و راستی پیشگان و جانبازان و ستودگان و آنان نیکو رفیقانند۶۹ این تفضل از جانب خداست و دانایی خدا بس است۷۰ شما که ایمان دارید احتیاط خویش بدارید [برای کارزار] گروه گروه بدر شوید یا همگی بدر شوید۷۱ از جمله شما کسی هست که کندی همی کند و اگر شما را حادثه- ای رسد گوید خدا به من کرم کرد که با آنها حاضر نبودم۷۲ و اگر شما را از خدا فزونی ای رسد. همی گوید، گویی میان شما و او دوستی نبوده، ای کاش که با آنها می بودم تا کامیاب می شدم کامیابی ای بزرگ۷۳ آنها که زندگی دنیا را به آخرت می فروشند، باید در راه خدا پیکار کنند! و هر که در راه خدا پیکار کند و کشته شود یا غلبه یابد، وی را پاداشی بزرگ خواهیم داد۷۴ چرا در راه خدا و آن بیچارگان از مردان و زنان و کودکان که گویند پروردگارا ما را از این دهکده ستمگران، بیرون بر، و برای ما از نزد خویش دوستی بیار و برای ما از نزد خویش یاوری بیار، کارزار نمی کنید؟۷۵ کسانی که ایمان دارند در راه خدا پیکار می کنند و کسانی که کافر شده اند در راه طغیانگر پیکار می کنند، با دوستان

شیطان پیکار کنید که نیرنگ شیطان، ضعیف است٧٦ مگر آن کسان را ندیدی که گفته بودندشان دستهای خویش [از زد و خورد] باز دارید و نماز کنید و زکات دهید و هنگامی که پیکار بر آنها مقرر شد یکباره گروهی از ایشان از مردم بترسیدند چون ترس خدا یا ترسی بیشتر و گفتند پروردگارا: برای چه پیکار را بر ما مقرر کردی؟ چرا ما را تا مدتی نزدیک مهلت ندادی! بگو کالای دنیا اندکیست و آخرت برای کسی که پرهیزکار باشد بهتر است و به قدر نخک هسته خرمایی ستم نخواهید دید٧٧ هر کجا باشید، مرگ می یابدتان و گرچه در بناهای استوار شده باشید، اگر خوبی ای رسدشان گویند: این از جانب خداست و اگر بدی ای رسدشان گویند: این از جانب تو است، بگو همه چیز از جانب خداست.این گروه را چه رسیده که در معرض فهم سخنی نیستنند٧٨ [ای انسان] هر خوبی ای به تو رسد از خداست و هر بدی ای به تو رسد، از خود توست، و ما تو را [ای محمد] به پیمبری مردم فرستاده ایم و گواه بودن خدا بس است٧٩ هر که این پیغمبر را فرمان برد خدا را فرمان برده است و هر که پشت کند، ما تو را به نگهبانی آنها نفرستاده ایم٨٠ گویند اطاعت و چون از پیش تو روند، گروهی از آنها جز آنچه [در حضور تو] گویند همی پردازند، خدا آنچه را می پردازند ثبت می کند، از آنها روی بگردان و به خدا توکل کن که تکیه گاه بودن خدا بس است٨١ چرا در این قرآن تفکر نمی کنند که اگر از جانب غیر خدا بود اختلاف فراوان در آن می یافتند٨٢ و چون خبری از امن و بیم به آنها رسد انتشارش دهند اگر آن را به پیغمبر و کارداران خویش رجوع می کردند، کسانی که کیفیت آن می جویند، مطلب را از آنها فرا می گرفتند، اگر کرم خدا و رحمت وی شامل شما نبود جز اندکی، شیطان را پیروی می کردید٨٣ در راه خدا پیکار کن، جز بر نفس خویش مکلف نیستی و مؤمنان را به پیکار ترغیب کن شاید خدا صلابت کافران را باز دارد، که صلابت خدا بزرگتر و عذاب وی سخت تر است٨٤ هر که وساطتی نیکو کند وی را از آن بهره ای باشد و هر که وساطتی بد کند، وی را از آن بهره ای باشد و خدا نگهدار همه چیز است٨٥ چون شما را درود گویند درودی بهتر از آن گویید یا همان را باز گویید که خدا حسابگر همه چیز است٨٦ خدای یکتا که خدایی جز او نیست، قطعاً روز قیامت که شک ندارد، شما را گرد می آورد و کیست که به گفتار از خدا راستگوتر است٨٧ چرا درباره منافقان که خدا به سبب اعمالی که کرده اند سرنگونشان کرده است دو گروه شده اید مگر می خواهید آن را که خدا گمراه کرده هدایت کنید! هر که را خدا گمراه کند راهی برای او نخواهی یافت٨٨ دوست دارند شما نیز کافر شوید، و یکسان باشید، از آنها دوست مگیرید تا در راه خدا مهاجرت کنند، اگر پشت بکردند هر کجا یافتیدشان بگیرید و بکشیدشان و از آنها دوست و یاور مگیرید٨٩ مگر آن کسان که به قومی پیوسته اند که میان شما و آنها پیمانی هست، یا پیش شما آمده اند و حوصله ایشان از پیکار شما یا پیکار با قومشان تنگ شده، اگر خدا می خواست بر شما تسلطشان می داد و با شما پیکار می کردند اگر از شما کناره گرفتند و با شما پیکار نکردند و اطاعت عرضه کردند، خدا برای

شما بر ضد آنها راهی نگذاشته است۹۰ و دیگران را خواهید یافت که خواهند شما را مطمئن کنند و قومشان را نیز مطمئن کنند و چون به فتنه کشانده شوند به سر در آن افتند، اگر از شما کناره نکردند و اطاعت عرضه نداشتند و دست باز نگرفتند، هر کجا یافتیدشان بگیرید و بکشیدشان که شما را بر آنها تسلطی آشکار داده ایم۹۱ برهیچ مؤمنی نسزد که جز به خطا مؤمنی را بکشد و هر که مؤمنی را به خطا بکشد، آزاد کردن بنده مؤمنی باید و خون بهایی که به کسان او تسلیم گردد، مگر آنکه ببخشند اگر[مقتول] از گروهیست که دشمن شماست و او مؤمن است آزاد کردن بنده مؤمن [بس] و اگر از گروهیست که که میان شما و آنها پیمانی هست خون بهایی که به کسان او تسلیم شود و آزاد کردن بنده مؤمنی باید و هر که نیابد روزه دو ماه پیاپی باید این بخشایشی از جانب خداست که خدا دانا و فرزانه است۹۲ و هر که مؤمنی را به عمد بکشد، سزای او جهنم است که جاودانه در آن باشد و خدا بر او غضب آرد و لعنتش کند و عذابی بزرگ برای او مهیا دارد۹۳ شما که ایمان دارید! چون در راه خدا زمین می سپرید به تحقیق پردازید به آن کس که سلام به شما عرضه میکند نگویید مؤمن نیستی که لوازم زندگی دنیا جویید که نزد خدا غنیمت های بسیار هست، شما نیز از این پیش چنین بودید و خدا بر شما منت نهاد، پس به تحقیق پردازید که خدا از آنچه می کنید آگاه هست۹٤ وانشستگان از مؤمنان یا معلول یا مجاهدان راه خدا به مالها و جانهای خویش یکسان نیستند خدا مجاهدان به مالها و جانهای خویش را به مرتبت بر وانشستگان برتری داده و همه را وعدهٔ نیکو داده و مجاهدان را بر وانشستگان، به پاداشی بزرگ فزونی بخشیده است۹٥ که مرتبت- ها و مغفرت و رحمت اوست، و خدا آمرزگار و رحیم است۹٦ کسانی که فرشتگان، در آن حال که ستمگر خویشند، جانشان بگیرند و گویند: چگونه بودید؟ گویند در زمین بیچارگان بودیم گویند: مگر زمین خدا فراخ نبود که در آن مهاجرت کنید؟ آنها جایشان جهنم است و چه بد سرانجامیست۹۷ مگر آن بیچارگان از زنان و مردان و کودکان که حیله ای نتوانند و راهی ندانند۹۸ آنها، شاید خدا ببخشدشان که خدا بخشنده و آمرزگار است۹۹ هر که در راه خدا مهاجرت کند، در زمین جولانگاه بسیار و گشایشی بیابد و هر که هجرت کنان به سوی خدا و پیغمبر از خانه خویش در آید، آنگاه مرگ وی فرا رسد، پاداش وی به عهده خدا شده، و خدا آمرزگار و رحیم است۱۰۰ و چون زمین می سپرید، اگر بیم دارید کسانی که کافرند، شما را به فتنه کشانند، گناهی ندارید که نماز را کوتاه کنید که کافران دشمن آشکار شمایند۱۰۱ و چون میان مؤمنان هستی، و برای آنها نماز به پا می کنی، گروهی از آنها با تو بایستند، و سلاح های خویش برگیرند، و چون سجده بکردند عقب دار شما شوند. و گروهی دیگر که نماز نکرده اند بیایند و با تو نماز کنند، و احتیاط خویش بدارند، و سلاح خویش برگیرند، کسانی که کافر شده اند، دوست دارند، که از سلاحها و کالاهای خویش غافل شوید و یکباره به شما حمله برند، اگر از باران زحمتی داشتید، یا بیمار بودید، گناهی ندارید که سلاحهای خویش بگذارید و احتیاط خویش بدارید، که خدا برای کافران عذابی خفت انگیز

مهیا کرده است۱۰۲ [چون نماز به سر بردید] خدا را ایستاده و نشسته و خفته، یاد کنید، و چون ایمن شدید نماز را تمام کنید که نماز بر مؤمنان به وقتها مقرر است۱۰۳ در تعاقب آن گروه سستی مکنید، اگر شما رنج می برید، آنها نیز رنج می برند چنان که شما رنج می برید ولی شما از خدا چیزی امید دارید که آنها ندارند، و خدا دانا و فرزانه است۱۰٤ ما این کتاب به حق به تو نازل کرده ایم که طبق آنچه خدا به تو تعلیم داده، میان مردم حکم کنی، پس طرف گیر خیانت کاران مباش۱۰۵ و از خدا آمرزش بخواه که خدا آمرزگار و رحیم است۱۰٦ و از آنها که به خویشتن خیانت می کنند دفاع مکن که خدا کسی را که خیانت گر و گنه پیشه باشد دوست ندارد۱۰۷ از مردم شرم کنند اما از خدا شرم نکنند در صورتی که خدا وقتی سخنی به خلاف رضای او می پردازند حاضر است و خدا به اعمالشان واقف است۱۰۸ اینک شما اشخاص در زندگی این دنیا از آنها دفاع می کنید، ولی روز قیامت کی از ایشان دفاع می کند و کی وکیلشان می شود۱۰۹ هر که بدی کند یا به خویش ستم کند آنگاه از خدا آمرزش بخواهد، خدا را آمرزگار و رحیم می یابد۱۱۰ هر که گناهی کند به ضرر خویش می کند که خدا دانا و فرزانه است۱۱۱ هر که خطا یا گناهی کند و آن را به گردن بی گناهی افکند، دروغی و گناهی آشکارا به گردن گرفته است۱۱۲ اگر کرم خدا و رحمت او شامل تو نبود، گروهی از آنها قصد داشتند، تو را از راه حق بگردانند، اما جز خودشان را گمراه نمی کنند و ضرری به تو نمی رسانند. خدا این کتاب و حکمت به تو نازل کرد و چیزها که ندانسته بودی به تو تعلیم داد و کرم خدا نسبت به تو بزرگ بود۱۱۳ در غالب آهسته گفتنشان چیزی نیست مگر آنکه به صدقه دادنی یا نکویی کردنی یا اصلاح میان مردم، فرمان دهد و هر که به صلب رضای خدا چنین کند، پاداشی بزرگ به او خواهیم داد۱۱٤ هر کس پس از آنکه حق بر او روشن شده مخالفت پیغمبر کند و جز به طریقه مؤمنان رود، وی را به آنچه دوست دارد واگذاریم و جهنم در آریم و چه بد سرانجامست۱۱۵ خدا نمی بخشد که به او شرک آورند و جز این هر که را بخواهد ببخشد و هر که به خدا شرک آورد به ضلال افتاده است، ضلالی دور۱۱٦ سوای خدا جز جماداتی بی اثر را نمی خوانند و جز شیطانی سرکش را نمی- خوانند ۱۱۷ که خدا لعنتش کرده و او گفته که از بندگان تو بهره ای معین خواهیم گرفت ۱۱۸ و گمراهشان می کنم و آرزومند شان می کنم و وادرشان می کنم تا گوش چهارپایان بشکافند و وادارشان می کنم تا خلقت خدا دگرگون کنند. و هر که سوای خدا، شیطان را به دوستی گیرد زیانی آشکارا کرده است۱۱۹ و عده شان می دهد و آرزومندشان می کند و شیطان جز فریب به ایشان وعده نمی دهد۱۲۰ اینان جایشان جهنم است و از آن گریز گاهی نمی یابند۱۲۱ و آن کسان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند به بهشت هایی درونشان خواهیم برد که در آن جوی ها روانست و همیشه در آن جاوید باشند وعده خداست و کیست که گفته او از خدا راست تر است۱۲۲ نه به آرزوهای شماست و نه به آرزوهای اهل کتاب هر که گناهی کند بدان سزا داده شود و سوای خدا، برای او یار و یاوری یافت

نشود۱۲۳ و هر کس از زن و مرد، کارهای شایسته کند و مؤمن باشد آنها به بهشت درون شوند و به قدر پوسته هسته خرمایی ستم نبینند۱۲٤ کیست که دین وی از آنکه به جان مطیع خدا شده و نیکوکار است و آیین معتدل ابراهیم را پیروی کرده خوبتر است که خدا ابراهیم را به دوستی گرفته است۱۲۵ آنچه در آسمانها و زمین هست از خداست و خدا به همه چیز احاطه دارد۱۲٦ درباره زنان از تو فتوی می خواهند، بگو خدا و آیه های قرآن که به شما قرائت می شود درباره آنها و زنان یتیم که حقشان را نمی دهید و می خواهید به نکاحشان در آرید و کودکانی که بیچاره اند به شما فتوی می دهد که با یتیمان به انصاف رفتار کنید و هر چه نیکی کنید خدا از آن واقف است۱۲۷ و اگر زنی از بی میلی یا سرگرانی شوهر خویش بیم دارد، رواست که میان خویش سازشی کنند و سازش کردن خوب است، و تنگ چشمی در نهاد جان هاست، اگر نکویی کنید و پرهیزکار باشید خدا از اعمالی که می کنید خبردار است۱۲۸ هرگز نتوانید میان زنان عدالت کنید و گرچه به شدت بخواهید پس جور بی نهایت مکنید که او را بلاتکلیف واگذارید. اگر اصلاح کنید و پرهیزکاری کنید خدا را آمرزگار و رحیم است۱۲۹ و اگر جدا شوند خدا همه را از گشایش خویش بی نیاز کند که خدا وسعت بخش و داناست۱۳۰ آنچه در آسمانها و زمین هست از خداست. به آنها که پیش از شما کتابشان داده اند، و به شما سفارش کرده ایم که از خدا بپرهیزید و اگر کافر شوید هر چه در آسمانها و زمین هست از خداست و خدا بی نیاز و ستوده است۱۳۱ هر چه در آسمانها و زمین هست از خداست و خدا برای تکیه گاه بودن بس است۱۳۲ اگر خواهد شما را ببرد و دیگران را بیارد که خدا به این کار تواناست۱۳۳ هر که پاداش دنیا خواهد، پاداش دنیا و آخرت نزد خداست و خدا شنوا و بیناست۱۳٤ شما که ایمان دارید! به انصاف رفتار کنید و برای خدا گواهی دهید و گرچه به ضرر خودتان یا پدر و مادر و خویشان، توانگر یا فقیر باشد. خدا به رعایت آنها شایسته تر است پیرو هوس مشوید که از عدالت بازمانید اگر رخ بتابید یا رو برگردانید خدا از اعمالی که می کنید آگاه است۱۳۵ شما که ایمان دارید! به خدا و فرستاده او و این کتاب که به فرستاده خویش نازل کرده و آن کتاب که از پیش نازل کرده، بگروید و هر که خدا و فرشتگان و کتابها و فرستادگان او و روز جزا را منکر شود، در ضلال افتاده است ضلالی دور۱۳٦ آنها که مؤمن شده و باز کافر شده اند آنگاه مؤمن شده و باز کافر شده اند، آنگاه کفرشان فزون شده خدا معرض آن نیست که بیامرزدشان و یا به راهی هدایتشان کند۱۳۷ منافقان را نوید بده که عذابی الم انگیز دارند۱۳۸ آنها که سوای مؤمنان منافقان را به دوستی می گیرند مگر نزد آنها عزتی می جویند! که عزت یکسره خاص خداست ۱۳۹ و در کتاب خدا بر شما نازل شده که چون بشنوید، آیه های خدا را منکر می شوند و مسخره میکنند با آنها منشینید تا سخن دیگر آغاز کنند و گرنه شما نیز مثل آنهایید. که خدا منافقان و کافران را یکسره در جهنم فراهم می کند۱٤۰ همان کسان که در کار شما منتظر می مانند، اگر شما را از خدا نصرتی بود گویند: مگر ما با شما نبودیم! و اگر کافران را

نصیبی بود گویند: مگر مراقب شما نبودیم و از مؤمنان محفوظشان نداشتیم! خدا روز قیامت میان شما حکم می کند و خدا هرگز برای کافران بر ضد مؤمنان راهی قرار نمی دهد١٤١ منافقان خدا را فریب می دهند و خدا [سزای] فریب دهنده آنهاست و چون به نماز خیزند به ملالت خیزند، با مردم ریا کنند و خدا را جز اندکی یاد نکنند١٤٢ میان دو گروه سر گردانند نه با آن گروهند نه با این گروه و هر که خدا گمراهش کند برای او راهی نمی یابی١٤٣ شما که ایمان دارید! سوای مؤمنان کافران را به دوستی مگیرید مگر خواهید برای خدا بر ضد خودتان دلیلی روشن، پدید آرید١٤٤ منافقان در طبقه زیرین جهنمند و هرگز برای آنان یاوری نخواهی یافت١٤٥ مگر آنها که توبه کرده و به اصلاح گراییده و به خدا متوسل شده و دین خویش برای خدا خالص کرده اند، آنها قرین مؤمنانند و خدا مؤمنان را پاداشی بزرگ خواهد داد١٤٦ اگر سپاس دارید و مومن باشید خدا را با عذاب شما چه کار! که خدا حق گذار و داناست١٤٧ خدا، آشکارکردن گفتار بد را دوست ندارد مگر از آنکه ستم دیده است و خدا شنوا و داناست١٤٨ اگر نیکی ای را عیان کنید یا آن را نهان کنید یا از بدی در گذرید، خدا نیز بخشنده و تواناست١٤٩ کسانی که به خدا و پیغمبرانش کافر شوند و خواهند میان خدا و پیغمبرانش جدایی افکنند و گویند به بعضی بگرویم و به بعضی کافر شویم و خواهند در این میانه راهی بگیرند١٥٠ آنها خودشان به راستی کافرند و برای کافران عذابی خفت انگیز مهیا کرده ایم١٥١ و کسانی که به خدا و پیغمبران وی ایمان آورده اند و میان هیچیک از آنها فرق نکرده اند پاداش آنها را خواهیم داد که خدا آمرزگار و رحیم است١٥٢ اهل کتاب از تو خواهند از آسمان نوشته ای بر آنها نازل کنی از موسی بزرگتر از این خواستند گفتند: خدا را آشکار به ما بنما و به سزای ستم کردنشان به صاعقه دچار شدند سپس با وجود آن معجزه ها که به سوی ایشان آمده بود، گوساله پرستیدند که از آن در گذشتیم و موسی را حجتی آشکار داریم١٥٣ و به اقتضای پیمانشان کوه طور را بالای آنها بردیم و گفتیمشان از این در سجده کنان درون شوید و گفتیمشان به شنبه تجاوز مکنید و از آنها پیمانی سخت گرفتیم١٥٤ [و ملعون شدند] به سزای پیمان خویش شکستن، و به آیه های خدا کافر شدن و پیغمبران را به ناحق کشتن و این سخن که دلهای ما فهم نتواند کردن [چنین نیست] بلکه خدا به سزای کفرشان بر آن مهر نهاده و جز اندکی ایمان نمی آرند١٥٥ و [به سزای] کافر شدن و درباره مریم دروغی آشکار گفتن١٥٦ و این سخن گفتن که ما مسیح عیسی پسر مریم را کشته ایم، اما نه او را بکشتند و نه بر دار کردند ولی بر آنها مشتبه شد، آنها که درباره وی اختلاف کرده اند در کشتن او به شک اندرند و در این باب علمی، جز پیروی گمان ندارند، و به یقین او را نکشته اند١٥٧ بلکه خدا، وی را به سوی خویش بالا برده و خدا نیرومند و فرزانه است١٥٨ هیچکس از اهل کتاب نیست مگر آنکه پیش از مرگ خویش به عیسی خواهد گروید و روز قیامت بر آنها گواه خواهد بود١٥٩ کسانی که یهودیند چیزهای پاکیزه ای را که برایشان حلال شده بود، حرامشان کردیم، به سزای ظلم کردن و از راه خدا بسیار باز

داشتن۱٦۰ و ربا گرفتن که از آن ممنوع شده بودند، و اموال مردم را به ناحق خوردن و برای کافران یهود عذابی الم انگیز آماده کرده ایم۱٦۱ لکن دانشوران و مؤمنانشان که به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند و نمازگزاران و زکات دهان و مؤمنان به خدا و روز جزا، آنها را پاداشی بزرگ خواهیم داد ۱٦۲ ما به تو وحی کردیم چنانکه به نوح و پیغمبران پس از او وحی کردیم و به ابراهیم و اسمعیل و یعقوب و اخلاف و عیسی و ایوب و یونس و هرون و سلیمان [نیز] وحی کردیم و داود را زبور دادیم ۱٦۳ و پیغمبرانی که حکایتشان از پیش، با تو گفته ایم و پیغمبرانی که حکایتشان با تو نگفته ایم و خدا با موسی سخن گفت، چه گفتنی ۱٦٤ پیغمبرانی[بودند] نوید آور و بیم رسان، تا مردم را پس از این پیغمبران، بر ضد خدا دستاویزی نباشد و خدا نیرومند و فرزانه است۱٦٥ ولی خدا به آن چیزها که به تو نازل کرده گواهی می دهد، که به علم خویش نازل کرده است، و فرشتگان نیز گواهی می دهند و خدا برای گواه بودن بس است۱٦٦ آنها که کافر شده و از راه خدا منحرف شده اند، به ضلالت افتاده اند، ضلالتی دور۱٦۷ آنها که کافر شده و ستم کرده اند، خدا در معرض آن نیست که بیامرزدشان یا به راهی هدایتشان کند۱٦۸ مگر به راه جهنم که همیشه در آن جاودانند و این برای خدا آسانست۱٦۹ ای مردم! این پیغمبر، از پروردگارتان سوی شما آمده، ایمانی بیارید که مایه خیر شماست، و اگر کافر شوید آنچه در آسمانها و زمین هست از خداست، و خدا دانا و فرزانه است۱۷۰ ای اهل کتاب! در دین خویش گزاف گویی نکنید و درباره خدا جز حق مگویید. مسیح، عیسی پسر مریم، فقط فرستاده خدا و کلمه او بود که به مریم سپرد، و روحی از او بود، پس به خدا و پیغمبران وی بگروید و مگویید: سه چیزند. بس کنید که مایه خیر شماست. خدا [ی پرستیدنی] فقط خدای یگانه است که از فرزند داشتن منزه است و هر چه در آسمانها و زمین هست از اوست و خدا برای تکیه گاه بودن بس است۱۷۱ مسیح هرگز ابا نداشت که خدا را بنده ای باشد و فرشتگان مقرب نیز و هر که از بندگی وی را باور زد و گردن افرازد، همه را در پیشگاه خویش محشور خواهد کرد۱۷۲ اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، پاداششان تمام را دهد، و از کرده خویش بیافزایدشان. و اما کسانی که ابا ورزیده و گردن افرازی کرده اند، عذابشان کند، عذابی الم انگیز، و برای خودشان جز خدا و یاوری نمییابند. ۱۷۳ ای مردم! شما را از پروردگارتان برهانی آمده و نوری آشکار به شما نازل کرده ایم۱۷٤ اما کسانی که به خدا ایمان آورده و به او متوسل شده اند، آنها را به رحمت و کرم خویش درون خواهد برد و راهی راست به سوی خدا هدایتشان می کند۱۷٥ از تو فتوی می خواهند، بگو خدا شما را درباره مرده ای که از زیر و بالا وارثی ندارد، فتوی می دهد، اگر مردی که فرزندی ندارد بمیرد و خواهری دارد، نصف آنچه وانهاده از اوست، او نیز از خواهر خویش اگر فرزندی نداشته باشد ارث می برد، اگر دو خواهر بودند، دو سه یک از آنچه وانهاده از آنهاست،

اگر جمعی باشند، مردان و زنان مرد مانند بهره دو زن دارد، خدا برای شما بیان می کند که گمراه نشوید و خدا به همه چیز داناست. ۱۷٦

سوره مائده ٥

سوره مائده، در مدینه نازل شده است

بنام خدای رحمان رحیم

شما که ایمان دارید! به قراردادها وفا کنید، حیوانات چهارپا، جز آنچه بر شما خوانده می شود، برای شما حلال است. در حال احرام شکار را حلال مشمارید که خدا هر چه بخواهد حکم می کند۱ شما که ایمان دارید! مراسم خدا و ماه حرام و قربان و قربان قلاده دار و رهروان بیت الحرام را که از پروردگار خویش فزونی و رضایی می جویند، حرمت بدارید. و چون حرام به سر بردید شکار توانید کرد. دشمنی گروهی که شما را از مسجد الحرام بازداشتند، به تعدی کردن وادارتان نکند. به نیکی و پرهیزکاری همدستی کنید و به بدکاری و تجاوزگری، همدستی مکنید. از خدا بترسید که خدا سنگین مجازات است۲ [اینها] بر شما حرام شده: مردار و گوشت خوک و ذبحی که نام غیر خدا بر آن یاد شده و خفه شده و به کتک مرده و سقوط کرده و به ضرب شاخ مرده و نیم خورده درنده، جز آنچه ذبح کرده اید، و آنچه برای بتان ذبح شده و قسمت یابی به وسیله تیرها، که این عصیان ورزیدن است. اکنون، کسانی که کافر شده اند، از دین شما نومید گشتند. از آنها مترسید و از من بترسید. اکنون دینتان را برای شما به کمال آوردم و نعمت خویش بر شما تمام کردم و مسلمانی را دین شما انتخاب کردم، و هر که هنگام قحط ناچار باشد، بدون تمایل به گناه [وبخورد] خدا آمرزگار و رحیم است۳ از تو می پرسند، چه چیزها بر آنها حلال است؟ بگو چیزهای پاکیزه برای شما حلال است و حیواناتی را که تعلیم شکار داده اید و از آن چیزها که خدایتان به شما آموخته، به آنها آموخته اید از شکاری که میگیرند بخورید و نام خدا را یاد کنید و از خدا بترسید که خدا تند حساب است٤ اکنون چیزهای پاکیزه بر حلال شد طعام کسانی که کتاب دارند بر شما حلال است و طعام شما نیز بر آنها حلال است و زنان پارسای مؤمن و زنان پارسا از آنها که پیش از شما کتاب داشته اند٥ ، اگر مهرشان را به ایشان بدهید به پارسایی نه زناکاری و رفیق گیری [حلالند] و هر که ایمان را انکار کند اعمال وی باطل می شود و در آخرت از زیان کاران است. شما که ایمان دارید؛ چون به نماز برخواستید، روی ها و دستهای خویش را تا آرنج ها بشویید و سرها و پاهای خویش را تا قوزک مسح کنید. اگر جنب بودید غسل کنید، و اگر بیمار یا به سفر بودید، یا یکی از شما از نهانگاه آمده، یا به زنان دست زده اید و آب نیابید، به خاک پاکی تیمم کنید و روها و دستهای خویش را بدان مسح کنید. خدا نمی خواهد برای شما زحمتی پدید کند. ولی می خواهد، شما را پاک کند و نعمت خویش بر شما تمام کند، شاید سپاس دارید٦ نعمت دادن خدا را به خودتان با پیمان وی که شما را بدان متعهد

کرده است، بیاد آرید، آن دم که گفتید: شنیدیم و فرمانبر شدیم. از خدا بترسید که وی دانای مکنونات سینه هاست۷ شما که ایمان دارید، برای خدا قیام کنید و به انصاف گواهی دهید. دشمنی قومی وادارتان نکند که عدالت نکنید. عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک تر است و از خدا بترسید که خدا از اعمالی که می کنید خبر دارد۸ خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده [نیکو] داده که مغفرت و پاداشی بزرگ دارند۹ و کسانی که کافر شده و آیه های ما را دروغ شمرده اند، آنها اهل جهنمند۱۰ شما که ایمان دارید! نعمت دادن خدا را به خودتان یاد آرید، آن دم که گروهی می خواستند دستهای خویش، سوی شما بگشایند و دستهای ایشان را از شما باز داشت. از خدا بترسید، و مؤمنان باید به خدا توکل کنند۱۱ خدا از پسران اسرائیل پیمان گرفت و از آنها دوازده مراقب برانگیختیم، و خدا گفت من با شمایم، اگر نماز به پا داشتید و زکات دادید و به فرستادگان من گرویدید و تقویتشان کردید و خدا را وامی نیکو دادید گناهان شما را می پوشانم و در بهشت ها که جوی ها در آن روانست، داخلتان می کنم. و هر که پس از این کافر شود میان راه گم کرده است۱۲ و به سزای پیمان شکنیشان لعنتشان کردیم، و دلهایشان سخت کردیم کلمات را از معانی آن منحرف می کنند و از آنچه بدان پندشان داده اند، قسمتی را از یاد برده اند، پیوسته به خیانتی از ایشان مطلع می شوی، مگر اندکیشان آنها را ببخش و از ایشان درگذر که خدا نیکوکاران را دوست می دارد۱۳ و از کسانی که گویند: نصارائیم پیمان گرفتیم و از آنچه بدان پندشان داده اند، قسمتی را از یاد برده اند. میان آنها تا روز قیامت، دشمنی و کینه وری بجنباندیم، بزودی خدا از اعمالی که می کرده اند، خبرشان می دهد۱٤ ای اهل کتاب! فرستاده ما به سوی شما آمده که برای شما از کتابهای آسمانی، بسیاری چیزها را که نهان می کرده اید بیان می کند، و از بسیاری می گذرد به راستی که شما را از جانب خدا نور و کتابی روشن آمده است۱۵ که خدا بدان پیروان رضایت خویش را به طرق سلامت هدایت می کند و به اذن خویش از ظلمات به نورشان می- برد و به راهی راست راه برشان می شود۱٦ کسانی که گفتند خدا، عیسی مسیح پسر مریم است، کافر شده اند. بگو اگر خدا بخواهد مسیح پسر مریم و مادر او را با هر که در زمین هست یکسره نابود کند، کیست که در قبال وی اختیاری داشته باشد. ملک آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست خاص خداست، هر چه بخواهد می آفریند که خدا بر همه چیز تواناست۱۷ یهود و نصاری گویند: ما فرزندان خدا و دوستان اوئیم بگو: پس چرا، به گناهانتان عذابتان می کند [چنین نیست] بلکه شما نیز انسانهایی از مخلوقات اویید، هر که را خواهد بیامرزد و هر که را خواهد عذاب کند و ملک آسمانها و زمین خاص خداست و سرانجام به سوی اوست۱۸ ای اهل کتاب! فرستاده ما به دوران فترت پیغمبران به سوی شما آمده که [حق را] برای شما روشن می کند تا نگویید: نوید آور و بیم رسانی به ما نیامده بود. به راستی، نوید آور و بیم رسانی به شما آمده و خدا به همه چیز تواناست۱۹ و چون موسی به قوم خویش گفت: ای قوم! نعمت خدا را به یاد آرید که میان شما پیغمبران

پدید آورده و شما را آزاد کان کرده و چیزها به شما داده که به هیچ کس از اهل زمانه نداده است۲۰ ای قوم! به این سرزمین پاک که خدا برای شما مقرر کرده در آئید و عقب گرد مکنید که زیان کاران می شوید۲۱ گفتند: ای موسی! در آنجا گروهی اهل شوکتند و ما هرگز بدان در نیاییم تا از آن به در آیند اگر از آن در آیند، ما درون خواهیم رفت۲۲ دو مرد از آنها که [از خدا] می ترسیدند و خدا موهبتشان داده بود، گفتند از این دروازه بر آنها درآیید، و چون داخل آن شدید، غلبه با شماست، اگر باور دارید، پس به خدا توکل کنید۲۳ گفتند: ای موسی! مادام که آن گروه در آنجایند ما هرگز بدان در نیاییم. برو تو و پروردگارت پیکار کنید که ما اینجا نشسته ایم ۲٤ موسی گفت: پروردگارا! من جز بر خودم و برادرم تسلط ندارم، میان ما و گروه عصیان پیشه را تفویق کن۲٥ گفت این دیار تا چهل سال بر آنها حرام است، که در زمین سرگردان می روند، و غم گروه عصیان پیشه مخور۲٦ خبر دو پسر آدم را به درستی بر آنها بخوان، آن دم که قربانی پیش بردند و از یکی- شان پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد، گفت: تو را خواهم کشت، گفت: خدا فقط از پرهیزکاران می پذیرد۲۷ اگر دست خویش به من بگشایی که مرا بکشی، من دست خویش سوی تو باز نمی کنم که تو را بکشم، که من از خدا، پروردگار جهانیان می ترسم۲۸ می خواهم، گناه من و گناه خویش ببری و جهنمی شوی که سزای ستم کاران چنین است۲۹ ضمیر وی به کشتن برادرش رام شد، پس او را بکشت و از زیان کاران شد۳۰ آنگاه خدا زاغی فرستاد که زمین را می کاوید، تا به او نشان دهد چگونه جثه برادر خویش بپوشاند، گفت: وای بر من! چگونه نتوانستم مثل این زاغ باشم و جثه برادر خویش بپوشانم، و از ندامت زدگان شد۳۱ به این جهت بر پسران اسرائیل مقرر کردیم که هر که کسی را جز به قصاص یا فسادی که در زمین کرده، بکشد چنان است که همه مردم را کشته باشد و هر که کسی را زنده بدارد، چنان است که مردم را زنده داشته باشد. پیغمبران ما با آیه های روشن سوی آنها آمدند و با وجود این، بسیاری از آنها، در زمین اسراف کاران بودند۳۲ کسانی که با خدا و پیغمبر او می زیستند و در زمین به فساد می کوشند، سزایشان جز این نیست که کشته شوند یا برادر شوند، یا [یکی از] دستها و [یکی از] پاهایشان به عکس یکدیگر، بریده شود یا از آن سرزمین تبعید شوند، این رسوایی آنها در این دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ دارند۳۳ مگر کسانی که پیش از آن که بر آنها دست یابید، توبه کنند، بدانید که خدا آمرزگار و رحیم است۳٤ شما که ایمان دارید! از خدا بترسید و بدو تقرب جویید و در راه وی پیکار کنید، شاید رستگار شوید۳٥ کسانی که کافر شده اند اگر همه مال زمین داشته باشند، و نظیر آن نیز، که [برای رهایی] از عذاب روز قیامت، فدای خویش کنند، از آنها پذیرفته نشود و عذابی الم انگیز دارند۳٦ خواهند از آتش درآیند ولی از آن در آمدنی نیستند و عذابی پیوسته دارند۳۷ مرد دزد و زن دزد، دستهای[راست] شان را به سزای عملشان به عنوان مجازاتی که از جانب خدا است ببرید که خدا نیرومند و فرزانه است۳۸ و هر که از پس ستم کردنش توبه آرد و به صلاح آید. خدایش

ببخشد که خدا آمرزگار و رحیم است۳۹ مگر ندانسته ای که ملک آسمانها و زمین خاص خداست. هر که را خواهد عذاب کند و هر که را خواهد بیامرزد، و خدا بر همه چیز تواناست۴۰ ای پیغمبر! آنها که به کفر می-شتابند تو را غمگین نکند، از آن کسان که به زبان گویند ایمان داریم و دلهایشان مؤمن نیست و از آن کسان که یهودند و گوشگیران دروغند و گوشگیرانند برای گروهی دیگر که پیش تو نیامده اند، کلمه ها را از دنبال معانی آن منحرف کنند و گویند اگر این حکم دادند بگیرید، و اگر این حکم ندادند از آن حذر کنید هر که خدا خواهد به فتنه اش افکند، برای او در قبال خدا کاری نتوانی کرد. اینان همان کسانند که خدا نخواسته دلهایشان پاکیزه کند در دنیا خفتی دارند و در آخرت عذابی بزرگ دارند۴۱ گوشگیران دروغند و خورندگان حرام، اگر پیش تو آمدند میان ایشان حکم کن، یا از آنها روی بگردان، اگر روی از ایشان بگردانی، تو را زیانی نتوانند زد، اگر حکم کردی، میانشان به انصاف حکم کن، که خدا انصاف کاران را دوست دارد۴۲ چرا داوری به تو آوردند در صورتی که تورات نزد آنهاست و حکم خدا در آن هست، عاقبت پس از حکم دادن تو، رو بگردانند که آنها مؤمن نیستند۴۳ تورات را ما نازل کرده ایم که در آن هدایت و نوری هست و پیغمبرانی که مطیع [خدا] بودند، طبق آن برای کسانی دین یهود داشتند حکم می کردند و راستاران و احبار که نگهبان کتاب خدا شده بودند و بر آن گواه بودند [نیز حکم می کردند] پس از این مردم نترسید و از من بترسید و آیه های مرا به بهای اندک مفروشید. که هر کس طبق آیه های منزل خدا حکم نکند آنها خودشان کافرانند۴۴ در تورات بر یهودان مقرر کرده ایم که تن به تن و چشم به چشم و بینی به بینی و گوش به گوش و دندان به دندان و زخم ها را قصاص باید، و هر که از آن درگذرد کفاره ای برای [گناهان] اوست. و هر که طبق آیه های منزل خدا حکم نکند آنها خودشان ستمگرانند۴۵ و از پی پیغمبران عیسی پسر مریم را بیاوردیم که مصدق تورات بود که پیش از او بود و انجیل را به او دادیم که در آن هدایت و نوری، هست و مصدق تورات است که پیش از آن بوده است و برای پرهیزکاران هدایت و پندی است۴۶ اهل انجیل باید طبق مندرجات آن که خدا نازل کرده حکم کنند و هر کس طبق آیات منزل خدا حکم نکند، آنها خودشان عصیان پیشگانند۴۷ ما این کتاب به حق بر تو نازل کرده ایم که مصدق و نگهبان آن کتاب هاست که پیش از آن بوده است. میان یهودان طبق آنچه خدا نازل کرده حکم کن و هوس هایشان را [برای انحراف] از حکم حق که سوی تو آمده پیروی مکن. هر گروه از شما را آئین و روشی مقرر کرده ایم. اگر خدا می خواست شما را یک امت کرده بود. ولی [نکرد] تا درباره آنچه به شما داده بیازمایدتان. به کارهای خوب پیشی گیرید که بازگشت همه شما سوی خداست و شما را از [حقیقت] چیزهایی که در آن اختلاف می کرده اید، خبر می دهد۴۸ [تو را فرمان داده ایم] که میان آنها طبق آنچه خدا نازل کرده حکم کن، هوس هایشان را پیروی مکن و از آنها بر حذر باش که از بعضی چیزها که خدا به تو نازل کرده منحرفت نکنند، اگر پشت بکردند بدان که خدا می خواهد [سزای] پاره ای

گناهانشان را به آنها برساند و بسیاری از این مردم، عصیان پیشگانند۴۹ مگر حکم جاهلیت می خواهند، کیست که حکم وی برای گروهی که به یقین رسیده اند، از [حکم] خدا بهتر است۵۰ شما که ایمان دارید! یهودان و نصاری را به دوستی مگیرید. بعض آنها دوستان بعضی دیگرند. هر کس از شما با آنها دوستی کند، او هم از آنهاست که خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند۵۱ آن کسان را که در دلهایشان مرضی هست بینی که به [دوستی] آنها بشتابند گویند بیم داریم ما را حادثه ای رسد. باشد که خدای، فتح پیش آرد، یا فرمانی از جانب خویش، و از آنچه در خاطر گرفته اند، پشیمان شوند۵۲ و آن کسان که ایمان دارند [به یکدیگر] گویند: اینان همان کسانند که قسمتهای سخت می خوردند که یاران شمایند؟ اعمالشان تباه شده و زیان کار شده اند۵۳ شما که ایمان دارید! هر که از شما از دین خویش بازگردد، بزودی خدا گروهی را بیارد که دوست شان دارد و دوستش دارند، با مؤمنان افتاده و با کافران سرکشند، در راه خدا کارزار کنند، واز ملامت ملامت گری نهراسند، این کرم خداست که بهر که خواهد دهد و خدا وسعت بخش و داناست۵۴ تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند. ۵۵ یار شما فقط خداست و پیغمبر او و کسانی که ایمان دارند و کسانی که [بر] نماز[مداومت] کنند و در آن حال که رکوع می گذارند زکات دهند۵۶ شما که ایمان دارید! کسانی را که دین شما را مسخره و بازیچه گرفته اند، از آنها که پیش از شما کتابشان داده اند، و کافران را به دوستی مگیرید و اگر واقعاً مؤمنید از خدا بترسید۵۷ و چون به نماز ندا دهید، آن را مسخره و بازیچه گیرند، زیرا آنها گروهی از خود به دورند۵۸ بگو ای اهل کتاب! خرده بر ما چه میگیرید، جز آنکه به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه از پیش نازل شده ایمان داریم و بیشتر شما عصیان پیشگانید۵۹ بگو: آیا به چیزی که سزای آن نزد خدا بدتر از این است خبرتان دهم؟ آنکه خدا لعنتش کرده و بر او غضب آورده و از آنها میمون ها و خوک ها کرده، و طغیان گر پرستیده آنها جایشان بدتر است و از میان راه گمراه ترند۶۰ و چون نزد شما آیند گویند: ایمان داریم ولی با کفر درون شده اند، و خودشان با کفر برون می شوند، و خدا به آن چیزها که نهان می کنند داناتر است۶۱ بسیاری از آنها را بینی که به گناهکاری و ستم کاری و حرام خوردنشان، می شتابند. چه بد است اعمالی که می کنند۶۲ چرا دانشمندان نصاری و علمای یهود، آنها را از سخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام نهی نمی کنند؟ چه بد است اعمالی که می کنند؟!۶۳ یهودان گویند دست خدا بسته است. دستهایشان بسته باد، و به سزای این ناروا که گویند لعنت شوند[چنین نیست] بلکه دو دست [رحمت] او گشوده است و چنانکه بخواهد روزی می دهد. آنچه بر تو نازل شده سرکشی و انکار بسیاری از آنها را فزون می کند، میان آنها تا روز قیامت دشمنی و کینه افکنده ایم. هر گاه آتش جنگی افروخته اند خدا آن را فرونشانیده است، در زمین به فساد می کوشند و خدا منافقان را دوست نمی دارد۶۴ اگر اهل کتاب ایمان بیارند و پرهیزکار شوند، گناهان شان را بپوشانیدیم و به

بهشت های پر نعمت داخلشان کنیم٦٥ اگر تورات و انجیل را یا آنچه از پروردگارشان به آنها نازل شده بپا دارید، از بالای شرشان و از زیر قدمهایشان [روزی] می خورند، از آنها گروهی معتدلند و بسیاریشان، اعمالی که می کنند بد است٦٦ ای پیغمبر! آنچه از پروردگارت به تو نازل شده [به خلق] برسان، اگر نکنی پیام وی را نرسانیده ای. خدا تو را از مردم، حفظ می کند که خدا گروه کافران را هدایت نمی کند٦٧ بگو ای اهل کتاب! در خور اعتنا نیستید تا تورات و انجیل را با آنچه از پروردگارتان به شما نازل شده، بپا دارید. آنچه از پروردگارت به تو نازل شده سرکشی و انکار بسیاری از آنها را فزون می کند. پس غم گروه ستمکاران مخور٦٨ کسانی که یهودند و صابئیان و نصاری هر که [از آنها] بخدا و روز دیگر ایمان و کار شایسته کرده، نه بیمی دارند و نه غمگین می شوند٦٩ از پسران اسرائیل پیمان گرفتیم و پیغمبرانی به آنها فرستادیم، هر وقت پیغمبری با تعلیماتی که دلخواهشان نبود، سوی آنها آمد، گروهی را دروغگو شمردند و گروهی را بکشتند٧٠ پنداشتند که فتنه ای نخواهد بود. کور شدند و کر شدند. آنگاه خدا ببخشیدشان، باز کور شدند و کر شدند و خدا به اعمالی که می کنند بیناست٧١ کسانی که گویند: خدا همان عیسی پسر مریم است، کافر شده اند، مسیح می گفت ای پسران اسرائیل! خدای یکتا را، که پروردگار من و پروردگار شماست، بپرستید که هر کس به خدا شرک آورد خدا بهشت را بر او حرام کرده و جای او جهنم است و ستمکاران یارانی ندارند٧٢ کسانی که گویند خدا یکی از سه چیز است کافر شده اند، خدایی جز خدای یگانه نیست، اگر از آنچه می گویند باز نایستند به کسانی از آنها که کافر شده اند، عذابی الم انگیز خواهد رسید٧٣ چرا به خدا توبه نمی برند و از او آمرزش نمی خواهند که خدا آمرزگار و رحیم است٧٤ مسیح پسر مریم، نبود مگر پیغمبری که پیش از او پیغمبران گذشته اند، و مادر او راستی پیشه، زنی بود که [هر دو] غذا می خوردند، بنگر چگونه آیه ها را برای آنها بیان می کنیم و باز بنگر، چگونه سرگردان می شوند٧٥ بگو چرا غیر خدا، چیزی را که برای شما ضرر و نفعی ندارد، میرستید، خدای یکتاست که شنوا و داناست٧٦ بگو ای اهل کتاب! در دین خویش گزاف به ناحق مگویید و هوسهای گروهی را که پیش از این به ضلال افتاده و بسیاری را بضلال افکنده و میان راه گم کرده اند، پیروی مکنید٧٧ آن کسان از پسران اسرائیل که به کفر گراییدند، به زبان داود و عیسی پسر مریم لعنت شدند، برای آنکه عصیان ورزیدند و تعدی می کردند٧٨ و از کار زشتی که می کردند دست بر نمی داشتند و چه بد بود اعمالی که می کردند٧٩ بسیاریشان را بینی که با کسانی که کافر شده اند دوستی می کنند، چیزی که ضمیرهایشان برای آنها پیش آورده بسیار بد است، که خدا بر آنها خشم گرفته و خودشان در عذاب جاودانند٨٠ اگر به خدا و پیغمبر و آنچه بدو نازل شده ایمان داشتند کافران را به دوستی نمی گرفتند ولی بسیاری از آنها عصیان پیشگانند٨١ یهودان و مشرکان را از همه مردم در دشمنی مؤمنان سخت تر خواهی یافت، و نزدیک- تر از همه مردم به دوستی مؤمنان کسانی را خواهی یافت که گویند: ما نصاراییم

زیرا بعضی از ایشان کشیشان و راهبانند که آنها گردن فرازی نمی کنند۸۲ و چون آیاتی را که به پیغمبر نازل شده بشنوند، چشمانشان را بینی که از اشک پر می شود، برای آنکه حق را شناخته اند. گویند: پروردگارا! گرویدیم، پس ما را با گواهان ثبت فرما۸۳ چرا به خدا و این حق که سوی ما آمده ایمان نیاریم! که طمع داریم پروردگارمان، با گروه شایستگان قرینمان کند۸٤ خدا، برای این سخنان که گویند، بهشت ها پاداششان دهد که در آن جوی ها روان است و در آن جاودان باشند، پاداش نیکوکاران همین است۸۵ و کسانی که به کفر گراییده و آیه های ما را دروغ شمرده اند، آنها اهل جهنمند۸٦ شما که ایمان دارید! چیزهای پاکیزه را که خدا برای شما حلال کرده، حرام مکنید و تعدی مکنید که خدا متعدیان را دوست نمی دارد۸۷ از آنچه خدا روزی شما کرده، حلال بخورید، و از خدایی که بدو ایمان دارید، بترسید۸۸ خدا شما را به سوگندهای بی قصدتان مؤاخذه نمی کند ولی شما را به سوگندهایی که قصد آن داشته اید مؤاخذه می کند کفاره آن غذا دادن مستمند است، از غذای متوسطی که به کسان خود می خورانید، یا پوشانیدن آنها یا آزاد کردن بنده ای، و هر که نیابد روزه داشتن سه روز، این کفاره قسم های شماست، وقتی قسم خورده [وشکسته] اید، قسم های خویش را محفوظ دارید. بدین گونه خدا آیه های خویش را، برای شما بیان می کند، شاید سپاس دارید۸۹ شما که ایمان دارید! حق اینست، که شراب و قمار و بتان منصوب و تیرها [ی قرعه] پلیدیهایی از عمل شیطان است، از آن دوری کنید شاید رستگار شوید۹۰ حق این است که شیطان می خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه افکند و از یاد کردن خدا و از نماز بازتان دارد، آیا بس می کنید۹۱ خدا را فرمان برید و پیغمبر را فرمان برید و [از نافرمانی] حذر کنید، اگر پشت کردید، بدانید که پیغمبر ما، فقط عهده دار بلاغ روشن است۹۲ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، درباره آنچه خورده اند، گناهی بر آنها نیست، به شرط آنکه پیوسته پرهیزکار و مؤمن باشند و کارهای شایسته کنند و بر تقوی و ایمان استوار باشند و پرهیزکاری و نیکوکاری کنند که خدا نیکوکاران را دوست دارد۹۳ کسانی که ایمان دارید! خدا شما را به چیزی از شکار امتحان می کند که دستها و نیزه هاتان بدان تواند رسید، تا کسی را که بنا دیده از او ترسد، معلوم کند و هر که پس از این امتحان، تجاوز کند، عذابی الم انگیز دارد۹٤ شما که ایمان دارید! وقتی که احرام دارید شکار مکشید، و هر که از شما به عمد شکار بکشد، سزای وی [ذبح] حیوانیست مانند آنچه کشته که دو عدالت دار از شما بدان حکم کنند و قربانی باشد به [حرم] کعبه رسیده یا کفاره ای غذا دادن مستمندان یا روزه داشتن معادل آن تا وبال کار خویش تحمل کند، خدا از آنچه گذشته در گذشت، و هر که باز، کند خدا از او انتقام گیرد که خدا نیرومند و انتقام گیر است۹۵ شکار دریا و غذای آن برای شما حلال است که بهره شما و کاروانست و شکار خشکی مادام که احرام دارید بر شما حرام است. از خدایی که به پیشگاه او محشور می شوید بترسید۹٦ خدا کعبه خانه حرام را با ماههای حرام و قربانی و قربانی قلاده دار، قوام کار مردم کرد، تا بدانید که خدا

آنچه را در آسمانها و زمین هست می داند و خدا به همه چیز داناست۹۷ بدانید که خدا سنگین مجازات است و که خدا آمرزگار رحیم است۹۸ بر عهده پیغمبر جز بلاغ نیست و آنچه را عیان کنید و آنچه را نهان کنید خدا می داند۹۹ بگو: پلید و پاکیزه یکسان نیست و گرچه فزونی ناپاک تو را به شگفت آورد ای صاحبان خرد ! از خدا بترسید، شاید رستگار شوید۱۰۰ شما که ایمان دارید! از چیزهایی که اگر بر شما عیان شود غمگین تان کند، و اگر هنگام نزول قرآن از آن بپرسید، عیان می شود، مپرسید، خدا از آنچه بود در گذشت که خدا آمرزگار و بردبار است۱۰۱ پیش از شما گروهی از این پرسش ها کردند و بدان کافر شدند۱۰۲ خدا بحیره و صائبه و وصیله و حام [حیواناتی که خاص او می دانید] نیافریده ولی کسانی که کافر شده اند درباره خدا دروغ می سازند و بیشترشان از خود بدورند۱۰۳ و چون گویندشان: سوی آنچه خدا نازل کرده و سوی پیغمبر آیید گویند روشی که پدران خویش را بر آن یافته ایم ما را بس است و گرچه پدرانشان چیزی نمی دانسته و هدایت نیافته بوده اند۱۰٤ شما که ایمان دارید! بخودتان بپردازید. هر که گمراه شده شما را اگر هدایت شده باشید، زیان نمی زند. بازگشت همه شما به خداست و از آنچه می کرده اید، خبرتان می دهد۱۰۵ شما که ایمان دارید! چون یکیتان را مرگ در رسد، هنگام وصیت کردن میان شما گواه گرفتن، دو تن عدالت دار از خودتان باید، یا دو تن دیگر از غیر خودتان. اگر زمین می سپرید و حادثه مرگ به شما رسید اگر از آنها بدگمانید پس از نماز بازشان دارید تا به خدا قسم خورند که قسم خویش را به بهایی نفروشیم و گر چه [به سود] خویشاوند باشد و گواهی خدا را پوشیده نداریم و گرنه گناهکار خواهیم بود۱۰٦ اگر معلوم شد که گواهان خیانتی کرده اند، دو شاهد دیگر که شایسته تر باشند، از آنها که بر ضررشان عمل شده، جای آنها بایستند و به خدا قسم خوردند که گواهی ما از گواهی آنها درست تر است و ما [از حق] تجاوز نکنیم و گرنه از ستمکاران خواهیم بود۱۰۷ این روش، بدان نزدیکتر است که گواهی را به صورت [حقیقی] خود بیارند و یا بترسند که پس از قسم خوردنشان قسمهایی مردود شود. از خدا بترسید و بشنوید که خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند۱۰۸ روزی که خدا همه پیغمبران را جمع کند و گوید: چگونه اجابتتان کردند؟ گویند: ما چیزی [که ندانی] نمی دانیم که دانای نهان ها تویی۱۰۹ و چون خدا گفت: ای عیسی پسر مریم! موهبت مرا به خودت و مادرت یاد کن، آن دم که تو را به روح پاک نیرو دادم که در گهواره، و در بزرگی با مردم سخن کنی و آن دم که کتاب و حکمت و تورات و انجیل به تو تعلیم دادم و آن دم که به اذن من از گل به شکل پرنده بساختی و در آن دمیدی و به اذن من پرنده ای شد و کورمادرزاد و برص زده را شفا دادی و آن دم که مردگان را به اذن من باز می آوردی و آن دم که پسران اسرائیل را از تو باز داشتم، وقتی که معجزه ها به ایشان آورده بودی و کسانی از آنها که کافر شده بودند، گفتند: این جز جادویی آشکار نیست۱۱۰ و به حواریان [وسیله پیغمبر] وحی کردم که به من و به پیغمبرم ایمان بیارید! گفتند ایمان داریم و گواه باش که ما گردن نهادگانیم۱۱۱ و حواریان

گفتند: ای عیسی پسر مریم! پروردگارت تواند [اراده کند] که از آسمان خوانی به ما نازل کند، گفت اگر [واقعا] ایمان دارید از خدا بترسید۱۱۲ گفتند می خواهیم از آن بخوریم و دلهایمان آرام گیرد و بدانیم که به ما راست گفته ای و گواه آن باشیم۱۱۳ عیسی پسر مریم گفت: پروردگارا، از آسمان خوانی به ما نازل فرما که برای حاضران و آیندگان ما عیدی باشد و علامتی از تو باشد، ما را روزی بده که تو بهترین روزی دهانی۱۱٤ خدا گفت: من خوان به شما نازل می کنم و پس از آن هر کس از شما کافر شود او را عذاب می کنم، عذابی که به هیچ یک از جهانیان نکنم۱۱٥ و چون خدا گفت: ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفته ای غیر خدا، من و مادرم را دو خدا گیرید. گفت: تو منزهی، مرا نشاید که آنچه حق من نیست بگویم، اگر من این را گفته ام تو دانسته ای که هر چه در ضمیر منست میدانی و من آنچه را در ذات توست نمی دانم که به راستی دانای نهان ها تویی۱۱٦ به آنها جز آنچه به من فرمان داده بودی نگفته ام که خدا پروردگار خود را بپرستید، و مادام که میانشان بودم، نگهبانشان بودم، همین که مرا به سوی خویش برداشتی، تو خودت مراقب آنها بودی که تو بر همه چیز گواهی۱۱۷ اگر آنها را عذاب کنی، بندگان تواند و اگر بیامرزیشان تو نیرومند و فرزانه ای۱۱۸ خدا گفت: این روزیست که راست گفتن راست گویان، سودشان می دهد، بهشت ها دارند که در آن جوی ها روانست، و همیشه در آن جاودانند، خدا از آنها خشنود است و آنها نیز از خدا خشنودند و این کامیابی بزرگ است۱۱۹ ملک آسمانها و زمین و هر چه در آنهاست خاص خداست و او به همه چیز تواناست. ۱۲۰

سوره انعام ٦

سوره انعام، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

ستایش خاص خدای یکتاست، که آسمانها و زمین را بیافرید و تاریکیها و روشنی پدید کرد و با وجود این کسانی که کافر شده اند، به پروردگار خویش [غیر او را] برابر می کنند۱ اوست که شما را از گلی آفرید سپس مدتی مقرر کرد، و مدتی نیز به نزد او معین است، باز هم شما شک می کنید۲ خدای یگانه، در آسمانها و زمین اوست، نهان و آشکار شما را بداند و آنچه کنید می داند۳ آیه ای از آیه های خدا سوی آنها نیاید مگر که از آن روی گردان باشند٤ و چون حق به سویشان آمد آن را دروغ شمردند. بزودی از آنچه مسخره اش می- کرده اند خبرهایی به آنها میرسد٥ مگر ندانسته اند که پیش از آنها چه نسلها را هلاک کرده ایم، که ایشان را در زمین تمکنی داده بودیم که شما را آن تمکن نداده ایم، آسمان را به بارش فراوان بر آنها گماشتیم و جوی- ها در زمینشان روان کردیم، آنها به سزای گناهانشان هلاکشان کردیم و از پی آنها نسلی دیگر به وجود

آوردیم٦ اگر مکتوبی در جزوه ای به تو نازل کنیم و آن را با دستهای خویش لمس کنند، کسانی که کافر شده- اند، گویند: این به جز جادویی آشکار نیست٧ گویند چرا فرشته ای بر او نازل نمی شود، اگر فرشته ای نازل می کردیم کار پایان می گرفت و مهلت نمی یافتند٨ اگر فرستاده خویش را فرشته ای می کردیم، او را (به صورت) مردی می کردیم و آنچه را (اکنون) خلط می کنند بر آنها خلط می کردیم٩ پیش از تو نیز پیغمبرانی استهزا شده اند و کسانی که پیغمبران را مسخره کردند عذابی که به استهزای آن می پرداختند به ایشان فرود آمد١٠ بگو در زمین سیر کنید و بنگرید، سرانجام تکذیب کنان چسان بود١١ بگو آنچه در آسمانها و زمین است از کیست؟ بگو از خداست که رحمت را بر خویش مقرر داشته، و مسلماً روز قیامت که شک ندارد شما را فراهم می کند، کسانی که به فطرت خویش خسارت زده اند، آنها ایمان نمی آورند١٢ هر چه در شب و روز قرار گرفته از اوست و او شنوا و داناست١٣ بگو چگونه جز خدا، خالق آسمانها و زمین که خوراند و خورانده نشود، دوستی توانم گرفت! بگو مأمور شده ام نخستین کسی باشم که اسلام آورده است. و از مشرکان مباش١٤ بگو اگر نافرمانی پروردگار خویش کنم، از عذاب روزی بزرگ بیم دارم١٥ و هر که عذاب از او بگردد، خدایش رحمت آورده و این کامیابی بزرگ است١٦ اگر خدا محنتی به تو رساند، هیچ کس جز او برداشتن آن نتواند و اگر خیری به تو رساند، او بر همه چیز تواناست١٧ وی مقتدر و بالا دست بندگان خویش است و فرزانه و بیناست١٨ بگو گواهی کی از همه مهمتر است؟ بگو خدا میان من و شما گواهست و این قرآن را به من وحی کرده تا شما را با هر که بدو رسد بدان بترسانم آیا شما گواهی می دهید که با خدا خدایان دیگر هست! بگو من گواهی نمی دهم بگو: حق اینست که وی خدای یکتاست و من از آنچه [با او] شریک پندارید بیزارم١٩ کسانی که کتابشان داده ایم پیغمبر را شناسند چنانکه فرزندان خویش را شناسند و کسانی که به فطرت خویش خسارت زده اند، آنها ایمان نمی آورند٢٠ ستمگرتر از آنکه درباره خدا دروغی ساخته و آیه- های وی را دروغ شمرده کیست! به راستی که ستمگران رستگار نمی شوند٢١ روزی که ایشان را یک سره محشور کنیم آنگاه به کسانی که شرک آورده اند گوییم شریکان[عبادت] شما که می انگاشتید کجایند! ٢٢ و زرنگی آنها جز این نباشد که گویند: قسم به خدا، پروردگارمان که ما مشرک نبودیم٢٣ بنگر چگونه به خویش دروغ بستند و دروغی که ساخته بودند نابود گردید٢٤ از آنها کسانی هستند که [وقت قرائت قرآن] به تو گوش فرا دهند ولی بر دلهایشان سر پوش ها نهاده ایم که فهم آن نکنند و گوش هایشان را سنگین کرده ایم. هر معجزه ای ببینند آن را باور ندارند و چون پیش تو آیند؛ با تو مجادله کنند، کسانی که کافر شده اند، گویند: این [کتاب تو] جز داستانهای گذشتگان نیست٢٥ و هم آنها [مردم را] از [مصاحبت] پیغمبر منع کنند و از او دوری گیرند. ولی جز خودشان را هلاک نمی کنند اما نمی فهمند٢٦ اگر می دیدی آن دم که بر آتش نگاهشان داشته اند و گویند: ای کاش بازگشت می یافتیم تا آیه های پروردگار خویش را تکذیب نمی کردیم و از مؤمنان

می شدیم۲۷ [چنین نیست] بلکه آنچه را قبلاً به غفلت می سپرده اند بر آنها نمودار شده و اگر بازگشت یابند به چیزی که از آن منعشان کرده اند باز می گردند که آنها دروغگویانند۲۸ گویند جز زندگی این دنیای ما هیچ نیست و ما زنده شو نیستیم۲۹ اگر ببینی آن دم که در پیشگاه پروردگارشان نگاهشان دارند و گوید: مگر این حق نیست گویند: چرا به پروردگارمان سوگند گوید: برای آن انکار که می کرده اید، این عذاب را تحمل کنید۳۰ آنها که معاد را دروغ شمرده اند، زیان کرده اند و چون رستاخیز ناگهان بر آنها در آید گویند ای دریغ از آن کوتاهی ها که در دنیا کرده ایم بار گناهان خویش بر پشت هایشان می برند. بدانید، که بد باری می-کشند۳۱ زندگی این دنیا به جز بازیچه و سرگرمی نیست و سرای آخرت برای کسانی که پرهیزکاری کنند بهتر است، چرا خود داری نمی کنید۳۲ دانیم که سخنانشان تو را غمگین می کند.آنها [تنها] تو را تکذیب نمی-کنند، بلکه ستمگران آیه های خدا را انکار می کنند۳۳ پیش از تو نیز پیغمبرانی تکذیب شدند و بر تکذیب شدن و اذیت دیدن شکیبایی کردند تا نصرت ما به ایشان رسید، کلمات خدا تغییر پذیر نیست، و اخبار پیغمبران به سوی تو آمده است۳٤ اگر روی گردانیدن ایشان بر تو گرانست، مگر توانی نقبی در زمین یا نردبانی بر آسمان بجویی و معجزه ای برای ایشان بیاری! اگر خدا می خواست آنها را بر هدایت هم آهنگ کرده بود، از غافلان (این نکته) مباش۳٥ فقط کسانی که گوش شنوا دارند (دعوت تو را) اجابت می کنند و مردگان را خدا زنده می کند و باز سوی او بازگشت می یابند۳٦ گویند: چرا معجزه ای (که ما می خواهیم) از پروردگارش به او نازل نمی شود، بگو خدا تواند (هر) معجزه ای (از آنچه می خواهید) نازل کند ولی بیشترشان نمی دانند۳۷ هیچ جانوری در زمین نیست و نه پرنده ای که بدو بال خویش پرواز کند، مگر امت هایی مانند شمایند در این کتاب از (توضیح) چیزی فروگذار نکرده ایم و به سوی پروردگار خویش محشور می شوند۳۸ کسانی که آیه های ما را تکذیب کرده اند، کرند و گنگند و در ظلمات، هر که را خدا خواهد گمراه کند و هر که را خواهد بر راهی راست نهد۳۹ بگو اگر راست می گویید به من خبر دهید، اگر عذاب خدا به شما آید یا رستاخیز به شما درآید مگر جز خدا را می خوانید٤۰ (نه) بلکه او را می خوانید و اگر بخواهد آنچه را استدعا می کنید رفع می کند و آنچه را شریک خدا می پندارید به فراموشی می سپارید٤۱ به سوی امتهای پیش از تو[نیز پیغمبران] فرستادیم و به تنگدستی و بیماری گرفتیمشان شاید زاری کنند٤۲ ولی چون صلابت ما به آنها رسید زاری نکردند بلکه دلهایشان سختی گرفت و شیطان کارهایی را که می کردند، در نظرشان بیاراست٤۳ و همین که آیه هایی را که بدان پندشان داده بودند، به فراموشی سپردند درهای همه چیز را بر آنها گشودیم و چون به اموال خویش شادمان شدند، ناگهان بگرفتیمشان و یکباره نومید شدند٤٤ و بنیاد گروهی که ستم می-کردند قطع شد و خدا را سپاس که پروردگار همگان است٤٥ بگو: به من بگویید اگر خدا گوش و چشمان شما را بگیرد و بر دلهایتان مهر زند وی کدام خداست که آن را به شما تواند داد. بنگر چگونه آیه ها را گونا گون

می کنیم و باز آنها روی همی گردانند٤٦ بگو: به من بگویید! اگر عذاب خدا ناگهان یا باخبر به شما درآید، مگر جز گروه ستم گران کسی هلاک می شود٤٧ ما پیغمبران را، جز نوید آور و بیم رسان نفرستاده ایم هر که ایمان آورده و به صلاح آمده، [آنها] نه بیمی دارند و نه غمگین می شوند٤٨ و کسانی که آیه های ما را دروغ شمرده اند عذاب ما به ایشان می رسد، برای آنکه از فرمان برون می رفته اند٤٩ بگو به شما نمی گویم که گنجینه های خدا نزد من است، نه غیب می دانم و نه به شما می گویم که فرشته ام، جز آنچه را به من وحی شده پیروی نمی کنم بگو مگر کور و بینا یکسانند، چرا اندیشه نمی کنید٥٠ کسانی را که از حشر در پیشگاه پروردگار خویش که جز او یاور و واسطه ای ندارند بیمناکند، به قرآن بترسان، شاید پرهیزکاری کنند٥١ کسانی را که بامداد و شبانگاه پروردگار خویش را می خوانند، و رضای او می خواهند، طرد مکن، از حساب آنها چیزی به عهده تو نیست و از حساب تو چیزی به عهده آنها نیست که طردشان کنی و از ستمکاران شوی٥٢ بدین گونه آنها را به یکدیگر بیازمودیم تا گویند اینانند که خدا از میان ما، موهبتشان داده است! مگر خدا سپاس داران را بهتر نمی شناسد؟٥٣ و چون کسانی که به آیه های ما ایمان آورده اند، پیش تو آیند بگو: درود بر شما، پروردگار شما رحمت کردن را بر خویش مقرر داشته، هر کس از شما از روی نادانی، کار بدی کند و پس از آن توبه آرد و به صلاح آید، وی آمرزگار و رحیم است٥٤ بدینگونه آیه ها را شرح می دهیم تا روش بدکاران آشکار شود٥٥ بگو من از پرستیدن آن چیزها که شما به غیر خدا می خوانید ممنوع شده ام، بگو من هوس های شما را پیروی نمی کنم و گرنه گمراه می شوم و از هدایت شدگان نخواهم بود٥٦ بگو من از پروردگارم حجتی با خویش دارم که شما آن را تکذیب کرده اید، چیزی که بدان شتاب دارید نزد من نیست، و تصمیم گرفتن فقط با خداست که خبر درست می گوید و از همه ممیزان بهتر است٥٧ بگو اگر چیزی که بدان شتاب دارید نزد من بود، کاری که میان من و شماست خاتمه یافته بود و خدا به کار ستمگران داناتر است٥٨ گنجینه های غیب نزد اوست [هیچکس] جز او غیب نمی داند، هر چه در خشکی و دریاست، می داند هیچ برگی نیفتد مگر آنرا بداند، نه دانه ای در ظلمات زمین و نه خشکی و نه تری هست، مگر در نامه ای روشن است٥٩ اوست که شما را به شب برمی گیرد و آنچه بروز کرده اید می داند آنگاه به روز شما را بر می خیزاند و عاقبت بازگشت شما سوی اوست و از اعمالی که می کرده اید خبرتان می دهد٦٠ وی مقتدر و بالا دست بندگان خویش است و نگاهبان ها به شما می فرستد، تا وقتی که مرگ یکی از شما در رسد، فرستادگان ما [جان] وی را بگیرند، که آنها [در کار خویش] کوتاهی نمی کنند٦١ آنگاه به سوی خدا مولای حقیقی خویش برده شوند بدانید که تصمیم گرفتن خاص اوست و او از همه حساب گران تندکار تراست٦٢ بگو کیست که شما را از خطرات خشکی و دریا می رهاند [وقتی] که وی را به زاری و نهان می-خوانید که اگر ما را از این [خطر] رهانید از سپاس داران خواهیم بود٦٣ بگو خدای یکتا، شما را از آن و از

هر غمی می رهاند و باز شما شرک می آورید٦٤ بگو او تواند که به شما عذابی از بالایتان یا از زیر پاهایتان فرستد، یا شما را گروه ها به هم ریزد و صلابت بعضی شما را به بعض دیگر بچشاند. بنگر چگونه آیه ها را گونا گون می کنیم شاید آنها فهم کنند٦٥ قوم تو قرآن را که درست است، تکذیب کردند، بگو من کارگزار شما نیستم٦٦ هر خبری را وقت وقوعی هست و به زودی خواهید داشت٦٧ و چون کسانی را که در آیه های ما پرگویی می کنند ببینی روی از آنها بگردان، تا در مطلب دیگر پرگویی آغاز کنند اگر شیطان از یاد تو برد، از پس یاد آوردن با گروه ستمکاران منشین٦٨ از حساب آنها به عهده کسانی که پرهیزکاری می کنند، چیزی نیست، اما اندرزی باید شاید آنها نیز بپرهیزند٦٩ کسانی را که دین خویش را بازیچه و سرگرمی گرفته اند و زندگی دنیا فریبشان داده است، رها کن. به قرآن اندرز بده تا کسی در گرو اعمال بد خویش نماند که او را جز خدا دوست و واسطه ای نباشد و هر عوضی دهد از او نگیرند، همان کسانند که در گرو اعمال بد خویش مانده اند. نوشیدنی از آب جوشان و عذابی الم انگیز دارند٧٠ بگو چرا غیر خدا چیزی را که سودمان ندهد و زیانمان نزند، بخوانیم و با وجود اینکه خدا هدایت مان کرده، عقب گرد کنیم چون آنکه شیطان ها در زمین [از راه] دورش برده اند و سرگردان مانده و همراهانی دارد که وی را به هدایت خوانند که سوی ما بیا! بگو هدایت هدایت خدا است و ما فرمان یافته ایم که پروردگار جهانیان را گردن نهیم٧١ و نماز کنید و از او بترسید، اوست که در پیشگاه وی محشور میشوید٧٢ اوست که آسمانها و زمین را به حق آفریده و روزی که گوید باش! وجود می یابد٧٣ گفته او راست است و روزی که در صور دمیده شود، قدرت خاص اوست، دانای غیب و شهود است و فرزانه و کاردان است٧٤ و چون ابراهیم به پدر خویش آزر گفت: چرا بتان را به خدایی می گیری که من تو و قومت را در ضلالی آشکار می بینم٧٥ بدین سان ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم بنمودیم که از اهل یقین شود٧٦ و چون شب بر او تاریک شد و ستاره ای را دید، گفت: این پروردگار من است و چون فرو رفت، گفت: من زوال پذیران را دوست ندارم٧٧ وهمین که ماه را طالع دید، گفت: این پروردگار من است و چون فرو شد گفت: اگر پروردگارم مرا هدایت بکند از دسته گمراهان خواهم شد٧٨ و همینکه خورشید را طالع دید گفت: این پروردگار منست، این بزرگتر است، و چون فرو شد گفت: ای قوم! من از آنچه شریک [خدا] می پندارید، بیزارم٧٩ من پرستش خویش خاص کسی کرده ام که آسمانها و زمین را پدید کرده، و از مشرکان نیستم٨٠ و قومش با او محاجه کردند، گفت: چرا درباره خدای یکتا که مرا هدایت کرده با من محاجه میکنید؟ من از آنچه با او شریک می انگارید بیم ندارم، مگر پروردگارم چیزی بخواهد، که دانش پروردگار من همه چیز را فرا گرفته، برای چه پند نمی گیرید٨١ چرا از بتانی که شریک [خدا] پنداشته اید بترسم در صورتی که شما چیزهایی را که خدا درباره آن دلیلی به شما نازل نکرده، با او شریک انگاشته اید و نمی ترسید اگر می دانید کدامیک از این دو گروه به ایمن بودن سزاوارتر است٨٢ کسانی که

ایمان آورده و ایمان خویش به ستم نیامیخته اند، ایمنی خاص آنهاست و خودشان هدایت شدگانند۸۳ این حجت ماست که بر ضد قوم ابراهیم بدو دادیم هر که را خواهیم مرتبه ها بالا می بریم که پروردگار تو فرزانه و داناست۸٤ و اسحق و یعقوب را به او بخشیدیم و همه را هدایت کردیم و نوح را از پیش هدایت کرده بودیم. و از نژاد او داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون و نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم۸۵ یا زکریا و یحیی و عیسی و الیاس که همگی از شایستگانند۸٦ با اسمعیل و الیسع و یونس و لوط که همگی را بر اهل زمانه برتری داده بودیم۸۷ با بعض پدران و پسران و برادرانشان [همه را هدایت کرده بودیم] این پیغمبران را برگزیدیم و به راهی راست هدایتشان کردیم۸۸ این هدایت خداست که هر که از بندگان خویش را خواهد بدان هدایت کند، اگر آنها شرک آورده بودند اعمالی که می کردند محو می شد۸۹ آنها کسانی بودند که کتاب حکم و پیغمبری به آنها داده بودیم اگر این گروه انکار آن کنند گروهی را بدان گماشته ایم که منکر آن نیستند۹۰ آنها کسانی بودند که خدا هدایتشان کرده بود، به هدایت آنها اقتدا کن، بگو: من برای پیغمبری از شما مزدی نمی خواهم که این جز اندرزی برای جهانیان نیست۹۱ خدا را چنانکه سزاوار شناختن اوست نشناختند که گفتند: خدا بر بشری چیزی نازل نکرده. بگو: کتابی را که موسی بیاورد و برای مردم نور و هدایتی بود. کی نازل کرده که آن را جزوه ها می کنید و عیان می کنید و بسیاری را نهان می کنید و چیزهایی را که نه شما و نه پدرانتان نمی دانستید تعلیم یافتید؟ بگو خدای یکتا، و بگذارشان که در پرگویی خویش بازی کنند۹۲ این کتابیست که ما آن را نازل کرده ایم که مبارک است و مصدق کتابهای سلف تا، مادر قریه ها را با هر که اطراف آن هست بیم دهی، و کسانی که به دنیای دیگران ایمان دارند به آن گروند و نمازهای خویش را مواظبت کنند۹۳ ستمگر تر از آن کس که دروغی بر خدا ساخته یا گوید به من وحی شده ولی چیزی به او وحی نشده یا گوید به زودی من نیز مانند آنچه خدا نازل کرده نازل می کنم کیست؟ اگر ببینی که ستمکاران در گردابهای مرگند و فرشتگان دستهای خویش گشوده که جانهای خویش برآرید، امروز به گناه آنچه درباره خدا به ناحق می گفته اید و از آیه های وی گردن کشی می کرده اید سزایتان عذاب خفت می دهند۹٤ شما تک تک [بی کس و بی چیز] چنانکه نخستین بار خلقتان کرده ایم پیش ما آمده اید و آنچه را به شما عطا کرده بودیم پشت سر گذاشته اید. واسطه هایتان را که می پنداشتید در[عبادت] شما شریکند با شما نمی بینیم، روابط شما گسیخته و آنچه می پنداشتید نابود شده است۹۵ خدا شکافنده دانه و هسته است، زنده را از مرده پدید می-کند و پدیدارنده مرده از زنده است. این خدای پرستیدنی است، پس کجا سرگردان می شوید۹٦ شکافنده صبح دم است که شب را [وقت] آرامش کرد و خورشید و ماه را [وسیله] حساب کرد آنها قرار داد، این نظم [خدای] نیرومند و داناست۹۷ اوست که ستارگان را برای شما پدید کرد تا بدان، در ظلمات خشکی و دریا، راه یابید. ما این آیه ها را برای گروهی که دانایند، شرح داده ایم۹۸ اوست که شما را از یک تن ایجاد کرد که قرارگاهی

و اما نت گاهی دارید، و ما این آیه ها را برای گروهی که می فهمند شرح داده ایم۹۹ اوست که از آسمان آبی نازل کرده که با آن همه روئیدنی ها پدید آورده ایم و از جمله سبزه ای پدید آورده ایم که از آن دانه های روی هم چیده پدید می کنیم و از نخل، از گل آن، خوشه های آویخته و باغها، از تاکها و زیتون و انار مانند و نامانند هم (کرده ایم) میوه آن را هنگام میوه آوردن و رسیدنش بنگرید که در اینها برای گروهی که ایمان دارند، عبرت هاست۱۰۰ برای خدا از جنیان، که آنها را نیز خدا آفریده، شریکان انگاشتند، و از روی بی دانشی برای او پسران و دختران ساختند خدا منزه است و از آنچه وصف می کنند برتر است۱۰۱ ایجاد کننده آسمانها و زمین است، چگونه او را پسری هست که او را زنی نبوده و همه چیز را آفریده و همو به همه چیز داناست۱۰۲ این خدای یکتاست که پروردگار شماست، خدایی جز او نیست خالق همه چیز است او را بپرستید که عهده دار همه چیز است۱۰۳ دیدگان دریافت او نمی کنند ولی او دیدگان را دریافت می کند که ناپیدا و داناست۱۰٤ از پروردگارتان بصیرت ها سوی شما آمده، هر که بدیده برای خویش دیده و هر که کور بوده به ضرر خویش بوده و من نگهبان شما نیستم۱۰۵ بدین سان آیه ها را گوناگون می کنیم که نگویند درس گرفته- ای و آن را برای گروهی که دانایند، بیان می کنیم۱۰٦ پیرو آن چیزها باش که از پروردگارت به تو وحی آمده که خدایی جز او نیست و از مشرکان روی بگردان۱۰۷ اگر خدا می خواست، شرک نمی آوردند، ما تو را نگهبان آنها نکرده ایم و عهده دار امور آنها نیستی۱۰۸ کسانی را که غیر خدا می خوانند، دشنام مگویید که از دشمنی و نادانی خدا را دشنام گویند، بدین سان برای هر امتی عملشان را بیاراستیم و عاقبت بازگشت آنها به سوی پروردگارشان است و از اعمالی که می کرده اند خبرشان می دهد۱۰۹ به خدا، قسم های موکد خورده اند که اگر معجزه ای سوی آنها بیاید بدان مؤمن می شوند، بگو معجزه ها فقط نزد خداست، شما چه می دانید که چون معجزه ای بیاید، ایمان نمی آورند۱۱۰ دلها و دیده هایشان را دگرگون می کنیم چنانکه نخستین بار ایمان نیاوردند، و در طغیانشان رهاشان می کنیم که کوردل بمانند۱۱۱ اگر فرشتگان را بر آنها نازل کنیم و مردگان با ایشان سخن گویند و همه چیز را گروه گروه نزد آنها جمع آوریم، بدان ایمان بیار نباشند، مگر آنکه خدا بخواهد، ولی بیشترشان نمی دانند۱۱۲ بدین گونه هر پیغمبری را دشمنی نهادیم و دیو نهادان انس و جن گفتار آراسته به یکدیگر القا می کنند، برای فریب اگر پروردگار تو می خواست چنین نمی- کردند پس ایشان را با چیزهایی که می سازند واگذار۱۱۳ و هم برای آنکه قلوب کسانی که به آخرت ایمان ندارند به آن [گفتار آراسته] مایل شود و آن را بپسندند و آنچه کردنیند بکنند۱۱٤ چگونه جز خدا داوری بجویم و اوست که این کتاب را جزء به جزء به شما نازل کرده و کسانی که کتابشان داده ایم دانند که قرآن به حق از پروردگار تو نازل شده پس به هیچ وجه از دو دلان مباش۱۱۵ و گفتار پروردگار تو از روی راستی به انجام رسید، کلمات وی تغییر پذیر نیست که او شنوا و داناست۱۱٦ اگر اکثر مردم این سرزمین را اطاعت

کنی تو را از راه خدا گمراه خواهند کرد که جز کمان را پیروی نمی کنند و جز تخمین نمی زنند۱۱۷ پروردگار تو بهتر داند کی از راه او به ضلال می رود و هم او هدایت شدگان را بهتر می شناسد۱۱۸ اگر به آیه های خدا ایمان دارید از ذبحی که نام وی بر آن یاد شده بخورید۱۱۹ چرا از ذبحی که نام خدا بر آن یاد شده نمی-خورید که خدا آنچه را به شما حرام کرده برایتان شرح داده؛ جز آنچه بدان ناچار شده اید؛ و خیلی ها به هوسهای خویش بدون علم گمراه می شوند که خدای تو تجاوزگران را بهتر می شناسد۱۲۰ گناه ظاهر و نهان را واگذارید کسانی که گناه می کنند به زودی سزای اعمالی را که می کرده اند خواهند دید۱۲۱ از ذبحی که نام خدا بر آن یاد نشده مخورید که عصیان است دیو نهادان به دوستان خویش القا می کنند تا با شما مجادله کنند، اگر اطاعتشان کنید مشرک خواهید بود۱۲۲ آن کس که مرده بود و زنده اش کرده ایم و برای او نوری قرار داده ایم که به کمک آن میان مردم راه می رود، با کسی که صفت وی در ظلمات [بودن] است و از آن بیرون شدنی نیست، چگونه مانند تواند بود. بدین سان، برای کسانی که کافر شده اند اعمالی که می کرده اند آرایش یافته است۱۲۳ بدین سان در هر دهکده ای بزرگانی نهادیم که بدکاران آنند، تا در آن نیرنگ [و فساد] کنند و جز با خودشان نیرنگ نمی کنند ولی نمی فهمند۱۲٤ و چون آیه ای سویشان آید، گویند: هرگز ایمان نیاریم مگر نظیر آنچه پیغمبران را داده اند به ما نیز دهند. خدا بهتر داند که پیغمبری خویش کجا نهد. کسانی که به گناه پرداخته اند به زودی نزد خدا برای آن نیرنگ ها که می کرده اند خفتی و عذابی سخت به آنها میرسد۱۲۵ هر که را خدا خواهد هدایت کند، سینه او را برای اسلام آوردن بگشاید و هر که را خواهد گمراه کند، سینه اش را تنگ کند و سخت گویی به آسمان خواهد رفت، بدین سان خدا بر کسانی که ایمان نمی آورند ناپاکی می نهد۱۲٦ راه راست پروردگار تو این است و به راستی ما این آیه ها را برای کسانی که اندرز میگیرند شرح داده ایم۱۲۷ آنها در پیشگاه پروردگارشان سرای سلامت دارند و همو به پاداش کارهایی که می کرده اند دوست دار ایشان است۱۲۸ روزی که همگی را محشور کند (و گوید) ای گروه جنیان ! از آدمیان [تابعان] بسیار یافتید دوستان ایشان از آدمیان گویند: پروردگارا ما از یکدیگر برخوردار شده و به مدتی که برای ما تعیین کرده بودی رسیده ایم، گوید: جای شما جهنم است که در آن جاوید باشید مگر آنچه خدا خواهد، که پروردگار تو فرزانه و داناست۱۲۹ بدین سان، بعضی ستمگران را به سزای اعمالی که می کرده اند، به بعض دیگر وامی گذاریم۱۳۰ ای گروه جنیان و آدمیان! مگر پیغمبرانی از خودتان سوی شما نیامدند که آیه-های ما را برای شما می خواندند و شما را به دیدار این روزتان بیم می دادند، گویند: علیه خویش گواهی میدهیم. زندگی دنیا فریبشان داده بود و علیه خویش گواهی دهند که کافر بوده اند۱۳۱ برای آنکه پروردگارت این دهکده ها را در آن حال که مردمش بی خبر بودند به سزای ستمی هلاک نمی کرد۱۳۲ همه را از آن عملها که کرده اند مرتبت هاست و پروردگار تو از اعمالی که می کنند بی خبر نیست۱۳۳ پروردگار تو بی

نیاز و رحمت دار است اگر خواهد شما را ببرد و از پی شما هر که را خواهد جانشین تان کند، چنان که شما را از نژاد گروهی دیگر ایجاد کرد۱۳٤ عذابی که به شما وعده می دهند آمدنیست و شما فرار نتوانید کرد۱۳٥ بگو ای قوم! شما به جای خویش عمل کنید که من نیز عمل می کنم بزودی خواهید دانست که عاقبت آن سرای، کراست که ستمگران رستگار نمی شوند. ۱۳٦ برای خدا از مخلوقات وی، از کشت و حیوانات نصیبی نهادند، گفتند این از خداست، به پندار ایشان. و این از شرکای [عبادت] ماست، آنچه از شرکای آنهاست به خدا نمیرسد. اما آنچه از خداست به شرکای آنها می رسد چه بد است، حکمی که می کنند.۱۳۷ بدینسان، بسیاری از مشرکان، شرکای [عبادت] شان کشتن فرزندانشان را برای ایشان بیاراستند، تا هلاکشان کنند و دینشان را برایشان مشوش کنند اگر خدا می خواست، این کار را نمی کردند، پس آنها را با دروغ هایی که می سازند واگذار.۱۳۸ گویند این حیوانات و کشتی است که فرق است که هیچ کس جز آنکه ما خواهیم از آن نخورد و (این) حیواناتیست که گرده آن حرام شده و (این) حیواناتیست که نام خدا را هنگام سواری بر آن یاد نمی کنند، به خدا افترا می- زنند و خدا برای آن افتراها که می زده اند، سزایشان را خواهد داد۱۳۹ و گویند: آنچه در شکم این حیوانات هست، خاص مردان ماست و بر همسران ما حرامست، و اگر مرده باشد، همه در آن شریکند، به زودی خدا سزای وصف (ناحق) کردنشان را می دهد که او فرزانه و داناست۱٤۰ به راستی همه کسانی که فرزندان خویش را از کم خردی و بی دانشی کشته و آنچه را خدا روزیشان کرده با افترا زدن به خدا حرام شمرده اند زیان کرده اند، به راستی گمراه شده و هدایت یافتگان نبوده اند۱٤۱ اوست، که باغهای چفته زده و چفته نزده و نخل و کشت، که میوه آن مختلف است، و زیتون و انار مانند و غیر مانند آفریده از میوه آن چون میوه آرد، بخورید و زکات آن را هنگام چیدنش بدهید و اسراف مکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد۱٤۲ و از حیوانات باربردار و کره [پدید کرد] از آنچه خدا روزیتان کرده بخورید و دنبال شیطان مروید که وی برای شما دشمنی آشکار است۱٤۳ هشت لنگه [حیوان] دو میش [نر و ماده] و دو بز[نر و ماده] بگو آیا دو نر حرام شده یا دو ماده و یا آنچه در رحم دو ماده جای گرفته؟ اگر راست گویید مرا از روی علم خبر دهید۱٤٤ و دو شتر[نر و ماده] و دو گاو[نر و ماده] بگو آیا دو نر حرام شده یا دو ماده یا آنچه در رحم دو ماده جای گرفته مگر آن دم که خدا به این حکم سفارشتان می کرد، شما گواه بوده اید ستمگرتر از آنکه دروغی بر خدا ببندد که از بی دانشی، مردم را گمراه کند کیست، که خدا گروه ستمگران را هدایت نمی کند۱٤٥ بگو در احکامی که به من وحی شده چیزی را که غذا خوار تواند خورد حرام نمی یابم مگر آنکه مرداری باشد یا خون ریخته شده یا گوشت خوک«که آن پلیدست» یا [ذبح] خلاف شرعی که نام غیر خدا بر آن یاد شده و هر که ناچار باشد نه متجاوز یا افراط کار[و بخورد] پروردگار تو آمرزگار و رحیم است۱٤٦ به کسانی که یهودند هر ناخن داری را حرام کرده ایم و از گاو و گوسفند نیز پیه شان به ایشان حرام کرده ایم، جز آنچه بر پشت

آن یا با معا باشد یا به استخوان پیوسته باشد، به جرم سرکشی کردنشان چنین سزایشان داده ایم و ما راستگو یانیم۱٤۷ اگر تو را تکذیب کنند بگو پروردگارتان رحمتی وسیع دارد و صلابت وی از گروه مجرمان دفع نخواهد شد۱٤۸ کسانی که شرک آورده اند، خواهند گفت اگر خدا می خواست، نه ما و نه پدرانمان، شرک نمی آوردیم و چیزی را حرام نمی کردیم، کسانی که پیش از آنها بودند، نیز چنین تکذیب کردند تا صلابت ما را چشیدند، بگو مگر پیش شما دانشی هست که آن را به ما آشکار کنید! شما جز پیروی گمان نمی کنید و جز تخمین نمیزنید۱٤۹ بگو دلیل رسا خاص خداست و اگر می خواست شما را یکسره هدایت کرده بود۱٥۰ بگو گواهان خویش را که گواهی میدهند، خدا این را حرام کرده بیارید، اگر گواهی دادند با آنها گواهی مده و هوس های کسانی را که آیه های ما را تکذیب می کنند و کسانی که به آخرت ایمان ندارند و برای پروردگار خویش همتا می گیرند، پیروی مکن۱٥۱ بگو بیایید آنچه را پروردگارتان به شما حرام کرده، بخوانم اینکه: چیزی را با او شریک مکنید و با پدر و مادر، نیکی کنید و فرزندان خویش را از بیم فقر مکشید که ما شما و آنها را روزی می دهیم، و به کارهای زشت آنچه عیان است و آنچه نهان است، نزدیک مشوید و تنی را که خدا محترم داشته جز به حق مکشید اینهاست که خدا شما را بدان سفارش کرده است شاید خردوری کنید۱٥۲ به مال یتیم نزدیک مشوید جز به طریقی که نیکوتر است تا وی به قوت خویش رسد، پیمانه و وزن را به انصاف تمام دهید «ما هیچ کس را، مگر به اندازه توانش مکلف نمی کنیم» چون سخن گویید دادگر باشید و گرچه [برعلیه] خویشاوند باشد. به پیمان خدا وفا کنید اینهاست که خدا شما را بدان سفارش کرده است شاید اندرز گیرید۱٥۳ این راه من است یک راست پس پیرو آن شوید و به راههای [دیگر] مروید که شما را از راه وی پراکنده کند، اینهاست که خدا شما را بدان کرده است، شاید پرهیزکاری کنید۱٥٤ و باز موسی را آن کتاب دادیم کامل، برای کسی که نکو فهم کند، و شرح همه چیز و هدایت و رحمت، شاید آنها به بازگشت سوی پروردگار خویش ایمان بیارند۱٥٥ و این کتابی است پر برکت که نازلش کرده ایم، پیرو آن شوید و پرهیزکاری کنید شاید شما را رحمت کنند۱٥٦ تا نگویید: کتاب آسمانی فقط بر دو دسته پیش از ما نازل شده و گرچه ما از خواندن آن غافل بوده ایم۱٥۷ و تا نگویید: اگر کتاب آسمانی به ما نازل شده بود، بهتر از آنها هدایت می شدیم، اینک حجتی از خدایتان با هدایت و رحمت، سوی شما آمده، ستمگرتر از آنکه آیه های خدا را تکذیب کند و از آن رو بگرداند کیست بزودی کسانی را که از آیه های ما روی گردانند برای آنکه روی می گردانیده اند، عذاب سخت، سزا می دهیم۱٥۸ مگر انتظاری دارند جز اینکه فرشتگان سویشان آیند یا [فرمان] پروردگارت بیاید، یا بعضی نشانه های پروردگارت بیاید! روزی که بعضی نشانه های پروردگارت بیاید، کسی که از پیش ایمان نیاورده یا در[مدت] ایمان خویش کار خیری نکرده، ایمان آوردنش سودش ندهد. بگو منتظر باشید که ما نیز منتظریم۱٥۹ کسانی که دین خویش پراکنده کردند و گروه گروه شدند، کاری به آنها

نداری کار ایشان فقط با خداست که عاقبت از آنچه می کرده اند خبرشان می دهد۱٦۰ هر کس نیکی ای بیارد، ده برابر آن دارد و هرکس بدی ای بیارد جز برابر آن، سزایش ندهند و ستمشان نکنند۱٦۱ بگو پروردگارم مرا به راهی راست هدایت کرده که دینی برقرار، آیین معتدل ابراهیم است که از مشرکان نبود۱٦۲ بگو نماز و عبادت و زندگی و مرگ من از خدا، پروردگار جهانیان، است۱٦۳ وی را شریک نیست چنین مأمور شده ام و من مسلمان نخستینم۱٦٤ بگو چگونه جز خدای یکتا پروردگاری بجویم که او پروردگار همه چیز است هیچ کس کار[بد] ی جز بر ضرر خویش نمی کند و هیچ بار برداری بار [گناه] دیگری برنمی دارد. و عاقبت بازگشت شما سوی پروردگارتان است و شما را از چیزهایی که در آن اختلاف داشته اید خبر می دهد اوست که شما را جانشینان این سرزمین کرده و بعضیان را به مرتبت بالای بعض دیگر برده تا درباره چیزهایی که به شما داده آزمایشتان کند که پروردگار تو سریع مجازاتست و هم او آمرزگار و رحیم است. ۱٦٥

سوره اعراف ۷

سوره اعراف، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

الف، لام میم، صاد۱ این کتابیست که به تو نازل شده در سینه ات از (تبلیغ) آن ملال نباشد، تا بدان بیم دهی و اندرزی برای مؤمنان است۲ چیزی را که از پروردگارتان به شما نازل شده پیروی کنید و جز آن پیرو دوستان مشوید، چه کمست اندرزی که می گیرید۳ بسا دهکده ها که هلاکشان کردیم و صلابت ما هنگام شب یا موقع خواب نیمروز به آنها رسید٤ و آن دم که صلابت ما به ایشان رسید، ادعایشان جز این نبود که گفتند: ما ستمگران بوده ایم٥ از کسانی که پیغمبر سوی آنها فرستاده شده بود پرسش می کنیم و از فرستادگان نیز پرسش می کنیم٦ و برای آنها از روی اطلاع نقل می کنیم که ما غایب نبوده ایم۷ آن روز وزن کردن درست انجام می شود هر که اعمال وزن شده اش گران باشد آنها، خودشان رستگارانند۸ و هر که اعمال وزن شده-اش سبک باشد، آنها کسانی هستند که خویشتن را خسارت زده اند برای آنکه به آیه های ما ستم می کرده اند۹ شما را در زمین مکان داده ایم و در آنجا برای شما معیشت ها قرار داده ایم، ولی سپاسی که می دارید اندک است۱۰ شما را بساختیم آنگاه نقش بندینان کردیم سپس به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید همه سجده کردند مگر ابلیس که از سجده کنان نبود۱۱ گفت: مانعت چه بود که وقتی به تو فرمان دادم سجده نکردی؟ گفت من از او بهترم مرا از آتش آفریده ای و او را از گل آفریده ای۱۲ گفت: از آسمان فروشو که در اینجا بزرگی کردن حق تو نیست برون شو که تو از حقیرانی۱۳ گفت: مرا روزی که از نو زنده می شوند مهلت بده۱٤

گفت مهلت خواهی یافت۱۵ گفت: برای این ضلال که مرا [نصیب] داده ای، در راه راست تو برای آنها [کمین] می نشینم۱۶ آنگاه از جلو و رویشان و از پشت سرشان و از راستشان و از چپشان به آنها می تازم و بیشترشان را سپاس دار نخواهی یافت۱۷ گفت: از آسمان برون شو، مذموم و مطرود. هر که از آنها پیروی تو کند، جهنم را از همه شما لبریز می کنم۱۸ وای آدم! تو و همسرت در این بهشت آرام گیرید و از هر جا خواستید بخورید، و به این درخت نزدیک مشوید که از ستمگران می شوید۱۹ شیطان وسوسه شان کرد، تا عورت-هایشان را که پنهان بود بر آنها نمودار کند و گفت: پروردگارتان، شما را از این درخت منع نکرد، مگر از بیم اینکه دو فرشته شوید، یا از زندگان جاوید باشد. و برای آنها سوگند خورد که من خیرخواه شمایم۲۰ و برای هر دو سوگند سخت و استوار یاد کرد که یقیناً من برای شما از خیر خواهانم. ۲۱ به فریبی سقوطشان داد و چون از آن درخت بخوردند عورتهایشان در نظرشان نمودار شد، و بنا کردند از برگهای بهشت به خودشان بچسبانند و پروردگارشان به آنها بانگ زد مگر من از این درخت منعتان نکردم و به شما نگفتم که شیطان دشمن آشکار شماست۲۲ گفتند پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نیامرزی و رحمان نکنی از زیان کاران خواهیم بود۲۳ گفت: چنین که دشمن همدیگرید پایین روید و شما را در زمین تا زمانی قرارگاه و برخورداریست۲٤ گفت: در آنچه زندگی می کنید و در آنجا می میرید و از آنجا برون آورده می شوید۲۵ ای پسران آدم! برای شما لباسی نازل کرده ایم که عورت های شما را می پوشاند و لباس زینت و لباس تقوا [نیز نازل کرده ای] این بهتر است، این از آیه های خداست، شاید ایشان اندرز گیرند۲٦ ای پسران آدم! شیطان فریب تان ندهد، چنانکه پدر و مادرتان را که لباسشان را از تنشان کنده بود تا عورت شان را در نظرشان نمودار کند، از بهشت بیرون کرد. او با سپاهش از آنجا که نمی بینیدشان شما را می بینند. ما شیطان ها را دوستان کسانی که ایمان ندارند قرار داده ایم۲۷ و چون کار بدی کنند گویند: پدران خویش را بر آن یافته ایم و خدا ما را بدان فرمان داده است، خدا به کار زشت فرمان نمی دهد، چرا درباره خدا چیزها گویید که نمی-دانید ۲۸ بگو پروردگار من به انصاف کردن فرمان داده که هنگام هر نماز توجه خویش کامل کنید و او را بخوانید و دین خاص او کنید چنان که شما را در آغاز پدید کرده باز زنده می شوید ۲۹ گروهی را هدایت کرده و گروهی دیگر ضلالت بر آنها محقق گشته که آنها به غیر خدا شیطان ها را دوستان گرفته اند و پندارند هدایت یافتگانند۳۰ ای پسران آدم! در هر عبادتگاهی جامه خویش به تن کنید بخورید و بنوشید و اسراف مکنید که خدا اسراف کاران را دوست ندارد۳۱ بگو: کی جامه ای را که خدا برای بندگان خویش پدید آورده یا روزهای پاکیزه حرام کرده است، بگو این چیزها در زندگی دنیا متعلق به کسانی است که ایمان آورده اند و در روز قیامت خاص ایشان است. بدینسان آیه ها را برای مردمی که دانا هستند شرح می دهیم۳۲ بگو پروردگار من همه کارهای زشت را، آنچه عیان است و آنچه نهان است حرام کرده، و گناه و سرکشی به

ناحق را و اینکه چیزهایی را که دلیلی درباره آن نازل نشده شریک خدا پندارید و اینکه راجع به خدا چیزها که نمی دانید گویید [همه را حرام کرده] ۳۳ هر امتی را مدتی هست و چون مدت شان به سر آید نه ساعتی موخر شوند و نه مقدم شوند۳٤ ای پسران آدم! اگر پیغمبرانی از خودتان سوی شما آیند که آیه های مرا بر شما بخوانند، هر که پرهیز کاری کند و به صلاح آید، نه بیمی دارند و نه غمگین شوند۳٥ و کسانی که آیه-های ما را تکذیب کرده و از آن گردن کشیده اند آنها اهل جهنمند، و خودشان در آن جاودانند۳٦ ستمگرتر از آنکه دروغی درباره خدا بسازد کیست؟ آنها نصیب مقرر خویش دارند وقتی فرستادگان ما سوی ایشان روند که جانشان بگیرند گویند: آن چیزها که غیر خدا می خوانده اید کجاست؟ گویند: آنها نابود شده اند و بر علیه خویش گواهی دهند که کافر بوده اند۳۷ [خدا] گوید: با گروه های جن و انس که پیش از شما در گذشته اند، به جهنم درون شوید. وقتی گروهی درون شود، گروه هم عقیده خویش را لعنت کند و چون همگی در آنجا مجتمع شوند، پیروانشان راجع به پیشروانشان گویند: پروردگارا! اینها ما را به گمراهی کشیدند عذاب ایشان را از جهنم دو چندان کن، گوید: همه را [عذاب] دو چندان است ولی شما نمی دانید۳۸ پیشروانشان به پیروانشان گویند: شما را به ما برتری نبود، اینک به سزای اعمالی که می کرده اید این عذاب را تحمل کنید۳۹ کسانی که آیه های ما را تکذیب کرده و از آن گردن کشیده اند، درهای آسمان را بر آنها نگشایند و به بهشت درون نشوند تا طناب کشتی به سوراخ سوزن در شود. و بدکاران را چنین سزا می دهیم٤۰ از آتش بستری دارند و رویشان پوشش ها [ی آتش] است و ستمگران را چنین سزا می دهیم٤۱ و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند؛ هیچ کس را جز به اندازه توانش مکلف نکنیم آنها اهل بهشتند و خودشان در آن جاودانند٤۲ کینه ای که در سینه هایشان بوده برون کرده ایم در جایگاهشان جوی ها روانست گویند: ستایش خدایی را که ما را به این [نعمت] رهبری کرد که ما، اگر خدایمان رهبری نکرده بود راه نمی یافتیم. راستی پیغمبران پروردگار ما به حق آمده بودند و ندایشان کنند که این بهشت ها را، به پاداش اعمالی که می کرده اید، به دست آورده اید٤۳ اهل بهشت، به اهل جهنم بانگ زنند که ما وعده پروردگار خویش را درست یافتیم آیا شما نیز وعده پروردگارتان را درست یافتید گویند: آری، پس بانگ زنی میان آنها بانگ زند که لعنت خدا بر ستمگران باد٤٤ همان کسان که از راه خدا باز می دارند و آن را منحرف می خواهند و خودشان آخرت را منکرند٤٥ میان جهنمیان و بهشتیان حایلی هست و بالای آن مردمانند که همه [کسان] را به علائمشان می شناسند و اهل بهشت را ندا دهند که سلام بر شما! اینان به بهشت در نیامده اند اما طمع آن می دارند٤٦ و چون دیدگانشان به سوی اهل جهنم بگردد، گویند: پروردگارا! ما را قرین ستمگران مکن٤۷ مردم بالای حایل، مردانی را که به علائمشان می شناسند، ندا دهند و گویند: جماعت شما و آن تکبر که می کردید کاری برای شما نساخت٤۸ همین ها بودند که قسم می خوردید رحمت خدا به آنها نمی رسد شما [تحقیر شدگان] به بهشت درون شوید که

نه بیمی دارید و نه غمگین می شوید٤٩ و اهل جهنم اهل بهشت را ندا زنند که از آن آب یا از آن چیزها که خدا روزیتان کرده برای ما بریزید گویند: خدا آن را برای کافران حرام کرده است٥٠ همان کسان که دین خویش را سرگرمی و بازیچه گرفتند و زندگی دنیا فریبشان داد امروز ایشان را به فراموشی می سپاریم چنانکه دیدار امروزشان را فراموش کردند و برای اینکه آیه های ما را انکار می کردند٥١ کتابی سوی آنها بیاوردیم که آن را از روی علم شرح داده ایم و برای گروهی که باور می دارند مایه هدایت و رحمت است٥٢ مگر جز انجام [آیه های] آن، انتظاری می برند! روزی که وقت انجام شدن آن بیاید، کسانی که از پیش آن را به فراموشی سپرده اند گویند: فرستادگان پروردگار ما به حق آمده بودند، آیا شفیعانی داریم که شفاعت ما کنند یا بازگشت یابیم و عمل جز آنچه می کرده ایم کنیم. به خویشتن زیان زدند و آن دروغها که می ساختند به نابودی کشید٥٣ پروردگار شما، خدایست که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس به عرش پرداخت روز را به شب همی پوشاند که با شتاب از پی آن می رود و خورشید و ماه به فرمان وی به خدمت درند. بدانید که آفرینش و فرمان از اوست. بزرگست خدای یکتا، پروردگار همه جهانیان٥٤ پروردگار خویش را به زاری و نهانی بخوانید که وی متجاوزان را دوست ندارد٥٥ در زمین از پس اصلاح آن، فساد مکنید و خدا را با بیم و امید بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است٥٦ اوست که بادها را پیشاپیش رحمت خویش نویدی می فرستد و چون باد برای گرانبار بردارد، آن را به سرزمینی موات برانیم و آب از آن فرود آوریم و با آب همه گونه میوه ها پدید کنیم. مردگان را نیز چنین زنده می کنیم، شاید شما اندرز گیرید٥٧ سرزمین پاکیزه گیاه آن به فرمان پروردگارش درآید و آن زمین که ناپاکست [گیاه آن] جز به سختی در نیاید. بدین سان، آیه ها را برای گروهی که سپاس می دارند گوناگون میکنیم٥٨ به راستی، نوح را به سوی قومش فرستادیم و گفت: ای قوم خدای یکتا را که جز او خدایی ندارید بپرستید که من از عذاب روزی بزرگ برای شما بیمناکم٥٩ بزرگان قوم وی گفتند: ما تو را در ضلالتی آشکار می بینیم٦٠ گفت: ای قوم من در ضلالت نیستم، بلکه پیغمبری از پروردگار جهانیانم٦١ که پیغام های پروردگار خویش به شما می رسانم و شما را نصیحت می کنم و از خدا چیزها می دانم که شما نمی دانید٦٢ مگر شگفت دارید که شما را از پروردگارتان، به وسیله مردی از خودتان، تذکاری آمده تا شما را بیم دهد، پرهیزکاری کنید، شاید رحمت ببینید٦٣ پس او را تکذیب کردند و وی را با کسانی که همراهش بودند، در کشتی نجات دادیم و کسانی را که تکذیب آیه های ما کرده بودند، غرق کردیم که آنها گروهی کور دل بودند٦٤ و به قوم عاد برادرشان هود را [فرستادیم] گفت: ای قوم! خدای یکتا را که جز او خدایی ندارند بپرستید، چرا پرهیزکاری نمی کنید٦٥ بزرگان قوم وی که کافر بودند، گفتند ما تو را دست خوش سفاهت می بینیم و از دروغگویانت می پنداریم٦٦ گفت ای قوم من سفیه نیستم بلکه پیغمبری از پروردگار جهانیانم٦٧ که پیغام های پروردگار خویش به شما می رسانم و برای شما

نصیحت گویی امینم۶۸ مگر شگفت دارید که شما را از پروردگارتان به وسیله مردی از خودتان تذکاری آمده تا شما را بیم دهد! به یاد آرید آن دم که شما را از پس قوم نوح جانشین [آنها] کرد و جثه های شما را درشت آفرید، نعمت های خدا را یاد کنید شاید رستگار شوید۶۹ گفتند: مگر سوی ما آمده ای تا خدا را به تنهایی بپرستیم و آنچه را پدران ما می پرستیده اند واگذاریم. اگر راست می گویی عذابی را که وعده می دهی بیار ۷۰ گفت عذاب و غضب پروردگارتان بر شما وقوع یافت. چرا درباره نامهایی که شما و پدرانتان ساخته اید و خدا در مورد آن دلیلی نازل نکرده، با من مجادله می کنید! منتظر باشید که من نیز با شما منتظر می مانم۷۱ پس او را با کسانی که همراه وی بودند به رحمت خویش نجات دادیم و بنیاد کسانی را که آیه های ما را تکذیب کرده بودند و مؤمن نبودند، قطع کردیم۷۲ و به قوم ثمود و برادرشان صالح را [فرستادیم] گفت: ای قوم خدای یکتا را که جز او خدایی ندارید بپرستید شما را از پروردگارتان حجتی آمده، این شتر خداست که معجزه ای برای شماست، بگذاریدش در زمین خدا چرا کند و بدی به او نرسانید که به عذابی الم انگیز دچار می شوید۷۳ زمانی را که پس از قوم عاد شما را جانشین [آنها] کرد و او را در این سرزمین جایتان داد که در دشت های آن کوشک ها می سازید و از کوهها خانه ها می تراشید به یاد آرید. نعمتهای خدا را به یاد آرید و در این سرزمین به فساد مکوشید۷۴ بزرگان قوم وی که گردن کشی کرده بودند به کسانی که زبان شمار می رفتند به آنهائیشان که مؤمن شده بودند، گفتند: شما چه می دانید که صالح پیغمبر پروردگار خویش است گفتند: ما به آئینی که وی را به [ابلاغ] آن فرستاده اند، مؤمنیم۷۵ کسانی که گردن کشی کرده بودند گفتند: ما آئینی را که شما بدان گرویده اید منکریم۷۶ پس شتر را بکشتند و از فرمان پروردگار خویش سرپیچیدند و گفتند: ای صالح! اگر تو پیغمبری، عذابی را که به ما وعده می کنی بیار۷۷ پس دچار زلزله شدند و در خانه خویش بیجان شدند۷۸ آنگاه از آنها دور شد و گفت: ای قوم! من پیغام پروردگار خویش را به شما رسانیدم ولی شما نصیحت گویان را دوست ندارید۷۹ و لوط را [فرستادیم] که به قوم خویش گفت: چرا این کار زشت می کنید که هیچیک از جهانیان پیش از شما نکرده اند۸۰ شما از روی شهوت به جای زنان به مردان رو می کنید که شما گروهی عصیان پیشه اید۸۱ پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: از دهکده خویش بیرونشان کنید که اینان مردمی پاکیزه خویند۸۲ پس او را با کسانش نجات دادیم مگر زنش که قرین بازماندگان بود۸۳ وبارانی [عجیب] بر آنها بباراندیم بنگر عاقبت بدکاران چسان بود۸۴ و به مردم مدین برادرشان شعیب [فرستادیم] که گفت: ای قوم! خدای یگانه را که جز او خدایی ندارید بپرستید برهانی از پروردگارتان سوی شما آمده، پیمانه و وزن را تمام دهید و چیزهای مردم را کم مدهید و در این سرزمین پس از اصلاح آن فساد مکنید. این اگر باور داشته باشید برای شما بهتر است۸۵ بر سر راهها منشینید که مردم را بترسانید و کسی را به خدا ایمان آورده از راه او باز دارید و آن را منحرف خواهید و زمانی را که اندک بودید و خدا بسیارتان کرد، به یاد

آرید و بنگرید، سر انجام تباهکاران چسان بود٨٦ اگر گروهی از شما به این آیین که برای [ابلاغ] آن مبعوث شده ام، ایمان آورده اند و گروهی ایمان نیاورده اند صبر کنید تا خدا میان ما داوری کند که او بهترین داوران است٨٧ بزرگان قوم وی که گردن کشی می کردند گفتند: ای شعیب! تو را با کسانی که به تو ایمان آورده اند از دهکده خویش بیرون می کنیم یا به آیین ما باز گردید. گفت: و گر چه نفرت داشته باشیم٨٨ اگر از پس آنکه خدا ما را از آیین شما رهایی داده بدان بازگردیم درباره خدا دروغی ساخته ایم ما را نسزد که بدان باز گردیم، مگر خدا پروردگارمان بخواهد که دانش پروردگار ما به همه چیز رساست و ما کار خویش به خدا وا گذاشته- ایم پروردگارا! میان ما و قوممان به حق داوری کن که تو بهترین داورانی٨٩ بزرگان قوم وی که کافر بودند گفتند: اگر شعیب را پیروی کنید زیان خواهید دید٩٠ و زلزله [گریبان] ایشان را بگرفت. و در خانه خویش بیجان شدند٩١ گویی کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند هرگز در آن نبوده اند و کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند، خودشان زیان کاران بودند٩٢ آنگاه از آنها دور شد و گفت: ای قوم! من پیغام های پروردگار خویش به شما رسانیدم و نصیحتتان کردم، چگونه برای گروهی که کفر می ورزیدند اندوه خورم٩٣ در هیچ دهکده ای پیغمبری نفرستادیم مگر مردم آن را به سختی و بیماری دچار کردیم شاید زاری کنند٩٤ آنگاه به جای بدی خوبی آوردیم تا فزونی گرفتند و گفتند: بیماری و سختی [فقط] به پدران ما می رسید پس ناگهان در آن حال که بی خبر بودند ایشان را بگرفتیم٩٥ اگر مردم آن دهکده ها ایمان آورده و پرهیزکاری کرده بودند برکت های آسمان را به آنها می گشودیم ولی تکذیب کردند و ما نیز آنها را به اعمالی که میکردند مؤاخذه کردیم٩٦ مگر مردم این دهکده ها ایمنند که عذاب ما شبانه، هنگامی که در خوابند سوی آنها بیاید٩٧ مگر مردم این دهکده ها ایمنند که عذاب ما نیمروز هنگامی که بازی می کنند سوی آنها بیاید! ٩٨ مگر از تدبیر خدای ایمن شده اند که جز گروه زیان کاران از تدبیر خدا ایمن نمی شوند٩٩ مگر برای کسانی که این سرزمین را از پس هلاک مردمش به میراث برده اند و روشن نشده که اگر خواهیم سزای گناهانشان را به آنها می رسانیم و بر دلهایشان مهر می نهیم تا شنیدن نتوانند١٠٠ این دهکده هاست که ما خبرهای آن بر تو می خوانیم پیغمبرانشان با حجت ها سویشان آمدند و به آن چیزها که قبلا به تکذیب آن پرداخته بودند، ایمان نیاوردند، بدین سان خدا بر دلهای کافران مهر می نهد١٠١ غالب آنها را به پیمانی پابند نیافتیم، ولی بیشترشان را عصیان پیشگان یافتیم١٠٢ از پس آنها موسی را با آیه های خویش به فرعون و بزرگان او فرستادیم که درباره آن ستم کردند. بنگر سرانجام تباهکاران چسان بود١٠٣ موسی گفت: ای فرعون! من فرستاده پروردگار جهانیانم١٠٤ مرا نسزد که درباره خدا جز حق بگویم. برای شما معجزه ای از پروردگارتان آورده ام، بنابراین پسران اسرائیل را با من بفرست١٠٥ گفت: اگر راست می گویی و معجزه ای آورده ای، آن را بیار١٠٦ پس عصای خویش بیفکند که در دم اژدهایی بزرگ شد١٠٧ و دست خویش برون آورد که به دیده بینندگان سفید

می نمود۱۰۸ بزرگان قوم فرعون گفتند: راستی این جادوگری ماهر است۱۰۹ که می خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کند، اینک چه رأی می دهید۱۱۰ گفتند: او را و برادرش را نگهدار و مامورین جمع آوری به شهرها فرست۱۱۱ تا همه جادوگران ماهر را پیش تو آرند۱۱۲ جادوگران نزد فرعون آمدند و گفتند: اگر ما غالب شدیم آیا مزدی خواهیم داشت؟۱۱۳ گفت آری و شما از مقربان خواهید بود۱۱٤ گفتند: ای موسی! نخست تو [عصای] خویش میافکنی یا ما [ابزار خویش] بیفکنیم۱۱۵ گفت:[نخست] شما بیفکنید و چون [ابزار جادوی خود] بیفکندند دیدگان مردم را مسحور کردند و به رعبشان انداختند که جادویی بزرگ آورده بودند۱۱٦ به موسی وحی کردیم که عصای خویش بیفکن! و همان دم چیزهایی را که ساخته بودند بلعیدن گرفت۱۱۷ و حق آشکار شد و آنچه کرده بودند بیهوده گشت۱۱۸ در آنجا مغلوب شدند و خفت زده بازگشتند۱۱۹ و جادو-گران سجده کنان خاکسار شدند۱۲۰ گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان داریم۱۲۱ که پروردگار موسی و هارون نیز هست۱۲۲ فرعون گفت: چرا، از آن پیش که به شما اجازه دهم، بدو ایمان آوردید. این نیرنگی است که در شهر اندیشیده اند تا مردمش را از آن بیرون کنید، و زود باشد که بدانید۱۲۳ محققاً دستها و پاهایتان را به عکس یکدیگر می برم، آنگاه شما را جملگی بردار می کنم۱۲٤ گفتند: ما به سوی پروردگار خویش بازگشت می کنیم۱۲۵ از ما گله ای نداری مگر اینکه وقتی، آیه های پروردگارمان سوی ما آمده، بدان ایمان آورده ایم: پروردگارا! صبری به ما عطا کن و ما را مسلمان بمیران۱۲٦ بزرگان قوم فرعون گفتند: چرا موسی و قوم او را می گذاری که در این سرزمین فساد کنند و تو را و خدایانت را واگذارند؟ گفت: پسرانشان را خواهیم کشت و زنانشان را نگه خواهیم داشت که ما بالا دست آنهاییم و نیرومند۱۲۷ موسی به قوم خود گفت: از خدا کمک جویید و صبوری کنید که زمین متعلق به خداست و به هر کس از بندگان خویش بخواهد وامی گذارد و سرانجام نیک از پرهیزکارانست۱۲۸ اسرائیلیان گفتند: پیش از آنکه سوی ما بیایی و پس از آن که بیامدی آزار می دیدیم، گفت: شاید پروردگارتان دشمنانتان را هلاک کند و شما را در این سرزمین جانشین (آنها) کند و بنگرد چگونه عمل می کنید۱۲۹ فرعونیان را به خشکسالی و کمبود حاصل دچار کردیم، شاید اندرز بگیرید۱۳۰ و چون حادثه خوبی به آنها می رسید، به موسی و پیروان او شگون می زدند، حق این بود که بخت آنها نزد خدا بود، لکن بیشترشان نمی دانستند۱۳۱ می گفتند هر معجزه ای برای ما بیاری که ما را بدان جادو کنی به تو ایمان نمی آریم۱۳۲ پس طوفان و ملخ و شپشه و وزغها و خون را که معجزه های از هم جدا بود، به آنها فرستادیم و باز گردن کشی کردند که گروهی بزهکار بودند۱۳۳ و چون عذاب بر آنها واقع شد، گفتند: ای موسی! پروردگار خویش را به آن پیمان که با تو نهاده برای ما بخوان، اگر این عذاب از ما برداری قطعاً به تو ایمان می آوریم و پسران اسرائیل را به تو می فرستیم۱۳٤ و چون این عذابها، را برای مدتی که به سر بردند، از آنها برداشتیم، آن وقت پیمان شکنی کردند۱۳۵ پس، از آنها انتقام گرفتیم و به دریا

غرقشان کردیم، برای آنکه آیه های ما را تکذیب کرده و از آن غافل مانده بودند۱۳۶ و خاورها و باخترهای آن سرزمین را که برکت در آن نهاده بودیم، به گروهی که خوار به شمار می رفتند، وا گذاشتیم و کلمه نیکوی پروردگار تو درباره پسران اسرائیل به پاداش صبری که کرده بودند، انجام شد. و آنچه را فرعون و قوم وی می ساختند با بناهایی که بالا می بردند ویران کردیم۱۳۷ و پسران اسرائیل را از دریا گذراندیم و بر قومی گذشتند که بتان خویش را پرستش می کردند، گفتند: ای موسی! برای ما نیز خدایی بساز، چنانکه اینان خدایانی دارند، گفت: شما گروهی جهالت پیشه اید۱۳۸ روش این گروه نابود شدنیست و اعمالی که می کرده اند باطل است۱۳۹ گفت: چگونه برای شما غیر خدای یکتا که بر اهل زمانه برتریتان داده است، خدایی بجویم۱۴۰ و چون از فرعونیان نجاتتان دادیم که شما را به سختی عذاب می کردند و پسرانتان را می کشتند و زنانتان را زنده نگه می داشتند و در این، از پروردگارتان امتحانی بزرگ بود۱۴۱ و با موسی سی شبه وعده کردیم و آن را به ده [شب دیگر] کامل کردیم، و وعده پروردگارش چهل شب تمام شد، موسی به برادر خویش هارون گفت: میان قوم من جانشین من باش و با صلاح [کارشان] پرداز و طریق تباهکاران را پیروی مکن۱۴۲ و چون موسی به وعده گاه ما آمد و پروردگارش با او سخن کرد، گفت: پروردگارا [خودت را] به من بنما که تو را بنگرم گفت: هرگز مرا نخواهی دید، ولی به این کوه بنگر، اگر به جای خویش برقرار ماند، شاید مرا توانی دید، و همین که پروردگارش بر آن کوه جلوه کرد آن را هموار کرد و موسی بیهوش بیفتاد و چون به خود آمد گفت: منزهی تو، سوی تو باز می گردم که من مؤمن نخستینم۱۴۳ گفت: ای موسی! من تو را پیغمبری و سخن گفتن خویش، از مردم برگزیدم آنچه را به تو داده ام بگیر و از سپاس داران باش۱۴۴ و برای وی در آن لوح ها، از هر گونه اندرز و شرح همه چیز ثبت کرده بودیم، آن را محکم بگیر! و به قوم خویش فرمان بده که نیکوترش را بگیرند و بزودی سرای عصیان پیشگان را به شما خواهیم نمود۱۴۵ و کسانی را که در این سرزمین به ناحق بزرگی می کنند از آیه های خویش منصرف خواهم کرد که هر آیه ای ببینند بدان ایمان نیارند، اگر راه کمال بینند آن را پیش نگیرند و اگر راه ضلال بینند آن را پیش گیرند، چنین شود زیرا آیه های ما را دروغ شمرده و از آن غفلت ورزیده اند۱۴۶ و کسانی که آیه های ما و معاد قیامت را دروغ شمرده اند، اعمالشان تباه است، مگر جز[در مقابل] اعمالی که می کرده اند پاداشی به ایشان می دهند۱۴۷ و قوم موسی، پس از رفتن وی، از زیورهای خویش گوساله ای، پیکری بساختند که صدای گوساله داشت مگر نمی دیدند که پیکر با آنها سخن نگوید و به راهی هدایتشان نکند؟ آن را [خدا] گرفتند و ستمگران بودند۱۴۸ و چون پشیمان شدند و بدانستند که گمراه شده اند، گفتند: اگر پروردگارمان به ما رحم نیارد و ما را نیامرزد از زیان کاران خواهیم بود۱۴۹ و چون موسی خشمناک و اندوهگین، به قوم خویش بازگشت گفت: پس از من چه به دنیا بت من کردید! چرا از فرمان پروردگارتان پیشتر رفتید! و لوح ها را بینداخت و سر

برادر خویش گرفته به سوی خود می کشید که گفت: پسر مادرم! این گروه زبونم داشتند و نزدیک بود مرا بکشند، شادمانی دشمنان بر من مپسند و مرا با گروه ستمگران همسنگ مگیر۱۵۰ گفت: پروردگارا! من و برادرم را بیامرز و ما را به رحمت خویش درآر، که تو از همه رحیمان رحیم تری۱۵۱ کسانی که گوساله پرستیدند، بزودی خشم پروردگارشان با ذلتی در زندگی این دنیا به آنها می رسد و دروغ سازان را چنین سزا می دهیم۱۵۲ و کسانی که کارهای بد کرده و پس از آن توبه آورده و مؤمن شده اند، پروردگار تو از پی آن آمرزگار و رحیم است۱۵۳ و همینکه خشم موسی آرام گرفت، لوح ها را برگرفت که مکتوب آن برای کسانی که از پروردگار خویش می ترسند، هدایت و رحمتی بود۱۵٤ و موسی از قوم خویش هفتاد مرد، برای وعده گاه ما انتخاب کرد، و چون به زلزله دچار شدند، گفت: پروردگارا! کاش خواسته بودی و از این پیش، آنها و مرا هلاک کرده بودی، چرا ما را برای کاری که کم خردان ما کرده اند هلاک می کنی! این، جز آزمایش تو نیست که هر که را خواهی بدان گمراه کنی و هر که را خواهی هدایت کنی، مولای ما تویی، ما را بیامرز و به ما رحمت آر که تو از همه آمرزگاران بهتری۱۵۵ و برای ما، در این دنیا و در آخرت نیکی مقرر دار که ما به تو بازگشته ایم گفت: عذاب خویش را به هر که خواهم می رسانم و رحمت من به همه چیز رساست و آن را برای کسانی که پرهیزکاری کنند و زکات دهند و کسانی که به آیه های ما ایمان بیاورند مقرر می کنیم۱۵٦ همان کسان که آن رسول پیغمبر ناخوانده درس، را که [وصف] وی را نزد خویش در تورات و انجیل نوشته می یابند، پیروی کنند [پیغمبری] که به معروفشان وا می دارد و از منکر بازشان می دارد و چیزهای پاکیزه را حلالشان می کند و پلیدی ها را حرامشان می کند، تکلیف گرانشان را با قیدهایی که بر آنها بوده است، بر می دارد. کسانی که بدو ایمان آورده و گرامیش داشته و یاریش کرده اند و نوری را که به وی نازل شده پیروی کرده اند، آنها خودشان رستگارانند۱۵۷ بگو ای مردم! من فرستاده خدای یکتا به همه شمایم، خدایی که ملک آسمانها و زمین از اوست، خدایی جز او نیست زنده می کند و میمیراند پس به خدا و فرستاده او پیغمبر ناخوانده درس، که به خدا و کلمه او مؤمن است، ایمان بیارید و او را پیروی کنید شاید هدایت شوید۱۵۸ از قوم موسی گروهی هستند که به حق هدایت می یابند و بدان باز می گردند۱۵۹ آنها را بدو از ده سبط دوازده گروه تقسیم کردیم و چون قوم موسی از او آب خواستند بدو وحی کردیم، که عصای خود به این سنگ زن و از آن دوازده چشمه بشکافت و هر گروهی آبخورگاه خویش بدانست و ابر را سایبان آنها کردیم و ترنجبین و مرغ بریان به آنها نازل کردیم، از چیزهای پاکیزه که روزیتان کرده ایم بخورید [با کفران نعمت] به ما ستم نکردند بلکه به خودشان ستم می کردند۱٦۰ و چون به آنها گفته شد، در این دهکده جای گیرید و از هر جای آن خواستید بخورید و گویید: گناهان ما فرو ریز. و از این در سجده کنان درون شوید تا گناهانتان بیامرزیم و نیکوکاران را افزونی خواهیم داد۱٦۱ کسانی از آنها که ستمگر بودند، سخنی جز آنچه دستور

داشتند به جای آن آوردند و به سزای آن ستمها که می کردند، از آسمان عذابی به ایشان فرستادیم۱٦۲ آنها را از دهکده ای که نزدیک دریا بود بپرس. چون به حرمت شنبه تعدی همی کردند، چون ماهی هایشان روز شنبه گرفتنشان دسته دسته سوی ایشان می آمدند و روزی که شنبه نمی گرفتند نمی آمدند، بدینسان به سزای آن عصیان که می کردند مبتلایشان می کردیم۱٦۳ و چون گروهی از آنها گفتند: برای چه گروهی را که خدا هلاکشان می کند یا عذابی سختشان می کند پند می دهید؟ گفتند:[پند دادن ما] عذر جویی به پیشگاه پروردگارتان است و [به این امید] که شاید پرهیزکاری کنند۱٦٤ و چون چیزهایی را که بدان اندرزشان داده بودند، به غفلت سپردند، کسانی را که از بدی منع می کردند رهانیدیم و کسانی را که ستم کرده بودند به سزای آن عصیان که می کردند، به عذابی سخت دچار کردیم۱٦٥ وقتی از آنچه نهی شده بودند سر پیچیدند گفتیمشان بوزینگان مطرود شوید۱٦٦ و چون پروردگارت اعلام کرد که تا روز قیامت بر یهودان کسی را می گمارد که آنها را عذابی سخت کند که پروردگارت تند مجازات است و هم او آمرزگار و رحیم است۱٦٧ و آنها را در زمین به گروه ها تقسیم کرده ایم بعض آنها شایستگانند و بعض دیگر کم از آنند. و آنها را به خوبیها و بدیها بیازمودیم شاید (بخدا) باز گردند۱٦٨ از پس آنها جانشینان به جا ماندند که کتاب آسمانی را به میراث برده اند و خواسته این دنیا (به رشوه) گیرند و گویند: ما را خواهند بخشید و اگر خواسته ای نظیر آن پیششان آید بگیرند، مگر از آنها در تورات که مندرجات آن را آموخته اند، پیمان نگرفته اند که درباره خدا جز حق نگویند، سرای آخرت برای کسانی که پرهیزکاری می کنند بهتر است، چرا خردوری نمی کنید۱٦٩ و کسانی که به تورات چنگ زنند و نماز به پا کنند، ما پاداش اصلاح گران را تباه نمی کنیم۱۷۰ و چون آن کوه را بکندیم و بالای آنها بردیم که گویی سایبانی بود و گمان بردند که کوه رویشان افتادنیست کتابی را که به شما داده ایم محکم بگیرید و مندرجات آن را به خاطر سپارید شاید پرهیزکاری کنید۱۷۱ و چون پروردگار تو از پسران آدم، از پشت هایشان نژادشان را بیاورد و آنها را بر خودشان گواه کرد که مگر من پروردگار شما نیستم! گفتند:چرا، گواهی می دهیم. تا روز رستاخیز نگویید که از این نکته غافل بوده ایم۱۷۲ یا نگویید که فقط پدران ما از پیش شرک آورده اند و ما فرزندانی از پی آنها بوده ایم، چرا ما را به [سزای] اعمالی که بیهوده کاران کرده-اند هلاک می کنی۱۷۳ بدینسان این آیه ها را شرح می دهیم شاید آنها [بخدا] بازگردند۱۷٤ حکایت کسی را که آیه های خویش بدو[تعلیم] دادیم و از آن بدرشد و شیطان به دنبال او افتاد و از گمراهان شد برای آنها بخوان۱۷٥ اگر می خواستیم وی را به وسیله آن آیه ها برمی داشتیم ولی به پستی گرایید و هوس خویش را پیروی کرد، حکایت وی حکایت سگ است که اگر بر او هجوم بری پارس می کند و اگر او را واگذاری پارس می کند این حکایت قومی است که آیه های ما را تکذیب کرده اند، پس این خبر را بخوان، شاید آنها اندیشه کنند۱۷٦ و چه بد است حکایت قومی که آیه های ما را دروغ شمرده و با خویش ستم می کرده اند۱۷۷

هر که را خدا هدایت کند هدایت یافته اوست و هر که را گمراه کند، آنها خودشان زیانکارانند ۱۷۸ بسیاری از جن و انس را برای جهنم آفریده ایم، دلها دارند که با آن فهم نمی کنند چشم ها دارند که با آن نمی بینند و گوشها دارند که با آن نمی شنوند، آنها چو حیواناتند بلکه آنها گمراه ترند ایشان خودشان غفلت زدگانند۱۷۹ خدا را نامهای نیکو هست وی را بدان بخوانید و کسانی را که در نامهای وی کج روی می کنند، واگذارید به زودی سزای اعمالی را که می کرده اند خواهند دید۱۸۰ از کسانی که آفریده ایم جماعتی هستند که به حق هدایت می یابند و بدان باز می گردند۱۸۱ و کسانی که آیه های ما را دروغ شمرده اند، به مهارت از آنجا که ندانند به دامشان می آوریم۱۸۲ و مهلت شان نیز دهم که تدبیر من بسیار محکم است۱۸۳ مگر نیندیشیده اند که مصاحب ایشان جنون ندارد. که او جز بیم رسانی آشکار نیست۱۸٤ چرا در ملکوت آسمانها و زمین و هر چه خدا آفریده نمی نگرند [و نمی اندیشند] که شاید اجلشان نزدیک شده باشد. راستی پس از قرآن کدام سخن را باور می کنند۱۸۵ هر که را خدا گمراه کند راهبری ندارد و در طغیانشان رهاشان می کند که کور دل بمانند۱۸٦ تو را از رستاخیز پرسند که کی به پا می شود! بگو: علم آن نزد پروردگار منست که جز وی، آن را به موقع خود، آشکار نمی کند، در آسمانها و زمین نهانست و جز ناگهان بشما در نمی آید، از تو می پرسند، گویی تو آن را می دانی، بگو علم آن نزد خداست ولی بیشتر مردم [این نکته را] نمی دانند۱۸۷ بگو: من اختیار سود و زیان خویش ندارم، جز آنچه خدا خواسته است. اگر غیب می دانستم سود بسیار می بردم و بدی به من نمی رسید. من جز بیم رسان و نوید بخش، برای گروهی که ایمان می آورند، نیستم۱۸۸ اوست که شما را از یک تن آفرید و همسر او را از او آفرید تا بدو آرام گیرد و چون وی را فرا پوشاند، باری سبک گرفت و با آن مدتی سر کرد و چون سنگین شد، خدا پروردگار خویش را بخواندند که اگر فرزند شایسته ای به ما دهی سپاس دار خواهیم بود۱۸۹ و چون فرزندی شایسته به آنها داد، برای خدا در عطیه وی شریکان انگاشتند اما خدا از آن چیزها که با او شریک می انگارند برتر است۱۹۰ چرا این بتان را که چیزی خلق نمی کنند و خودشان ساخته می شوند با خدا شریک می کنند۱۹۱ [بتانی] که نه، می توانند آنها را نصرت دهند و نه خودشان را نصرت می دهند۱۹۲ اگر آنها را به هدایت دعوت کنید شما را پیروی نمی کنند، چه آنها را بخوانید و چه ساکت بمانید نتیجه یکسان است۱۹۳ آن کسان که سوای خدا می خوانید بندگانی چون شمایند، اگر راست می گویید آنها را بخوانید که شما را اجابت کنند۱۹٤ مگر پا دارند که با آن راه روند، یا دست دارند که با آن به قوت گرفتن توانند، یا چشم دارند که با آن ببینند، یا گوش دارند که با آن بشنوند، بگو شرکای [عبادت] خویش را بخوانید و درباره من نیرنگ کنید و مهلت ندهید۱۹۵ یاور من خدایست که این کتاب نازل کرده و او با شایستگان دوستی می کند۱۹٦ و کسانی که غیر خدا می خوانید نه، می توانند شما را نصرت دهند و نه خودشان را نصرت می دهند۱۹۷ اگر آنها را به هدایت دعوت کنی نمی شنوند، می بینیشان که

سوی تو می- نگرند ولی نمی بینند۱۹۸ سخت مگیر، به نیکی وادار کن و از مردم نادان روی بگردان۱۹۹ و چون از شیطان وسواسی به تو رسید به خدا پناه جوی، که وی شنوا و داناست۲۰۰ کسانی که پرهیزکارند، چون با پندار شیطانی برخورد کنند [خدا را] یاد کنند و در دم بصیرت شان روشن شود۲۰۱ و هم زادگان کفار به گمراهیشان می کشند و کوتاهی نمی کنند۲۰۲ و اگر [مدتی] آیه ای برای آنها نیاری گویند چرا آیه ای فراهم نکردی؟ بگو: من، فقط آنچه را به من وحی می شود پیروی می کنم، این بصیرت ها از پروردگار شماست و برای گروهی که ایمان دارند هدایت و رحمت است۲۰۳ و چون قرآن بخوانند و گوش بدان دارید و خاموش مانید، شاید رحمتتان کنند۲۰٤ پروردگار خویش را به زاری و بیم، در ضمیر خود بدون گفتار بلند، بامداد و بین ها یاد کن و از غفلت زدگان مباش۲۰۵ فرشتگان که نزد پروردگار تواند از بندگی وی سرپیچی نکنند و تسبیح او گویند و سجده وی کنند.۲۰٦

سوره انفال ۸

سوره غنیمت ها، در مدینه نازل شده است.

به نام خدای رحمان رحیم

تو را از غنیمت ها پرسند، بگو غنیمت ها از خدا و پیغمبر است، از خدا بترسید و اگر ایمان دارید، روابط خویش را اصلاح کنید و خدا و پیغمبر را فرمان برید۱ مومنان فقط آن کسانند که چون خدا یاد شود، دلهایشان بترسد و چون آیه های وی برایشان بخوانند ایمان شان را بیفزاید و به پروردگار خویش توکل کنند۲ همان کسان که نماز به پا دارند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق کنند۳ آنها، خودشان، به راستی مؤمنند و نزد پروردگارشان مرتبت ها با مغفرت و روزی سخاوتمندانه دارند٤ چنان بود، که پروردگارت تو را به حق از خانه ات برون آورد و گروهی از مؤمنان کراهت داشتند٥ و در کار حق، با وجود آنکه روشن شده بود، با تو مجادله می کردند گویی، به سوی مرگشان می کشند و خودشان می نگرند٦ و چون خدا یکی از آن دو دسته را به شما وعده داد که نصیب شان می شود و شما دوست داشتید دسته ای که قدرت نداشت نصیبتان شود و خدا می خواست با کلمات خویش، حق را استقرار دهد و بنیاد کافران را قطع کند۷ تا حق استقرار یابد و باطل زایل شود و گرچه بدکاران کراهت داشته باشند۸ آن دم که از پروردگار خویش کمک می خواستید و پروردگارتان شما را اجابت کرد که به هزار فرشته صف بسته مددتان می دهم۹ و خدا آن را جز نویدی برای شما قرار نداد تا دلهایتان بدان آرام گیرد که نصرت جز از جانب خدا نیست که خدا نیرومند و فرزانه است۱۰ و چون شما را بدان خواب که امانی از جانب وی بود فرا گرفت و از آسمان آبی به شما نازل کرد که با آن پاکتان کند و آلایش شیطانی از شما ببرد و دلهایتان محکم کند و قدمها را بدان استوار سازد۱۱ و چون پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم، مؤمنان را ثبات دهید که در دل کافران ترسی خواهیم افکند، روی گردنها بزنید و همه انگشتهایشان را بزنید۱۲ زیرا آنها با خدا و پیغمبرش مخالفت کرده اند و هر که با خدا و پیغمبرش مخالفت کند، خدا سنگین مجازات است۱۳ این را بچشید و کافران عذاب جهنم نیز دارند۱٤ شما که ایمان دارید! چون کافران را انبوه بینید، پشت به آنها مکنید۱٥ و هر که در آن روز پشت خویش به آنها بگرداند، مگر آنکه برای حمله ای منحرف شود، یا سوی گروهی دیگر رود، قرین غضب خدا شده، جای او جهنم است که سرانجامی است بد۱٦ شما نبودید که آنها را بکشتید بلکه [اراده] خدا ایشان را کشت و چون هدف گیری کردی تو نبودی که هدف گیری کردی بلکه خدا هدف گیری کرد تا مؤمنان را از جانب خویش نعمت دهد، نعمتی نیک که خدا شنوا و داناست۱۷ چنین بود و خدا سست کننده نیرنگ کافران

است۱۸ [ای کافران] اگر یک طرفه شدن کار می خواستید یک طرفه شدن کار بدیدید، اگر بس کنید برای شما بهتر است. اگر باز، کنید ما نیز می کنیم و گروهتان و گرچه بسیار باشد، کاری برای شما نمی سازد که خدا یار مؤمنان است۱۹ شما که ایمان دارید، فرمانبر خدا و پیغمبر شوید و شما که می شنوید روی از او مگردانید۲۰ و چون آن کسان مباشید که گفتند شنیدیم ولی نمی شنیدند۲۱ بدترین جانوران به نظر خدا [آن گروه] کر و گنگند که خردوری نمی کنند۲۲ اگر خدا در[نهاد] آنها خیری سراغ داشت، استعداد استماعشان داده بود، اگر استعداد استماع نیز می داشتند پشت می کردند و روی گردان بودند۲۳ شما که ایمان دارید! خدا را اجابت کنید و پیغمبر را نیز، چون شما را به چیزی که زندگیتان می دهد دعوت کند، اجابت کنید و بدانید که خدا میان شخص و قلب او حایل می شود و در پیشگاه او محشور می شوید۲٤ از فتنه ای که فقط به ستمگران شما نمی رسد، بترسید و بدانید که خدا سنگین مجازات است۲۵ و هنگامی را که اندک بودید و زبونان این سرزمین به شمار می رفتید و بیم داشتید که مردم بربایندتان بیاد آرید که خدا پناهتان داد و به نصرت خویش نیرومند کرد و از چیزهای پاکیزه روزیتان داد، شاید سپاس دارید۲٦ شما که ایمان دارید! به خدا و پیغمبر خیانت مکنید و شما که دانایید در امانتهای خود خیانت مکنید۲۷ بدانید که مال هایتان و فرزندانتان فقط آزمایشی است و نزد خدا پاداشی بزرگ هست۲۸ شما که ایمان دارید! اگر از خدا بترسید شما را فرقان [حق از ناحق] دهد و گناهانتان را بپوشاند و شما را بیامرزد و خدا دارای کرم بزرگ است۲۹ و چون کسانی که کافر بودند درباره تو نیرنگ می زدند که بازت دارند یا بکشندت یا بیرونت کنند، آنها نیرنگ می کردند و خدا نیرنگ [ایشان را بی اثر] می کرد و خدا از همه نیرنگ تان ماهرتر است۳۰ و چون آیه های ما برای آنها خوانده شود. گویند: شنیدیم و اگر خواهیم مثل این گوییم که این جز افسانه های گذشتگان نیست۳۱ و چون گفتند: خدایا اگر این همان حق [منزل] از جانب تو است سنگی از آسمان به ما فرو ریز یا عذابی الم انگیز به ما فرست۳۲ خدا در آن حال که میان آنها بودی عذابشان نمی کرد و در آن حال که آمرزش می طلبیدند عذاب کنشان نبود۳۳ چرا خدا عذابشان نکند که آنها از مسجد الحرام، که متولیان آن نیستند، باز می دارند، متولیان مسجد جز پرهیزکاران نیستند ولی بیشترشان نمی دانند۳٤ دعا کردن آنها در پیشگاه این خانه، به جز صفیر زدن و کف زدن نیست، پس این عذاب را به سزای انکار کردنتان تحمل کنید۳۵ کسانی که کفر می ورزند اموال خویش را خرج کنند که از راه خدا باز دارند، خرجش خواهند کرد و عاقبت مایه حسرتشان خواهد شد، سپس مغلوب شوند و کسانی که کافر بوده اند در جهنم محشور شوند۳٦ تا خدا پلید را از پاکیزه ممتاز کند و بعض پلید را بر بعض دیگر نهد و همه را توده کند و در جهنم قرار دهد که آنها خودشان زیانکارانند۳۷ به کسانی که کفر می ورزند بگو: اگر بس کنند گذشته ها را به آنها ببخشند و اگر باز کنند رسم گذشتگان جاری می شود۳۸ با کافران کارزار کنید تا فتنه نماند و دینها یکسره خاص خدا شود. اگر بس کردند، خدای بینای

عمل هاییست که می کنند۳۹ و اگر پشت بکردند بدانید که خدا مولای شماست و نیکو یاوریست۴۰ بدانید که هر چه غنیمت گیرید پنج یک آن از خدا و پیغمبر و خویشان او و یتیمان و تنگدستان و به راه مانده است، اگر به خدا و آنچه روز فیصل کار، روز تلافی دو گروه بر بنده خویش نازل کرده ایم ایمان آورده اید [چنین کنید] که خدا به همه چیز تواناست۴۱ هنگامی که شما بر کناره نزدیک بودید و آنها بر کناره دور بودند، و کاروان دور از شما بود، اگر وعده کرده بودید در [وصول به] میعادگاه اختلاف می یافتید [و به موقع نمی رسیدید] ولی [چنین شد] تا خدا کاری را که انجام شدنی بود، به پایان برد، تا هر که هلاک می شود به دلیلی هلاک شود و هر که زنده می ماند به دلیلی زنده بماند که خدا شنوا و داناست۴۲ و چون خدا در رویای تو به دیده-ات اندکشان نمود، اگر به تو بسیارشان نموده بود، دل به ترس می دادید و در کار [جنگ] مناقشه می کردید ولی خدا به سلامتتان داشت که او به مکنونات سینه ها آگاه است۴۳ و چون خدا وقتی که تلافی کردید، در دیدگان شما اندکشان نمود و در دیدگان ایشان کم نمودتان کرد تا خدا کاری را که انجام شدنی بود، به پایان برد و کارها به خدا بازگشت دارد۴۴ شما که ایمان دارید اگر با گروهی بر خورد کردید، استوار مانید و خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید۴۵ و خدا و پیغمبر او را فرمان برید و مناقشه مکنید که دل به ترس دهید و نیرویتان سست شود، صبوری کنید که خدا یار صابران است۴۶ و چون آن کسان مباشید که برای خودنمایی و ریای مردم از دیار خویش برون شده اند و از راه خدا باز می دارند و خدا به اعمالی که می کنند احاطه دارد۴۷ و چون شیطان اعمالشان را برای ایشان به یار است و گفت: امروز از این مردم، کسی بر شما غالب شدنی نیست و من پناهدار شمایم، و چون دو گروه باهم برخورد کردند عقب گرد کرد و گفت: من از شما بیزارم که من چیزی می بینم که شما نمی بینید، من از خدا بیم دارم که خدا سنگین مجازات است ۴۸ و چون منافقان و کسانی که در دلهایشان مرضی بود می گفتند: اینان را دینشان مغرور کرده است**!** و هر که به خدا توکل کند، خدا نیرومند و فرزانه است۴۹ اگر ببینی آن دم که فرشتگان جان کافران گیرند و به روها و پشت هایشان زنند [و گویند] که عذاب سوزان را بچشید۵۰ این، سزای اعمالیست که دستهای شما پیش آورده که خدا با بندگان ستمگر نیست۵۱ به رسم فرعونیان و اسلافشان بود که آیه های خدا را انکار کردند و خدا به گناهانشان مؤاخذه شان کرد که خدا سنگین مجازات است۵۲ برای آنکه خدا نعمتی را که به قومی عطا کرده تغییر نمی داد تا دلهای خویش را تغییر دهند و خدا شنوا و داناست۵۳ به رسم فرعونیان و اسلافشان بود که آیه های پروردگار خویش را منکر شدند و به سزای گناهانشان هلاکشان کردیم و فرعونیان را که همگی ستمگران بودند، غرق کردیم۵۴ بدترین جانوران در نظر خدا آن کسانند که به کفر خو کرده اند، آنها ایمان بیار نیستند۵۵ همان کسان که از آنها پیمان گرفته ای و باز هر دفعه پیمان خویش می شکنند و نمی ترسند۵۶ اگر در کارزاری با آنها روبرو شدی به وسیله [کشتن] ایشان کسانی را که از پی آنها هستند پراکنده ساز، شاید

عبرت گیرند۵۷ اگر از گروهی خیانتی بدانستی منصفانه به آنها اعلام کن که خدا خیانت کاران را دوست نمی- دارد۵۸ آنها که کفر می ورزند مپندارشان که از دسترس دور شدند آنها فرار نمی کنند۵۹ هر چه توانستید، قوه و اسبان بسته برای [جنگ] ایشان آماده کنید که با آن، دشمن خدا و دشمن خودتان را و غیر آنها دیگران را که شما نمی شناسیدشان بترسانید. هر چه در راه خدا خرج کنید به شما برگشت یابد و ستم نخواهید دید۶۰ اگر به صلح مایل شدند، تو نیز بدان مایل باش و به خدا توکل کن که او شنوا و داناست۶۱ و اگر بخواهند فریب دهند، خدا تو را بس است اوست که تو را به نصرت خویش و به مؤمنان نیرو داد۶۲ و دلهایشان را الفت داد، اگر همه مال زمین خرج می کردی، دلهایشان را الفت نمی توانستی داد. ولی خدا الفتشان داد که او نیرومند و فرزانه است۶۳ ای پیغمبر! خدا و مؤمنانی که پیرویت کرده اند تو رابس۶۴ ای پیغمبر! مؤمنان را به کارزار ترغیب کن، اگر از شما بیست تن صبور باشند بر دویست تن غالب شوند و اگر از شما صد تن صبور باشند، بر هزار تن، از آنها که کفر می ورزند غالب شوند، زیرا آنها گروهی هستند که فهم نمی کنند۶۵ اکنون خدا به شما تخفیف داد که ضعف شما را معلوم کرد، اگر از شما صد تن صبور باشند بر دویست تن غالب شوند و اگر از شما هزار باشند به اذن خدا، بر دو هزار غالب شوند که خدا یار صابران است۶۶ پیغمبری را نسزد که اسیرانی داشته باشد، تا در زمین کشتار بسیار کند، شما خواسته دنیا خواهید و خدا [برای شما] پاداش آخرت خواهد که خدا نیرومند و فرزانه است۶۷ اگر قضای خدا بر این نرفته بود، در مورد آن اسیران که گرفتید عذابی بزرگ به شما می رسد۶۸ از آنچه غنیمت برده اید حلال و پاکیزه بخورید و از [نافرمانی] خدا بپرهیزید که خدا آمرزگار و رحیم است۶۹ ای پیغمبر به آن اسیران که در دست شمایند، بگو: اگر خدا در دلهایتان خیری بداند، بهتر از آنکه ازتان گرفته اند به شما دهد و شما را بیامرزد و خدا آمرزگار و رحیم است۷۰ اگر خواهند به تو خیانت کنند از پیش نیز به خدا خیانت کردند و به دامشان آورد که خدا دانا و فرزانه است۷۱ کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و با مالها و جانهای خویش در راه خدا جهاد کرده اند و کسانی که [ایشان را] جا داده و یاری کرده اند آنها بعضیشان بسته بعضی دیگرند و کسانی که ایمان آورده و هجرت نکرده اند به شما بستگی ندارند تا هجرت کنند، اگر از شما یاری خواستند یاری شان کنید، مگر بر ضد گروهی که میان شما و آنها پیمانی هست و خدا به اعمالی که می کنید بیناست۷۲ و کسانی که کفر ورزیده اند بعضیشان بسته بعض دیگرند اگر [بستگی را رعایت] نکنید، در این سرزمین فتنه می شود با فسادی بزرگ۷۳ و کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا جهاد کرده اند و کسانی که [ایشان را] جا داده و یاری کرده اند، آنها به راستی مؤمنند که مغفرتی با روزی سخاوتمندانه دارند ۷۴ و کسانی که به خدا ایمان آورده و هجرت کرده و همراه شما جهاد کرده اند، آنها از شمایند و خویشاوندان در کتاب خدا [در کار میراث] به یکدیگر سزاوارترند که خدا به همه چیز داناست.۷۵

سوره توبه ۹

سوره توبه، در مدینه نازل شده است

بیزاری خداست و پیغمبر او از آن کسان از مشرکان که با ایشان پیمان بسته اید۱ چهار ماه، در این سرزمین بگردید و بدانید که از خدا فرار کردن نتوانید که خدا خوار کننده کافر است۲ و اعلام خداست و پیغمبر او در روز حج اکبر، که خدا و پیغمبر او نیز از مشرکان بیزار است اگر توبه کنید برای شما بهتر است و اگر روی بگردانید بدانید که از خدا فرار کردن نتوانید و کسانی را که کفر می ورزند به عذابی الم انگیز بشارت بده۳ مگر آن کسان از مشرکان که با ایشان پیمان بسته اید و چیزی از [پیمان] شما را نقصان نداده و با کسی بر ضد شما هم پشتی نکرده اند، برای آنها پیمان شان را تا مدتشان کامل کنید که خدا پرهیزکاران را دوست دارد٤ و چون ماههای حرام بسر رسید مشرکان را هر جا یافتید بکشید و اسیرشان کنید و بازشان دارید و برای [دستگیر کردن] ایشان در همین کمینگاه بنشینید. اگر توبه آوردند و نماز کردند و زکات دادند، راهشان را خالی کنید که خدا آمرزگار و رحیم است٥ اگر یکی از مشرکان از تو زینهار خواست وی را زینهار ده تا گفتار خدا را بشنود آنگاه وی را به امانگاهش برسان. چنین شود، زیرا آنها گروهی هستند که دانا نیستند٦ مشرکان را نزد خدا و نزد پیغمبر او پیمانی نیست، مگر آن کسان که [با ایشان] نزد مسجد الحرام پیمان کرده اید که تا وقتی با شما ثبات ورزیدند، با ایشان ثبات ورزید که خدا پرهیزکاران را دوست دارد٧ چگونه [پیمانی توانند داشت] و اگر بر شما ظفر یابند در حقتان خویشاوندی و پیمانی را رعایت نکنند. شما را به زبانهای خویش راضی می کنند اما دلهایشان ابا دارد و بیشترشان عصیان پیشگانند٨ آیه های خدا را به بهای اندک فروختند و از راه وی بگشتند و اعمالی که می کردند بسیار بد بود٩ درباره مؤمنی خویشی و پیمانی را رعایت نمی کنند و آنها خودشان تجاوزگرانند١٠ اگر توبه آوردند و نماز کردند و زکات دادند در این دین برادران شمایند، و این آیه ها را برای گروهی که دانایی دارند بیان می کنیم١١ اگر قسم های خویش را پس از پیمان بستن بشکستند و به دین شما طعنه زدند با پیشوایان کفر که پابند قسم های خود نیستند کارزار کنید شاید بس کنند١٢ چرا با گروهی که پیمان های خویش بشکستند و قصد بیرون کردن پیغمبر کردند کارزار نمی کنید که اول بار آنها دشمنی با شما آغاز کرده اند، مگر از آنها می ترسید؟ اگر به راستی مؤمنید خدا سزاوارتر است که از او بترسید١٣ با آنها کارزار کنید تا خدا به دستهای شما عذابشان کند و خوارشان کند و شما را بر آنها نصرت دهد و سینه های گروهی را که مؤمنند شفا دهد١٤ و غیظ دلهایشان ببرد و خدا توبه

هر که را که بخواهد می پذیرد که خدا دانا و فرزانه است۱۵ مگر پنداشتید رها می شوید و خدا کسانی از شما را که جهاد کرده و غیر خدا و پیغمبر او و مؤمنان همدمی نگرفته اند معلوم نمی دارد! که خدا از اعمالی که می کنید آگاه است١٦ مشرکان که به کفر خویش گواهی می دهند حق ندارند مسجد های خدا را عمارت کنند آنها اعمالشان باطل است و خودشان در جهنم جاودانند۱۷ مسجدهای خدا را فقط آن کس عمارت کند که به خدا و روز دیگر ایمان دارد و نماز کرده و زکات داده و جز از خدا نترسیده شاید آنها از هدایت یافتگان باشند۱۸ چسان آب دادن حاجیان و عمارت کردن مسجدالحرام را با آنکه به خدا و روز دیگر ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده مانند کرده اید! نزد خدا برابر نیستند و خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند۱۹ کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و با مالها و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده اند، به مرتبت نزد خدا برترند و آنها خودشان کامیاب شدگانند۲۰ پروردگارشان به رحمت و رضایت خویش نویدشان می دهد با بهشت ها که در آنجا نعیم دائم دارند۲۱ و تا ابد در آن جاودانند که خدا، نزد وی پاداشی بزرگ هست۲۲ شما که ایمان دارید! پدران و برادران خویش را اگر کفر را برایمان برگزیده اند به دوستی مگیرید. کسانی از شما که با ایشان دوستی کنند خودشان ستمگرانند.۲۳ بگو اگر پدرانتان و فرزندانتان و همسرانتان و خویشانتان و اموالی که به دست آورده اید و تجارتی که از کساد آن می هراسید و مسکن هایی که بدان خوش دلید نزد شما از خدا و پیغمبر او و جهاد در راه وی محبوب تر است انتظار برید تا خدا فرمان خویش بیارد که خدا گروه عصیان پیشگان را هدایت نمی کند. ٢٤ خدا در موقع بسیار شما را نصرت داد، و روز حنین آن دم که بسیار بودنتان به شگفتتان آورده بود، اما کاری برایتان نساخت و زمین با همه فراخی بر شما تنگ شد و عاقبت پشت بکردید و فراری شدید۲۵ سپس خدا آرامش خویش را بر پیغمبرش و بر مؤمنان نازل کرد و سپاهیانی فرود آورد که ندیدیدشان و کسانی را که کفر می ورزیدند عذاب کرد که سزای کافران همین است٢٦ و عاقبت از پس این، خدا توبه هر که را بخواهد می پذیرد که خدا آمورزگار و رحیم است۲۷ شما که ایمان دارید حق این است که مشرکان نجس اند و پس از امسالشان به مسجدالحرام نزدیک نشوند، اگر از فقر می ترسید زود باشد که خدا اگر بخواهد از کرم خویش شما را توانگر کند که خدا دانا و فرزانه است۲۸ با آن جماعت از اهل کتاب که به خدا و روز دیگر ایمان ندارند و آنچه را خدا و پیغمبر ش حرام کرده، حرام نمی شمارند و پیرو دین حق نیستند ،کارزار کنید تا به دست خود جزیه دهند و حقیر شوند۲۹ یهودان گویند: عزیز پسر خداست و نصاری گویند: مسیح پسر خداست این گفتار ایشان است که به زبانهای خویش گویند و گفتار کسانی را که از پیش کافر بوده اند تقلید کنند خدایشان بکشد چگونه منحرف می شوند.۳۰ غیر خدا، رهبران و راهبان خویش را با مسیح پسر مریم خدا گرفتند، ولی جز پرستیدن خدای یگانه که خدایی جز او نیست و از آنچه با او شریک پندارند منزه است، دستوری نداشتند۳۱ میخواهند نور خدا را به دهانهای خویش خاموش کنند و خدا نمی خواهد

جز آنکه نور خویش آشکار کند و اگر چه کافران کراهت داشته باشند۳۲ اوست که پیغمبر خویش را با هدایت و این حق فرستاده تا وی را بر همه اینها قالب کند اگرچه مشرکان کراهت داشته باشند۳۳ شما که ایمان دارید! بسیاری از رهبران و راهبان مال های مردم را به ناحق می خورند و از راه خدا باز میدارند، و کسانی که طلا و نقره را گنج می کنند، و آن را در راه خدا خرج نمیکنند، به عذابی علم انگیز نوید شان بده۳٤ روزی که آن را در آتش جهنم سرخ کنند در پیشانی های شان و پهلو های شان و پشت های شان را بدان داغ کنند که همین است که برای خویش گنج کرده‌اید [اکنون] رنج آن گنج را که می کردید بکشید۳۵ شماره ماهها نزد خدا دوازده ماه است در مکتوب خدا آن روز که آسمانها و زمین را بیافرید. از آن جمله چهار ماه حرام است، این طریقه درست است. در این ماهها به خودتان ستم مکنید و با مشرکان یکسره کارزار کنید چنانکه با شما یکسره کارزار می کنند و بدانید که خدا با پرهیزکاران است۳٦ تاخیر ماه حرام، افزودن کفر است و کسانی که کافر شده اند بدان گمراه می شوند یک سال آن را حرام کنند و سال دیگر آن را حلال کنند تا با عده ماههایی که خدا حرام کرده مطابق شوند اما ماهی را که خدا حرام کرده حلال می کنند اعمال بدشان برایشان آراسته شد و خدا گروه کافران را هدایت نمی کند۳۷ کسانی که ایمان دارید شما را چه شده که چون گویند تان در راه خدا بیرون شوید به زمین سنگینی می کنید مگر از آخرت از زندگی دنیا راضی شده اید بهره گرفتن از دنیا، در[قبال] آخرت جز اندکی نیست۳۸ اگر بیرون نشوید خدا عذابی علم انگیز تان کند و گروهی غیر شما عوض آورد و به او زیانی نمی رسانید که خدا به همه چیز تواناست۳۹ اگر یاری اش نکنید خدایش یاری کرده، وقتی کافران بیرونش کرده بودند، یکی از دو تن بود وقتی در آن غار بودند وقتی به همراه خویش میگفت: غم مخور خدا با ماست. آنگاه خدا آرامش خویش به او نازل کرد و به سپاهیانی که به رویت شان نکردید نیرومندش کرد بر کلمه کافران را زبون کرد که والا کلمه خدا است و خدا نیرومند و فرزانه است٤٠ سبک بار یا سنگین بار، بیرون شوید و با مالها و جانهای خویش در راه خدا جهاد کنید که این اگر بدانستید برای شما بهتر است٤١ اگر خواسته ای نزدیک یا سفری کوتاه بود، تو را پیروی می کردند ولی این مسافت به نظرشان بسیار دور آمد، به خدا قسم خواهند خورد که اگر می توانستیم با شما بیرون آمده بودیم خویشتن را هلاک می کنند و خدا داند که دروغگویان اند٤٢ خدایت ببخشد، چرا پیش از آنکه راستگویان بر تو آشکار شوند و دروغگویان را بشناسی اجازه شان دادی٤٣ کسانی که به خدا و روز دیگر ایمان دارند برای اینکه با مالها و جانهای خویش جهاد کنند از تو اجازه نمی خواهند که خدا پرهیزکاران را می شناسد٤٤ فقط کسانی که به خدا و روز دیگر ایمان ندارند و دلهایشان به شک افتاده و در شک خویش سرگردانند از تو اجازه میخواهند٤٥ اگر سر بیرون شدن داشتند، برای آن لوازمی آماده کرده بودند ولی خدا حرکت شان را مکروه

داشت و بازشان داشت و گفته شد با نشستگان بنشینید٤٦ اگر با شما بیرون شده بودند، در کارتان جز تباهی نمی افزودند میان شما [اراجیف] می ساختند و فتنه جویی می‌کردند و میانتان گوش گیر آن داشتند که خدا ستمکاران را می شناسد٤٧ از پیش نیز، فتنه جو بودند و کارها را بر تو می آشفتند، تا حق بیامد و فرمان خدا با وجود اینکه که کراهت داشتند آشکار شد٤٨ از جمله آنها کسی است که گوید به من اجازه بده و مرا به گناه مینداز بدانید که به گناه افتاده‌اند و جهنم فراگیر کافران است٤٩ اگر تورا حادثه خوشی رسد غمگین شان کند و اگر تو را مصیبتی رسد گویند ما از پیش احتیاط خویش به کردیم و بازگردند و شادمان باشند٥٠ بگو به ما جز آنچه خدا برایمان مقرر کرده نمی رسد که او مولای ماست و مومنان باید به خدا توکل کنند٥١ بگو مگر برای ما جز[وقوع] یکی از دو نیکی را انتظار می برید ولی ما درباره شما انتظار داریم که خدا به وسیله عذابی از جانب خویش یا به دست ما جانتان بگیرد پس منتظر باشید که ما نیز با شما منتظریم٥٢ بگو چه به رغبت خرج کنید یا با کراهت هرگز از شما نپذیرند که شما گروهی عصیان پیشه اید٥٣ مانع قبول خرجهای- شان جز این نبود که آنها خدا و پیغمبر او را منکرند و جز به حال ملالت به نماز[جماعت] نیایند و خرج جز به کراهت نکنند٥٤ اموال و اولاد شان تو را به شگفت نیارد فقط خدا می خواهد به وسیله آن در زندگی دنیا عذاب شان کند و جانشان به حال کفر درآید٥٥ به خدا قسم می خورند که آنها از شمایند ولی آنها از شما نیستند، بلکه ایشان گروهی هستند که [از شما] می ترسند٥٦ اگر پناهگاه یا نهانگاه یا گریزگاهی می‌یافتند شتابان به سوی آن رو می کردند٥٧ بعضی از آنها در تقسیم زکات بر تو خرده می گیرند اگر از آن عطایشان دهند راضی می شوند و و اگر از آن عطایشان ندهند آن وقت خشمگین می شوند ٥٨ [چه میشد] اگر به عطای خدا و پیغمبر او رضایت می‌دادند و می‌گفتند خدا ما را بس است، زود باشد که خدا از کرم خویش به ما عطا کند و پیغمبر او نیز، و ما به خدا امیدواریم٥٩ زکات فقط از فقیران و تنگدستان و عاملان آن است و آنها که جلب دلهاشان کنند و برای آزادی بندگان و وامدار آن و صرف در راه خدا و به راه مانده، قراری از جانب خداست و خدا دانا و فرزانه است٦٠ بعضی از آنها پیغمبر را اذیت کنند و بگویند او گوش است بگو برای شما گوش خیریست خدا را تصدیق می‌کند و مومنان را تصدیق می کند، و برای مومنان شما رحمتی است و کسانی که پیغمبر را اذیت کنند، عذابی الم انگیز دارند٦١ برای شما به خدا قسم می خورند که راضی تان کنند اگر ایمان داشتن بهتر بود خدا و پیغمبر او را راضی کنند ٦٢ مگر نمی دانند که هر کس با خدا و پیغمبرش مخالفت کند، صدای او آتش جهنم است که جاودانه در آن باشد و این رسوایی بزرگ است٦٣ منافقان بیم دارند درباره آنها سوره ای نازل شود که از آنچه در دلهایشان هست خبر شان دهد، بگو تمسخر کنید که خدا سوره ای را که از آن بیم دارند پدید می‌آورد٦٤ اگر از آنها بپرسید گویند، حرف می زدیم و

تفریح می کردیم بگو چطور خدا و آیه های او و پیغمبرش را مسخره می کردید٦٥ عذر میارید که پس از ایمان آوردن تان، کافر شده اید اگر دسته‌ای از شما را ببخشیم دسته دیگر را عذاب می کنیم برای آنکه گنه شعار بوده اند٦٦ منافق و زنان منافق، بعضی از بعض دیگرند به منکر وا می دارند و از معروف باز میدارند و دستهای خویش [از بخشش] باز می گیرند. خدا را فراموش کرده اند بر خدا نیز ایشان را به فراموشی واگذاشته که منافقان خودشان عصیان پیشگانند٦٧ خدا به مردان منافق و زنان منافق و کافران آتش جهنم وعده داده که جاودانه در آنند همان بسشان است، خدا لعنتشان کرده و عذاب دائم دارند٦٨ چون آن کسان که پیش از شما بودند و نیرویشان بیش از شما بود و اموال و اولاد فزونتر داشتند، از نصیب خویش برخوردار شدند شما نیز از نصیب خویش برخوردار شدید، چنانکه اسلاف شما از نصیب خویش برخوردار شده‌اند، شما یاوه گفتید چنانکه آنها نیز یاوه گفتند. آنها اعمالشان در دنیا و آخرت باطل است و آنها ، خودشان زیانکاران کنند٦٩ مگر خبر کسانی را که پیش از ایشان بوده اند نشنیده‌اند قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اهل مدین و دهکده های واژگون شده که پیغمبران شان با حجت ها سوی ایشان آمدند چنین نبود که خدا ستم شان کند بلکه آنها به خودشان ستم می کرده اند٧٠ مردان مومن و زنان مومن، بعض آنها بسته بعضی دیگرند ، به معروف وا میدارند و از منکر باز می دارند و نماز می کنند و زکات می دهند و خدا و پیغمبرش را فرمان می برند آنها را خدا رحمت شان خواهد کرد که خدا نیرومند و فرزانه است٧١ خدا به مردان مومن و زنان مومن بهشت ها وعده داده که جوی ها در آن روان است و جاودانه در آنند، با مسکن های پاکیزه در بهشت های جاوید و رضایت خدا [از همه] بهتر است که کامیابی بزرگ این است٧٢ ای پیغمبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر. جایشان جهنم است که سرانجامی است بد٧٣ به خدا قسم می خورند که چیزی نگفته اند، محققا کلمه کفر را گفته اند و پس از اسلام آوردن شان کافر شده اند و چیزی را که بدان نرسیدند قصد کرده‌اند، جز آنکه خدا و پیغمبر او از کرم خویش توانگر شان کرده است، اگر توبه آرند برای آنها نیک است و اگر روی بگردانند، خدا در دنیا و آخرت عذاب شان کند، عذابی الم انگیز و در این سرزمین دوست و یاوری نخواهند داشت٧٤ بعضی از آنها با خدا عهد کرد که اگر خدا از کرم خویش به ما عطا کند زکات دهیم از شایستگان شویم٧٥ و همین که خدا از کرم خویش به آنها عطا کرد بدان بخل ورزیدند و روی بگردانید ند واعراضگران بودند٧٦ خدا به سزای آن در دلشان تا روزی که به پیشگاه او می روند، نفاق انداخت برای آن تخلف که با خدا کردند از و عده ای که با وی نهاد بودند و برای آن دروغها که می‌گفته‌اند٧٧ مگر نمی دانند که خدا نهان ایشان و راز گفتن شان را میداند که خدا دانای نهان هاست ٧٨ کسانی که به مومنان راغب بخیر که بیش از استطاعت نمی یابند، در کار صدقه دادن عیب گیرند و و تمسخر شان کنند، خدا تمسخر شان

را [تلافی] کند و عذابی الم انگیز دارند۷۹ برایشان آمرزش بخواهد، یا برایشان آمرزش نخواه، اگر هفتاد بار برای ایشان آمرزش بخواهی ، هرگز خدا نخواهد شان آمرزید، چنین است زیرا آنها به خدا و پیغمبرش کافر شده اند و خدا گروه عصیان پیشه را هدایت نمی کند۸۰ به جاماندگان از نشست خویش از پس رفتن پیغمبر خدا، شادمان داشتند و کرا هت داشتند که با مالها و جانهای خویش در راه خدا جهاد کنند و گفتند در این گرما بیرون نروید ، بگو گرمای آتش جهنم سخت تر است، اگر می‌فهمیدند۸۱ به سزای اعمال که کرده‌اند باید کم بخندند و باید بسیار بگریند۸۲ اگر خدایت سوی دسته ای از آنها بازگردانید و برای بیرون شدن از تو اجازه خواستند بگو هرگز با من بیرون میایید هیچ وقت! و هرگز همراه من با دشمنی کارزار نکنید که شما نخستین بار به نشستن رضایت داده‌اید، پس با وا ماندگان بنشینید۸۳ هیچ وقت قبر یکی از آنها که مرده نماز مبر، و بر قبر وی مایست، آنها خدا و پیغمبراش را انکار کردند و در حال عصیان بمردند۸٤ اموال و اولادشان تو را به شگفت نیارد، فقط خدا می خواهد به وسیله آن در این دنیا عذاب شان کند و در حال کفر جانشان در آید۸۵ و چون سوره ای نازل شود که به خدا ایمان بیارید و همراه پیغمبر او جهاد کنید ، مکنت دارانشان از تو اجازه خواهند و بگویند ما را بگذار با نشستگان باشیم. ۸٦ راضی شده اند که قرین زنان باشند بر دلهایشان مهر[غفلت] زده شد و فهم کردن نتوانند۸۷ ولی پیغمبر و کسانی که به او ایمان آورده اند با مالها و جانهای خویش جهاد کردند، نیکویی ها خاص ایشان است و آنها خاص ایشان است و آنها خودشان رستگارانند۸۸ خدا برای آنها بهشت ها آماده کرده که جوی ها در آن روان است و جاودانه در آنند و این کامیابی بزرگ است۸۹ عذر جویان بادیه نشین بیامدند تا به ایشان اجازه [ماندن] داده شود و کسانی که به خدا و پیغمبر دروغ گفتند به جا نشستند زود باشد به کسانی از ایشان که کافر شده اند عذابی الم انگیز رسد۹۰ نه بر ضعیفان و نه بر مریضان و نه بر آن کسان که چیزی برای خرج کردن ندارند، اگر برای خدا و پیغمبر او نیک خواهی کنند، تکلیف نیست که بر ضد نیکوکاران راه تعرض نیست و خدا آموزگار و رحیم است۹۱ نه بر آن کسان که چون پیش تو آمدند که مرکوبشان دهی، گفتی چیزی ندارم که شما را بر آن سوار کنم برفتند و دیدگانشان از اشک پر بود که چیزی برای خرج کردن ندارند۹۲ راه [تعرض] بر ضد آن کسان است که توانگرند و از تو اجازه می‌خواهند راضی شده‌اند که قرین زنان باشند، خدا بر دلهایشان مهرزده که دانستن نتوانند۹۳ چون بازگردید عذر پیش شما آرند، بگو: عذر میارید، که شما را باور نکنیم خدا ما را از اخبار شما مطلع کرد، زود باشد که خدا و پیغمبر او عمل شما را ببینند آنگاه به دنیای غیب و شهود تان می برند و شما را از اعمالی که می کرده اید خبر میدهد۹٤ و چون به سوی ایشان باز آمدید، برای شما قسم می‌خورند که از ایشان چشم بپوشید از ایشان چشم بپوشید که ایشان پلید ند و جایشان، به سزای اعمال ای که می‌کرده‌اند، جهنم است۹۵ برای شما قسم

می‌خورند که از آنها راضی شوید اگر شما از آنها راضی شوید خدا از گروه عصیان پیشه راضی نمی شود۹٦ بادیه نشینان، کفر و نفاق شان سخت‌تر است و به غفلت از حدود آن چیزها که خدا بر پیغمبر خویش نازل کرده شایسته ترند و خدا دانا و فرزانه است۹۷ بعض بادیه نشینان آنچه را خرج می‌کند غرامتی می داند و برای شما منتظرحادثات است حادثه بد، برآنها باد که خدا شنوا و داناست۹۸ بعضی بادیه نشینان به خدا و روز دیگر ایمان ندارند و آنچه را خرج می‌کنند مایه تقرب به خدا و دعای پیغمبر می دانند، بدانید که همان برای ایشان مایه قربت است، خدا در رحمت خویش داخلشان خواهد کرد که خدا آموزگار و رحیم است۹۹ و پیشروان نخستین از مهاجر و انصار و کسانی که به نیکی پیروی شان کرده اند، خدا از آنها راضی است و آنها نیز از خدا راضی اند برای ایشان بهشت ها آماده کرده که در آن جوی ها روان است و تا ابد در آن جاودانند و این کامیابی بزرگ است۱۰۰ بعضی بادیه نشینان که اطراف شما ایند منافقانند و بعضی اهل مدینه نیز، در نفاق فرو رفته اند، تو نمیشناسیشان ما می شناسیمشان، دوبارعذابشان خواهیم کرد و آنگاه به عذابی بزرگ برده میشوند۱۰۱ و دیگر آنکه به گناهان خویش اعتراف آورده و عمل شایسته ای را با بد دیگر آمیخته‌اند شاید خدا توبه آنها را بپذیرد که خدا آموزگار و رحیم است۱۰۲ از اموال شان زکات بگیر تا پاکشان کنی و به وسیله آن مصفاشان کنی درباره آنها دعا کن که دعای تو مایه آرامش آنهاست و خدا شنوا و داناست۱۰۳ مگر ندانند که آنکه توبه از بندگان خویش می پذیرد و زکات ها را می گیرد خداست و خدا توبه پذیر و رحیم است۱۰٤ بگو به عمل کوشید که خدا عمل شما را خواهد دید و پیغمبر او و مومنان نیز به زودی به جهان غیب و شهود تان می برند و خدا شما را از اعمالی که می کرده اید خبر می دهد۱۰۵ و دیگرانی هستند که محول به فرمان خدا شده اند یا عذاب شان کند یا ببخشد شان که خدا دانا و فرزانه است۱۰٦ و کسانی که مسجدی برای ضرر زدن و [تقویت] کفر و تفرقه مومنان به انتظار کسی که از پیش با خدا و پیغمبر ستیزه کرده ساخته‌اند و و قسم میخورند که جز نیکی نمی‌خواستیم خدا گواهی می دهد که آنها دروغگویانند۱۰۷ هیچ وقت در آن مایست، مسجدی که از نخستین روز بنیان آن با پرهیزکاری نهاده شده سزاوارتر است که در آن بایستی در آنجا مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه خویی کنند و خدا پاکیزه خویان را دوست دارد۱۰۸ آنکه بنای خویش بر پرهیزکاری خدا برای رضای او پایه نهاده بهتر است یا آنکه بنای خویش بر لب سیل گاهی نهاده که فرو ریختنی است که با وی در آتش جهنم سقوط کند و خدا قوم ستمکاران را هدایت نمی کند۱۰۹ بنیانی که ساخته‌اند پیوسته مایه اضطراب دلهای ایشان است، تا وقتی که دلهایشان پاره پاره شود و خدا دانا و فرزانه است۱۱۰ خدا از مومنان جانها و مالهای شان را خرید [در مقابل این] که بهشت از آنهاست در راه خدا کارزار کنند بکشند و کشته شوند وعده خداست که در تورات و انجیل و قرآن به عهده او محقق

است و کیست که به پیمان خویش از خدا وفادارتر است، به معامله [پرسود] خویش که انجام داده‌اند شادمان باشید که این کامیابی بزرگ است۱۱۱ مومنان همان توبه گران عابد ستایش گر روزه دار رکوع گذار سجده گذارند به معروف وادارند و از منکر باز دارند و حافظان حدود خدایند و مومنان را نوید بده۱۱۲ پیغمبر و کسانی که ایمان آورده اند نمی‌باید برای مشرکان پس از آنکه واضحشان شد که آنها اهل جهنم اند آمرزش بخواهند وگرچه خویشاوند باشند۱۱۳ آمرزش خواستن ابراهیم برای پدرش نبود مگر به اقتضای و عده ای که با وی کرده بود و چون برای او آشکار شد که پدرش دشمن خداست از او بیزاری جست که ابراهیم خداترس و بردبار بود۱۱٤ خدا چنین نبود که گروهی را از آن پس که هدایتشان کرده بود گمراه کند تا چیزهایی را که باید از آن بترسند برای ایشان بیان کند که خدا به همه چیز داناست۱۱٥ خدا ملک آسمانها و زمین خاص اوست زنده می کند و می میراند شما را جز خدا دوست و یاوری نیست۱۱٦ خدا پیغمبر و مهاجران و انصار را بخشید همان کسان که در موقع سختی از پس از آنکه نزدیک بود دلهای گروهی از ایشان بگردد وی را پیروی کردند باز آنها را ببخشید که خدا با آنها مهربان و رحیم است۱۱۷ و نیز آن سه تن را که جا مانده بودند تا وقتی که زمین با همه فراخی بر آنها تنگ شد و از خویش به تنگ آمدند و بدانستند که از خدا جز به سوی او پناهی نیست بخشید و باز ایشان را بخشید تا به خدا باز گردند که خدا بخشنده و رحیم است۱۱۸ شما که ایمان دارید! از خدا بترسید و قرین راستگویان باشید۱۱۹ مردم مدینه و بادیه نشینان اطرافشان نمی‌بایست از پیغمبر خدا تخلف کنند و نه جان خویش از جان وی عزیز تر دارند چنین است زیرا در راه خدا تشنگی و رنج و گرسنگی به آنها نمی‌رسد و در جایی که کافران را به خشم آرد قدم نمی نهند و به دشمنی دست بردی نمیزنند مگر به عوض آن برای ایشان عمل شایسته‌ای نویسند که خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمیکند۱۲۰ هیچ خرجی کوچک یا بزرگ نکنند و هیچ دره ای نسپرند مگر برای آنها نوشته شود تا خدا بهتر از آنچه عمل میکرده اند به آنها پاداش دهد۱۲۱ مومنان همگی نتوانند سفر کنند چرا از هر گروه ایشان دسته ای سفر نکنند تا در کار دین دانش اندوزند و چون بازگشتند قوم خویش را بیم دهند شاید آنها بترسند۱۲۲ شما که ایمان دارید با آن کسان از کافران که مجاور شمایند، کارزار کنید باید در شما خشونتی ببینند و بدانید که خدا یار پرهیزکاران است۱۲۳ و چون سوره ای نازل شود بعض آنها گویند: این ایمان کدامیک از شما را افزود اما کسانی که به راستی ایمان آورده‌اند ایمان شان را بیافزوده و شادمانی می کنند۱۲٤ اما کسانی که در دلهایشان مرضی هست، شکی به شک شان افزوده و با کفر بمُرده‌اند۱۲٥ مگر نه بینید که هر سال یکبار یا دو بار دچار فتنه شوند و پس از آن توبه کنند ونه پند گیرند۱۲٦ و چون سوره ای نازل شود بعض آنها به بعض دیگر بنا کردند: کسی شما را می بیند؟ آنگاه به در روند خدا دل هایشان را بگردانیده زیرا آنها گروهی هستند که فهم می

کنند۱۲۷ شما را پیغمبری از خودتان آمد که رنج بردن تان بر او گران است و به شما علاقه دارد و با مومنان مهربان و رحیم است۱۲۸ اگر پشت بکردند بگو خدا مرا بس است که خدایی جز او نیست به او توکل می کنیم که او پروردگار عرش بزرگ است. ۱۲۹

سوره یونس ۱۰

سوره یونس، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

الف، لام، را این آیه های کتاب تغییر ناپذیرندی۱ مگر برای این مردم عجب آور است که به مردی از ایشان وحی کرده‌ایم که همه مردم را بترساند و کسانی را که ایمان آورده‌اند نوید بده که نزد پروردگارشان سابقه نیک دارند کافران گویند: بی گفتگو این جادویی آشکار است۲ پروردگار شما خدای یکتاست که آسمانها و زمین را به شش روز آفرید، آنگاه به عرش پرداخت، تدبیر امور می کند و بی اجازه او شفاعت گری نباشد، این خدای یکتا پروردگار شماست، بندگی او کنید مگر اندرز نمی‌گیرید۳ بازگشت شما، همگی بدوست، خدا وعده درست کرده، او از نخست خلق می کند و سپس خلق خویش را باز می آورد تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته به انصاف کرده‌اند پاداش دهد و کسانی که کفر ورزیده اند به سزای آن انکار که می‌کرده‌اند، نوشیدنی از آب جوشان با عذابی الم انگیز دارند٤ که خورشید را پرتو و ماه را تابشی کرده و برای آن منزلها معین کرده تا شمار سالها و حساب کردن را بیاموزید. خدا اینها را به درستی بیا فرید، و این آیه ها را برای گروهی که می خواهند بدانند شرح می دهیم٥ به راستی در اختلاف شب و روز و آن چیزها که خدا در آسمانها و زمین آفریده برای گروهی که پرهیزکاری میکنند عبرت هاست٦ کسانی که انتظار معاد ندارند و زندگی دنیا را پسندیده‌اند و بدان آرام گرفته‌اند و کسانی که از آیه های ما غافلند۷ آنها جایشان به سزای اعمالی که می‌کرده‌اند جهنم است۸ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند خدا به ایمان شان هدایت شان می کند در بهشت های پرنعمت جوی ها از جایگاهشان روان است۹ دعایشان در آنجا خدایا تو منزهی و درودشان سلام است و ختم دعای شان این است که ستایش خاص پروردگار جهانیان است۱۰ اگر خدا شر را با شتاب به مردم می داد به همان شتاب که خیر را به او نشان می دهد بی گفتگو مدت شان سر آمده بود ولی ما کسانی را که انتظار معاد ندارند در طغیان شان رها می کنیم کوردل بمانند۱۱ و چون انسان با محنتی

برخورد کند ما را خفته یا نشسته یا ایستاده بخواند و همین که محنتش از او برداریم برود ما را برای محنتی که بدو رسیده نخوانده بود بدین گونه برای اسراف گران اعمالی که می‌کرده‌اند آرایش گرفته است۱۲ پیش از شما بسیار نسلها را وقتی ستم کردند و پیغمبران شان با حجت ها سوی ایشان آمده بودند و ایمان آوردنی نبودند هلاک کرده‌ایم و گروه بزهکاران را چنین سزا می دهیم۱۳ شما را از پی ایشان در این سرزمین جانشین ساخته ایم تا بنگریم چگونه عمل می کنید۱٤ و چون آیه های ما را برای ایشان بخوانی کسانی که انتظار معاد ندارند گویند: قرآنی جز این بیار یا آن را عوض کن! بگو حق من نیست آن را از پیش خود عوض کنم که من جز آنچه را به من وحی می رسد پیروی نمی کنم که من، اگر نافرمانی پروردگار خویش کنم، از عذاب روزی بزرگ بیم دارم۱٥ بگو: اگر خدا می خواست قرآن را برای شما نمی خواندم و به وسیله آن به معرض مجادله نمی شدم که پیش از نزول آن روزگاری میان شما بوده ام چرا خردوری نمی کنید۱٦ ستمگر تر از آنکه دروغ درباره خدا ساخته یا آیه های او را دروغ شمرده کیست؟ به راستی که بزهکاران رستگار نمی شوید۱۷ و سوای خدا چیزها می پرستند که نه ضررشان برساند و نه سودشان دهد و گویند: اینان شفیعان ما نزد خدایند بگو: مگر خواهید خدا را آنچه در آسمانها و زمین هست و نمی داند خبر دهید! خدا منزه است و از آن چیزها که با شریک می شمارید برتر است۱۸ مردم در آغاز جز یک امت نبودند، آنگاه مختلف شدند اگر کلمه پروردگار تو از پیش بر این نرفته بود، میان مردم درباره مطالبی که در آن اختلاف می‌کنند داوری شده بود۱۹ گویند: چرا معجزه ای [که ما میخواهیم] از پروردگارش به او نازل نمی شود بگو: غیب دانستن خاصه خداست، منتظر بمانید که من نیز با شما منتظر میمانم۲۰ و چون این مردم را از پی محنتی که به ایشان رسیده رحمتی بچشانیم، آن وقت درباره آیه های ما نیرنگ کردنی دارند بگو: خدا زودتر تدبیر تواند کرد که فرستادگان ما نیرنگ کردن شما را می نویسند۲۱ اوست که شما را در خشکی و دریا می برد که چون به کشتی باشید و کشتی ها به باد ملایم ایشان را می برند و بدان خوش دلند، یکباره بادی سهمگین بر آن وزد و موج از هر کنار، به ایشان رسد و پندارند که راه گریز ندارند، خدا را به اعتقاد خالص بخوانند که اگر ما را از این خطر رهانیدی بی گفتگو از سپاس داران خواهیم بود۲۲ و چون نجاتشان دهد، باز همانها در زمین به ناروا سرکشی کنند، ای مردم! سرکشی کردن شما به ضرر خودتان است، بر خوردنی ناچیز از زندگی دنیاست و عاقبت بازگشت شما به سوی ماست و شما را از اعمالی که می کرده اید خبر می دهیم۲۳ حکایت زندگی این دنیا، مانند آبیست که از آسمان فرستیم و به وسیله آن گیاهان زمین، از آنچه مردمان خورند و از آنچه حیوانات خورند، به هم پیوسته شود و چون زمین رونق خویش بگیرد و آراسته شود و صاحبان زمین گمان برند که گیاهان را در چنگ خویش دارند، به ناگاه فرمان ما شب یا روز، بدان رسد و از ریشه اش برآریم، گویی روز پیش اصلا نبوده بدین گونه این آیه ها را برای گروهی که اندیشه می کنند، شرح می دهیم۲٤ خدا به سرای

سلامت دعوت می کند و هر که را بخواهد به راهی راست هدایت می کند۲۵ کسانی که کار نیکی کرده اند، همان نیکی را با زیاده دارند، سختی و زبونی چهره هایشان را نمی گیرد آنها اهل بهشتند و خودشان در آن جاودانند۲٦ و کسانی که کارهای بد کرده اند، سزای بدی مثل آنست زبونی می گیردشان و در قبال خدا نگهداری ندارند، گویی چهره هایشان را پاره هایی از شب تاریک بپوشانده آنها اهل جهنمند و خودشان در آن جاودانند۲۷ روزی که همه آنها را محشور کنیم آنگاه به کسانی که شرک آورده اند گوییم: شما شریکان [عبادت] تان [هر دسته] به جای خود بایستید و مالشان را جدا کنیم شریکان [عبادت] شان گویند: شما بندگی ما نمی- کرده اید۲۸ گواه بودن خدا میان ما و شما بس، که ما از عبادت شما غافل بوده ایم۲۹ در آن هنگام هر کس به هر چه از پیش کرده، مبتلا شود و به سوی خدای یکتا مولای حقیقی خویش بازگشت یابند و آن دروغها که می ساخته اند نابود شود۳۰ بگو: کی شما را از آسمان و زمین روزی می دهد، یا کی مالک گوش و چشمهاست و کی زنده را از مرده پدید می آورد و مرده را از زنده پدید میآورد و کی تدبیر امور می کند، خواهند گفت: خدا بگو: پس چرا (از او) نمی ترسید۳۱ همین خدای یکتا پروردگار حقیقی شماست از حق که بگذری جز ضلال چیست؟ پس چگونه چشم (از حق) می پوشید۳۲ بدین سان کلمه پروردگارت بر آن کسان که عصیان نکردند محقق گشت که ایمان نمی آورند۳۳ بگو: مگر از شریکان (عبادت) شما کسی هست که اول بار خلقت کند و آن را باز بیارد، بگو: خدا خلقت آغاز می کند و باز آن را می آورد. پس چرا سرگردان می شوید۳٤ بگو: مگر از شریکان (عبادت) شما کسی هست که سوی حق هدایت کند؟ بگو خدا به سوی حق هدایت میکند؟ آیا کسی که سوی حق هدایت می کند، شایسته تر است که پیرویش کنند یا کسی که هدایت نمی کند مگر هدایت شود، شما را چه شده چگونه قضاوت می کنید۳٥ بیشترشان جز گمانی را پیروی نمی کنند و گمان به هیچ وجه جای حق را نمی گیرد و خدا به کارهایی که می کنند داناست۳٦ این قرآن مصنوع غیر خدا نیست، بلکه تائید آن چیزهاست که پیش از آن بوده و توضیح آن کتابهاست و تردید در آن نیست که از پروردگار جهانیان است۳۷ مگر، گویند: قرآن را ساخته است بگو: پس سوره ای مانند آن بیارید و اگر راست می گویید هر که را توانید غیر خدا بخوانید۳۸ [چنین نیست] بلکه چیزی را که به علم آن نرسیده اند و از تاویل آن خبر ندارند، دروغ شمرده اند کسانی که پیش از آنها بودند نیز چنین تکذیب کردند، بنگر سرانجام ستمکاران چگونه بود۳۹ بعضی از این مردم به قرآن می گروند و بعضی دیگر بدان نمی گروند و پروردگار تو تباه کاران را بهتر می- شناسد٤۰ اگر تو را تکذیب کردند بگو عمل من خاص من است و عمل شما خاص شماست شما از عملی که من می کنم بیزارید و من نیز از اعمالی که شما می کنید بیزارم٤۱ بعضی از آنها گوش به تو فرا می- دارند، مگر تو توانی کران را که عقل هم ندارند شنوا کنی٤۲ بعضی از آنها به تو می نگرند مگر تو توانی کوران را که بصیرت هم ندارند هدایت کنی٤۳ راستی که خدا به هیچ وجه به مردم ستم

نمی کند ولی مردم به خودشان ستم می کنند٤٤ و روزی که محشورشان کند، گویی جز ساعتی از روز به سر نبرده اند، با یکدیگر آشنایی کنند، حقا کسانی که معاد را دروغ شمرده اند زیان کرده اند و هدایت یافته نبوده اند٤٥ یا شمه ای از آن عذاب را که به منکران وعده می دهیم به تو می نمایانیم یا تو را بر می گیریم و بازگشت آنها سوی ماست و به هر حال خدا بر کارهایی که می کنند گواه است٤٦ هر امتی را پیغمبری بود و چون پیغمبرشان بیامدشان میان ایشان به انصاف قضاوت شد و آنها ستم نمی دیدند.٤٧ و می گویند: این وعده آمدن چه زمانی است، اگر راستگویید؟٤٨ بگو من اختیار زیان و سود خویش ندارم، مگر آنچه خدا خواسته باشد هر امتی را مدتی است و چون مدتشان به سر رسد نه ساعتی پس آیند و نه جلوتر روند٤٩ بگو: به من بگویید اگر عذاب خدا شب یا روز به شما رسد بدکاران کدام را به شتاب می خواهند٥٠ آیا پس از وقوع عذاب شما که آن را به شتاب می- خواسته اید، همان دم بدان ایمان می آورید٥١ آن وقت به کسانی که ستم کرده اند، گویند: عذاب جاوید را تحمل کنید، مگر جز در قبال اعمالی که می کرده اید سزایتان می دهند٥٢ از تو می پرسند آیا عذاب حق است؟ بگو آری به پروردگارم سوگند که عذاب حق است و شما فرار نتوانید کرد٥٣ هر کس ستم کرده، اگر همه مال جهان داشته باشد به عوض خویش دهد و چون عذاب را ببینند اظهار ندامت کنند میان ایشان به انصاف قضاوت شود و ستم نبینند٥٤ بدانید که هر چه در آسمانها و زمین هست از خداست، بدانید که وعده خدا درست است ولی بیشترشان نمی دانند٥٥ او زنده می کند و میمیراند و بدو بازگشت می یابند٥٦ ای مردم! شما را از پروردگارتان پندی رسیده با شفای آن مرض که در سینه هاست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان٥٧ بگو به کرم و رحمت خدا، به همین شادمان باشید که از آنچه منکران جمع می آورند بهتر است٥٨ بگو: به من بگویید این روزی که خدا نازل کرده و از آن حلالی و حرامی قرار داده اید، بگو: آیا خدا به شما اجازه داده یا به خدا دروغ می بندید٥٩ کسانی که به خدا دروغ می بندند روز قیامت به خدا چه گمان می برند. خدا نسبت به مردم صاحب کرم است ولی بیشترشان سپاس نمی دارند٦٠ به حالی نباشی و قرآنی نخوانی و هیچ عملی انجام ندهید مگر وقتی به آن می پردازید، ما ناظر شماییم از پروردگارت در آسمان و زمین هم وزن دره ای نهان نیست و نه کوچکتر از این و نه بزرگتری هست، مگر در مکتوبی روشن است٦١ بدانید که دوستان خدا نه بیمی دارند و نه غمگین می شوند٦٢ همان کسان که ایمان آورده و پرهیزکاری می کرده اند٦٣ بشارت در زندگی این دنیا و در آخرت خاص آنهاست کلمات خدا تغییر پذیر نیست این کامیابی بزرگ است٦٤ گفتار منکران تو را غمگین نکند که قدرت یکسره خاص خداست او شنوا و داناست٦٥ بدانید که هر چه در آسمانها و زمین هست از خداست، و کسانی که غیر خدا شریکانی [برای او] می خوانند. جز پیروی گمان نکنند و جز تخمین نزنند٦٦ اوست که شب را برای شما کرد تا در آن آرام گیرید و روز را روشن ساخت که در ان برای گروهی که گوششان شنواست عبرتهاست٦٧ گویند: خدا فرزندی گرفته او منزه

است او بی نیاز است هر چه در آسمانها و زمین هست از اوست. برای این سخن دلیلی نزد شما نیست، چرا درباره خدا چیزها گویید که نمی دانید٦٨ بگو کسانی که درباره خدا دروغ می سازند رستگار نمی شوند٦٩ بهره گرفتنی از این دنیاست، و عاقبت بازگشت آنها سوی ماست که برای آن انکار که می ورزیده اند عذاب سختشان می کنیم٧٠ خبر نوح را بر آنها بخوان که به قوم خود گفت: ای قوم! اگر وضع من که آیه های خدا را تذکار می دهم به شما گرانست به خدا توکل می کنم، شما و شریکان [عبادت] تان یکدل شوید که منظورتان از خودتان نهان نباشد و درباره من هر چه خواهید کنید مهلتم ندهید٧١ و اگر پشت بکردید، من از شما مزدی نخواستم که مزد من جز به عهده خدا نیست و فرمان یافته ام که از گردن نهادگان باشم٧٢ پس او را دروغگو شمردند و او را با همراهانش در کشتی برهاندیم و آنها را جانشینان ساختیم و کسانی را که آیه های ما را دروغ شمرده بودند، غرق کردیم بنگر سرانجام کار بیم یافتگان چسان بود٧٣ آنگاه از پی او پیغمبرانی به سوی قومشان فرستادیم. بر آن حجت ها آوردند، اما به آن چیزها که از پیش به تکذیب آن پرداخته بودند، ایمان بیار نبودند بدین سان بر دلهای مردم متجاوز مهر غفلت می نهیم٧٤ از پی آنها موسی و هارون را با معجزه های خویش به سوی فرعون و بزرگان او فرستادیم که بزرگی کردند و گروهی بدکار بودند٧٥ و همین که آن حق از نزد ما سوی آنها آمد، گفتند: این به راستی، جادویی آشکار است٧٦ موسی گفت: اکنون که حق سوی شما آمده چرا درباره آن گویید: آیا این جادوگریست در صورتی که جادوگران رستگار نمی شوند٧٧ گفتند: مگر سوی ما آمده ای تا از آئینی که پدران خویش را بر آن یافته ایم منصرفمان کنی و بزرگی این سرزمین خاص شما شود ولی ما به شما ایمان آوردنی نیستیم٧٨ فرعون گفت: همه جادوگران ماهر را پیش من آرید٧٩ ساحران بیامدند، موسی به آنها گفت: هر چه خواهید افکند بیفکنید٨٠ و چون بیفکندند، موسی گفت: اینکه آورده اید جادوست و خدا باطلش می کند که خدا عمل تبهکاران را به صلاح نمی آورد٨١ و خدا با کلمات خویش حق را استقرار می دهد و گرچه بدکاران کراهت داشته باشند٨٢ به موسی فقط فرزندانی از قوم وی ایمان آوردند و از فرعون و بزرگان وی بیم داشتند مبادا به محنتشان اندازد که فرعون در آن سرزمین سرکش بود و هم او از افراط کاران بود٨٣ موسی گفت: ای قوم! اگر به خدا ایمان آورده اید و گردن نهاده اید، بدو توکل کنید٨٤ گفتند: به خدا توکل می- کنیم پروردگارا! ما را محنت کش گروه ستمگران مساز٨٥ و ما را به رحمت خویش از گروه کافران رهایی بخش٨٦ به موسی و هارون وحی کردیم که برای قوم خویش در مصر خانه ها آماده کنید و خانه های خویش جای عبادت کنید و نماز کنید و مؤمنان را نوید بده٨٧ موسی گفت: پروردگارا! تو به فرعون و بزرگانش در زندگی این دنیا زیورها و مالها داده ای، پروردگارا! تا از راه تو گمراه کنند پروردگارا! اموالشان را نابود کن و دلهایشان را سخت کن که ایمان نیارند، تا عذاب الم انگیز را ببینند٨٨ گفت دعای شما اجابت شد، استوار باشید و طریقه کسانی را که دانا نیستند، پیروی مکنید٨٩ و

فرزندان اسرائیل را از دریا گذر دادیم و فرعون و سپاهیانش به قصد ستم و تعدی از پی آنها شدند و چون غرقش در رسید گفت: قبول کردم که خدایی جز آن که پسران اسرائیل بدو گرویده اند، نیست و من از گردن نهادگانم۹۰ حالا دیگر! تو که از پیش عصیان ورزیده- ای و از تبهکاران بوده ای۹۱ اکنون پیکر تو را به جایی بلند می افکنیم، تا برای هر که از پی تو است عبرتی باشی.به راستی که بسیاری مردم از آیه های ما بی خبرند۹۲ به راستی که فرزندان اسرائیل را در مکانی مناسب جای دادیم و چیزهای پاکیزه روزیشان کردیم، و تا وقتی این دانش سویشان آمد، اختلاف نکردند پروردگارت روز قیامت میان آنها درباره مطالبی که در آن اختلاف دارند، داوری می کند۹۳ اگر از آنچه به تو نازل کرده ایم به شک اندری از کسانی که پیش از تو کتاب آسمانی می خوانده اند بپرس، به راستی این حق از جانب پروردگارت سوی تو آمد به هیچ وجه از دو دلان مباش۹٤ و از آن کسان که آیه های خدا را دروغ شمرده اند مباش که از زیان کاران می شوی۹٥ کسانی که گفتار پروردگارت درباره آنها محقق شده و گرچه همه معجزه ها سوی ایشان بیاید۹٦ ایمان نیاورند تا عذاب الم انگیز را ببینند۹۷ هیچ دهکده ای نبود که [پس از عذاب] ایمان بیارد و ایمان آوردنش سودش دهد مگر قوم یونس که ایمان بیاوردند و در زندگی دنیا عذاب خفت را از آنها برداشتیم و تا مدتی بهره ورشان کردیم۹۸ اگر پروردگار تو می خواست هر که در این سرزمین هست همگی یکسره مؤمن می شدند مگر تو مردم را اکراه توانی کرد تا مؤمن شوند۹۹ هیچ کس نتواند که جز به اذن خدا مؤمن شود و بر کسانی که خردوری نکنند ناپاکی می نهد۱۰۰ بگو بنگرید که در آسمانها و زمین چه چیز هاست ولی این آیه ها و بیم دادن ها گروهی را که مؤمن شدنی نیستند سود نمی دهد۱۰۱ به جز روزگاری نظیر روزگار کسانی که پیش از آنها بوده اند چه انتظاری می برند بگو منتظر باشید که من نیز با شما منتظرم۱۰۲ آنگاه پیغمبران خویش را نجات دهیم و کسانی را که ایمان آورده اند همچنین که نجات دادن مؤمنان به عهده ماست۱۰۳ بگو: ای مردم! اگر از دین من به شک درید، من آن کسان را که سوای خدا می پرستید، نمی پرستم ولی خدایی را که جان شما را می گیرد، می پرستم و فرمان یافته ام که از مؤمنان باشم۱۰٤ و پیوسته اخلاصمند این دین معتدل باش و از مشرکان مباش۱۰٥ و سوای خدا چیزی را که سودت ندهد و ضررت نزند، مخوان که اگر چنین کنی در ردیف ستمگرانی۱۰٦ اگر خدا به تو محنتی رساند هیچ کس جز او برداشتن آن نتواند و اگر برای تو نیکی خواهد کرم او را مانعی نیست که آن را به هر کس از بندگان خود خواهد رساند و او آمرزگار و رحیم است۱۰۷ بگو ای مردم! این حق از پروردگارتان سوی شما آمده هر که هدایت یابد به سود خود یافته و هر که گمراه شود به ضرر خود گمراه شده و من عهده دار امور شما نیستم۱۰۸ چیزی را که به تو وحی می شود پیروی کن و صبور باش تا خدا داوری کند که او از همه داوران بهتر است. ۱۰۹

سوره هود ۱۱

سوره هود، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

الف، لام را، این کتابی که آیه های آن از طرف فرزانه ای کاردان استوار شده آنگاه توضیح شده است۱ که جز خدای یکتا را پرستش نکنید و من برای شما از جانب او بیم رسان و نوید بخشم۲ و که از پروردگار خویش آمرزش بخواهید و توبه بدو برید، شما را تا مدتی معین به بهره ای نیکو، بهره ور کند و هر صاحب فضیلتی را از کرم خویش عطا کند و اگر پشت کنید من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم۳ بازگشت شما سوی خداست و او به همه چیز تواناست٤ بدانید که آنها دل بتلون می دهند تا حال خویش از خدا مخفی کنند، بدانید که وقتی جامه های خویش به سر می کشند، خدا آنچه را نهان کنند و آنچه را عیان کنند می داند که وی دانای مکنونات سینه هاست٥ هیچ جانوری در زمین نیست، جز آنکه روزی وی به عهده خداست و قرار گاه و امانگاه او را می داند که همه در مکتوبی روشن است٦ اوست که آسمانها و زمین را به شش روز آفرید، و عرش وی روی آب بود، تا شما را بیازماید که کدامتان به عمل بهترید.اگر گویم که شما پس از مردن زنده میشوید، کسانی که کافر شده اند گویند: این بجز جادویی آشکار نیست۷ اگر عذاب موعود را مدتی معین از آنها تاخیر کنیم، گویند: موجب باز داشتن آن چیست؟ بدانید روزی که [عذاب] بیادشان از آنها گشتنی نیست و چیزی که به مسخره کردنش می پرداخته اند، بر آنها واقع شدنی است.۸ اگر انسان را رحمتی از جانب خویش دهیم سپس آن را از او بگیریم نومید و کفران پیشه می شود۹ و اگر او را، از پس محنتی که بدو رسیده، نعمتی دهیم، گوید: بدی ها از من برطرف گشته و شادمان و فخر فروش شود۱۰مگر کسانی که صبر کرده و کارهای شایسته کرده اند که آنها مغفرت و پاداشی بزرگ دارند۱۱ شاید بعضی چیزها را که به تو وحی می شود، رها کنی و سینه ات از آن تنگ شود تا نگویند چرا گنجی به او نازل نمی شود، یا فرشته ای همراه او نمی آید، تو فقط بیم رسانی و همه چیز به عهده خداست۱۲ مگر گویند قرآن را ساخته است، بگو: شما نیز سوره ساخته شده ای مثل آن بیارید و اگر راست می گویید غیر خدا هرکه را که توانید بخوانید۱۳ اگر[غیر خدایان] اجابت شما نکردند بدانید که قرآن به علم خدا نازل شده و خدایی جز او نیست.آیا شما مسلمان می شوید؟۱٤ هر نیکی این دنیا و زیور آن خواهد، پاداش اعمالش را در دنیا به ایشان تمام دهم و در اینجا نقصانی ندارند۱٥ همان کسانند که در آخرت نصیبشان جز جهنم نیست. و هرچه کرده اند در آنجا نابود میشود و اعمالی که می کرده-اند هدر است۱٦ مگر آن کس که از پروردگار خویش دلیلی روشن دارد و گواه خداوند آن را همی خواند و

پیش از آن کتاب موسی بوده، راهبر و رحمت، که ایشان بدان مومنند،[با منکران همانند است] و هرکس از این دسته ها منکر[قرآن] دلیل روشن خدا شود، وعده گاه او جهنم است، درباره آن به شک در مباش که حق است و از جانب پروردگارست ولی بیشتر این مردم باور نمی کنند۱۷ ستمگر تر از آنکه دروغی درباره خدا بسازد کیست، آنها به پروردگارشان عرضه شوند و شاهدان گویند: همین کسانند که پروردگار خویش دروغ بستند، ای لغت خدا ستمگران باد۱۸ همان کسان که از راه خداوند برگردند و آن را منحرف خواهند و آنها، خودشان، دنیای دیگر را منکرند۱۹ آنها در زمین فرار نتوان کرد و جز خدا دوستانی ندارند، عذابشان دو برابر شود، که نه شنیدن توانند، و نه اهل بصیرت بوده اند۲۰ همان کسانند که به خویشتن زیان زده اند و دروغها که ساخته اند نابود شده است۲۱ و بی گفتگو در آخرت، آنها، خودشان، زیان کارترند۲۲ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و پروردگار خویش را تواضع کرده اند، آنها اهل بهشتند و خودشان در آن جاودانند۲۳ و حکایت این دو گروه چون کور و کر و بینا و شنواست، مگر حکایت شان یکسان است، چرا اندرز نمی گیرید۲٤ براستی، نوح را به قومش فرستادیم که من برای شما پیام رسانی آشکارم۲۵ که جز خدای یگانه را نپرستید که من از عذاب روزی الم انگیز برشما بیمناکم۲٦ بزرگان قوم وی که کفر می ورزیدند، گفتند: ما تو را جز بشری مانند خویش نمی بینیم و نمی بینمت که جز فرومایگان سبک سر ما پیروی تو کرده باشند، شما را به خویشتن برتر نمیبینیم، بلکه دروغگویتان می پنداریم۲۷ گفت: ای قوم! به من بگویید، اگر حجتی از پروردگار خود دارم و مرحمتی از جانب خویش به من عطا کرده که برای شما نا معلوم هست چگونه توانم شما را که از آن متنفرید به [قبول] آن وا دارم۲۸ ای قوم! من برای پیغمبری از شما مالی نمیخواهم که مزد من جز به عهده خدا نیست، و کسانی را که ایمان آورده اند طرد نمی کنم که آنها به پیشگاه پروردگار خویش می روند ولی شما را گروهی جهالت پیشه می بینم۲۹ ای قوم! اگر آنها را طرد کنم کی مرا در قبال [غضب] خدا یاری میکند، چرا پند نمی گیرید۳۰ به شما نمی گویم که خزینه های خدا پیش من است و غیب می دانم و نه می گویم که فرشته ام، و درباره آن کسان که در چشم شما خوار می نمایند «و خدا بهتر داند که در ضمایر ایشان چیست» نمی گویم: هرگزخدا خیری نخواهدشان داد وگرنه ازستمگران خواهم بود۳۱ گفتند: ای نوح! با ما مجادله کردی و در مجادله افراط کردی، اگر راست می گویی عذابی را که به ما وعده می- دهی سوی ما بیار۳۲ گفت: فقط خدا، اگر بخواهد، آن را سوی شما می آورد و شما فرار نتوانید کرد۳۳ اگر خواهم نصیحتتان کنم، و خدا خواهد گمراهتان کند، نصیحت کردن من سودتان ندهد، که او پروردگار شماست و به سوی او بازگشت می یابید۳٤ مگر گویند این سخن را تزویر کرده، بگو: اگر آن را تزویر کرده باشم گناه کردن من به عهده من است، اما از این گناه که به من نسبت می دهید برکنارم۳۵ و به نوح وحی شد که از قوم تو جز آنها که ایمان آورده اند، ایمان ندارند، بنابراین از اعمالی که می کرده اند، اندوهگین مباش۳٦

کشتی [منظور خویش] را به فرمان ما و مراقبت ما بساز، و مرا درباره کسانی که ستم کرده اند، مخاطب مساز که آنها غرق شدگانند۳۷ و کشتی هم ساخت «هر وقت بزرگان قومش بر او می گذشتند تمسخرش می-کردند، گفت: اگر مارا مسخره می کنید، بزودی ما نیز شما را چنانکه، اکنون مارا مسخره می کنید، مسخره خواهیم کرد۳۸ بزودی عذابی که بدو می رسد که خوارش می کند و عذاب دائم بر او فرود می آید خواهید شناخت۳۹ تا وقتی که فرمان ما بیامد و تنور فوران کرد، گفتیم از هرجفتی دوتا به کشتی بردار، باخاندان خود، «مگر که کسی که گفتار [خدا] بر او رفته، باهرکه ایمان آورده و جز اندکی به او ایمان نیاورده بودند،» ٤۰ گفت: در آن سوار شوید که رفتنش و ایستادنش به نام خداست که پروردگار من آمرزگار و رحیم است٤۱ چون کوهها هم می برد، و نوح پسر خویش را که به کناری بود بانگ زد: پسرک من! با ما سوار شو و قرین کافران مباش٤۲ گفت سوی کوهی خواهم رفت که مرا از این آب نگاه دارد گفت: امروز، از فرمان خدا نگهداری نیست، مگرکسی را که رحمت آرد، و موج میانشان حایل شد و از غرق شدگان بود٤۳ و گفته شد: ای زمین! آب خود فرو بر وای آسمان! بازگیر، و آب کاسته شد و آن فرمان انجام گشت و کشتی به جودی نشست و گفته شد، هلاک برگروه ستمگران باد٤٤ و نوح پروردگار خویش را ندا داد و گفت: پروردگارا! پسر من از خاندان من است و وعده ی راستست که از تو از همه داوران فرزانه تری٤٥ گفت: ای نوح! وی از خاندان تو نبود که او عملی ناشایسته بود چیزی که مصلحت آن نمی دانی مخواه و من پندت می دهم از مردم نادان مباش٤٦ گفت: پروردگارا! به تو پناه می برم که چیزی را که مصلحت آن نمی دانم از تو بخواهم، اگر مرا نمی آمرزی و رحمتم نکنی از زیانکاران خواهم بود٤۷ گفته شد: ای نوح ! فرود آی، با سلام و برکت های ما، بر تو و بر امتها از آنها که بتواند و امتها نیز هستند که برخوردارشان کنیم آنگاه عذابی الم انگیز از ما به ایشان می رسد٤۸ این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می کنم که پیش از این نه تو و نه قومت آن را نمی دانسته اید صبور باش که سرانجام نیک خاص، پرهیزکاران است٤۹ و به قوم عاد برادرشان هود را [فرستادیم] گفت: ای قوم خدای یکتا را بپرستید که خدائی جز او ندارید و جز دروغ زن نیستید۵۰ ای قوم من از شما مزدی برای پیغمبری نمی خواهم، که مزد من جز به عهده آن که ایجادم کرده نیست چرا خردوری نمی کنید۵۱ ای قوم! از پروردگار خویش آمرزش بخواهید و بدو توبه برید تا آسمان را به بارش فراوان بر شما گمارد و نیروئی بر نیرویتان بیفزاید و در این حال که گنه کارید، روی مگردانید۵۲ گفتند: ای هود! برای ما دلیلی نیاورده ای و بگفته تو رها کن خدایان خویش نیستیم و تو را باور نمی کنیم۵۳ و جز این نگوییم که بعضی خدایان ما آسیبی به تو رسانده اند، گفت: خدا را گواه میگیرم و شما نیز گواه باشید، که من از آنچه سوای خدا [با او] شریک می پندارید بیزارم٥٤ بنابراین در این کار من نیرنگ کنید و مهلتم ندهید۵۵ که من به خدای یگانه، پروردگار خودم و پروردگار شما، توکل می کنم. هیچ جانوری نیست

مگر خدا بر او فرمانرواست که پروردگار من بر طریقه حق است۵۶ اگر روی برگردانید، من چیز هایی را که به [ابلاغ] آن فرستاده شده بودم به شما رسانیده ام و پروردگارم گروهی غیر شما را جانشین [شما] می کند و او را هیچ ضرری نمی زنید، که پروردگار من نگهبان همه چیز است۵۷ و چون فرمان ما بیامد به رحمت خویش خود را، با کسانی که بدو ایمان آورده بودند، نجات دادیم، از عذابی سخت نجاتشان دادیم۵۸ این عادیان بودند که آیه های پروردگار خویش را منکر شدند و پیغمبران او را نافرمانی کردند و فرمان هر ستمگر ستیزه گر را پیروی کردند۵۹ در این دنیا و روز قیامت لعنتی به دنبال دارند، بدانید که عادیان پروردگار خویش را منکر بودند، ای هلاک بر عادیان، قوم هود باد۶۰ و به ثمودیان برادرشان صالح را [فرستادیم] گفت: ای قوم! خدای یکتا را که جز او خدائی ندارید بپرستید او شما را از زمین پدید کرد و آ باد کردن آن به شما سپرد، از او آمرزش بخواهید و بدو توبه برید که پروردگار من نزدیک و اجابتگر است۶۱ گفتند: ای صالح! پیش از این امید ها از تو داشتیم، چطور ما را از پرستیدن خدایانی که پدرانمان می پرستیده اند منع می کنی، ما از این آئین که به سوی آن دعوتمان می کنی به شکی سخت اندریم۶۲ گفت: ای قوم! به من بگوئید اینک که پروردگار خویش یقین دارم و رحمتی از او سوی من آمده، اگر عصیان خدا کنم کی مرا در قبال او یاری می کند! پس با اینکار، جز این که شما را زیان کار شمارم، کاری نمی کنید۶۳ ای قوم! این شتر خداست که معجزه ای برای شماست، بگذاریدش در زمین خدا چرا کند و بدی به او نرسانید که عذابی نزدیک شما را بگیرد۶۴ و شتر را بکشتند، سه روز در خانه خویش، خوش کنید، این وعده ای تکذیب نشدنی است۶۵ و همین که فرمان ما بیامد صالح را با کسانی که بدو ایمان آورده بودند، به رحمت خویش از خواری آن روز رهاندیم که پروردگار تو نیرومند و مقتدر است۶۶ و کسانی که ستم کرده بودند دچار صیحه شدند و در دریار خویش بی جان گشتند۶۷ گوئی اصلا در انجا نبوده اند. بدانید که ثمودیان پروردگار خویش را منکر شدند، ای هلاک بر ثمودیان باد۶۸ به راستی، فرستادگان ما با نوید، نزد ابراهیم شدند، گفتند: سلام بر تو، گفت: سلام برشما و طولی نکشید که گوساله بریان پیش آورد۶۹ و همین که دید دست بدان نمی زنند، ناپسندشان شمرد و ترس آنها را بدل گرفت، گفتند: بیم مدار که ما را به قوم لوط فرستاده اند۷۰ و زن وی که ایستاده بود بخندید، وی را به اسحق و از پی اسحق، یعقوب، نوید دادند ۷۱ گفت: وای برمن! چگونه می زایم که من پیرم و فرتوتی شوهرم چنین است که این چیزی شگفت انگیز است۷۲ گفتند: مگر از کار خدا تعجب می کنی، رحمت خدا و برکت های وی ستوده و بزرگوار است۷۳ و همین که آن ترس از ابراهیم برفت و نوید به او آمد، با ما در کار قوم لوط، مجادله می کرد۷۴ که ابراهیم، به راستی بردبار و نرم دل و مطیع بود۷۵ ای ابراهیم! از این بگذر، که فرمان پروردگارت بیامده و عذابی برگشت ناپذیر به آنها می رسد۷۶ و همین که فرستادگان ما نزد لوط شدند از آمدنشان غمگین شد و در کارشان فرو ماند و گفت: این روزی بسیار سخت است۷۷ و قومش که

می شتافتند بیامدند، و از پیش نیز کار های زشت می کردند، گفت: ای قوم اینها دختران منند که برای شما پاکیزه ترند از خدا بترسید و مرا در مورد، میهمانانم رسوا می کنید، مگر مرد عاقلی میان شما نیست۷۸ گفتند: دانی که ما را به دختران تو حقی نیست و تو دانی که چه می خواهیم۷۹ گفت: کاش در قبال شما نیروئی داشتم یا به تکیه- گاهی قوی پناه می بردم۸۰ گفتند: ای لوط! ما فرستادگان پروردگار توایم، هرگز به تو دست نیابند، پاسی از شب با خاندان خویش راه سپر شو و هیچ یک از شما باز نماند، مگر زنت که هرچه با آنها می رسد به او نیز خواهد رسید، موعد ایشان صبح دم است مگر صبح نزدیک نیست؟۸۱ و همین که فرمان ما بیامد دیارشان را زیرو زبر کردیم و سنگ هایی از گل سنخت و منظم، بر آن باراندیم۸۲ که نزد پروردگارت نشانه گزاری شده بود و چنین عذابی از ستمگران دور نیست۸۳ و به مردم مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت: ای قوم! خدای یکتا را که جز او خدایی ندارید بپرستید و پیمانه و وزن را کم مدهید که من کار شما را خوب می- بینم و از عذاب روزی که فرا گیرنده است، بر شما بیمناکم ۸٤ و ای قوم ! پیمانه و وزن را به انصاف، تمام دهید و چیز های مردم را کم مکنید و در این سرزمین به فساد مکوشید۸۵ اگر باور دارید باقی مانده خدا [پس از اکمال پیمانه و وزن] برای شما بهتر است و من نگهبان شما هستم۸٦ گفتند: ای شعیب! مگر نماز کردنت فرمانت می دهد که ما خدایی را که پدرانمان می پرستیدند، رها کنیم و در اعمال خویش چنانکه خواهیم تصرف نکنیم، واقعا که تو بردبار و عاقلی! ۸۷ گفت: ای قوم! به من بگویید من که به پروردگار خویش یقین دارم و روزی نیکو به من داده است و نمی خواهم آنچه را از شما منع میکنم خودم بگیرم [از اغفال شما چه سود می برم] که من جز اصلاح کردن تا آنجا که بتوانم هدفی ندارم و توفیق یافتن من جز با اراده خدا نیست، به او توکل می کنم و اطاعت به او می برم۸۸ ای قوم! مخالفت من به بد کارتان نکشاند که به شما همان رسد که به قوم نوح یا قوم صالح یا قوم هود رسید و قوم لوط از شما چندان دور نیست۸۹ از پروردگار خویش آمرزش بخواهید و توبه بدو برید که پروردگار من رحیم مودت شعار است۹۰ گفتند: ای شعیب! خیلی از این چیزها را که میگوئی نمی فهمیم تو را میان خویش ناتوان می بینیم اگر بخاطر کسانت نبود، سنگسارت می- کردیم که پیش ما عزیز نیستی۹۱ گفت: ای قوم! مگر کسان من از خدا که او را پشت سر گذاشته اید نزد شما عزیزترند که پروردگار من با اعمالی که می کنید احاطه دارد۹۲ ای قوم! شما به جای خود عمل کنید، به زودی خواهید دانست آن که عذابی بدو می رسد که خوارش می کند و آنکه دروغ می گوید، کیست منتظر باشید که من نیز با شما منتظرم۹۳ و همین که فرمان ما بیامد، شعیب را با کسانی که بدو ایمان آورده بودند، به رحمت خویش، رهانیدیم و کسانی که ستم کرده بودند به صیحه دچار شدند و در دیار خویش بی جان شدند۹٤ گوئی که اصلا در آن نبوده اند.ای هلاک بر مردم مدین باد، چنانکه ثمودیان نیز هلاک شدند۹۵ به راستی، موسی را با آیه های خویش و دلیلی روشن۹٦ به سوی فرعون و بزرگان قوم وی

فرستادیم ولی فرمان فرعون را پیروی کردند اما فرمان فرعون عاقلانه نبود۹۷ روز قیامت پیشاپیش قوم خویش است و وارد جهنمشان می کند که بد جای ورودیست۹۸ و در این دنیا و روز قیامت لعنتی به دنبالشان است و بد عطائی داده شدند۹۹ این از خبرهای آن دهکده هاست که برای تو می گوئیم که بعضی به پاست و [بعضی] نابود شده است۱۰۰ ما، ستمشان نکردیم بلکه به خود ستم کردند و همین که فرمان پروردگار بیامد خدایانشان که سوای خدا می خواندند، کاری برایشان نساختند و جز خسرانشان نیفزودند۱۰۱ مواخذه کردن پروردگارت، وقتی از آن دهکده ها که ستمگر بودند، مواخذه می کرد چنین بود که مواخذه وی الم انگیز و سخت بود۱۰۲ و در این برای کسی که از عذاب قیامت ترسد عبرتی هست، قیامت روزی است که همه مردم مجتمع می شوند و روز حضور یافتن [همه] است۱۰۳ و آن را جز برای مدتی معین، موخر نمی داریم۱۰٤ روزی بیاید که هیچکس جز با اجازه او سخن نگوید و از جمله آنها بدبخت باشد و نیک بخت۱۰٥ اما کسانی که بدبختند در جهنم اند و در آنجا صدای بم و زیری دارند۱۰٦ و تا آسمانها و زمین هست در آن جاودانند، مگر آنچه پروردگار تو خواهد که پروردگارت هرچه بخواهد می کند۱۰۷ اما کسانی که نیک بختند، در بهشت اند و تا آسمانها و زمین هست در آن جاودانند، مگر آنچه خدای تو خواهد، که این بخششی قطع نشدنی است۱۰۸ درباره ی خدایانی که اینان می پرستند به تردید مباش، که پرستش جز به طریقی که پدرانشان از پیش می کرده اند، نمی کنند و ما نصیب آنها را تمام، بدون کاسته شدن می دهیم۱۰۹ براستی موسی را کتابی دادیم و در آن اختلاف رخ داد، اگر گفتار پروردگارت از پیش بر این نرفته بود؛ میان ایشان داوری شده بود که آنها درباره کتاب موسی به شکی سخت اندرند۱۱۰ پروردگارت سزای اعمال همگیشان را تمام می دهد که او از اعمالی که می کنند خبر دارد۱۱۱ پایدار باش چنان که دستورت داده اند، و هرکه با تو سوی خدا آمده نیز، و سرکشی می کنید که او بینای اعمال شماست۱۱۲ به کسانی که ستم کرده اند متمایل می شوید که جهنمی می شوید و غیر خدا دوستانی ندارید و یاری نمی شوید۱۱۳ دو طرف روز و پاسی از شب، نماز به پا دار که نیکی ها بدی ها را نابود میکند، این اندرزی برای اندرز گیران است۱۱٤ و صبور باش که خدا پاداش نیکو کاران را تباه نمی کند۱۱٥ چرا از نسلهای پیش از شما، جز کمی از آنها که نجاتشان داده بودیم، صاحب خردان نبودند که از تبهکاری در این سرزمین جلو گیری کنند و کسانی که ستم کردند مطیع لذت های خویش شدند و بزهکاران بودند۱۱٦ پروردگارت چنین نبود که این دهکده ها را، اگر مردمش اصلاح گران بودند، به سزای ستمی هلاک کند۱۱۷ اگر پروردگارت خواسته بود همه مردم را یک امت کرده بود ولی پیوسته مختلف خواهند بود۱۱۸ مگر کسانی که پروردگارت به ایشان رحمت آورده و برای رحمت خلقشان کرده است. و سخن پروردگار تو بر این رفته که جهنم را از جنینان و آدمیان یک سره لبالب می کنم۱۱۹ این همه اخبار پیغمبران بر تو می خوانیم تا دلت را بدان استوار کنیم و ضمن آن حق و وعظ و تذکر مومنان به

سوی تو آمده است۱۲۰ به کسانی که ایمان نیاورده اند بگو: به اندازه توان خویش عمل کنید که ما نیز عمل می کنیم۱۲۱ و منتظر باشید که ما نیز منتظریم۱۲۲ غیب آسمانها و زمین خاص خداست و کار ها یکسره به او بازگشت دارد، او را بپرست و توکل بدو کن که پروردگار تو از اعمالی که می کنید غافل نیست.۱۲۳

سوره یوسف ۱۲

سوره یوسف، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

الف، لام، را این آیه های کتاب واضح است۱ که ما آن را قرآنی عربی نازل کرده ایم، شاید خردوری کنید۲ ما که این قرآن به تو وحی می کنیم، ضمن آن بهترین خبرها را برایت می خوانیم و گرچه پیش از آن از بی خبران بوده ای۳ چون یوسف به پدرش گفت: ای پدر! من یازده ستاره به خواب دیدم، با خورشید و ماه دیدمشان که مرا سجده می کنند٤ گفت پسرکم رویای خویش را به برادرانت مگو که در کار تو نیرنگی کنند که شیطان، انسان را دشمنی آشکارست٥ از این قرار پروردگارت تو را برمی گزیند و تعبیر حوادث رویا را تعلیمت می دهد و نعمت خویش بر تو و بر خاندان یعقوب کامل می کند چنانکه پیش از این بر پدرانت ابراهیم و اسحق کامل کرده بود که پروردگارت دانا و فرزانه است٦ به راستی که در سرگذشت یوسف و برادرانش برای پرسش کنان عبرت هاست۷ آن دم که گفتند: یوسف و برادرش، نزد پدرمان از ما که دسته ای نیرومندیم، محبوبترند که پدر مادر ضلالتی آشکارست۸ یوسف را بکشید یا بر زمینی دورش بیندازید که علاقه پدرتان خاص شود و پس از او مردمی شایسته شوید۹ یکی از ایشان گفت: یوسف را مکشید! اگر کاری می کنید او را به قعر چاه افکنید که بعضی مسافران او را برگیرند۱۰ گفتند: ای پدر! برای چه ما را درباره یوسف امین نمی شماری در صورتی که ما خیرخواهان اوئیم۱۱ فردا وی را همراه ما بفرست که بگردد و بازی کند و ما او را حفاظت می کنیم۱۲ گفت: مردن او مرا غمین می کند، بیم دارم از او غافل شوید و گرگش بخورد۱۳ گفتند: اگر با وجود ما که دسته ای نیرومندیم گرگش بخورد به راستی که ما زیانکار خواهیم بود۱٤ و چون او را ببردند و هم سخن شدند که در قعر چاهش کنند بدو وحی کردیم که آنها را از این کارشان خبردار خواهی کرد و آنها ادراک نمی کنند۱٥ شبانگاه گریه کنان پیش پدر شدند۱٦ گفتند: ای پدر! ما به دویدن رفته بودیم و یوسف را نزد کالای خویش گذاشته بودیم گرگش بخورد، ولی تو [سخن] ما را، گرچه راستگو باشیم، باور نمی کنی۱۷ و پیراهن وی را با خون دروغین بیاوردند گفت: [چنین نیست] بلکه ضمیرهایتان کاری [بزرگ] را به نظرتان نیکو نموده، برای صبری نکو باید و خداست که در این باب از او کمک باید خواست۱۸ و

کاروانی بیامد و آب دار خویش بفرستادند که دلو خویش بینداخت و گفت: ای مژدگانی! این غلامیست، و او را فروختنی وا نمودند و خدا می دانست چه می کردند۱۹ و وی را به بهایی ناچیز درهم هایی چند فروختند که بدو بی اعتنا بودند۲۰ آن کس از مردم مصر که وی را خریده بود به زن خود گفت، منزلت وی را گرامی بدار، شاید ما را سود دهد یا به فرزندیش بگیریم، چنین شد که یوسف را در آن سر زمین جا دادیم، تا تعبیر حوادث رویا را تعلیمش دهیم که خدا به کار خویش مسلط است ولی بیشتر مردم نمی دانند۲۱ و همین که به رشد رسید، فرزانگی و دانشی بدو دادیم و نیکوکاران را چنین پاداش می دهم۲۲ و آن زن که یوسف در خانه وی بود بر رغم وی از او کام می خواست، درها را [محکم] ببست و گفت: مال توام، گفت: خدا نکند که وی مربی من است و منزلت مرا نکو داشته است که ستمگران رستگار نمی شوند۲۳ وی رو به یوسف کرد و یوسف، اگر برهان پروردگار خویش ندیده بود، رو بدو کرده بود، چنین شد، تا گناه و بدکاری از او دور کنیم که وی از بندگان خاص ما بود۲٤ از پی هم سوی در دویدند و پیراهن یوسف را از عقب بدرید و شوهرش را پشت در یافتند، گفت: سزای کسی که به خاندان تو قصد بد کند جز این نیست که زندانی شود یا عذابی الم انگیز بیند۲۵ یوسف گفت: وی از من کام می خواست و یکی از کسان زن که حاضر بود گفت: اگر پیراهن یوسف از جلو دریده شده، زن راست می گوید و او دروغگوست۲٦ و اگر پیراهن وی از عقب دریده شده زن دروغ می گوید و او راستگوست۲۷ و چون پیراهن وی را دید که از عقب دریده بود، گفت: این نیرنگ شماست که نیرنگ شما بزرگ است۲۸ یوسف! این را ندیده بگیر وای زن از گناه خویش آمرزش بخواه که تو خطاکار بوده ای۲۹ زنانی در شهر گفتند: زن شاه ، از غلام خویش کام می خواهد که فریفته او شده و ما وی را در ضلالتی آشکار می بینیم۳۰ و همین که افسون سرائیشان بشیند، کس نزدشان فرستاد و مجلسی فراهم کرد و به هر یک از آنها کاردی داد و به یوسف گفت: نزد آنها برو، همین که وی را بدیدند حیران او شدند و دست های خویش ببریدند و گفتند: از خدا به دور، این بشر نیست، این جز فرشته ای بزرگوار نیست۳۱ گفت: این همانست که درباره او ملامتم کرده اید، من از او کام خواستم و خویشتن داری کرد. اگر آنچه بدو فرمان می دهم نکند، زندانی می شود و از حقیران می شود۳۲ گفت: پروردگارا! زندان برای من، از گناهی که مرا بدان می خوانند، خوش تر است، اگر نیرنگشان از من دور نکنی ، مایل ایشان می شوم و از جهالت پیشگان می شوم۳۳ پروردگارش اجابتش کرد و نیرنگشان را از او دور کرد که او شنوا و داناست۳٤ آنگاه با وجود آن نشانه ها که دیده بودند، به نظرشان رسید که او را تا مدتی زندانی کنند۳۵ دو غلام با وی به زندان شدند، یکی شان گفت: به رویا خویش را دیدم که انگوری می فشارم و دیگری گفت: خویش را دیدم که روی سرم نانی می برم که مرغان از آن می خورند. ما را از تعبیر آن خبردار کن که تو را از نیکوکاران میبینیم۳٦ گفت: غذایی که خوراک شما شود به رویایتان نیاید، مگر شما را از تعبیر آن پیش از آنکه وقوع یابد خبردار

کنم، این از آن چیزهاست که پروردگارم به من تعلیم داده که من آئین گروهی را که به خدای یکتا ایمان ندارند و خودشان آخرت را منکرند رها کرده ام۳۷ آئین پدران خویش ابراهیم و اسحق و یعقوب را پیروی می کنم، ما را نسزد که چیزی را با خدا انباز کنیم، این کرم خدا بر ما و بر همه مردم است ولی بیشتر مردم سپاس نمی دارند۳۸ ای یاران زندان! آیا خدایان پراکنده بهترند یا خدای یگانه مقتدر۳۹ غیر خدا، جز نامهایی را که شما و پدرانتان نامیده اید و خدا دلیلی درباره آن نازل نکرده پرستش نمی کنید فرمانروایی خاص خداست و فرمان داده که جز او را نپرستید، دین قویم اینست ولی بیشتر مردم نمی دانند٤٠ ای یاران زندان! اما یکی تان شرابی به آقای خویش می نوشاند و اما دیگری بردار می شود و مرغان از سر او می خورند، کاری که درباره آن نظر می خواستید انجام گرفت٤١ و به آن کس که می دانست از آن دو تن نجات یافتنی است، گفت: مرا نزد آقای خویش یاد کن ولی شیطان به یاد آقای خود آوردن را از یاد او برد یوسف سالی چند در زندان بماند٤٢ شاه گفت: که من به رویا هفت گاو فربه دیدم، که هفت گاو لاغر آنرا می خوردند و هفته خوشه سبز و دیگر خشکیده، ای بزرگان اگر تعبیر رویا میکنید مرا درباره رویایم نظر دهید٤٣ گفتند: این خوابهای آشفته است و ما به تعبیر چنین خوابها واقف نیستیم٤٤ آن کس از آن دو تن که نجات یافته بود، و پس از مدتی به خاطر آورد، گفت: من از تعبیر آن خبرتان می دهم، مرا بفرستید٤٥ ای یوسف راستگوی در باره هفت گاو فربه که هفت لاغر آن را می خورد و هفت خوشه سبز و دیگر خشکیده، بما نظر بده، شاید نزد کسان باز گردم، شاید [حقیقت را] بدانند٤٦ گفت: هفت سال پیاپی کشت می کنید، هر چه درو کردید آن را جز اندکی که می خورید، در خوشه گذارید٤٧ آنگاه از پی این سالها، هفت سال سخت بیاید، که آنچه از پیش برای آن نهاده-اید مگر اندکی که محفوظ دارید، به مصرف می رسد٤٨ عاقبت از پی این سالها سالی بیاید که در اثنای آن مردم کمک شوند و نجات یابند٤٩ شاه گفت: او را نزد من آرید چون فرستاده پیش وی آمد، گفت: سوی آقای خویش بازگرد و از او بپرس قصه زنانی که دستهای خویش ببریدند چه بود که پروردگار من از نیرنگشان آگاهست٥٠ شاه به زنان گفت: قصه شما آن دم که از یوسف کام می خواستید چه بود گفتند: از خدا به دور، درباره او بدی نمی دانیم زن شاه گفت: اکنون حق جلوه گر شد، من از او کام می خواستم و او راستگوست٥١ [یوسف] گفت: چنین شد تا شاه بداند که من در غیاب او خیانت نکرده ام که خدا نیرنگ خیانت کاران را به هدف نمی رساند٥٢ من خویش را مبرا نمی کنم که ضمیر انسانی پیوسته به گناه فرمان می دهد. مگر آن را که پروردگارم رحم کند که پروردگار من آمرزگار و رحیم است٥٣ شاه گفت: وی را نزد من آرید که او را محرم خویش کنم و همین با او سخن کرد گفت اکنون، تو نزد ما صاحب اختیار و امینی٥٤ گفت: خزینه های این سرزمین به من سپار که من نگهدار و دانایم٥٥ بدین سان یوسف را در آن سرزمین تمکن داریم که در آن هر کجا خواهد، مقام گیرد مرحمت خویش را به هر که خواهیم می رسانیم و پاداش نیکوکاران را تباه نمی-

کنیم۵٦ و پاداش آخرت برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزکاری کرده اند بهتر است ۵۷ برادران یوسف بیامدند و بر او درآمدند ایشان را بشناخت اما آنها وی را نشناخته بودند۵۸ و چون به لوازمشان مجهزشان کرد گفت برادری را که از پدر خویش دارید پیش من آرید، مگر نمی بینید که من پیمانه تمام می دهم و بهترین پذیرایی کنانم۵۹ اگر او را پیش من نیارید نزد من پیمانه ندارید و نزدیک من مشوید٦٠ گفتند: او را از پدرش خواهیم خواست و اینکار می کنیم٦١ و به غلامان خویش گفت: کالایشان را دربارهایشان بگذارید، شاید چون پیش کسان خویش بازگشتند آن را بشناسند و شاید باز آیند٦٢ همین که پیش پدر بازگشتند، گفتند: ای پدر پیمانه از ما منع شد برادرمان را با ما بفرست که پیمانه توانیم گرفت و ما او را حفاظت می کنیم٦٣ گفت: مگر شما را بر او جز به آن صورت که بر برادرش امینتان کرده بودم، امین توانم کرد حفاظت کردن خدا بهتر است که او از همه رحیمان رحیم تر است٦٤ و چون کالای خویش بگشادند، جنس خویش بیافتند که پسشان داده بودند گفتند: ای پدر دیگر چه می خواهیم، این جنس ماست که پسمان داده اند، برای کسان خویش آذوقه می-آریم برادر خویش را حفظ می کنیم و پیمانه یک شتر بیشتر می گیریم که این پیمانه ای اندکست٦٥ گفت: هرگز او را با شما نمی فرستم تا به نام خدا پیمانی دهید، که وی را به من باز آرید مگر آن که مجبور شوید. و چون پیمان خویش بدادند گفت خدا ناظر سخنان ماست٦٦ گفت: ای پسرکان من! از یک دروازه درون مشوید و از دروازه های مختلف درون شوید در قبال خدا برای شما کاری از من ساخته نیست که فرمانروایی خاص خداست توکل بدو می کنم و توکل کنان باید به او توکل کنند٦٧ و چون از آنجا که پدرشان فرمانشان داده بود درون شدند، در قبال خدا کاری برای آنها نمی ساخت فقط میلی در ضمیر یعقوب بود که آن را عمل کرد که او دانا بود زیرا تعلیمش داده بودیم ولی بیشتر مردم، دانا نیستند٦٨ و چون به نزد یوسف شدند، برادرش را پیش خود جا داد و گفت: من برادر توام از اعمالی که می کرده اند غمگین مباش٦٩ و چون به لوازمشان مجهزشان کرد مشربه را در بار برادرش نهاد آنگاه بانگ زنی بانگ زد ای کاروانیان! شما دزدانید٧٠ شتابان سوی آنان شدند و گفتند: چه گم کرده اید٧١ گفتند: جام شاه را گم کرده ایم و هر که آن را بیارد بار یک شتر دارد و من ضامن آنم٧٢ گفتند: به خدا شما می دانید که ما نیامده ایم در این سرزمین فساد کنیم و ما دزد نبوده- ایم٧٣ گفتند: اگر دروغ گفته باشید، سزای آن چیست٧٤ گفتند: سزای آن همان کس است که دربار او یافت شود، خودش سزای آنست، که ما ستمگران را چنین سزا می دهیم٧٥ [جستجو] از ظرف های ایشان پیش از ظرف برادرش آغاز کرد و عاقبت آن را از ظرف برادرش بیرون آورد، بدین گونه برای یوسف تدبیر کردیم که در آئین شاه حق نداشت برادر خویش را بگیرد، مگر خدا می خواست. هر که را بخواهیم مرتبه ها را بالا بریم و بالاتر از هر صاحب دانشی دانشوری هست٧٦ گفتند: اگر او دزدی کرده برادرش نیز پیش از این دزدی کرده بود یوسف این را در دل گرفت و به ایشان اظهار نکرد. گفت: وضع

شما بدتر است و آنچه را حکایت می کنید خدا بهتر داند۷۷ گفتند: ای پادشاه! او را پدری پیر فرتوت است، یکی از ما را به جای او بگیر که ما تو را از نیکوکاران می بینیم۷۸ گفت: خدا نکند جز آن کس را که کالای خویش پیش او یافته ایم بگیریم و گرنه ستمگر خواهیم بود۷۹ و همین که از او نومید شدند، رازگویان به کناری شدند بزرگشان گفت: مگر ندانید که پدرتان از شما به نام خدا پیمان گرفته و پیش از این درباره یوسف تقصیر کرده اید، هرگز از این سرزمین بیرون نشوم تا پدرم به من اجازه دهد. یا خدا برای من داوری کند که او بهترین داوران است۸۰ نزد پدرمان باز روید و گویید: ای پدر! پسرت دزدی کرد و ما جز آنچه دانسته ایم گواهی نمی دهیم که ما دانای غیب نیستیم۸۱ از دهکده ای که در آن بوده ایم و کاروانی که با آن آمده ایم بپرس که ما راست می گوییم۸۲ گفت [چنین نیست] بلکه ضمیرهایتان کاری [بزرگ] را به شما نیکو وانمود، صبری نکو باید شاید خدا همه را به من باز آرد که او دانای فرزانه است۸۳ و روی از آنها بگردانید و گفت: ای دریغ از یوسف! و دیدگانش از غم سپید شد و از غم آکنده بود۸٤ گفتند: به خدا آنقدر یاد یوسف می کنی تا سخت بیمار شوی یا به هلاک افتی۸۵ گفت شکایت غم و اندوه خویش فقط به خدا می برم و از خدا چیزها می دانم که شما نمی- دانید۸٦ پسرکان من! بروید و یوسف و برادرش را بجویید و از گشایش خدا نومید مشوید که جز گروه کافران از گشایش خدا نومید نمی شوند۸۷ و چون نزد یوسف شدند گفتند: ای پادشاه! ما و کسانمان بینوا شده ایم و کالایی ناچیز آورده ایم، پیمانه تمام ده و به ما بخشش کن که خدا بخشش گران را پاداش می دهد۸۸ گفت دانید که وقتی نادان بودید با یوسف و برادرش چه کردید۸۹ گفتند: مگر تو یوسفی؟ گفت: من یوسفم و این برادر من است خدا به ما منت نهاد که هر که بپرهیزد و صبور باشد خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند۹۰ گفتند: به خدا که خدا تو را به ما برتری داده و ما خطا کرده بوده ایم۹۱ گفت: اکنون ملامتی بر شما نیست، خدا بیامرزدتان که او از همه رحیمان رحیم تر است۹۲ این پیراهن را ببرید و به صورت پدرم بیندازید که بینا می شود و کسان خود را همگی پیش من آرید۹۳ و همین که کاروان بیرون شد! پدرشان گفت: اگر سفیهم نمی شمارید، من بوی یوسف احساس می کنم۹٤ گفتند: به خدا که تو در ضلالت دیرین خویش هستی۹۵ و چون نوید رسان بیامد و پیرهن به صورت وی افکند بینا گشت و گفت: مگر به شما نگفتم من از خدا چیزها می دانم که شما نمی دانید۹٦ گفتند: ای پدر! برای گناهان ما آمرزش بخواه که ما خطاکار بوده ایم۹۷ گفت برای شما از پروردگارم آمرزش خواهم خواست که او آمرزگار و رحیم است۹۸ و چون نزد یوسف شدند، پدر و مادرش را پیش خود جای داد و گفت: به مصر درآیید که اگر خدا خواهد در امان خواهید بود۹۹ و پدر و مادر خویش را به تخت بالا برد و همگی سجده کنان به دو در افتادند، گفت: پدر! این تعبیر رویای پیشین من است که پروردگارم آن را محقق کرد. و به من نیکی کرد که از زندانم برون آورد و شما را از پس آنکه شیطان میان من و برادرانم را به هم زد از بادیه بیاورد که پروردگارم درباره آنچه اراده کند

دقیق است که او دانای فرزانه است۱۰۰ پروردگارا! مرا این سلطنت دادی و تعبیر حوادث رویا به من آموختی خالق آسمانها و زمین تو در دنیای آخرت مولای منی مرا مسلمان بمیران و قرین شایستگان۱۰۱ این از خبرهای غیب است که به تو وحی می کنم و تو هنگامی که همدست شده بودند و نیرنگ می کردند نزد ایشان نبودی۱۰۲ و بیشتر مردم هر چند تو علاقمند باشی مؤمن نخواهند شد۱۰۳ تو برای پیغمبری از آنها مزدی نمی خواهی که آن، جز اندرزی برای جهانیان نیست۱۰٤ با آیه ها در آسمانها و زمین هست که بر آن می گذرند و از آن روی گردانند۱۰٥ و بیشترشان به خدا ایمان نیارند جز اینکه مشرک باشند۱۰٦ مگر ایمن شده اند که پوششی از عذاب خدا به ایشان رسد یا قیامت ناگهان در آن حال که خبر ندارند، بر آنها درآید۱۰۷ بگو راه من اینست. از روی بصیرت به سوی خدا می خوانم ، من با هر که مرا پیروی کرده است خدای یکتا منزه است و من از مشرکان نیستم۱۰۸ پیش از تو نفرستاده ایم مگر مردانی از اهل دهکده ها که به آنها وحی می کرده ایم چرا در این سرزمین نمی گردند تا بنگرند سرانجام کسانی که پیش از آنها بوده اند چسان بوده است و سرای آخرت برای کسانی که پرهیزکاری کرده اند، بهتر است. چرا خردوری نمی کنند۱۰۹ تا وقتی که پیغمبران نومید شدند و یقین کردند که تکذیب شده اند نصرت ما بیامدشان و هر کس که خواستیم رهایی یافت و صلابت ما از گروه بدکاران دفع نمی شود۱۱۰ در سرگذشت آنها برای صاحبان خرد عبرتی هست، این سخنی نیست که ساخته باشند بلکه تصدیق کتابهایست که پیش از آن بوده و توضیح همه چیز است با هدایتی و رحمتی برای گروهی که ایمان دارند.۱۱۱

سوره رعد ۱۳

سوره رعد، در مدینه نازل شده است.

به نام خدای رحمان رحیم

الف، لام، میم، این آیه های کتاب خداست و آنچه از پروردگارت به تو نازل شده درست است ولی بیشتر مردم باور نمی دارند۱ خدای یکتاست که آسمانها را بدون ستونی که ببینید برافراخت! سپس به عرش پرداخت و خورشید و ماه را به خدمت گرفت که هر یک در مدتی معین سیر می کنند، تدبیر امور می کند و توضیح آیه ها می دهد شاید، به معاد قیامت ایمان بیارید۲ اوست که زمین بگسترد و در آن کوهها و جوی ها کرد و از هر قسم میوه دو صنف پدید آورد، شب روز را همی پوشاند، که در این برای گروهی که بیندیشند، عبرتهاست۳ در زمین قطعه های پهلوی هم هست با باغها از تاک و کشت و نخل، از یک بن و غیر یک بن، که به یک آب سیراب می شود، اما میوه بعض آن را به بعض دیگر مزیت داده ایم، که در این برای گروهی

که خردوری می کنند عبرتهاست٤ اگر شگفت آری شگفت از گفتار آنهاست که راستی وقتی خاک شدیم راستی از نو زنده می شویم همان کسانند که پروردگارشان را منکر شده اند، آنها به گردنهایشان غلهاست، آنها اهل جهنمند و خودشان در آن جاودانند٥ به وقوع عذاب پیش از رحمت شتاب دارند، پیش از آنها عذاب کردنها بوده که پروردگارت به مردم درباره ستم کردنشان صاحب مغفرت است و هم پروردگارت سنگین مجازات است٦ کسانی که کافرند گویند چرا از پروردگارش معجزه ای به او نازل نمی شود، تو فقط بیم رسانی و هر گروهی را رهبری هست٧ خدا داند که هر زنی چه بار دارد و در رحم ها چه کم شود و چه فزاید و همه چیز نزد او به اندازه است٨ دانای غیب و شهود است و بزرگ و والاست٩ از شما هر که سخن آهسته کند یا آن را بلند کند، و هر که به شب نهان باشد یا به روز رهرو شود [در علم خدا] بی تفاوت است١٠ انسان از جلو رویش و از پشت سرش فرشتگان پیاپی دارد که او را به فرمان خدا حفاظت کنند، و خدا نعمتی را که نزد گروهی هست، تغییر ندهد تا آنچه را در ضمیرشان هست، تغییر دهند و چون خدا برای گروهی بدی خواهد جلوگیری ندارد و ایشان را غیر خدا دوستداری نیست١١ اوست که برق را برای بیم و امید به شما می- نمایاند و ابرهای گران بار پدید می آرد١٢ رعد به ستایش او و فرشتگان از بیم او تسبیح گویند، صاعقه- ها می فرستد و هر که را خواهد دچار آن کند، معذالک آنها درباره خدا مجادله می کنند و او سختگیر است١٣ دعوت حق خاص اوست و کسانی جز او که می خوانند، به هیچ وجه اجابتشان نکنند، مگر چون آن کس که دو دست سوی آب برد که آب به دهانش رسد، اما آب به دهانش رسیدنی نیست و دعوت کافران جز به گمراهی نیست١٤ هر چه در آسمانها و زمین هست، به رغبت یا کراهت با سایه هایشان بامداد و شبانگاهان سجده خدا می کنند١٥ بگو پروردگار آسمانها و زمین کیست؟ بگو خدای یکتاست، بگو: پس چرا غیر او دوستان گرفته- اید که اختیار سود و زیان خویش ندارند، بگو مگر کور و بینا یکسان است و مگر ظلمات و نور یکسان است، مگر شریکانی که برای خدا نهاده اند، چون خلقت خدا خلقتی کرده اند و خلقت ها به نظر ایشان در هم شده است؟ بگو خالق همه چیز خدای یکتاست و او یگانه مقتدر است١٦ از آسمانها آبی نازل کرد، که [در] دره ها به اندازه آن جریان یافت و سیل کفی پف کرده بیاورد، بعضی چیزها که برای ساختن زیور یا ابزار در آتش می گذارند کفی مانند آنست، خدا حق و باطل را چنین مثل می زند. کف، به کنار افتاده نابود می شود ولی چیزی که به مردم سود می دهد، در زمین می ماند. خدا ، مثلها را چنین می زند١٧ کسانی که پروردگارشان را اجابت کرده اند نکویی ها دارند و کسانی که اجابت وی نکرده اند، اگر همه مال جهان داشته باشند و نظیر آن نیز، به فدای خویش خواهند داد آنها سختی حساب دارند، جایشان جهنم است که بد جایگاهیست١٨ کسی که داند، آنچه از پروردگارت به تو نازل شده حق است، با آنکه کور است، چگونه مانند باشد، فقط صاحبان خرد اندرز می گیرند١٩ همان کسان که به پیمان خدا وفا کنند و پیمان شکنی نکنند٢٠ و کسانی که آنچه را خدا به

پیوستن آن فرمان داده پیوسته دارند و از خدای خویش بترسند و از سختی حساب بیم دارند۲۱ و کسانی که به طلب رضای پروردگارشان صبوری کرده و نماز به پا داشته و از آنچه روزیشان داده ایم، نهان و عیان انفاق کرده اند و بدی را به نیکی دفع کنند، آنان ثواب آن سرای خاص ایشان است۲۲ بهشت های جاودانی که خودشان با هر که شایسته بوده از پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان داخل آن شوند و فرشتگان از هر دری بر آنها در آیند۲۳ درود بر شما برای آن صبوری که کردید چه نیکست عاقبت آن سرای۲٤ و کسانی که پیمان خدا را از پس محکم کردنش بشکنند و چیزی را که خدا به پیوستن آن فرمان داده بگسلند و در زمین تباهی کنند، آنها لعنت و بدیهای آن سرای دارند۲٥ خدا روزی را برای هر که بخواهد گشایش دهد یا تنگ گیرد، به زندگی دنیا شادمان شده اند و زندگی این دنیا در قبال آخرت، جز چیزکی نیست۲٦ کسانی که کافرند گویند: چرا معجزه ای از پروردگارش به او نازل نمی شود، بگو: خدا هر که را خواهد گمراه کند و هر که باز آید او را به سوی خویش هدایت می کند۲۷ همان کسان که ایمان دارند و دل هایشان به یاد کردن خدا آرام می گیرد۲۸ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، خوشی و سرانجام نیک از آنهاست۲۹ چنین، تو را به امتی فرستادیم که پیش از او امت ها در گذشته، تا آنچه را به تو وحی کرده ایم بر آنها بخوانی، و ایشان به رحمان کفر می ورزند بگو: پروردگار من اوست که خدایی جز او نیست، بدو توکل می کنم و توبه بدو باید برد۳۰ اگر قرآنی توانست بود که کوهها بدان حرکت داده می شد یا زمین بدان شکافته می شد یا مردگان بدان سخنگو می شدند [سودشان نمی داد] که همه کارها به اراده خداست مگر کسانی که ایمان آورده-اند [از ایمان اینان] مأیوس نشده اند [و ندانند] که خدا اگر می خواست همه مردم را هدایت می کرد، کسانی که کافرند پیوسته به سزای کردارشان حادثه ای هولناک به آنها می رسد یا به نزدیک دیارشان رخ می دهد تا خدا وعده خویش بیارد که خدا خلاف وعده نمی کند۳۱ پیش از تو پیغمبرانی استهزا شدند و کسانی را که کافر بودند مهلتی دادم و آنگاه مؤاخذه کردم، وعقوبت کردن من چه سخت بود۳۲ مگر آنکه مراقب اعمال همه کسان است [با غیر او همانند تواند بود] برای خدا شریکان نهاده اند، بگو: نام آنها بگویید مگر خواهید خدا را از شریکان زمینی که نمی شناسیدشان یا از سخنی آشکار خبر دهید [نه] بلکه، برای کسانی که کافرند نیرنگشان آرایش گرفت و از راه در شدند و هر که را خدا گمراه کند راهنمایی ندارد۳۳ در زندگی این دنیا عذابی دارند و عذاب دنیای دیگر سخت تر است و از [عذاب] خدا نگهداری ندارند۳٤ و صف بهشتی که پرهیزکاران وعده داده اند [اینست که] در آن جویها روانست، میوه و سایه آن دائم است، این سرانجام کسانی است که پرهیزکاری کرده اند و سرانجام کافران جهنم است۳٥ کسانی که کتاب آسمانی شان داده ایم از این قرآن که به تو نازل شده شادمانند و از دسته ها [ی مخالف] کسانند که بعض آن را انکار کنند بگو: من دستور یافته ام که خدای یکتا را بپرستم و بدو شرک نیارم، به سوی او می خوانم و بازگشت سوی اوست۳٦ چنین، قرآن را به عنوان

فرمانی روشن به زبان عرب نازل کرده ایم، اگر با وجود این دانشی که سوی تو آمده هوس هایشان را پیروی کنی در قبال خدا دوست و نگهداری نخواهی داشت۳۷ پیش از تو نیز پیغمبرانی فرستادیم که همسران و فرزندان داشتند و هیچ پیغمبری حق نداشت جز به اجازه خدا معجزه ای بیارد که هر مدتی را مکتوبی هست۳۸ خدا هر چه را خواهد محو می کند و ثبت می کند و مایه همه کتابها نزد خداست۳۹ یا آنکه شمه ای از آن عذاب را که به ایشان وعده داده ایم به تو نشان می دهیم و یا عمر تو به سر می بریم که فقط بلاغ به عهده تو است و حساب کردن با ماست۴۰ مگر نمی بینند که ما داریم این سرزمین را از اطراف آن نقصان می دهیم، خدا حکم می کند و حکم وی پی جو ندارد و او تند حساب است۴۱ کسانی که پیش از آنها بوده اند نیز نیرنگ می کرده اند ولی تدبیرها همه خاص خداست، می داند که هر کس چه می کند و به زودی کافران دانند که عاقبت آن سرای کراست۴۲ کسانی که کافرند، گویند: تو پیغمبر نیستی، بگو: گواه بودن خدا و آنکه علم کتاب آسمانی نزد اوست میان من و شما بس است. ۴۳

سوره ابراهیم ۱۴

سوره ابراهیم، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

الف، لام، را، این کتابیست که به تو نازل کرده ایم، تا مردم را به اذن پروردگارشان از ظلمات به نور ببری [یعنی] به راه خدای نیرومند ستوده۱ خدایی که هر چه در آسمانها و هر چه در زمین هست از اوست و وای بر کافران از عذابی شدید۲ همان کسان که زندگی این دنیا را از دنیای دیگر بیشتر دوست دارند و از راه خدا بگردند و آن را منحرف خواهند، آنها در ضلالتی دورند۳ هیچ پیغمبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا برای آنها بیان کند و خدا هر که را خواهد گمراه کند و هر که را خواهد هدایت کند که او نیرومند و فرزانه است۴ موسی را با معجزه های خویش فرستادیم که قومت را از ظلمات به نور ببر و روزهای خدا را به یادشان بیار که در این برای همه صبوری پیشگان سپاس دار، عبرتی هست۵ و چون موسی به قومش گفت: نعمت دادن خدا را به خودتان یاد آرید آن دم که از فرعونیان که به سختی عذابتان میکردند و پسرانتان را سر می بریدند و زنانتان را زنده نگه می داشتند نجاتتان داد و در اینها از جانب پروردگارتان ابتلایی بزرگ بود۶ و چون پروردگارتان اعلام کرد که اگر سپاس دارید افزونتان دهم و اگر کفران کنید عذاب من بسیار سخت

است۷ موسی گفت: اگر شما و هر که در زمین هست همگی کافر شوید خدا بی نیاز و ستوده است۸ مگر خبر کسانی که پیش از شما بوده اند، قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که پس از آنها بوده اند ، که جز خدایشان نداند به شما نرسیده که پیغمبرانشان با دلیل ها به سویشان آمدند و دستهایشان را [از حیرت] به دهانشان بردند و گفتند: ما آئینی را که به ابلاغ آن فرستاده شده اید منکریم و درباره آن چیزها که ما را بدان می خوانید به سختی به شک اندریم۹ پیغمبرانشان گفتند مگر در خدای یکتا ایجاد کننده آسمانها و زمین شکی هست، شما را دعوت می کند تا گناهانتان را آمرزش دهد و تا مدتی معین نگاهتان دارد. گفتند: شما جز بشرانی مثل ما نیستید که خواهید از خدایانی که پدرانمان می پرستیده اند منصرفمان کنید پس برای ما دلیلی روشن بیاورید۱۰ پیغمبرانشان گفتندشان ما جز بشرانی مثل شما نیستیم ولی خدا به هر کس از بندگان خویش بخواهد منت می-نهد و ما حق نداریم جز به اذن خدا دلیلی برای شما بیاریم و مؤمنان باید به خدا توکل کنند۱۱ چرا به خدا که به طریقت هایمان هدایتمان کرده توکل نکنیم. به خدا! به این آزارها که به ما می کنید صبر خواهیم کرد و توکل کنان باید به خدا توکل کند۱۲ کسانی که کافر بودند به پیغمبرانشان گفتند: شما را از سرزمین خودمان بیرون می کنیم یا به آئین ما باز گردید و پروردگارشان به آنها وحی کرد که این ستمگران را هلاک خواهیم کرد۱۳ و شما را از پی ایشان در این سرزمین سکونت خواهیم داد این موهبت خاص کسی است که از عظمت من ترسد و از تهدید من ترسد۱٤ و فیصل کار خواستند و همه گردن کشان ستیزه جو نومید گشتند۱٥ جهنم در انتظار اوست و آب چرک و خون به او بنوشاند۱٦ که به زحمت خورد و فرو بردن نتواند و مرگ از هر طرف بدو رو کند اما مردنی نیست و عذابی سخت در پیش دارد۱۷ حکایت کسانی که به پروردگارشان کافرند، اعمال شان چون خاکستری است که در روز طوفانی باد سخت بر آن وزد از اعمالی که کرده اند چیزی به دست ندارند که ظلال بی انتها همین است۱۸ مگر ندانی که خدا آسمانها و زمین را به حق آفریده و اگر بخواهد شما را ببرد و خلقی تازه آرد۱۹ که این بر خدا گران نیست۲۰ و به پیشگاه خدا روند و زبونان به کسانی که بزرگی کرده اند گویند ما پیرو شما بودیم، آیا عذاب خدا را از ما دفع توانید کرد، گویند: اگر خدایمان هدایت کرده بودیم چه بی تابی کنیم و چه صبر کنیم برایمان یکسان است و گریزگاهی نداریم۲۱ و همین که کار خاتمه پذیرد شیطان گوید خدا به شما وعده درست داد و من نیز به شما وعده دادم و با شما تخلف کردم مرا بر شما تسلطی نبود جز اینکه دعوتتان کردم و اجابتم کردید. مرا ملامت مکنید خودتان را ملامت کنید. من فریادرس شما نیستم و شما نیز فریادرس من نیستید، که من آن شرکت که پیش از این [در کار خدا] برایم قائل بوده اید انکار دارم که ستمگران عذابی الم انگیز دارند۲۲ و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده- اند به بهشت ها برده شوند که جوی ها در آن روان است که به اذن پروردگارشان در آن جاودانند و درود گفتنشان در آنجا سلام است۲۳ مگر ندیدی خدا چگونه مثالی زد سخن نیک چون نهال نیک

است بیخش در زمین استوار است و شاخش رو به آسمان است۲٤ همیشه به اذن پروردگارش میوه خود را می دهد، خدا این مثلها را برای مردم می زند شاید اندرز گیرند۲٥ و حکایت سخن بد چون نهال بدی است که از زمین کنده شده و قرار ندارد۲٦ خدا کسانی را که ایمان آورده اند به گفتاری استوار در زندگی دنیا و در دنیای دیگر استواری، دهد و ستمگران را گمراه کند، و خدا هر چه بخواهد می کند۲۷ مگر آن کسان را ندیدی که نعمت خدا را تغییر دادند و قوم خویش را به سرای هلاکت درآوردند۲۸ جهنمیست که بدان در می شوند و بد قرارگاهیست۲۹ برای خدا مانندها پنداشتند [کسان را] از راه وی گمراه کنند بگو برخورید که سرانجامتان جهنم است۳۰ به بندگان من که ایمان آورده اند بگو از آن پیش که روزی بیاید که در آن نه معامله باشد و نه دوستی نماز کنند و از آنچه روزیشان داده ایم پنهان و آشکارا انفاق کنند۳۱ خدای یکتاست که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان آبی نازل کرد و با آن میوه ها را برای روزی شما پدید آورد و کشتی را به خدمتتان گماشت که به اذن خدا به دریا می رود و جوی ها را به خدمت شما گماشت۳۲ و نیز خورشید و ماه را به خدمت شما گماشت که پیوسته روانند و شب و روز را به خدمت شما گماشت۳۳ و هر چه خواستید به شما عطا کرد اگر خواهید نعمت خدا را بشمارید شماره کردن آن نتوانید که انسان ستم پیشه و ناسپاس است۳٤ و چون ابراهیم گفت: پروردگارا! این دیار را امن کن و من و فرزندانم را از این که بتان را عبادت کنیم برکناردار۳٥ پروردگارا! بتان بسیاری از مردم را گمراه کرده اند پس هر که پیروی می کند از من است و هر که عصیان من کند تو آمرزگار و رحیمی۳٦ پروردگارا ! تا نماز به پا کنند. پس دلهای مردم را چنان کن که هوای آنها کند و از میوه ها روزیشان دهد شاید سپاس دارند۳۷ پروردگارا هر چه را نهان کنیم یا عیان کنیم تو می دانی که در زمین و آسمان چیزی از خدا نهان نیست۳۸ ستایش خدا را که با وجود پیری اسمعیل و اسحق را به من بخشود که او شنوای دعاست۳۹ پروردگارا! مرا به پادارنده نماز کن و فرزندان مرا نیز و دعای مرا مقبول کن٤۰ پروردگارا! روزی که حساب به پا شود، من و پدر و مادرم را با همه مؤمنان بیامرز٤۱ مپندار که خدا از اعمالی که ستمگران می کنند، غافل است نگاهشان می دارد فقط برای آن روز که چشمها خیره می شود٤۲ [و مردمان] دیدگان به یک جا دوخته، سرها برافروخته اند، چنانکه پلکشان به هم نمی خورد و دلهایشان یاوه است٤۳ این مردم را بترسان، روزی که عذاب موعد بیابدشان کسانی که ستم کرده اند گویند: پروردگارا! ما را تا مدتی نزدیک باز پس بر تا دعوت تو را اجابت کنیم و پیرو پیغمبران شویم. مگر شما نبودید که پیش از این قسم خوردید که زوال ندارید٤٤ و در مسکن های ایشان که ستم کرده بودند ساکن شدید و به شما عیان گشت که با آنها چه کرده بودیم و برای شما مثلها زدیم٤٥ و نیرنگ خویش بکردند و [سزای] نیرنگ شان نزد خداست و گرچه از نیرنگ شان کوهها هموار گردد٤٦ مپندار که خدا از وعده خویش با پیغمبرانش تخلف کند که خدا نیرومند و انتقام گیر است٤۷ روزی که زمین به زمینی جز این

مبدل شود و آسمانها نیز و [مردم] در پیشگاه خدای یکتای مقتدر حاضر شوند٤٨ در آن روز گناه کاران را بینی که با غل ها به هم بسته شده اند٤٩ پیراهن شان از قیر است و آتش چهره هایشان را پوشانیده است٥٠ تا خدا هر که را که هر چه کرده است سزا دهد که خدا تند حساب است٥١ این برای مردم بلاغی است تا بدان بیم یابند و بدانند که او خدایی یگانه است و تا صاحبان خرد اندرز گیرند. ٥٢

سوره حجر ١٥

سوره حجر، درمکه نازل شده

به نام خدای رحمان رحیم

الف، لام، را، این آیه های کتاب خدا و قرآن آشکار کننده است١ بسا باشد کسانی که کافرند، آرزو کنند کاش مسلمان بودند٢ بگذارشان بخورند و برخوردار شوند و آرزو سرگرمشان کند، زود باشد که بدانند٣ هیچ دهکده ای را هلاک نکردیم مگر آنکه مکتوبی معین داشت٤ هیچ امتی از اجل خویش پیشی نمی گیرد و عقب نمی افتد٥ گویند: ای کسی که قرآن بدو نازل شده بی گفتگو تو دیوانه ای٦ اگر راست می گویی چرا فرشتگان به ما نازل نمی شوند٧ ما فرشتگان را جز به حق نازل نمی کنیم و آن وقت دیگر مهلت نیابند٨ ما، خودمان این قرآن را نازل کرده ایم و ما حفاظت آن می کنیم٩ پیش از تو نیز به فرقه های گذشتگان [پیغمبران] فرستادیم١٠ هیچ پیغمبری نیامدشان مگر استهزاگران وی بودند١١ بدین سان تردید را در دل بدکاران راه می- دهیم١٢ قرآن را باور ندارند و آئین گذشتگان چنین بوده است١٣ اگر دری از آسمان به ایشان بگشاییم و بنا کنند از آن بالا روند١٤ گویند: ما را چشم بند کرده اند، بلکه ما گروهی جادو زده ایم١٥ در این آسمان برجها کردیم و آن را برای بینندگان بیاراستیم١٦ و از همه شیطان های مطرود، محفوظش داشتیم١٧ مگر آنکه استراق سمع کند و شهابی روشن دنبالش کند١٨ و زمین را بگستردیم و در آن کوهها فکندیم و همه چیزهای مناسب در آن برویانیدیم١٩ و در آنجا برای شما و برای کسانی که شما روزی دهشان نیستید لوازم معیشت قرار دادیم٢٠ هر چه هست، خزینه های آن نزد ماست و آن را جز به اندازه معین نازل نمی کنیم٢١ بادها را آبستن کنان فرستادیم، و از آسمان آبی نازل کردیم و از آن سیرابتان کردیم، و شما ذخیره کنان آن نبودید٢٢ مائیم که زنده کنیم و بمیرانیم و ما [پس از مرگ همه] باقی می مانیم٢٣ از پیش رفتگان شما را می شناسیم و باز پس ماندگان را نیز شناسیم٢٤ پرودگار تو است که محشورشان می کند که او فرزانه و داناست٢٥ انسان را از گل خشک، از گل سیاه بو گرفته، بساختیم٢٦ و جنیان را از آتش بی دود بساختیم٢٧ و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من انسانی از گل خشک از گل سیاه بو گرفته خواهم ساخت٢٨ و چون آن را

بپرداختم و از روح خویش در آن دمیدم، سجده کنان برابر او بیفتید۲۹ فرشتگان همگیشان یکسره سجده کردند۳۰ مگر ابلیس که از همراهی سجده کنان ابا ورزید۳۱ خدا گفت: ای ابلیس، چرا هم آهنگ سجده کنان نشدی۳۲ گفت: من آن نیستم که انسانی را که از گل خشک، از گل سیاه بو گرفته، ساخته ای، سجده کنم۳۳ گفت: پس از آسمان برون شو که تو مطرودی۳٤ و تا روز رستاخیز لعنت نصیب تو است۳٥ گفت: پروردگارا مرا تا روزی که از نو زنده شوند مهلت بده۳٦ گفت: تا روز و وقت معین۳۷ مهلت خواهی یافت۳۸ گفت پروردگارا به سبب آن گمراهی که نصیب من کردی، زمین را در نظرشان می آرایم و همگیشان را گمراه می کنم۳۹ مگر آنها که بندگان اخلاصمند تواند٤۰ گفت: اخلاصمندی راهی است که مستقیم به من می رسد٤۱ تو را به بندگان خاص من تسلط نیست مگر گمراهانی که پیرویت کنند٤۲ و جهنم وعده گاه همگی آنهاست٤۳ هفت در دارد که به هر دری پاره ای از از آنها قسمت شده است٤٤ و پرهیزکاران در بهشت ها و چشمه هایند٤٥ به سلامت با ایمنی وارد آن شوید٤٦ کینه ای که در سینه هایشان بوده برون کرده ایم، برادرانه بر تخت ها روبروی همند٤۷ در آنجا رنجی به ایشان نرسد و از آن بیرون شدنی نباشند٤۸ به بندگان من خبر بده که من آمرزگار رحیمم ٤۹ و عذاب من عذاب الم انگیز است٥۰ و آنها را از مهمانان ابراهیم خبردار کن٥۱ وقتی به نزد او شدند و گفتند: سلام بر تو گفت: ما از شما ترسانیم٥۲ گفتند: مترس که ما تو را به پسری دانا بشارت می دهیم٥۳ گفت: چگونه مرا که پیر شده ام بشارت می دهید و به چه چیز بشارت می دهید٥٤ گفتند: تو را به حق بشارت دادیم، و از نومیدان مباش٥٥ گفت: جز گمراهان کی از رحمت پروردگار خود نومید میشود٥٦ گفت: ای فرستادگان پس کار شما چیست٥۷ گفتند: ما به گروهی بدکار فرستاده شده ایم٥۸ مگر خاندان لوط که همگیشان را نجات می دهیم٥۹ مگر زن او که مقرر کرده ایم که وی از باقی ماندگان است٦۰ و چون فرستادگان به نزد خاندان لوط آمدند٦۱ گفت: شما گروهی ناشناسید٦۲ گفتند: [نه] بلکه عذابی را که در آن شک همی کردند بیاورده ایم٦۳ برای تو [خبر] حق آورده ایم و ما راست می گوییم٦٤ پاسی از شب خاندان خویش را راه سپر کن، تو نیز از پی ایشان برو و هیچ یک از شما به جا نماند، به آنجا روید که دستور دارید٦٥ و این مطلب را بدو خبر دادیم که بنیاد اینان چون به صبح رسند قطع می شود ٦٦ و اهل آن شهر شادمان بیامدند٦۷ گفت: اینان میهمان منند، مرا رسوا مکنید٦۸ از خدا بترسید و خفیفم مکنید٦۹ گفتند: مگر تو را از [حمایت] کسان منع نکرده ایم۷۰ گفت: اگر قصدی دارید اینک دختران منند۷۱ به جان تو که آنها در گمراهی خویش سرگردان بودند۷۲ پس آفتاب دم دچار صیحه شدند۷۳ و دیارشان را زیر و رو کردیم و سنگها از گل سخت بر آنها باریدیم۷٤ که در این برای باریک بینان عبرتی هست۷٥ و دیارشان در راهی دائر است۷٦ که در این برای مؤمنان عبرتی هست۷۷ و مردمی که ستمگران بودند۷۸ و از آنها انتقام گرفتیم و دیار لوط و اینکه در راهی واضح است۷۹ مردم حجر نیز پیغمبران را دروغگو شمردند۸۰ و آیه

های خویش به آنها دادیم و از آن روی همی گردانیدند۸۱ و در کوهها خانه های بی خطر می تراشیدند۸۲ و چون به صبح در شدند دچار صیحه شدند۸۳ و اعمالی که می کردند، کاری برایشان نساخت۸٤ آسمانها و زمین را با هر چه مابین آن هست جز به حق نیافریده ایم، قیامت آمدنیست. پس گذشت کن، گذشت کردنی نیکو۸٥ که پروردگار تو آفریدگار داناست۸٦ تو را هفت سوره ستوده داده ایم با این قرآن بزرگ۸۷ دیدگان خویش به آن چیزها که نصیب دسته هایی از ایشان کرده ایم نگران مکن، به حالشان غم مخور و با مؤمنان نرم خویی کن۸۸ و بگو که من خودم بیم رسان آشکارم۸۹ چون آن عذاب که به قسمت کنان فرستادیم۹۰ کسانی که قرآن را قسمت ها پنداشتند۹۱ به خدا که همگی شان را از آنچه می کرده اند۹۲ بازخواست می کنیم۹۳ آنچه را دستور داری آشکار کن و از مشرکان روی بگردان۹٤ که ما [شر] استهزاگران را از تو کوتاه می کنیم۹٥ کسانی که به خدای یکتا، خدای دیگر می انگارند بزودی، خواهند دانست۹٦ ما می دانیم که تو، سینه ات از آنچه می گویند تنگ می شود۹۷ به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده کنان باش۹۸ عبادت پروردگار خویش کن تا حادثه محقق به تو رسد. ۹۹

سوره نحل ۱٦

سوره نحل، در مکه نازل شده

به نام خدای رحمان رحیم

فرمان خدا آمدنیست، آن را به شتاب مخواهید، خدا منزه است و از آنچه مشرکان با وی انباز می کنند برتر است۱ فرشتگان را حامل وحی که از فرمان اوست، به هر کس از بندگان خویش بخواهد نازل می کند که بیم رسانید که خدایی جز من نیست، پس از من بترسید۲ آسمانها و زمین را به حق آفریده و از آنچه [با او] انباز می کنند برتر است۳ انسان را از نطفه ای آفریده و اینک ستیزه گری آشکار است٤ و حیوانات را نیز آفریده که در آن حرارت و منفعت دارید و از آن می خورید٥ و چون از چراگاه آیند و چون به چراگاه روند در آن [جلوه] جمالی دارید٦ و بارهای شما را به دیاری می برد که جز با مشقت نفوس، بدان نتوانید رسید که پروردگارتان مهربان و رحیم است۷ و اسبان و استران و خران [آفرید] تا بر آن سوار شوید، و برای زینت و چیزها خلق می کند که شما نمی دانید۸ راه راست به عهده خداست، راهی نیز منحرف است و اگر می خواست همگیتان را هدایت کرده بود۹ اوست که از آسمان آبی نازل کرده، که نوشیدنی شماست و از آن درختها شود که آن را می چرانید۱۰ و با آن کشت و زیتون نخلها و تاکها و همه گونه میوه ها برای شما برویاند که در این برای گروهی که اندیشه کنند عبرت هاست۱۱ و شب و روز را به خدمت شما گماشت و خورشید و ماه و

ستارگان به فرمان وی به خدمت درند که در این برای گروهی که خردوری کنند عبرت هاست۱۲ و نیز آنچه برایتان در زمین آفریده و رنگهای آن مختلف است که در این برای گروهی که اندرز پذیرند، عبرت هاست۱۳ اوست که دریا را به خدمت گرفت تا از آن گوشت تازه خورید و از آن زیوری برون آرید که پیرایه خویش کنید و کشتی را در آن آب شکاف بینی و تا از کرم وی فزونی جوئید و شاید سپاس دارید۱٤ و در زمین لنگرها [از کوهها] افکند تا شما را نلرزاند و جوی ها و راهها کرد شاید هدایت یابید۱٥ و علامت ها کرد و کسان به وسیله ستارگان هدایت شوند۱٦ آنکه خلق کند با آنکه خلق نکند، چگونه مانند تواند بود، چرا اندرز نمی گیرید۱۷ اگر خواهید نعمت های خدا را بشمارید، شماره کردن آن نتوانید که خدا آمرزگار و رحیم است۱۸ و خدا آنچه را نهان کنید و آنچه را عیان کنید می داند۱۹ و آن کسان، سوای خدا که می خوانند چیزی خلق نکنند و خودشان خلق شوند۲۰ مردگانند نه زندگان و ندانند چه وقت از نو زنده می شوند۲۱ خدای شما، خدای یکتاست، کسانی که به آخرت ایمان ندارند، دلهایشان به انکار خو کرده و خودشان بزرگی فروشانند۲۲ بی-گفتگو، خدا آنچه را نهان کنند و آنچه را عیان کنند می داند و خدا بزرگی فروشان را دوست ندارد۲۳ و چون گویندشان، پروردگارتان چه نازل کرده؟ گویند: داستانهای گذشتگان۲٤ باید روز قیامت بار گناهان خویش به تمام، با شمه ای از گناهان آن کسان که از روی جهل گمراهشان می کنند، بردارند، بدانید که بد باری بر میدارند۲٥ کسانی که پیش از آنها بودند، نیرنگ کردند و خدا بنیانشان را از پایه سست کرد و سقف از فرازشان افتاد و عذاب از آنجا که احساس نمی کردند، به ایشان درآمد۲٦ آنگاه روز قیامت [خدا] رسوایشان کند و گوید: شریکان من که در مورد آنها اختلاف می کردید کجایند! کسانی که دانش یافته اند گویند: امروز رسوایی و بدی همره کافران است۲۷ همان کسان که چون فرشتگان در آن حال که ستمگر خویشند، جانشان بگیرند اطاعت عرضه کنند و گویند: ما هیچ کار بدی نمی کردیم [چنین نیست] بلکه خدا از اعمالی که می-کرده اید، آگاهست۲۸ از درهای جهنم درون شوید و جاودانه در آن باشید که جایگاه بزرگی فروشان بسیار بد است۲۹ و به کسانی که پرهیزکاری می کنند گفته شود پروردگارتان چه نازل کرده است گویند خیری نازل کرده است کسانی که نیکوکاری کرده اند در این دنیا پاداش نیک دارند و سرای دیگر بهتر است و سرای پرهیزکاران چه نیکو است۳۰ به بهشت های جاوید داخل شوند که جوی ها در آن روانست و در آنجا هر چه خواهند دارند خدا پرهیزکاران را چنین پاداش می دهد۳۱ همان کسان که فرشتگان به حال پاک سیرتی جانشان بگیرند و گویند سلام بر شما، به پاداش اعمالی که می کرده اید به بهشت در آئید۳۲ مگر جز این انتظار دارند که فرشتگان سوی ایشان بیایند، یا فرمان پروردگارت بیاید، کسانی که پیش از آنها بودند نیز چنین کردند، خدا ستم شان نکرد بلکه به خودشان ستم می کردند۳۳ و سزای اعمال بدشان به ایشان رسید و عذابی که به استهزای آن می پرداختند بر آنها وقوع یافت۳٤ کسانی که شرک می ورزند گویند: اگر خدا می خواست، نه

ما و نه پدرانمان جز او هیچ نمی پرستیدیم و بدون فرمان وی چیزی را حرام نمی کردیم، کسانی که پیش از آنها بودند نیز چنین کردند مگر به عهده پیغمبران جز بلاغ آشکار چیزی هست۳۵ میان هر امتی پیغمبری برانگیختیم که خدا را بپرستید و از طغیانگر کناره کنید، بعضیشان را خدا هدایت کرد و بعض دیگرشان، ضلالت بر ایشان مقرر گشت، در زمین بگردید و بنگرید سرانجام تکذیب کنان چسان بود۳٦ اگر به هدایت کردنشان علاقه داری خدا کسی را که به ضلال محکوم کرده هدایت نمی کند و یارانی ندارند۳۷ به خدا قسم خوردند، قسم های مؤکد که هر که بمیرد خدایش زنده نمی کند [چنین نیست] بلکه خدا وعده ای کرده که به عهده اوست ولی بیشتر مردم نمی دانند۳۸ تا چیزهایی را که در آن اختلاف دارند برایشان بیان کند و تا کسانی که کافرند بدانند که دروغگو بوده اند۳۹ سخن ما به هر چیزی وقتی اراده وجود آن کنیم اینست که بدو گوییم باش! و وجود یابد٤٠ و کسانی که از پس آنکه ستم دیده اند در راه خدا مهاجرت کرده اند، و در دنیا مکان نیکوشان دهیم و پاداش دنیای دیگر بهتر است اگر بدانستند٤١ همان کسان که صبوری پیشه کرده اند و به پروردگارشان توکل می کنند٤٢ پیش از تو نفرستادیم مگر مردانی که حجت ها و زیورها به ایشان وحی کردیم اگر خودتان نمی دانید از اهل کتاب بپرسید٤٣ و این قرآن به تو نازل کردیم، تا برای مردم آنچه را به ایشان نازل شده بیان کنی شاید اندیشه کنند٤٤ کسانی که نیرنگ های بد کرده اند، مگر ایمن شده اند که خدایشان به زمین فرو برد، یا عذاب از آنجا که احساس نمی کنند به ایشان رسد٤٥ یا در حال آمد و رفتنشان گریبانشان بگیرد که فرار کردن نتوانند٤٦ یا دچار کمبودشان کند که پروردگارتان [که چنین نکرده] مهربان و رحیم است٤٧ مگر آن چیزها را که خدا خلق کرده نمی بینید که سایه های آن از راست و چپ ها می آید و با تذلل، سجده کنان خدایند٤٨ هر چه در آسمانها و زمین، از فرشتگان و جنبندگان هست سجده خدا می کنند و بزرگی نمی فروشند٤٩ از پروردگارشان از بالاتر خویش می ترسند و آنچه را دستور دارند انجام می دهند٥٠ خدا گفته است دو خدا مگیرید که خدا فقط خدای یگانه است و از من بترسید٥١ هر چه در آسمانها و زمین هست از اوست و اطاعت خاص اوست، چرا از غیر خدا می ترسید٥٢ هر نعمتی دارید از خداست و باز وقتی محنتی رسدتان در پیشگاه او زاری می کنید٥٣ و چون آن محنت از شما برداشت آن وقت گروهی از شما به پروردگارشان شرک آورند٥٤ تا عطیه ای را که به ایشان داده ایم کفران کنند خوشی کنید، بزودی خواهید دانست٥٥ برای بتانی که چیزی ندانند، از آنچه روزیشان داده ایم نصیبی نهند، به خدا از آن دروغها که می- ساخته اید بازخواست می شوید٥٦ برای خدا دختران انگارند و او منزه است و برای خودشان هر چه هوس دارند٥٧ و چون یکی شان را بشارت دختر دهند، چهره اش تیره گردد و غم زده شود٥٨ از قباحت چیزی که بدان بشارتش داده اند، از قوم نهان شود [و نداند] آن را به ذلت نگهدارد یا در خاکش نهان کند چه بد است قضاوتی که می کنند٥٩ کسانی که به دنیای دیگر ایمان ندارند، صفت قبیح دارند و صفت والا خاص

خداست و او نیرومند و فرزانه است۶۰ اگر خدا این مردم را به ستمشان مؤاخذه می کرد در روی زمین جنبنده ای وا نمی گذاشت ولی تا مدتی معین مهلتشان دهد و چون مدتشان سر آید نه ساعتی دیرتر روند و نه جلوتر شوند۶۱ چیزی را که از آن کراهت دارند خاص خدا کنند، زبان هایشان به دروغ نقل کند که نیکی خاص ایشان است، گفتگو نیست که جهنم از آنهاست و خودشان سوی آن روانند۶۲ به خدا، سوی امتانی پیش از تو پیغمبران فرستادیم و شیطان اعمالشان را در نظرشان بیاراست، اکنون نیز دوست دارشان است و عذابی الم انگیز دارند۶۳ ما این کتاب به تو نازل نکردیم مگر برای آنکه مطالبی را که درباره آن اختلاف کرده اند برای ایشان، بیان کنی و هدایت و رحمتی برای گروه مؤمنان است۶۴ خدا از آسمان آبی نازل کرد و با آن زمین را از پس موات شدنش زنده کرد که در این برای گروهی که می شنوند عبرت هاست۶۵ برای شما در حیوانات عبرتی هست که از آنچه در شکم هایشان هست از میان سرکین و خون، شیر خالص، گوارا برای نوشندگان به شما بنوشانیم۶۶ و از میوه نخلها و تاکها [به شما داده ایم] که از آن سرکه و روزی نیکو گیرید که در این برای گروهی که که خردوری کنند عبرت هاست۶۷ و پروردگارت به زنبورعسل الهام کرد، که در کوهها و درختان و بناها که بالا می برند خانه کن۶۸ آنگاه از همه میوه ها بخور و با اطاعت در طریقت های پروردگارت راه سپر باش، از شکم های آن شیرینی با رنگ های مختلف برون می شود که شفای مردم در آنست که در این ، برای گروهی که اندیشه کنند عبرتی هست۶۹ خدا شما را بیافریده و باز جانتان بگیرد و از شما کسی باشد که به پست ترین دوران های عمر رسد، تا پس از دانایی هیچ نداند که خدا دانا و تواناست۷۰ و خدا بعض شما را بر بعض دیگر به روزی برتری داد و کسانی که برتری یافته اند، روزی خویش به مملوکان ندهند که همه در روزی داشتن یکسانند، پس چرا نعمت خدا را انکار می کنند۷۱ خدا برای شما از خودتان همسران قرار داد و برای شما از همسرانتان فرزندان و نوادگان پدید آورد و چیزهای پاکیزه روزیتان کرد آیا باطل را باور دارند و هم آنها نعمت خدا را انکار کنند۷۲ و غیر خدا چیزها می پرستند که برای آنها از آسمانها و زمین به هیچ وجه روزی ای ندارند و نتوانند داد۷۳ برای خدا مثالها مزنید که خدا می داند و شما نمی دانید۷۴ خدا مثالی می زند بنده مملوکی که به هیچ چیز توانایی ندارد با آنکه از جانب خویش بدو روزی نیکو داده ایم، که از آن نهان و عیان انفاق می کند، چگونه مانند باشند، ستایش خاص خداست اما بیشترشان نمی دانند۷۵ خدا مثالی می زند دو مرد یکیشان لال است و به هیچ چیز توانایی ندارد و سربار مولای خویش است که هر جا فرستدش سودی نیارد او با کسی که به عدالت فرمان دهد و به راه راست رود چگونه برابر تواند بود۷۶ غیب آسمانها و زمین خاص خداست کار قیامت چشم به هم زدنی بیش نیست و یا نزدیک تر است که خدا به همه چیز تواناست۷۷ خدا از شکم مادرتان برونتان آورد و چیزی نمی دانستید و شما را گوش و دیدگان و دلها داد شاید سپاس دارید۷۸ مگر پرندگان را نبینید که در فضای آسمان به خدمت

درند و جز خدا نگاهشان نمی دارد که در این برای گروهی که ایمان دارند عبرت هاست۷۹ خدا خانه های شما را آرامگاه تان کرد و از پوست حیوانات برای شما خانه ها کرد که روز رحیلتان و روز اقامتتان آن را سبک می یابید و از پشم ها و موهای آن برای مدتی اثاث و کالا ساخت۸۰ خدا برای شما از آن چیزها که آفریده سایه ها کرد و برایتان از کوهها نهانگاه ها کرد و برایتان لباسها کرد که از گرما نگاهتان دارد و لباسها که از صلابت هم نگاه تان دارد، بدین گونه نعمت خویش بر شما کامل می کند شاید مسلمان شوید۸۱ اگر روی بگردانیدند، فقط بلاغ آشکار به عهده تو است۸۲ نعمت خدا را شناسند و باز آن را منکر شوند و بیشترشان منکرانند۸۳ روزی که از هر امتی گواهی برانگیزیم آن وقت به کسانی که کافر بوده اند نه اجازه دهند نه به مقام اعتذار آیند۸٤ و چون کسانی که ستم کرده اند عذاب را ببینند، نه عذابشان سبک شود و نه مهلت یابند۸۵ و کسانی که شرک آورده اند چون شریکان [عبادت] خویش ببینند، گویند پروردگارا! اینان شریکان [عبادت] مایند که سوای تو می خواندیمشان و شریکان این سخن ادا کنند که شما دروغگویانید۸٦ آن روز اطاعت به خدا عرضه کنند و آن دروغها که می ساخته اند نابود گردد۸۷ و کسانی که کافر بوده و از راه خدا باز داشته-اند به سبب آن فساد که می کرده اند عذابی روی عذاب بیفزاییمشان۸۸ روزی باشد که از هر امتی گواهی بر ضد خودشان برانگیزیم و تو را بر ضد اینان گواه آریم، این کتاب که به تو نازل کرده ایم توضیح همه چیز و هدایت و رحمت و بشارت مسلمانان است۸۹ خدا به عدالت و نیکی کردن و بخشش به خویشان فرمان می دهد و از کار بد و ناروا و ستمگری منع می کند، پندتان می دهد، شاید اندرز گیرید۹۰ به پیمان خدا وقتی که بستید وفا کنید و قسم ها را از پس محکم کردنش که خدا را ضامن آن کرده اید مشکنید که خدا می داند چه می کنید۹۱ و چون آن کس که رشته خود از پس تابیدن پنبه و قطعه قطعه کند مباشید که قسم ها یتان را مابین خودتان برای آنکه گروهی بیشتر از گروه دیگر است دستاویز فریب کنید. حق این است که خدا شما را به قسم ها امتحان می کند و روز قیامت مطالبی را که در مورد آن اختلاف داشته اند برایتان بیان می کند۹۲ اگر خدا می خواست شما را یک امت کرده بود ولی هر که را خواهد گمراه کند و هر که را خواهد هدایت کند و از آنچه می کرده اید باز خواستتان می کنند۹۳ قسم هایتان را میان خودتان دستاویز فریب مکنید که قدمی از پس استوار شدنش بلغزد و شما را به سزای بازماندنتان از راه خدا بدی رسد و عذابی بزرگ داشته باشید۹٤ پیمان خدا را به بهای اندک مفروشید، حق این است که آنچه نزد خداست بهتر است اگر بدانستید۹۵ آنچه نزد شماست فانی می شود و آنچه نزد خداست ماندنیست و کسانی که صبوری کرده اند، پاداششان را بهتر از آنچه عمل می کرده اند دهیم۹٦ هر کس از مرد و زن عمل شایسته کند و مؤمن باشد او را زندگی نیکو دهیم و پاداششان را بهتر از آنچه عمل می کرده اند دهیم۹۷ و چون قرآن بخوانی از شیطان مطرود به خدا پناه جوی۹۸ که او را بر کسانی که ایمان دارند و به پروردگار خویش توکل کنند تسلط نیست۹۹ تسلط وی فقط

بر کسانیست که دوست دار اویند و کسانی که به خدا شرک آورند۱۰۰ و چون آیه ای را به جای آیه دیگر بدل آریم و خدا بهتر داند چه نازل می کند گویند تو فقط افترا می زنی [چنین نیست] بلکه بیشترشان نمی دانند۱۰۱ بگو: قرآن را روح پاک به حق از جانب پروردگارت نازل کرده تا کسانی را که ایمان دارند استوار کند و هدایت و بشارتی برای مسلمانان است۱۰۲ دانیم که آنها گویند قرآن را فقط بشری بدو تعلیم می دهد، زبان کسی که بدو اشاره می کنند عجمی است و این زبان عربی روشن است۱۰۳ کسانی که آیه های خدا را باور ندارند خدا هدایتشان نمی کند و عذابی الم انگیز دارند۱۰٤ دروغ را فقط کسانی می سازند که آیه های خدا را باور ندارند و آنها خودشان دروغگویانند۱۰۵ و هر که پس از ایمان آوردنش منکر خدا شود، نه آن که مجبور شده و دلش و به ایمان قرار دارد، بل آنکه سینه به کفر گشاید، غضب خدا بر آنها باد و عذابی بزرگ دارند۱۰٦ چنین شود، زیرا آنها زندگی این دنیا را از دنیای دیگر بیشتر دوست داشته اند و خدا گروه کافران را هدایت نمی کند۱۰۷ همان کسانند که خدا بر دلهایشان و گوششان و دیدگانشان مهر نهاده و آنها خودشان بی خبرانند۱۰۸ و بی گفتگو آنها، در آخرت خودشان زیانکارانند۱۰۹ و نیز پروردگارت نسبت به آنها که پس از محنت کشیدن مهاجرت کرده آنگاه جهاد کرده، و صبوری پیشه کرده اند، پروردگارت از پس آن آمرزگار و رحیم است۱۱۰ روزی بیاید که هر کس گرفتار دفاع خویشتن است و به هر کس هر چه کرده تمام دهند و ایشان ستم نبینند۱۱۱ خدا مثلی می زند، دهکده ای که امن و آرام بود و روزیش از هر طرف به فراوانی می رسید آنگاه منکر نعمت های خدا شد و خدا به سزای اعمالی که می کردند پرده گرسنگی و ترس بر آنها کشید۱۱۲ و پیغمبری از خودشان بیامدشان و او را تکذیب کردند و در آن حال که ستمگر بودند دچار عذاب شدند۱۱۳ از آنچه خدا روزیتان کرده حلال و پاکیزه بخورید و اگر خدا را می پرستید، سپاس نعمت او دارید۱۱٤ حق این است که مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نام غیر خدا بر آن یاد شده برای شما حرام است و هر که ناچار شود بدون زیاده روی و تجاوز، خدا آمرزگار و رحیم است۱۱۵ برای آن توصیف دروغ که زبان هایتان می کند مگویید این حلالست و این حرامست که دروغ به خدا بندید، کسانی که دروغ به خدا بندند رستگار نمی شوند۱۱٦ تمتعی ناچیز است و عذابی الم انگیز دارند۱۱۷ برای کسانی که دین یهود دارند، آنچه را از پیش برای تو نقل کردیم، حرام کرده ایم ، ما سمتشان نکرده ایم بلکه خودشان به خودشان ستم می کردند۱۱۸ آنگاه پروردگارت نسبت به کسانی که از روی نادانی بدی کرده و از پی آن توبه آورده و به صلاح آمده اند پروردگارت از پی آن، آمرزگار و رحیم است۱۱۹ ابراهیم پیشوایی فرمانبر خدا بود و از مشرکان نبود۱۲۰ سپاس دار نعمت های خدا بود که وی را برگزید و به راهی راست هدایتش کرد۱۲۱ در این دنیا به او نیکی عطا کردیم و هم او در دنیای دیگر از شایستگانست۱۲۲ آنگاه به تو وحی کردیم که آئین معتدل ابراهیم را که از مشرکان نبود پیروی کن۱۲۳ شنبه گرفتن برای کسانی که در مورد آن اختلاف کرده بودند

مقرر گشت، پروردگارت روز قیامت درباره مطالبی که در آن اختلاف می کرده اند، میانشان داوری می کند۱۲٤ با فرزانگی و پند دادن نیکو، به راه پروردگارت دعوت کن، و با مخالفان به طریقی که نیکوتر است مجادله کن که پروردگارت کسی را که از راه او گمراه شده بهتر شناسد و هم او هدایت یافتگان را بهتر شناسد۱۲٥ اگر عقوبت می کنید نظیر آن عقوبت که دیده اید، عقوبت کنید و اگر صبوری کنید، همان برای صابران بهتر است۱۲٦ صبور باش که صبر کردن تو جز به تائید خدا نیست، غم آنها مخور و از آن نیرنگ ها که می کنند تنگ دل مباش۱۲۷ که خدا با کسانی است که تقوا پیشه کرده اند و کسانی که نیکوکار باشند.۱۲۸

سوره بنی اسرائیل ۱۷

سوره بنی اسرائیل، در مکه نازل شده

به نام خدای رحمان رحیم

منزه است آنکه شبانگاه بنده خویش را از مسجدالحرام تا مسجد اقصی که اطراف آن را برکت داده ایم، راه برد تا آیه های خویش بدو بنمایانیم، که خدا شنوا و بیناست۱ و آن کتاب به موسی دادیم و آن را مایه هدایت پسران اسرائیل کردیم۲ که ای فرزندان آن کسان که همراه نوح برداشته بودیم، جز من تکیه گاهی مگیرید که نوح بنده ای سپاس دار بود۳ و در آن کتاب به پسران اسرائیل اعلام کردیم که دوبار در این سرزمین فساد میکنید و سرکشی میکنید، سرکشی بزرگ٤ و چون موعد نخستین آن بیامد بندگانی داشتیم با صلابت سخت که بر آنها گماشتیم تا در داخل دیارشان کشتار کردند و این وعده ای انجام شده بود٥ آنگاه بر ضد آنها دولت به شما دادیم و به مالها و فرزندان مددتان دادیم و شما را به عده فزونتر کردیم٦ اگر نیکی کنید به خویش نیکی کرده اید و اگر بدی کنید برای خودتان است و چون موعد دیگر بیامد [آنها را گماشتیم] تا بزرگانتان را حقیر کنند و داخل این مسجد شوند چنانکه بار اول شده بودند و به هر چه تسلط یافتند نابود کنند، نابود کردن کامل۷ ممکن است پروردگارتان رحم تان کند و اگر باز کنید ما نیز کنیم و جهنم را زندان کافران کرده ایم۸ این قرآن به چیزی که ثواب تر است هدایت می کند و مؤمنانی را که کارهای شایسته کرده اند بشارت میدهد که پاداشی بزرگ دارند۹ و کسانی که دنیای دیگر را باور ندارند عذابی الم انگیز برایشان مهیا کرده ایم۱۰ انسان بدی را همی خواند چون آن خواندن که برای نیکی می کند و انسان شتابگر است۱۱ شب و روز را دو نشانه کردیم و نشانه شب را سیاه و نشانه روز را روشن کردیم، تا از پروردگار خویش فزونی جوئید و شماره سالها و حساب [اوقات] بدانید و همه چیز را توضیح داده ایم، توضیح کامل۱۲ هر انسانی را، سرنوشتش را، به گردنش آویخته ایم و روز رستاخیز برای او نامه ای پدید آوریم که آن را بازشده ببیند۱۳ نامه خویش بخوان

که امروز شخص تو حسابگر خویش باشی بس است۱٤ هر که هدایت شده برای خویش شده و هر که گمراه شده به ضرر اوست، هیچ باربرداری بار گناه دیگری برندارد، و ما عذاب کن نبودیم تا پیغمبری بفرستیم۱۵ و چون خواهیم دهکده ای را هلاک کنیم، عیاشانش را بسیار کنیم تا در آن عصیان کنند و گفتار خدا بر آنها محقق شود و ویرانش کنیم ویرانی کامل۱٦ پس از نوح چه نسلها را هلاک کرده ایم و همین بس که پروردگارت به گناهان بندگانش آگاه و بیناست۱۷ هر که از جهان گذران خواهد، در این جهان هر چه خواهیم به هر که اراده کنیم زود دهیم و از آن پس جهنم نصیب وی کنیم که مذموم و مطرود، بدان در شود۱۸ و هر که دنیای دیگر خواهد و برای تحصیل آن کوشش خویش کند و مؤمن باشد آنان کوشش کردنشان را پاداش دهند۱۹ و همه را آن گروه و این گروه را از عطای پروردگارت کمک دهیم که عطای پروردگار تو منع شدنی نیست۲۰ بنگر چسان بعضشان را به بعض دیگر برتری داده ایم و مرتبط های آخرت بهتر و برتری آن بیشتر است۲۱ قرین خدای یکتا، خدای دیگر مپندار که نکوهیده و سرشکسته خواهی نشست ۲۲ پروردگارت مقرر داشته که جز او را نپرستید و با پدر و مادر نیکی کنید، اگر یکی از ایشان یا هردوشان نزد تو به پیری رسیدند، به آنها مگو ملول شدم و تندیشان مکن و با ایشان سخنی ملایم گوی۲۳ با مهربانی جنبه افتادگی برای ایشان پیش آر و بگو پروردگارا چنان که مرا از کودکی تربیت کرده اند بر آنها رحمت آر۲٤ پروردگارتان بهتر داند که در ضمیرهای شما چیست اگر اهل صلاح باشید او نسبت به توبه گران آمرزگار است۲۵ حق خویشاوند را به او بده و تنگدست و به راه مانده را نیز و به اسراف کردن مکوش۲٦ که اسرافگران، هم زادگان شیطانند و شیطان نسبت به پروردگار خویش کفران پیشه بود۲۷ اگر به انتظار رحمت پروردگارت از آنها روی بگردانی، با ایشان سخنی نرم گوی۲۸ دستت را به گردنت بسته مدار و آن را به تمامی مگشای که ملامت دیده و حسرت زده خواهی نشست۲۹ پروردگارت روزی هر که را خواهد گشایش دهد یا تنگ دارد که وی به کار بندگانش آگاه است۳۰ فرزندانتان را از بیم تنگدستی مکشید، ما آنها را با شما روزی می دهیم، که کشتنشان گناهی بزرگ است۳۱ نزدیک زنا مشوید که کاری زشت و روشی بد است۳۲ تنی را که خدا محترم داشته جز به حق مکشید و هر که به ستم کشته شود، ولی وی را تسلطی داده ایم اما در کشتن زیاده روی نکند، که او نصرت یافته است۳۳ به مال یتیم نزدیک مشوید مگر به طریقی که نیکوتر است تا به قوت خویش رسد به پیمان وفا کنید که پیمان بازخواست شدنیست۳٤ و چون به پیمودن پرداختید، پیمانه را تمام دهید، با ترازوی درست وزن کنید که این بهتر و سرانجام آن نیکوتر است۳۵ چیزی را که درباره آن علم نداری پیروی مکن که گوش و چشم و دل همه اینها باز خواست شدنیست۳٦ در زمین به تکبر راه مرو که هرگز زمین را نخواهی شکافت و هرگز به بلندی کوهها نخواهی رسید۳۷ همه اینها ممنوع شده هایش، نزد پروردگار تو منفور است۳۸ این حکمت هاست که پروردگارت به تو وحی کرده، با خدای یکتا خدای دیگر مپندار که نکوهیده و

مطرود، در جهنمت افکنند۳۹ چگونه پروردگارتان، پسران را خاص شما کرد و از فرشتگان دختران اختیار کرد که حقا شما سخنی هول انگیز می گویید۴۰ در این قرآن گونا گون [سخن] کردیم که پند گیرند اما جز دوریشان نمی فزاید۴۱ بگو: اگر با خدا خدایان دیگر بود، به سوی صاحب عرش، راهی می جستند۴۲ منزه است و از آنچه گویند برتر است، برتی بسیار۴۳ هفت آسمان با زمین و هرچه در آنها هست تسسبیح او میکنند. موجودی نیست مگر به ستایش او تسبیح گو است ولی شما تسبیح گفتنشان را نمی فهمید که او بردبار و آمرزگار است۴۴ و چون قرآن بخوانی میان تو و آنها که دنیای دیگر را باور ندارند، پرده ای ضخیم قرار دهیم۴۵ و بر دلهایشان پوشش ها نهیم که فهم آن نکنند و گوشهایشان سنگین است و چون در قرآن پروردگارت را به تنهایی یاد کنی، گریزان پشت بگردانند۴۶ ما بهتر دانیم چون گوش به تو دهند، برای چه گوش دهند و چون رازگویی کنند، آن دم که ستمگران گویند: جز مردی جادو شده را پیروی نمی کنید[نیز دانیم] ۴۷ بنگر چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند و راهی نتوانند یافت۴۸ گویند: چگونه وقتی ما، استخوان یا خاک شدیم، چگونه به خلقت تازه زنده می شویم۴۹ بگو: سنگ باشید یا آهن۵۰ یا مخلوقی از آنها که در خاطرتان بزرگ می نماید، خواهند گفت: کی ما را زنده می کند بگو آنکه اول بار ایجادتان کرده است سرهای خویش سوی تو تکان خواهند داد و گفت: چه وقتست آن؟ بگو: شاید نزدیک باشد۵۱ روزی که شما را بخواند و با ستایش وی اجابتش کنید و پندارید که جز مدت کمی به سر نبرده اید۵۲ به بندگان من بگو: سخنی گویند که نیکوتر است. شیطان میان شان را به هم می زند که شیطان برای انسان دشمنی آشکار است۵۳ پروردگارتان به کار شما داناتر است، اگر خواهد رحمتتان کند و اگر خواهد عذابتان کند و ما تو را به کارگزاری ایشان نفرستاده ایم ۵۴ پروردگارت به حال کسانی که در آسمانها و زمینند داناتر است به راستی بعضی از پیغمبران را بر بعض دیگر برتری بخشیدیم و داود را زبوری دادیم۵۵ بگو: آن کسان را که سوای خدا پنداشتند بخوانید که نتوانند محنت از شما بردارند و نه بگردانند۵۶ همان کسان که می خوانید هر کدامشان نزدیکترند به سوی پروردگارشان تقرب می جویند و به رحمتش امیدوارند و از عذابش بیم دارند که عذاب پروردگارت حذر کردنی است۵۷ هیچ دهکده ای نباشد جز آنکه ما پیش از روز قیامت هلاکش کنیم، یا عذابش کنیم، عذابی سخت که این در آن کتاب [که نزد ماست] به قلم رفته است۵۸ مانع از فرستادن این معجزات [که می خواهند] جز این نیست که گذشتگان آن را تکذیب کرده اند، ثمود را آن شتر هویدا دادیم و به آن ستم کردند و ما معجزه-ها را جز برای بیم دادن نمی فرستیم۵۹ و چون تو را گفتیم که خدا این مردم را فرا گرفته است و رویایی را که به تو نمودار کردیم با درخت ملعون که در قرآن هست جز برای امتحان این مردم نکرده ایم، ما بیم شان می دهیم، اما جز طغیان سخت، نمی فزایدشان۶۰ و چون به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید، همه سجده کردند مگر ابلیس که گفت: چگونه کسی را که از گل آفریده ای سجده کنم۶۱ گفت: به من بگو: همین است که

بر منش کرامت داده ای اگر مرا تا روز قیامت مهلت دهی ، فرزندان وی را جز اندکی مهار خواهم کرد٦٢ گفت: برو که هر کس از آنها پیروی تو کند سزای شما جهنم است که سزای تمام است٦٣ هر کس از ایشان را توانی به آهنگ خویش بکشان و با سوارگان و پیادگانت بر آنها هجوم کن و در مالها و فرزندانشان، شریک شو و وعده شان بده و شیطان جز فریب وعده به ایشان نمی دهد٦٤ ولی بندگان من، بر آنها تسلطی نداری نگهبان بودن پروردگارت بس است٦٥ پروردگارتان همانست که کشتی را برایتان به دریا روان کند تا عطای وی بجویید که او نسبت به شما رحیم است٦٦ و چون شما را به دریا محنت رسد، همه آنها که می خوانید به جز خدای یکتا، گم شوند و چون شما را به خشکی رساند، روی بگردانید که انسان کفران پیشه است٦٧ مگر ایمن شده اید که شما را در ناحیه خشکی فرو برد یا ریگ بارانی به شما فرستد و نگهبانی برای خویش نیابید٦٨ و یا ایمن شده اید که شما را بار دیگر به دریا برد و طوفانی درهم شکن به شما فرستد، و به سزای انکاری که کرده اید، غرقتان کند آنگاه برای خویش بر ضد ما پی جویی نیابید٦٩ پسران آدم را کرامت دادیم و در خشکی و دریا حملشان کردیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتریشان دادیم، برتری کامل٧٠ روزی که هر گروهی را به پیشوایشان بخوانند، هر که نامه اش به دست راستش دهند، آنها نامه خویش بخوانند و به قدر نخک هسته خرمایی ستم نبینند٧١ و هر که در این جهان کور دل باشد در جهان دیگر نیز کور است و راه وی گم تر است٧٢ نزدیک بود از آنچه به تو وحی کرده ایم منحرفت کنند، که غیر آن را به دروغ به ما ببندی، آن وقت تو را به دوستی می گرفتند٧٣ اگر استوارت نکرده بودیم، نزدیک بود که اندکی به آنها متمایل شوی٧٤ آنگاه دو برابر در زندگی و دو برابر در مرگ عذابت می کردیم و برای خویش بر ضد ما یاوری نمی یافتی٧٥ و نزدیک بود که تو را از این سرزمین بکشانند که از آن بیرونت کنند و از پس رفتن تو جز مدت کمی نمی ماندند٧٦ به روش پیغمبران ما که پیش از تو فرستاده ایم و روش ما را تغییر پذیر نخواهی یافت٧٧ نماز را از زوال خورشید تا تاریک شدن شب به پا دار، با نماز خواندن صبح دم که نماز خواندن صبح دم مورد نظر است٧٨ و قسمتی از شب به نماز خواندن بیدار باش که برای تو فزونی است، تا پروردگارت در مقامی شایسته بگماردت٧٩ بگو: پروردگارا! مرا درون بر، درون بردنی نیک و برون بر برون بردنی نیک و برای من از نزد خویش دلیلی نصرت آور مقرر دار٨٠ بگو: حق بیامد و باطل نابود شد که باطل نابود شدنیست٨١ از این قرآن آیه ها نازل می کنیم که برای مؤمنان شفا و رحمت است و ستمگران را جز خسارت نمیفزاید٨٢ و چون انسان را نعمت دهیم روی بگرداند و بزرگی کند و چون سختی بدو رسد به نومیدی افتد٨٣ بگو هر کس به طینت خویش عمل می کند پروردگارتان داناتر است که راه کی به هدایت نزدیکتر است٨٤ تو را از روح می پرسند بگو: روح مربوط به پروردگار من است و شما جز اندکی علم ندارید٨٥ اگر بخواهیم آنچه را به تو وحی کرده ایم ببریم و آنگاه برای خویش

درباره آن بر ضد ما٨٦ جز رحمت پروردگارت مدافعی نخواهی یافت که کرم وی نسبت به تو بزرگ است٨٧ بگو: اگر همه جن و انس فراهم آیند که نظیر این قرآن بیارند، هرگز نظیر آن نیارند و گرچه بعضیشان پشتیبان بعض دیگر شوند٨٨ برای مردم در این قرآن همه قسم مثلها گونا گون کرده ایم ولی بیشتر مردم جز انکار نکردند٨٩ گویند: هرگز به تو ایمان نیاریم تا از این سرزمین چشمه ای برای ما بشکافی٩٠ یا باغی از نخلها و تاکها داشته باشی که در میان آن جوی ها بشکافی، شکافتن کامل٩١ یا آسمان را چنان که پنداشته ای پاره پاره بر ما بیفکنی، یا خدا را با فرشتگان، به گروه بیاری٩٢ تا تو را خانه ای از طلا باشد یا به آسمان بالا روی ولی هرگز بالا رفتنت را باور نکنیم، تا مکتوبی به ما نازل کنی که بخوانیم. بگو: پروردگارم، منزه است، بگو من جز بشری نیم که پیام آورم٩٣ مانع ایمان آوردن مردم جز این نبود که چون هدایت بیامدشان گفتند: چگونه خدا بشری را به پیغمبری فرستاده است٩٤ بگو: اگر در این سرزمین فرشتگان بودند که آرام راه می رفتند از آسمان فرشته ای به پیغمبری به آنها می فرستادیم٩٥ بگو: خدای یکتا گواه میان من و شما بس است که او به بندگان خویش آگاه و بیناست٩٦ هر که را خدا هدایت کند، هدایت یافته اوست و هر که را گمراه کند، برای ایشان سوای خدا دوستانی نیابی و روز قیامت، محشورشان کنیم چهره هایشان رو به زمین کور و لال و کر، و جایشان جهنم است که هر وقت فرو نشیند آتشی افروخته بیفزائیمشان٩٧ سزایشان همین است برای آنکه آیه های ما را انکار کردند و گفتند: چگونه وقتی استخوان و خاک شدیم، چگونه با خلقت تازه، زنده می شویم٩٨ مگر ندانند، خدایی که آسمانها و زمین را آفریده، تواند مانند آنها بیافریند، برای ایشان مدتی نهاده که تردید در آن نیست ولی ستمگران جز انکار نکنند٩٩ بگو: اگر شما خزینه های رحمت پروردگار مرا داشتید، از ترس اتفاق، دست می داشتید که انسان تنگ چشم است١٠٠ موسی را نه معجزه آشکار دادیم از پسران اسرائیل بپرس، آن دم که بیامدشان و فرعون بدو گفت ای موسی من تو را جادو شده می پندارم١٠١ گفت: تو دانی که این معجزه ها را جز پروردگار آسمانها و زمین نازل نکرده و تو را، ای فرعون، هلاک شده می بینم١٠٢ و خواست از آن سرزمین بکشاندشان، پس او را با کسانی که همراهش بودند، جملگی غرق کردیم١٠٣ و پس از او، به پسران اسرائیل گفتیم: در این سرزمین جای گیرید و چون موعد دیگر بیاید شما را همه با هم بیاریم١٠٤ قرآن را به حق نازل کرده ایم و به حق نازل شده است و تو را جز نوید بخش و بیم رسان نفرستاده ایم١٠٥ و قرآن را به تدریج فرستادیم تا آن را با درنگ برای مردم بخوانی و آن را نازل کردیم، نازل کردن کامل١٠٦ بگو: قرآن را باور کنید یا باور نکنید، کسانی که پیش از این علم داشته اند وقتی قرآن بر آنها خوانده شود، بر چانه ها سجده کنان به زمین افتند١٠٧ و گویند پروردگار ما منزه است که وعده پروردگارمان انجام شدنیست١٠٨ و گریه کنان بر چانه ها افتند و تواضعشان افزون شود١٠٩ بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، نامهای نیکو از اوست، نماز خویش بلند مکن و آن را

آهسته مخوان، بلکه میان این دو راهی بجوی۱۱۰ بگو ستایش خاص خدائیست که فرزندی نگرفته و در ملک شریک ندارد و وی را دوست برای رفع مذلت نیست، وی را تکبیر گوی، تکبیر گفتن کامل. ۱۱۱

سوره کهف ۱۸

سوره کهف، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

ستایش خاص خدائیست که این کتاب استوار به بنده خویش فرو فرستاد و انحراف در آن ننهاد۱ تا از جانب خویش، از عذابی سخت بترساند و مؤمنان را که کارهای شایسته کنند نوید دهد که پاداشی نیک دارند۲ و همیشه در آن به سر می برند۳ و نیز کسانی را که گویند خدا فرزندی گرفته بیم دهد٤ ، در این باب چیزی ندانند، پدرانشان نیز نمی دانسته اند ، کلمه ای کز دهانشان برون می شود هول انگیز است و جز دروغی نمیگویند٥ شاید تو از پی ایشان از غم اینکه چرا قرآن را باور ندارند، خویشتن را هلاک می کنی٦ ما این چیزها را که روی زمین هست آرایش آن کرده ایم تا بیازمائیمشان که کدامشان به عمل بهترند۷ و ما آنچه را روی زمین هست خاک با پر می کنیم۸ مگر پنداشته ای از جمله آیه های ما، اهل غار و رقیم شگفت انگیز بوده اند۹ وقتی آن جوانان به غار رفتند و گفتند: پروردگارا ما را از نزد خویش رحمتی عطا کن و برای ما در کارمان صوابی مهیا کن۱۰ پس در آن غار سالهای معدود بخوابشان بردیم۱۱ آنگاه بیدارشان کردیم تا بدانیم کدام یک از دو دسته مدتی را که درنگ کرده اند بهتر شمار می کنند۱۲ ما خبرشان را به حق بر تو می خوانیم. ایشان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان داشتند و هدایت شان افزوده بودیم۱۳ و دلهایشان قوی کرده بودیم که به پا ساختند و گفتند: پروردگار ما، پروردگار آسمانها و زمین است و هرگز جز او خدایی نمی خوانیم و گرنه ناحقی گفته ایم۱٤ اینان قوم ما که غیر خدا خدایان گرفته اند چرا در مورد آنها دلیل روشنی نمی آورند! ستمگرتر از آنکه دروغی درباره خدا ساخته باشد کیست۱٥ اگر از آنها و خدایانی که غیر خدا می پرستند گوشه می گیرید، سوی غار روید تا پروردگارتان رحمت خویش بر شما بگسترد و برای شما در کارتان گشایشی فراهم کند۱٦ و خورشید را بینی که چون بر آید از غارشان به طرف راست مایل شود و چون فرو رود، به جانب چپشان بگردد و ایشان در فراخنای غارند، این از آیه های خداست هر که را خدا هدایت کند، هدایت یافته اوست و هر که را گمراه کند، دوست دار و رهبری برای او نخواهی یافت۱۷ [چنان بودند

که] بیدارشان پنداشتی ولی خفتگان بودند، به پهلوی چپ و راستشان همی گردانیدیم و سگشان بر آستانه بازوهای خویش گشوده بود، اگر ایشان را بدیدی به فرار از آنها روی بگردانیدی و از ترسشان آکنده شدی۱۸ چنین بود که بیدارشان کردیم، تا از همدیگر پرسش کنند یکی از آنها گفت: چه مدت بوده اید، گفتند روزی یا قسمتی از روز بوده ایم گفتند: پروردگارتان بهتر داند که چه مدت بوده اید، یکی تان را با این پولتان به شهر بفرستید، تا بنگرد طعام کدام یکی شان پاکیزه تر است و خوردنی ای از آنجا برای شما بیارد، و سخت دقت کند و کسی را از کار شما آگاه نکند۱۹ که مردم شهر اگر به شما دست یابند سنگسارتان کنند یا به آئین خویش بازتان برند و دیگر هیچ وقت رستگار نشوید۲۰ بدین سان کسان را از آنها مطلع کردیم، تا بدانند که وعده خدا حق است و در رستاخیز تردید نیست وقتی که میان خویش در کار آنها مناقشه می کردند، گفتند: به جای آنها بنایی بسازید پروردگارشان به کارشان داناتر است و کسانی که در مورد ایشان غلبه یافته بودند گفتند در جای ایشان عبادتگاهی خواهیم ساخت۲۱ خواهند گفت: سه تن بودند و چهارمیشان سگشان بود و گویند پنج تن بودند و ششمیشان سگشان بود، پرتاب به تاریکی و گویند هفت تن بودند و هشتمیشان سگشان بود بگو: پروردگارم شمارشان را بهتر داند، و جز اندکی شمار ایشان ندانند، در مورد آنها مجادله مکن، مگر مجادله ای به ظاهر و درباره ایشان از هیچیک از اهل کتاب نظر مخواه ۲۲ درباره هیچ چیز مگوی که فردا چنین کنم۲۳ مگر آنکه خدا بخواهد، و چون دچار فراموشی شدی پروردگارت را یاد کن و بگو شاید پروردگارم مرا به چیزی که به صواب نزدیک تر از این باشد، هدایت کند۲٤ و در غارشان سیصد سال به سر بردند، و نه سال بر آن افزوده اند۲٥ بگو: خدا بهتر داند چه مدت به سر بردند، غیب دانستن آسمانها و زمین خاص اوست، چه بیناست و چه شنواست، جز او دوستی ندارند و هیچ کس در فرمان دادن وی شریک نیست ۲٦ از کتاب پروردگارت آنچه به تو وحی آمده بخوان، کلمات وی تغییر پذیر نیست و هرگز جز او پناهی نخواهی یافت۲۷ با کسانی که بامداد و شبان گاه پروردگار خویش را می خوانند، و رضای او می جویند، با شکیبایی قرین باش و دیدگانت به جستجوی زیور زندگانی دنیا، از آنها منصرف نشود. کسی را که دل وی از یاد خویش غافل کرده ایم و هوس خود را پیروی کرده و کارش زیاده روی است، اطاعت مکن ۲۸ بگو: این حق از پروردگار شماست، هر که خواهد ایمان بیاورد و هر که خواهد منکر شود که ما برای ستمکاران آتشی مهیا کرده ایم که سراپرده- های آن در میانشان گیرد، و اگر فریاد رسی خواهند به آبی چون مس گداخته کمکشان دهند که چهره ها را بریان می کند، چه بد شربتی و چه بد جای آسایشی است۲۹ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده- اند، ما پاداش کسی را که نیک عمل کرده تباه نمی کنیم۳۰ آنها بهشت های جاوید دارند که از جایگاهشان جوی ها روان است و در آنجا دستبند های طلا زیور کنند و جامه سبز از دیبا و استبرق پوشند، در آنجا بر تختها تکیه زنند چه نیکو پاداش و چه نیکو جای آسایشی است۳۱ برای ایشان مثلی بزن،

دو مرد که یکی را دو باغ داده بودیم از تاکها و آن را به نخلها احاطه کرده بودیم و میان آن کشتزاری کرده بودیم۳۲ هر دو باغ میوه خویش بدادی و به هیچ وجه نقصان نیافتی و میان باغها نهری بشکافتم۳۳ و میوه ها داشت و به رفیق خود که با وی گفتگو می کرد گفت: من به مال از تو بیشتر و به عده از تو نیرومندترم۳٤ و به باغ خود شد و ستمگر خویش بود گفت گمان ندارم که هیچ وقت این نابود شود ۳۵ گمان ندارم رستاخیز به پا شود و اگر به سوی پروردگارم برند، سوگند که بهتر از این، سرانجام خواهم یافت۳٦ رفیقش که با او گفتگو می کرد گفت: مگر به آنکه تو را از خاک آفرید و آنگاه از نطفه و آنگاه به صورت مردی پرداخت کافر شده ای۳۷ ولی، او خدای یکتا پروردگارمنست و هیچ کس را با پروردگار خویش شریک نمی کنم ۳۸ چرا وقتی به باغ خویش درآمدی نگفتی هر چه خدا خواهد [همان شود] که نیرویی جز به تائید خدا نیست، اگر مرا بینی که به مال و فرزند از تو کمترم۳۹ باشد که پروردگارم بهتر از باغ تو به من دهد، و به باغ تو از آسمان صاعقه ها فرستد که زمین بایر شود٤۰ یا آب آن به اعماق رود که جستن آن نتوانی٤۱ و میوه های او نابود گشت و بنا کرد دو دست خویش به حسرت مالی که در آن خرج کرده بود زیر و رو همی کرد، که تاکها بر چفته ها سقوط کرده بود و می گفت ای کاش هیچ کس را با پروردگار خویش شریک نپنداشته بودم٤۲ و او را، غیر خدا گروهی نباشد که یاریش کنند و یاری خویش کردن نتواند٤۳ در آنجا یاری کردن خاص خدای به حق است که پاداش او بهتر و سرانجام دادن او نیک تر است٤٤ برای آنها زندگی این دنیا را مثل بزن، چون آبیست که از آسمان نازل کرده ایم و به وسیله آن گیاهان زمین پیوسته شود، آنگاه خشک گردد و بادها آن را پراکنده کند و خدا به همه چیز تواناست٤۵ مال و فرزندان، زیور زندگی این دنیاست و کارهای شایسته ماندنی، نزد پروردگارت به پاداش بهتر و امید آن بیشتر است٤٦ روزی که کوهها را به راه اندازیم و زمین را [از زیر آن] نمودار بینی و محشورشان کنیم و یکی از آنها را وانگذاریم٤۷ به صف به پروردگارت عرضه شوند[گوید] چنانکه اول بار شما را خلق کرده بودیم باز پیش ما آمده اید ولی پنداشتید که هرگز برای شما موعدی ننهاده ایم٤۸ و نامه ها پیش آرند، و گنهکاران را از مندرجات آن هراسان بینی و گویند: ای وای بر ما! این نامه چیست، که گناه کوچک یا بزرگی نگذاشته مگر آن را به شمار آورده و هر چه کرده اند حاضر یابند که پروردگارت به هیچ کس ستم نمی کند٤۹ و چون به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید، همه سجده کردند مگر ابلیس که از جنیان بود از فرمان پروردگارش برون شد چرا او و فرزندانش را که دشمن شمایند، سوای من، دوستان می گیرید؟ برای ستمگران چه عوض بدی است۵۰ آفرینش آسمانها و زمین را با حضور آنها نکردم و نه آفرینش خودشان را که من گمراه کنندگان را به کمک نمی گیرم۵۱ و روزی که خدا گوید: شریکان مرا می پنداشتید ندا کنید، آنها را بخوانند و اما اجابتشان نکنند و میان شان هلاکت گاهی نهاده ایم۵۲ و گنهکاران جهنم را ببینند و یقین کنند که در آن افتادنیند و گریزگاهی نیابند۵۳ در این قرآن همه قسم مثل

برای مردم گونا- گون کرده ایم و انسان از همه چیز مجادله بیشتر می کند٥٤ مانع این مردم هنگامی که هدایت بدیشان آمد، از اینکه مؤمن شوند و از پروردگارشان آمرزش بخواهند، جز این نبود که [انتظار داشتند] طریقه گذشتگان تکرار شود یا عذاب از پیش به آنها در آید٥٥ ما پیغمبران را جز نویدبخش و بیم رسان نمی فرستیم، کسانی که کافرند به باطل، مجادله کنند که حق را بدان باطل سازند و آیه های مرا با آن بیم که به ایشان داده اند مسخره گرفته- اند٥٦ ستمگرتر از آنکه به آیه های پروردگارش اندرزش داده اند و از آن روی بگردانیده و اعمالی را که دو دستش از پیش کرده از یاد برده، از او ستمگرتر کیست که ما بر دلهایشان پوشش ها نهاده ایم که آیه های ما را نمی فهمند و گوشهایشان را گران کرده ایم، بنابراین اگر سوی هدایتشان بخوانی، هرگز و هیچ وقت هدایت نیابند٥٧ پروردگارت آمرزگار و رحمت دار است اگر آنها را به اعمالی که کرده اند مؤاخذه می کرد در عذابشان تعجیل می کرد[چنین نیست] بلکه موعدی دارند که هرگز در قبال آن گریزگاهی نیابند٥٨ این دهکده- ها هنگامی که ستم کردند هلاکشان کردیم و برای هلاک کردنشان موعدی نهادیم٥٩ و چون موسی به شاگرد خویش گفت: آرام نگیرم تا به مجمع دو دریا برسم یا مدتی دراز به سر برم٦٠ و همین که به جمع میان دو دریا رسیدند ماهیشان را از یاد بردند و راه خویش سرازیر به دریا پیش گرفت٦١ و چون بگذشتند به شاگردش گفت: غذایمان را پیشمان بیار که از این سفرمان خستگی بسیار دیدیم٦٢ گفت: خبر داری که وقتی به آن سنگ پناه بردیم من ماهی را از یاد بردم و جز شیطان مرا به فراموش کردن آن وا نداشت که یادش نکردم و راه عجیب خود را پیش گرفت٦٣ گفت: این همان است که می جستیم و پی جویان به نشانه قدمهای خویش بازگشتند٦٤ پس بنده ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خویش رحمتی بدو داده بودیم و از نزد خویش دانشی به او آموخته بودیم٦٥ موسی بدو گفت: آیا تو را پیروی کنم که به من از آنچه آموخته ای کمالی بیاموزی٦٦ گفت تو به همراهی من هرگز شکیبایی نتوانی کرد٦٧ چگونه در مورد چیزهایی که از راز آن واقف نیستی شکیبایی می کنی٦٨ گفت: اگر خدا خواهد مرا شکیبا خواهی یافت و در هیچ باب نافرمانی تو نمی کنم٦٩ گفت: اگر به دنبال من آمدی چیزی از من مپرس تا درباره آن مطلبی با تو بگویم٧٠ پس برفتند و چون به کشتی سوار شدند آن را سوراخ کرد گفت: آن را سوراخ کردی که مردمش را غرق کنی، حقا که کاری شایسته کردی٧١ گفت: مگر نگفتم که تو به همراهی من هرگز شکیبایی نتوانی کرد٧٢ گفت: مرا به آنچه فراموش کرده ام بازخواست مکن و کارم را به من سخت مگیر٧٣ پس برفتند تا پسری را بدیدند و او را بکشت، گفت: چرا شخصی را جز به قصاص بکشتی حقا که کاری قبیح کردی٧٤ گفت: مگر به تو نگفتم که تو به همراهی من هرگز شکیبایی نتوانی کرد٧٥ گفت اگر بعد از این چیزی از تو پرسیدم، مصاحبت من مکن که از جانب من معذور خواهی بود٧٦ پس برفتند تا به دهکده ای رسیدند و از اهل آن خوردنی خواستند و از مهمان کردنشان دریغ کردند، در آنجا دیواری یافتند که می خواست بیفتد و آن را به پا داشت، گفت: کاش می-

خواستی و برای این کار مزدی می گرفتی۷۷ گفت: اینک [موقع] جدایی میان من و تو است و تو را از توضیح آن چیزها که بر آن شکیبایی نتوانستی کرد خبردار می کنم۷۸ اما کشتی از مستمندانی بود که به دریا کار میکردند، خواستم معیوبش کنم چون که در راهشان شاهی بود که همه کشتیها را به غضب می گرفت۷۹ اما آن پسر، پدر و مادرش مؤمن بودند، ترسیدم به طغیان و انکار دچارشان کند۸۰ و خواستم پروردگارشان پاکیزه تر و مهربان تر از آن عوضشان دهد۸۱ اما دیوار، از دو پسر یتیم این شهر بود و گنجی از مال ایشان زیر آن بود و پدرشان مردی شایسته بود، پروردگارت خواست که به رشد خویش رسند و گنج خویش برون آرند، مرحمتی از پروردگارت بود و من این کار از پیش خود نکردم، چنین است توضیح آن چیزها که بر آن شکیبایی نتوانستی کرد۸۲ تو را از ذوالقرنین پرسند، بگو: برای شما از او خبری خواهم خواند۸۳ وی را در زمین تمکن دادیم و از همه چیزها وسیله ای عطا کردیم۸٤ پس راهی را تعقیب کرد۸۵ چون به غروبگاه آفتاب رسید آن را دید که در چشمه ای گل آلود فرو می رود و نزدیک چشمه گروهی را یافت گفتیم ای ذوالقرنین یا عذاب می کنی یا میان شان طریقه ای نیکو پیش می گیری۸٦ گفت: هر کس که ستم کند زود باشد که عذابش کنیم و پس از آن سوی پروردگارش برند و عذابی سختش کند۸۷ و هر که ایمان آرد و کار شایسته کند، پاداش نیک دارد و او را از فرمان خویش کاری آسان گوئیم۸۸ آنگاه راهی را دنبال کرد۸۹ تا به طلوع گاه خورشید رسید و آن را دید به قومی طلوع می کند که ایشان را در مقابل آفتاب پوششی نداده ایم۹۰ چنین بود، و ما از آن چیزها که نزد وی بود، به طور کامل خبر داشتیم۹۱ آنگاه راهی را دنبال کرد۹۲ تا وقتی میان دو کوه رسید مقابل آن قومی را یافت که سخن نمی فهمیدند۹۳ گفتند: ای ذوالقرنین یأجوج مأجوج در این سرزمین تباهکارانند، آیا برای تو خراجی مقرر دادیم که میان ما و آنها سدی کنی۹٤ گفت: آن چیزها که پروردگارم مرا تمکن آن داده بهتر است، مرا به نیرو کمک دهید تا میان شما و آنها حائلی کنم۹۵ قطعات آهن پیش من آرید، تا چون میان دو دیواره پر شد گفت: بدهید، تا آن را بگداخت گفت: روی گداخته نزد من آرید تا بر آن بریزم۹٦ پس نتوانستند بر آن بالا روند و نتوانستند آن را نقب زنند۹۷ گفت: این مرحمتی از جانب پروردگار من است و چون وعده پروردگارم بیاید آن را هموار سازد و وعده پروردگارم درست است۹۸ در آن روز بگذاریم شان که چون موج درهم شوند و در صور دمیده شود و جمعشان کنیم جمع کامل۹۹ آن روز جهنم را کاملا به کافران نشان دهیم۱۰۰ همان کسان که دیدگانشان از یاد من در پرده بوده و شنیدن نمی-توانسته اند۱۰۱ مگر کسانی که کافرند پندارند که سوای من، بندگانم را خدایان توانند گرفت که ما جهنم را برای کافران محل فرود آمدنی آماده کرده ایم۱۰۲ بگو آیا شما را از آنها که به عمل زیانکارترند خبر دهیم۱۰۳ همان کسان که کوشش ایشان در زندگی این دنیا تلف شده و پندارند که رفتار نیکو دارند۱۰٤ همان کسانند که آیه های پروردگارشان را با معاد انکار کرده اند، اعمالشان هدر شده و روز قیامت برای آنها میزانی به پا

نمی کنیم۱۰۵ چنین است و سزای ایشان جهنم است برای آنکه انکار ورزیده و آیه های من و پیغمبرانم را مسخره گرفته اند۱۰٦ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند منزلشان باغهای بهشت است۱۰۷ جاودانه در آنند و تغییر یافتن از آن نخواهند۱۰۸ بگو اگر دریا مرکب کلمات پروردگار من باشد، پیش از آنکه کلمات پروردگارم تمامی گیرد، دریا تمامی پذیرد و گرچه نظیر آن را نیز به کمک آوریم۱۰۹ بگو من فقط بشری هستم که به من وحی می شود، حق اینست که خدای شما خدای یگانه است هر که امید دارد به پیشگاه پروردگار خویش رود، باید عمل شایسته کند و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند. ۱۱۰

سوره مریم ۱۹

سوره مریم، در مکه نازل شده است

بنام خدای رحمان رحیم

کاف، ها، یا، عین، صاد۱ این خبر رحمت کردن پروردگارت با بنده خویش زکریاست۲ آن دم که پروردگارش را ندا داد، ندای نهانی۳ گفت: پروردگارا! من استخوانم سست شده و سرم از پیری سفید شده است و در زمینه خواندن تو پروردگارا کم طالع نبوده ام٤ من از بعد خویش از وارثانم بیم دارم و زنم نازاست مرا از نزد خویش فرزندی عطا کن٥ که از من و خاندان یعقوب ارث ببرد و او را، پروردگارا! پسندیده ساز٦ ای زکریا! ما تو را مژده پسری می دهیم که نامش یحیی است و از پیش هم نامی برای وی قرار نداده ایم۷ گفت: پروردگارا چگونه پسری توانم داشت که زنم نازا ست و از پیری به فرتوتی رسیده ام۸ گفت: پروردگار تو چنین گفته است، این بر من آسان است، از پیش نیز تو را که چیزی نبودی خلق کرده ام۹ گفت: پروردگارا برای من نشانه ای بگذار، گفت: نشانه تو اینست که سه شب تمام با مردم سخن نکنی۱۰ پس، از عبادتگاه نزد قوم خود شد و به آنها تلقین کرد که بامداد و شبانگاه خدا را تسبیح گوئید۱۱ (گفتیم) ای یحیی! این کتاب را محکم بگیر، و در طفولیت او را فرزانگی دادیم ۱۲ و مهربانی و پاکیزگی دادیم و پرهیزکار بود۱۳ و با پدر و مادرش نیکوکار بود و سرکش و نافرمان نبود۱٤ درود بر او، روزی که تولد یافت و روزی که بمیرد و روزی که زنده برانگیخته شود۱٥ در این کتاب مریم را یاد کن آن دم که در مکانی رو به آفتاب از کسان خود کناره گرفت۱٦ در مقابل آنها پرده ای آویخت و روح خویش را بدو فرستادیم که انسانی به خلقت تمام بر او نمودار شد۱۷ گفت اگر پرهیزکاری از تو به خدای رحمان پناه می برم۱۸ گفت من فرستاده پروردگار توام

که پسری پاکیزه به تو عطا کنم۱۹ گفت: چگونه مرا پسری باشد که انسانی به من دست نزده و زناکار نبوده
ام ۲۰ گفت: پروردگار تو چنین گفته که این بر من آسانست تا آن را برای مردم از جانب خویش آیت و رحمتی
کنیم و کاری مقرر شده بود۲۱ پس به او حامله شد، و با وی در مکانی دور گوشه گرفت۲۲ درد زادن او را
سوی تنه نخل کشید گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم، یا چیزی حقیر بودم و فراموشم کرده بودند۲۳ و
وی را از طرف پائین وی ندا داد غم مخور که پروردگارت پائین تو آقایی قرار داد٢٤ تنه نخل را سوی
خویش تکان بده که خرمای تازه پیش تو افکند۲۵ بخور و بنوش و چشمت پر شود، اگر از آدمیان کسی را
دیدی، بگو من برای خدا روزه ای نذر کرده ام و امروز با بشری سخن نکنم٢٦ مولود را که برداشته بود،
نزد کسان خود آورد گفتند: ای مریم حقا که چیزی شگفت انگیز آورده ای۲۷ ای خواهر هارون! پدرت مرد
بدی نبود و مادرت زناکار نبود۲۸ به مولود اشاره کرد گفتند: چگونه با کسی که کودک و در گهواره است
سخن کنیم۲۹ گفت: من بنده خدایم، مرا کتاب داده و پیغمبر کرده است۳۰ و هر کجا باشم با برکتم کرده است
و به نماز کردن و زکات دادن، مادام که زنده باشم سفارشم کرده است۳۱ نسبت به مادرم نیکوکارم کرده است
و گردن کش و نافرمانم نکرده است۳۲ درود بر من، روزی که تولد یافته ام و روزی که بمیرم و روزی که
زنده برانگیخته شوم۳۳ به گفتار راست، عیسی پسر مریم که در باره او شک می کنند اینست٣٤ نشاید که خدا
فرزندی بگیرد، او منزه است چون کاری را اراده فرماید فقط به او گوید: باش! و وجود یابد۳۵ خدای یکتا
پروردگار من و پروردگار شماست او را بپرستید، راه راست اینست٣٦ پس این دسته ها میان خودشان اختلاف
یافتند، وای بر کسانی که کافر بوده اند از حضور یافتن در روزی بزرگ۳۷ روزی که سوی ما آیند چه خوب
شنوند و چه خوب ببیند ولی آن روز ستمگران در ضلالتی آشکارند۳۸ آنها را از روز ندامت بترسان، آن دم
که کار بگذرد و آنها بی خبر مانند و باور ندارند۳۹ پس از زمین و هر که بر آن هست، ما برقراریم و به
سوی ما بازگشت می یابند٤٠ در این کتاب ابراهیم را یاد کن که وی راستی پیشه پیغمبری بود٤١ آن دم که
به پدرش گفت: ای پدر چرا بتی را که نشنود و نبیند و کاری برای تو نسازد، پرستش می کنی٤٢ ای پدر!
دانشی سوی من آمده که تو را نیامده، مرا پیروی کن تا تو را به راهی راست هدایت کنم٤٣ ای پدر! بندگی
شیطان مکن که شیطان عاصی خدای رحمان است٤٤ ای پدر! من بیم دارم که از خدای رحمان عذابی به تو
رسد و دوست دار شیطان شوی٤٥ گفت: ای ابراهیم! مگر به خدایان من بی علاقه ای اگر بس نکنی تو را
ناسزا گویم و باید مدتی دراز از من جدا شوی٤٦ گفت: درود بر تو باد برای تو از پروردگارم آمرزش خواهم
خواست که او به من مهربان است٤٧ از شما و آنچه سوای خدا می خوانید، کناره می کنم و پروردگارم را
می خوانم، شاید در مورد دعای پروردگارم کم طالع نباشم٤٨ و هم اینکه از آنها و بتانی که سوای خدا می
پرستیدند کناره گرفت اسحق و یعقوب را بدو بخشیدیم و همه را پیغمبر کردیم٤٩ و از رحمت خویش به آنها

عطا کردیم و ذکر خیر بلند آوازه ای به ایشان دادیم۵۰ در این کتاب موسی را یاد کن که وی بی شائبه و فرستاده ای پیغامبر بود۵۱ از جانب راست طور بدو ندا زدیم و او را به راز گویی تقرب دادیم۵۲ و از رحمت خویش برادرش هارون پیغمبر را به او بخشیدیم۵۳ در این کتاب اسمعیل را یاد کن که وی درست وعده و فرستاده ای پیغامبر بود۵٤ و کسان خود را به نماز خواندن و زکات دادن وادار می کرد و نزد پروردگار خویش پسندیده بود۵۵ در این کتاب ادریس را یاد کن که راستی پیشه پیغمبری بود٥٦ و او را به مقامی بلند بالا بردیم۵۷ همان کسان که خدا موهبتشان داده بود از فرزندان آدم و از فرزندان آن کسان که همراه نوح برداشتیم و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل و آن کسان که هدایت کرده و برگزیده بودیم، چون آیه های خدا برایشان خوانده می شد به حال گریه سجده کنان می افتادند۵۸ و از پی آنها باقیماندگان بودند که نماز را مهمل گذاشتند و پیرو هوسها شدند، بزودی سرگشتگی ای خواهند دید۵۹ مگر آنکه توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته کرده آنها به بهشت درون شوند و به هیچ وجه ستم نبینند٦۰ بهشت های جاوید که خدای رحمان از غیب به بندگانش وعده داد که وعده او آمدنیست٦١ در آنجا یاوه ای نشنوند، مگر سلامی و در آنجا بامداد و شبانگاه روزی خویش دارند٦٢ این بهشتی است که به هرکس از بندگان خویش که پرهیزکار باشد می دهیم٦٣ [ما فرشتگان] جز به فرمان پروردگارت نازل نشویم که که هر چه جلو رویمان هست و هر چه پشت سرمان هست از اوست و پروردگارت فراموشکار نیست٦٤ پروردگار آسمانها و زمین است با هر چه در میان آنهاست، عبادت او کن و در کار عبادتش شکیبا باش مگر همتایی برای او می شناسی٦٥ انسان گوید: وقتی به مردم چگونه زنده پدیدار میشوم٦٦ مگر همین انسان به یاد ندارد که ما از اول او را آفریدیم و هیچ نبود٦٧ به پروردگارت قسم ایشان را با شیطان- ها محشور کنیم، و همه را به زانو درآمده، دور جهنم حاضر کنیم٦٨ آنگاه از هر گروه هر کدامشان به سرکشی خدای رحمان جری تر بوده، جدا کنیم٦٩ آنگاه کسانی را که به وارد شدن جهنم سزاوارترند بهتر شناسیم۷۰ هیچ کس از شما نیست مگر وارد جهنم شدنیست که بر پروردگارت محترم و مقرر است۷۱ آنگاه کسانی را که پرهیزکاری کرده اند برآوریم، و ستمگران را به زانو درآمده، در آن واگذاریم۷۲ و چون آیه- های روشن ما را بر آنها بخوانند، کسانی که کافرند به کسانی که مؤمنند گویند: کدام یک از دو گروه مکان بهتر و مجلس آراسته تر دارند۷۳ پیش از ایشان چه نسلها را هلاک کرده ایم که اثاث و منظرشان بهتر بود۷٤ بگو: هر که در ضلالت باشد خدای رحمانش همی کشاند تا چون موعود خویش، یا عذاب و یا رستاخیز را ببینند خواهند دانست کیست که مکانش بدتر و سپاهش ناتوان تر است۷۵ خدا کسانی را که هدایت یافته اند، هدایت همی فزاید و اعمال شایسته که باقیماندنیست پاداش آن نزد پروردگارت بهتر و نتیجه آن نیکوتر است۷٦ مگر آن کس را که منکر آیه های ماست و گوید: مال و فرزند بسیارم خواهند داد ندیدی۷۷ مگر از غیب خبر یافته یا از خدای رحمان پیمانی گرفته است۷۸ هرگز! آنچه را

گوید ثبت خواهیم کرد و عذاب وی را کششی می دهیم۷۹ و آنچه گوید به او می دهیم اما تنها نزد ما می شود۸۰ غیر خدا، خدایان گرفته اند که مایه عزتشان شود۸۱ هرگز! [این خدایان] از عبادت ایشان برائت خواهند جست و مخالف آنها خواهند بود۸۲ مگر ندانی که ما شیطان ها را به سوی کافران فرستاده ایم که به سختی تحریکشان کنند۸۳ درباره ایشان شتاب مکن که ما برای آنها [روز] می شماریم، شمار دقیق۸٤ روزی که پرهیزکاران را محشور کنیم که به پیشگاه خدای رحمان وارد شوند۸۵ و گنهکاران را تشنه سوی جهنم برانیم۸٦ شفاعتی ندارند مگر آنکه از خدای رحمان پیمانی گرفته باشد۸۷ گویند: خدا پسری گرفته است۸۸ حقا چیزی گران آورده اند۸۹ نزدیک است آسمانها از هول آن بدرد و زمین بشکافد و کوهها در هم شکسته بیفتد۹۰ از آن رو که برای خدای رحمان پسری ادعا کرده- اند۹۱ سزاوار نیست که خدای رحمان پسری بگیرد۹۲ در آسمانها و زمین هیچ کس نیست مگر به بندگی سوی خدا آمدنیست۹۳ خدا همه را احصا کرده و شمارشان کرده است، شمار کامل۹٤ و همگی شان روز قیامت تنها به پیشگاه خدا شوند۹۵ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، خدای رحمان برای آنها محبتی قرار خواهد داد۹٦ این قرآن را به زبان تو روان کرده ایم تا پرهیزکاران را بدان نوید رسانی و گروه سخت سر را بدان بترسانی۹۷ پیش از آنها چه نسلها را هلاک کرده ایم آیا یکی از آنها را می یابی یا صدایی از آنها می شنوی.۹۸

سوره طه ۲۰

سوره طه، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

طه۱ این قرآن به تو نازل نکردیم که در رنج افتی۲ جز یادآوری ای برای کسی که بیم می کند نیست۳
از جانب آنکه زمین و آسمانهای بلند را آفریده نازل شده است٤ خدای رحمان بر عرش استیلا دارد٥ هر چه
در آسمانها و زمین هست و هر چه زیر خاک هست از اوست٦ اگر سخن آشکار کنی، او نهان و نهان تر را
می داند۷ او خداوندی است که معبودی جز او نیست، و نامهای نیکوتر از آن اوست۸ آیا خبر موسی به تو
رسیده است؟۹ آن دم که آتشی دید و به خانواده خود گفت بمانید، که من آتشی می بینم شاید شعله ای از آن
برای شما بیارم، یا به آتش راه یابم۱۰ و چون به آتش رسید، ندا داده شد که ای موسی۱۱ من، خودم، پروردگار
توام، پاپوش خویش به در کن که در دره مقدس طور هستی۱۲ من تو را برگزیده ام، به این وحی که می رسد
گوش فرا دار۱۳ من خدای یکتایم، خدایی جز من نیست، عبادت من کن و برای یاد کردن من نماز به پا کن١٤
قیامت آمدنیست، می خواهم آن را نهان کنم تا هر کس در مقابل کوششی که می کند سزا بیند١٥ آنکه رستاخیز
را باور ندارد و پیروی هوس خود کند تو را از باور کردن آن باز ندارد که هلاک می شوی١٦ ای موسی!
این چیست که به دست راست تو است۱۷ گفت: این عصای من است، بر آن تکیه می کنم و با آن برای
گوسفندان خویش برگ می تکانم و مرا در آن حاجت های دیگر هست۱۸ گفت: ای موسی آن را بیفکن۱۹
بیفکندش و ناگهان ماری شد که راه می رفت۲۰ گفت: بگیرش و مترس که آن را به حالت اولش باز خواهیم
برد۲۱ و دستت را به پهلویت ببر که سفید بدون علت برون آید این معجزه دیگر۲۲ تا آیه های بزرگ خویش
را به تو بنمایانیم۲۳ به سوی فرعون برو که او طغیان کرده است٢٤ گفت: پروردگارا سینه من بگشای٢٥ و
کارم را به من آسان کن٢٦ و گره از زبان من باز کن۲۷ که گفتار مرا بفهمند۲۸ و برای من از کسانم پشتیبانی
مقرر دار۲۹ هارون برادرم را۳۰ و پشت من بدو محکم کن۳۱ و او را شریک کار من کن۳۲ تا تو را تسبیح
بسیار گوییم۳۳ و بسیار یادت کنیم٣٤ که تو بینای ما بوده ای٣٥ گفت، ای موسی مطلوب خویش یافتی٣٦ و
بار دیگر نیز به تو منت نهاده ایم۳۷ آن دم که به مادرت آنچه وحی باید کرد، وحی کردیم۳۸ که او را به
صندوق کن و صندوق به دریا فکن، تا دریا به ساحل اندازدش و دشمن من و دشمن او بگیردش و از جانب
خویش محبوبیتی بر تو افکندم تا زیر نظر من تربیت شوی۳۹ و چون خواهرت می رفت و می گفت: آیا شما
را به کسی دلالت کنم که تکفل او کند و به مادرت بازت آوردیم که دیده اش نگران نباشد و غم نخورد و یکی

را بکشتی و از گرفتگی نجاتت دادیم و امتحانت کردیم امتحان دقیق، و سالی چند در میان مدینیان بماندی آنگاه، ای موسی! به موقع بیامدی٤٠ و تو را خاص خویش کردم٤١ تو و برادرت معجزه های مرا ببرید و در کار یاد کردن من سستی مکنید٤٢ به سوی فرعون روید که او طغیان کرده است٤٣ و با او سخنی نرم گوئید شاید اندرز گیرد یا بترسد٤٤ گفتند، پروردگارا! ما بیم داریم در آزارمان شتاب کند به طغیانش بیشتر شود٤٥ گفت: مترسید که من با شما هستم، می شنوم و می بینم٤٦ پیش وی رفتند و گفتند: ما دو پیغمبر پروردگار توایم، پسران اسرائیل را با ما بفرست و عذابشان مکن، از پروردگارت معجزه ای سوی تو آورده-ام، درود بر آنکه هدایت را تبعیت کند٤٧ به ما وحی کرده اند که عذاب بر آن کس باد که تکذیب کند و روی بگرداند٤٨ گفت: ای موسی پروردگار شما کیست؟ ٤٩ پروردگار ما همانست که به مخلوق خویش همه چیز داد و [به استفاده از آن] رهبریش کرد٥٠ گفت: پس، حال نسلهای گذشته چیست؟٥١ گفت: علم آن در نامه های گذشته نزد خدای منست که پروردگارم نه خطا می کند و نه فراموش می کند٥٢ همانکه زمین را برای شما گهواره ای کرد و برایتان در آن راهها کشید و از آسمان آبی فرود آورد و با آن اقسام مختلف گیاه پدید آوردیم٥٣ بخورید و حیوانات خویش بچرانید که در این، برای اهل خرد عبرت هاست٥٤ از زمین آفریدیمتان و بدان بازتان می بریم و بار دیگر از آن بیرونتان می کشیم٥٥ آیه های خویش به فرعون نمودیم و تکذیب کرد و دریغ کرد٥٦ گفت: ای موسی مگر سوی ما آمده ای که به جادوی خویش از سرزمینمان بیرونمان کنی٥٧ ما نیز جادویی مانند آن برای تو بیاریم میان ما و خودت در مکانی مشخص وعده گاهی بگذار که از آن تخلف کنیم٥٨ گفت: وعده گاه شما روز ارایش است که مردم، نیمروز مجتمع شوند٥٩ فرعون برفت و نیرنگ خویش فراهم کرد و باز بیامد٦٠ موسی به آنها گفت: وای بر شما، دروغ به خدا مبندید که شما را به عذابی هلاک کند، و هر که دروغ سازد نومید شود٦١ میان خودشان در کارشان مناقشه کردند و آهسته راز گفتند٦٢ گفتند: اینان دو جادوگرند که خواهند به جادوی خویش از سرزمینتان بیرونتان کنند و آئین خوب شما را از میان ببرند٦٣ پس نیرنگتان را فراهم کنید، آنگاه صف بسته بیایید که در آن روز هر که برتر شود رستگار می شود٦٤ گفتند: ای موسی یا تو می افکنی یا ما نخست کس باشیم که بیفکنیم٦٥ گفت: شما بیفکنید و آن وقت اثر جادویشان به نظر او رسید که ریسمان ها و عصاهایشان راه می رود٦٦ و موسی در ضمیر خویش به ترس افتاد٦٧ گفتیم مترس که تو خودت برتری٦٨ آنچه به دست راست تو است بیفکن تا آنچه را ساخته اند ببلعد، فقط نیرنگ جادویی ساخته اند و جادوگر، هر جا باشد رستگار نمی شود٦٩ جادوگران سجده کنان خاکسار شدند گفتند: به خدای موسی و هارون ایمان داریم٧٠ گفت: چرا پیش از آنکه اجازه تان دهیم بدو ایمان آوردید وی بزرگ شماست که جادو تعلیمتان داده است، دستها و پاهایتان را به عکس یکدیگر می برم و بر تنه های نخل آویزانتان می کنم تا بدانید عذاب کدامیک از ما سخت تر و پایدارتر است٧١ گفتند: هرگز

تو را بر این معجزه ها که سوی ما آمده ترجیح ندهیم، هر چه می کنی بکن، فقط زندگی این دنیا را حکم بکنی۷۲ ما به پروردگارمان ایمان آورده ایم که گناهانمان را با این جادوگری که با اکراه بدان وادارمان کرده بودی بیامرزد که خدا بهتر و پاینده تر است۷۳ و هر که گنهکار به پیشگاه پروردگار خویش رود، جهنمی میشود که در آنجا، نه می میرد و نه زندگی دارد۷٤ هر که مؤمن به پیشگاه او رود و کار شایسته کرده باشد آنها مرتبت های بلند دارند۷۵ بهشت های جاوید که در آن جوی ها روانست و جاودانه در آنند، این پاداش کسی است که پاک خویی کرده باشد۷٦ و به موسی وحی کردیم بندگان مرا شب، راه ببر و برای آنها در دریا راهی خشک بجوی و از گرفتن [دشمنان] نه بیم کن و نه بترس۷۷ فرعون با سپاهش از پی ایشان شد و از فرو گرفتن دریا به فرعونیان همان رسید که رسید۷۸ فرعون قوم خویش را گمراه کرد و هدایت نکرد۷۹ ای پسران اسرائیل! به راستی که از دشمنان نجاتتان دادیم و طرف راست طور را با شما وعده گاه کردیم و من و سلوی به شما فرود آوردیم۸۰ از چیزهای پاکیزه که روزیتان کرده ایم بخورید و در مورد آن طغیان مکنید که غضب من به شما می رسد و هر که غضب من به او درآید سقوط کرده است۸۱ و من آمرزگار همه آن کسانم که توبه آورده و کار شایسته کرده و بر هدایت استوار بوده اند۸۲ ای موسی! برای چه با شتاب از قوم خویش جلو افتادی۸۳ گفت: اینک آنها به دنبال منند و من به شتاب آمدم، پروردگارا! تا خشنود شوی۸٤ گفت: ما از پی تو قومت را امتحان کردیم و سامری گمراهشان کرد۸۵ موسی، خشمگین و اندوهگین سوی قوم خود بازگشت گفت: ای قوم! مگر پروردگارتان شما را وعده نیکو نداده بود، مگر این مدت به نظرتان طولانی نمود، یا خواستید غضب خدا به شما درآید که از وعده من تخلف کردید۸٦ گفتند: ما به اراده خویش از وعده تو تخلف نکرده ایم اما محموله هایی از زیور فرعونیان با خود برداشته بودیم که در [آتش] افکندیم و همچنین سامری نیز بیفکند۸۷ و برای آنها گوساله ای پیکری بساخت که صدای گوساله داشت گفت: این خدای شما و خدای موسی است و [ایمان را] رها کرد۸۸ مگر نمی دیدند که گوساله سخنی به آنها باز نمی گوید و برای ایشان سود و زیانی ندارد۸۹ هارون از پیش به آنها گفته بود: ای قوم! گوساله پرستی فریبتان داده است پروردگارتان فقط خدای رحمان است مرا پیروی کنید و مطیع فرمانم شوید۹۰ گفتند: ما هم چنان عبادت او می کنیم تا موسی به نزد ما بازگردد۹۱ گفت: ای هارون! وقتی دیدی که ایشان گمراه شدند مانع تو چه بود۹۲ که متابعت من کنی، چرا فرمان مرا عصیان کردی ۹۳ گفت: ای پسر مادرم! ریش و سر مرا مگیر، من بیم داشتم بگویی میان پسران اسرائیل تفرقه انداختی و رعایت گفتار من نکردی۹٤ گفت: ای سامری قضیه تو چیست۹۵ گفت: چیزی را که آنها ندیدند بدیدم، و از جای پای [فرشته] مرسل کفی بر گرفتم و آن را [در قالب گوساله] انداختم، که ضمیرم برای من چنین جلوه گر ساخت۹٦ گفت: برو که نصیب تو درین زندگی اینست که گویی دستم مزنید، و موعدی داری که هرگز از آن تخلف نکنند، خدایت را که پیوسته به خدمتش کمر بسته

بودی بنگر که آن را بسوزانیم و به دریا پراکنده اش کنیم پراکندن کامل۹۷ خدای شما فقط خدای یکتاست که خدایی جز او نیست و علم او به همه چیز می رسد۹۸ چنین، از اخبار حوادث گذشته بر تو می خوانم و تو را از نزد خویش کتابی داده ایم۹۹ و هر که روی از آن بگرداند، روز رستاخیز بار گناهی می برد۱۰۰ در گناهشان جاودانند و بارشان روز رستاخیز چه بد است۱۰۱ روزی که در صور دمیده شود و در آن روز گنه کاران را کور محشور کنیم۱۰۲ که آهسته به همدیگر گویند بیش از ده روز به سر نبرده اید۱۰۳ ما بهتر دانیم چه گویند آن دم که شایسته رفتارترینشان گویند: بیش از روزی به سر نبرده اید۱۰٤ تو را از کوهها پرسند بگو: پروردگارم آن را پراکنده کند، پراکندن کامل۱۰۵ و زمین را پهن و هموار گذارد۱۰٦ که در آن انحراف و برجستگی نبینی۱۰۷ بانگ زن [حشر] را که انحراف ندارد، تبعیت کنند و صداها به احترام خدای رحمان بیفتد و جز صدای پایی نشنوی۱۰۸ در آن روز شفاعت سود ندارد مگر از کسی که خدای رحمان به او اجازه دهد و گفتار او را بپسندد۱۰۹ آنچه پیش رویشان هست و آنچه پشت سرشان هست می داند ولی علمشان به او احاطه ندارد۱۱۰ و چهره ها در مقابل زنده پاینده، متواضع شود و هر که ستمی به دوش دارد نومید گردد۱۱۱ و هر که کارهای شایسته کند و مؤمن باشد، از ستم کشیدن و زبون شدن نترسد۱۱۲ چنین، این کتاب را قرآن عربی نازل کردیم و در آن بیم دادن ها گونا گون آوردیم شاید آنها بترسند و شاید تذکار برایشان حاصل شود۱۱۳ والاست خدا شاه حقیقی قرآن را از آن پیش که وحی آن به تو اعلام شود، به شتاب مخواه و بگو پروردگارا! مرا دانش افزای۱۱٤ از پیش به آدم سفارشی کردیم و او را پای مرد نیافتیم۱۱۵ و چون به فرشتگان گفتیم به آدم سجده کنید همه سجده کردند، مگر ابلیس که ابا ورزید۱۱٦ گفتیم ای آدم این دشمن تو و همسر تو است شما را از این بهشت بیرون نکند که تیره بخت شوی۱۱۷ تو را [این نعمت] هست که در بهشت نه گرسنه می شوی و نه برهنه۱۱۸ در آنجا نه تشنه می شوی و نه آفتاب زده۱۱۹ شیطان وسوسه اش کرد، گفت: ای آدم! آیا تو را به درخت خلود و سلطنتی که کهنه نمی شود راهبری کنم۱۲۰ از آن درخت بخوردند و عورتهایشان به ایشان نمودار شد و بنا کردند از برگهای بهشت به خودشان بچسبانند، آدم نافرمانی پروردگار خویش کرد و از راه برفت۱۲۱ پس از آن پروردگارش برگزیدش و توبه او پذیرفت و هدایتش کرد۱۲۲ گفت: همگی، بعض شما دشمن بعض دیگر، پائین روید، اگر هدایتی از من سوی شما آمد هر که پیروی هدایت من کند نه گمراه شود و نه تیره بخت۱۲۳ و هر که از این کتاب روی بگرداند، وی را روزگاری سخت خواهد بود و او را روز قیامت کور محشور کنیم۱۲٤ گوید: پروردگارا! چرا مرا که بینا بودم کور محشور کرده ای گوید: چنین، آیه های ما سوی تو آمد و آن را فراموش کردی و چنین، امروز فراموشت کنند۱۲۵ و هر که زیاده روی کرده و آیه های پروردگارش را باور نکرده چنینش سزا می دهیم و عذاب دنیای دیگر سخت تر و پایدارتر است۱۲٦ و این گونه جزا می دهیم کسی را که اسراف کند، و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد!

و عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است! ۱۲۷ مگر برای آنها روشن نیست که پیش از ایشان چه نسلها را که (اکنون)، در مسکن هایشان راه می روند هلاک کرده ایم، که در این برای صاحبان خرد عبرت هاست۱۲۸ اگر گفتار پروردگارت بر این نرفته بود و مدتی معین نبود، عذاب قرینشان می بود۱۲۹ بر آنچه می گویند صبر کن و پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب آن به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و کناره های شب و کناره های روز نیز تسبیح گوی شاید خشنود شوی۱۳۰ دیدگان خویش به آن چیزها که رونق زندگی دنیاست و به بعضی دسته هایشان بهره داده ایم که درباره آن عذابشان کنیم، نگران مساز که پروردگارت بهتر و پایدارتر است۱۳۱ کسان خویش را به نماز خواندن وادار کن و به کار نماز شکیبایی کن، روزی دادنی به عهده تو نگذاریم که روزی تو نیز ما می دهیم و سرانجام نیک خاص پرهیزکاری است۱۳۲ گویند: چرا معجزه- ای از جانب پروردگارش سوی ما نیارد، مگر توضیح آن چیزها که در کتابهای گذشته هست سوی ایشان نیامده است۱۳۳ اگر پیش از نزول قرآن، به عذابی هلاکشان کرده بودیم میگفتند پروردگارا چرا پیغمبری به ما نفرستادی تا پیش از آن که ذلیل و رسوا شویم، آیه های تو را پیروی کنیم۱۳٤ بگو: همه منتظرند، شما نیز انتظار برید بزودی خواهید دانست که رهروان طریقه راست، کیانند و هدایت یافته کیست.۱۳۵

سوره انبیا ۲۱

سوره انبیا، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

وقت حساب دادن این مردم نزدیک شده و آنها در بی خبری اعراضگرانند۱ پند تازه ای از پروردگارشان سویشان نیاید مگر آن را به حال استهزا شوند۲ دلهایشان مشغول است و کسانی که ستمگرند، نهانی راز گویند که مگر این جز بشری مثل شماست، چرا شما که می بینید، به جادو رو می کنید۳ گوید: پروردگارم در آسمان و زمین همه گفتارها را می داند و او شنوا و داناست٤ گویند [جادو نه] بلکه پندارهای مشوش است [پندار نه] بلکه آن را تزویر کرده است (تزویر نه) بلکه او خیال پرداز است، پس ، معجزه ای چنان که به گذشتگان فرستاده بودند برای ما بیارد۵ پیش از ایشان هیچ فرقه ای که هلاکش کردیم به معجزه ها ایمان نیاورده بود، اینان چگونه ایمان می آورند٦ پیش از تو به جز مردانی نفرستاده ایم که به آنها وحی می کرده ایم اگر خودتان نمی دانید از اهل کتاب بپرسید۷ ما پیغمبران را پیکرها نکردیم که غذا نخورند و جاودانیشان نکردیم۸ آنگاه وعده خویش را به آنها وفا کردیم و با هر که خواستیم نجاتشان دادیم و افراط کاران را هلاک کردیم۹ به شما کتابی نازل کرده ایم که یادبودتان در آن است چرا نمی فهمید۱۰ چقدر دهکده ها را که ستمگر بودند، در هم

شکستیم و از پس آنها گروهی دیگر پدید آوردیم۱۱ و چون صلابت ما را احساس کردند و از آن گریزان شدند۱۲ نگریزید، به سوی لذت ها و مسکن های خویش بازگردید شاید سراغ شما می گیرند۱۳ گویند: ای وای بر ما که ستمگر بوده ایم۱٤ ادعایشان پیوسته همین بود تا درو شده و بی جانشان کردیم۱٥ آسمانها را با زمین و هر چه میان آن هست بازی کنان نیافریده ایم۱٦ اگر خواستیم بازیچه ای بگیریم آن را از نزد خویش می گرفتیم، اگر بازیچه گر بودیم۱۷ [چنین نیست] بلکه حق را روی باطل پرتاب می کنیم تا درهمش بشکند و یکباره نابود شود وای بر شما از این وصف که می کنید۱۸ هر که در آسمانها و زمین هست متعلق به اوست فرشتگان که نزد اویند از عبادتش بزرگی نکنند و خسته نشوند۱۹ شب و روز تسبیح گویند و سستی نگیرند۲۰ مگر از زمین خدایانی گرفته اید که حیات دوباره می دهند۲۱ اگر در آسمان و زمین خدایانی جز خدای یکتا بود تباه می شدند. پروردگار عرش از آنچه وصف می کنند منزه است۲۲ خدا از آنچه می کند باز خواست نمی شود اما آنها بازخواست می شوند۲۳ مگر جز او خدایانی گرفته اند! بگو برهان خویش بیارید اینک کتاب اصحاب من و کتاب اسلاف من [نه] بلکه بیشترشان حقیقت را نمی دانند و خودشان اعراض گرانند۲٤ پیش از تو هیچ پیغمبری نفرستادیم مگر به او وحی کردیم که خدایی به جز من نیست، پس عبادت من کنید۲٥ گفتند: خدای رحمان پسران دارد او منزه است [فرشتگان پسران نیند] بلکه بندگان گرامیند۲٦ که به گفتار از خدا پیشی نگیرند و به فرمان او کار کنند۲۷ هر چه جلو رویشان و هر چه پشت سرشان هست می داند و شفاعت، جز برای آنکه خدا رضایت دهد نمی کنند و از ترس وی لرزانند۲۸ هر که از آنها گوید: من خدایی به جز خدایم، برای این، جهنم سزایش دهیم و ستمگران را چنین سزا می دهیم۲۹ مگر کسانی که کافرند ندانند که آسمانها و زمین پیوسته بود و از هم بازشان کردیم و هر چیز زنده ای را از آب آفریدیم، پس چرا ایمان نیاورند۳۰ و در زمین لنگرها کردیم که نلرزاندتان و در آن دره ها و راهها ، کردیم شاید آنها هدایت یابند۳۱ آسمان را سقفی محفوظ کردیم ولی آنها از عبرت های آسمان روی گردانند۳۲ اوست که شب و روز را آفریده با خورشید و ماه که هر یک در فلکی شناورند۳۳ پیش از تو هیچ انسانی را خلود نداده ایم چگونه تو بمیری و مخالفانت جاویدان باشند۳٤ همه کس مردنیست شما را برای امتحان بخیر و شر دچار کنیم و سوی ما بازگشت یابند۳٥ و چون کسانی که کافرند تو را ببینند، به جز مسخره ات نگیرند، همین است که خدایانتان را [به زشتی] یاد می کند؟ و آنها، خودشان قرآن خدای رحمان را منکرند۳٦ انسان از شتاب خلق شده، آیه هایم را به شما نشان خواهم داد، به شتاب از من مخواهید۳۷ گویند اگر راست می گویی این وعده کی می رسد۳۸ اگر کسانی که کافرند، از آن موقع که آتش را از چهره های خویش و پیشانی های خویش باز نتوانند داشت و یاری نشوند، خبر می داشتند[وقوع آن به شتاب نمی خواستند] ۳۹ ولی قیامت ناگهان بیایدشان و مبهوتشان کند و دفع آن نتوانند و مهلت نیابند٤۰ پیش از تو نیز پیغمبرانی استهزا شدند و بر آن کسان که تمسخرشان کرده

بودند، عذابی که با استهزای آن می پرداختند، وقوع یافت۴۱ بگو کی شب و روز از عذاب خدای رحمان نگاهتان می دارد؟ ولی آنها از یاد کردن پروردگارشان روی گردانند۴۲ مگر خدایانی غیر ما دارند که حفظ-شان کنند، آنها نتوانند خودشان را یاری کنند و از جانب ما نیز همراهی نشوند۴۳ اینان و پدرانشان را برخوردار کردیم تا عمرهایشان دراز شد مگر نمی بینند که ما داریم این سرزمین را از اطراف آن نقصان می دهیم پس چگونه ایشان غالب شدنی توانند بود۴۴ بگو من فقط شما را به وحی بیم میدهم و کران چون بیم داده شوند، دعوت را نشنوند۴۵ اگر دمی از عذاب پروردگارت به ایشان رسد گویند: ای وای بر ما! که ستمگران بوده ایم۴۶ روز رستاخیز ترازوهای درست نهیم و کسی به هیچ وجه ستم نبیند و اگر هم وزن دانه خردلی باشد بیاریمش که ما بس حسابگرانیم۴۷ موسی و هارون را فرقان دادیم با روشنی و اندرز برای پرهیزکاران۴۸ همان کسان که از پروردگار نادیده خویش ترسند و خودشان از روز رستاخیز هراسانند۴۹ این کتاب پربرکتی است که نازلش کرده ایم چرا شما منکر آنید؟۵۰ ابراهیم را نیز از این پیش رشاد وی بدادیم و دانای حال او بودیم۵۱ وقتی به پدرش و قومش گفت: این تصویر چیست که به عبادت آن کمر بسته اید۵۲ گفتند: پدران خویش را پرستش گران آن یافته ایم۵۳ گفت: شما با پدرانتان در ضلالتی آشکار بوده اید۵۴ گفتند: آیا به حق سوی ما آمده ای یا تو از بازیگرانی۵۵ گفت: [نه] بلکه پروردگارتان پروردگار آسمانها و زمین است که ایجادشان کرده است و من بر این مطالب گواهی می دهم۵۶ به خدا پس از آنکه پشت کنید و بروید در کار بت هایتان حیله می کنم۵۷ و بتان را قطعه قطعه کرد، مگر بزرگشان را شاید بدو مراجعه کنند۵۸ گفتند: کی با خدایان ما چنین کرده که وی از ستمگران است۵۹ گفتند: شنیدیم جوانی که ابراهیمش نامند [به بدی] یادشان می کرد۶۰ گفتند: او را به محضر مردمان بیارید شاید گواهی دهند۶۱ گفتند: ای ابراهیم آیا تو با خدایان ما چنین کرده ای؟۶۲ گفت: [نه] بلکه این بزرگشان چنین کرده است، اگر سخن توانند گفت، از خودشان بپرسید۶۳ به ضمیرهای خویش مراجعه کردند و گفتند: شما، خودتان ستمگرانید۶۴ سپس سر به زیر انداختند و گفتند تو دانی که اینان سخن نکنند۶۵ گفت: پس چرا غیر خدا، چیزی را که به هیچ وجه سودتان ندهد و زیان نرساند پرستش می کنید۶۶ قباحت بر شما و این بتان که غیر خدا می پرستید، چرا خردوری نمیکنید۶۷ گفتند: اگر کاری می کنید بسوزانیدش و خدایانتان را یاری کنید۶۸ گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم خنک و سالم باش۶۹ درباره او قصد نیرنگی داشتند و ما زیان کارشان کردیم۷۰ و او را [با مهاجرت] به سرزمینی که در آنجا برای جهانیان برکت نهاده ایم نجات دادیم۷۱ و اسحق و یعقوب را اضافه بدو بخشیدیم و همه را شایستگان کردیم۷۲ و آنها را پیشوایان کردیم که به فرمان ما رهبری کنند و انجام کارهای نیک را با نماز کردن و زکات دادن به آنها وحی کردیم و پرستندگان ما بودند۷۳ و لوط را فرزانگی و دانش دادیم و از آن دهکده که کارهای پلید همی کرد نجاتش دادیم که آنها گروهی عصیان پیشه بودند۷۴ و او را به رحمت خویش

در آوردیم که وی از شایستگان بود۷۵ و پیش از آن نوح را [یاد کن] وقتی ندا داد اجابتش کردیم و او را با کسانش از محنت بزرگ نجات دادیم۷٦ و در قبال قومی که آیه های ما را تکذیب می کردند یاریش کردیم که آنها قوم بدی بودند و همگی شان را غرق کردیم۷۷ و داود و سلیمان را [یادکن] آن دم که در کار زراعتی که گوسفندان قوم شبانه در آن چریده بود، داوری می کردند و ما گواه داوری کردنشان بودیم۷۸ و حکم حق را به سلیمان فهماندیم و هر دو را فرزانگی و دانش داده بودیم، و کوهها را رام داود کردیم که تسبیح می گفتند، و پرندگان را نیز، ما چنین کرده بودیم۷۹ و به سود شما ساختن زره را بدو تعلیم دادیم تا شما را از صلابت همدیگر حفظ کند، آیا سپاس می دارید۸۰ باد سرکش را برای سلیمان [رام کردیم] که به فرمان وی به سرزمینی که در آن برکت نهاده بودیم روان بود و ما به همه چیز داناییم۸۱ و از دیوان کسانی را رام وی کردیم که برای وی غواصی کنند و کارهای جز این نیز کنند و ما نگهبانشان بودیم۸۲ و ایوب را [یاد کن] وقتی پروردگارش را ندا داد که به محنت دچارم و تو از همه رحیمان رحیم تری۸۳ پس اجابتش کردیم و محنتی را که داشت برطرف کردیم و کسانش را بدو دادیم و نظیرشان همراهشان مرحمتی از نزد ما و اندرزی برای پرستش گران بود۸٤ و اسمعیل و ادریس و ذی الکفل را [یادکن] که همه از صابران بودند۸۵ و به رحمت خویش درآوردیمشان که آنها از شایستگان بودند۸٦ و ذوالنون را [یادکن] آن دم که خشمناک برفت و گمان داشت بر او سخت نخواهیم گرفت، پس از ظلمات ندا داد که خدایی جز تو نیست، تسبیح تو گویم که من از ستمگران بوده ام۸۷ پس، اجابتش کردیم و از تنگنا نجاتش دادیم و مؤمنان را نیز چنین نجات دهیم۸۸ و زکریا را [یادکن] آن دم که پروردگار خویش را ندا کرد، پروردگارا! مرا تنها مگذار که تو از همه بازماندگان بهتری۸۹ پس اجابتش کردیم و یحیی را بدو بخشیدیم و همسر او را شایسته کردیم، که آنها به کارهای نیکو همی شتافتند و با امید و بیم ما را می خواندند و در قبال ما فروتنان بودند۹۰ و آن زن را یاد کن که عفت خویش نگهداشت و از روح خویش در او دمیدیم و او را با پسرش برای جهانیان عبرتی کردیم۹۱ این آئین شماست آئین یگانه و من پروردگار شمایم، پس مرا عبادت کنید۹۲ گذشتگان میان خویش فرقه ها شدند و همگی به ما باز می گردند۹۳ و هر که اعمال شایسته کند و مؤمن باشد کوشش او بی پاداش نماند و ما برای او ثبت کنانیم۹٤ بر دهکده ای که هلاکشان کرده ایم مقرر است که آنها باز نمی گردند۹۵ تا وقتی که یاجوج و ماجوج گشوده شوند و از هر تپه ای شتابان شوند۹٦ و وعده حق نزدیک شود و دیدگان کسانی که کافر بوده- اند خیره ماند، ای وای بر ما! که از این حال غافل بودیم بلکه ما ستمگر بودیم۹۷ شما و آنچه سوای خدا می پرستید سنگ ریزه جهنمید و بدان وارد می شوید۹۸ اگر اینان خدا بودند وارد جهنم نمی شدند، اما همگی در آن جاودانند۹۹ در آنجا ناله ای دارند و در آنجا چیزی نمی شنوند۱۰۰ و کسانی که درباره آنها از جانب ما نیکی به قلم رفته از جهنم دور شوند۱۰۱ زمزمه آن را نشنوند و خودشان در آنچه دلهایشان بخواهد

جاودانند۱۰۲ وحشت بزرگ غمگینشان نکند و فرشتگان استقبالشان کنند که این روزیست که به شما وعده میدادند۱۰۳ روزی که آسمانها را در هم پیچیم چون در هم پیچیدن طومار برای نوشتن، چنانکه خلقت را از اول پدید کرده ایم اعاده آن نیز کنیم که کار ما چنین است۱۰٤ در زبور، از پی آن کتاب نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به میراث می برند۱۰۵ که در این برای گروه عبادت پیشه بلاغی هست۱۰٦ و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستاده ایم۱۰۷ بگو:حق اینست، به من وحی می رسد که خدای من خدای یکتاست آیا شما مسلمان می شوید۱۰۸ اگر پشت بکردند بگو: شما را یکسان آگاه کردم و من چه دانم آنچه به شما وعده می دهند نزدیک است یا دور۱۰۹ خدا گفتار بلند را داند و آنچه را مکتوم دارید نیز داند۱۱۰ من چه می دانم شاید تاخیر آن برای آزمایش شماست تا مدتی معین برخوردار شوید۱۱۱ بگو پروردگارا! به حق داوری کن پروردگار ما رحمت شعار است و درباره آنچه حکایت می کنید کمک از او باید خواست. ۱۱۲

سوره حج ۲۲

سوره حج، در مدینه نازل شده است

بنام خدای رحمان رحیم

ای مردم! از پروردگارتان بترسید که زلزله رستاخیز، چیزی است هول انگیز۱ روزی که زلزله رستاخیز را ببینید زنان شیرده از شیرخوار خویش غافل شوند و زنان باردار بار خویش بگذارند و مردمان را مستان بینی اما مستان نیند ولی عذاب خدا سخت است۲ بعض مردم، درباره خدا، بدون علم مجادله کنند و پیرو شیطان های شرور شوند۳ بر شیطان مقرر شده که هر که با او دوستی کند، به ضلالش افکند و به آتش سوزان راهبر شود٤ ای مردم! اگر از زندگی دوباره شک دارید، ما شما را از خاک آفریدیم آنگاه از نطفه، آنگاه از خون بسته، آنگاه از پاره گوشت تصویر گرفته یا نگرفته، تا برای شما توضیح دهیم و هر چه خواهیم در رحمها قرار دهیم تا مدتی معین، آنگاه شما را کودکی برون آریم تا به قوت خویش رسید، از شما کسی باشد که به پست ترین دوران عمر رسد تا پس از دانستن چیزی نداند، و زمین را فسرده بینی و چون آب بران نازل کنیم بجنبد و برآید و از همه گیاهان بهجت انگیز برویاند۵ زیرا خدا حق همواست و او مردگان را زنده می کند و او به همه چیز تواناست٦ رستاخیز آمدنیست و شک در آن نیست و خدا خفتگان قبور را زنده میکند۷ از جمله مردم آن کس است که درباره خدا بدون علم و هدایت و کتاب روشنی بخش مجادله کند۸ بزرگی

فروشد، تا از راه خدا گمراه کند در این دنیا خفتی دارد و روز رستاخیز عذاب سوزان را به او می چشانیم۹ این برای اعمالی است که از پیش کرده ای که خدا با بندگان ستم پیشه نیست۱۰ از جمله مردم آن کس است که خدا را با دو دلی پرستد، اگر نیکی بدو رسد به خدا پرستی قرار گیرد و اگر محنتی بدو رسد روی بگرداند، دنیا و آخرت را زیان کند که زیان آشکار همین است۱۱ غیر خدا، چیزی را خواند که زیانش نزند و سودش ندهد، و ضلال بی انتها همین است۱۲ کسی را خواند که زیان زدنش از سود دادنش نزدیک تر است چه بد دوست و چه بد همدمی است۱۳ خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند به بهشت ها درآرد که جوی ها در آن روانست که خدا هر چه بخواهد می کند١٤ هر که گمان دارد که خدا پیغمبر را در دنیا و آخرت نصرت ندهد، ریسمانی به آسمان کشد و ببرد و بنگرد که آیا نیرنگش چیزی را که مایه خشم او شده نابود تواند کرد۱٥ چنین، قرآن را آیه های روشن نازل کرده ایم و خدا هر که را خواهد هدایت کند١٦ کسانی که ایمان آورده اند و کسانی که یهودند و صابئیان و نصاری و مجوس و کسانی که شرک آورده اند خدا روز رستاخیز میانشان امتیاز می نهد که خدا به همه چیز گواه است۱۷ مگر ندانی که هر که در آسمانها و هر که در زمین هست با خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جانوران و بسیاری مردمان خدا را سجده می کنند، و بسیاری نیز عذاب بر آنها محقق شده، هر که خدا را خوار کند، هیچ کس او را گرامی ندارد که خدا هر چه اراده کند انجام می دهد۱۸ اینان دشمنانند که در مورد پروردگار خویش دشمنی کرده اند، کسانی که کافرند برای ایشان جامه ها از پیش بریده شده و از بالای سرهایشان آب جوشان ریزند۱۹ که امعایشان را با پوست ها بگدازد۲۰ و برای ایشان گرزهای آهنین هست۲۱ هر وقت بخواهند از آن، از شدت محنت، بدرآیند، بدان بازشان برند و [گویند] عذاب سوزان را بچشید۲۲ خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند به بهشت ها می برد که در آن جوی ها روان است، در آنجا دستبندها از طلا و مروارید زیور کنند و لباسشان در آنجا دیباست۲۳ به گفتار خوب هدایت شده اند و به راه ستوده هدایت شده اند٢٤ کسانی که کفر ورزیده و از راه خدا و مسجدالحرام که آن را برای مردم کرده ایم و مقیم و سفری در آن یکسانست باز می دارند، با هر که خواهد در آنجا تجاوزی، ستمی کند عذابی الم انگیزشان کنیم۲٥ و چون ابراهیم را در مکان این خانه جا دادیم [و مقرر داشتیم] چیزی را با من شریک مپندار و خانه ام را برای طواف بران و مقیمان و سجده گزاران پاکیزه دار٢٦ و مردم را ندای حج ده تا پیاده سوی تو آیند و سوار بر مرکبان سبک رو از دره های عمیق بیایند۲۷ تا شاهد منافع خویشتن باشند و روزی چند، نام خدا را بر آن حیوانات بسته زبان که روزیشان داده است یاد کنند، از آن بخورید و به درمانده فقیر بخورانید۲۸ آنگاه زوائد خویش بسترند و به نذرهایشان وفا کنند و بر این خانه کهن طواف برند۲۹ چنین! و هر که حرمت یافتگان خدا را بزرگ دارد، همان برای او نزد پروردگارش خوبی ایست، چهارپایان بر شما حلالند مگر آنچه برایتان خوانده شود.

پس، از پلیدی بتان، کناره کنید و از گفتار دروغ کناره کنید۳۰ مخلصان خدا باشید، نه مشرکان او و هر که
به خدا شرک آرد چنانست که از آسمان در افتاده و مرغانش بربایند یا باد او را به جایی دور دست برد۳۱
چنین، و هر که قربانیهای خدا را بزرگ دارد، این از پرهیزکاری دلهاست۳۲ شما را تا مدتی معین از آن
منفعت هاست، سپس محل [ذبح] آن ناحیه خانه کهن است۳۳ هر امتی را قربانگاهی دادیم تا نام خدا را بر
حیوانات بسته زبان که روزیشان کرده است یاد کنند، خدایتان خدای یگانه است، مطیع او شوید و فروتنان را
بشارت بده۳٤ همان کسان که چون خدا یاد شود، دلهایشان بترسد که بر حادثات صبورند و نماز به پا دارند و
از آنچه روزیشان داده ایم انفاق کنند۳۵ و قربانها را برای شما از مراسم خدا کرده ایم. که غذایتان نیز هست،
نام خدا را در آن حال که به پا ایستاده اند بر آنها یاد کنید و چون پهلو به زمین نهادند از گوشتشان بخورید و
به قناعت پیشه و خواهنده بخورانید، چنین حیوانات را به خدمت شما گرفتیم شاید سپاس دارید۳٦ گوشت
قربانی و خون آن به خدا نمی رسد، ولی پرهیزکاری شما بدو می رسد چنین، حیوانات را به خدمت شما گرفتیم
تا خدا را برای هدایتی که شما را کرده بزرگ شمارید و نیکوکاران را بشارت بده۳۷ خدا از کسانی که ایمان
آورده اند دفاع می کند که خدا خیانت گران کفران پیشه را دوست ندارد۳۸ کسانی که چون ستم دیده اند،
کارزار می کنند، اجازه دارند و خدا به نصرت دادنشان تواناست۳۹ همان کسان که از دیارشان بیرون شده-
اند، بدون سبب، جز آنکه می گفته اند پروردگار ما خدای یکتاست، اگر خدا بعض مردم را به بعض دیگر دفع
نمی کرد دیرها و کلیساها و گنشتها، مسجدها که نام خدا در آن بسیار یاد می شود، ویران می شد، خدا کسانی
را که یاری او کنند یاری می کند که وی توانا و نیرومند است٤۰ همان کسان که اگر در زمین استقرارشان
دهیم، نماز به پا کنند و زکات دهند و به معروف وادارند و از منکر بازدارند و سرانجام همه کارها باخداست٤۱
اگر تو را تکذیب می کنند، پیش از آنها نیز قوم نوح و عاد و ثمود تکذیب [پیغمبران] کردند٤۲ با قوم ابراهیم
و قوم لوط٤۳ با اهل مدین و موسی نیز تکذیب شد به این کافران مهلت دادم و بعد مؤاخذه شان کردم و تعرض
من چه سخت بود٤٤ چه بسیار دهکده ها که ستمگر بودند و هلاکشان کردیم و اکنون با وجود بناها که دارد
خالیست چه بسیار چاه های اعطل مانده و قصرهای گچ کاری شده [که اهل آن هلاک شده اند] ٤۵ چرا در
این سرزمین سیر نمی کنند تا دلها داشته باشند که با آن بفهمند یا گوشها که بدان بشنوند، نکته اینست که دیدگان
کور نمی شود بلکه دلهایی که در سینه هاست کور می شود٤٦ عذاب را به شتاب از تو خواهند، خدا وعده
خویش را تخلف نکند که نزد پروردگار تو روزی، چون هزار سال از اینهاست که شمار می کنند٤۷ چه بسیار
دهکده ها که مهلتشان دادم و ستمگر بودند آنگاه مؤاخذه شان کردم و سرانجام به سوی اوست٤۸ بگو: ای
مردم! حق اینست که من شما را بیم رسانی آشکارم٤۹ بنابراین کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده-
اند مغفرت و روزی سخاوت مندانه دارند۵۰ و کسانی که کوشیده اند از آیات ما گریزان باشند، آنها اهل

جهنمند۵۱ پیش از تو رسولی یا پیغمبری نفرستاده ایم مگر آنکه وقتی قرائت کرد شیطان در قرائت وی القا کرد، خدا چیزی را که شیطان القا کرده باطل می کند سپس آیه های خویش را استوار می کند که خدا دانا و فرزانه است۵۲ تا آنچه را شیطان القا می کند، برای کسانی که در دلهایشان مرضی هست و برای سنگ دلان، مایه ابتلا کند که ستمگران در خلافی بی نهایتند و تا کسانی که دانش یافته اند بدانند که قرآن حق است و از پروردگار تو است و به آن بگروند و دلهایشان بدان آرام گیرد، که خدا مؤمنان را به راه راست راه بر است۵۳ و کسانی که کافرند پیوسته از آن به شک درند، تا ناگهان رستاخیز سویشان بیاید۵٤ در آن روز فرمانروایی خاص خداست. میانشان حکم می کند، پس آن کسان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند در بهشت های پر نعمتند۵۵ و کسانی که کافرند و آیه های ما را تکذیب کرده اند آنها عذابی خفت انگیز دارند٥٦ و کسانی که در راه خدا هجرت کرده پس از آن کشته شده یا مرده اند، خدایشان روزی دهد، روزی نیکو که خدا بهترین روزی دهان است۵۷ ایشان را به جایی در آرد که از آن خشنود باشند که خدا دانا و بردبار است۵۸ مسلماً آنان را به جایگاهی که آن را می پسندند وارد می کنند؛ و بی تردید خدا دانا و بردبار است۵۹ چنین، و هر که عقوبت کند نظیر آن عقوبت که دیده است آنگاه بر او ستم کنند خدایش نصرت دهد که خدا بخشنده و آمرزگار است٦۰ چنین، زیرا خدا شب را به روز می برد و خدا شنوا و بیناست٦۱ چنین، زیرا خدای یکتاست که حق است و هر چه سوای او می خوانند باطل است و خدا همو والا و بزرگ است٦۲ مگر نبینی که خدا از آسمان آبی نازل کند که زمین سبز شود و خدا دقیق و کاردان است٦۳ هر چه در آسمانها و زمین هست از اوست و خدا، همو، بی نیاز و ستوده است٦٤ مگر نبینی که خدا کائنات زمین را به خدمت شما گرفته با کشتی که به فرمان وی به دریا روان ست و آسمان را نگاه می دارد که جز به اذن وی، به زمین نیفتد که خدا با مردم مهربان و رحیم است٦۵ اوست که زنده تان کرده و می میراند و باز زنده تان می کند که انسان کفران پیشه است٦٦ برای هر امتی طریق قربان کردنی نهاده ایم که پیرو آنند در این کار با تو مجادله نکنند، به سوی پروردگارت دعوت کن که پیرو هدایت بی انحرافی٦۷ اگر با تو مجادله کنند بگو: خدا به اعمالی که می کنید داناترست٦۸ خدا روز قیامت درباره مطالبی که در آن اختلاف می کرده اید، میان شما حکم می کند٦۹ مگر ندانی که خدا آنچه در آسمان و زمین هست می داند، که این در نامه ایست که این برای خدا آسانست۷۰ غیر خدا چیزها می پرستند که خدا در مورد آن دلیلی نازل نکرده و چیزها که درباره آن علم ندارند و ستمگران یاری ندارند۷۱ و چون آیه های روشن ما برایشان بخوانند در چهره کسانی که کافرند اثر انکار را توانی شناخت، نزدیک باشند به روی کسانی که آیه های ما را بر ایشان خوانده اند، دست بگشایند، بگو آیا از چیزی خبرتان دهم که بدتر از اینست، آن آتش که خدا به کافران وعده داده و بد سرانجامیست ۷۲ ای مردم **!** مثلی می زنند گوش بدان دارید ، آن کسان که سوی خدا می خوانید هرگز مگسی خلق نکنند و گرچه در این باب

همکاری کنند و اگر مگس چیزی از آنها برباید، باز گرفتن از آن نتوانند طالب و مطلوب ناتوانند۷۳ خدا را به حق شناختنش نشناخته اند که خدا توانا و نیرومندست۷٤ خدا از فرشتگان فرستادگان برمی گزیند و از مردم نیز، که خدا شنوا و داناست۷٥ آنچه را در پیش دارند و آنچه را پشت سر نهاده اند می داند و همه کارها به خدا بازگشت دارد۷٦ شما که ایمان دارید، رکوع کنید و سجده کنید و پروردگارتان را بپرستید و نیکی کنید شاید رستگار شوید۷۷ و در راه خدا کارزار کنید چنانکه سزاوار کارزار کردن برای اوست، او شما را برگزید و در این دین برای شما سختی ننهاد آئین پدرتان ابراهیم است و او شما را از پیش و در این قرآن مسلمانان نام داد، تا این پیغمبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید، پس نماز کنید و زکات دهید و به خدا تکیه کنید که او مولای شماست، چه خوب مولا و چه خوب یاوری است. ۷۸

سوره مؤمنون ۲۳

سوره مؤمنون، در مکه نازل شده است

بنام خدای رحمان رحیم

به راستی که مؤمنان رستگاری یافته اند۱ همان کسانی که در نمازشان ترسانند۲ همان کسان که از یاوه روی گردانند۳ همان کسان که زکات [ادا] کنند٤ همان کسان که فروج خویش نگهدارند٥ مگر از زنانشان یا آنکه مالک آن شده اند که ملامتشان نکنند٦ و هر که جز این، بجوید، آنها متجاوزانند۷ و آن کسان که مراقب امانت ها و پیمانهای خویشتنند۸ و کسانی که [وقت] نمازهای خویش را نگهبانی کنند۹ آنها وارثانند۱۰ که بهشت را به ارث می برند و خودشان در آن جاودانند۱۱ به راستی که انسان را از مایه ای از گل آفریدیم۱۲ آنگاه وی را نطفه ای در قرارگاهی استوار کردیم۱۳ سپس نطفه را خون بسته کردیم و خون بسته را گوشت پاره کردیم و گوشت پاره را استخوانها کردیم و استخوانها را گوشت پوشانیدیم آنگاه وی را خلقتی دیگر پدید کردیم ، بزرگ است خدای یکتا که بهترین آفریدگاران است١٤ و باز شما از پس این مردنی هستند١٥ و باز شما روز رستاخیز زنده می شوید١٦ به راستی بالای شما هفت راه آفریدیم و از این مخلوق بی خبر نبودیم۱۷ از آسمان آبی به اندازه نازل کردیم و آن را در زمین جا دادیم و ما به نابود کردن آن نیز قادریم۱۸ و با آن برای شما باغها از نخل ها و تاک ها پدید کردیم که در آن میوه های بسیار دارید و از آن می خورید۱۹ با درختی که از کوه سینا برون می شود که روغن و نان خورش برای خورندگان می دهد۲۰ برای شما در کار

چهارپایان عبرتی هست، از آنچه در شکمشان هست به شما می نوشانیم و در آن منافع بسیار دارید و از آن می خورید۲۱ و بر آن و بر کشتی سوار می شوند۲۲ نوح را سوی قومش فرستادیم که گفت: ای قوم! خدای یکتا را بپرستید که خدایی جز او ندارید، مگر نمی ترسید۲۳ بزرگان قومش که کافر بودند گفتند: این جز بشری مانند ما نیست که می خواهد به شما برتری جوید اگر خدا می خواست فرشتگانش را نازل می کرد، ما چنین چیزی از روزگار پدران قدیممان نشنیده ایم۲٤ وی نیست مگر مردکی که در او دیوانگی ای هست، در مورد او تا مدتی انتظار برید۲٥ گفت: پروردگارا برای این تکذیب که مرا می کنند یاریم کن۲٦ بدو وحی کردیم که کشتی [منظور خویش] را به وحی ما و مراقبت ما ساز و چون فرمان ما بیامد و تنور فوران کرد، از هر جفت دو تا در آن بیار، با خاندان خویش مگر کسی که آن گفتار بر او رفته است و با من درباره کسانی که ستم کرده اند گفتگو مکن که آنها غرق شدنیند۲۷ و چون تو و همراهانت بر کشتی قرار گرفتید بگو: آن خدا را شکر که ما را از گروه ستمگران نجات داد۲۸ و بگو پروردگارا! مرا به منزلی مبارک فرود آر که تو بهترین منزل دهانی۲۹ و در این آیه ها بود و ما آزمایش کنان بودیم۳۰ آنگاه، از پی آنها نسلی دیگر پدید آوردیم۳۱ و پیغمبری از خودشان میانشان فرستادیم که خدای یکتا را بپرستید که جز او خدایی ندارید، مگر نمی ترسید۳۲ بزرگان قومش که کافر بودند و دیدار آخرت را انکار داشتند و در زندگی دنیا نعمت بسیارشان داده بودیم، گفتند: این جز بشری مانند شما نیست، از آنچه شما خورید خورد و از آنچه شما نوشید نوشد۳۳ و اگر مطیع بشری مانند خود شوید قطعاً زیانکار خواهید بود۳٤ چطور به شما وعده می دهد که وقتی بمردید و خاک و استخوان شدید [از گور] برون می شوید۳٥ چه دور است، چه دور است، آنچه به شما وعده میدهند۳٦ به جز زندگانی این دنیای ما هیچ نیست که می میریم و زندگی می کنیم و ما زنده بشو نیستیم۳۷ وی نیست مگر مردکی که دروغی به خدا بسته و ما باوردار وی نیستیم۳۸ گفت: پروردگارا برای این تکذیب که مرا می کنند یاریم کن۳۹ گفت: پس از اندک زمانی پشیمان خواهند شد٤۰ به حق دچار صیحه شدند و خاشاکشان کردیم، هلاک بر گروه ستمکاران باد٤۱ آنگاه از پس آنها نسلهای دیگر پدید آوردیم٤۲ هیچ امتی از مدت خویش مقدم نشود و مؤخر نشوند٤۳ آنگاه پیغمبرانی پیاپی فرستادیم، هر وقت پیغمبری سوی امتش بیامد تکذیبش کردند و بعضیشان را به دنبال بعض دیگر بردیم و [موضوع] قصه هایشان کردیم، هلاک بر گروهی که ایمان نمیارند٤٤ پس از آن موسی و برادرش هارون را با آیه های خودمان و دلیلی روشن٤٥ به سوی فرعون و بزرگانش فرستادیم که بزرگی کردند و گروهی تفوق جو بودند٤٦ گفتند: چگونه بدو انسان، مانند خویشتن، که قومشان بندگی ما می کنند ایمان بیاریم٤۷ پس، تکذیبشان کردند و از هلاکت یافتگان شدند٤۸ و به موسی آن کتاب دادیم شاید هدایت یابید٤۹ و پسر مریم و مادرش را آیتی کردیم و بر فلاتی که جایگاهی با آب جاری داشت جایشان دادیم٥۰ ای پیغمبران! از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید که من واقف

اعمال شمایم۵۱ این آئین شماست آئین یگانه و من پروردگار شمایم پس از من بترسید۵۲ از همدیگر ببریدند و فرقه ها شدند و هر فرقه ای به روشی که داشتند شادمان بودند۵۳ بگذارشان تا مدتی در غفلتشان بمانند٥٤ مگر پندارند آن مال و فرزندان که به ایشان می دهیم۵۵ برای آنها به نیکویی ها شتاب می کنیم، نه ، آنها نمی- فهمند٥٦ کسانی که از بیم (عذاب) پروردگارشان هراسانند۵۷ و کسانی که خودتان آیه های پروردگارشان را باور کنند۵۸ و کسانی که به پروردگارشان شک نیاورند۵۹ و کسانی که آنچه باید داد بدهند و دلهایشان ترسانست که به سوی پروردگارشان باز می گردند٦٠ آنها به نیکی ها می شتابند و بدان سبقت می گیرند٦١ هیچ کس را مگر به اندازه و توانش مکلف نکنیم، نزد ما نامه ای هست که به حق سخن می کند و آنها ستم نمی بینند٦٢ اما دلهایشان از این قرآن به غفلت است و جز این عمل ها دارند که همی کنند٦٣ و چون عیاشانشان را به عذاب بگیریم آن وقت زاری آغازند٦٤ اکنون زاری مکنید که از ما یاری نخواهید دید٦٥ چنان بود که آیه های ما برای شما خوانده می شد و شما عقب گرد همی کردید٦٦ از قبول آن تکبر داشتید و شبانه [درباره آن] با فسون سرایی هذیان همی گفتند٦٧ آیا در این گفتار تفکر نمی کنند یا چیزی سویشان آمده که سوی پدران گذشته ایشان نیامده بود٦٨ یا پیغمبرشان را نمی شناخته اند که به انکار وی پرداخته اند٦٩ یا گویند در او دیوانگی ای هست [نه] بلکه به حق به سوی آنها آمده و بیشترشان حق را مکروه دارند٧٠ اگر حق تابع هوس هایشان شده بود آسمانها و زمین با هر که در آنهاست تباه می گشت [تابع هوسشان نشد] بلکه ما اندرزشان داده ایم اما از اندرز خویش روی گردانند۷۱ و یا از آنها مزدی خواسته ای که مزد دادن پروردگارت بهتر است و او بهترین روزی دهان است۷۲ حقا تو آنها را به راهی راست دعوت می کنی۷۳ و آن کسان که دنیای دیگر را باور ندارند از این راه راست گردیده اند٧٤ اگر رحمتشان کنیم و محنت از ایشان رفع کنیم در طغیانشان اصرار کنند و سرگردان بمانند۷۵ ما آنها را به عذاب گرفتیم اما نسبت به پروردگارشان فروتنی نکردند و زاری نکردند٧٦ تا وقتی که دری از عذاب شدید بر آنها گشودیم و در آن سخت غمزده شدند۷۷ اوست که گوش و چشمها برای شما پدید کرد ولی کم سپاس می دارید۷۸ اوست که شما را در زمین ایجاد کرده و سوی او محشور می شوید۷۹ اوست که زنده می کند و می میراند، اختلاف شب و روز از اوست، چرا خردوری نمی کنید۸۰ [نه] بل نظیر آن چه گذشتگان گفته اند همی گویند۸۱ گویند: چگونه وقتی ما بمردیم و خاک و استخوان شدیم چگونه زنده می شویم۸۲ این را به ما و پدرانمان از پیش وعده داده اند، این جز افسانه های گذشتگان نیست۸۳ بگو: اگر می دانید، زمین و هر که در آن هست از کیست٨٤ خواهند گفت: خدا، بگو: پس چرا اندرز نمی گیرید۸۵ خواهند گفت: خدا بگو: پس چرا نمی ترسید٨٦ خواهند گفت: آنها هم در سیطره مالکیت خداست. بگو: آیا از پرستش بتان نمی پرهیزید؟۸۷ بگو: اگر می دانید، کیست که فرمانروایی همه چیز به کف اوست که پناه می دهد اما بر ضد او پناه ندهند۸۸ خواهند گفت: خدا

بگو: پس چرا فریب می خورید۸۹ ما حق را سوی ایشان آورده ایم اما آنها دروغ می گویند۹۰ خدا فرزندی ندارد و با وی خدای دیگری نیست و گرنه هر خدایی مخلوق خویش می برد و بعضی شان بر بعض دیگر برتری می- جستند، خدای یکتا از آنچه وصف می کنند منزه است۹۱ دانای غیب و شهود است. و از آنچه شریک او میکنند برتر است۹۲ بگو پروردگارا! اگر عذابی را که به آنها وعده می دهند به من خواهی نمایاند۹۳ مرا قرین گروه ستمگران مساز۹٤ و ما توانیم عذابی را که به ایشان وعده می کنیم به تو بنمایانیم۹٥ بدی را به آنچه نیکوتر است دفع کن که ما به آنچه وصف می کنند داناتریم۹٦ بگو: پروردگارا از وسوسه دیوان به تو پناه می برم۹۷ و پناه می برم به تو، پروردگارا از اینکه نزد من حاضر شوند۹۸ و چون مرگ یکیشان در رسد گوید پروردگارا! مرا بازگردان۹۹ شاید در مورد آنچه ترک کرده ام عملی شایسته کنم، هرگز، این کلمه ایست که وی گوینده آنست پیش رویشان حایلی هست تا روزی که برانگیخته شوند۱۰۰ و چون در صور دمند آن روز میانشان خویشاوندی نیست و سراغ همدیگر را نگیرند۱۰۱ هر که اعمال وزن شده اش سنگین شود آنها رستگارانند۱۰۲ و هر که اعمال وزن شده اش سبک شود، آنها همان کسانند که خویشتن را زیان کرده اند و در جهنم جاودانند۱۰۳ و آتش چهره هایشان را همی سوزاند و در آنجا زشت منظران باشند۱۰٤ مگر نبود که آیه های من برای شما خوانده می شد اما آن را تکذیب می کردید۱۰٥ گویند: پروردگارا! تیره روزیمان به ما چیره شد و گروهی گمراه بودیم۱۰٦ پروردگارا! ما را برون برو اگر تکرار کردیم ستمگریم۱۰۷ گوید: در اینجا خفه شوید و سخن مکنید۱۰۸ که گروهی از بندگان من بودند که می گفتند پروردگارا ایمان داریم ما را بیامرز و رحممان کن که تو بهترین رحم کنانی۱۰۹ و آنها را تمسخر کردید تا ذکر مرا از یاد شما بردند و به آنها همی خندیدند۱۱۰ اکنون برای آن صبر که کرده اند پاداششان داده ام که آنها موفق شدگانند۱۱۱ بگو به تعداد سالها چه مدت در زمین بوده اید۱۱۲ گویند روزی یا قسمتی از روز بوده ایم، از شمار گران بپرس۱۱۳ بگو: اگر می دانستید جز اندکی به سر نبرده اید۱۱٤ مگر پنداشتید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و سوی ما بازگشت نمی یابید۱۱٥ والاست خدای یکتا، پادشاه حقیقی که خدایی جز او نیست که پروردگار عرش گرامی است۱۱٦ و هر که با خدای یکتا خدای دیگر بخواند که برهانی در مورد آن ندارد، حساب او فقط نزد پروردگار اوست که کافران رستگار نمی شوند۱۱۷ بگو پروردگارا! بیامرز و رحم کن که تو بهترین رحیمانی. ۱۱۸

سوره نور ٢٤

سوره نور، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

این سوره ای ایست که نازلش کرده ایم و مقرر داشته ایم و در آن آیه های روشن نازل کرده ایم شاید آنها اندرز گیرند١ زن زناکار و مرد زناکار هر یک از آنها را یکصد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز دیگر ایمان دارید، در کار دین خدا نسبت به آنها مهربانی نکنید، و گروهی از مؤمنان در کار مجازاتشان حضور یابند٢ مرد زناکار جز زن زناکار یا مشرک نگیرد و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک نگیرد و این کار برای مؤمنان حرام است٣ کسانی که به زنان عفیف نسبت زنا دهند و آنگاه چهار گواه نیاورند هشتاد تازیانه به آنها بزنید و هیچ وقت شهادتی از آنها نپذیرید که آنها فاسقانند٤ مگر کسانی که از پس این، توبه آورده و به صلاح آمده اند که خدا آمرزگار و رحیم است٥ و کسانی که به همسران خویش نسبت زنا دهند و گواهانی جز خویشتن ندارند، یکی شان چهار بار بنام خدا شهادت دهد که راستگوست٦ و شهادت پنجم اینکه اگر دروغگو باشد لعنت خدا بر او باد٧ و چهار بار شهادت زن به نام خدا که شوهرش دروغگوست، مجازات را از او ساقط می کند٨ شهادت پنجم آنکه اگر شوهرش راستگو باشد غضب خدا بر او باد٩ اگر کرم خدا و رحمت وی شامل شما نبود [چه ها میشد] که خدا توبه پذیر و فرزانه است١٠ کسانی که این دروغ بزرگ بپرداختند، گروهی از شمایند، آن را برای خودتان شری می پندارید، که برای شما خیری است، هر یک از آنها به قدر کرده خویش از این گناه دارد و آن کس از ایشان که معظم آن به عهده گرفته عذابی بزرگ دارد١١ چرا وقتی آن را شنیدید مردان مؤمن و زنان مؤمن نسبت به خودشان گمان نیک نبردند و نگفتند این دروغی آشکارست١٢ چرا چهار گواه بر آن نیاوردند! اگر گواهان نیارند، آنها خودشان نزد خدا دروغگویانند١٣ اگر کرم خدا ورحمت وی در دنیا و آخرت شامل شما نبود، به سزای این دروغ که در آن فرو رفتید، عذابی بزرگ به شما می رسید١٤ وقتی آن را دهان به دهان نقل کردید، با زبانهای خویش چیزها گفتید که درباره آن چیزی نمی دانستید و آن را آسان پنداشتید ولی نزد خدا بزرگ بود١٥ چرا وقتی آن را شنیدید، نگفتید ما را نرسد که در این باب سخن کنیم، خدایا تو منزهی، این تهمتی بزرگ است١٦ خدا پندتان می دهد که اگر ایمان دارید هرگز نظیر آن را تکرار نکنید١٧ خدا این آیه ها را برای شما بیان می کند و خدا دانا و فرزانه است١٨ کسانی که شهرت کار بد را درباره مؤمنان دوست دارند در دنیا و آخرت عذابی الم انگیز دارند، خدا می داند

و شما نمی دانید١٩ اگر کرم وی شامل شما نبود [چه ها می شد] و خدا مهربان و رحیم است٢٠ شما که ایمان دارید! به دنبال شیطان مروید و هر که دنبال شیطان رود او به زشتکاری و ناروایی فرمان می دهد اگر کرم و رحمت خدا شامل شما نبود هرگز هیچ یک از شما پاک نمی شد ولی خدا هر که را خواهد پاک کند و خدا شنوا و داناست٢١ و صاحبکرمان و توانگران شما قسم نخورند که به خویشان و مستمندان و مهاجران راه خدا چیزی ندهند، ببخشند و چشم بپوشند، مگر دوست ندارید که خدا بیامرزدتان که خدا آمرزگار و رحیم است٢٢ کسانی که به زنان عفیف بی خبر مؤمن، نسبت زنا دهند، در دنیا و آخرت لعنت شده اند و عذابی بزرگ دارند٢٣ روزی که زبان هایشان و دست هایشان و پاهایشان بر علیه ایشان اعمالی را که می کرده اند گواهی دهند٢٤ آن روز خدا سزای شایسته آنها را تمام دهد و بدانند که حق آشکار، خدای یکتاست٢٥ زنان پلید از مردان پلیدند، زنان پاک از مردان پاکند و مردان پاک از زنان پاکند، آنها از شایعات به دورند و مغفرت و روزی سخاوتمندانه دارند٢٦ شما که ایمان دارید! به خانه ای جز خانه های خودتان درون مشوید تا آشنایی دهید و بر ساکنانش سلام کنید این برای شما بهتر است، شاید پند گیرید٢٧ اگر کسی را در خانه نیافتید بدان در نیائید تا شما را اجازه دهند، اگر گفتند بازگردید که برای شما پاکیزه تر است و خدا به اعمالی که می کنید داناست٢٨ برای شما گناه نیست که به خانه های نا مسکون که کالایی در آن دارید، درآئید و خدا آنچه را نهان کنید می داند٢٩ به مردان مؤمن بگو دیدگان خویش باز گیرند و فروج خویش نگهدارند، این برای ایشان پاکیزه- تر است که خدا از کارهایی که می کنند آگاه است٣٠ و به زنان مؤمن بگو: دیدگان خویش بازگیرند و فروج خویش حفظ کنند و زینت خویش نمایان نکنند، جز آنچه آشکار هست، و سرپوش هاشان را به گریبان- ها کنند و زینت خویش نمایان نکنند مگر برای شوهرانشان ، یا پدرانشان و یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان، یا پسر شوهرانشان، یا برادرانشان، یا برادرزادگانشان، یا خواهر زادگانشان، یا زنانشان یا آنچه مالک آن شده- اند، یا مردان بی تمنا که مستل نیستند یا کودکانی که از نگفتنی های زنان خبر ندارند و پای نکوبند که آنچه از زینتشان نهان شده معلوم شود، ای گروه مؤمنان همگی توبه به خدا برید شاید رستگار شوید٣١ عزبانتان و غلامان و کنیزان شایسته تان را جفت دهید اگر تنگدست باشند، خدا از کرم خویش توانگرشان کند که خدا وسعت بخش و داناست٣٢ و کسانی که وسیله جفت گرفتن نیابند به عفت سر کنند تا خدا از کرم خویش توانگرشان کند و کسانی که از مملوکاتتان که خواستار آزادی و پرداخت قیمت از حاصل کسب خویشند، اگر خیری در آنها سراغ دارید، بپذیرید و از مال خدا که عطایتان کرده به آنها دهید کنیزانتان را اگر خواهند عفیف باشند، به طلب مال دنیا، به زناکاری وادار مکنید و چون وادار شدند خدا [نسبت به ایشان] آمرزگار و رحیم است٣٣ ما آیه های روشن با مثلی از آن کسان که پیش از شما بوده اند یا پندی برای پرهیزکاران به تو نازل کرده ایم٣٤ خدا نور آسمانها و زمین است، مثال نوروی ، چون محفظه ایست که در آن چراغی است و چراغ

در شیشه ایست و شیشه گویی ستاره درخشانیست که از درخت پربرکت زیتون که نه خاوریست و نه باختری، افروخته شود، که نزدیک است روغن آن روشن شود و گرچه آتش بدان نرسد که نوری بالای نوری است، خدا هر که را خواهد به نور خویش هدایت کند و این مثلها را خدا برای مردم می زند که خدا به همه چیز داناست۳۵ در خانه هایی که خدا اجازه داده برآورند و نام وی بامداد و پسینان در آن یاد شود۳٦ مردانند که تجارت و معامله ای از یاد خدا و نماز کردن و زکات دادن غافلشان نکند، تسبیح او کنند و از روزی که در اثنای آن دلها و دیدگان دگرگون شود بیم دارند۳۷ تا خدا بهتر از آنچه کرده اند پاداششان دهد و از کرم خویش افزونشان کند و خدا هر که را خواهد بی حساب روزی دهد۳۸ کسانی که کافرند اعمالشان چون سرابی در بیابان است که تشنه آن را آب پندارد و چون بدان رسد چیزی نیابد و خدا را نزد آن یابد که حساب او را تمام دهد و خدا تند حساب است۳۹ یا چو ظلمت هاست به دریایی ژرف که موجی آن را گرفته و بالای آن موج دیگر است و بالاتر از آن ابری است ظلمت هاست بر سر همدیگر و چون دست خویش برآرد نزدیک باشد که آن را نبیند و هر که خدا نوری به وی نداده او را نوری نیست٤٠ مگر ندانی هر چه در آسمانها و زمین هست با مرغان گشوده بال ، تسبیح خدا می کنند، همه دعا و تسبیح خویش دانند و خدا داند که چه می کنند٤١ فرمانروایی آسمانها و زمین خاص اوست و بازگشت به سوی خداست٤٢ مگر ندانی که خدا ابری براند، سپس میان آن پیوستگی دهد، سپس آن را متراکم کند و باران را بینی که از خلال آن برون شود و از آسمان، از کوهها که در آن هست، تگرگی نازل کند و آن را به هر که خواهد رساند و از هر که خواهد باز دارد و نزدیک باشد شعاع برق آن دیدگان را ببرد٤٣ خدا شب و روز را به هم بدل می کند که در این برای اهل بصیرت عبرتی هست٤٤ خدا همه جنبندگان را از آبی آفریده، بعضی از آنها بر شکم خویش راه می رود بعضی از آنان که به دو پا راه می رود و بعضی از آنها که بر چهارپا، راه می رود خدا هر چه خواهد خلق می کند که خدا به همه چیز تواناست٤٥ آیه های روشن کننده نازل کرده ایم و خدا هر که را خواهد به راه راست هدایت می کند٤٦ گویند: خدا و پیغمبر او را باور کرده ایم و اطاعت می کنیم، آنگاه با وجود این گروهیشان روی بگردانند که آنها مؤمن نیند٤٧ و چون به سوی خدا و پیغمبرش خوانده شوند که میان شان داوری کند، آن وقت گروهیشان اعراض کنانند٤٨ و اگر حق به طرف ایشان باشد اطاعت کنان سوی وی آیند٤٩ مگر در دلهایشان مرضی هست، یا به شک افتاده اند یا بیم دارند خدا و پیغمبرش به آنها جور کنند [نه] بلکه آنها خودشان ستمگرانند٥٠ گفتار مؤمنان چون به سوی خدا و پیغمبرش خوانده شوند فقط اینست که گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم و آنها خودشان رستگارانند٥١ و هر که مطیع خدا و پیغمبر او شود و از خدا بیم کند و از او بترسد آنها، خودشان کامیاب شدگانند٥٢ به خدا قسم یاد کنند، قسم های مؤکد، که اگر فرمانشان دهی برون می شوند، بگو قسم مخورید، اطاعتی شایسته بهتر، که خدا از اعمالی که می کنید آگاه است٥٣ خدا

را اطاعت کنید و پیغمبر را اطاعت کنید، اگر پشت کنید، فقط تکلیف او به عهده اوست و تکلیف شما به عهده شماست، اگر اطاعت او کنید هدایت یابید و بر عهده پیغمبر جز بلاغ آشکار نیست٥٤ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده کرده که در آن سرزمین جانشینان کند، چنانکه اسلافشان را نیز جانشین کرد، و دینشان را که برای ایشان پسندیده استقرار دهد و از پی ترسشان امنیت بدل آرد، که مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نکنند و هر که پس از این، کافر شود، آنها خودشان عصیان پیشگانند٥٥ نماز کنید و زکات دهید و این پیغمبر را اطاعت کنید شاید رحمتتان کنند٥٦ مپندار آن کسان که کافرند، در این سرزمین فرار توانند کرد، جایشان جهنم است که سرانجامی است بد٥٧ شما که ایمان دارید کسانی که مالکشان شده اید، و کسانی از شما که به عقل نرسیده اند باید سه وقت از شما اجازه گیرند، پیش از نماز صبح دم و هنگام نیمروز که جامه های خویش می گذارید و بعد از نماز شبانگاه که سه وقت خلوت شماست، و پس از آن بر شما و آنها گناه نیست که بر شما بگذرند و شما بر یکدیگر، چنین خدا این آیه ها را برای شما بیان میکند که خدا دانا و فرزانه است ٥٨ و چون کودکانتان به عقل رسند باید اجازه گیرند چنانکه اسلافشان اجازه می گرفته اند، چنین خدا آیه های خویش را برای شما بیان می کند که خدا دانا و فرزانه است٥٩ و زنان وامانده که امید شوهر کردن ندارند گناهی ندارند که به نمودار کردن زینتی جامه های خویش بگذارند و خودداری کردن برای ایشان بهتر است و خدا شنوا و داناست٦٠ نه برای کور مانعی هست، و نه برای لنگ مانعی هست و نه برای بیمار مانعی هست و برای شما، که از خانه خودتان یا خانه پدرانتان یا خانه مادرانتان یا خانه برادرانتان یا خانه خواهرانتان یا خانه عموهایتان، یا خانه عمه هایتان یا خانه دائیهایتان یا خانه خاله هایتان یا خانه ای که کلید آن دارید یا خانه دوستتان بخورید، گناهی نیست که باهم بخورید، یا تنها. و چون به خانه ای در آمدید خویشتن را سلامی، درودی از جانب خدا، مبارک و پاکیزه گویید. چنین، خدا این آیه ها را برای شما بیان می کند شاید خردوری کنید٦١ مؤمنان فقط آن کسانند که به خدا و پیغمبرش گرویده اند و چون با وی به کار عمومی باشند، نروند تا از او اجازه گیرند، کسانی که از تو اجازه می گیرند همان کسانند که به خدا و پیغمبرش گرویده اند، اگر برای بعض کارهایشان از تو اجازه خواستند به هر کدامشان خواستی اجازه بده و برای ایشان آمرزش بخواه که خدا آمرزگار و رحیم است٦٢ خطاب کردن پیغمبر را میان خودتان مانند خطاب کردن همدیگر نکنید، خدا از شما کسانی را که نهانی در می روند می شناسد، کسانی که خلاف فرمان او میکنند بترسند از آنکه بلیه ای به ایشان رسد یا عذابی الم انگیز به ایشان رسد٦٣ بدانید که هر چه در آسمانها و زمین هست از خداست، می داند که شما در چه حالید، و روزی که سوی او بازگشت یابند از اعمالشان خبرشان کند و خدا به همه چیز داناست. ٦٤

سوره فرقان ۲۵

سوره فرقان، در مکه نازل شده است

بنام خدای رحمان رحیم

بزرگست آنکه این فرقان به بنده خویش نازل کرد تا بیم رسان جهانیان باشد۱ همان که فرمانروایی آسمانها و زمین خاص اوست، فرزندی نگرفته و در فرمانروایی شریک ندارد و همه چیز را آفرید و آن را به اندازه کرد اندازه دقیق۲ سوای خدا، خدایان گرفته اند که چیزی خلق نکنند و خودشان خلق شده اند اختیار سود و زیان خویش ندارند و اختیار مرگ و زندگی و تجدید حیات ندارند۳ کسانی که کافرند، گویند: این جز دروغی نیست که آن را ساخته و گروهی دیگر وی را به ساختن آن یاری کرده اند حقا که ستم و دروغی پیش آورده اند٤ و گویند: داستانهای گذشتگان است که آن را نوشته و بامداد و پسین بدو القا می کنند٥ بگو آنکه در آسمانها و زمین دانای راز است این را نازل کرده که وی آمرزگار رحیم است٦ گویند: این چه پیغمبریست که غذا می خورد و در بازارها گام می زند چرا فرشته ای به او نازل نشده که با وی بیم رسان باشد۷ یا گنجی برای او نیفتاده یا باغی ندارد که از [میوه] آن بخورد و ستمگران گویند: به جز مرد جادو زده ای را پیروی نمی کنید۸ بنگر چگونه برای تو مثل ها زدند و گمراه شدند و راهی نتوانند [جست] ۹ بزرگست آنکه اگر خواهد بهتر از این برای تو پدید کند، بهشت ها که در آن جوی ها روانست و برای تو قصرها کند،[این بهانه است] و آنها رستاخیز را دروغ می شمارند و ما برای آنکه رستاخیز را دروغ شمارد آتشی افروخته آماده کرده ایم۱۰ چون از مکانی دور به چشمشان رسد غلیان و صفیر هول انگیز آن را بشنوند۱۱ و چون دست بسته به تنگنای آن در افتند در آنجا آرزوی هلاک کنند۱۲ و چون آنان را در تنگنایی از آن به زنجیر کشیده بیندازند آنجاست که مرگ خود را می خواهند۱۳ اکنون یک هلاک بجو هستیم بلکه هلاک بسیار بخواهید۱٤ بگو: این بهتر است، یا بهشت جاوید که پرهیزکاران را به عنوان پاداش و سرانجام، وعده داده اند۱٥ و در آنجا جاودانه هر چه بخواهند دارند وعده ای که به عهده پروردگار تو است و طلب کردنیست۱٦ روزی که با آنچه سوای خدا می پرستند محشورشان کند و گوید شما این بندگان مرا گمراه کردید یا خودشان راه را گم کردند۱۷ گویند: تقدیس تو می کنیم، ما را سزاوار نبود که سوای تو دوستان گیریم ولی تو ایشان را و پدرانشان را نعمت دادی تا تذکار را فراموش کردند و گروهی هلاکت زده شدند۱۸ خدایان تان آنچه را می گوئید دروغ شمردند و قدرت دفع عذاب و نصرتی ندارند و هر کس از شما شرک آورده او را عذابی بزرگ کنیم۱۹ پیش از تو پیغمبرانی نفرستادیم مگر آنها نیز غذا می خوردند و در بازارها گام می زدند، شما را مایه امتحان

یکدیگر کرده ایم آیا صبوری می کنید، که پروردگار تو بیناست۲۰ کسانی که معاد را منکرند گویند: چرا فرشتگان به ما نازل نمی شوند یا پروردگار خویش را نمی بینیم، حقا که خویش را سخت بزرگ شمردند و زیاده روی کردند زیاده روی بسیار۲۱ روزی که فرشتگان را ببینند، آن روز گنهکاران را نویدی نیست و دور باد گویند۲۲ و به آن عمل ها که کرده اند پردازیم و آن را غباری پراکنده کنیم۲۳ اهل بهشت آن روز قرارگاه بهتر و استراحتگاه نیکوتر دارند۲٤ روزی که آسمان با ابر شکافته شود و فرشتگان به فراوانی نازل شوند۲٥ آن روز فرمانروائی خاص خدای رحمان است و برای کافران روزی بسیار دشوار است۲٦ روزی که ستمگر دستهای خویش بگزد و گوید ای کاش طریقه پیغمبر را پیش گرفته بودم۲۷ وای بر من کاش فلانی را به دوستی نگرفته بودم۲۸ مرا از قرآن گمراه کرد و شیطان مایه خذلان آدمی است۲۹ و پیغمبر گوید: پروردگارا! قوم من این قرآن را هذیان پنداشتند۳۰ چنین، برای هر پیغمبری از گنه کاران دشمنی نهادیم و پروردگارت بس راه بر و یاوری است۳۱ کسانی که کافرند گویند چرا قرآن یک جا به او نازل نمی شود، چنین شد، تا قلب تو را بدان استواری دهیم و آن را به نظمی دقیق منظم کردیم۳۲ مثالی برای تو نیارند مگر آنکه حق را با توضیح نیک تر، سوی تو آریم۳۳ کسانی که روها به زمین در جهنم مجتمع می شوند جایشان بدتر و راهشان گمراهانه تر است۳٤ موسی را آن کتاب دادیم و برادرش هارون را مددکار وی کردیم۳٥ گفتیم: به سوی قومی که آیه های ما را دروغ شمرده اند، روید و هلاکشان کردیم، هلاکی عجیب۳٦ و قوم نوح چون پیغمبران را دروغگو شمردند، غرقشان کردیم و عبرت مردمشان کردیم و برای ستمگران عذابی الم انگیز آماده کرده ایم۳۷ و مردم عاد و ثمود و اهل چاه و نسلهای بسیار مابین آنها۳۸ برای همه مثلها زدیم و همه را نابود کردیم، نابود کردن کامل۳۹ بر آن دهکده که باران بد بر آن باریده شد گذر کرده اند، مگر آن را ندیده اند [چرا] اما آنها به زندگی دوباره امید ندارند٤۰ و چون تو را ببینند جز مسخره ات نگیرند [گویند] همینست که خدا به پیغمبری برانگیخته است٤۱ اگر در مورد خدایانمان ثبات نمی ورزیدیم نزدیک بود ما را از [پیروی] آنها گمراه کند، وقتی عذاب را ببینند خواهند دانست روش کی گمراهانه تر بوده است٤۲ مگر کسی را که هوس خویش را خدای خویش گرفته ندیدی، مگر تو کارگزار اوئی٤۳ مگر پنداری بیشترشان می- شنوند یا می فهمند که آنها جز به مانند حیوانات نیستند بلکه روش آنها گمراهانه تر است٤٤ مگر ندیدی پروردگارت چگونه سایه را کشیده و اگر می خواست آن را سکون می داد آنگاه آفتاب را نشانه آن کردیم٤٥ سپس آن را بگرفتنی ملایم سوی خویش گرفتیم٤٦ اوست که شب را پوشش شما کرد و خواب را آسایش شما کرد و روز را برخاستن تازه کرد٤۷ اوست که بادها را نویدی پیشاپیش رحمت خویش کرد و از آسمان آبی پاک نازل کردیم٤۸ تا سرزمین مواتی را به آن زنده کنیم و آن را به مخلوقات خویش، چهارپایان و مردم بسیار بنوشانیم٤۹ و آن را میانشان گونا گون کردیم شاید اندرز گیرند اما مردم جز ناسپاسی نکردند٥۰ اگر

می خواستیم در هر دهکده ای بیم رسانی می انگیختیم۵۱ مطیع کافران مشو و با آنها جهاد کن، جهادی بزرگ۵۲ اوست که دو دریا را بهم پیوست، این شیرین گوار است و آن شورتند، و میانشان حایلی کرد و مانعی نفوذ ناکردنی۵۳ اوست که از آب بشری آفرید و آن را نژاد دو پیوند کرد که پروردگار تو قدرتمند است۵٤ غیر خدا چیزها می پرستند که نه سودشان دهد و نه ضررشان زند و کافر بر ضد پروردگار خویش پشتیبان [خدایان دروغی] است۵۵ تو را جز نوید بر و بیم رسان نفرستاده ایم۵٦ بگو: از شما برای پیغمبری مزدی نمی خواهم، مگر آنکه هر که خواهد به سوی پروردگار خویش راهی پیش گیرد۵۷ توکل به آن زنده کن که نمیرد و به ستایش او تسبیح گوی و آگاه بودن او از گناهان بندگانش بس است۵۸ آنکه آسمانها و زمین را با هر چه میان آنهاست به شش روز آفرید و سپس به عرش پرداخت، خدای رحمان است، درباره او از راز دانی پرس۵۹ و چون گویندشان خدای رحمان را سجده کنید، گویند خدای رحمان چیست، چگونه به چیزی که تو فرمان می دهی سجده کنیم و دوریشان افزون شود٦۰ بزرگست آنکه در آسمانها برجها نهاد و در آن چراغی و ماهی روشن پدید کرد٦۱ اوست که شب و روز را برای آنکه خواهد اندرز گیرد و خواهد سپاس داری کند ، خلاف یکدیگر کرد ٦۲ بندگان خاص خدای رحمان آن کسانند که بر زمین سنگین می روند و چون جهالت پیشگان خطابشان کنند سخنی ملایمت آمیز گویند٦۳ و کسانی که شب را با سجده و نماز پروردگارشان بروز آرند٦٤ و کسانی که گویند: پروردگارا عذاب جهنم از ما بگردان که عذاب آن دائم است٦۵ که جهنم قرارگاه و جایگاه بدی است٦٦ و کسانی که چون خرج کنند اسراف نکنند و بخل نورزند و میان این دو معتدل باشند٦۷ و کسانی که با خدای یکتا خدای دیگر نخوانند و انسانی را که خدا محترم داشته جز به حق نکشند و زنا نکنند و هر که چنین کند سزا بیند ٦۸ روز قیامت عذابش دو برابر شود و در آن به خواری جاوید باشد ٦۹ مگر آنکه توبه کند و مؤمن شود و عمل شایسته کند، خدا بدی هایشان را به نیکی ها مبدل کند که خدا آمرزگار و رحیم است۷۰ و هر که توبه کند و عمل شایسته کند به سوی خدا بازگشتی پسندیده می کند۷۱ و کسانی که گواهی دروغ ندهند و چون بر ناپسندی بگذرند با بزرگواری گذرند۷۲ و کسانی که چون با آیه- های پروردگارشان اندرزشان دهند کر و کور بر آن نیفتند۷۳ و کسانی که گویند پروردگارا ما را از همسران و فرزندانمان آرامش دیدگان عطا کن و ما را پیشوای پرهیزکاران کن۷٤ آنها به پاداش این صبر که کرده اند، غرفه بهشت پاداش یابند و در آنجا درود و سلامی شنوند۷۵ جاودانه درآنند که نیکو قرارگاه و جایگاهیست۷٦ بگو اگر عبادتتان نباشد پروردگار من اعتنایی به شما ندارد، شما که تکذیب کرده اید، به زودی نتیجه ای خواهد بود. ۷۷

سوره شعرا ٢٦

سوره شعرا، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

طا، سین، میم١ این آیه های کتاب روشن است٢ شاید خویشتن را تلف کنی که چرا آنها مؤمن نمی شوند٣
اگر می خواستیم از آسمان آیه ای به ایشان نازل می کردیم که گردنهایشان در مقابل آن خاضع شود٤ پند
تازه ای از خدای رحمان سویشان نیاید مگر از آن روی گردان باشند٥ به تکذیب پرداخته اند، به زودی
خبرهای چیزی که استهزای آن می کرده اند به ایشان خواهد رسید٦ چرا به زمین ننگرند که چه گیاهان
خوب در آن رویانده ایم٧ که در این عبرتی هست، ولی بیشترشان مؤمن نیستند٨ پروردگارت، همو،
نیرومند و رحیم است٩ و چون پروردگارت به موسی ندا داد که سوی گروه ستمکاران برو١٠ گروه فرعون
که چرا نمی ترسند١١ گفت پروردگارا! من بیم دارم دروغ گویم شمارند١٢ سینه ام تنگ است و زبانم روان
نیست هارون را نیز پیغمبری بخش١٣ فرعونیان خونی به گردن من دارند و بیم دارم مرا بکشند١٤ گفت:
هرگز! آیه های ما را ببرید که ما همراه شما شنوائیم١٥ نزد فرعون روید و گویید که ما فرستاده پروردگار
جهانیانیم١٦ که پسران اسرائیل را با ما بفرست١٧ [فرعون] گفت: مگر وقتی نوزاد بودی تو را نزد خویش
پرورش ندادیم و سالها از عمرت را میان ما به سر نبردی١٨ و آن شیرین کاری که بکردی، نکردی و از
ناسپاسان بودی١٩ گفت: آن کار هنگامی کردم که از راه برون بودم٢٠ و چون از شما بیم کردم از دستتان
بگریختم و پروردگارم فرزانگیم داد و از پیغمبرانم کرد٢١ مگر این نعمتی است که منت آن به من مینهی که
پسران اسرائیل را به بندگی گرفته ای؟٢٢ فرعون گفت: پروردگار جهانیان چیست؟٢٣ گفت: پروردگار
آسمانها و زمین و آنچه میان آن هست اگر اهل یقینید٢٤ به اطرافیان خود گفت: مگر نمی شنوید٢٥ گفت
پروردگار شما و پروردگار پدران قدیم شماست ٢٦ گفت: بی گفتگو پیغمبری که سوی شما فرستاده اند
دیوانه است ٢٧ گفت پروردگار مشرق و مغرب و هر چه میان آن هست اگر فهم می کنید ٢٨ گفت: اگر
خدائی غیر من بگیری زندانیت می کنم٢٩ گفت: و گر تو را معجزه ای روشن آورده باشم٣٠ گفت: اگر
راست می گویی آن را بیار ٣١ عصای خویش بینداخت و در دم اژدهایی هویدا گشت ٣٢ و دست خویش
برون آورد که به دیده بینندگان سفید می نمود٣٣ به بزرگان اطراف خویش گفت این جادوگری ماهر
است٣٤ که می خواهد شما را به جادوی خویش از سرزمینتان بیرون کند، بنابراین چه رأی می دهید٣٥
گفتند: وی را با برادرش نگهدار و مأمورین جمع آوری به شهرها فرست٣٦ که همه جادوگران ماهر را

پیش تو آورند۳۷ پس جادوگران را به موعد روزی معین جمع کرد۳۸ و به مردم گفتند: شما نیز مجتمع میشوید۳۹ تا اگر جادوگران چیره شدند ما نیز آنها را پیروی کنیم۴۰ و چون جادو پیشگان بیامدند به فرعون گفتند: اگر ما چیره شدیم آیا مزدی خواهیم داشت۴۱ گفت و در این صورت از مقربان خواهید بود۴۲ موسی به ایشان گفت: هر چه افکندنی هستید، بیفکنید۴۳ پس، ریسمانها و عصاهای خویش بیفکندند و گفتند: قسم به عزت فرعون که ما غلبه یافتگانیم۴۴ پس موسی عصای خویش بیفکند و آنچه را ساخته بودند بلعیدن گرفت۴۵ جادو پیشگان سجده کنان خاکسار شدند۴۶ گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان داریم۴۷ که پروردگار موسی و هارون نیز هست۴۸ گفت: چرا پیش از آنکه اجازه تان دهم بدو ایمان آوردید او بزرگ شماست که جادو تعلیمتان داده است، به زودی خواهید دانست، دستها و پاهایتان را به عکس یکدیگر می برم و همگیتان را بر دار می کنم۴۹ گفتند: مهم نیست که به سوی پروردگارمان می رویم۵۰ ما طمع داریم پروردگارمان گناهان مان را بیامرزد که مؤمنان نخستین بوده ایم۵۱ و به موسی وحی کردیم که بندگان ما را شبانگاه راه ببر که تعقیبتان می کنند۵۲ و فرعون مأمورین جمع آوری به شهرها فرستاد۵۳ که اینان گروهی اندکند۵۴ که موجب خشم ما هستند۵۵ و ما همگی آماده کاریم۵۶ پس از باغستانها و چشمه سارها۵۷ و گنجها و جایگاه های خوب بیرونشان کردیم۵۸ و آن را به پسران اسرائیل دادیم۵۹ پس آفتاب دم از پی آنها شدند۶۰ و چون دو جماعت یکدیگر را بدیدند یاران موسی گفتند: ما را گرفتند۶۱ گفت: هرگز، که پروردگارم با من است و رهبریم خواهد کرد۶۲ به موسی وحی کردیم که عصای خویش به دریا بزن، پس بشکافت و هر پاره ای چون کوهی بزرگ بود۶۳ و دیگران را به آنجا نزدیک کردیم۶۴ و موسی را با همراهانش جملگی نجات دادیم۶۵ سپس دیگران را غرق کردیم۶۶ که در این عبرتی هست و بیشترشان مؤمن نبودند۶۷ و پروردگارت، همو، نیرومند و فرزانه است۶۸ خبر ابراهیم را برای آنها بخوان۶۹ وقتی به پدرش و قومش گفت: چه می پرستید۷۰ گفتند: بتانی را می پرستیم و پیوسته به عبادتشان قیام می کنیم۷۱ گفت: مگر وقتی بخوانیدشان ندایتان را می شنوند۷۲ یا سودتان دهند یا زیان زنند۷۳ گفتند [نه] بلکه پدران خویش را دیده ایم که چنین می کرده اند۷۴ گفت: آیا می دانید که آنچه شما۷۵ و پدران کهنتان می پرستیده-اید۷۶ دشمن منند مگر پروردگار جهانیان۷۷ که مرا آفریده و هم او هدایتم می کند۷۸ که هم او، غذایم دهد و آبم دهد۷۹ که وقتی بیمار شدم شفایم دهد۸۰ و کسی که بمیراندم و باز زنده ام کند۸۱ و که طمع دارم روز رستاخیز گناهم را بیامرزد۸۲ پروردگارا مرا فرزانگی بخش و قرین شایستگانم کن۸۳ و نزد آیندگان نیکنام گردان۸۴ و از وارثان بهشت پر نعمتم کن۸۵ و پدرم را بیامرز که وی گمراه بود۸۶ و روزی که کسان برانگیخته می شوند مرا خوار مگردان۸۷ روزی که مال و فرزندان سود ندهد۸۸ مگر آنکه با قلب پاک سوی خدا آمده باشد۸۹ و بهشت به نیکوکاران نزدیک گردد۹۰ و جهنم به گمراهان نمودار شود۹۱ و گویند

آن چیزها که غیر خدا می پرستیدید کجایند۹۲ آیا شما را نصرت دهند و یا نصرت یابند۹۳ گمراهان و گمراه شدگان برو در جهنم انداخته شوند۹٤ با سپاهیان ابلیس یکسره۹۵ در آنجا با یکدیگر مخاصمه کنند و گویند۹٦ قسم به خدا که در ضلالی آشکار بودیم۹۷ که شما را با پروردگار جهانیان برابر می گرفتیم۹۸ و جز تبه کاران ما را گمراه نکردند۹۹ و اکنون نه شفیعانی داریم۱۰۰ و نه دوستان صمیمی۱۰۱ کاش بازگشتی داشتیم و مؤمن می شدیم۱۰۲ که در این عبرتیست و بیشترشان مؤمن نبودند۱۰۳ و پروردگارت، همو نیرومند و رحیم است۱۰٤ قوم نوح پیغمبران را دروغگو شمردند۱۰۵ وقتی که برادرشان نوح به آنها گفت: چرا نمی ترسید۱۰٦ که من پیغمبری خیرخواه شمایم۱۰۷ از خدا بترسید و اطاعتم کنید۱۰۸ برای پیغمبری از شما مزدی نمی خواهم که مزد من جز به عهده پروردگار جهانیان نیست۱۰۹ از خدا بترسید و اطاعتم کنید۱۱۰ گفتند: چگونه به تو ایمان بیاریم که فرومایگان پیرویت کرده اند۱۱۱ گفت: من چه دانم که چه کرده اند۱۱۲ اگر فهم دارید، حسابشان جز به عهده پروردگار من نیست۱۱۳ و من این مؤمنان را دور نخواهم کرد۱۱٤ که من جز بیم رسانی آشکار نیستم۱۱۵ گفتند: ای نوح اگر بس نکنی سنگسار میشوی۱۱٦ گفت: پروردگارا قوم من دروغگویم می شمارند۱۱۷ میان من و آنها حکم کن و مرا با مؤمنانی که همراه منند نجات بخش۱۱۸ پس او و همراهانش را در کشتی پر نجات دادیم۱۱۹ سپس باقی ماندگان را غرق کردیم۱۲۰ که در این عبرتی هست و بیشترشان مؤمن نبودند۱۲۱ و پروردگارت، همو، نیرومند و فرزانه است۱۲۲ عادیان نیز پیغمبران را دروغگو شمردند۱۲۳ وقتی برادرشان هود گفتشان چرا نمی ترسید۱۲٤ که من پیغمبری خیرخواه شمایم۱۲۵ از خدا بترسید و اطاعتم کنید۱۲٦ برای پیغمبری از شما مزدی نمی-خواهم که مزد من جز به عهده پروردگار جهانیان نیست۱۲۷ چرا در هر مکانی بیهوده سری، نشانی بنا میکنید۱۲۸ و آب گیرها می سازید، مگر جاودانه زنده خواهید بود۱۲۹ و چون سختی کنید چون ستمگران سختی می کنید۱۳۰ از خدا بترسید و اطاعتم کنید۱۳۱ از آن کس که آنچه می دانید کمکتان داده است بترسید۱۳۲ چهارپایان و فرزندان کمکتان داده است۱۳۳ با باغستانها و چشمه سارها۱۳٤ که من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم۱۳۵ گفتند: پند دهی یا پندگو نباشی برای ما یکسان است۱۳٦ این [بت پرستی] رفتار گذشتگان است۱۳۷ و ما را عذاب نخواهند کرد۱۳۸ و دروغگویش شمردند و هلاکشان کردیم که در این عبرتی هست و بیشترشان مؤمن نبودند۱۳۹ و پروردگارت، همو، نیرومند و رحیم است۱٤۰ ثمودیان نیز پیغمبران را دروغگو شمردند۱٤۱ برادرشان صالح گفتشان چرا نمی ترسید۱٤۲ که من پیغمبری خیرخواه شمایم۱٤۳ از خدا بترسید و اطاعتم کنید۱٤٤ برای پیغمبری از شما مزدی نمی خواهم که مزد من جز به عهده پروردگار جهانیان نیست۱٤۵ مگر در آنچه اینجا هست۱٤٦ در باغستانها و چشمه سارها۱٤۷ و کشت زارها و نخلستان ها که گل لطیف دارد ایمنتان می گذارند۱٤۸ که در کوهها به مهارت

خانه ها تراشید۱٤۹ از خدا بترسید و اطاعتم کنید۱٥۰ و فرمان اسراف کاران را۱٥۱ که در این سرزمین فساد کنند و اصلاح نکنند، اطاعت مکنید۱٥۲ گفتند: حقا که تو جادو زده ای۱٥۳ تو جز بشری مانند ما نیستی، اگر راست می گویی معجزه ای بیار۱٥٤ گفت: این شتریست وی را آبخوریست و شما را آب خور روزی معین است۱٥٥ آزاری به آن نرسانید که عذاب روزی بزرگ به شما می رسد۱٥٦ آن را بکشتند و پشیمان شدند۱٥۷ و دچار عذاب شدند که در این عبرتی هست و بیشترشان مؤمن نبودند۱٥۸ و پروردگارت، همو، نیرومند و رحیم است۱٥۹ قوم لوط نیز پیغمبران را دروغگو شمردند۱٦۰ چون برادرشان لوط گفتشان چرا نمی ترسید۱٦۱ که من پیغمبری خیرخواه شمایم۱٦۲ از خدا بترسید و اطاعتم کنید۱٦۳ از شما برای پیغمبری مزدی نمی خواهم که مزد من جز به عهده پروردگار جهانیان نیست۱٦٤ چرا به مردان زمانه رو می کنید۱٦٥ و همسرانتان را که پروردگارتان برای شما آفریده وا می گذارید که شما گروهی متجاوزید۱٦٦ گفتند: ای لوط! اگر بس نکنی تبعید می شوی۱٦۷ گفت: من عمل شما را دشمن می دارم۱٦۸ پروردگارا من وکسانم را از [شئامت] اعمالی که می کنند نجات بخش۱٦۹ پس، او و کسانش را جملگی نجات دادیم۱۷۰ مگر پیرزنی که جزو باقیماندگان بود۱۷۱ سپس دیگران را هلاک کردیم۱۷۲ و بارانی عجیب بر آنها باراندیم و باران بیم یافتگان چه بد بود۱۷۳ و در این، عبرتی هست و بیشترشان مؤمن نبودند۱۷٤ و پروردگارت همو نیرومند و رحیم است۱۷٥ مردم ایکه نیز پیغمبران را دروغگو شمردند۱۷٦ چون شعیب به ایشان گفت: چرا نمی ترسید۱۷۷ که من پیغمبر خیرخواه شمایم۱۷۸ از خدا بترسید و اطاعتم کنید۱۷۹ از شما برای پیغمبری مزدی نمی خواهم که مزد من جز به عهده پروردگار جهانیان نیست۱۸۰ پیمانه تمام دهید و کم بده نباشید۱۸۱ و به ترازوی درست وزن کنید۱۸۲ و چیزهای مردم را کم مدهید و در این سرزمین به فساد مکوشید۱۸۳ و از آنکه شما و مردم گذشته را آفریده است بترسید۱۸٤ گفتند: حقا که جادو زده ای۱۸٥ تو جز بشری مانند ما نیستی و ما تو را دروغگو می پنداریم۱۸٦ اگر راست می گویی پاره ای از آسمان را روی ما بینداز۱۸۷ گفت: پروردگارم به اعمالی که می کنید داناتر است۱۸۸ پس، دروغگویش شمردند و به عذاب روز ابر[آتش بار] دچار شدند که عذاب روزی بزرگ بود۱۸۹ که در این عبرتی هست و بیشترشان مؤمن نبودند۱۹۰ و پروردگارت، همو، نیرومند و رحیم است۱۹۱ این قرآن نازل شده از پروردگار جهانیان است۱۹۲ و آن را روح امانت دار ۱۹۳ به زبان عربی واضح ۱۹٤ به قلب تو نازل کرده که از بیم دهندگانی باشی ۱۹٥ و در کتابهای گذشتگان نیز هست۱۹٦ مگر برای ایشان نشانه ای نیست که دانشوران بنی اسرائیل قرآن را می شناسند۱۹۷ اگر آن را به بعضی عجمان نازل کرده بودیم۱۹۸ و برای ایشانش همی خواند بدان ایمان نمی آوردند۱۹۹ چنین، انکار را در دل تبهکاران راه می دهیم۲۰۰ که بدان ایمان نیارند تا عذاب الم انگیز را ببینند۲۰۱ و ناگهانی بر آنها درآید و بی خبر باشند۲۰۲ و گویند

آیا مهلتمان دهند۲۰۳ پس چرا عذاب ما را به شتاب می خواهند؟۲۰٤ مگر ندانی که اگر سالها نعمتشان دهیم۲۰٥ آنگاه عذاب موعود به آنها رسد۲۰٦ نعمتی که داشته اند، کاری برایشان نمی سازد۲۰۷ هیچ دهکده ای را هلاک نکردیم، مگر بیم رسانان داشتند۲۰۸ تذکاری بود، که ما ستمگر نبوده ایم۲۰۹ قرآن را دیوان نازل نکرده اند۲۱۰ نه حق ایشان بود و نه می توانستند۲۱۱ که آنها از شنیدن [وحی] برکنارند۲۱۲ با خدای یکتا، خدای دیگر مخوان که عذابت کنند۲۱۳ و خویشان نزدیکت را بترسان۲۱٤ برای مؤمنانی که پیرویت کرده اند جنبه ملایمت گیر۲۱٥ اگر نافرمانیت کردند بگو من از اعمالی که می کنید بیزارم۲۱٦ و به خدای نیرومند و رحیم توکل کن۲۱۷ همان که وقتی قیام کنی می بیندت۲۱۸ و گشتنت را میان سجده کنان نیز۲۱۹ که، همو شنوا و داناست۲۲۰ آیا خبرتان دهم که دیوان به کی نازل می شوند۲۲۱ بر همه دروغ سازان گنه پیشه نازل می شوند۲۲۲ مسموعات خویش القا می کنند و بیشترشان دروغگویانند۲۲۳ و شاعران را گمراهان پیروی می کنند۲۲٤ مگه نبینی که آنها در هر وادی سرگردانند۲۲٥ و چیزها گویند که نمی کنند۲۲٦ مگر آن کسان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند و خدا را بسیار یاد کرده اند و از پس آن ستم که دیده اید، انتقام گرفته اند. زود باشد کسانی که ستم کرده اند بدانند که یک جا بازگشت می کنند.۲۲۷

سوره نمل ۲۷

سوره نمل، در مکه نازل شده است.

به نام خدای رحمان رحیم

طا، سین، این آیه های قرآن و کتاب آشکار است۱ که هدایت و بشارتی برای مؤمنان است۲ همان کسان که نماز کنند و زکات دهند و آنها خودشان، به دنیای دیگر یقین دارند۳ کسانی که به دنیای دیگرایمان ندارند اعمالشان را بنظرشان آراسته ایم که کور دل باشند٤ همان کسان که عذاب سخت دارند و آنها، خودشان در دنیای دیگر زیانکارترند٥ حقا که تو قرآن را از جانب فرزانه ای دانا فرا می گیری٦ چون موسی به خانواده خود گفت: من آتشی می بینم به زودی خبری از آن برای شما می آرم یا شعله ای از آتش گرفته میارم. شاید گرم شوید۷ و چون به آتش رسید ندا داده شد که هر که در این آتش است و هر که اطراف آنست مبارک باد و پروردگار جهانیان منزه است۸ ای موسی! مطلب اینست که من خدای نیرومند فرزانه ام۹ عصای خویش

بیفکن، و چون آن را دید که می جنبد و گویی ماریست، گریزان روی گردانید و باز پس ننگریست، ای موسی! بیم مدار که پیغمبران در پیشگاه من بیم ندارند۱۰ مگر کسی که ستم کرده سپس از پس بدی نیکی آورده است که من آمرزگار و رحیمم۱۱ و دستت را به گریبانت کن که سپید، بدون علت درآید (اینها) از جمله نه معجزه سوی فرعون و قوم اوست که آنها گروهی عصیان پیشه اند۱۲ و چون آیه های هویدای ما سویشان آمد گفتند این جادویی آشکار است۱۳ از روی ستم و عصیان منکر آن شدند اما ضمیرهایشان بدان یقین داشت، بنگر عاقبت تباهکاران چسان بوده۱٤ داود و سلیمان را دانشی دادیم و گفتند: سپاس خدای را که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمن خویش برتری داده۱٥ و سلیمان وارث داود شد، گفت: ای مردم! ما زبان پرندگان آموخته ایم و همه چیزمان داده اند که این برتری آشکار است۱٦ و سپاهیان سلیمان از جن و انس و پرنده فراهم شدند و به نظم آمدند۱۷ تا چون به وادی مورچه رسیدند مورچه ای گفت: ای مورچگان به مسکن های خویش درآئید تا سلیمان و سپاهیانش به غفلت درهمتان نشکنند۱۸ لبخندی زد و از گفتار او خندان شد و گفت: پروردگارا مرا وادار کن تا نعمتی را که به من و پدر و مادرم مرحمت فرموده ای سپاس دارم و عملی شایسته کنم که آن را پسند کنی و مرا به رحمت خویش به صف بندگان شایسته ات درآر۱۹ و جویای مرغان شد و گفت: چرا شانه سر را نمی بینم مگر او غایب است۲۰ وی را عذاب می کنم، عذابی سخت یا سرش را می برم یا دلیلی روشن پیش من آرد۲۱ کمی بعد شانه سر[بیامد] و گفت: چیزی دیده ام که ندیده ای و برای تو از سبا خبر درست آورده ام۲۲ زنی بدیدم که سلطنت آنها می کند و همه چیز دارد و او را تختی بزرگ هست۲۳ وی را دیدم که با قومش سوای خدا آفتاب را سجده می کردند و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و از راه منحرفشان کرده و هدایت نیافته اند۲٤ تا خدایی را که در آسمانها و زمین، نهان را آشکار می کند و آنچه را نهان کنند و آنچه را عیان کنند می داند، سجده کنند۲٥ خدای یکتا که خدایی جز او نیست و پروردگار عرش بزرگ است۲٦ گفت: خواهیم دید آیا راست می گویی یا از دروغ گویانی۲۷ این نامه مرا ببر و نزد ایشان بیفکن سپس دور شو ببین چه می گویند۲۸ گفت: ای بزرگان نامه ای گرامی به من افکنده اند۲۹ از جانب سلیمان است و بنام خدای رحمان رحیم است۳۰ که بر من تفوق مجوئید و مطیعانه پیش من آئید۳۱ گفت: ای بزرگان! مرا در کارم نظر دهید که من بی حضور شما فیصل ده کاری نبوده ام۳۲ گفتند: ما نیرومند و جنگ آورانی سخت کوش، و کار به اراده توست، ببین فرمان تو چیست۳۳ گفت: پادشاهان وقتی به دهکده ای در آیند تباهش کنند و عزیزانش را ذلیل کنند، کارشان چنین است۳٤ من هدیه ای سوی آنها می فرستم ببینم فرستادگان چه خبر می آورند۳٥ و چون نزد سلیمان شد گفت: مرا به مال مدد می دهی؟ آنچه خدا به من داده بهتر از آنست که به شما داده است، شمائید که به هدیه خویش خوش دل می شوید۳٦ نزد ایشان بازگرد، سپاهیانی به سوی شما آریم که تحمل آن نیارید و از آنجا به ذلت بیرونشان می کنیم که حقیر شوند۳۷ گفت ای

بزرگان کدامتان پیش از آنکه مطیعانه پیش من آیند تخت وی را برایم می آورید۳۸ دیوی از جنیان گفت: از آن پیش که از مجلس خویش برخیزی تخت را سوی تو می آرم که بر این کار توانا و امینم۳۹ آن که دانشی از کتاب [نهان] نزد وی بود گفت: من آن را، پیش از آنکه چشم بهم بزنی نزد تو میارم و چون تخت را نزد خویش استقرار یافته دید گفت: این از کرم پروردگار منست تا بیازمایدم که آیا سپاس می دارم یا کفران میکنم، هر که سپاس دارد، برای خویش می دارد و هر که کفران کند پروردگارم بی نیاز و کریم است٤٠ گفت: تختش را برای او ناشناس کنید، ببینیم آیا [به شناختن آن] راه می یابد یا از آن کسان است که راه نمی یابند٤١ و چون بیامد بدو گفتند آیا تخت تو چنین است گفت: گویی همین است، از این پیش ما را دانش داده اند و مطیع بوده-ایم٤٢ و خدایش از آنچه سوای خدا می پرستید باز داشت که وی از گروه کافران بود٤٣ بدو گفتند: به ساحت قصر درآی و چون آن را بدید پنداشت آبی عمیق است و ساق های خویش عریان کرد ، سلیمان گفت: این ساحتی صاف از شیشه است گفت: من به خویش ستم کرده ام اینک چون سلیمان مطیع پروردگار جهانیان میشوم٤٤ و به ثمودیان برادرشان صالح را فرستادیم که خدای یکتا را بپرستید، آن وقت دو گروه شدند که مخاصمه می کردند٤٥ گفت: ای قوم! چرا شتاب دارید حادثه بد پیش از حادثه خوب وقوع یابد، چرا از خدای یکتا آمرزش نمی خواهید شاید رحمتتان کنند٤٦ گفتند: ما به تو و پیروانت شگون بد زده ایم. گفت: سرنوشت شما نزد خداست بلکه شما گروهی فتنه زده اید٤٧ در آن شهر نه نفر بودند که در آن سرزمین فساد می کردند و اصلاح نمی کردند٤٨ گفتند به خدا هم قسم شوید که شبانه او را با کسانش از میان برداریم آنگاه به خونخواه وی گوییم ما هنگام هلاک کسان حاضر نبوده ایم و ما راست گویانیم٤٩ نیرنگی کردند و ما نیز در آن حال که غافل بودند تدبیری کردیم٥٠ بنگر عاقبت نیرنگشان چسان بود که ما همگیشان را با قومشان هلاک کردیم٥١ اینک خانه هایشان برای آن ستم که می کرده اند خالی مانده که در این برای گروهی که بدانند عبرتی هست٥٢ و کسانی را که ایمان داشتند و پرهیزکار بودند نجات دادیم٥٣ و لوط چون به قوم خویش گفت: شما که چشم دارید چرا این کار زشت می کنید٥٤ چرا شما از روی شهوت به جای زنان، به مردان رو می کنید که شما گروهی جهالت پشه اید٥٥ جواب قومش جز این نبود که گفتند: خاندان لوط را از دهکده خویش بیرون کنید که آنها مردمی هستند که پاکیزه خویی می کنند٥٦ پس، وی را با کسانش نجات دادیم مگر زنش که او را در ردیف باقیماندگان به شمار برده بودیم٥٧ و بارانی عجیب بر آنها باراندیم و باران بیم یافتگان چه بد بود٥٨ بگو ستایش خدای یکتا را و درود بر آن بندگانش که آن را] برگزیدست، آیا خدا بهتر است یا آن چیزها که [با وی] شریک می کنند٥٩ یا آنکه آسمانها و زمین را آفریده و برای شما از آسمان آبی فرود آورد و با آن بوستان های خرم برویانیده ایم که رویانیدن درختان کار شما نبود، چگونه با این خدا خدایی هست [نه] بلکه آن گروهی هستند که انحراف یافته اند٦٠ یا آنکه زمین را آرامگاه ساخت و در آن جوی ها پدید آورد، چگونه

با این خدا خدایی هست٦١ یا آنکه درمانده را وقتی که بخواندش، اجابت کند و محنت را رفع کند و شما را جانشینان این سرزمین کند چگونه با این خدا خدایی هست؟ چه کمست اندرزی که فرا می گیرید! ٦٢ یا آنکه در ظلمات خشکی و دریا هدایتتان کند و آن که بادها را پیشاپیش رحمت خویش نوید فرستد، چگونه با این خدا خدایی هست؟ خدای یکتا از آنچه با او شریک می کنند والاتر است٦٣ یا آنکه خلق را پدید کند و آن را باز آورد و آنکه از آسمان و زمین روزیتان دهد چگونه با این خدا خدایی هست، بگو اگر راست می گویید برهان خویش بیارید٦٤ بگو: در آسمانها و زمین جز خدای یکتا غیب نداند و ندانند چه وقت زنده می شوند٦٥ مگر علم ایشان درباره آخرت کامل است (نه) بلکه در مورد آن به شک درند [نه] بلکه ایشان در زمینه آخرت کوردلند٦٦ کسانی که کافرند گویند چگونه وقتی ما و پدرانمان خاک شده ایم چگونه [از گور] برون شدنی باشیم٦٧ پیش از این نیز به ما و پدرانمان همین را وعده داده بودند. این جز داستانهای گذشتگان نیست٦٨ بگو در این سرزمین بگردید و بنگرید سرانجام بزهکاران چسان بود٦٩ غم آنها مخور و از آن نیرنگ ها که میکنند تنگ دل مباش٧٠ گویند اگر شما راست می گویید، این وعده کی می رسد٧١ بگو شاید شمه ای از آن عذاب که به وقوع آن شتاب می کنید از پی شماست٧٢ پروردگارت نسبت به این مردم صاحب کرم است ولی بیشترشان سپاس نمیدارند٧٣ پروردگارت آنچه را سینه هایشان نهان است و آنچه را آشکار کنند می داند٧٤ هیچ نهفته ای در آسمانها و زمین نیست مگر در نامه ای آشکار است٧٥ این قرآن برای پسران اسرائیل بیشتر چیزها را که درباره آن اختلاف دارند حکایت می کند٧٦ و همین قرآن برای مؤمنان هدایت و رحمتی است٧٧ پروردگارت برای خویش میان ایشان داوری می کند که او نیرومند و داناست٧٨ توکل به خدا کن که تو پیرو حق آشکاری٧٩ تو مردگان را شنوا نکنی و ندا را به کران، چون به فرار روی بگردانند، نتوانی شنواند٨٠ تو کوران را از ضلالتشان هدایت نتوانی کرد و جز آن کسانی را که به آیه های ما ایمان دارند و مسلمانند نمی شنوانی٨١ و چون عذاب واجبشان شود برای آنها جانوری از زمین برون آریم تا بگویدشان که این مردم آیه های ما را باور نمی کرده اند٨٢ روزی که از هر امتی دسته ای از آنها را که آیه های ما را دروغ شمرده اند محشور کنیم و ردیف شوند٨٣ و چون بیایند گوید: چرا آیه های مرا که دانش شما بدان نمی رسد دروغ شمردید و چه اعمالی می کردید٨٤ و به سزای آن ستمها که کرده اند عذاب بر آنها واجب شود و سخن نکنند٨٥ مگر نبینند که ما شب را پدید آورده ایم تا در آن آرام گیرند و روز را روشن کرده ایم که در این برای گروهی که ایمان دارند عبرتی هست٨٦ روزی که در صور دمند و هر که در آسمانها و هر که در زمین هست جز آنکه خدا بخواهد، وحشت کند و همگی با تذلل به پیشگاه وی رو کنند٨٧ و کوهها را ببینی و پنداری بی حرکتند ولی چون رفتن ابرها، همی روند. صنع خدای یکتاست که همه چیز را به کمال آورده که وی از کارهایی که می کنید آگاه هست٨٨ هر که کار نیک بیارد پاداشی بهتر از آن دارد و آنها از وحشت آن

روز ایمنند۸۹ و هر که کار بدی آرد آنها به رو در آتش سرنگون شوند، مگر جز در قبال اعمالی که می کرده اید سزایتان میدهند۹۰ حق اینست که من فرمان یافته ام پروردگار این شهر را که آن را حرام کرده است و همه چیز از اوست پرستش کنم و فرمان یافته ام که از مسلمانان باشم۹۱ و این قرآن را بخوانم، پس هر که هدایت یافت برای خویش هدایت یافت و هر که گمراه گشت بگو من فقط بیمرسانم۹۲ بگو ستایش خدایی را که آیه های خویش به شما نشان خواهد داد و آن را خواهید شناخت و پروردگارت از اعمالی که میکنید بی خبر نیست. ۹۳

سوره قصص ۲۸

سوره قصص، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

طا، سین، میم۱ این آیه های کتاب واضح است۲ شمه ای از خبر موسی و فرعون را درست، برای قومی که باور دارند بر تو می خوانیم۳ فرعون در آن سرزمین تفوق داشت و مردم آن را فرقه ها کرده بود، که دسته-ای از ایشان را زبون می شمرد و پسرانشان را سر می برید و زنانشان را زنده نگه می داشت که وی از تبهکاران بود٤ ولی ما می خواستیم بر آن کسان که در آن سرزمین زبون به شمار رفته بودند منت نهیم و پیشوایانشان کنیم و وارثانشان کنیم٥ و در آن سرزمین استقرارشان دهیم و به دست آنها به فرعون و هامان و سپاه شان حوادثی را که از آن حذر می کردند بنمایانیم٦ به مادر موسی وحی کردیم که شیرش بده و چون او بیمناک شدی، به دریا فکنش و ترس مدار و غم مخور که ما او را به تو باز آریم و از پیغمبرانش کنیم۷ خاندان فرعون او را بر گرفتند تا دشمن و مایه اندوهشان شود که فرعون و هامان و سپاهشان خطاکار بود۸ زن فرعون گفت: این طفل مایه خوشحالی من و تو است! او را مکشید، شاید ما را سود دهد یا به فرزندیش بگیریم و خبر نداشتند۹ و مادر موسی را دل از صبر تهی گشت و اگر دل وی محکم نکرده بودیم که باور دار[وعده حق] شود، نزدیک بود [قصه] او را آشکار کند۱۰ و به خواهرش گفت از پی او برو، او را از دور بدید، اما خاندان فرعون احساس نمی کردند۱۱ و شیر دایگان را از پیش بر او حرام کرده بودیم گفت: آیا شما را به خانواده ای هدایت کنم که برای شما سرپرستی وی کنند و نیک خواه او باشند۱۲ و او را سوی مادرش باز بردیم تا دیده اش روشن شود و غم نخورد و بداند که وعده خدا درست است ولی بیشترشان نمی دانند۱۳ و

چون به قوت رسید کامل شد، فرزانگی و دانشی به او دادیم و نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم١٤ و هنگام بی خبری مردم، به شهر درآمد و در آنجا دو مرد را دید که جنگ آزمایی می کنند، یکی از پیروان او و دیگری از دشمنان او بود، آنکه از پیروان او بود بر ضد آنکه از دشمنان وی بود از او کمک خواست، موسی مشتی بدو زد بی جانش کرد، گفت: این کار شیطان است که وی دشمن گمراه کن آشکار است١٥ گفت: پروردگارا من به خویش ستم کردم، مرا بیامرز و خدایش بیامرزید که وی آمرزگار و رحیم است١٦ گفت: پروردگارا به پاس این نعمت که مرا دادی پشتیبان بدکاران نخواهم بود١٧ در شهر، ترسان و نگران شب را به روز آورد و ناگاه آنکه روز پیش از او یاری خواسته بود از او فریاد رس می جست، موسی بدو گفت: حقا که ضلال پیشه ای آشکاری١٨ و همین که خواست به سوی آنکه دشمن هردوشان بود دست بگشاید، گفت: ای موسی! مگر می خواهی مرا بکشی چنان که دیروز یکی را کشتی می خواهی که در این سرزمین، ستمگری بیش نباشی و نمی خواهی که اصلا ح گری باشی١٩ و از آن سوی شهر مردی شتابان بیامد و گفت: ای موسی بزرگان درباره تو رأی می زنند که بکشندت، برون شو که من نیک خواه توام٢٠ از آن شهر ترسان و نگران برون شد و گفت: پروردگارا مرا از گروه ستمگران نجات بخش٢١ و چون رو سوی مدین کرد گفت: شاید پروردگارم مرا به میانه راه هدایت کند٢٢ و چون به آب مدین رسید، بر سر آن گروهی از مردم را دید که آب می دادند و نزدیک آنها دو زن را دید که [گوسفندان خویش] دور می کردند، گفت: قصه شما چیست گفتند: ما آب ندهیم تا شبانان [گوسفندان خویش] ببرند که پدرمان پیری کهنسال است٢٣ پس گوسفندان را آب داد آنگاه سوی سایه رفت و گفت پروردگارا! من به غذایی که سویم فرستی محتاجم٢٤ یکی از آن دو زن که شرمگین قدم بر می داشت نزد وی آمد و گفت پدرم دعوتت می کند تا تو را برای آب دادن ما پاداش دهد چون نزد وی شد و این سرگذشت با او گفت، گفت: بیم مدار که از گروه ستمگران نجات یافته ای٢٥ یکی از آنها گفت پدر او را اجیر کن که بهترین اجیرانی که توانی گرفت نیرومند امین است٢٦ گفت: خواهم یکی از این دو دختر خویش زن تو کنم، به شرط آنکه هشت سال اجیر من شوی و اگر ده سال تمام کنی، به اختیار خویش کرده ای، نمی خواهم با تو سختی کنم و مرا، اگر خدا خواهد، از شایستگان خواهی یافت٢٧ گفت: همین، قرار من و تو، هر یک از دو مدت به سر بردم، به من تجاوز نشود، و خدا نگهبان گفتار ماست٢٨ و چون موسی مدت به سر برد و خانواده خویش را ببرد از جانب طور آتشی دید، به خانواده خویش گفت: بمانید که من آتشی دیده ام، شاید برایتان خبری از آن، یا شعله آتشی بیارم، شاید گرم شوید٢٩ و چون نزد آتش رسید از کناره راست، در جایگاه مبارک، از آن درخت ندا داده شد که ای موسی! من ، خودم، خدای یکتا پروردگار جهانیانم٣٠ و که عصای خویش بیفکن و چون بدیدش که حرکت می کند گویی ماری است، گریزان پشت کرد و به عقب ننگریست، ای موسی! بیم مکن که از امان یافتگانی٣١ دستت را به گریبانت بر، تا سپید بدون علت،

درآید و برای رفع این ترس دست خویش به پهلو گیر که این دو برهان از پروردگارت برای فرعون و بزرگان اوست که آنها گروهی عصیان پیشه اند۳۲ گفت: پروردگارا! من یکی از آنها را کشته ام و بیم دارم مرا بکشند۳۳ برادرم هرون از من گشاده زبان تر است، وی را با من به مددکاری فرصت که تصدیقم کند، که من بیم دارم دروغگویم شمارند۳٤ گفت: بازوی تو را به برادرت محکم می کنیم و شما را به وسیله آیه های خویش تسلطی می دهیم تا به شما دست نیابند، شما و هر که پیرویتان کند، غلبه یافته اید۳٥ و چون موسی آیه-های روشن مارا سوی ایشان آورد، گفتند این به جز جادویی پرداخته نیست و از روزگار پدران قدیممان چنین چیزی نشنیده ایم۳٦ موسی گفت: پروردگارم کسی را که از جانب وی هدایت آورده با آنکه عاقبت آن سرای از اوست بهتر شناسد که گروه ستمگران رستگار نمی شوند۳۷ فرعون گفت: ای بزرگان! من برای شما خدایی جز خودم نمی شناسم، ای هامان! برای من آتشی بر گل افروز [و بنایی مرتفع بساز] شاید بالا روم و از خدای موسی اطلاع یابم که وی را دروغگو می پندارم۳۸ او و سپاهیانش در آن سرزمین به ناحق بزرگی فروختند و پنداشتند که سوی ما باز نمی گردند۳۹ از او و سپاهیانش مؤاخذه کردیم و به دریاشان افکندیم، بنگر عاقبت ستمگران چسان بود٤۰ آنها را پیشوایان کردیم که به سوی جهنم بخوانند و روز رستاخیز یاری نبینند٤۱ در این جهان لعنتی به دنبالشان کردیم و روز رستاخیز از نکوهیدگانند٤۲ و از پس آنکه نسلهای نخستین را هلاک کردیم، موسی را آن کتاب دادیم که برای مردم ، بصیرت ها و هدایت و رحمت بود شاید پند گیرند٤۳ هنگامی که این پیغمبری به موسی دادیم تو در ناحیه غربی نبودی و حضور نداشتی٤٤ ولی ما نسلها ایجاد کردیم که عمرهایشان به دراز کشید، تو در میان مدینیان اقامت نکردی که آیه های ما برایشان بخوانی، ولی ما بودیم که فرستنده بودیم٤٥ آن دم که ندا دادیم در ناحیه طوری نبود ولی [این آگاهی] رحمتی از پروردگار توست تا قومی را که پیش از تو بیم رسانی سوی ایشان نیامده بیم دهی، شاید پند گیرند٤٦ و تا چون به سزای اعمالی که دستهایشان از پیش کرده مصیبتیشان رسد نگویند پروردگارا! چرا پیغمبری سوی ما نفرستادی که آیه های تو را پیروی کنیم و از مؤمنان شویم٤۷ اما چون حق از نزد ما بیامدشان، گفتند: چرا نظیر آنچه سابقاً به موسی داده بودند به او نداده اند. مگر سابقاً به آنچه موسی را داده بودند کافر نشدند، گویند: [تورات و قرآن] دو جادویند که هم پشتی کرده اند و گویند: ما همه را منکریم٤۸ بگو: اگر راست گویید از جانب خدا کتابی که از آنها رهنماینده تر باشد بیارید تا من نیز آن را پیروی کنم٤۹ اگر اجابت تو نکردند بدان که فقط هوس هایشان را پیروی می کنند. ستمگرتر از آنکه هوس خویش را بدون هدایت خدا پیروی کند کیست که خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند٥۰ و این گفتار را برای ایشان پیاپی کردیم شاید تذکار یابند٥۱ کسانی که پیش از قرآن، کتابشان داده ایم، همانها بدان ایمان می آورند٥۲ و چون برایشان خوانده می شود، گویند: بدان ایمان داریم که درست است و از جانب پروردگار ماست و ما پیش از آن مطیعان بوده ایم٥۳ اینان برای آن صبر

که کرده اند دوبار پاداش یابند بدی را به نیکی دفع کنند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق کنند٥٤ و چون یاوه- ای شنوند از آن روی بگردانند و گویند: اعمال ما خاص ماست و اعمال شما خاص شماست، درود بر شما که ما صحبت جهالت پیشگان نمی جوییم٥٥ تو هر که را دوست داشته باشی هدایت نمی کنی بلکه خدا هر که را خواهد هدایت کند و او اهل هدایت را بهتر شناسد٥٦ گویند: اگر با تو پیرو هدایت شویم از سرزمینمان آواره می شویم مگر در حرمی امن جایشان نداده ایم که محصولات همه چیز در آن فراهم می شود که روزی ای از جانب ماست ولی بیشترشان نمی دانند٥٧ چه بسیار قریه ها را هلاک کردیم که رفاه معاش غره شان کرده بود، اینک مسکن هایشان که پس از آنها جز اندکی مسکون نشده است و ما باقی مانده ایم٥٨ پروردگارت، هلاک کننده این دهکده ها نبود تا در معظم آن پیغمبری بر انگیزد که آیه های ما را برایشان بخواند، ما هلاک کننده این دهکده ها نبودیم، مگر آنکه مردمش ستمگر بودند٥٩ هر چه به شما داده اند کالا و زینت زندگی این دنیاست و آنچه نزد خداست، بهتر و پایدارتر است چرا خردوری نمی کنید٦٠ مگر آنکه وعده نیکو بدو داده- ایم و بدان خواهد رسید چون آن کس است که از کالای زندگی این دنیا برخوردارش کرده ایم و باز روز قیامت حضور می یابد٦١ روزی که خدا ندایشان کند و گوید: شریکان من که می پنداشتید کجایند٦٢ کسانی که گفتار خدا درباره ایشان محقق شده گویند: پروردگارا! این کسانند که گمراه کردیم گمراهشان کردیم چنانکه [خودمان] گمراه شدیم برائت به تو می آوریم که اینان پرستش ما نمی کرده اند٦٣ گویند: شریکان [عبادت] خویش را بخوانید، آنها را بخوانند اما جوابشان ندهند، عذاب را ببینند (و آرزو کنند) ای کاش هدایت یافته بودند٦٤ روزی که خدا ندایشان کند و گوید: پیغمبران را چه جواب دادید٦٥ آن روز خبرها از ایشان نهان شود و از همدیگر نپرسند٦٦ اما کسی که توبه آورده و عمل شایسته کرده شاید در صف رستگاران باشد٦٧ پروردگارت هر چه بخواهد بیافریند و انتخاب کند اختیار بدست آنها نیست خدا از آنچه (با او) شریک میکنند، منزه و والاست٦٨ و پروردگارت آنچه را در سینه هایشان نهانست و آنچه را آشکار کنند می داند٦٩ خدای یکتا اوست، خدایی جز او نیست، ستایش در دنیا و آخرت خاص اوست، فرمان از اوست و به سوی او بازگشت می یابید٧٠ بگو: به من بگویید اگر خدا تا روز رستاخیز شب را برایتان دائم کند، کدام خدا غیر خدای یکتا برای شما روشنی آرد؟ چرا نمی شنوید٧١ بگو: به من بگویید اگر خدا روز را تا روز رستاخیز برایتان دائم کند، کدام خدا غیر خدای یکتا برای شما شبی بیارد که در آن آرام گیرید چرا نمی بینید٧٢ از رحمت خویش شب و روز را برای شما آفرید تا در آن آرام گیرید و از کرم وی [روزی] بجویید و شاید سپاس دارید٧٣ روزی که خدا ندایشان کند و گوید: شریکان من که پنداشتید کجایند٧٤ و از هر امتی گواهی بیاریم و گوییم برهان خویش بیارید و بدانید که حق خاص خداست و آنچه می ساخته اند، نابود شود٧٥ قارون از قوم موسی بود و بر آنها ستم کرد و آنقدر گنجش بدادیم که حمل موجودی آن به گروه مردان توانگران بود و قومش بدو

گفتند: غره مشو که خدا تباهکاران را دوست ندارد٧٦ به وسیله آنچه خدایت داده سرای آخرت بجوی و نصیب خویش از این دنیا فراموش مکن و چنانکه خدا با تو نیکی کرده نیکی کن و در این سرزمین فساد مجوی که خدا تباهکاران را دوست ندارد٧٧ گفت: این مال به سبب دانشی که دارم فراهم آمده، مگر ندانست که خدا از نسلهای پیش کسانی را هلاک کرده که به قدرت از او پیش و به جمع [مال] از او بیش بوده اند و این گناهکاران را از گناه آنها نمی پرسند٧٨ قارون با تجمل خویش میان قومش آمد، کسانی که زندگی دنیا می خواستند گفتند: کاش ما نیز نظیر آنچه قارون را داده اند، داشتیم که او نصیبی بزرگ دارد٧٩ و کسانی که دانش داشتند گفتند: وای بر شما پاداش خدا برای کسی که ایمان آورده و عمل شایسته کرده بهتر است و جز صابران دریافت آن نمی کنند٨٠ و قارون را با خانه اش به زمین فرو بردیم و گروهی نداشت که در قبال خدا یاریش کنند و نه یاری خود توانست کرد٨١ و کسانی که روز پیش آرزوی مقام وی داشتند، روز دیگر همی گفتند وای! که گوئی خدا روزی هر يك از بندگان خویش را که خواهد بگشاید یا تنگ کند، اگر خدا بر ما منت ننهاده بود، ما نیز بزمین فرو رفته بودیم وای! که گوئی کافران رستگار نمیشوند٨٢ این سرای آخرت را برای کسانی نهاده-ایم که در زمین سرکشی و فسادی نخواهند و عاقبت خاص پرهیز گارانست٨٣ هر که کار نيك آرد بهتر از آن پاداش دارد و هر که کار بد آرد کسانیکه اعمال بد کرده اند جز آنچه کرده اند سزا نبینند٨٤ آنکه ابلاغ این قرآن به عهده تو گذاشت، به باز گشت گاهی خواهدت برد، بگو پروردگارم بهتر داند کی هدایت آورده و کی درضلالتی آشکار است٨٥ تو امید نداشتی که این کتاب به تو القا شود مگر که رحمت پروردگارت کرد، پس، یار منکران مباش٨٦ از آیه های خدا، از پس آنکه به تو نازل شده منحرفت نکنند. بسوی پروردگارت بخوان و قرین مشرکان مباش٨٧ باخدای یکتا خدای دیگر مخوان، خدائی جز او نیست، همه چیز جز ذات وی فانیست، فرمان از اوست و بسوی او بازگشت می یابید. ٨٨

سوره عنکبوت ۲۹

سوره عنکبوت، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

الف، لام، میم۱ مگر این مردم پنداشته اند به [صرف] اینکه گویند ایمان داریم رها شوند و امتحان نشوند۲
کسانی را که پیش از ایشان بودند امتحان کردیم تا خدا کسانی را که راست گفتند معلوم کند و دروغگویان را
نیز معلوم کند۳ و یا کسانی که اعمال بد میکنند، پنداشته اند که از ما می گریزند، چه بد قضاوت می کنند٤
هر که امید دارد به پیشگاه خدا رود، وعده خدا آمدنیست و او شنوا و داناست٥ هر که بکوشد برای خویش
می- کوشد که خدا از جهانیان بی نیاز است٦ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، گناهانشان
را محو می کنیم و بهتر از آنچه عمل کرده اند، پاداششان میدهیم۷ انسان را نسبت به پدر و مادرش نیکی
سفارش کرده ایم، اگر بکوشند تا چیزی را که درباره آن علم نداری با من شريك كني، اطاعتشان مکن،
بازگشت شما سوی من است و از اعمالی که می کرده اید خبرتان میدهم۸ و کسانی که ایمان آورده و کارهای
شایسته کرده- اند آنها را به صف شایستگان می بریم۹ بعض مردم گوید: ایمان داریم و چون در راه خدا
اذیت شود، اذیت مردم را چون عذاب خدا گیرد و اگر از جانب پروردگارت نصرتی برسد گویند: ما با شما
بودیم. مگر خدا به آنچه در سینه جهانیان هست داناتر نیست؟۱۰ قسم، که خدا مؤمنان را معلوم می دارد و
منافقان را نیز معلوم میدارد۱۱ کسانی که کافرند به کسانی که ایمان آورده اند، گویند: طریقه ما را پیروی
کنید و ما گناهان شما را به عهده میگیریم اما چیزی از گناهانشان را عهده بگیر نیستند که آنها دروغگویانند۱۲
قسم، که بارهای گران خویش و بارهای گرانی همراه بارهای گران خویش، به دوش کشند و روز قیامت از
این دروغها که می- ساخته اند باز خواست شوند۱۳ به راستی نوح را به قومش فرستادیم و هزار سال پنجاه
سال، کم میانشان بماند و طوفان بگرفتشان که ستمگران بودند١٤ پس او را با کشتی نشینان نجات دادیم و
کشتی را برای جهانیان عبرتی کردیم١٥ و ابراهیم چون به قومش گفت خدا را بپرستید و از او بترسید که
این، اگر بدانید، برای شما بهتر است١٦ سوای خدایتان را می پرستید و دروغ میسازید، اینها که سوای خدا
می پرستید، روزی ای برای شما ندارند، روزی را نزد خدا بجوئید و عبادت او کنید و سپاس وی دارید که
سوی او بازگشت می یابید۱۷ و اگر تکذیب [پیغمبر] می کنید امتهای پیش از شما نیز تکذیب [پیغمبران کرده
اند] و بر عهده پیغمبر جز بلاغ آشکار نیست۱۸ مگر ندانسته اند خدا چگونه خلق را پدید میکند سپس آن را
باز میآورد که این برای خدا آسان است۱۹ بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه خلق را پدید کرده، سپس
خدا ایجاد جهان دیگر میکند که خدا به همه چیز توانا است۲۰ هر که را خواهد عذاب کند و هر که را خواهد

رحمت کند و سوی او بازتان میبرند۲۱ در زمین یا آسمان فرار نتوانید و غیر خدا دوست و یاوری ندارید۲۲ کسانی که آیه های خدا و معاد را انکار کرده اند آنها از رحمت من نومیدند و آنها خودشان ، عذابی الم انگیز دارند۲۳ جواب قومش جز این نبود که گفتند بکشیدش یا بسوزانیدش و خدا او را از آتش نجات داد که در این برای گروهی که ایمان دارند، عبر تهاست،٢٤ گفت نه فقط برای دوستی یکدیگر در زندگی این دنیا بتانی را [بخدائی] گرفته اید و سپس روز رستاخیز، منکر همدیگر شوید و یکدیگر را لعنت کنید و جایتان جهنم است و یارانی ندارید۲٥ لوط بدو ایمان آورد و گفت: من به سوی پروردگارم مهاجرت می کنم که او نیرومند و فرزانه است٢٦ و اسحق و یعقوب را بدو بخشیدیم و پیغمبری و کتابهای آسمانی را در فرزندان او نهادیم در این دنیا پاداش او بدادیم و همو، در آخرت از شایستگانست۲۷ و لوط چون بقومش گفت، شما این کار زشت می کنید که هیچیك از جهانیان پیش از شما نکرده اند۲۸ شما پیش مردان می روید و راهها را می زنید و در انجمنتان کارهای ناروا می کنید: جواب قومش جز این نبود که اگر راست می گوئی عذاب خدا را سوی ما بیار۲۹ گفت: پروردگارا مرا بر ضد گروه ستمکاران یاری کن۳۰ و چون فرستادگان ما با آن بشارت نزد ابراهیم آمدند، گفتند: ما مردم این دهکده را هلاک می کنیم که مردمش ستمگرند۳۱ گفت: لوط نیز در آنجاست، گفتند: ما بهتر دانیم کی در آنجاست، اورا با کسانش نجات می دهیم مگر زنش که از باقیماندگان است۳۲ و همین که فرستادگان ماپیش لوط آمدند از حضورشان اندوهناك شد و در کارشان فروماند، گفتند: بیم مدار و اندوه مخور که تو و کسانت را نجات می دهیم، مگر زنت که از باقیماندگان است۳۳ ما به مردم این دهکده برای آن عصیان که می کرده- اند عذاب آسمانی نازل میکنیم٣٤ و از این حادثه برای گروهی که خردوری می کنند، نشانه ای روشن بجا گذاشته ایم۳٥ و به سوی مردم مدین برادرشان شعیب را فرستادیم گفت: ای قوم خدا را بپرستید و از روز رستاخیز بترسید و در این سرزمین به فساد مکوشید۳٦ دروغگویش شمردند و دچار زلزله شدند و در خانه هایشان بی جان شدند۳۷ عاد و ثمود که مسکن هایشان را عیان دیده اید و شیطان اعمالشان را در نظرشان یار است و از راه منحرفشان کرد و اهل بصیرت نبودند۳۸ و قارون و فرعون و هامان نیز که موسی معجزها برای ایشان آورد و در آن سرزمین بزرگی فروختند و فرار نتوانستند۳۹ همه را به گناهاشان مؤاخذه کردیم، بعضی را باد ریگ افشان فرستادیم و بعضی را صیحه بگرفت ، بعضی را به زمین فرو بردیم و بعضی را غرق کردیم، خدا به معرض ستم کردنشان نبود بلکه آنها بودند که به خودشان ستم می کردند٤٠ حکایت کسانی که غیر خدا دوستان گرفته اند یا مانند عنکبوت است که خانه ای بساخت اما، اگر میدانستند سست ترین خانه- ها، خانه عنکبوت است٤١ خدا چیزهایی را که غیر او میخوانند میشناسد و هم او، نیرومند و فرزانه است٤٢ این مثلها را برای مردم می زنیم اما جز دانشوران آن را نمی فهمند٤٣ خدا آسمانها ر ا به حق آفریده و در این برای مؤمنان عبرتی هست٤٤ آنچه از قرآن به تو وحی میشود بخوان و

نماز به پا کن که نماز از بدکاری و ناروایی باز می دارد و یاد کردن خدا [از هر عبادتی] مهمتر است و خدا می داند چه می کنید٤٥ با اهل کتاب جز به طریقی که نکوست، مجادله مکنید، مگر کسانی از ایشان که ستم کرده اند. گوئید به کتاب خویش و کتاب شما ایمان داریم، خدای ما و خدای شما یکیست و ما مطیع اوئیم،٤٦ چنین، این کتاب را به تو نازل کرده ایم، آنها که کتاب آسمانیشان داده ایم آن را باور دارند، از این گروه نیز کسانند که آن را باور دارند و جز کافران منکر آیه های ما نشوند٤٧ پیش از نزول قرآن کتاب خوان نبودی و به دست خویش کتابی نمی- نوشتی و گرنه ابطالگران از [کار قرآن] به شك در می شدند٤٨ بلکه قرآن آیه هائیست روشن، در سینه کسانی که دانش شان داده اند و جز ستمگران منکر آیه های ما نشوند٤٩ گویند: چرا از جانب پروردگارش معجزه ها با و نازل نشود، بگو همه معجزه ها نزد خداست و من فقط بیم رسانی آشکارم٥٠ مگر بسشان نیست که ما این کتاب را که برای ایشان خوانده میشود به تو نازل کرده ایم، در این برای گروهی که ایمان دارند رحمت و تذکاری هست٥١ بگو: خدا که هر چه در آسمانها و زمین هست میداند، گواه میان من و شما بس است، کسانی که به باطل گرویده و خدا را منکر شده اند، آنها خودشان زیان کارانند٥٢ عذاب را به شتاب از تو میخواهند، اگر مدتی معین نبود، عذاب سوی ایشان می آمد، و بی گفتگو وقتی که بی خبرند، ناگهانی به آنها خواهد رسید. ٥٣ عذاب را به شتاب از تو می خواهند، اما جهنم کافران را فرا گرفتنی است٥٤ روزی که از بالایشان و از زیر پایشان فرا گیردشان و خدا گوید [سزای] اعمالی را که می کرده اید بچشید٥٥ ای بندگان من که ایمان آورده اید! زمین من فراخ است، پس فقط مرا عبادت کنید٥٦ همه کس مردنیست آنگاه سوی ما بازگشت می یابند٥٧ و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند در غرفه های بهشت جایشان میدهیم که جوی ها از زیر آن روانست و جاودانه در آنند و پاداش اهل عمل چه نیکست٥٨ همان کسان که صبور بوده و به پروردگارشان توکل کرده اند٥٩ چه بسیار جانوران که روزی خویش بر نمی دارند، خدا آنها را با شما روزی میدهد و همو، شنوا و داناست٦٠ اگر از آنها بپرسی آسمانها و زمین را کی آفریده و خورشید و ماه را به خدمت گرفته است، خواهند گفت: خدای یکتا این پس چرا سرگردان می شوند٦١ خدا روزی هر یك از بندگان را که خواهد بسط دهد یا بر او تنگ گیرد که خدا به همه چیز داناست٦٢ اگر از آنها بپرسی کی از آسمان آبی نازل کرد و زمین را از پس موات بودنش بدان زنده کرد خواهند گفت: خدا، بگو ستایش خاص خداست ولی بیشترشان خرد وری نمی کنند٦٣ زندگی این دنیا به جز بازیچه و سرگرمی نیست و اگر بدانستند، زندگی حقیقی در سرای دیگر است٦٤ و چون به کشتی سوار شوند خدا را بخوانند و دین خاص او کنند و چون به خشکیشان رساند، آن وقت، همانها شرك آورند٦٥ [بگذار] نعمتی را که به ایشان داده ایم کفران کنند و خوش باشند، به زودی خواهند دانست٦٦ مگر نمی بینند که ما حرمی امن پدید کرده ایم و مردم دیگر از اطرافشان ربوده می شوند، آیا باطل را باور می کنند و نعمت خدا را منکر می شوند٦٧

ستمگرتر از آنکه دروغی برخدا ببندد یا حق را که سوی وی آمده دروغ شمارد کیست، مگر جهنم جایگاه کافران نیست۶۸ کسانی که در راه ما مجاهدت کرده اند به راههای خویش هدایتشان میکنیم که خدا با نیکو کاران است.۶۹

سوره روم ۳۰

سوره روم ، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

الف، لام، میم۱ رومیان در نزدیك این سر زمین مغلوب گشتند۲ و هم آنها از پس مغلوب شدنشان، به زودی، در طی چند سال غالب میشوند۳ جلوتر و بعدتر نیز همه کارها به اراده خداست و آن روز مؤمنان از یاری خدا شادمان می شوند۴ که هر که را خواهد یاری کند و، همو نیرومند و رحیم است۵ وعده خداست و خدا از وعده خویش تخلف نکند ولی بیشتر مردم نمی دانند۶ نموداری از زندگی این دنیا را دانند وهمانها، خودشان، از دنیای دیگر بی خبرند۷ چرا در ضمیرهای خویش اندیشه نکنند که خدا آسمانها و زمین را با آنچه میان آنهاست جز به حق برای مدتی معین نیافریده و بسیاری مردم رفتن به پیشگاه خدا را منکرند۸ چرا در این سرزمین نمی گردند تا ببینند سرانجام کسانی که پیش از آنها بوده و به قوت بیش از آنها بوده اند و زمین را زیرورو کرده اند و پیش از آنچه اینان آبادش کرده اند، به آباد کردن آن پرداخته اند و پیغمبرانشان معجزه-ها سویشان آورده اند، چسان بوده است، خدا چنان نبود که ستمشان کند بلکه خودشان بودند که به خویشتن ستم می کردند۹ آنگاه عاقبت کسانی که بد کردند و آیه های خدا را دروغ شمردند و به آن استهزا می کردند، بدتر بود۱۰ خدا خلق را پدید کرده و آن را باز می آورد و پس از آن به سوی وی بازگشت می یابید۱۱ روزی که رستاخیز به پا شود، تبهکاران خاموش شوند۱۲ و از شریکان [عبادت] شان شفیعانی ندارند و شریکان [عبادت] شان را منکر شوند۱۳ و روزی که رستاخیز به پا شود، آن روز [مردم] از هم جدا شوند۱۴ اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، آنها در باغی شادمان شوند۱۵ اما کسانی که کافر شده و آیه های ما را با دیدار آخرت دروغ شمرده اند آنها در عذاب احضار شوند۱۶ هنگامی که شب می کنید و هنگامی که صبح می کنید تنزیه خدای یکتا کنید۱۷ در آسمانها و زمین و شبانگاه و هنگامی که به نیمروز، می رسید ستایش خاص اوست۱۸ زنده را از مرده پدید می کند، و مرده را از زنده پدید می کند و زمین را از پس

موات شدنش زنده می کند و شما نیز چنین [از گورها] برون میشوید۱۹ از جمله آیه های وی اینست که شمارا از خاک آفریده و اینك شما انسانهایید که پراکنده اید۲۰ از جمله آیه های وی اینست که برایتان از خودتان همسران آفریده تا بدانها آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد که در این برای گروهی که اندیشه میکنند عبرتهاست۲۱ از جمله آیه های وی خلقت آسمانها و زمین و اختلاف زبانها ورنگ های شماست که در این برای جهانیان عبرتی هست۲۲ و از جمله آیه های وی خفتنتان درشب وروز و روزی جستنتان از کرم اوست که در این برای گروهی که می شنوند عبرت هاست۲۳ از جمله آیه های وی اینست که برق را برای بیم و امید به شما بنمایاند و از آسمان آبی نازل کند و زمین را پس از موات شدنش بدان زنده کند که در این، برای گروهی که خرد وری میکنند، عبرتهاست۲٤ از جمله آیه های وی اینست که برق را برای بیم و امید به شما بنمایاند و از آسمان آبی نازل کند و زمین را پس از موات شدنش بدان زنده کند که در این برای گروهی که خردوری می کنند، عبرت هاست از جمله آیه های وی اینست که آسمان و زمین به فرمان وی قائم است آنگاه چون از زمین بخواندتان ، آن وقت شما [از قبور خویش] بیرون می شوید۲٥ هر چه در آسمانها و زمین هست از اوست و همه فرمان بران اویند۲٦ اوست که خلق را پدید کرده و آن را باز می آورد و باز آوردن، برای او آسانتر است، صفت والا در آسمانها و زمین خاص اوست و همو نیرومند و فرزانه است۲۷ برای شما از خودتان مثلی می زند مگر از مملوکان خویش در اموالی که شما را داده ایم شریکان دارید که در دارائی برابر باشید و از آنها، چنانکه از همدیگر بیم می کنید، بیم کنید؛ چنین، این آیه ها را برای گروهی که خردوری می کنند شرح می دهیم۲۸ [نه] بل، کسانی که ستمگرند هوسهای خویش را بدون علم، پیروی کرده اند، آن را که خدا گمراه کرده هیچ کس هدایت نمیکند و آنها یارانی ندارند۲۹ توجه خویش به این دین معتدل بر قرار کن، نهاد خداست که مردم را بر آن نهاده و خلقت خدا تغییر پذیر نیست، دین قویم اینست ولی بیشتر مردم نمی دانند۳۰ باز آمدگان به سوی وی، باشید و از او بترسید و نماز کنید واز مشرکان مباشید۳۱ [یعنی] از آن کسان که دین خویش از فرقه هائی پراکنده اند و هر فرقه ای به آنچه نزد خویش دارند شادمانند۳۲ و چون مردم را محنتی رسد باز گشت کنان به پروردگار خویش او را بخوانند، سپس چون رحمت خویش به آنها بچشاند، آن وقت گروهی از ایشان به پروردگارشان شرك آورند۳۳ [بگذار] به نعمتهائی که به آنها داده-ایم کفران کنند و خوش باشند، به زودی خواهید دانست۳٤ مگر دلیلی به آنها نازل کرده ایم که درباره آن چیزها که باخدا شریك می پندارند سخن می گوید۳٥ و چون مردم را رحمتی بچشانیم به آن غره شوند و اگر به سزای اعمالی که دست هایشان از پیش کرده حادثه بدی به ایشان رسد، آن وقت، همانها نومید می شوند۳٦ مگر ندانند که خدا روزی هر که را خواهد گشایش دهد یا تنگ گیرد که در این برای گروهی که ایمان دارند عبرتهاست۳۷ حق خویشاوند را به او بده و مستمند و به راه مانده را نیز، این برای کسانی که رضای خدا

می- جویند بهتر است و آنها خودشان رستگاراننده۳۸ آنچه به ربا دهید که از مال مردم بیشتر شود، نزد خدا بیشتر نمی شود و آنچه زکات دهید و رضای خدا جوئید [صاحبان] آنها فزونی یافتگانند۳۹ خداست که شما را آفریده و سپس روزیتان داده، سپس بمیراندتان و باز زنده تان کند، آیا از شریکان [عبادت] شما کسی هست که شمه ای از این کارها کند، منزه است خدا و از آنچه [با او] شریك می کنند برتر است٤٠ به شئامت اعمال کسان، در خشکی و دریا تباهی نمودار شده تا خدا سزای بعضی عملها را که کرده اند به ایشان بچشاند، شاید [از گناه] باز گردند٤١ بگو در این سرزمین بگردید و بنگرید عاقبت کسانی که از پیش بودند و بیشترشان مشرکان بودند، چسان بود٤٢ از آن پیش که از جانب خدا، روزی برگشت ناپذیر، بیاید توجه خویش به این دین قویم استوار کن که در آن روز [همه ازهم] جدا می شوند٤٣، هر که کافر شود وبال آن بیند و هر که شایسته عملی کند برای خودشان آماده می کنند٤٤ تا خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند از کرم خویش پاداش دهد که خدا کافران را دوست ندارد٤٥ از جمله آیه های وی اینست که بادها را نوید رسانها فرستد تا رحمت خویش به شما برساند و تاکشتی به فرمان وی روان شود و از کرم او روزی بجوئید و شاید سپاس دارید٤٦ پیش از تو پیغمبران سوی قومشان فرستادیم و معجزه ها برای ایشان بیاوردند و از آنها که بد کاری کردند انتقام گرفتیم و یاری کردن مؤمنان بر عهده ما بود٤٧ خداست که بادها را می فرستد که ابرها را بر انگیزد و باران را بینی که از خلال آن برون می شود و چون آن را، به هر کس از بندگان خویش خواهد رساند، شادمانی کنند٤٨ و گرچه پیش از آنکه باران به ایشان نازل شود، پیش از آن، نومید بوده اند٤٩ نشانه های رحمت خدا را ببین چگونه زمین را از پس موات شدنش زنده می کند، همین خدا، زنده کننده مردگانست، و همو به همه چیز تواناست٥٠ اگر بادی بفرستیم و کشت را زرد شده بینند از پی آن به کفران برخیزند٥١ نومردگان را شنوا نمی کنی و ندا را به کران وقتی به فرار روی بگردانند، نتوانی شنواند٥٢ تو کوران را از ضلالشان راه بر نیستی و جز کسانی را که به آیه های ما ایمان دارند و خودشان مطیعند، نمی- شنوانی٥٣ خداست که شما را از ناتوانی آفرید و از پس ناتوانی نیرو داد و از پس نیرو، ناتوانی و پیری آورد، هر چه بخواهد خلق میکند و او دانای تواناست٥٤ روزی که رستاخیز به پا شود، بزهکاران قسم خورند که جز ساعتی به سر نبرده اند، چنین، سرگردان می شده اند٥٥ و کسانی که علم و ایمان شان داده اند گویند: در مکتوب خدای، تا روز رستاخیز به سر برده اید اینک روز رستاخیز است ولی شما نمی دانسته اید٥٦ آن روز کسانی که ستم کرده اند عذر آوردنشان سودشان ندهد و به مقام نیایند٥٧ برای مردم در این قرآن همه جور مثل زده ایم و چون آیه ای برای ایشان بیاری کسانی که کافرند گویند شما جز بیهوده کاران نیستید٥٨ چنین خدا بر دل کسانی که نمی دانند مهر می نهد٥٩ صبر کن که وعده خدا درست است و آن کسان که یقین ندارند تو را به سبک سری وا ندارند.٦٠

سوره لقمان ۳۱

سوره لقمان، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

الف، لام، میم۱ این آیه های کتاب فرزانه است۲ که نیکو کاران را هدایت و رحمت است۳ همان کسان که
نماز کنند و زکات دهند و خودشان به دنیای دیگر یقین دارند٤ اینانند که از سوی پروردگارشان بر بلندای
هدایتند، و اینانند که رستگارند٥ آنها قرین هدایت پروردگار خویشند و آنها خودشان، رستگارانند بعضی
مردم گفتار بازیچه را می خرد تا بدون علم [کسان را] از راه خدا گمراه کند و آن را مسخره گیرد و آنها
عذابی خفت انگیز دارند٦ و چون آیه های ما را بر او بخوانند تکبر کنان، برود، گوئی آن را نشنیده، گوئی
گوشهای وی گرانست، پس، به عذابی الم انگیز نویدش بده۷ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده-
اند بهشت های پرنعمت دارند۸ که جاودانه در آنند، وعده درست خداست که او نیرومند و فرزانه است۹
آسمانها را بدون ستونی که ببینید بیافرید و در زمین لنگرها انداخت که نلرزاندتان و در آن از همه گونه
جانوران پراکنده کرد و از آسمان آبی نازل کردیم و در آن همه گونه گیاه خوب برویانیدیم۱۰ این خلقت
خداست، به من نشان بدهید کسانی که غیر اویند چه خلق کرده اند [خلقی نکرده اند] بلکه ستمگران در
ضلالتی آشکارند۱۱ لقمان را فرزانگی دادیم که خدارا سپاس دار و هر که سپاس دارد برای خویش سپاس
می دارد و هر که کفران کند خدا بی نیاز و ستوده است۱۲ و آن دم که لقمان به پسر خویش، که پندش
میداد، گفت: ای پسر کم! به خدا شرك میار که شرك ستمی بزرگ است۱۳ و انسان را در مورد پدر و
مادرش که مادرش با ناتوانی روزافزون، حامله وی بود و از شیر بریدنش پس از دو سال شد، سفارش
کردیم که من و پدر و مادر خویش را سپاس دار و سرانجام سوی منست۱٤ و اگر بکوشند تا چیزی را که
در مورد آن علم نداری با من شریك کنی اطاعت شان مکن و در این دنیا به نیکی همدمشان باش و طریقت
کسی را که سوی من باز گشته است، پیروی کن، پس از آن باز گشتگاه شما نزد من است و از اعمالی که
می کرده اید خبرتان می دهیم۱٥ ای پسر کم! اگر عمل هم وزن دانه خردلی، در سنگی یا در آسمانها و
زمین، باشد خدا آن را بیارد که خدا دقیق و کاردان است۱٦ ای پسر کم! نماز به پادار و به معروف وا دار
و از منکر بازدار و بر مصائب خویش صبور باش که این از کارهای مطلوب است۱۷ [پسر کم] مردم را
تحقیر مکن و در زمین به تکبر گام مزن که خدا خودپسندان گردن فراز را دوست نمی دارد۱۸ در راه رفتن
خویش معتدل باش و صوت خویش ملایم کن که نامطبوع ترین صوتها صوت خران است۱۹ مگر نمی بینید
که خدا هر چه را در آسمانها و زمین هست رام شما کرد و نعمت های خویش آشکارا و نهان بر شما کامل

کرد، [و باز] بعضی مردم بدون علم و هدایت و کتاب روشن درباره خدا مجادله می کنند۲۰ و چون گویندشان چیزی را که خدا نازل کرده پیروی کنید گویند [نه] بلکه آئینی را که پدران خویش را بر آن یافته-ایم پیروی می کنیم، حتی اگر شیطان [در نتیجه پیروی از پدرانشان] بسوی عذاب سوزان دعوتشان کند۲۱ هر که توجه خویش بی شائبه سوی خدا کند و نیکو کار باشد به دستاویز محکمی چنگ زده و عاقبت کارها، سوی خداست۲۲ و هر که انکار کند انکارش تو را محزون نکند، بازگشتشان سوی من است و از اعمالشان خبرشان می دهیم: که خدا مکنونات سینه ها را می داند۲۳ اندکی برخوردارشان کنیم آنگاه به سوی عذابی سختشان کشیم۲٤ اگر از آنها بپرسی آسمانها و زمین را کی آفرید؟ گویند: خدا، بگوستایش خاص خداست ولی بیشترشان نمی دانند۲٥ هر چه در آسمانها و زمین هست از خداست و خدا، هموبی نیاز و ستوده است۲٦ اگر همه درختان که در زمین هست، قلم باشد و دریا و به کمك آن هفت دریای دیگر مرکب، کلمات خدا تمام نشود که خدا نیرومند و فرزانه است۲۷ خلق کردن شما و از نو زنده کردنتان، جز به مانند خلق کردن يك تن، نیست که خدا شنوا و بیناست۲۸ مگر نبینی که خدا شب را به روز در می برد و روز را به شب در می برد و آفتاب و ماه را به خدمت گرفته که هریك به مدتی معین روان است و خدا از اعمالی که می کنید آگاه است۲۹ چنین، زیرا خدا حق است و آنچه سوی او می خوانند باطل است و خدا والای بزرگ است۳۰ مگر نبینی که به نعمت خدا کشتی به دریا روانست تا آیه های خویش به شما بنمایاند که در این، برای همه صبوری پیشگان سپاس دار، عبر ت هاست۳۱ و چون موجی به مانند کوهها فرا گیردشان، خدارا بخوانند و دین خاص او کنند و چون به خشکیشان برد، بعضیشان معتدلند و جز عهدشکنان کفران پیشه، آیه-های ما را انکار نکنند۳۲ ای مردم! از پروردگارتان بترسید و از روزی که پدر برای پسر خویش کاری نسازد و فرزندی به هیچ وجه کارساز پدر خود نشود، بیمناك باشید که وعده خدا حق است. زندگی این دنیا فریبتان ندهد و شیطان فریبنده در کارخدا به فریبتان نکشد۳۳ که علم رستاخیز پیش خداست که باران فرود آورد و آنچه را در رحمهاست بداند. کسی چه داند که فردا چه میکند و کس چه داند به کدام سر زمین می-میرد اما خدا دانا وآگاهست. ۳٤

سوره سجده ۳۲

سوره سجده، در مکه نازل شده

به نام خدای رحمان رحیم

الف، لام، میم۱ نازل کردن این کتاب، که شک در آن نیست از پروردگار جهانیان است۲ مگر گویند آن را تزویر کرده است [نه] بلکه آن حق است و از پروردگار تو است تا گروهی را که پیش از تو بیم رسانی سویشان نیامده، بیم دهی شاید هدایت یابند۳ خدای یکتاست که آسمانها و زمین را با هر چه میان آنهاست به شش روز آفرید سپس به عرش پرداخت، جز او دوست و شفیعی ندارید، چرا پند نمی گیرید٤ از آسمان تا زمین تدبیر همه کار می کند، آنگاه و در روزی که اندازه آن هزار سال از آنهاست که شمار می کنید، [همه چیز] بسوی او بالا می رود٥ این خدای دانای غیب و شهود و نیرومند و رحیم است٦ همان که خلقت همه چیز را نیکو کرد و خلقت انسان را از گل آغازید۷ و نژاد او را از مایه ای از آب پست کرد۸ آنگاه وی را بپرداخت و از روح خویش در او دمید و برای شما گوش و دیدگان و دلها آفرید و چه کم سپاس می دارید۹ گویند: چگونه وقتی در زمین گم شدیم، چگونه در خلقت تازه خواهیم بود [چنین نیست] بلکه آنها به پیشگاه پروردگار خویش رفتن را منکرند۱۰ بگو: فرشته مرگ که به شما گماشته اند جانتان را می گیرد سپس سوی پروردرگارتان بازگشت می یابید۱۱ اگر ببینی وقتی گنهکاران در پیشگاه پروردگارشان سرها به زیر افکنده- اند [گویند] پروردگارا دیدیم و شنیدیم ما را باز گردان تا شایسته عملی کنیم که ما به یقین رسیده ایم۱۲ اگر می خواستیم همه کس را هدایت عطا می کردیم ولی این سخن از من مقرر است که جهنم را از جنیان و آدمیان، جملگی پر میکنم۱۳ به سزای آنکه دیدار این روزتان را فراموش کردید، عذاب بکشید که ما نیز به فراموشیتان سپردیم و به سزای اعمالی که می کرده اید عذاب جاوید را تحمل کنید١٤ به آیه های ما فقط آن کسان ایمان دارند که چون بدان پندشان دهند، سجده کنان بیفتند و به ستایش پروردگارشان تسبیح گویند و تکبر نکنند١٥ پهلوهایشان از خوابگاهها دوری کند، پروردگارشان را با بیم و امید بخوانند و از آنچه روزیشان کرده ایم انفاق کنند١٦ هیچکس نداند به سزای آن عملها که می کرده اند چه مسرتها برای ایشان نهان کرده اند۱۷ آنکه مؤمن است با آنکه عصیان پیشه است چگونه مانند باشند؟ برابر نیستند۱۸ اما

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، بهشت های اقامتگاه دارند به پاداش اعمالی که می کرده اند، ما حضریست۱۹ اما کسانی که عصیان ورزیده اند جایشان جهنم است و هر وقت خواهند از آن برون شوند بدان بازشان برند و گویند: عذاب جهنمی را که تکذیب آن می کردید بچشید۲۰ عذاب نزدیك را، زودتر از عذاب بزرگ به آنها می چشانیم شاید باز گردند۲۱ ستمگر تر از آنکه به آیه های پروردگارش پندش داده اند و از از آن روی گردانیده کیست که ما از تبهکاران انتقام می گیریم۲۲ موسی را آن کتاب دادیم از دیدار او به شك مباش و آن را برای پسران اسرائیل هدایتی کردیم۲۳ و از آنها پیشوایان کردیم که چون صبور بودند وبه آیه های ما یقین داشتند، به فرمان ما هدایت می کردند۲٤ پروردگارت روز رستاخیز در مورد چیزهایی که در آن اختلاف داشته اند، میانشان حکم میکند۲٥ مگر ندانسته اند که پیش از آنها چه نسلها را هلاک کرده ایم که در مسکن- هایشان گام می زنند که در این عبرتهاست، چرا نمی شنوند۲٦ مگر نمی بینند که ما این آب به زمین بایر میرانیم و با آن کشتی پدید می کنیم که حیواناتشان و خودشان از آن می خورند چرا نمی بینند۲۷ گویند: اگر راست می گویید فیروزی [موعودتان] کی می رسد۲۸ بگو: روز فیروزی، کافران را ایمان آوردنشان سود ندهد و مهلت شان ندهند۲۹ از آنها روی بگردان و منتظر باش که آنها نیز منتظرند.۳۰

سوره احزاب ۳۳

سوره احزاب، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

ای پیغمبر! از خدا بترس و اطاعت کافران و منافقان مکن که خدا دانا و فرزانه است۱ و آنچه را از پروردگارت به تو وحی می شود پیروی کن که خدا از اعمالی که می کنید آگاه است۲ و توکل به خدا کن که نگهبانی خدا بس است۳ خدا برای هیچ مردی دو قلب در اندرون وی ننهاده و همسرانتان را که به صیغه ظهار از ایشان جدا می شوید، مادران شما نکرده و پسرخواندگان تان را پسران تان نکرده این گفتار شما به زبان هایتان است و خداسخن درست میگوید و هم او به راه [راست] هدایت میکند٤ پسر خواندگان را به نام پدرانشان بخوانید این نزد خدا منصفانه تر است، اگر پدرانشان را نمی شناسید، برادران دینی و موالی شمایند، شمارا در آنچه به خطا کرده اید گناه نیست مگر آنچه دلهایتان به قصد کند و خدا آمرزگارو رحیم است٥ پیغمبر به مؤمنان از

خودشان نزدیکتر است و همسران وی مادران مؤمنانند و خویشاوندان در مکتوب خدا به همدیگر از مؤمنان و مهاجران نزدیکترند، مگر آنکه با دوستان نیکی ای کنید که این در آن مکتوب به قلم رفته است٦ و چون از پیغمبران پیمان ایشان بگرفتیم و از تو و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم نیز و از آنها پیمانی سخت گرفتیم٧ که خدار استگویان را از راست گفتنشان بپرسد و برای کافران عذابی الم انگیز آماده کرده است٨ شما که ایمان دارید موهبت دادن خدا را بر خودتان به یاد آرید آن دم که سپاهی سوی شما آمد و بادی و سپاهی که که نمی دیدید بر ضد آنها فرستادیم و خدا به اعمالی که می کردید بینا بود٩ آن دم که از بالایتان و از پایینتان سوی شما آمدند، و دیدگان خیره گشت و جانها به گلوها رسید و به خدا گمانهای گوناگون بردید١٠ در آن هنگام مؤمنان امتحان شدند و به تزلزلی سخت دچار گشتند١١ آن دم که منافقان و کسانی که در دلهایشان مرضی بود می گفتند: خدا و پیغمبرش جز فریب به ما وعده ندادند١٢ آن دم که گروهی از آنها گفتند: ای مردم یثرب، جای ماندن شما نیست باز گردید. و گروهی از آنها از پیغمبرشان اجازه می خواستند می گفتند: خانه- های ما بی حفاظ است، خانه هایشان بی حفاظ نبود و جز فرار کردن قصدی نداشتند١٣ اگر از اطراف شهر بر آنها در آمده و به فتنه کردن دعوت شان کرده بودند، رو به فتنه می کردند و جز اندکی درنگ نمي کردند١٤ از پیش با خدا پیمان کرده بودند که پشت [به دشمن] نکنند و پیمان خدا بازخواست شدنی نیست١٥ بگو: اگر از مردن یا کشته شدن فرار کنید فرار کردن سودتان ندهد که در این صورت جز مدت کمی برخوردار نخواهید شد١٦ بگو کیست که شما را در قبال خدا، اگر محنتی برایتان خواهد، یا رحمتی برایتان خواهد، نگه می دارد که برای خویش سوای خدا دوست و یاوری نمی یابند١٧ خدا بازدارندگان شما را با آنها که به برادران خویش گویانند، پیش ما بیائید وجز اندکی به کارزار نیایند، می شناسد١٨ نسبت به شما تنگ نظرند و چون ترس بیاید، بینیشان که سوی تو می نگرند و دیدگان شان همی گردد چون آنکه مرگ گریبانش را گرفته و چون ترس برود با زبانهای تیز به شما تازند و بر منفعت حریص باشند، آنها ایمان ندارند و خدا اعمالشان را تباه کرده که این برای خدا آسان است١٩ پندارند که احزاب نرفته اند اگر احزاب باز آیند دوست دارند که در میان اعراب صحرانشین باشند و از اخبار شما بپرسند و اگر میان شما باشند جز اندکی کارزار نکنند٢٠ پیغمبر خدا برای شما [یعنی] هر که از خدا و روز رستاخیز ترسد و خدا را بسیار یاد کند، مقتدائی نیکو است٢١ و چون مؤمنان احزاب را بدیدند گفتند: همینست که خدا و پیغمبرش به ما وعده داده اند، خدا و پیغمبرش راست گفتند: و جز ایمان و تسلیم شان نیفزود٢٢ از جمله مؤمنان مردانند که پیمان خویش با خدا وفا کرده اند، بعضی از ایشان تعهد خویش بسر برده [و شهادت یافته] و بعضی از ایشان منتظرند و به هیچ وجه تغییری نیافته اند٢٣ که خدا راست گویان را برای راست گفتنشان پاداش دهد و منافقان را اگر خواهد عذاب کند، یا بر آنها ببخشد که خدا آمرزگارو رحیم است٢٤ خدا کافران را با خشم شان دفع کرد که غنیمتی نیافتند و خدا جنگ را

از مؤمنان بس کرد که خدا توانا و نیرومند است۲۵ و آن کسان از اهل کتاب را که با احزاب هم پشتی کرده بودند از قلعه هاشان فرود آورد و هراس به دلهایشان افکند و گروهی را بکشتید و گروهی را اسیر کردید۲٦ و زمین و دیار و اموالشان را با زمینی که قدم بدان نگذاشته اید، به شما داد که خدا به همه چیز تواناست۲۷ ای پیغمبر به همسرانت بگو اگر زندگی این دنیا و زیور آن خواهید: بیایید بر خوردارتان کنم و رهایتان کنم، رها کردنی خوب۲۸ و اگر خدا و پیغمبر او و سرای دیگر خواهید، خدا برای نیکوکاران شما پاداشی بزرگ مهیا کرده است۲۹ ای زنان پیغمبر! هر که از شما بد کاری مسلم کند، عذاب او دو برابر افزون شود و این برای خدا آسان است۳۰ و هر که از شما مطیع خدا و پیغمبر او شود و عملی شایسته کند پاداش او را دو برابر دهیم و برای شما روزی سخاوتمندانه مهیا کرده ایم۳۱ ای زنان پیغمبر! شما اگر پرهیز کاری کنید، مانند هیچیك از زنان دیگر نیستند، به گفتار، نرمی نکنید تا آنکه مرضی بدل دارد طمع نیارد و سخنی پسندیده گوئید۳۲ در خانه هایتان بمانید و جلوه گری جاهلیت قدیم، پیش مگیرید، نماز کنید و زکات دهید و خداو پیغمبر او را اطاعت کنید، حق اینست که خدا می خواهد ناپاکی از شما اهل این خانه ببرد و پاکیزه تان کند، پاکیزه کامل۳۳ آیه های خدارا با حکمی که در خانه های شما خوانده میشود به یاد آرید که خدا دقیق و کاردان است۳٤ مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان مؤمن و زنان مؤمن، مردان فرمانبر و زنان فرمانبر، مردان راستگو و زنان راستگو مردان صبور و زنان صبور، مردان فروتن و زنان فروتن مردان صدقه ده و زنان صدقه ده و مردان روزه گیر و زنان روزه گیر مردان نگهدار فروج خویش و زنان نگهدار مردان ذکر خدا بسیار گوی و زنان ذکرگوی خدا برای ایشان مغفرت و پاداشی بزرگ آماده کرده است۳۵ هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنی حق ندارند وقتی خدا و پیغمبر چیزی را اراده کردند، اختیار کار خویش داشته باشند و هر که نا فرمانی خدا و پیغمبر او کند به ضلال افتاده ضلالی آشکار۳٦ وقتی به آن کس که خدا نعمتش داده بود و تو نیز نعمتش داده بودی گفتی جفت خویش نگهدار و از خدا بترس و چیزی را که خدا آشکار کن آن بود در ضمیر خویش نهان میداشتی که از مردم بیم داشتی و خدا سزاوار تر بود که از او بیم کنی و چون زید تمنای از او بر آورد جفت تواش کردیم تا مؤمنان را در مورد پسرخواندگان شان وقتی پسر خواندگان تمنای، از آنها بر آورده اند تکلفی نباشد و فرمان خدا انجام گرفتنی بود۳۷ برای پیغمبر در مورد آن چیزها که خدا بر او مقرر کرده تکلفی نیست، آئین خدا درباره کسانی که از این پیش در گذشته اند چنین بوده و فرمان خدا به اندازه معین است۳۸ همان کسان که پیغام های خدا را می رسانیدند و از او می ترسیدند و از هیچکس جز خدا نمی ترسیدند و حسابگری خدا بس است۳۹ محمد پدر هیچ یك از مردان شما نیست بلکه پیغمبر خدا و سرآمد پیغمبران است و خدا به همه چیز داناست٤۰ شما که ایمان دارید، خدا را یاد کنید یاد کردن بسیار٤۱ و بامداد و پسین تسبیح او گوئید٤۲ اوست که با فرشتگان خویش رحمت به شما فرستد تا از ظلمات به نورتان برد و

خدا نسبت به مؤمنان رحیم است۴۳ روزی که به پیشگاه خدا روند درودشان سلام است و برای ایشان پاداشی سخاوتمندانه آماده کرده است۴۴ ای پیغمبر! ما تو را گواه و بشارت آور و بیم رسان۴۵ و دعوت کننده سوی خدا، به اذن او و چراغی روشن فرستاده ایم۴۶ و مؤمنان را بشارت بده که از جانب خدا افزایشی بزرگ دارنده۴۷ مطیع کافران و منافقان مشو، و آزارشان را واگذار و توکل به خدا کن که خدا بس تکیه گاهی است۴۸ شما که ایمان دارید! چون زنان مؤمن را جفت گرفتید آنگاه از آن پیش که دستشان بزنید طلاقشان دادید، عده ای به عهده آنها ندارید که نگهدارند، بر خوردارشان کنید و رهاشان کنید، رها کردنی خوب۴۹ ای پیغمبر ما همسران تو را که مهرشان داده ای و آنکه مملوک تو است که خدا غنیمت تو کرده با دختران عمویت با دختران عمه هایت، با دختران دائیت با دختر خاله هایت که با تو مهاجرت کرده اند. به تو حلال کرده ایم و نیز زن مؤمنی را که چون پیغمبر خواهد او را به زنی گیرد خویشتن را به پیغمبر هبه کند این خاص تو از سایر مؤمنان است تا بر تو تکلفی نباشد ما دانیم که بر مؤمنان در مورد همسرانشان و مملو کانشان چه مقرر کرده ایم و خدا آمرزگار و رحیم است۵۰ هر يك از زنان خویش را که خواهی [از نوبت] مؤخر کنی و هر که را خواهی نزد خویش آری و از آنها که برکنار کرده ای هر که را طلبی تکلفی بر تو نیست، این مناسب تر است که دیدگانشان نگران نباشد و غم نخورند و از رفتاری که با همگی شان می کنی خشنود باشند، خدا داند که در قلوب شما چیست و خدا دانا و فرزانه است۵۱ و دیگر زنان [جز آنها که داری] بر تو حلال نیستند، و نه رو است که آنها را به همسران دیگر بدل کنی و گر چه جمالشان تو را به شگفت آورده باشد مگر آنها که مالکشان شوی که خدا مراقب همه چیز است۵۲ شما که ایمان دارید به خانه های پیغمبر در نیائید مگر آنکه شما را به غذایی بخوانند اما منتظر پخته شدن آن منشینید و چون خوانده شدید درون شوید و چون غذا خوردید پراکنده شوید و به گفتگویی سرگرم مشوید که این رفتار پیغمبر را آزار می دهد اما از شما شرم می دارد ولی خدا از [گفتن] حق شرم نمیدارد و اگر از زنان پیغمبر چیزی خواهید از پس پرده ای، از ایشان بخواهید، این برای دلهای شما و دلهای ایشان پاکیزه تر است، و حق ندارید پیغمبر را آزار کنید و نشاید که از پس وی هیچ وقت زنان وی را به نکاح آرید که این نزد خدا [گناهی] بزرگ است۵۳ اگر چیزی را آشکار کنید یا آن را نهان کنید خدا به همه چیز داناست۵۴ برای زنان در مورد پدرانشان و پسرانشان و برادرانشان و برادر زادگانشان و خواهر زادگانشان و زنان آنها و مملوکان شان گناهی نیست از خدا بترسید که خدا به همه چیز گواه است۵۵ خدا و فرشتگان وی بر پیغمبر درود میفرستند، شما که ایمان دارید! بر او درود فرستید و سلام کنید سلام تمام۵۶ کسانی که خدا و پیغمبر او را آزار کنند خدا در دنیا و آخرت لعنتشان کرده و عذابی خفت انگیز برای ایشان مهیا کرده است۵۷ و کسانی که مردان مؤمن و زنان مؤمن را با [انتساب] اعمالی که نکرده اند ازار کنند تهمت و گناهی آشکار به گردن گرفته اند۵۸ ای پیغمبر: و به همسرانست و دخترانت و

زنان مؤمنان بگو روپوش هایشان را به خودشان بپیچند، این مناسب تر است که بشناسندشان و آزارشان نکنند و خدا آمرزگار و رحیم است٥٩ اگر منافقان و کسانی که در قلوبشان مرضی هست و شایعه پراکنان این شهر، بس نکنند تو را بر آنها می گماریم، آنگاه در این شهر جز اندکی همسایه تو نباشند٦٠ مطرودان باشند و هر کجا یافت شدند گرفته شوند و به خواری کشته شوند٦١ روش خدا درباره کسانی که از پیش بوده اند چنین بود و در روش خدا تغییری نخواهی یافت٦٢ مردم تو را از رستاخیز پرسند، بگو: علم آن نزد خداست، تو چه دانی شاید رستاخیز نزديك باشد٦٣ خدا کافران را لعنت کرده و آتشی افروخته برای ایشان آماده کرده است٦٤ که همیشه در آن جاودانند و دوست و یاوری نمی یابند٦٥ روزی که چهره هایشان را در آتش بگردانند گویند ای کاش خدارا اطاعت کرده بودیم و پیغمبر را اطاعت کرده بودیم٦٦ و گویند پروردگارا ما مهتران و بزرگان خویش را اطاعت کردیم و ما را از راه بدر بردند٦٧ پروردگارا! از این عذاب دو برابرشان ده و لعنتشان کن لعنتی بزرك٦٨ شما که ایمان دارید چون آن کسان مباشید که موسی را آزار کردند و خدایش از آنچه گفته مبرا کرد و نزد خدا برومند بود٦٩ شما که ایمان دارید از خدا بترسید و سخن به صواب گوئید٧٠ تا خدا اعمالتان را به صلاح آرد و گناهانتان را بیامرزد و هر که اطاعت خدا و پیغمبر او کند کامیاب شده است، کامیابی بزرگ٧١ ما این امانت به آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم و از برداشتن آن ابا کردند و از آن بترسیدند و انسان آن را بر داشت که وی ستم پیشه و نادان بود٧٢ تا خدا مردان منافق و زنان منافق و مردان مشرك و زنان مشرك را عذاب کند و مردان مؤمن وزنان مؤمن را ببخشد که خدا آمرزگار و رحیم است. ٧٣

سوره سبا ٣٤

سوره سبا، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

ستایش خاص خدائیست که هر چه در آسمانها و زمین هست از اوست، در آخرت نیز ستایش خاص اوست و همو، فرزانه و آگاهست١ آنچه در زمین فرو رود و آنچه از آن برون شود و آنچه از آسمان فرود آید و آنچه در آن بالا رود [همه را] بداند و، همو، رحیم و آمرزگار است٢ کسانی که کافرند گویند، رستاخیز به ما در نیاید، بگو: چرا قسم به پروردگارم که دانای غیب است، رستاخیز به شما خواهد آمد که در آسمانها و زمین هم وزن ذره ای از علم خدا نهان نیست و نه کوچکتر از این و نه بزرگتری هست مگر در مکتوبی

آشکار است۳ تا خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، پاداش دهد که آنها مغفرت و روزی سخاوتمندانه دارند٤ و کسانی که برای پیشی گرفتن از آیه های ما کوشیده اند آنها عذابی از اضطرابی الم انگیز دارند٥ و کسانی که دانش یافته اند، دانند که آنچه از پروردگارت به تو نازل شده حق است و به راه خدای نیرومند ستوده هدایت می کند٦ کسانی که کافرند گویند آیا شما را به مردی راه بر شویم که خبرتان دهد وقتی کاملا ریزریز شدید به خلقت نو خواهید بود۷ مگر به خدا دروغ بسته یا جنونی در او هست [نه] بل آن کسان که به آخرت ایمان ندارند، در عذاب و ضلالت دورند۸ مگر از آسمان و زمین چیزهائی را که پیش رویشان و پشت سرشان هست نمی بینند، اگر خواهیم به زمینشان فرو بریم یا پاره ای از آسمان رویشان افکنیم که در این برای همه بندگان توبه گر، عبرتی هست۹ داود را از جانب خویش فضیلتی دادیم، ای کوهها! با وی هم آواز شوید و ای پرندگان نیز، و آهن را برای او نرم کردیم۱۰ که زره های فراخ بساز و بافت آن یکنواخت کن و عمل شایسته کنید که من بینای اعمال شمایم۱۱ و باد را برای سلیمان رام کردیم که بامداد رفتنش یک ماه و شبانگاه رفتنش یک ماه راه بود و چشمه مس بر او روان کردیم و از دیوان کسان بودند که به فرمان پروردگارش نزد وی کار می کردند که هر که از ایشان از فرمان ما منحرف شود عذاب آتش سوزان بدو بچشانیم۱۲ و برای وی هر چه می خواست از قصرها و مجسمه ها و کاسه ها به اندازه حوض ها و دیگهای مستقر عظیم، می ساختند. ای خاندان داود برای شکر گزاری عملی کنید که از بندگان من اندکی شکرگزارند۱۳ و همین که مرگ او مقرر داشتیم، به جز جانور چوب خوار دیوان را از مرگ وی خبردار نکرد که عصای وی بخورد و همین که بیفتاد بر دیوان روشن شد که اگر غیب می دانستند (پس از مرگ سلیمان) در عذاب خفت انگیز نمی ماندند۱٤ مردم سبا را در مسکن هایشان عبرتی بود، دو باغستان از راست و چپ از روزی پرورد گارتان بخورید و اور اسپاس دارید که شهری پاکیزه دارید و پروردگاری آمرزگار۱٥ پس روی بگردانیدند وسیل سخت به آنها فرستادیم و دو باغستان شان را بدو باغستان بدل کردیم که میوه تلخ داشت با شوره گر و اندکی کنار۱٦ چنین، برای آن کفران که کردند سزایشان دادیم مگر ما جز کفران پیشه را مجازات می کنیم! ۱۷ و ما بین آنها و قریه هایی که برکت در آن نهاده ایم، دهکده ها پیوسته کردیم و برای سیر در آن [منزلگاهها] معین کردیم، در آنجا شبها و روزها با ایمنی راه سپارید۱۸ گفتند: پروردگارا! میان منزلگاه های ما فاصله کن و به خویش ستم کردند و موضوع قصه هایشان کردیم و تارو مارشان کردیم که در این برای همه صبوری پیشگان، عبرتهاست۱۹ شیطان گمان خویش در مورد آنها صادق دید و جز گروهی از مؤمنان [همگی] پیرویش کردند۲۰ و شیطان برایشان تسلط یافت تا آن کس را که به دنیای دیگر ایمان داشت از کسی که درباره آن به شك در بود معلوم داریم که پروردگارت نگهبان همه چیز است۲۱ بگو کسانی را که غیر خدا گمان کرده اید بخوانید که هم وزن ذره ای در آسمانها و زمین ندارند و

در آن شريك نبيند و خدا از آنها پشتيباني ندارد۲۲ شفاعت در پيشگاه وی سود ندهد، مگر از آن كس كه اجازه شفاعت بدو دهد و چون وحشت از دلهاشان برود گويند: پروردگارتان چه گفت؟ گويند: حق گفت و او والا و بزرگ است۲۳ بگو كی از آسمانها و زمين روزيتان ميدهد؟ بگو: خدا و ما يا شما در هدايت يا در ضلالتی آشكاريم۲٤ بگو: شمارا از آن گناهان كه ما كرده ايم نپرسند و ما را از اعمالی كه شما می كنيد پرسش نكنند۲٥ بگو: پروردگارتان مجتمع مان می كند آنگاه به حق ميان ما حكم می كند كه او حاكم داناست۲٦ بگو: آن كسان را كه عنوان شريك به خدا ملحق كرده ايد به من بنمايانيد هرگز! كه او خدای يكتای نيرومند فرزانه است۲۷ و ما تو را جز بشارت بر و بيم رسان برای مردم يكسره نفرستاده ايم ولی بيشتر اين مردم نميدانند۲۸ و گويند اگر راست می گوييد اين وعده چه وقت می رسد۲۹ بگو: موعد شما روزيست كه ساعتی از آن عقب تر نرويد و جلو تر نشويد۳۰ كسانی كه كافرند گويند: به اين قرآن و آن كتاب كه پيش از آن بوده ايمان نياريم، اگر ببينی وقتی ستمگران در پيشگاه پروردگارشان توقف كرده اند و سخن را به يكديگر باز گردانند، كسانی كه زبون بوده اند به كسانی كه بزرگی كرده اند گويند: اگر شما نبوديد ما مؤمن بوديم۳۱ و كسانی كه بزرگی كرده اند به كسانی كه زبون بوده اند گويند: مگر ما شمارا از هدايت، از پس آنكه سويتان آمده بود، منحرف كرديم، [نه] بلكه شما مردمی بزهكار بوديد۳۲ و كسانی كه زبون بوده اند به كسانی كه بزرگی كرده اند گويند: [نه] بلكه نيرنگ شبانه روز[شما] بود هنگامی كه وادارمان كرديد به خدا كافر شويم و برای وی همتاها قرار دهيم و چون عذاب را بينند اظهار پشيمانی كنند و به گردن كسانی كه كافر بوده اند غلها نهيم، مگر جز در قبال اعمالی كه ميكرده اند سز ايشان ميدهند؟۳۳ به هيچ دهكده ای بيم رسانی نفرستاديم مگر منعمانش گفتند: ما آئينی را كه با بلاغ آن فرستاده اندتان، منكريم۳٤ و گويند ما اموال و اولاد بيشتر داريم و معذب نخواهيم بود۳٥ بگو پروردگارم روزی هر كه را خواهد بسط دهد يا تنگ گيرد ولی بيشتر مردم نمی دانند۳٦ اموال و اولاد تان چيزی نيست كه شمارا نزد ما تقربی دهد، جز آنكه ايمان آورده و عملی شايسته كند كه آنها در قبال اعمالی كه كرده اند دو برابر پاداش دارند و همانها در غرفه ها [ی بهشت] ايمنند۳۷ و كسانی كه برای فرار از آيه های ما كوشش كنند آنهارا در عذاب حاضر ميكنند۳۸ بگو: پروردگارم روزی هر كه را خواهد بسط دهد يا بر او تنگ گيرد و هر چيزی انفاق كنيد عوض آن ميدهد كه او بهترين روزی - دهان است۳۹ روزی كه همگی شان را مجتمع كند، سپس به فرشتگان گويد: آيا اينان عبادت شما می كردند٤۰ گويند: تنزيه تو ميكنيم، دوست ما تويی نه آنها، [عابدان ما نبودند] بلكه عبادت ديوان می كردند و بيشتر شان به ديوان گرويده بودند٤۱ اكنون برای همديگر سود و زيانی نداريد و به كسانی كه ستم كرده اند گوييم عذاب جهنمی را كه به تكذيب آن می پرداختيد بچشيد٤۲ و چون آيه های روشن ما را برای ايشان بخوانند گويند، اين نيست مگر مردی كه خواهد از خدايانی كه پدرانتان می پرستيده اند منحرفتان كند و گويند: اين جز دروغی پرداخته نيست

و کسانی که کافرند در باره حق وقتی بیاید شان گویند این جز جادوئی آشکار نیست۴۳ آنها را کتابها نداده ایم که بخوانند و پیش از تو سوی ایشان بیم رسانی نفرستاده ایم۴۴ کسانی که پیش از آنها بوده اند و اینان به ده یك تمکن ایشان نرسیده اند، نیز تکذیب پیغمبران کردند، پیغمبران مرا تکذیب کردند و تعرض چه سخت بود۴۵ بگو من شما را فقط یك اندرز می دهم اینکه دو دو و یك یك برای خدا برخیزید آنگاه بیندیشید که همدم شما جنون ندارد و برای شما جز بیم رسانی، پیش از وقوع عذابی سخت، نیست۴۶ بگو: مزدی که برای پیغمبری از شما خواسته ام مال شما باشد که مزد من جز به عهده خدا نیست و او به همه چیز گواه است۴۷ بگو پروردگارم حق را القا میکند و دانای نهان هاست۴۸ بگو حق بیامد و باطل نماند و تجدید نخواهد شد۴۹ بگو اگر از راه به در روم به ضرر خویش به در میرم و اگر راه یابم به کمك آن چیزهاست که پروردگارم به من و حی میکند که وی شنوا و نزدیك است۵۰ اگر ببینی آن دم که وحشت زده شوند و فرار نباشد و از مکانی نزدیك گرفته شوند۵۱ گویند به پیغمبر ایمان آوردیم چگونه از مکانی دور به ایمان توانند رسید۵۲ در صورتی که از پیش، منکر آن بودند و از جایی دور سخن به نادیده رها می کردند۵۳ میان ایشان و آن آرزو که دارند حایل افکنند، چنانکه با نظایر ایشان از پیش کرده اند که آنها در شکی سخت بوده اند. ۵۴

سوره فاطر ۳۵

سوره فاطر، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

ستایش خدای یکتا را، که پدید آرنده آسمانها و زمین است، و فرشتگان بال دار را دو تا دو تا و سه تا سه تا، و چهار تا چهار تا فرستادگان کرد و در خلقت هر چه بخواهد می فزاید که خدا به همه چیز تواناست۱ هر رحمتی را که خدا گشاید هیچکس بستن آن نتواند و هر چه را ببندد غیر او هیچ کس آن را نگشاید و همو، نیرومند و فرزانه است۲ ای مردم! نعمت دادن خدا را به خودتان یاد کنید، مگر آفریننده ای جز خدا هست که از آسمان و زمین روزیتان دهد، خدایی جز او نیست پس کجا سر گردان می شوید۳ اگر تو را تکذیب کنند، پیش از تو نیز پیغمبرانی تکذیب شده اند و همه کارها سوی خدا بازگشت می یابد۴ ای مردم! وعده خدا حق است زندگی این دنیا فریب تان ندهد و شیطان فریبنده، شما را به خدا غره نکند۵ حقا که شیطان دشمن شماست شما نیز او را دشمن گیرید که دسته شیطان فقط دعوت می کنند که اهل آتش سوزنده باشید۶ کسانی که کافرند عذابی سخت دارند و کسانی که ایمان دارند و کارهای شایسته کرده اند مغفرت و پاداشی بزرگ دارند۷ مگر

آنکه بد کاریش برای او آرایش یافته و آن را نیك می بیند [چون غیر اوست] که خدا هر که را خواهد گمراه کند و هر که را خواهد هدایت کند، جان خویش از افسوس ایشان تباه مکن که خدا می داند چه می کنند٨ خداست که بادها فرستد تا ابری بر انگیز دو آن را به دیار مواتی برانیم و زمین را از پس موات شدنش بدان زنده کنیم، زنده شدن پس از مرگ نیز چنین است٩ هر که عزت خواهد، عزت یکسره خاص خداست سخنان خوب سوی او بالا می رود و عمل های شایسته را بالا می برد و کسانی که نیرنگ های بد می زنند، عذابی سخت دارند و نیرنگ اینان همو نابود میشود١٠ خدا شمارا از خاک آفرید، سپس از نطفه پس از آن شما را جفت ها کرد، هیچ ماده ای جز با علم او بار برندارد و نگذارد و عمر هیچ عمر داری دراز نشود یا عمر او کاسته نشود جز آنکه در مکتوبی روشن است١١ دو دریا یکسان نیست، این گوارا است و شیرین و نوشیدنش خوش است و آن شور زننده است و از هر دو گوشت تازه خورید و زیوری برون آرید که پیرایه خویش کنید و کشتی را در آن آب شکاف می بینی تا از کرم وی روزی جوئید و شاید سپاس دارید١٢ شب را به روز در کند و روز را به شب در کند، آفتاب و ماه را رام کرده که همه به مدتی معین می روند، این خدای یکتا، پروردگار شماست، پادشاهی خاص اوست و کسانی که جز او میخوانید پوسته هسته خرمایی ندارند١٣ اگر بخوانید شان، دعای شما را نشنوند و اگر بشنوند جوابتان ندهند و روز رستاخیز شرك شمارا انکار کنند و هیچ کس چون رازدان تو را خبر دار نکند١٤ ای مردم! شما به خدا محتاجید وخدا، همو، بی نیاز و ستوده است١٥ اگر بخواهد شما را ببرد و خلق تازه ای بیاورد١٦ و این برای خدا گران نیست١٧ هیچ بار برداری بار گناه دیگری بر نمی دارد و اگر، گرانباری برای برداشتن آن دعوت کند، چیزی از آن برندارند، و گرچه خویشاوند باشند، تو فقط کسانی را که از پرورد گار خویش به نادیده ترسند و نماز کنند بیم می دهی، هر که پاکیزگی کند برای خویش پاکیزگی میکند و سرانجام بسوی خداست١٨ کور و بینا١٩ وظلمات و نور٢٠ وسایه و آفتاب یکسان نیستند٢١ مردگان و زندگان نیز یکسان نیستند خدا [هدایت خویش را] به هر که خواهد میشنواند و تو چیزی را به مردگان قبور نمیشنوانی٢٢ تو جزبیم رسانی نیستی٢٣ ما تو را به حق بشارت بر و بیم رسان فرستاده ایم و هیچ امتی نیست مگر بیم رسانی در آن بوده است٢٤ اگر تو را تکذیب کنند، کسانی که پیش از ایشان بوده اند و پیغمبرانشان با معجزه ها و پیامها و کتاب روشن سویشان آمده بودند، نیز تکذیب کردند٢٥ آنگاه از کسانی که انکار ورزیدند مؤاخذه کردم و تعرض من چه سخت بود٢٦ مگر نبینی که خدا از آسمان آبی نازل کرده و با آن میوه ها، به رنگهای مختلف پدید آوردیم و در کوهها راه های سفید و قرمز، به رنگهای گوناگون و سیاه های غلیظ٢٧ و همچنین آدمیان و جانوران و چهار پایان به رنگهای مختلف [پدید کردیم] از جمله بندگان خدا، فقط دانایان از او بیم دارند و خدا نیرومند و آمرزگار است٢٨ کسانی که کتاب خدا خوانند و نماز به پا دارند و از آنچه روزیشان داده ایم نهان و عیان انفاق کنند به تجارتی که نابود نشود

امیدوارند۲۹ خدا پاداش ایشان را تمام دهد و از کرم خویش افزونشان کند که او آمرزگار و حق گزار است۳۰ آنچه از این قرآن به تو وحی کردیم حق است و مصدق کتابهای پیش است که خدا به کار بندگانش آگاه و بیناست۳۱ آنگاه این کتاب را به آن کسان از بندگانمان که انتخاب شان کرده ایم به میراث دادیم و بعضی ایشان ستمگر خویشند و بعضی معتدلند و بعضیشان به اذن خدا به سوی نعمت ها می شتابند و کرم بزرگ اینست۳۲ بهشت های جاوید که وارد آن شوند و در آنجا دستبندها از طلا و مروارید زیور کنند و لباسشان در آنجا دیباست۳۳ و گویند : ستایش خدائی را که غم از ما ببرد که پروردگارمان آمرزگار و حق گزار است۳٤ همان که از کرم خویش ما را به این سرای دائم در آورد که در اینجا رنجی به ما نرسد و در اینجا ملالی به ما نرسد۳۵ و کسانی که کافرند آتش جهنم دارند نه مرگشان دهند که بمیرند و نه عذاب جهنم را بر آنها سبك کنند همه کفران پیشگان را چنین سزا دهیم۳٦ و آنها در جهنم فریاد زنند، پروردگارا برونمان بر، تا کار شایسته-ای، جز آنچه می کرده ایم کنیم، مگر آنقدر عمرتان ندادیم که هر که پند گرفتنی بود، در طی آن پند گیرد و بیم رسان نیز بیامدتان، بچشید، که ستمگران یاری ندارند۳۷ خدا دانای نهفته آسمانها و زمین است و هم او دانای مکنونات سینه هاست۳۸ اوست که شمارا در این سرزمین جانشینان کرد، هر که کافر شود کفرش به گردن اوست و کافران را کفرشان نزد پروردگارشان جز دشمنی نمی فزاید و کافران را کفرشان جز خسارت نمی فزاید۳۹ بگو به من خبر دهید. شریکان [عبادت] شما که غیر خدا می خوانید خبرم دهید، از این زمین، چه خلق کرده اند مگر شرکتی در آسمانها داشته اند یا کتابی به ایشان داده ایم که از آن دلیلی دارند [نه] بلکه ستمگران به همدیگر جز فریب وعده نمی دهند٤۰ خدا آسمانها و زمین را نگه می دارد که نیفتند و اگر بیفتند جز او هیچ کس نگهشان نمی دارد که خدا بردبار و آمرزگار است٤۱ به خدا قسم می خوردند قسم های مؤکد که اگر بیم رسانی بیابدشان از امتی دیگر ره یافته تر خواهند بود و چون بیم رسانی بیامدشان جز دوری و بزرگی فروشی در این سرزمین و نیرنگ بدشان نیفزود٤۲ و نیرنگ بد جز به صاحبش نرسد، مگر جز روش گذشتگان انتظاری دارند که هر گز روش خدا را تغییر پذیر نخواهی یافت٤۳ مگر در این سرزمین نگشته اند تا بنگرند عاقبت کسانی که پیش از ایشان بوده و به فوت بیش از ایشان بوده اند چسان بوده است هیچ چیز در آسمانها و زمین، خدا را ناتوان نمی کند که خدا دانا و تواناست٤٤ اگر خدا مردم را به اعمالشان مؤاخذه میکرد، برپشت زمین جانوری باقی نمی گذاشت ولی تا مدتی معین مهلتشان می دهد و چون اجلشان بیاید خدا به کار بندگانش بیناست.٤۵

سوره یس ٣٦

سوره یس، مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

یا، سین١ قسم به این قرآن حکمت آموز٢ که تو از پیغمبرانی٣ و پیرو راه راست٤ قرآن از جانب خدای نیرومند رحیم نازل شده٥ تا گروهی را که پدرانشان بیم نیافته اند و خودشان بی خبرند، بیم رسانی٦ گفتار خدای درباره اکثرشان محقق شده و آنها ایمان نمی آرند٧ مگر به گردن هایشان غل ها نهاده ایم که تا چانه-هاست و سرهایشان بی حرکت مانده است٨ و پیش رویشان سدی نهاده ایم و پشت سرشان نیز سدی نهاده ایم و پرده بر آنها افکنده ایم که نمی بینند٩ برایشان یکسان است، بیمشان دهی یا بیمشان ندهی، ایمان نیارند١٠ فقط تو کسی را بیم می دهی که قر آن را پیروی کند و از خدای رحمان به نا دیده ترسد، او را به مغفرت و پاداشی سخاوتمندانه نوید بده١١ ما خودمانیم که مردگان را زنده کنیم و اعمالی را که از پیش کرده اند با اثرهایشان نویسیم و همه چیز را در راهنمائی روشن احصا کرده ایم١٢ برای ایشان مردم آن دهکده را مثل بزن وقتی فرستادگان سویشان آمدند١٣ وقتی دو تن سویشان فرستادیم و تکذیبشان کردند ، و به سومی نیرویشان دادیم و گفتند ما پیغام آوران شماییم١٤ گفتند: شما جز بشرانی مانند ما نیستید، خدای رحمان چیزی نازل نکرده و شما جز دروغ نگوئید١٥ گفتند. پروردگارتان داند که ما پیغام آوران شمائیم١٦ و به عهده ما جز پیام آشکار نیست١٧ گفتند: ما به شما شگون بد زده ایم، اگر بس نکنید سنگسار تان می کنیم و عذابی الم انگیز از ما به شما می رسد١٨ گفتند هر بار نامتان به میان آید بخت بدتان همراهتان است که شما گروهی افراطکارید١٩ از آن سر شهر مردی شتا بان بیامد و گفت: ای قوم: پیرو این پیغمبران شوید٢٠ از کسانی که مزدی از شما نمیخواهند و خودشان هدایت یافته اند، پیروی کنید٢١ مرا چه شده که خدائی را که ایجادم کرده و به سوی وی بازگشت می یابیم عبادت نکنم٢٢ آیا جز او خدایانی بگیریم که اگر خدای رحمان، گزندی برای من خواهد، شفاعتشان کاری برای من نسازد و خلاصم نکنند٢٣ که در این صورت من، در ضلالتی آشکارم٢٤ [ای پیغمبران] من به پروردگارتان ایمان دارم [ایمان آوردن] مرا بشنوید٢٥ [چون بکشتندش] بدو گفته شد به بهشت در آی گفت: ای کاش قوم من بدانستند٢٦ که پروردگارم مرا آمرزیده و از نواختگانم کرده است٢٧ از پی آن سپاهی از آسمان سوی ایشان نازل نکردیم که ما (سپاه) نازل کن نبودیم٢٨ به جز يك صیحه نبود و آن وقت همگی شان بی حرکت شدند٢٩ ای پشیمانی بر این بندگان که پیغمبری نیامدشان مگر او را استهزا همی-

کردند۳۰ مگر ندانند، پیش از ایشان چه نسلها را هلاك کرده ایم که هلاک شدگان سوی اینان باز نگردند۳۱ و همگی شان را نزد ما حاضر کنند۳۲ زمین موات برای ایشان عبرتی است که زنده اش کرده و دانه ای از آن برون آورده ایم که از آن می خورند۳۳ و در آن باغها از نخلها و تا کها کرده ایم و در آن چشمه ها بشکافته‌ ایم۳٤ تا از میوه آن با آنچه دست هایشان درست کرده بخورند، چرا سپاس نمی دارند۳٥ منزه است آنکه همه جفت ها را بیافرید، از گیاهانی که زمین می رویاند و انسانها و آن چیزها که ندانند۳٦ و شب نیز برای ایشان عبرتی است که روز را از آن می کنیم و آن وقت به تاریکی می روند۳۷ و خورشید که به قرارگاه خویش روانست، این نظم خدای نیرومند توانااست۳۸ و ماه را منزلها معین کرده ایم تا چون شاخه لاغر خشك شود۳۹ نه خورشید را سزد که به ماه رسد و نه شب از روز پیشی گیرد و هر کدام در فلکی شنا می کنند٤۰ و برای ایشان عبرتی است که ما نژادشان را در آن کشتی پر حمل کرده ایم٤۱ و نظیر آن برایشان چیزها آفریده ایم که سوار شوند٤۲ اگر بخواهیم غرقشان کنیم و فریادرسی نیابند و نجاتشان ندهند٤۳ مگر که رحمتی از جانب ماست که تا مدتی برخوردار شوند٤٤ و چون گویندشان از آنچه در پیش دارید و از آنچه پشت سر دارید بترسید، شاید رحمتان کنند٤٥ هیچ آیه ای از آیه های پروردگارشان نیایدشان مگر از آن روی گردان باشند٤٦ و چون گویندشان از آنچه خدا روزیتان کرده انفاق کنید، کسانی که کافرند به کسانی که مؤمنند گویند آیا کسی را که اگر خدا میخواست غذایش داده بود، غذا دهیم، شما جز در ضلالتی آشکار نیستید٤۷ و گویند اگر راست می گوئید این وعده کی می رسد٤۸ جز صیحه ای انتظار ندارند که در آن حال کشاکش که می کنند گریبانشان بگیرد٤۹ که نه وصیتی توانند کرد و نه سوی کسان خویش باز گردند٥۰ و در صور دمیده شود و آن وقت ایشان از گورها سوی پروردگارشان شتابان شوند٥۱ گویند: وای بر ما! کی ما را از خوابگاهمان بر انگیخت، این همانست که خدای رحمان وعده کرده بود پیغمبران راست میگفتند٥۲ وجز يك صیحه نباشد، آن وقت ایشان همگی را نزد ما حاضر کنند٥۳ امروز کسی به هیچ وجه ستم نبیند و جز در قبال اعمالی که میکرده اند سزا نخواهند دید٥٤ امروز اهل بهشت به سرگرمی ای شیرین کامند٥٥ آنها و همسرانشان در سایه ها به تختها تکیه زده اند٥٦ در آنجا میوه دارند و هر چه بخواهند دارند٥۷ با درودی که گفتار پروردگار رحیم است٥۸ اکنون، ای تبهکاران از هم جدا شوید٥۹ مگر به شما، ای پسران آدم! نسپردم که عبادت شیطان مکنید که وی دشمن آشکار شماست٦۰ و که مرا عبادت کنید که راه راست اینست٦۱ از شما نسلهای بسیار را گمراه کرد، مگر تعقل نمی کردید٦۲ این جهنمی است که به شما وعده می دادند٦۳ اکنون، به سزای آن انکار که می کردید وارد آن شوید٦٤ اکنون بر دهان هاشان مهر می زنیم و دستهاشان با ما سخن کنند و پاهایشان به اعمالی که می کرده اند، گواهی دهنده٦٥ اگر بخواهیم دیدگانشان را محو کنیم [و گوئیم] سوی صراط بدوید پس چگونه خواهند دید٦٦ و اگر بخواهیم بر جایشان مسخشان کنیم که رفتن

نتواند و بازنگردند٦٧ هر که را عمر دراز دهیم، خلقت وی دگرگون کنیم، مگر خردوری نمی کنند٦٨ پغمبر را شعر نیاموخته ایم و شعر گفتن سزاوار او نیست، آنچه بدو آموختیم جز پند و قرآنی هویدا نیست٦٩ تا هر که را زنده دل است بیم دهد و گفتار خدا درباره کافران محقق شود٧٠ مگر نبینند که برای انسان از آنچه دست قدرت ما درست کرده حیواناتی آفریده- ایم که مالک آنند٧١ و حیوانات را رام ایشان کرده ایم که مرکوبشان است و از آن می خورند٧٢ و از آن سودها و نوشیدنی ها دارند، چرا سپاس نمی دارند٧٣ غیر خدا، خدایان گرفته اند شاید یاری شوند٧٤ بتان یاری کردن ایشان نتوانند و خودشان سپاه احضار شده بتانند٧٥ گفتارشان اندوهگینت نکند که ما، آنچه را نهان کنند و آنچه را عیان کنند، میدانیم٧٦ مگر انسان نداند که ما او را از نطفه ای آفریده ایم و با وجود این جدالگری آشکار است٧٧ برای ما مثلی زند و خلقت خویش از یاد ببرد، گوید: استخوانهای پوسیده را کی زنده می کند٧٨ بگو همان که اول بار آن را ایجاد کرده [دوباره] زنده اش می کند و او به همه مخلوقات داناست٧٩ همانکه برای شما از درخت سبز آتشی پدید کرد که از آن می افروزید٨٠ مگر آنکه آسمانها و زمین را آفرید نتواند مانند آن بیافریند، چرا! و او آفریدگارداناست٨١ کار او وقتی چیزی را اراده کند فقط اینست که بدو گوید: باش و وجود یابد٨٢ منزه است آنکه سلطنت همه چیز بدست اوست و سوی او بازگشت می یابید. ٨٣

سوره صافات ٣٧

سوره صافات، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

قسم به فرشتگان صف آرا که صف کنند١ و ملکان جلوگیر جلو گیرند٢ و آنها که ذکر خوانند٣ که خدایتان - فقط یکی است٤ پروردگار آسمانها و زمین و هر چه میان شان هست و پروردگار خاورهاست٥ ما آسمان پائین را به زینت ستارگان بیاراستیم٦ و از شیطانهای شرور محفوظ داشتیم٧ که [گفتار] بزرگان بالا را نشنوند و از هر ناحیه پرتشان کنند٨ که دور شوند و عذابی پیوسته دارند٩ مگر آنکه سخنی برباید و شهابی روشن از پی او شود١٠ از مشرکان بپرس، آیا خلقت ایشان سخت تر است با این چیزها که خلق کرده ایم که

آنها را از گل چسبناك خلق كرده ايم۱۱ تو تعجب كنی و آنها تمسخر كنند۱۲ و چون پندشان دهند پند نگيرند۱۳ و چون آيه ای ببينند تمسخر كنان شوند۱٤ و گويند: اين جز جادوئی آشكار نيست۱۵ چگونه وقتی بمردم و خاك و استخوان شديم چگونه، زنده می شويم۱٦ و پدران قديم ما نيز۱۷ بگو آری [زنده می شويد] و حقير خواهيد بود۱۸ قضيه فقط يك حركت است و دردم آنها نظارت كنان باشند۱۹ گويند: وای برما اين روز جزا-ست۲۰ اين روز داوری است كه آن را تكذيب می كرديد۲۱ كسانی را كه ستم كرده اند با هم طرازانشان و بتانی كه سوای خدامی پرستيده اند۲۲ جمع كنيد و همه را به راه جهنم رهبری كنيد۲۳ نگاهشان داريد كه باز خواست می شوند۲٤ چرا همديگر را ياری نمی كنيد۲۵ آن روز همگی شان تسليم شده اند۲٦ بعضيشان پرسش كنان به بعض ديگر رو كنند۲۷ گويند: شما از راه قسم به ما در می آمديد۲۸ گويند: [نه] شما اصلا مؤمن نبوديد۲۹ ما بر شما تسلطی نداشتيم بلكه شما گروهی سركش بوديد۳۰ پس گفتار پروردگارمان بر ما محقق گشت و عذاب می كشيم۳۱ ما شما را گمراه كرديم خودمان نيز گمراه بوديم۳۲ آن روز همگی در عذاب شريكند۳۳ ما با تبهكاران چنين می كنيم۳٤ آنها چنين بودند كه وقتی گفتند شان بگوئيد خدائی جز خدای يكتا نيست، تكبر كردند۳۵ و گفتند: چگونه خدايمان را به گفته شاعری ديوانه رها كنيم۳٦ [چنين نبود] بلكه به حق آمده بود و پيغمبران [سلف] را تصديق می كرد۳۷ و شما اين عذاب الم انگيز را می چشيد۳۸ و جز در قبال اعمالی كه می كرده ايد سزايتان ندهند۳۹ مگر بندگان خاص خدای٤۰ كه آنها روزی معلوم دارند٤۱ ميوه-هاست و آنها محترمانند٤۲ در بهشت های پر نعمت٤۳ بر تخت های روبروی همند٤٤ و پيمانه ای از چشمه می بر آنها بگردانند٤۵ كه سفيد و مايه لذت نوشندگان است٤٦ كه نه خمار دارد ونه از آن بد مستی كنند٤۷ در حضور شان ديده فرشتگان درشت چشمند٤۸ كه گوئی [به صفای چهره] بيضه های نهفته اند٤۹ و پرسش كنان به يكديگر رو كنند۵۰ يكی از آنها گويد: مرا همدمی بود۵۱ كه ميگفت: چگونه تو باور ميكنی۵۲ چگونه وقتی بمرديم و خاک و استخوان شديم، چگونه ما را جزا می دهند۵۳ گويد: آيا شما [به جهنم] مينگريد۵٤ و بنگرد و او را در ميان جهنم بيند۵۵ گويد: قسم به خدا نزديك بودي كه مرا هلاک كنی۵٦ اگر موهبت پروردگارم نبود من نيز از احضار شدگان [عذاب] بودم۵۷ راستی ما به جز مردن نخستينمان۵۸ ديگر مردنی نيستيم و مارا عذاب نمی كنند۵۹ كه كاميابی بزرگ همين است٦۰ عمل كنان برای چنين پاداشی عمل كنند٦۱ اين ما حضر، بهتر است يا درخت زقوم٦۲ كه آن را بليه ستمگران كرده ايم٦۳ و آن درختی است كه از قعر جهنم می رويد٦٤ ميوه آن گوئی سر ديوان است٦۵ و جهنميان از آن خورند و شكمها از آن پر كنند٦٦ آنگاه روی آن مخلوطی از آب جوشان دارند٦۷ آنگاه بازگشتشان سوی جهنم است٦۸ كه آنها پدرانشان را گمراه يافته اند٦۹ و به دنبال ايشان می شتابند۷۰ و پيش از آنها اكثر گذشتگان گمراه شدند۷۱ و ميان شان بيم رسانها فرستاده بوديم۷۲ بنگرعاقبت بيم يافتگان چسان بود۷۳ به جز بندگان خاص خدای۷٤ و نوح ما را ندا داد و

چه نيك اجابت كنان بوديم۷۵ پس او را با كسانش از محنت بزرگ رهانديم۷٦ و نژاد او را باقيماندگان كرديم۷۷ و براى او اين سخن ميان آيندگان به جا گذاشتيم۷۸ كه از همه جهانيان درود بر نوح باد۷۹ كه ما نيكوكاران را چنين پاداش دهيم۸۰ كه وى از بندگان مؤمن ما بود۸۱ آنگاه ديگران را غرق كرديم۸۲ و از پيروان وى ابراهيم بود۸۳ وقتى كه با قلبي پاك به جانب پروردگار خويش آمد۸٤ وقتى به پدرش و قومش گفت: چه چيز را مى پرستيد۸۵ آيا به دروغ خدايانى غير خدا مى خواهيد۸٦ به پروردگار جهانيان چه گمان مى بريد۸۷ آنگاه نظرى به ستارگان كرد۸۸ و گفت: من بيمارم۸۹ روى از او بگردانيدند و برفتند۹۰ پس نهانى نزد خدايان- شان شد و گفت: مگر چيزى نميخوريد۹۱ شما را چه شده كه سخن نمى كنيد۹۲ نهانى ضربتى سخت بر آنها نواخت۹۳ پس [بت پرستان] شتابان سوى او آمدند۹٤ گفت: چرا بتانى را كه مى تراشيد عبادت ميكنيد۹۵ در صورتى كه خدا شمار ا با آنچه عمل مى كنيد آفريده است۹٦ گفتند براى او بنائى بسازيد و در آتش سوزانش افكنيد۹۷ خواستند در باره او نيرنگى كنند و آنها را حقيران كرديم۹۸ گفت: من به سوى پروردگارم روانم كه هدايتم خواهد كرد۹۹ خدايا مرا [فرزندان] شايسته عطا كن۱۰۰ و او را به پسرى بردبار بشارت داديم۱۰۱ و چون با وى به راه پيمودن رسيد گفت اى پسركم، من به خواب ديدم كه تو را ذبح مى كنم، بنگر راى تو چيست؟ گفت: اى پدر! آنچه را فرمانت داده اند عمل كن كه اگر خدا خواهد مرا از صابران خواهى يافت۱۰۲ و چون تسليم شدند و او را به پيشانى در انداخت۱۰۳ وى را ندا داديم كه اى ابراهيم! ۱۰٤ حقا كه روياى خويش راست كردى و ما نيكوكاران را چنين پاداش دهيم۱۰۵ كه اين امتحانى آشكار بود۱۰٦ و او را به ذبيحه اى بزرگ فدا داديم۱۰۷ و براى او اين سخن ميان آيندگان به جا گذاشتيم۱۰۸ كه درود بر ابراهيم باد۱۰۹ كه نيكوكاران را چنين پاداش دهيم۱۱۰ كه وى از بندگان مؤمن ما بود۱۱۱ و او را به اسحق كه پيغمبرى از شايستگان بود، نويد داديم۱۱۲ و او را و اسحق را بركت داديم و از نژادشان نيكوكار بود و ستمگر هويداى خويش۱۱۳ به موسى و هارون نيز منت نهاديم۱۱٤ و آنها را با قوم شان از آن محنت بزرگ رهانديم۱۱۵ و ياريشان كرديم كه آنها خودشان غلبه يافتند۱۱٦ و آن كتاب واضح به ايشان داديم۱۱۷ و به راه راست هدايتشان كرديم۱۱۸ و براى ايشان اين سخن ميان آيندگان به جا گذاشتيم۱۱۹ كه سلام بر موسى و هارون باد۱۲۰ كه ما نيكو كاران را چنين پاداش دهيم۱۲۱ كه آنها از بندگان مؤمن ما بودند۱۲۲ و الياس از پيغمبران بود۱۲۳ و چون به قوم خود گفت: چرا نمى ترسيد۱۲٤ آيا بعل را مى خوانيد و بهترين آفريدگاران را مى گذاريد۱۲۵ خداى يكتا كه پروردگار شما و پروردگار پدران قديم شماست۱۲٦ پس او را دروغگو شمردند و احضار خواهند شد۱۲۷ مگر بندگان خاص خداى۱۲۸ و براى او اين سخن ميان آيندگان به جا گذاشتيم۱۲۹ كه سلام بر الياسيان باد۱۳۰ كه ما نيكو كاران را چنين پاداش دهيم۱۳۱ كه وى از بندگان مؤمن ما بود۱۳۲ و لوط نيز از پيغمبران بود۱۳۳ چون او را با خاندانش جملگى نجات داديم۱۳٤ مگر پيرى كه

قرین باقیماندگان بود۱۳۵ آنگاه دیگران را نابود کردیم۱۳٦ و شما آن دم که به صبح در می شوید هنگام شب۱۳۷ بر آثارشان می گذرید چرا تعقل نمی کنید۱۳۸ و یونس از پیغمبران بود۱۳۹ آن دم که سوی کشتی پر، فرار کرد۱٤۰ قرعه زدند و او از بد آوردگان بود۱٤۱ نهنگ او را ببلعید و ملامتگر خویش بود۱٤۲ اگرنه، وی از جمله تسبیح گویان بود۱٤۳ در شکم نهنگ تا روزي که مردمان زنده شوند می ماند۱٤٤ پس او را به صحرا فکندیم و بیمار بود۱٤٥ و درخت کدوئی بر او برویاندیم۱٤٦ و او را به صد هزار یا بیشتر فرستادیم۱٤۷ پس ایمان آوردند و تا مدتی برخوردارشان کردیم۱٤۸ از مشرکان بپرس آیا دختران از پروردگار تواند و پسران از ایشانند۱٤۹ یا فرشتگان را مادگان آفریده ایم و آنها گواهان بوده اند۱٥۰ بدانید که آنها از دروغبازیشان گویند۱٥۱ که خدا فرزندی آورد و ایشان دروغگویانند۱٥۲ آیا خدا دختران را بر پسران برگزید۱٥۳ شما را چه شده، چگونه قضاوت می کنید۱٥٤ چرا پند نمی گیرید۱٥٥ مگر دلیل روشنی دارید۱٥٦ اگر راست گوئید کتاب خویش بیارید۱٥۷ میان خدا و پری نسبتی نهاده اند و پریان دانند که آنها [به عذاب] احضار میشوند۱٥۸ خدای یکتا از آنچه وصف می کنند منزه است۱٥۹ مگر بندگان خاص خدای۱٦۰ شما و بتانی که می پرستید۱٦۱ جز کسی را که به جهنم رفتنی است۱٦۲ مفتون بتان خویش نمی کنید۱٦۳ هیچ کس از ما [فرشتگان] نیست مگر مقامی معلوم دارد۱٦٤ و مائیم که صف می کشیم۱٦٥ و ماییم که تسبیح می کنیم۱٦٦ اگرچه [کافران] گویند۱٦۷ اگر کتابی از گذشتگان نزد ما بود۱٦۸ بندگان خاص خدا می شدیم۱٦۹ ولی قرآن را منکر شدند و به زودی خواهند دانست۱۷۰ سخن ما از پیش درباره بندگان پیغمبرمان چنین رفته است۱۷۱ که آنها نصرت خواهند یافت۱۷۲ و سپاه ما، خودشان غلبه یافتنیند۱۷۳ پس تا مدتی از آنها روی بگردان۱۷٤ و آنها را بنگر که به زودی خواهند دید۱۷٥ چرا عذاب را به شتاب می خواهند۱۷٦ و چون به ساحت ایشان در آید بامداد بیم یافتگان چه بد است۱۷۷ تا مدتی از آنها روی بگردان۱۷۸ بنگر که به زودی خواهند دید۱۷۹ پروردگار تو از آنچه و صف می کنند منزه است۱۸۰ و درود بر این پیغمبران باد۱۸۱ و ستایش خدارا که پروردگار جهانیان است. ۱۸۲

سوره ص ۳۸

سوره صاد، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

صاد، قسم به این قرآن صاحب پند۱ که کافران در سر کشی خلافند۲ پیش از آنها چه نسلها را هلاک کردیم و فریاد زدند و آن هنگام گریزگاهی نبود۳ به شگفت اندرند که بیم رسانی از خودشان سویشان آمده و کافران گویند این جادوگری دروغگوست٤ چگونه خدایان را یك خدا کرده که این چیزی سخت، عجیب است٥ و بزرگانشان برفتند [و گفتند] که بروید و با خدایانتان بسازید که این چیزی مطلوب است٦ چنین چیزی از ملت دیگر نشنیده ایم و این به جز تزویر نیست۷ چگونه از میان ما قرآن را بدو فرستاده اند، بلکه از تذکار من به شك درند که عذاب را نچشیده اند۸ مگر گنجهای رحمت پروردگارت که نیرومند و بخشنده است نزد آنهاست۹ یا ملك آسمانها و زمین و آنچه میانشان هست از آنهاست، پس به وسیله ها بالا روند۱۰ سپاهك اینجا نیز چون دسته های دیگر شکست خورد نیست۱۱ پیش از آنها نیز قوم نوح و عاد وفرعون صاحب میخها تکذیب [پیغمبران] کردند۱۲ با ثمودیان و قوم لوط واهل ایکه که آنها دسته ها بودند۱۳ همگی شان تکذیب پیغمبران کردند و مجازات من [بر آنها] محقق گشت١٤ اینان نیز جز یك صیحه را که بازگشت ندارد انتظار نمی برند١٥ گویند: پروردگارا پیش از روز رستاخیز نامه ما را بیار١٦ بر آنچه گویند، صبوری کن و بنده ما داود را یاد کن که وی بازگشت کننده بود۱۷ ما کوهها را رام وی کردیم که شبانگاه و هنگام بر آمدن آفتاب، تسبیح میکردند۱۸ و پرندگان مجتمع همگی سوی او روان بودند۱۹ و پادشاهی او محکم کردیم و فرزانگی و کلام نافذش دادیم۲۰ آیا خبر اهل دعوی که بر غرفه او بالا رفتند به تو رسیده است۲۱ چون داخل شدند و از ایشان بترسید، گفتند: بیم مکن دو صاحب دعوائیم که بعض ما به بعض دیگر ستم کرده، میان ما به حق حکم کن وجور مکن و ما را به میانه راه رهبری کن۲۲ این برادر منست نود و دو میش دارد و من یك میش دارم و گوید آن را به من ده و در مکالمه مرا مغلوب کرده است۲۳ گفت: حقاً با خواستن میش تو که ضمیمه میش-های خویش کند، با توستم کرده است و بسیاری شریکان به همدیگرستم میکنند، مگر کسانی که ایمان دارند و شایسته کنند و آنها کمند و داود بدانست که امتحانش کرده ایم و از پروردگارش آمرزش خواست و به رکوع افتاد و بازگشت٢٤ پس، این حادثه را بر او ببخشیدیم که وی را نزد ما تقرب وسرانجام نیك است٢٥ ای داود،

ما تو را در این زمین جانشین کرده ایم، میان مردم به حق داوری کن و پیرو هوس مشو، که از راه خدا گمراهت شوند، کسانی که از راه خدا گمراه شوند، به سزای آن که روز حساب را فراموش کرده اند، عذابی الم انگیز دارند۲۶ ما آسمان و زمین را با هر چه میانشان هست بیهوده نیافریده ایم، این گمان کسانی است که کافرند وای از جهنم بر آن کسان که کافرند۲۷ مگر کسانی را که ایمان دارند و کارهای شایسته کرده اند مانند تباهکاران این سرزمین خواهیم کرد؟ یا پرهیز گاران را چون بدکاران خواهیم کرد؟۲۸ این کتاب مبارکیست که به تو نازلش کرده ایم تا در آیه های آن بیندیشند و تا صاحبان خرد پند گیرند۲۹ و سلیمان را به داود بخشیدیم، نیکو بنده ای بود که وی توبه گر بود۳۰ چون نزدیك غروب اسبان تیز رو نشیط را بر او عرضه کردند۳۱ گفت: من دوستی مال را بر یاد کردن پروردگارم ترجیح دادم تا خورشید به پرده نهان شد۳۲ اسبان را نزد من باز گردانید و بنا کرد پاها و گردنها را [به شمشیر] بزند۳۳ سلیمان را نیز امتحان کردیم و پیکر بی جانی به تخت وی افکندیم آنگاه تو به آورد۳٤ گفت: پروردگارا مرا بیامرز و مرا سلطنتی ده که هیچ کس از پس من نداشته باشد که تو بخشنده ای۳۵ پس، باد را رام وی کردیم که هر جا قصد داشت به فرمان وی به نرمی همی رفت۳٦ و دیوان بنا و غواص را۳۷ و دیگران را که به زنجیرها بسته بودند [نیز رام وی کردیم]۳۸ این بخشش بی حساب منست، خواهی ببخش یا نگهدار۳۹ و او را نزد ما تقرب و سرانجام نیکو بود۴۰ و بنده ما ایوب را یاد کن، چون پروردگارش را ندا کرد که شیطان رنج و عذابی به من رسانید٤۱ پای خویش به زمین زن، این [چشمه] شستشو گاه خنک و آشامیدنی است٤۲ و کسانش را با نظایرشان نیز، به او دادیم که رحمتی از جانب ما و پند دادنی برای صاحبان خرد بود٤۳ به دست خویش دسته علف خشکی برگیر و (زنت را) با آن بزن و نقض قسم مکن، ما او را صبور یافتیم چه نیکو بنده ای بود که وی توبه گر بود٤٤ و بندگان ما ابراهیم و اسحق یعقوب را که صاحبان قوت و بصیرت بودند یاد کن٤۵ که ما موهبت یاد آن سرای را خاص ایشان کردیم٤٦ و آنها نزد ما نیکان منتخب بودند٤۷ و اسمعیل والیسع و ذی الکفل را یاد کن که همگی از نیکان بودند٤۸ این تذکاریست و پرهیزکاران سرانجام نیك دارند٤۹ بهشت های جاوید که درها برای ایشان گشوده است۵۰ در آنجا تکیه زده اند و در آنجا میوه های بسیار و نوشیدنی دارند۵۱ و نزد ایشان دیده فرو هشتگان یک شکل هست۵۲ این چیزی است که برای روز حساب به شما وعده می دهند۵۳ این روزی ماست که تمام شدنی نیست۵٤ این، و سرکشان جایگاه بد دارند۵۵ جهنمی که بدان درون شوند و به آرامگاهیست۵٦ اینکه باید بخورند آب جوشان و چرك است۵۷ و نظیر آن اقسام دیگر است نیز هست۵۸ این گروهیست که به سختی با شما درون می شود، نه خوش آمدید که آنها به آتش درون می شوند۵۹ گویند: شما نه خوش آمدید که شما این عذاب برای ما فراهم کردید و به جایگاهی است٦۰ پروردگارا! هر که این عذاب برای ما فراهم کرد عذاب او در جهنم دو برابر بیفزای٦۱ گویند چرا مردانی را که از اشرارشان می شمردیم

و تمسخرشان میکردیم نمی بینیم٦٢ مگر دیدگان از [دیدنشان] خیره گشته است٦٣ این درست، مناقشه اهل جهنم است٦٤ بگو: من فقط بیم رسانم و خدایی جز خدای یگانه قهار نیست٦٥ پروردگار است آسمانها و زمین و هر چه میانشان هست که نیرومند و بخشش گر است٦٦ بگو: این خبری بزرگ است٦٧ که شما از آن روی گردانید٦٨ من در باره بزرگان عالم بالا وقتی که مناقشه کنند چیزی نمیدانم٦٩ به من وحی نمی رسد جز اینکه من فقط بیم رسانی آشکارم٧٠ چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من انسانی از گل خلق می کنم٧١ و چون او را بپرداختم و از روح خویش در او دمیدم سجده کنان مقابل وی بیفتید٧٢ فرشتگان همگی شان یکسره سجده کردند٧٣ مگر ابلیس که بزرگی کردی و از کافران شد٧٤ گفت: ای ابلیس چه مانعت شد که مخلوقی را که بدست قدرت خویش آفریده ام سجده کنید بزرگی کردی یا از تفوق طلبان بودی٧٥ گفت: من از اون بهترم مرا از آتش آفریده ای و او را از گل آفریده ای٧٦ گفت: از آسمان برون شو که تو مطرودی٧٧ و تا روز رستاخیز لعنت من بر تو باد٧٨ گفت : تا روزی که از نو زنده شوند مرا مهلت ده٧٩ گفت: تا روز وقت معین٨٠ مهلت خواهی یافت٨١ گفت: به عزت تو قسم که همگی شان را گمراه می کنم٨٢ مگر آنها که بندگان تواند٨٣ گفت: به حق سوگند که به حق می گویم٨٤ جهنم را از تو و هر که پیروی تو کند یکسره پر میکنم٨٥ بگو برای پیغمبری از شما مزدی نمی خواهم و از متصنعان نیستیم٨٦ این قرآن به جز تذکاری برای جهانیان نیست٨٧ و پس از مدتی خبر آن را خواهی دانست.٨٨

سوره زمر ٣٩

سوره زمر، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

نزول این کتاب از جانب خدای نیرومند و فرزانه است١ ما این کتاب به حق بر تو نازل کرده ایم عبادت خدا کن و دین خاص او کن٢ بدانید که اطاعت بی شائبه خاص خداست و کسانی که غیر او دوستان گرفته اند و [گویند] عبادتشان نمی کنیم مگر برای آنکه به خدا تقربمان دهند، خدا در مورد مطالبی که در آن اختلاف دارند، میان ایشان حکم می کند که خدا دروغگوی کفران پیشه را هدایت نمی کند٣ اگر خدا میخواست فرزندی بگیرد هر چه میخواست از مخلوقات خویش انتخاب می کرد، منزه است که او خدای یکتای قهار است٤ آسمانها و زمین را به حق آفرید، شب را به روز می پیچد و روز را به شب می پیچد و خورشید و ماه را رام

کرد که هریك به مدتی معین روانند، بدانید که او نیرومند و آمرزگار است٥ شما را از یک تن آفرید آنگاه همسر او را از او کرد و برای شما هشت صنف از چهار پایان نازل کرد در شکم مادر هایتان می آفریندتان، آفرینشی که پس از آفریدن در سه تاریکی است، این خدای یکتا پروردگار شماست پادشاهی خاص اوست، خدائی جزاو نیست، پس کجا می روید٦ اگر کافر شوید خدا از شما بی نیاز است و کفر را به بندگان خویش نمی پسندد و اگر سپاس دارید آن را از شما بپسندد و هیچ بار برداری بار گناه دیگری بر ندارد آنگاه بازگشت شما سوی پروردگارتان است و از اعمالی که می کرده اید خبرتان می دهد که او به نهان دلها آگاهست٧ و چون انسان را محنتی رسد پروردگار خویش را بخواند و سوی او باز گردد و چون خدا نعمتی از جانب خویش بدو دهد آن محنت را که سابقا خدا را به [دفع] آن می خواند فراموش کند و برای خدا همتاها قرار دهد تا از راه وی گمراه کند بگو: اندکی با کفر خویش برخوردار باش که تو از اهل جهنمی٨ مگر آنکه در اوقات شب در حال سجده عبادت کند و از آخرت ترسد و به رحمت پروردگارش امید دارد [مانند غیر اوست] بگو مگر کسانی که دانند با کسانی که ندانند یکسانند، فقط صاحبان خرد، اندرز می گیرند٩ بگو ای بندگان من که ایمان آورده اید، از پروردگارتان بترسید، کسانی که نیکی کرده اند در این دنیا نیکی دارند و زمین خدا فراخ است و پاداش صابران را کامل و بی حساب می دهند١٠ بگو من فرمان یافته ام خدا را عبادت کنم و دین خاص او کنم١١ و فرمان یافته ام که مسلمان نخستین باشم١٢ بگو من اگر نافرمانی پروردگار خویش کنم از عذاب روزی بزرگ مي ترسم١٣ بگو: خدا را می پرستم و اطاعت خویش خاص او کرده ام١٤ شما غیر او هر چه خواهید بپرستید. بگو: زیان کاران آن کسانند که روز رستاخیز خودشان را با کسانشان زیان کرده اند، بدانید که این زیان هویدا است١٥ از بالایشان سایبان های آتش است و به زیرشان نیز سایبان هاست اینست که خدا بندگان خویش را ا بدان می ترساند پس ای بندگانم از من بترسید١٦ و کسانی که از طغیانگر، از عبادت کردنش، کناره کرده و به سوی خدا بازگشته اند بشارت خاص آنهاست، پس بندگان مرا١٧ که سخن را شنوند و نیکوترش را پیروی کنند بشارت بده، همان کسانند که خدایشان هدایت کرده و آنها خردمندانند١٨ مگر آنکه عذاب بر او واجب آمده [چون غیر اوست] مگر تو کسی را که در جهنم است خلاص توانی کرد١٩ لکن کسانی که از پروردگارشان ترسیده اند غرفه ها دارند که بالای آن غرفه های بنا شده هست و زیر آن جوی-ها روانست، وعده خداست که خدا وعده را تخلف نکند٢٠ مگر نبینی که خدا از آسمان آبی نازل کرده و آن را در چشمه های زمین راه داده آنگاه با آن کشتی به رنگ های مختلف برون آرد، سپس خشك شود و آن را زرد شده بینی، آنگاه ریز ریزش کند که در این برای صاحبان خرده پندی هست٢١ مگر آنکه سینه اش بر اسلام گشوده شده و قرین نوری از پروردگار خویش است [چون غیر اوست] وای بر آنها که از [قبول] تذکار خدا سخت دلند که آنها در ضلالتی آشکارند٢٢ خدا بهترین گفتار را به صورت کتابی یک نواخت نازل کرد

با وعده و وعید که تن کسانی که از پروردگارشان ترسند از آن لرزد ،سپس تنها و دلهاشان به یاد خدا آرام گیرد، این هدایت خداست که با آن هر که را خواهد هدایت کند و هر که را خدا گمراه کند رهبری نخواهد داشت۲۳ مگر آنکه چهره خویش از عذاب سخت نگه می دارد [چون غیر اوست] و به ستمگران گویند سزای اعمالی را که می کردید بچشید۲٤ کسانی که پیش از آنها بودند نیز [پیغمبران را] تکذیب کردند و عذاب از آنجا که احساس نمی کردند به ایشان رسید۲٥ و خدا در زندگی دنیا رسوائی را به آنها چشانید و اگر بدانستند عذاب آخرت سخت تر است۲٦ برای مردم در این قرآن همه جور مثل زده ایم شاید پند گیرند۲۷ قرآن عربی بی انحراف است شاید پرهیزکاری کنند۲۸ خدا مثلی می زند، مردی که شریکان برسر او کشاکش کنند و مردی که تسلیم مردی است، حکایت شان یکسان نیست ستایش خاص خداست، ولی بیشترشان نمی دانند۲۹ تو مردن یی و آنها نیز مردنیند۳۰ آنگاه شما روز رستاخیز در پیشگاه پروردگارتان مشاجره می کنید۳۱ ستمگرتر از آنکه در باره خدا دروغ گوید و راست را که سوی وی آمده تکذیب کند کیست؟ مگر جهنم جای کافران نیست۳۲ و هر که راستی آورده و راستی را تصدیق کرده، آنها خودشان پرهیز کارانند۳۳ نزد پروردگارشان هر چه بخواهند دارند و پاداش نیکوکاران چنین است۳٤ تا خدا بدترین کارهایی را که کرده اند محو کند و پاداششان را بهتر از آنچه می کرده اند دهد۳٥ مگر خدا برای بنده اش بس نیست که تو را از کسانی که غیر خدایند می ترسانند و هر که را خدا گمراه کند راهبری ندارد۳٦ و هر که را خدا هدایت کند گمراه کننده ای ندارد، مگر خدا نیرومند و انتقام گیر نیست۳۷ اگر از آنها بپرسی کی آسمانها و زمین را آفرید قطعاً می گویند: خدا، بگو: به من خبر دهید آنها که شما، غیر خدا می خوانید، اگر خدای برای من محنتی خواهد آیا آنها بر طرف کننده محنت وی توانند بود، یا اگر خدا برای من رحمتی خواهد آیا آنها نگهدارنده رحمت وی توانند بود، بگو: خدا مرا بس است و توکل کنان بر او توکل کنند۳۸ بگو: ای قوم شما به قدر تمکن خود عمل کنید که من نیز عمل می کنم و زود باشد بدانید۳۹ کیست که عذابی بدو رسد که خوارش کند و عذاب دائم بر او فرود آید٤۰ ما این کتاب را به حق برای [هدایت] مردم به تو نازل کرده ایم هر که هدایت یابد برای خویشتن است و هر که گمراه شود به ضرر خویش گمراه می شود و تو کارگزار آنها نیستی٤۱ خدا جان کسان را هنگام مردنشان و جان آنها را که نمی میرند هنگام خفتنشان می گیرد و آن را که مرگ بر او مقرر شده نگه می دارد و آن دیگر را تا مدت معین باز می فرستد که در این برای گروهی که اندیشه کنند عبرت هاست٤۲ مگر غیر خدا شفیعان گرفته اند بگو: و گرچه [شفیعان شما] مالك چیزی نباشند و تعقل نکنند٤۳ بگو: شفاعت یکسره خاص خداست، ملك آسمانها و زمین از اوست و سپس بدو باز گشت می یابید٤٤ چون خدا به تنهایی یاد شود، دلهای کسانی که آخرت را باور ندارند رمیده شود و چون کسانی را که غیر اویند یاد کنند آن وقت شادمان شوند٤٥ بگو ای خدای خالق آسمانها و زمین، تو در میان بندگانت درباره مطالبی که اختلاف داشته-

اند، داوری می کنی٤٦ کسانی که ستم کرده اند اگر همه مال جهان داشته باشند و نظیر آن نیز، همه را برای رهایی از شدت عذاب روز رستاخیز دهند و از خدا چیزها برای ایشان آشکار شود که به حساب نمی آورده- اند ٤٧ اعمال بدی که کرده اند به نظرشان آشکار شود و عذابی که به استهزای آن می پرداخته اند به ایشان رسد٤٨ چون انسان را محنتی رسد ما را بخواند، آنگاه چون نعمتی از جانب خویش بدو دهیم گوید: آن را به خاطر علمی [که داشته ام] به من داده اند، [چنین نیست] بلکه آن امتحانی است ولی بیشترشان نمی دانند٤٩ کسانی که پیش از آنها بوده اند نیز این سخن را گفته اند و آنچه بدست می آوردند کاری برایشان نساخت٥٠ و اعمال بدشان به ایشان رسید و آن کسان از اینان که ستم کرده اند [سزای] اعمال بدشان به ایشان میرسد و فرار کننده نیستند٥١ مگر ندانند که خدا روزی هر که را خواهد گشایش دهد یا تنگ گیرد که در این برای گروهی که ایمان دارند عبرت هاست٥٢ ای بندگان من که درباره خویش زیاده روی کرده اند، از رحمت خدا نومید مشوید که خدا گناهان را یکسره می آمرزد که او آمرزگار و رحیم است٥٣ و پیش از آنکه عذاب سوی شما بیاید و یاری نشوید به سوی پروردگارتان بازگردید و مطیع او شوید٥٤ و پیش از آنکه عذاب ناگهانی در آن حال که بی خبرید، به شما در آید، نیکوترین چیزی را که به شما نازل شده پیروی کنید٥٥ تا کسی نگوید ای دریغ من از آنچه درباره خدا قصور کردم و از مسخره کنان بودم٥٦ یا گوید اگر خدایم هدایت کرده بود از پرهیز کاران بودم٥٧ یا هنگامی که عذاب را بیند گوید: کاش باز گشتی داشتم و از نیکوکاران می شدم٥٨ بلی، آیه های من سوی تو آمد و آن را دروغ شمردی و بزرگی کردی و از کافران بودی٥٩ و روز رستاخیز کسانی را که درباره خدا دروغ گفته اند بینی که چهره هایشان سیاه گشته است، مگر جهنم جایگاه تکبر کنان نیست٦٠ و خدا کسانی را که پرهیزکاری کرده اند به جای کامیابیشان بالا میبرد که بدی به ایشان نرسد و غمگین نشوند٦١ خدای یکتا خالق همه چیز است و همو نگهبان همه چیز است٦٢ کلید خزائن آسمانها و زمین از اوست و کسانی که آیه های خدا را منکر شده اند آنها خودشان، زیانکارند٦٣ بگو: ای جهالت پیشگان مگر خواهید وادارم کنید غیر خدا را بپرستم٦٤ به تو وکسانی که پیش از تو بوده اند وحی شد که اگر شرک بیاری عملت تباه می شود و از زیانکاران می شوی٦٥ بلکه خدا را عبادت کن و از شکرگزاران باش٦٦ خدا را به حق شناختنش نشناخته اند، روز رستاخیز زمین یکسره در قبضه اوست و آسمانها به دست قدرت وی به هم پیچیده است منزه است و از آنچه با [او] شریك می کنند برتر است٦٧ و در صور دمیده شود و هر که در آسمانها و زمین هست، جز آنکه خدا خواهد، بیهوش شود، آنگاه دم دیگر در آن دمند آن وقت همگی به نظاره ایستاده باشند٦٨ و زمین به نور پروردگارش روشن شود و نامه ها بگذارند و پیغمبران و گواهان را بیارند و میانشان به حق داوری شود و ستم نبینند٦٩ و هر کسی را هر چه کرده تمام دهند و خدا به آنچه می کنند داناتر است٧٠ و کسانی را که کافر بوده اند گروه گروه به جهنم برانند و چون به جهنم رسند و درهای آن گشوده

شود خزانه داران جهنم گویندشان مگر پیغمبرانی از خودتان سوی شما نیامدند که آیه های پروردگارتان را برای شما بخوانند و به دیدار این روزتان بیمتان دهند، گویند: چرا ولی کلمه (خدا در مورد) عذاب کافران محقق شده بود۷۱ گویندشان از درهای جهنم درون شوید و جاودانه در آن باشید که جایگاه تکبر کنان چه بد است۷۲ و کسانی را که از پروردگارشان ترسیده اند گروه گروه به بهشت برآیند و چون بهشت رسند و درهای آن گشوده شود و خزانه داران بهشت گویندشان درود بر شما خوش باشید و جاودانه به بهشت درون شوید۷۳ و گویند ستایش خدائی را که وعده خویش با ما راست کرد و این سرزمین میراث ما کرد که در بهشت هر کجا خواهیم جا گیریم و پاداش اهل عمل چه نیك است۷٤ و فرشتگان را بینی که عرش را احاطه کرده اند و به ستایش پرورد گارشان تسبیح گویند و میان شان به حق داوری کنند و گفته شود ستایش خاص خدا که پروردگار جهانیان است. ۷۵

سوره مؤمن ٤٠

سوره مؤمن، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

حا، میم۱ نزول این کتاب از جانب خدای نیرومند داناست۲ بخشنده گناهان و پذیرنده توبه ها، و سنگین مجازات و صاحب نعم، خدائی جز او نیست و سرانجام به سوی اوست۳ درباره آیه های خدا جز کسانی که کافرند مجادله نمی کنند پس گشتنشان در شهر، تو را نفریبد٤ پیش از آنها قوم نوح و از پی آنها دسته های دیگر تکذیب [پیغمبران] کردند و هر امتی قصد پیغمبر خویش کردند که او را بگیرند و به باطل مجادله کردند تا به وسیله آن حق را زایل کنند، پس مؤاخذه شان کردیم و مجازات من چه سخت بوده و بدینسان سخن پروردگارت در باره کسانی که کافر بودند محقق گشت که آنها اهل جهنمند٦ کسانی که حامل عرشند و آنها که اطراف آنند به ستایش پروردگارشان تسبیح گویند و بدو ایمان دارند و برای مؤمنان آمرزش طلبند. پرورد گارا رحمت و علم تو به همه چیز می رسد کسانی را که توبه آورده و طریق تو را پیروی کرده اند بیامرز و از عذاب جهنم نگاهشان دار۷ پروردگارا و به بهشت های جاوید که به ایشان و پدرانشان، هر که صالح بوده و همسران شان و فرزندان شان و عده داده ای درونشان بر که تو نیرومند و فرزانه ای۸ و از بدی ها نگاهشان دار و هر که

را اکنون از بدی ها نگاه داری، بدو رحم کرده ای و کامیابی بزرگ همین است۹ و کافران را ندا کنند که دشمنی خدا سخت تر از دشمنی شما نسبت به خودتان است که به ایمان دعوت می شدید و انکار می کردید۱۰ گویند پروردگارا ما را دو بار بمیراندی و دوبار زنده کردی ما به گناهان خویش اعتراف داریم آیا راهی سوی برون رفتن هست۱۱ چنین است، زیرا که وقتی خدا به تنهائی خوانده میشد انکار می کردید و اگر به شریك قرین می شد، تصدیق می کردید، پس قضاوت با خدای والای بزرگ است۱۲ اوست که آیه های خویش به شما می نمایاند و از آسمان روزی ای به شما نازل می کند اما جز آنکه [سوی خدا] باز گردد پند نمیگیرد۱۳ خدا را بخوانید و دین خاص او کنید و گرچه کافران کراهت داشته باشند۱٤ بالابرنده مرتبت ها وصاحب عرش که وحی را از فرمان خویش به هر کس از بندگانش بخواهد القا میکند تا از روز تلافی بیم دهد۱٥ روزی که همگان نمایان شوند و چیزی از آنها بر خدا نهان نباشد، آن روز پادشاهی خاص کیست خاص خدای یگانه قهار۱٦ آن روز هر کسی را هرچه کرده پاداش دهند آن روز ستم نیست که خدا تند حساب است۱۷ از آن روز نزدیك بترسانشان، وقتی که دلها با فرو بردن خشم نزدیك گلوهاست و ستمگران نه دوستی دارند و نه شفیعی که مطاع باشد۱۸ حرکت دیدگان را با آنچه در سینه ها نهان است می داند۱۹ خدا به حق قضاوت میکند و کسانی که سوای اویند، قضاوتی نمی کنند که خدا، همو شنوا و بیناست۲۰ چرا در زمین نمی گردند تا بنگرند سر انجام کسانی که پیش از ایشان بوده اند و قوت و آثارشان از آنها بیش بوده چسان بود که خدا به گناهانشان بگرفت شان و در قبال خدا نگهداری نداشتند۲۱ چنین بود، زیرا پیغمبرانشان با دلایل روشن سویشان آمده بودند و انکار ورزیدند و خدا بگرفتشان که وی نیرومند و سنگین مجازات است۲۲ موسی را با آیه های خویش و دلیلی آشکار۲۳ به سوی فرعون وهامان و قارون فرستادیم و گفتند: جادوگری دروغگوست۲٤ و چون حق را از جاب ما سوی ایشان بیاورد، گفتند: فرزندان کسانی را که برایمان آورده اند بکشید و زنانشان را زنده نگه دارید، و نیرنگ کافران جز به گمراهی نیست۲٥ فرعون گفت: مرا بگذارید موسی را بکشم، و او خدای خویش بخواند که من بیم دارم دینتان را دگرگون کند یا در این سرزمین تباهی پدید آرد۲٦ موسی گفت: از شر متکبرانی که به روز حساب ایمان ندارند به پروردگار خودم و پروردگار شما پناه میرم۲۷ مرد مؤمنی از فرعونیان که ایمان خویش نهان می داشت گفت: چرا مردی را برای این گفتار: پروردگار من خدای یکتاست می کشید در صورتی که دلیل های روشن از جانب پروردگارتان برای شما آورده است، اگر دروغگو باشد دروغش به گردن او است و اگر راستگو باشد شمه ای از آنچه با شما وعده می کند، به شما می رسد که خدا کسی را که افراط کار و دروغگو باشد هدایت نمیکند،۲۸ ای قوم اکنون شما پادشاهی دارید و در این سرزمین مسلطید اگر عذاب خدا بیایدمان، در قبال آن کی یاریمان می کند فرعون گفت: جز رای خویش به شما ننمودم و جز به راه کمال هدایتتان نمیکنم۲۹ آنکه ایمان داشت گفت: ای قوم من برشما از روزگاری

مانند دسته های دیگر بیم دارم۳۰ مانند حال قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که از پی آنها بودند و خدا برای بندگان ستم نمیخواهد۳۱ ای قوم من بر شما از روز ندا زدن، بیم دارم۳۲ روزی که باز گشت کنان پستان آرند و در قبال خدا نگهداری ندارید و هر که را خدا گمراه کند رهبری ندارد۳۳ یوسف نیز از پیش با دلایل روشن سوی شما آمد و پیوسته از آنچه سوی شما آورده بود به شك بودید و چون بمرد گفتید: خدا پس از او هرگز پیغمبری مبعوث نمی کند. چنین خدا هرکه را افراط کار و شکاك باشد گمراه می کند۳٤ کسانی که درباره آیه های خدا بدون آنکه دلیلی داشته باشند مجادله کنند نزد خدا و نزد کسانی که ایمان دارند، سخت مبغوضند، خدا بر قلب متکبران ستمگر چنین مهر می نهد۳۵ فرعون گفت: ای هامان بنائی بلند برای من بساز شاید۳٦ به راهها یعنی راههای آسمانها برسم و خدای موسی را ببینم که من او را دروغگو می پندارم چنین ، بدکاری فرعون برای او، آرایش گرفت و از راه به در رفت و نیرنگ فرعون، جز به تباهی نبود۳۷ آنکه ایمان داشت گفت: ای قوم مرا پیروی کنید تا به راه کمال هدایتتان کنم۳۸ ای قوم این زندگی دنیا فقط تمتعکی است و آخرت سرای بقاست۳۹ هر که بدی کند جز مانند آن سزا نبیند و هرکه عمل شایسته کند و مؤمن باشد آنها به بهشت درون شوند و در آن بی حساب روزیشان دهند٤۰ ای قوم چه شده که من شما را به سوی نجات دعوت می کنم و شما مرا سوی جهنم دعوت می کنید٤۱ مرا دعوت می کنید که به خدا کافر شوم و چیزی را که درباره آن علم ندارم با او شریك کنم و من شما را سوی خدای نیرومند آمرز گار دعوت می کنم٤۲ بی گفتگو آنچه مرا به سوی آن دعوت میکنید در این دنیا و در آخرت دعوتی [شایسته] ندارند و بازگشت ما سوی خداست و افراط- کاران خودشان اهل جهنمند٤۳ زود باشد که آنچه را به شما می گویم به یاد آورید و من کار خویش به خدا وا می گذارم که خدا به کار بندگان بیناست٤٤ خدا از آن نیرنگ های بـد که می زدند نگاهش داشت و عذاب سخت به فرعونیان رسید٤۵ جهنم که بامداد و شبانگاه نزدیك آن شوند و روزی که رستاخیز به پا شود فرعونیان را به عذاب سخت درون برند٤٦ آن دم که در جهنم محاجه کنند و زبونان به کسانی که بزرگی کرده- اند گویند: ما پیرو شما بودیم آیا سهمی از این آتش از ما دفع توانید کرد٤۷ کسانی که بزرگی کرده اند گویند: ما همگی در جهنمیم که خدا میان همه بندگان حکم کرده است٤۸ و کسانی که در جهنمند به خزانه- داران آن گویند، پروردگارتان را بخوانید که یك روز از این عذاب به ما تخفیف دهد٤۹ گویند: مگر پیغمبرانتان با دلایل روشن سوی شما نیامدند گویند: چرا، گویند: دعا کنید که دعای کافران جز به گمراهی نیست۵۰ ما پیغمبران خویش را با کسانی که ایمان آورده اند، در زندگی این دنیا و روزی که گواهان قیام کنند، یاری میکنیم۵۱ روزی که ستمگران را عذر آوردنشان سود ندهد و لعنت و سرای بد دارند۵۲ موسی را هدایت دادیم و آن کتاب را که هدایت و پند صاحبان خرد بود۵۳ میراث پسران اسرائیل کردیم۵٤ صبر کن که وعده خدا حق است، آمرزش گناه خویش بخواه و شبانگاه و بامداد به ستایش پروردگارت تسبیح گوی۵۵ کسانی که

درباره آیه های خدا بدون دلیلی که سویشان آمده باشد مجادله کنند، در دلهایشان بزرگی هست که هرگز بدان نرسند به خدا پناه جوی که وی شنوا و بیناست٥٦ خلقت آسمانها و زمین از خلقت مردم مهم تر است اما بیشتر مردم نمی دانند٥٧ کور و بینا یکسان نیستند و نه کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند با بدکار و پندی که می پذیرید اندکست٥٨ رستاخیز آمدنیست و شک در آن نیست ولی بیشتر مردم باور نمی دارند٥٩ پروردگارتان گفته: مرا بخوانید تا اجابتتان کنم کسانی که از پرستیدن من بزرگی کنند به خواری به جهنم درون خواهند شد٦٠ خداست که برای شما شب را پدید کرد تا در آن آرام گیرید و روز را روشن کرد که خدا با مردم صاحب کرم است ولی بیشتر مردم سپاس نمی دارند٦١ این خدای یکتا پروردگار شما، خالق همه چیز است، خدائی جز او نیست پس کجا سرگردان می شوید٦٢ کسانیکه آیه های ما را منکر شوند، چنین سرگردان می شوند٦٣ خداست که زمین را برای شما قرارگاهی کرد و آسمان را بنائی کرد و نقشبندیتان کرد و صورتهای شما نیکو کرد و از چیزهای پاکیزه روزیتان داد، این خدای یکتا پروردگار شماست، بزرگست خدای یکتا پروردگار جهانیان٦٤ زنده جاوید اوست، خدائی جز او نیست، او را بخوانید ودین خاص او کنید که ستایش خاص پروردگار جهانیان است٦٥ بگو: هنگامی که دلایل روشن از پرورد گارم سوی من آمد مرا از پرستش آن چیزها غیر خدا که می خوانید منع کرده اند و مامور شده ام مطیع پروردگار جهانیان باشم٦٦ اوست که شما را از خاکی آفرید آنگاه از نطفه ای، آنگاه از پاره گوشتی آنگاه شما را به صورت طفلی برون آرد، تا بقوت رسید، آنگاه پیران شوید بعض شما از پیش بمیرد [و بقیه بمانید] تا مدتی معین رسند، شاید تعقل کنید٦٧ اوست که زنده کند و بمیراند و چون چیزی را اراده کند بدان گوید باش و وجود یابد ٦٨ مگر آن کسان را که در مورد آیه های خدا مجادله می کنند نبینی چگونه [از ایمان] منصرف می شوند٦٩ کسانی که کتابهای ما را با تعلیماتی که پیغمبران خویش را با بلاغ آن فرستاده ایم انکار کنند به زودی خواهند دانست٧٠ وقتی که غل-ها با زنجیرها به گردن دارند و در آب جوشان کشیده شوند٧١ و پس از آن در آتش سوخته شوند٧٢ پس از آن گویندشان آن چیزها غیر خدا که [با او] شریك می کردید کجایند٧٣ گویند: از نزد ما گم شده اند و اصلا ما از پیش چیزی را نمی خواندیم. خدا کافران را چنین گمراه می کند٧٤ این برای آن تفریح هاست که در زمین به ناحق می کرده اید و برای آن خوشی ها [ی ناروا] است که می کرده اید٧٥ از درهای جهنم درون شوید و جاودانه در آن باشید که جایگاه متکبران چه بد است٧٦ صبر کن که وعده خدا حق است، یا بعضی از آن عذاب که به ایشان وعده می کنیم به تو بنمایانیم یا تو را بمیرانیم و بسوی ما باز گشت یابند٧٧ پیش از تو پیغمبران فرستاده ایم، بعضی از آنها خبرشان را برای تو نقل کرده ایم و بعضی دیگر خبرشان برای تو نقل نکرده ایم، هیچ پیغمبری حق نداشت بی اجازه خدا آیه ای بیارد و چون فرمان خدا بیاید، به حق انجام شود و در آن هنگام ابطال گران زیان کنند٧٨ خداست که برای شما حیوانات را پدید کرد، تا بر آن سوار شوید و از

آن بخوريد۷۹ و شما را در آن منفعت هاست تا سوار بر آن به قصدی که بدل دارید برسید و بر آن و بر کشتی حمل می شوید۸۰ و آیه های خویش به شما می نمایاند، پس کدام آیه خدا را منکر می شوید۸۱ چرا در زمین نمی گردند تا بنگرند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند و قوت و آثارشان بیش از آنها بود چسان بود و آن چیزها که به دست می آوردند کاری برایشان نساخت۸۲ و چون پیغمبرانشان با دلایل روشن سویشان آمدند به علمی که نزدشان بود شادمان شدند و عذابی که به استهزای آن می پرداختند به ایشان رسید۸۳ و چون صلابت ما بدیدند گفتند: فقط به خدا ایمان داریم و به آن چیزها که با وی شریک می کردیم کافریم۸٤ ولی هنگامی که صلابت ما را دیده بودند ایمان آوردنشان سودشان نمی داد، روش خداست که درباره بندگانش جاریست و کافران در آنجا زیان کردند. ۸۵

سوره حم السجدة ٤١

سوره حم سجده، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

حا، میم۱ اینکه از جانب رحمان رحیم نازل شده۲ کتابیست که آیه های آن برای گروهی که می دانند توضیح شده و قرآنی عربیست که بشارت آور و بیم رسان است۳ اما بیشترشان روی گردانیده اند و نمی شنوند٤ گویند: دلهای ما از [فهم] آنچه بدان دعوتمان می کنید در پرده هاست و گوش هایمان سنگین است و میان ما و تو حایلی هست، پس عمل کن که ما نیز عمل کنانیم۵ بگو: من فقط بشری مانند شمایم که به من وحی می شود که خدای شما فقط خدای یگانه است، در توجه بدو استوار باشید و از او آمرزش بخواهید و وای بر مشرکان٦ همان کسان که زکات ندهند و خودشان، آخرت را منکرند۷ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند پاداش بی منت دارند۸ بگو: چرا شما به آنکه زمین را به دو روز آفرید کافر می شوید و برای او همتاها می- نهید، این، پروردگار جهانیان است۹ و به چهار روز دیگر روی زمین لنگرها پدید کرد و در آن برکت نهاد و خوردنی های آن مقرر کرد، که برای پرسش کنان [چهار روز] کامل است۱۰ آنگاه به آسمان پرداخت که بخاری بود و به آن و به زمین گفت، به رغبت یا کراهت بیایید، گفتند، به رغبت آمدیم۱۱ و به دو روز آن را هفت آسمان کرد و به هر آسمانی فرمان خویش وحی کرد و آسمان نزدیك را به چراغها بیاراستیم و آنرا محفوظ داشتیم، این نظم خدای نیرومند داناست۱۲ اگر روی بگردانند بگو: من شمارا از صاعقه ای

نظیر صاعقه عاد و ثمود بیم می دهم۱۳ وقتی که پیغمبران از جلو رویشان و پشت سرشان سویشان آمدند که جز خدای یگانه را عبادت مکنید، گفتند: اگر پروردگارمان می خواست فرشتگانی می فرستاد و ما آئینی را که به ابلاغ آن فرستاده اندتان منکریم۱٤ اما عادیان در زمین به ناحق بزرگی کردند و گفتند کی به قوت از ما بیشتر است مگر ندانستند خدائی که خلقشان کرده به قوت از آنها بیشتر است که آیه های ما را انکار می کردند۱٥ پس در روزهای شوم بادی سرد و سخت به آنها فرستادیم تا عذاب خفت را در زندگی این دنیا به آنها بچشانیم و عذاب آخرت خفت انگیز تر است و آنها یاری نمی شوند۱٦ اما ثمودیان را هدایت [آماده] کردیم و کوردلی را به هدایت ترجیح دادند و به سزای اعمالی که می کردند، صاعقه عذاب خوار کننده، بگرفتشان۱۷ و کسانی را که ایمان داشتند و پرهیز گاری می کردند نجات دادیم۱۸ و روزی که دشمنان خدا را سوی جهنم محشور کنند، همگی را برانند۱۹ تا چون به جهنم رسند گوش و دیدگان و پوست هایشان بر ضد آنها اعمالی را که میکرده اند شهادت دهند۲۰ به پوستهای خویش گویند چرا برضد ما شهادت دادید، گویند: خدائی که همه چیز را به حق پدید آورده و نخستین بار شما را آفریده و سوی او بازگشت می یابید ما را نیز به سخن آورد۲۱ شما از اینکه گوش و دیدگان و پوست هایتان شاهد اعمالتان باشند پوشیدگی نمی کردید لکن گمان داشتید خدا بسیاری از اعمالی را که می کنید نمی داند۲۲ این گمان شما بود که به پروردگارتان می بردید و شما راهلاک کرد و از زیان کاران شدید۲۳ اگر صبوری کنند، جهنم جایشان است و اگر خشنودی [جویند] خشنودی نیابند۲٤ و برای ایشان همدمان انگیختیم که آنچه را در پیش دارند و آنچه را پشت سر دارند برای ایشان بیارایند و گفتار خدا ضمن امتهای جن و انس که پیش از آنها بوده اند درباره ایشان نیز محقق گشته که آنها زیان کارانند۲٥ و کسانی که کافرند گویند: به این قرآن گوش ندهید و یاوه در آن افکنید شاید غلبه یابید۲٦ کسانی را که کافرند عذابی سخت کنیم و بدتر از آن که میکرده اند مجازاتشان دهیم۲۷ این سزای دشمنان خداست، جهنم است که به سزای آن انکار که در مورد آیه های ما می کرده اند، در آن سرای جاوید دارند۲۸ و کسانی که کافرند گویند: پروردگارا آن دو تن، جن و آدمی، را که به گمراهی ما پرداخته اند، نشانمان ده تا آنها را زیر قدمهای خویش نهیم و حقیر شوند۲۹ کسانی که گفته اند پروردگار ما خدای یکتاست و سپس پایداری کرده- اند فرشتگان به ایشان نازل شوند که بیم مدارید و غم مخورید و به بهشتی که به آن وعده تان می داده- اند شادمان باشید۳۰ ما در زندگی دنیا دوستان شمائیم و در آخرت نیز که در آنجا هر چه دلهایتان بخواهد دارید و در آنجا هر چه طلب کنید دارید۳۱ ما حضر خدای آمرزگار رحیم است۳۲ کیست که گفتار وی از آنکه به سوی خدا دعوت کند و عمل شایسته کند و گوید من مسلمانم، بهتر است۳۳ بدی و نیکی یکسان نیست [بدی را] به آنچه نیکوتر است دفع کن، آن وقت گویی آنکه میان تو و او دشمنی ای بود، دوستی مهربان است۳٤ و این خصلت را جز کسانی که صبوری کرده اند فرا نگیرند و این خصلت را جز دارای موهبت

بزرگ فرا نگیرد۳۵ اگر از شیطان وسوسه ای به تو رسد به خدا پناه جوی که او شنوا و داناست۳٦ از جمله آیه های وی شب و روز و خورشید و ماه است، خورشید و ماه را سجده نکنید، بلکه خدائی را که خلق آنها کرده سجده کنید اگر پرستش او می کنید۳۷ اگر بزرگی کنند، کسانی که در پیشگاه پروردگار تواند شب و روز تسبیح او می کنند و خسته نمی شوند۳۸ از جمله آیه های وی اینست که زمین را خشکیده بینی و چون آب بر آن نازل کنیم، بجنبد و بر آید، آنکه زمین را زنده کند، زنده کننده مردگان نیز هست که او به همه چیز تواناست۳۹ کسانی که در مورد آیه های ما منحرف شوند از ما مخفی نمی مانند، آیا آنکه در آتش افکنده شود بهتر است یا آنکه روز رستاخیز ایمن بیاید، هر چه خواهید عمل کنید که خدا به اعمالی که می کنید بیناست٤٠ کسانی که این قرآن را وقتی بیامدشان انکار کردند [مجاز اتشان کنیم] که این کتابی ارجمند است٤١ باطل از پیش رویش و از پشت سرش بدان در نیاید و از جانب خدای فرزانه ستوده نازل شده است٤٢ به تو جز آنچه به پیغمبران سلف گفته اند نمی گویند پروردگارت صاحب مغفرت وهم صاحب مجازاتی الم انگیز است٤۳ اگر کتاب خویش را قرآنی عجمی کرده بودیم، می گفتند چرا آیه های آن را توضیح نداده اند؟ قرآنی عربی و مستمع عربی؟ بگو قرآن برای کسانی که ایمان دارند هدایت و شفاست و کسانی که ایمان ندارند گوش هایشان سنگین است و از درك آن کوردلند آنها را از مکانی دور ندا میزنند٤٤ موسی را آن کتاب دادیم و در آن اختلاف شد که اگر سخن پروردگارت از پیش بر این نرفته بود، میانشان قضاوت شده بود که آنها درباره آن به شك اندرند٤٥ هر که عملی شایسته کند برای خویش می کند و هر که بد کند به ضرر اوست و پروردگارت ستمگر بندگان نیست٤٦ علم رستاخیز مربوط به اوست میوه ها جز با علم او از غلاف هایشان در نیایند و مادگان بار برندارند و نگذارند. روزی که خدا ندایشان کند که شریکان من کجایند. گویند به تو اعلام می کنیم که میان ما گواهی نیست٤۷ و بتانی که از پیش می خوانده اند نابود شوند و یقین کنند که گریز گاهی ندارند٤۸ انسان از خواستن خواسته خسته نمیشود و چون بدی به او رسد مایوس و نومید است ٤۹ و اگر از جانب خویش از پس محنتی که بدو می رسد رحمتی به او دهیم گوید این از منست و گمان ندارم رستاخیز به پا شود و اگر به سوی پروردگارم برند، مرا نزد وی نکوئی هست کسانی را که کافرند از اعمالی که کرده اند خبر دهیم و عذابی سختشان بچشانیم۵۰ و چون انسان را نعمتی دهیم روی بگرداند و بزرگی کند و چون بدی رسدش دعایی مفصل دارد۵۱ این بگو: مرا خبر دهید اگر قرآن از جانب خدا باشد و با وجود این شما منکر آن شده اید کی از آن که در خلافی دور باشد گمراه تر است۵۲ به زودی آیه های خویش را در ضمیرهایشان به آنها نشان می دهیم تا محققشان شود که قرآن حق است مگر پروردگارت بس نیست که او به همه چیز گواهست۵۳ بدانید که آنها از رفتن به پیشگاه پروردگارشان به شك درند بدانید که خدا به همه چیز احاطه دارد.٥٤

سوره شوری ٤٢

سوره شوری، در مکه نازل شده است.

به نام خدای رحمان رحیم

حا، میم۱عین، سین، قاف۲ خدای نیرومند و فرزانه به تو و به کسانی که پیش از تو بوده اند، چنین وحی میکند۳ هر چه در آسمانها و زمین هست از اوست و او والا و بزرگ است٤ نزدیک است آسمانها از بالای یکدیگر بشکافند فرشتگان به ستایش پروردگارشان تسبیح می کنند و برای کسانی که در زمینند آمرزش می-طلبند، بدانید که خدا، همو آمرزگار و رحیم است٥ کسانی که سوای خدا دوستان گرفته اند خدا مراقب آنهاست و تو کارگزارشان نیستی٦ چنین ، قرآنی عربی به تو وحی کردیم تا ما در دهکده ها را با هر که اطراف آن هست بیم دهی و از روز اجتماع که شك در آن نیست بترسانی که گروهی در بهشتند و گروهی در جحیم۷ اگر خدا می خواست مردم را یك امت کرده بود ولی هر که را خواهد به رحمت خویش درون می برد و ستمگران دوست و یاوری ندارند۸ مگر سوای او دوستان گرفته اند که دوست حقیقی خداست همو مردگان را زنده می کند و به همه چیز تواناست۹ و هر چه در آن اختلاف کنید. آن مربوط به خداست، این خدای یکتا پروردگار منست بدو تو کل می کنم و بدو باز می گردم۱۰ خالق آسمانها و زمین است شمارا از خودتان جفت-ها آفرید و حیوانات را نیز جفت ها آفرید و بدینوسیله افزونتان کند. هیچ چیز همانند او نیست و همو شنوا و بیناست۱۱ کلیدهای آسمانها و زمین از اوست، روزی هر که را خواهد گشایش دهد دهد یا تنگ گیرد که او به همه چیز داناست۱۲ از امور دین آنچه را به نوح سفارش کرده بودیم و آنچه را به تو وحی کرده ایم و آنچه را به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کرده بودیم برای شما مقرر کرد که این دین را به پا دارید و در آن تفرقه نیفکنید چیزی که مشرکان را سوی آن می خوانید برای ایشان گرانست، خدا هر که را خواهد به طرف آن کشاند و هر که [بسوی خدا] باز گردد، بدان هدایتش می کند۱۳ [مردم سلف] پراکنده نشدند مگر از حسد یکدیگر، از پس آنکه علم سوی ایشان آمده بود، اگر گفتار پروردگارت از پیش برای مدتی معین بر این نرفته بود میانشان قضاوت شده بود، کسانی که پیش از آنها کتاب آسمانی را به میراث برده اند، در باره آن به شکی سخت درند۱٤ برای همین دعوت کن و چنانکه فرمانت داده اند استوار باش و هوس هایشان را پیروی مکن و بگو به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان دارم و فرمان یافته ام که میان شما عدالت کنم، خدای یکتا

پروردگار ما و پروردگار شماست اعمال ما خاص ماست و اعمال شما خاص شماست، محاجه ای میان ما و شما نیست خدا ما را مجتمع می کند و سر انجام سوی اوست۱۵ و کسانی که درباره خدا، پس از آنکه او را اجابت کرده اند، محاجه کنند احتجاج شان نزد پروردگارشان بیهوده است، مورد غضبند و عذابی سخت دارند۱٦ خداست که کتاب و مقیاس عدالت را به حق نازل کرد تو چه دانی، شاید رستاخیز نزدیك باشد۱۷ کسانی که رستاخیز را به شتاب می خواهند وقوع آن را باور ندارند و کسانی که ایمان دارند از آن هراسانند و دانند که رستاخیز حق است بدانید آنها که در باره رستاخیز مجادله کنند در ضلالی دورند۱۸ خدا به کار بندگان خویش دقیق است، هر که را خواهد روزی دهد و همو توانا و نیرومند است۱۹ هر که کشت آن سرای خواهد، کشت او بیفزاییم و هر که کشت دنیا خواهد از آنش دهیم و وی را در دنیای دیگر نصیب نیست۲۰ مگر مشرکان شریکان دارند که برای ایشان کیشی که خدا اجازه آن نداده مقرر کرده اند اگر کلمه نهائی در میان نبود، میانشان قضاوت می شد که ستمگران عذابی الم انگیز دارند۲۱ ستمگران را بینی که از آنچه کرده-اند هراسانند ولی سزای آن به ایشان می رسد و کسانی که ایمان دارند و کارهای شایسته کرده اند در نزهتگاههای بهشتند و هر چه بخواهند، نزد پروردگارشان دارند و کرم بزرگ همینست۲۲ اینست که خدا به بندگان خویش که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند نوید می دهد، بگو: من از شما برای پیغمبری مزدی به جز مؤدت خویشاوندان نمیخواهم هر که کار نیکی کند نیکی ای بر آن بیفزائیمش که خدا آمرزگار و حق گزار است۲۳ مگر گویند دروغی به خدا بسته، اگر خدا خواهد به قلب تو مهر نهد و خدا با کلمات خویش، حق را استوار و باطل را زایل کند که وی دانای مکنونات سینه هاست۲٤ اوست که توبه بندگان خویش پذیرد و گناهان را ببخشد و داند چه می کنید۲۵ و کسانی را که ایمان دارند و اعمال شایسته کنند اجابت کند و از کرم خویش افزونشان دهد و کافران عذابی سخت دارند۲٦ اگر خدا روزی بندگانش را گشایش دهد زمین سرکشی کنند ولی هر چه بخواهد به اندازه نازل می کند که به کار بندگانش آگاه و بیناست۲۷ اوست که پس از آن که نومید شده اند باران نازل کند و رحمت خویش بپراکند و او دوست دار و ستوده است۲۸ از جمله آیه- های وی خلقت آسمانها و زمین است و آن جانورها که در آن پراکنده است که همو، به فراهم کردن شان، اگر بخواهد تواناست۲۹ هر مصیبتی به شما رسد برای کار هائیست که دست هایتان کرده و بسیاری را نیز ببخشد۳۰ شما در زمین فرار کننده نیید و غیر خدا دوست و یاری ندارید۳۱ از جمله آیه های وی کشتی هاست که چون کوهها به دریا روانست۳۲ اگر خواهد باد را آرام کند و کشتی ها بر پشت آب بی حرکت شوند که در این برای صبوری پیشگان سپاس دار عبرت هاست۳۳ یا برای آن عملها که [کشتی نشینان] کرده اند هلا کشان کند و بسیاری را نیز ببخشد۳٤ و کسانی که در باره آیه های ما مجادله می کنند دانند که گریزگاهی ندارند۳۵ آنچه شما را داده اند کالای زندگی این دنیاست و آنچه نزد خدا هست برای کسانی که ایمان دارند و به

پروردگارشان تو کل کنند بهتر و پایدارتر است۳٦ همان کسان که از گناهان بزرگ و بد کاری کناره کنند و چون به خشم آیند ببخشند۳۷ و کسانی که پروردگارشان را اجابت کرده اند و نماز به پا دارند و کارشان مابینشان به مشورت است و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق کنند۳۸ و کسانی که چون ستمشان رسد انتقام گیرند۳۹ سزای بدی، بدی ای مثل آنست و هر که ببخشد و اصلاح کند، پاداش وی به عهده خداست که خداستمگران را دوست ندارد٤۰ و هر که از پی ستم دیدن انتقام گیرد، راه تعرضی بر علیه آنها نیست٤۱ راه تعرض بر علیه کسانی است که به مردم ستم کنند و در زمین به نا حق سرکشی کنند آنها عذابی الم انگیز دارند٤۲ و هر که صبر کند و در گذرد، این از کارهای مطلوب است٤۳ هر که را خدا گمراه کند غیر خدا دوستی ندارد و ستمگران را بینی که چون عذاب را بینند گویند آیا برای بازگشت راهی هست٤٤ و بینیشان که نزدیك جهنمشان برند و به خواری فروتنی کنند و از گوشه چشم بنگرند و کسانی که ایمان دارند گویند: زیانکاران آن کسانند که روز رستاخیز خودشان و کسان شان را زیان کرده اند، بدانید که ستمگران در عذاب دائمند٤٥ و غیر خدا دوستانی ندارند که یاری شان کنند و هر که را خدا گمراه کند راه [نجات] ندارد٤٦ پیش از آنکه روزی بیاید که از جانب خدا باز گشت ندارد، پروردگارتان را اجابت کنید که در آن روز پناهگاهی ندارید و انکار کردن نتوانید٤۷ اگر روی بگردانند ما تو را به نگهبانی ایشان نفرستاده ایم، به عهده تو جز بلاغ نیست، و ما وقتی انسان را رحمتی از جانب خویش دهیم بدان غره شود و اگر به سبب کارهایی که دست- هایشان از پیش کرده بدی ای به آنها رسد، انسان کفران پیشه است٤۸ پادشاهی آسمانها و زمین از خداست، هر چه بخواهد خلق کند هر که را خواهد دختر دهد و به هر که خواهد پسر دهد٤۹ یا پسران و دختران باهمشان دهد و هر که را خواهد عقیم کند که او دانا و تواناست٥۰ در خور هیچ انسانی نبود که خدا با او سخن گوید، مگر به وحی و از پس پرده ای یا آنکه فرستاده ای فرستد و به اذن او هر چه خواهد وحی آورد که او والا و فرزانه است٥۱ چنین، از جانب خویش قرآنی به تو وحی کردیم تو نمی دانستی کتاب و ایمان چیست ولی ما آن را نوری قرار دادیم که هر کس از بندگان خویش را خواهیم بدان هدایت کنیم و تو به راه راست هدایت می کنی٥۲ راه خدائی که هر چه در آسمانها و هر چه در زمین هست از اوست و کارها به سوی خدا باز می گردد.٥۳

سوره زخرف ٤٣

سوره زخرف، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

حا، میم١ قسم به این کتاب روشن٢ ما این کتاب را قرآنی عربی کردیم شاید شما تعقل کنید٣ که قرآن در مایه کتابها، نزد ما، والا و فرزانه است٤ آیا ما تذکار را از شما، برای آن که گروهی افراط کارید، یک سره باز می داریم٥ و چه بسیار پیغمبران به گذشتگان فرستادیم٦ و پیغمبری سویشان نیامد مگر او را مسخره میکردند٧ نیرومند ترینشان را هلاک کردیم و وصف گذشتگان گذشت٨ اگر ار مشرکان پرسی آسمانها و زمین را کی آفریده گویند خدای نیرومند دانا آن را آفریده٩ همانکه زمین را بستر شما کرده و برایتان در آن راهها کشیده شاید هدایت شوید١٠ همانکه از آسمان آبی نازل کرده و دیار مواتی را بدان زنده کرده [شما نیز] چنین [از گورها] برون می شوید١١ همانکه همه اصناف را آفریده و برای شما از کشتی و حیوانات چیزها آفریده که سوار می شوید١٢ که بر پشت آن استقرار یابید آنگاه چون بر آن استقرار یافتید نعمت پروردگارتان را یاد کنید و گوئید: منزه است آنکه این را رام ما کرد که ما طاقت آن نداشتیم١٣ و ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم١٤ برای خدا از بندگانش قسمتی نهاده اند که انسان کفران پیشه ای هویداست١٥ آیا خدا از مخلوقات خویش دختران گرفته و پسران را خاص شما کرده است١٦ و چون یکیشان را بدان چه نظیر رحمان گرفته بشارت دهند چهره اش سیاه گردد و دل غمین شود١٧ مگر آنکه در زیور بزرگ می شود و در پیکار نمایان نیست، [خاص خداست] ١٨ و فرشتگان را که بندگان خدای رحمانند مادگان شمارند، مگر موقع خلقتشان حضور داشته اند؟ گواهی ایشان را خواهند نوشت و بازخواست می شوند١٩ گویند: اگر خدای رحمان می خواست ما عبادت فرشتگان نمی کردیم در این باب علمی ندارند و جز تخمین نمی زنند.٢٠ مگر پیش از قرآن کتابی به ایشان داده ایم که بدان تمسك جویند٢١ بلکه گویند: ما پدران خویش را بر آئینی یافته ایم و ما از پی ایشان ره یابانیم٢٢ چنین، پیش از تو به دهکده ای بیم رسانی نفرستادیم جز آنکه منعمانش گفتند: ما پدران خویش را بر آئینی یافته ایم و ما به دنبال ایشان کشیده شدگانیم٢٣ گفت: و گرچه آئینی راهنماینده تر از آنچه پدران خویش را بر آن یافته اید، برایتان آورده باشم [باز پیروی آنها میکنید] گفتند ما به آئینی که شما را با بلاغ آن فرستاده اند کافریم٢٤ پس، از آنها انتقام گرفتیم، بنگر عاقبت تکذیب کنان چسان بود٢٥ و چون ابراهیم به پدرش و قومش گفت: من از بتانی که می پرستید بیزارم٢٦ مگر آنکه ایجادم کرده که او هدایتم خواهد کرد٢٧ و یکتاپرستی را در اعقاب خویش، سخنی پاینده کرد شاید مشرکان بازگردند٢٨ [بازنگشتند] و

اینان را با پدران شان برخوردار کردم تا حق و پیغمبری آشکار سوی ایشان آمد۲۹ و چون حق سوی ایشان آمد گفتند: این جادوست و ما منکر آنیم۳۰ گفتند: چرا این قرآن را به مرد بزرگی از این دو دهکده نازل نکردند۳۱ مگر آنها رحمت پروردگار تو را تقسیم می کنند؟ مائیم که معاششان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده ایم و آنها را به مرتبت بالای یکدیگر برده ایم تا همدیگر را مسخره گیرند اما رحمت پروردگارت از اموالی که جمع می کنند بهتر است۳۲ اگر نه همه مردم يك امت می شدند، برای کسانی که خدای رحمان را منکر شده اند، برای خانه هایشان سقفها از نقره می کردیم با پله ها که بر آن بالا روند۳۳ و برای خانه-هایشان درها [از نقره] می کردیم و تختها که بر آن تکیه زنند۳٤ با طلاها، و همه اینها کالای زندگی دنیاست و سرای دیگر نزد پروردگارت خاص پرهیزکاران است۳۵ و هر که از ذکر خدای رحمان اعراض کند دیوی را به او گماریم که قرین وی باشد۳٦ و دیوان گمراهشان کنند و پندارند که هدایت یافته اند۳۷ و چون نزد ما آید [به دیو خویش] گوید: ای کاش میان من و تو فاصله شرق و غرب بود که قرین بدی بودی۳۸ اکنون [آرزویتان] سودتان ندهد چونکه ستم کرده اید که شما در عذاب شریکید۳۹ مگر تو کر را شنوا توانی کرد و یا کور را با آنکه در ضلالی آشکار است هدایت می کنی٤۰ اگر تو را ببریم، از آنها انتقام خواهیم کشید٤۱ یا عذابی را که به آنها وعده داده ایم به تو مینمایانیم که بر آنها اقتدار دادیم٤۲ به آن چیزها که به تو وحی میشود تمسك جوی که به راهی راست هستی٤۳ قرآن برای تو و قوم تو تذکاریست و به زودی از آن باز خواست میشوید٤٤ از آن پیغمبران که پیش از تو فرستاده ایم تحقیق کن، آیا غیر خدای رحمان ، خدایانی قرار داده ایم که پرستیده شوند٤۵ و موسی را با آیه های خویش به سوی فرعون و بزرگان وی فرستادیم و گفت من پیغمبر خدای جهانیانم٤٦ و چون نشانه های ما را برای ایشان بیاورد، آنوقت به ریشخند آن پرداختند٤۷ معجزه ای به آنها ننمودیم مگر از معجزه پیش بزرگتر بود و به عذاب بگرفتیمشان شاید [از ضلال] باز گردند٤۸ گفتند: ای جادو گر به خاطر ما پروردگارت را به آن عهد که با تو نهاده بخوان که ما ره یافتگان خواهیم بود٤۹ و چون آن عذاب از ایشان برداشتیم آن وقت نقض پیمان کردند۵۰ و فرعون به قوم خویش ندا داد که ای قوم مگر پادشاهی مصر و این نهرها که در قلمرو من جاری است خاص من نیست، مگر بصیرت ندارید۵۱ و یا من از اینکه خوار است و سخن روشن نتواند گفت، بهترم۵۲ چرا دستبندهای طلا نزد او نیفکنده اند یا فرشتگان قرین یکدیگر، همراه او نیامده اند۵۳ پس قوم خویش را مجذوب خویش کرد و مطیع وی شدند که آنها گروهی عصیان پیشه بودند۵٤ و چون خشم ما را جلب کردند از آنها انتقام گرفتیم و همگی شان را غرق کردیم۵۵ و آنها را برای دیگران سابقه و مثال کردیم۵٦ و چون پسر مریم را مثال زنند، در دم قوم تو، از [شنیدن] آن فریاد شادی بر آرند۵۷ و گویند: خدایان ما بهترند یا او، این مثل برای تو جز به جدل نزنند که آنها گروهی پرخاشگرند۵۸ عیسی نبود مگر بنده ای که موهبتش دادیم و او را مقتدای پسران اسرائیل کردیم۵۹

اگر خواستیم به جای شما فرشتگان آوردیم که در این سرزمین جانشین شوند٦٠ و عیسی نشانه رستاخیز است، درباره رستاخیز شك مکنید و متابعت من کنید که این راه راست است٦١ و شیطان منحرفتان نکند که وی دشمن آشکار شماست٦٢ و چون عیسی با دلایل روشن بیامد گفت: برای شما فرزانگی آورده ام و تا بعضی چیزها را که درباره آن اختلاف دارید، برایتان بیان کنم پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید٦٣ خدای یکتا پروردگار من و پروردگار شماست، عبادت او کنید، این راه راست است٦٤ از میان آنها دسته ها مختلف شدند و وای بر آن کسان که ستم کرده اند از عذاب روزی الم انگیز٦٥ مگر انتظاری دارند به جز رستاخیز که ناگهان، در آن حال که بی خبرند، به ایشان در آید٦٦ در آن روز دوستان، به جز پرهیزکاران، دشمن همدیگرند٦٧ ای بندگان من نه بیمی برای شما هست و نه غمگین شوید٦٨ همان کسان که آیه های ما را باور کرده و مطیع بوده اند٦٩ شما و همسرانتان به بهشت درون شوید و مسرور باشید٧٠ طبقها وجامها از طلا بر آنها بگردانند که در آن هر چه دلها آرزوی آن کند و دیدگان را محظوظ سازد هست و شما در بهشت جاودانید٧١ این بهشتی است که آن را به پاداش اعمالی که می کرده اید به میراث برده اید٧٢ در آنجا میوه بسیار دارید و از آن می خورید٧٣ و تبهکاران در عذاب جهنم جاودانند٧٤ عذابشان سبك نشود و در آنجا نومید باشند٧٥ ما ستم شان نکرده ایم بلکه خودشان ستمگران بوده اند٧٦ و ندا کنند که ای مالك، پروردگارت جان ما را بگیرد گوید: شما ماندنی هستید٧٧ ما حق را سوی شما فرستادیم اما بیشترتان از حق کراهت داشتید٧٨ مگر کاری را استوار کرده اند که ما استوار کنانیم٧٩ یا پندارند که ما نهان گفتن و راز گفتنشان را نمی شنویم، چرا و فرستادگان ما نزد آنها نویسند٨٠ بگو اگر خدا فرزندی داشته باشد من نخستین پرستندگانم٨١ پروردگار آسمانها و زمین و پروردگار عرش، از آنچه وصف کنند، منزه است٨٢ بگذارشان یاوه گوئی کنند تا روز موعودشان را ببینند٨٣ اوست که در آسمان خداست و در زمین خداست و، همو، فرزانه و داناست٨٤ بزرگ است آن که پادشاهی آسمانها و زمین و هر چه میانشان هست خاص اوست و علم رستاخیز نزد اوست و بدو بازگشت می-یابید٨٥ کسانی سوای او که می خوانند اختیار شفاعت ندارند مگر آنها که به حق گواهی داده اند و خودشان [بدان] عارفند٨٦ اگر از آنها بپرسی کی خلق شان کرده خواهند گفت خدا پس چرا سرگردان می شوند٨٧ و پیغمبر گفت پروردگارا! اینان گروهی هستند که ایمان نمی آرند٨٨ از آنها چشم بپوش و سخنی ملایم بگو، به زودی خواهند دانست.٨٩

سوره دخان ٤٤

سوره دخان، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

حا، میم١ قسم به این کتاب روشن٢ که ما آن را در شبی مبارك نازل کرده ایم که ما ترساننده بودیم٣ در آن
شب هر کار محکمی را فیصل دهند٤ فرمانی از جانب ماست که ما فرستندگان بوده ایم٥ [و این فرستادن]
رحمتی از جانب پروردگار توست، که او شنوا و داناست٦ پروردگار آسمان و زمین با هر چه میانشان هست،
اگر یقین دارانید٧ خدائی جز او نیست، زنده کند و بمیراند پروردگار شما و پروردگار پدران قدیم شماست٨
اصلا مشرکان در شکی بازی می کنند٩ منتظر روزی باش که آسمان بخاری نمایان بیارد١٠ که مردم را فرا
گیرد و این عذابی الم انگیز است١١ [گویند] خدایا این عذاب از ما بردار که ما مؤمنیم١٢ چگونه پند توانند
گرفت که پیغمبری آشکارا به سوی ایشان آمد١٣ و روی از او بگردانیدند و گفتند تعلیم یافته ای دیوانه
است١٤ ما این عذاب را اندکی بر می داریم ولی شما [به کفر خویش] بازگشت کنانید١٥ روزی که سختی
بزرگ را پیش آریم که ما انتقام گیرانیم١٦ پیش از آنها نیز فرعون را به محنت انداختیم و پیغمبری ارجمند
سوی ایشان آمد١٧ که بندگان خدا را به من رد کنید که من پیغمبر امین شمایم١٨ بر من تفوق مجوئید که من
دلیلی روشن برایتان آورده ام١٩ و من از این که سنگسارم کنید به پروردگار خویش و پروردگار شما پناه می
برم٢٠ اگر باورم ندارید از من کناره کنید٢١ پس پروردگار خویش را بخواند که اینان گروهی گنهکارند٢٢
[گفتم] بندگان مرا شبانه راه ببر که شما تعاقب شدگانید٢٣ و دریا را [پشت سر خود] گشوده واگذار که آنها
سپاهی غرق شدنیند٢٤ چه باغها و چشمه سارها٢٥ و کشت زارها و جاهای خوب٢٦ و نعمتی که در آن
متنعم بودند وا گذاشتند٢٧ چنین، و ما آن را به گروهی دیگر دادیم٢٨ پس آسمان و زمین به ایشان گریه نکرد
و مهلت نیافتند٢٩ و پسران اسرائیل را از آن عذاب خفت انگیز رهانیدیم٣٠ از دست فرعون که وی تفوق
جوئی افراط کار بود٣١ و از روی علم بر اهل زمانه شان برگزیدیم٣٢ و آیه ها به ایشان دادیم که در آن
امتحانی هویدا بود٣٣ اما اینان گویند: ٣٤ جز مردن نخستین مان هیچ نیست و ما زنده بشو نیستیم٣٥ اگر
راست گوئید پدران ما را بیارید٣٦ آنها بهترند یا قوم تبع و کسانی که پیش از آنها بودند که چون گنهکار بودند
هلاکشان کردیم٣٧ آسمان را با زمین و هر چه میانشان هست بازیکنان نیافریده ایم٣٨ آنها را جز به حق
نیافریده ایم ولی بیشترشان نمیدانند٣٩ وعده گاه همگی شان روز فیصله است٤٠ روزی که دوستی برای
دوست خودکاری نسازد و آنها یاری نشوند٤١ مگر آنکه خدایش رحم کند که وی نیرومند و رحیم است٤٢ حقا

که درخت زقوم۴۳ غذای گهنکار است۴۴ چون مس گداخته در شکمها می جوشد۴۵ چون جوشیدن آب جوشان۴۶ بگیریدش و به میان جهنمش بکشید۴۷ آنگاه از عذاب آب جوشان روی سرش بریزید۴۸ بچش که تو همان نیرومند ارجمندی۴۹ این عذابیست که درباره آن شك داشتید۵۰ حقا که پرهیزکاران در جایگاهی ایمنند۵۱ در بهشت ها و چشمه سارها۵۲ دیبا و استبرق پوشند و روبروی همند۵۳ چنین و سفید پوستان سیاه چشم را جفت ایشان کرده ایم۵۴ در آنجا با ایمنی هر قسم میوه ای طلبند۵۵ و مرگی جز مردن اولشان نچشند و خدا از عذاب جهنم محفوظشان داشته است۵۶ کرم پروردگار توست که این کامیابی بزرگ است۵۷ و چون آنان را در تنگنایی از آن به زنجیر کشیده بیندازند آنجاست که مرگ خود را می خواهند۵۸ قر آن را به زبان تو روان کردیم شاید آنها پند گیرند منتظر باش که آنها نیز منتظرند.۵۹

سوره جاثیه ۴۵

سوره جاثیه، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

حا، میم۱ نزول این کتاب از خدای نیرومند فرزانه است۲ در آسمانها و زمین برای مؤمنان عبرتهاست۳ و در خلقت شما و این جانورها که پراکنده اند برای گروهی که به یقین رسیده اند عبرتهاست۴ تفاوت شب و روز و آن روزی که خدا از آسمان فرود آورده و زمین را از پس موات بودنش بدان زنده گردانیده و تغییر بادها برای گروهی که تعقل کننده عبرتهاست۵ این آیه های خداست که ما به حق بر تو می خوانیم، غیر خدا و آیه-های او کدام گفتار را باور می کنید۶ وای بر دروغ ساز گنه پیشه۷ که آیه های خدا را که بر او می خوانند بشنود آنگاه به تکبر کردن مصر شود گویی آن را نشنیده است. پس، به عذابی الم انگیزش بشارت بده۸ و چون از آیه های ما چیزی بداند آن را مسخره گیرد. آنها عذابی خفت انگیز دارند۹ پیش رویشان جهنم است و اموالی که که بدست آورده اند و دوستانی که غیر خدا گرفته اند کاری برایشان نسازد و عذابی بزرگ دارند۱۰ این قرآن راهنمائیست و کسانی که آیه های پروردگارشان را منکر شده اند عذابی از اضطراب الم انگیز دارند۱۱ خداست که دریا را رام شما کرد تا کشتی به فرمان وی در آن روان شود و از کرم وی روزی بجوئید و شاید سپاس دارید۱۲ و هر چه را در آسمانها و زمین هست از جانب خویش یکسره رام شما کرد که در این برای گروهی که اندیشه کنند عبرتهاست۱۳ به کسانی که ایمان دارند بگو کسانی را که از روزهای

خدا بیم ندارند ببخشند تا خدا گروهی را در اقبال اعمالی که می کرده اند سزا دهد١٤ هر که عمل شایسته ای کند برای خویش می کند و هر که بدی کند بر ضرر اوست آنگاه سوی پروردگارتان بازگشت می یابید١٥ پسران اسرائیل را کتاب و حکمت و پیغمبری دادیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان کردیم و بر اهل زمانه برتری شان دادیم١٦ و از کار دین دلیلهای روشن شان دادیم، اختلاف نکردند مگر از پس آنکه علم سویشان آمده بود و از حسد همدیگر، که پروردگارت روز رستاخیز در مورد مطالبی که در آن اختلاف می کرده اند میان ایشان قضاوت می کند. ١٧ آنگاه تو را به طریقی از دین نهادیم، پیرو آن باش و هوسهای کسانی را که دانش ندارند پیروی مکن١٨ آنها در قبال خدا کاری برای تو نمی سازند ستمگران دوستان همدیگرند و خدا دوست پرهیز گاران است١٩ این قرآن برای مردم بصیرت هاست و برای گروهی که به یقین پیوسته اند، هدایت و رحمت است٢٠ مگر کسانی که اعمال بد کرده اند پندارند که آنها را مانند کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند خواهیم کرد و زنده بودن و مردنشان یکسان است، قضاوتی که می کنند چه بد است٢١ خدا آسمانها و زمین را به حق آفریده تا هرکس در قبال اعمالی که کرده سزا بیند و آنها ستم نمی بینند٢٢ آیا کسی را که خدای خویش را هوس خویش گرفته و خدایش از روی علم به گمراهی کشیده و بر گوش و قلب وی مهر نهاده و بر دیده اش پرده افکنده، ندیدی به جز خدا کی او را هدایت میکند؟ چرا پند نمی گیرید٢٣ گویند: جز زندگی این دنیای ما هیچ نیست که بمیریم و زندگی کنیم و جز زمانه هلاکمان نکند، در این باب علمی ندارند و جز گمان نکنند٢٤ و چون آیه های روشن مارا برای ایشان بخوانند دلیل شان جز این نیست که گویند اگر راست گوئید پدران ما را بیارید٢٥ بگو: خدا زنده تان کند و باز بمیراندتان، آنگاه روز رستاخیز که شک در آن نیست جمعتان کند ولی بیشتر مردم نمی دانند٢٦ پادشاهی آسمانها و زمین خاص خداست و روزی که رستاخیز به پا شود آن روز ابطال گران زیان کنند٢٧ هرگروهی را به زانو درآمده بینی و هر گروهی را سوی نامه هایش دعوت کنند آن روز در قبال اعمالی که می کرده اید سزایتان دهند٢٨ این نامه ماست که به حق بر ضرر شما سخن می کند که ما آنچه را عمل میکرده اید نسخه برداشته ایم٢٩ اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند پروردگارشان به رحمت خویش داخل شان کند که این کامیابی آشکار است٣٠ اما کسانی که کافر شده اند [گویمشان] مگر نبود که آیه های مرا برای شما می خواندند و تکبر کردید و گروهی تباهکار بودید٣١ و چون گفتند: وعده خدا راست است و رستاخیز تردید پذیر نیست، گفتند: ما نمی دانیم رستاخیز چیست، جز، گمانی نبریم که ما به یقین نرسیده ایم٣٢ اعمال بدی که کرده اند در نظرشان هویدا شود و عذابی که به استهزای آن می پرداخته اند به ایشان رسد٣٣ و گویند: امروز به فراموشیتان واگذاریم چنانکه دیدار این روزتان را فراموش کرده بودید جایتان جهنم است و یارانی ندارید٣٤ چنین، زیرا آیه های خدا را مسخره گرفتید و زندگی دنیا غره تان کرد، آن روز از جهنم برون نشوند و به مقام جلب رضا

نیایند۳۵ ستایش خاص خداست که پروردگار آسمانها و پروردگار زمین است و پروردگار جهانیان است۳٦ بزرگی در آسمانها و زمین خاص اوست و همو، نیرومند و فرزانه است. ۳۷

سوره احقاف ٤٦

سوره احقاف، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

حا، میم۱ نزول این کتاب از جانب خدای نیرمند و فرزانه است۲ ما آسمانها و زمین را با هر چه میان شان هست جز به حق برای مدتی معین نیافریده ایم و کسانی که کافرند از آنچه بیمشان داده اند روی گردانند۳ بگو: اگر راست گوئید به من خبر دهید آنچه سوای خدا می خوانید، به من نشان دهید، از زمین چه آفریده اند مگر در [خلقت] آسمانها شرکتی داشته اند، کتابی پیش از این قرآن یا باقیمانده علمی برای من بیارید٤ گمراه تر از آنکه سوای خدا چیزی را بخواند که تا روز قیامت جواب او ندهد کیست که بتان از دعای بت پرستان بی-خبرند٥ و چون مردم محشور شوند بتان دشمنانشان باشند و عبادتشان را انکار کنند٦ و چون آیه های روشن ما برای ایشان بخوانند، کسانی که کافرند درباره حق وقتی بیامدشان گویند: این جادوئی هویداست۷ مگر گویند: قرآن را تزویر کرده، بگو: اگر آن را تزویر کرده باشم، در قبال خدا کاری برای من نتوانید کرد که خدا به چیزی که در آن غور می کنید داناتر است و او میان من و شما بس گواهی است و او آمرزگار و رحیم است۸ بگو من نوبر پیغمبران نبوده ام و ندانم با من و با شما چه خواهند کرد، جز آنچه را به من وحی کنند پیروی نمی کنم که من جز بیم رسانی آشکار نیستم۹ بگو: مرا خبر دهید اگر قرآن از جانب خداست و با وجود این شما منکر آنید و گواهی از پسران اسرائیل به وصف آن گواهی داده و ایمان آورده اما شما بزرگی میکنید [آیا ستمگر نیستید] که خدا گروه ستمگران را هدایت نمیکند۱۰ کسانی که کافرند درباره کسانی که مؤمنند گویند: اگر این دین خوب بود، از جمله ما اینان به سوی آن پیشی نمی گرفتند و چون بدان هدایت نیافته اند خواهند گفت: این دروغی کهن است۱۱ پیش از قرآن کتاب موسی رهنما و رحمت بود و این کتابی است که مصدق [آن] است و به زبان عربی است تا کسانی را که ستم کرده اند بیم دهد و نوید نیکو کاران است۱۲ کسانی که گویند پروردگار ما خدای یکتاست و آنگاه [به ایمان] پایداری کنند نه بیمی دارند و نه غمگین شوند۱۳ آنها اهل جهنمند و به پاداش اعمالی که می کرده اند جاودانه در آنند۱٤ و انسان را به نیکی کردن با پدر و مادرش

سفارش کرده ایم، مادرش به سختی باردار او شد و او را به سختی بگذاشت، بار داشتن و شیر گرفتنش سی ماه بود و چون به قوت رسید و به چهل سال رسید گفت: پروردگارا مرا ترغیب کن تا نعمت تو را که به من و به پدر و مادرم انعام کرده ای سپاس دارم و عملی شایسته کنم که پسند تو باشد و فرزندان مرا شایسته کن که من توبه به تو می آورم و از مطیعانم١٥ همان کسانند که اعمال نیکو ترشان را از آنها بپذیریم و از گناهانشان در گذریم و از جمله اهل بهشتند وعده راستی که وعده شان می داده اند١٦ و آنکه به پدر و مادر خویش گوید: قباحت بر شما چگونه به من وعده می دهید که از گور برون شوم و پیش از من نسلها نابود شده-اند [واز گور برون نیامده اند] و پدر و مادر به خدا استغاثه کنند [و بدو گویند] وای بر تو ایمان بیار که وعده خداحق است و گوید این جز افسانه های گذشتگان نیست١٧ همان کسانند که ضمن امتهای جن و انس که پیش از آنها در گذشته اند، گفتار خدا درباره آنها محقق شده که آنها زیان کارانند١٨ همه را در نتیجه اعمالی که کرده اند مرتبت هاست و پاداش اعمالشان را تمام دهد و آنها ستم نمی بینند١٩ روزی که کافران را نزدیک جهنم برند [و گویند] چیزهای خوبتان را در زندگی دنیایتان تمام کردید و از آن برخوردار شدید اکنون در قبال آن بزرگی که به ناحق در زمین می کردید و برای آن عصیان که می کردید سزایتان عذاب خفت می دهند٢٠ برادر عادیان را یاد کن، وقتی در سرزمین احقاق قوم خویش را بیم داده و بیم رسانان از پیش و رو پشت سر وی گذشته بودند ، که جز خدای یگانه را عبادت مکنید که من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم٢١ گفتند مگر سوی ما آمده ای که از خدایانمان منصرفمان کنی اگر راست می گویی عذابی را که به ما وعده می کنی بیار٢٢ گفت:علم [به وقت نزول عذاب] پیش خداست و من آنچه را با بلاغ آن فرستاده شده ام به شما می رسانم ولی شما را گروهی جهالت پیشه می بینم٢٣ و چون عذاب را به صورت ابری که سوی وادی هایشان همی- شد، بدیدند گفتند: این ابریست که به ما ببارد [نه] بلکه این چیزیست که به شتاب می خواستید، بادیست که عذابی الم انگیز در آن هست٢٤ که به فرمان پروردگارش همه چیز را هلاک کند و چنان شدند که سر مسکن هایشان دیده نمی شود، و گروه تباهکاران را چنین سزا می دهیم٢٥ و عادیان را تمکن ها داده بودیم که شما را آن تمکن نداده ایم و برای آنها گوش و دیدگان و دلها نهاده بودیم اما گوش و دیدگان و دلهایشان کاری برایشان نساخت زیرا آیه های خدا را انکار می کردند و عذابی که به استهزای آن می پرداختند به ایشان رسید٢٦ و دهکده هایی را که اطراف شما بودند هلاک کردیم و آیه ها را گونا گون کردیم شاید از [ضلال] باز گردند٢٧ چرا آن کسان که سوای خدا برای تقرب، به خدایی گرفته بودند یاری شان نکردند، بلکه نزد آنها گم شدند، این دروغ سازیشان بود با تزویرها که می کردند٢٨ و چون تنی از پریان را سوی تو آوردیم که قرآن را بشنوند و چون نزد پیغمبر حضور یافتند، به همدیگر گفتند گوش فرا دهید و چون تلاوت انجام شد بیم رسانان، سوی قومشان بازگشتند٢٩ گفتند: ای قوم پری! ما استماع کتابی کردیم که بعد از موسی نازل شده و

مصدق کتابهای پیش است و به حق و به راه راست هدایت می کند۳۰ ای قوم ما! دعوت گر خدا را اجابت کنید و بدو ایمان بیارید تا گناهانتان را بیامرزد و از عذابی الم انگیزتان برهاند۳۱ و هر که دعوت گر خدا را اجابت نکند در زمین فرار نتواند کرد و غیر خدا دوستان ندارد که آنها در ضلالتی آشکارند۳۲ مگر ندانند که خدایی که آسمانها و زمین را آفریده و از خلق آن خسته نشده، تواند که مردگان را زنده کند، آری او به همه چیز قادر است۳۳ روزی که کافران را نزدیک جهنم برند و گویند: آیا این حق نیست گویند: قسم به پروردگارمان، چرا، گوید به سزای آن انکار که می کردید این عذاب را بچشید۳٤ صبر کن چنانکه پیغمبران صاحب ثبات صبر کردند و در مورد آنها شتاب مکن روزی که عذاب موعود را ببینند گویی که آنها جز ساعتی از روز به سر نبرده اند، این بلاغی است مگر جز گروه عصیان پیشه هلاک می شوند؟۳٥

سوره محمد) ص(٤٧

سوره محمد، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

کسانی که کافرند و از راه خدا منحرف شده اند اعمالشان نابود شده۱ و کسانی که ایمان دارند و کارهای شایسته کرده اند و آنچه را بر محمد نازل شده که حق است و از جانب پروردگارشان است باور دارند، خدا گناهانشان را محو کند و کارشان را به صلاح آرد۲ چنین زیرا کسانی که کافرند تبعیت باطل کنند و کسانی که ایمان دارند حق را که از جانب پروردگارشان است تبعیت کنند، چنین خدا برای مردم مثالهای ایشان را می زند۳ و چون به آن کسان که کفر می ورزند برخوردید گردن زدن هاست و چون بسیار بکشتیدشان، بندها محکم کنید [و اسیر گیرید] و پس از آن یا منت نهید یا فدا گیرید تا حال جنگ از میان برخیزد، اگر خدا میخواست از مشرکان انتقام می کشید ولی [نکرد] تا شما را به همدیگر بیازماید و کسانی که در راه خدا کشته شده اند اعمالشان نابود نشود٤ خدا هدایتشان خواهد کرد و کارشان را به صلاح میآورد٥ و به بهشت موعود درونشان می برد که آن را به ایشان شناسانید، است٦ شما هم ایمان دارید اگر خدا را یاری کنید یاریتان کند و قدمهایتان را ثبات دهد۷ و کسانی که کافرند، هلاک بر آنها باد و اعمالشان نابود شود۸ چنین، زیرا آنها چیزی را که خدا نازل کرده مکروه داشتند و اعمالشان را محو کرد۹ چرا در زمین نمینگرند تا بنگرند عاقبت کسانی که پیش از ایشان بودند چسان بود که خدا هلاکشان کرد و کافران نظیر آن دارند۱۰ چنین زیرا خدا دوست دار کسانی است که ایمان دارند و کافران دوست داری ندارند۱۱ خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای

شایسته کرده اند به بهشت ها درون برد که جوی ها در آن روانست و کسانی که کافرند، تمتع برند و روزی خورند چنانکه چهارپایان می خورند و جهنم جایگاهشان است۱۲ چه بسیار دهکده ها که [مردمش] از دهکده تو که بیرونت کرده به قوت بیش بودند و هلاکشان کردیم و یاری نداشتند۱۳ مگر آنکه با دلیل روشنی از جانب پروردگار خویش قرین است چون آن کسان است که عمل بدشان بر ایشان آرایش گرفته و هوسهای خویش را پیروی کرده اند۱٤ و صف بهشتی که پرهیزکاران وعده داده اند[چنین است] در آن جوی ها از آب تغییر ناپذیر است و جوی ها از شیر که طعم آن تغییر نیابد و جوی ها از می که مایه لذت نوشندگان است و جوی- ها از عسل صافی، و در آنجا همه گونه میوه ها دارند با مغفرت پروردگارشان [مگر آنکه در نعیمی چنین است] چون آن کسان است که در جهنم جاودانند و آب جوشان بنوشند و امعایشان را پاره پاره کند۱۵ بعضی از ایشان به تو گوش فرا دارند و چون از نزد تو بیرون شوند به کسانی که علم دارند گویند هم اکنون چه گفت، همان کسانند که خدا بر دلهایشان مهر نهاده و هوسهای خویش را پیروی کرده اند۱٦ و کسانی را که هدایت یافته اند هدایت شان افزون کند و پرهیزکاریشان [قوت] دهد۱۷ مگر انتظاری به جز رستاخیز دارند که ناگهانی به ایشان درآید که علامت های آن بیامده است و چون رستاخیز بیایدشان تذکارشان چه سودشان دهد۱۸ بدان که خدایی جز خدای یکتا نیست، برای گناه خویش و مردان مؤمن و زنان مؤمن آمرزش بخواه که خدا جای رفتن و قرارگاه شما را می داند۱۹ کسانی که ایمان دارند گویند چرا سوره ای نازل نشود و چون سوره استواری نازل شود و کارزار در آن یاد گردد کسانی را که در دلهایشان مرضی هست بینی که تو را نگرند چون نگریستن کسی که از هول مرگ غش کرده است۲۰ اطاعتی و گفتاری خوب برای ایشان شایسته- تر است و چون کارزار مقرر شود اگر با خدا راست گویند برای ایشان بهتر است۲۱ توانید بود که اگر روی بگردانید، در زمین تباهی کنید و روابط خویشاوندیتان را ببرید۲۲ همان کسانند که خدا لعنتشان کرده و کرشان کرده و دیدگان شان را کور کرده است۲۳ چرا درباره این قرآن اندیشه نکنند و یا بر دلهایی قفل هاست۲٤ کسانی که هدایت برای ایشان روشن شده و با وجود این پشت بگردانیده اند شیطان [اعمال بدشان را] آسان نمود و آرزویشان دراز کرد۲۵ چنین، زیرا آنها به کسانی که آیات منزل خدا را مکروه دارند گویند، در بعض امور اطاعت شما خواهیم کرد و خدا اسرارشان را می داند۲٦ چگونه باشد وقتی که فرشتگان جانشان بگیرند و چهره ها و دست هاشان را بزنند۲۷ چنین، زیرا آنها چیزی را که مایه غضب خدا بود پیروی کردند و رضایت او را مکروه داشتند و خدا اعمال شان را محو کرد۲۸ مگر آن کسان که در دلهایشان مرضی هست پنداشته اند که هرگز خدا کینه هایشان را آشکار نخواهد کرد۲۹ اگر می خواستیم ایشان را به تو می نمودیم و آنها را به علامتهایشان می شناختی به آهنگ گفتارشان توانیشان شناخت و خدا اعمال شما را می داند۳۰ شما را خواهیم آزمود تا مجاهدان و صابران شما را معلوم داریم و خبرهایتان را آزمایش کنیم۳۱ کسانی که هدایت

برای ایشان روشن شده و با وجود این کفر ورزیده و از راه خدا منحرف شده و با پیغمبر مخالفت کرده اند به هیچ وجه خدا را زیانی نمی زنند و اعمالشان محو خواهد شد۳۲ شما که ایمان دارید اطاعت خدا کنید و اعمال خویش باطل مکنید۳۳ کسانی که کفر ورزیده و از راه خدا منحرف شده اند آنگاه بمیرند و کافر باشند، هرگز خدا نیامرزدشان۳٤ سست مشوید و [کافران را] به صلح مخوانید که شما برترید و هرگز خدا اعمالتان را کتمان نکنده۳ زندگی این دنیا فقط بازیچه و سرگرمی است و اگر مؤمن باشید و پرهیزکاری کنید پاداشتان می دهد و اموالتان را نمی خواهد۳٦ و اگر اموالتان را بخواهد بسیار خواهد و بخل ورزید و کینه هایتان آشکار کند۳۷ اینک شما اشخاص دعوت می شوید که در راه خدا انفاق کنید و بعضی شما بخل کنند و هر که بخل کند درباره خویش بخل می کند که خدا بی نیاز است و شما محتاجانید، اگر پشت کنید به جای شما گروهی دیگر آرد که مانند شما نباشند.۳۸

سوره فتح ٤۸

سوره فتح، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

حقا که ما فتحی نمایان برای تو پیش آورده ایم۱ تا خدا ناروای گذشته و آینده تو را ببخشد و نعمت خویش بر تو کامل کند و به راهی راست راهبرت شود۲ و تو را نصرت دهد نصرتی ارجمند۳ اوست که آرامش به دلهای مؤمنان نازل کرد تا ایمانی به ایمان شان افزون شود که سپاه آسمانها و زمین از خداست و خدا دانا و فرزانه است٤ و تا مردان مؤمن را به بهشت ها درون برد که جوی ها در آن روانست و جاودانه در آنند و گناهان شان را محو کند و این به نزد خدا کامیابی بزرگ است٥ و مردان منافق و زنان منافق و مردان مشرک و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می برند عذاب کند، قرین حادثه بد باشند و خدا غضبشان کند و لعنتشان کند و جهنم برایشان مهیا کند که سرانجامیست بد٦ سپاه آسمانها و زمین از خداست و خدا نیرومند و فرزانه است۷ ما تو را گواه و نوید بر و بیم رسان فرستاده ایم۸ تا به خدا و پیغمبر وی ایمان بیارید و تایید او کنید و بزرگش شمارید و بامداد و پسین تسبیح خدا گوئید۹ کسانی که با تو بیعت کنند در حقیقت با خدا بیعت می کنند رو دستهایشان دست خداست هر که نقض بیعت کند به ضرر خویش می کند و هر که به پیمانی که با خدا بسته وفا کند پاداشی بزرگ به او خواهد داد۱۰ تخلف کردگان باده نشین به تو خواهند گفت که اموال ما و کسانمان

مشغولمان داشت، برای ما آمرزش بخواه، به زبان های خویش چیزها گویند که در دلهایشان نیست بگو: اگر خدا برای شما زیانی اراده کند یا برای شما سودی اراده کند کسی در قبال وی کاری برایتان تواند ساخت [هیچ کس] که خدا به اعمالی که می کنید آگاه است١١ بلکه گمان بردید که پیغمبر و مؤمنان هرگز سوی کسان خویش باز نخواهند گشت و این در دلهایتان آرایش گرفت و گمان بد کردید و گروهی هلاک زده شدند١٢ و هر که به خدا و پیغمبر وی ایمان ندارد ما برای کافران آتشی افروخته مهیا کرده ایم١٣ پادشاهی آسمانها و زمین خاص خداست، هر که را خواهد بیامرزد و هر که را خواهد عذاب کند و خدا آمرزگار و رحیم است١٤ و چون سوی غنیمت ها روید که آن را بگیرید، تخلف کردگان خواهند گفت بگذارید ما نیز متابعت شما کنیم، خواهند کلام خدا را تغییر دهند، بگو: هرگز متابعت ما نکنید، خدا از پیش چنین گفته است خواهند گفت بلکه به ما حسد می برید [نه] بلکه جز اندکی فهم نمی کنند١٥ به تخلف کردگان بادیه نشین بگو: به زودی به سوی گروهی که صلابت شدید دارند خوانده شوید که با آنها کارزار کنید یا مسلمان شوند و اگر پشت کنید چنانکه از پیش، پشت کردید عذابتان کند، عذابی الم انگیز١٦ بر کور تکلف نیست و بر لنگ تکلف نیست و بر بیمار تکلف نیست و هر که خدا و پیغمبر او را اطاعت کند وی را به بهشت ها درون برد که در آن جوی ها روانست و هر که پشت کند عذابش کند عذابی الم انگیز١٧ خدا از مؤمنان آن دم که زیر آن درخت با تو بیعت کردند خشنود گشت خدا آنچه را در دلهایشان بود معلوم داشت و آرامش به ایشان نازل کرد و پاداششان فتحی نزدیک داد١٨ [و پاداش دیگر] غنیمت های فراوانی است که آن را به دست می آورید؛ و خدا همواره توانای شکست ناپذیر و حکیم است١٩ با غنیمت های بسیار که بگیرند و خدا غنیمتهای بسیار به شما وعده داده که خواهید گرفت و این را زودتر داد و دستهای آن مردم از شما بازداشت تا برای مؤمنان عبرتی باشد و به راهی راست هدایتتان کند٢٠ و غنیمتهای دیگر که بدان دست نیافته اند و خدا بدان احاطه دارد و خدا به همه چیز تواناست٢١ اگر کسانی که کافرند با شما کارزار کنند پشت به شما کنند و آنگاه دوست و یاوری نیابند٢٢ روش خداست که از پیش چنین بوده و روش خدا را تغییر پذیر نخواهی یافت٢٣ اوست که به نزدیک مکه پس از آنکه شما را بر مشرکان ظفر داد، دستهای شما از ایشان و دست های ایشان از شما باز داشت و خدا به اعمالی که می کردید بینا بود٢٤ آنها کسانی بودند که کفر ورزیدند و شما را با قربانها که برای رسیدن به قربانگاه بسته بود، از مسجد الحرام باز داشتند اگر بیم آن نبود که مردان مؤمن و زنان مؤمن را که نمی شناسید آسیب زنید و از بابت ایشان بدون اینکه بدانید، مکروهی به شما رسد [اجازه کارزار یافته بودید اما نیافتید] تا خدا هر که را خواهد به رحمت خویش در آرد، اگر از هم جدا بودند کافرانشان را عذاب می کردیم، عذابی الم انگیز٢٥ آن دم که کافران تعصب جاهلیت در دل گرفتند و خدا آرامش خویش به پیغمبرش و به مؤمنان نازل کرد و بر کلمه تقوی استوارشان داشت که بدان سزاوارتر بودند و خدا به همه چیز دانا بود٢٦ خدا رویای

رسول خویش به حق راست کرد مسلماً اگر خدا خواهد، با ایمنی به مسجد الحرام درون می شوید در آن حال که سر تراشیده یا مو کوتاه کرده اید و ترس نمی دارید، خدا چیزی دانست که شما ندانستید و پس از این فتحی نزدیک نهاد۲۷ اوست که پیغمبر خویش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را به همه دینها غالب کند و خدا بس گواهی است۲۸ محمد، پیغمبر خدا و کسانی که با اویند، با کافران سختند و با یکدیگر مهربانند بینیشان که راکع و ساجدند و کرم خدا و رضای وی می جویند و صفشان در تورات و انجیل چنین است، چون کشتی که شاخک خویش برآرد و آن را کمک دهد تا سخت شود و بر شاخهای خویش بایستد و دهقانان را به شگفت آرد [چنینند] تا کافران از ایشان به خشم در شوند و خدا کسانی از ایشان را که ایمان دارند و عمل شایسته کنند وعده مغفرت و پاداشی بزرگ داده است. ۲۹

سوره حجرات ٤٩

سوره حجرات، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

شما که ایمان دارید [در انجام کاری] از خدا و پیغمبرش جلو نیفتید و از خدا بترسید که خدا شنوا و داناست۱ شما که ایمان دارید! صداهای خویش از صدای پیغمبر بلندتر نکنید و با او سخن بلند چون بلند گفتنتان به یکدیگر مگویید، مبادا اعمالتان محو شود و شما احساس نکنید۲ کسانی که نزد پیغمبر خدا، صدای خویش ملایم کنند، همان کسانند که خدا دلهایشان را به پرهیزکاری امتحان کرده است و مغفرت و پاداشی بزرگ دارند۳ کسانی که از پشت اطاقها تو را ندا کنند بیشترشان فهم نمی کنند٤ اگر صبر می کردند تا نزد آنها شوی برای ایشان بهتر بود که خدا آمرزگار و رحیم است٥ شما که ایمان دارید اگر فاسقی خبری نزد شما آورد به تحقیق پردازید مبادا گروهی را از روی جهالت آسیب زنید و از آنچه کرده اید پشیمان شوید٦ بدانید که پیغمبر خدا میان شماست اگر در بسیاری امور اطاعت شما کند، به رنج افتید ولی خدا ایمان را محبوب شما کرد و آن را در قلوب شما بیاراست و انکار و نافرمانی و عصیان را مکروه شما کرد که تحقیق کنان خودشان هدایت یافتگانند۷ کرم و نعمتی از جانب خداست و خدا دانا و فرزانه است۸ اگر دو دسته از مؤمنان کارزار کنند، میان شان را صلح دهید اگر یکی شان بر دیگری تجاوز کند با آنکه تجاوز می کند جنگ کنید، تا به فرمان خدا باز آید، میانشان را به عدالت اصلاح دهید و انصاف کنید که خدا انصاف گران را دوست

دارد۹ مؤمنان فقط برادرانند، میان برادران خویش را اصلاح کنید و از خدا بترسید شاید رحمتتان کنند۱۰ شما که ایمان دارید گروهی، گروه دیگر را مسخره نکنند که شاید آن گروه از ایشان بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را [مسخره کنند] که شاید آن زنان بهتر از ایشان باشند، عیب یکدیگر مگویید و همدیگر را به لقب خطاب مکنید که عصیان کردن از پس ایمان نشانه بدیست و هر که توبه نیارد آنها ستمگرانند۱۱ شما که ایمان دارید، از بسیاری گمانها بپرهیزید که بعضی گمانها گناه است، کنجکاوی [احوال کسان] مکنید و غیبت همدیگر مگویید، مگر کسی تان دوست دارد، گوشت مردار برادرش را بخورد؟ آن را مکروه دارید [غیبت نیز چنین است] از خدا بترسید که خدا توبه پذیر و رحیم است۱۲ ای مردم ما شما را از مرد و زن بیافریدیم و جماعتها و قبیله هایتان کردیم تا همدیگر را بشناسید [ورنه] گرامیترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست که خدا دانا و کاردان است۱۳ بادیه نشینان گویند: ایمان آورده ایم، بگو: ایمان نیاورده اید بلکه گویید مسلمان شده ایم و هنوز ایمان در دلهایتان نفوذ نکرده است. اگر اطاعت خدا و پیغمبری کنید، چیزی از اعمالتان را کتمان نکند که خدا آمرزگار و رحیم است۱٤ مؤمنان فقط آن کسانند که به خدا و پیغمبر او ایمان آورده آنگاه شک نیاورده-اند و با مالها و جانهای خویش در راه خدا جهاد کرده اند، آنها خودشان راستگویانند۱٥ بگو آیا خدا را از دین خویش خبر می دهید؟ که خدا هر چه در آسمانها و زمین هست می داند و خدا به همه چیز داناست۱٦ به تو منت می نهند که مسلمان شده اند، بگو منت اسلام خویش بر من منهید، بلکه خدا به شما منت می نهد که سوی ایمان هدایتتان کرده است، اگر راستگو باشید۱۷ خدا نهفته آسمانها و زمین را می داند و خدا به اعمالی که میکنید بیناست. ۱۸

سوره ق ٥۰

سوره قاف، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

قاف، قسم به این قرآن ارجمند۱ که مشرکان شگفت دارند از اینکه بیم رسانی از خودشان سویشان آمده است و کافران گویند این چیزی عجیب است۲ چگونه وقتی مردیم و خاک شدیم [زنده می شویم] این بازگشتی دور است۳ ما دانیم که زمین از آنها چه کم می کند و نزد ما نامه ای نگهدارنده است٤ [چنین نیست] بلکه حق را وقتی بیامدشان دروغ شمردند و در مطلبی مشوش افتادند٥ مگر آسمان را بالای خود نمی نگرند که چگونه بنایش کرده و زینتش داده ایم که شکاف ندارد٦ و زمین را کشیده و در آن لنگرها انداخته و در آن هر قسم گیاه نزهت افزا رویانده ایم۷ [چنین کردیم] تا مایه بصیرت و تذکار بندگان توبه گر شود۸ و از آسمان آبی

پربرکت نازل کردیم و با آن باغها برویانیدیم با دانه ای که دور کنند۹ با نخلهای بلند که میوه آن روی هم چیده است۱۰ که روزی بندگان است و با آب باران دیار مواتی را زنده کردیم، بیرون شدن [از گور] نیز چنین است۱۱ پیش از آنها قوم نوح و اهل رس و ثمود۱۲ وعاد و فرعون و برادرن لوط۱۳ و اهل ایکه و قوم تبع نیز تکذیب کردند، همگی تکذیب پیغمبران کردند و عذاب من محقق گشت۱٤ مگر از خلقت نخستین وامانده شده ایم که آنها از خلقت جدید به شبهه درند۱۵ و ما انسان را آفریده ایم و دانیم که ضمیرش چه وسوسه ها می کند و ما از رشته سیاهرگ به او نزدیک تریم۱٦ وقتی دو فرشته فرا گیر که از چپ و راست نشسته اند [اعمال او را] فرا گیرند۱۷ سخنی ادا نکند مگر نزد وی مراقبی آماده است۱۸ و بیهوشی مرگ به حق بیاید، این چیزیست که از آن می گریختی۱۹ و در صور دمیده شود، این روز وعده عذاب است۲۰ هر کسی بیاید و گواهی همراه وی باشد۲۱ از این [روز] به غفلت بودی پرده تو را از تو برداشتیم و اکنون دیده ات تیزبین است۲۲ و همدم وی گوید: این چیست که نزد من حاضر است۲۳ هر کفران پیشه ستیزه گر را۲٤ که مانع خیر و تجاوزگر و شکاک بوده است در جهنم بیفکنید۲۵ همان که با خدا، خدای دیگر می نهاد پس در عذاب شدیدش بیفکنید۲٦ و همدم وی گوید، پروردگارا من او را به طغیان وانداشتم ولی در ضلالتی دور بود۲۷ گوید: در پیشگاه من مجادله مکنید که از پیش به شم اعلام خطر کرده بودم ۲۸ گفتار نزد من تغییر نیابد و من ستمگر بندگان نیستم۲۹ روزی که به جهنم گوییم آیا پر شدی و گوید: آیا بیشتر هست۳۰ و بهشت پرهیزکاران نزدیک شود و دور نباشد۳۱ اینست که به همه توبه گران نگهدار تقوی، وعده می دادند۳۲ کسی که از خدای رحمان بنا دیده ترسد و با قلب مطیع آمده است۳۳ به سلامت داخل بهشت شوید که این روز خلود است۳٤ در آنجا هر چه بخواهند دارند و نزد ما بیشتر است۳۵ پیش از آنها چه نسلها هلاک کرده ایم که هلاک شدگان به صلابت از ایشان بیش بودند و در شهرها راه همی بریدند، مگر گریزگاهی بود۳٦ که در این برای هر که دلی دارد یا با حضور قلب گوش فرا دارد اندرزی هست۳۷ ما آسمانها و زمین را با هر چه میانشان هست به شش روز آفریدیم و خستگی ای به ما نرسید۳۸ بر آنچه می گویند صبر کن و پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب به سپاس پروردگارت تسبیح گوی۳۹ قسمتی از شب نیز تسبیح او گوی و نمازهای اضافی را نیز[به پادار] ٤۰ و روزی که ندا کننده از مکانی نزدیک ندا کند گوش فرادار ٤۱ روزی که صیحه را به حق بشنوند، این روز بیرون شدنست٤۲ ما خودمانیم که زنده کنیم و بمیرانیم و سرانجام سوی ماست٤۳ روزی که زمین برای درآمدنشان شکافته شود و شتابان شوند، این چیزی است که برای ما آسان است٤٤ ما بهتر دانیم که چه گویند و تو بر آنها مسلط نیستی پس هر که را از اعلام خطر ما ترسد به این قرآن پند بده. ٤۵

سوره ذاریات ۵۱

سوره ذاریات، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

قسم به بادهای وزان۱ و ابرهای باربردار گرانبار۲ که آسان روانست۳ و فرشتگان تقسیم گر امور٤
که آنچه شما را وعده می دهند راست است٥ و رستاخیز واقع شدنیست٦ قسم به آسمان که در آن راههاست٧
که شما به گفتار مختلفید٨ و هر که از ایمان منصرف شود به سبب آن منصرف می شود٩ دروغگویان نابود
شوند۱۰ همان کسان که در ورطه ای بی خبر مانده اند۱۱ می پرسند روز رستاخیز کی می رسد۱۲ روزی
که به آتش مبتلا شوند۱۳ بلیه خویش را همین که به شتاب می خواستید بچشید۱٤ پرهیزکاران در بهشت ها و
چشمه سارهایند۱٥ و آنچه را پروردگارشان عطایشان کرده فرا گیرند که آنها پیش از این نیکوکاران بودند۱٦
که اندکی از شب را می خفتند۱۷ و در سحرها آمرزش می خواستند۱۸ و در اموالشان برای خواهنده و محروم
حقی بود۱۹ و در زمین برای اهل یقین عبرت هاست۲۰ و در خود شما [نیز هست] چرا نمی بینید۲۱ و
روزیتان با آنچه شما را وعده می دهند در آسمانیست۲۲ قسم به پروردگار آسمان و زمین، وعده ای که به
شما می دهند، چنانکه سخن می گویید، قطعی است۲۳ آیا خبر مهمانان ارجمند ابراهیم به تو رسیده۲٤ چون
نزد او شدند و سلامی گفتند و سلامی گفت [و اندیشید که] اینان گروهی ناشناسند ۲٥ نهانی نزد کسان خود
شد و گوساله ای فرو بیاورد۲٦ و آن را نزدیکشان برد و گفت: چرا نمی خورید۲۷ و [چون نخوردند] ترسی
از آنها به دل گرفت گفتند: بیم مدار و به پسری دانا نویدش دادند۲۸ و جفت وی فریاد کنان بیامد و به چهره
خویش می زد و می گفت من پیری عقیمم۲۹ گفتند: پروردگارت چنین گفته که همو فرزانه و داناست۳۰ گفت:
ای فرستادگان پس قضیه شما چیست۳۱ گفتند: ما را سوی گروه تبهکاران فرستاده اند۳۲ که سنگهایی از گل،
که نزد پروردگارت۳۳ برای افراطکاران نشانگزاری شده به ایشان فرستیم۳٤ و هر کس از مؤمنان در آنجا
بود برونش بردیم۳٥ که در آنجا جز یک خانواده از مطیعان نیافتیم۳٦ و در آنجا برای کسانی که از عذاب الم
انگیز بیم دارند عبرتی به جا گذاشتیم۳۷ و در قضیه موسی نیز وقتی که وی را با دلیلی نمایان سوی فرعون
فرستادیم۳۸ با قوای خویش روی بگردانید و گفت: جادوگریست یا دیوانه ایست۳۹ وی را با سپاهیانش بگرفتیم
و به دریایشان فکندیم و فرعون ملامتگر خویش بود٤۰ و در قضیه عاد نیز [عبرتی نهادیم] وقتی که آن باد
خشک کننده به ایشان فرستادیم٤۱ که بر چیزی نمی گذشت مگر آن را چو خاکستر می کرد٤۲ و در قضیه
ثمود [نیز عبرتی بود] وقتی که گفتندشان تا مدتی برخوردار شوید ٤۳ از فرمان پروردگارشان سر پیچیدند و

در آن حال که نظاره می کردند صاعقه بگرفتشان٤٤ نه قیام توانستند کرد و نه انتقام گیر بودند٤٥ و از پیش، قوم نوح، نیز که آنها گروهی عصیان پیشه بودند٤٦ و آسمان را به قوت ساختیم و قدرت داشتیم٤٧ و زمین را بگستردیم و نکو گسترندگانیم٤٨ همه چیز را در دو صنف آفریده ایم شاید شما پند گیرید٤٩ سوی خدا بگریزید که من از جانب وی شما را بیم رسانی آشکارم٥٠ و با خدای یکتا خدای دیگر مگیرید که من از جانب وی شما را بیم رسانی آشکارم٥١ چنین، پیغمبری سوی اسلافشان نیامد مگر گفتند: جادوگر یا دیوانه است٥٢ مگر یکدیگر را [به گفتن این سخن] سفارش کرده بودند [نه] بلکه آنها گروهی سرکش بودند٥٣ از آنها روی بگردان که ملامت شده نیستی٥٤ و پند ده که پند دادن مؤمنان را سود می دهد٥٥ و پریان و آدمیان را نیافریدم مگر که عبادتم کنند٥٦ از آنها روزی ای نمی خواهم و نخواهم که غذایم دهند٥٧ که خدا روزی رسان و صاحب نیروی محکم است٥٨ پس برای کسانی که ستم ورزیدند، سهمی از عذاب است مانند سهم هم مسلکانشان، بنابراین شتاب درآمدن آن را نخواهند٥٩ وای بر آن کسان که کافرند از روزی که وعده شان میدهند.٦٠

سوره طور ٥٢

سوره طور، در مکه نازل شده است

بنام خدای رحمان رحیم

قسم به کوه طور١ و کتاب نوشته شده٢ در صفحه گسترده شده٣ و این خانه آباد شده٤ و این طاق بالا رفته٥ و دریای پر شده٦ که عذاب پروردگارت واقع شدنیست٧ و جلوگیر ندارد٨ روزی که آسمان بگشتنی [عجیب] بگردد٩ و کو ها به سیری[هراس آور] سیر کنند١٠ آن روز وای بر تکذیب کنان١١ همان کسان که در یاوه گویی بازی می کنند١٢ روزی که سوی آتش جهنمشان بخوانند١٣ این آتشی است که آن را تکذیب میکردید١٤ مگر این جادوست یا شما نمی بینید١٥ داخل آن شوید، صبر کنید یا صبر نکنید برایتان یکسان است فقط سزای اعمالی را که می کرده اید خواهید دید١٦ پرهیزکاران در بهشت هایند و نعمت ها١٧ و از آن نعمت ها که پروردگارشان به ایشان داده و از عذاب جهنم نگاهشان داشته، لذت می برند١٨ برای آن عملها که می کرده اید گوارا بخورید و بنوشید١٩ بر تختهای ردیف شده تکیه زده اند و سفید پوستان سیاه چشم را جفتشان کرده ایم٢٠ و کسانی که ایمان دارند و فرزندانشان به ایمان پیرویشان کرده اند، فرزندانشان را به

ایشان ملحق کنیم و از عملشان چیزی کمشان نکنیم هر کسی در گرو اعمال خویش است۲۱ و میوه و گوشت از آنچه خواهند افزونشان دهیم۲۲ و در آنجا پیمانه ای دهند و گیرند که یاوه گویی و بد کاری نیارد۲۳ و خادمانشان که چون مروارید نهفته اند، اطرافشان بگردند۲٤ و پرسش کنان به همدیگر رو کنند۲٥ گویند ما سابقا میان کسانمان هراسان بودیم۲٦ و خدا منت نهاد و از عذاب آتش نافذ، نگاهمان داشت۲۷ ما سابقا او را می خواندیم که وی نیک و رحیم است۲۸ پند بده که به اقتضای نعمت پروردگارت نه کاهنی و نه دیوانه ای۲۹ مگر گویند شاعریست که انتظار مرگ او می بریم۳۰ بگو انتظار برید که من نیز با شما منتظرم۳۱ مگر عقولشان به این وادارشان می کند یا که آنها گروهی سرکشند۳۲ یا گویند قرآن را ساخته است [نه] بلکه باور ندارند۳۳ اگر راست گویند سخنی مانند آن را بیارند۳٤ مگر بی سببی پدید آمده اند یا خودشان آفریدگارند۳٥ یا آسمانها و زمین را آفریده اید [نه] بلکه به یقین نرسیده اند۳٦ یا گنجهای پروردگارت نزد آنهاست یا ایشان تسلطی دارند۳۷ یا نردبانی دارند که روی آن [گفتار فرشتگان] می شنوند پس شنونده ایشان دلیلی نمایان بیارد۳۸ یا دختران خاص خدایند و پسران خاص آنهایند۳۹ یا از آنها مزدی طلب می کنی که از تاوان گران بارند٤۰ یا علم غیب نزد آنهاست که می نویسند٤۱ یا قصد نیرنگی دارند و کسانی که کافرند خودشان نیرنگ خوردگانند٤۲ یا خدایی غیر خدای یکتا دارند که خدا از آنچه با او شریک کنند منزه است٤۳ و اگر پاره ای از آسمان را در حال سقوط بینند گویند ابری به هم پیوسته است٤٤ بگذارشان تا روزی را که از هول آن بیهوش می شوند ببینند٤٥ روزی که نیرنگ شان کاری برای ایشان نسازد و یاری نبینند٤٦ کسانی که ستم کرده اند عذابی نزدیک تر از این دارند ولی بیشترشان نمی دانند٤۷ نسبت به حکم پروردگارت صبور باش که تو در حفاظ مای و چون قیام کنی ستایش پروردگارت تسبیح گوی٤۸ بعض اوقات شب نیز و پس از غروب ستارگان تسبیح او گوی. ٤۹

سوره ا لنجم ٥۳

سوره نجم، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

قسم به آن ستاره وقتی که فرو رود۱ که رفیقتان نه گمراه شده و نه به باطل گرویده است۲ و نه از روی هوس سخن می کند۳ این نیست مگر وحیی که به او می کنند٤ که فرشته پر قوت بدو تعلیم داده است٥ صاحب

نیرویی که نمایان شد٦ و او را در افق بالا بود٧ آنگاه نزدیک شد و نزدیک تر شد٨ که به فاصله در کمان یا نزدیکتر بود٩ و به بنده خدا وحی کرد آنچه وحی کرد١٠ و قلب وی آنچه را بدید تکذیب نکرد١١ چرا با پیغمبر درباره آنچه می بینید مجادله می کنید١٢ یکبار دیگر نیز فرشته را دید١٣ نزد درخت سدر آخرین١٤ که بهشت اقامتگاه نزدیک آنست١٥ آن دم که درخت سدر را آنچه فرا گرفته بود، فرا گرفته بود١٦ نه دیده او خیره گشت و نه منحرف شد١٧ و شمه ای از آیه های بزرگ پروردگارش را بدید١٨ مرا از لات و عزی١٩ و منات سومین دیگر خبر دهید٢٠ آیا پسر خاص شماست و دختر خاص خداست٢١ که این خود قسمتی ظالمانه است٢٢ بتان جز نام ها نیستند که شما و پدرانتان نامیده اید و خدا دلیلی درباره آن نازل نکرده جز گمان را با آنچه دلها هوس دارد پیروی نمی کنند در صورتی که از پروردگارشان هدایت سوی ایشان آمده است٢٣ مگر انسان هر چه آرزو کند خواهد داشت٢٤ که سرای دیگر و این سرای متعلق به خداست٢٥ چه بسیار فرشتگان آسمانها که شفاعت شان کاری نمی سازد مگر از پس آنکه خدا به هر که خواهد و پسندد اجازه دهد٢٦ کسانی که دنیای دیگر را باور ندارند، فرشتگان را به نام مادگان نامند٢٧ در این باب چیزی ندانند و جز گمان را پیروی نکنند که گمان به هیچ وجه از حق، رفع نیاز نمی کند٢٨ هر که از یاد کردن ما روی بگرداند و جز زندگی این دنیا بخواهد، روی از او بگردان٢٩ ادراک شان به همین جا رسیده، پروردگارت بهتر داند کی هدایت یافته است٣٠ هر چه در آسمانها و زمین هست متعلق به خداست و کسانی را که بد کرده اند در قبال اعمالی که کرده اند سزا دهد و کسانی را که نیکی کرده اند پاداش نیکو دهد٣١ همان کسان که از گناهان بزرگ و بدکاری، کناره کنند مگر به تصور که پروردگارت گشاده مغفرت است و به حال شما آن دم که شما را از زمین پدید آورد و آن دم که در شکم مادرهایتان حبس بودید داناتر است، پس ستایش خویش مکنید که وی کسی را که پرهیزکار بوده بهتر می شناسد٣٢ آیا کسی را که از ایمان روی بگردانیده بدیدی٣٣ که اندکی ببخشید و [در بقیه] سختی کرد٣٤ مگر علم غیب نزد اوست که می بیند٣٥ یا وی را از مندرجات صحیفه های موسی٣٦ و صحیفه های ابراهیم که وفا کرد خبر داده اند٣٧ که هیچ باربرداری بار گناه دیگری بر نمیدارد٣٨ و انسان جز حاصل کوشش خویش چیزی ندارد٣٩ و نتیجه کوشش وی بزودی دیده شود٤٠ آنگاه پاداش کامل به او دهند٤١ سرانجام سوی پروردگار توست٤٢ که او بخنداند و بگریاند٤٣ و او بمیراند و زنده کند٤٤ و او دو همسر نر و ماده را٤٥ از نطفه ای که ریخته شود بیافریند٤٦ و خلقت دیگر نیز به عهده اوست٤٧ و او بی نیازی دهد و عطا کند٤٨ و او پروردگار ستاره شعری است٤٩ و او عادیان قدیم را هلاک کرد٥٠ و ثمودیان را باقی نگذاشت٥١ و پیش از آنها قوم نوح را که آنها ستمگرتر و سرکش تر بودند٥٢ و دهکده های واژگون شده را بیفکند٥٣ و بدان دهکده ها رسید آنچه رسید٥٤ درباره کدامیک از نعمت های پروردگارت تردید میکنی٥٥ این بیم رسانی از بیم رسانان قدیم است٥٦ حادثه نزدیک، نزدیک شده٥٧ و جز

خدا رفع کننده آن نیست۵۸ مگر از این سخن تعجب میکنید۵۹ و می خندید و گریه نمی کنید۶۰ ولی شما غافلید61 خدا را سجده کنید و عبادت کنید.۶۲

سوره قمر ۵٤

سوره قمر، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

رستاخیز نزدیک شد و ماه بشکافت۱ اگر معجزه ای ببینید روی بگردانند و گویند جادویی مستمر است۲ تکذیب کردند و هوسهای خویش را پیروی کردند و هر کاری را قراری هست۳ از اخبار سلف چیزها سوی ایشان آمد که مایه جلوگیری در آن هست٤ حکمتی رساست اما بیم رسانان سودشان نمی دهند٥ آن روز که دعوتگر به چیزی ناخوشایند دعوت کند، روی از ایشان بگردان٦ با دیدگان فرو افتاده از گورها بیرون شوند گویی ملخ های پراکنده اند۷ شتابان سوی دعوتگر شوند و کافران گویند این روزی است سخت۸ پیش از آنها نیز قوم نوح تکذیب کردند، بنده ما را تکذیب کردند و گفتند: دیوانه ایست و ناروا شنید۹ پس پروردگارش را بخواند که پروردگارا، من مغلوبم، پس انتقام بگیر۱۰ و درهای آسمان را به روی آبی که می ریخت گشودیم۱۱ و زمین را چشمه ها بشکافتیم و آب [زمین و آسمان] برای کاری که مقدر شده بود بهم پیوست۱۲ و او را به چیزی که تخته ها و میخها را داشت برداشت۱۳ که به مراقبت ما روان بود و طوفان جزای کافران بود۱٤ و آن را نشانه ای وا گذاشتیم آیا پندپذیری هست١٥ عذاب کردن و بیم دادن های من چگونه بود؟١٦ و این قرآن را برای یاد گرفتن آسان کردیم آیا پندپذیری هست۱۷ عادیان نیز تکذیب کردن و عذاب کردن و بیم دادن من چسان بود۱۸ و طوفانی سخت به روزی شوم شئامت، به آنها فرستادیم۱۹ که مردم را از جا همی کند گویی تنه های نخل از ریشه بر آمده بودند۲۰ عذاب کردن و بیم دادن های من چسان بود۲۱ این قرآن را برای یاد کردن آسان کردیم آیا پندپذیری هست۲۲ ثمودیان نیز بیم رسانان را تکذیب کردند۲۳ گفتند: آیا انسانی از خودمان را که تنهاست پیروی کنیم که قرین ضلال و جنون خواهیم بود۲٤ چگونه از میان ما وحی بر او نازل شده [نه] بلکه او دروغ پیشه ای خود پسند است۲٥ فردا خواهند دانست دروغ پیشه خودپسند کیست۲٦ ما این شتر را برای امتحان ایشان می فرستیم مراقبشان باش و صبوری کن۲۷ و آنها را خبر ده که آب میان شان قسمت شده و هر خوره ای را حضور یابند۲۸ پس رفیق خویش را ندا دادند و سلاح بر گرفت و ناقه را

بکشت۲۹ عذاب من و بیم دادن های من چسان بود۳۰ یک صیحه به آنها فرستادیم و چون علف خشک ریز ریز شدند۳۱ این قرآن را برای یاد گرفتن آسان کردیم آیا پند پذیری هست؟۳۲ قوم لوط نیز بیم رسان را تکذیب کردند۳۳ و باد ریگ باری به آنها فرستادیم مگر: خاندان لوط که سحر گاهی نجاتشان دادیم۳٤ نعمتی از جانب ما بود و هر که سپاس دارد، پاداش او چنین دهیم۳۵ لوط ایشان را از عذاب ما ترسانید اما با بیم رسانان مجادله کردند۳٦ از او، از میهمانان وی، کام طلبیدند و دیدگانشان را محو کردیم، عذاب من و بیم دادن های مرا بچشید۳۷ بامدادی عذاب پیوسته به ایشان رسید۳۸ عذاب و بیم دادن های مرا بچشید۳۹ این قرآن را برای یاد گرفتن آسان کردیم آیا پند پذیری هست٤۰ فرعونیان را نیز بیم رسانان آمدند٤۱ همه آیه های ما را دروغ شمردند و چون گرفتن نیرومند مقتدری، بگرفتیمشان٤۲ آیا کافران شما از آنها بهترند، یا شما را در کتابهای آسمانی برائتی هست٤۳ و یا گویند ما گروهی هستیم که یاری همدیگر کنیم٤٤ به زودی این جمع شکست میخورد و پشت [به جنگ] کنند٤۵ بلکه موعدشان رستاخیز است و رستاخیز سخت تر است و تلخ تر٤٦ حقا گنهکاران قرین ضلال و جنونند٤۷ روزی که به چهره ها در آتش کشیده شوند[و گویندشان] تماس جهنم را بچشید٤۸ ما همه چیز را به اندازه آفریده ایم٤۹ فرمان ما جز یکی نیست چون به هم خوردن چشم۵۰ نظایر شما را هلاک کرده ایم آیا پند پذیری هست۵۱ و هر چه کرده اند در نامه هاست۵۲ و هر کوچک و بزرگی به قلم رفته است۵۳ پرهیزکاران در باغهایند و جویبارها۵٤ در جایگاهی پسندیده نزد پادشاهی مقتدر.۵۵

سوره رحمان ۵۵

سوره رحمان، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

خدای رحمان۱ این قرآن را تعلیم داده۲ انسان را بیافریده۳ و او را بیان کردن آموخته٤ خورشید و ماه، حسابی دارند۵ و گیاه و درخت سجده می کنند٦ آسمان را بالا برده و میزان را نهاده است۷ که در وزن کردن، طغیان نکنید۸ و بخشش را به انصاف انجام کنید و وزن را کم مکنید۹ و زمین را برای آدمیان نهاد۱۰ که در آن میوه و نخل غلاف دار هست۱۱ و دانه کاهدار و ریحان نیز۱۲ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید۱۳ انسان را از گل خشکی چون سفال آفرید۱٤ و پریان را از شعله خالص آتش آفرید۱۵ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید۱٦ پروردگار دو خاور و پروردگار دو باختر۱۷ پس

کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید۱۸ دو دریا را گذاشت که به هم برسند۱۹ میانشان حایلی است که به هم تجاوز نکنند۲۰ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید۲۱ از آن لؤلؤ و مرجان بیرون می شود۲۲ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب میکنید۲۳ و او را به دریا رهنوردان شراع دار هست چون کوهها۲٤ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید۲٥ هر چه روی زمین هست فانیست۲٦ و ذات پروردگارت ماندنیست که صاحب جلال و ارجمندی است۲۷ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید۲۸ هر که در آسمانها و زمین هست [حاجت خود] از او می خواهد و هر روزی او به کاریست۲۹ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید۳۰ به زودی ای آدمیان و پریان به شما می رسیم۳۱ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب میکنید۳۲ ای گروه پریان و آدمیان اگر از نواحی آسمانها و زمین بیرون شدن توانید، بیرون شوید، که جز با قدرتی بیرون نمیشوید [که ندارید] ۳۳ پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید۳٤ زبانه ای از آتش و دود به شما فرستاده شود که یاری همدیگر نکنید۳٥ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید۳٦ وقتی آسمان بشکافد و چون فرش قرمز، سرخ گون باشد۳۷ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب میکنید۳۸ آن روز آدمی و پری را از گناهش نپرسند۳۹ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید٤۰ گنهکاران را به علامت شان شناسند و پیشانی ها و قدمها را بگیرند٤۱ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید٤۲ این جهنمی است که گنهکاران تکذیب آن میکردند٤۳ و میان آتش و آب جوشان پرحرارت گردش کنند٤٤ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید٤٥ و هر که از موقعیت پروردگار خویش ترسیده باشد دو بهشت دارد٤٦ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید٤۷ که دارای شاخه هاست٤۸ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید٤۹ در آنجا دو چشمه هست که روانست٥۰ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید٥۱ از هر میوه ای دو قسم است٥۲ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید٥۳ در آنجا به فرش ها تکیه زنند که آستر آن استبرق است و میوه دو بهشت به دسترس است٥٤ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید٥٥ در آنجا دیده فرو هشتگانند که پیش از ایشان نه آدمی ونه پری دستشان نزده است٥٦ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب میکنید٥۷ گویی آنها (به صفای چهره) یاقوت و مرجانند٥۸ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب میکنید٥۹ مگر پاداش نیکی کردن به جز نیکی کردن است؟٦۰ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب میکنید٦۱ و نزدیک آن دو بهشت دیگر هست٦۲ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب میکنید٦۳ که (از انبوهی درختان) سیاه می نماید٦٤ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید٦٥ در

آن دو چشمه جوشان هست٦٦ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید٦٧ در آنجا میوه و درخت خرما و انار هست٦٨ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید٦٩ در آن نیک سیرتان خوب صورتند٧٠ پس کدام یک از نعمت- های پروردگارتان را تکذیب می کنید٧١ سیاه چشمانند که در خیمه ها نهانند٧٢ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید٧٣ که پیش از آنها نه پری و نه آدمی دستشان نزده است٧٤ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید٧٥ بر فرشهای سبز و بالش های نیکو تکیه زده اند٧٦ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید٧٧ بزرگ است نام پروردگارت که دارای جلال و ارجمندی است. ٧٨

سوره واقعه ٥٦

سوره واقعه، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

وقتی آن واقعه١ که وقوع آن دروغ نیست٢ و بردارنده و فروگذارنده است واقع شود٣ وقتی زمین به لرزش [هول انگیز] بلرزد٤ و کوهها به پاره پاره شدنی [عجیب] پاره پاره شود٥ و غباری پراکنده گردد٦ و شما سه گونه باشید٧ سمت راستیها و چه سمت راستیها٨ و سمت چپیها و چه سمت چپیها٩ و پیشی گرفتگان که پیشی گرفته اند١٠ آنها خودشان، مقربانند١١ در بهشتهای پر نعمت١٢ گروهی از پیشینانند١٣ و اندکی از پسینانند١٤ بر تختهای زر بفت مرصع١٥ روبروی هم تکیه زده اند١٦ و پسرکان جاویدان١٧ با کوزه ها و ابریقها و پیمانه ای از چشمه می دورشان بگردند١٨ که از آن سردرد نکشند و عقل نبازند و میوه و هر چه انتخاب کنند١٩ و گوشت پرنده هر چه بخواهند٢٠ و سفید رویان سیاه چشم٢١ که چون مروارید نهفته اند٢٢ به پاداش آن عملها که می کرده اند٢٣ در آنجا یاوه و ناروا نشنوند٢٤ مگر گفتاری که سلام است و سلام٢٥ و سمت راستیها و چه سمت راستیها٢٦ در درختان کنار بی خارند٢٧ و موزهای پر میوه٢٨ و سایه پیوسته٢٩ و آب روان٣٠ و میوه فراوان٣١ که نه تمام شود٣٢ و نه منع گردد٣٣ و فرشهای گران قدر٣٤ ما حوران بهشت را به وضعی خاص پدید آورده ایم٣٥ و آنها را دوشیزگان کرده ایم٣٦ که طنازان همسالند٣٧ برای سمت راستیها٣٨ که گروهی از پیشینانند٣٩ و گروهی از پسینانند٤٠ و سمت چپیها چه سمت چپیها٤١ در آتش نافذند و آب جوشان٤٢ و سایه ای از دود غلیظ٤٣ که نه خنک است و نه خوب٤٤ آنها پیش از این منعمان بودند٤٥ و به قسم بزرگ اصرار می کردند٤٦ و می گفتند چگونه وقتی بمردیم و خاک و استخوان شدیم چگونه ما٤٧ و پدران قدیممان، زنده می شویم٤٨ بگو: پیشینیان و پسینان٤٩ همگی به وعده روزی

معین فراهم آیندگانند۵۰ آنگاه شما ای گمراهان تکذیب کن۵۱ از درخت زقوم می خورید۵۲ و شکمها از آن پر می کنید۵۳ و روی آن آب جوشان نوش می کنید۵٤ و چون شتران تشنگی زده می نوشید۵۵ روز جزا این ما حضرشان است۵٦ ما شما را آفریده ایم چرا باور ندارید۵۷ مرا خبر دهید، آن نطفه که می ریزید۵۸ شما آفرینش آن می کنید یا ما آفریدگاریم۵۹ ما مرگ را میان شما مقدر کردیم و از [فرمان] ما پیشی نگیرید٦۰ تا امثال شما را به جایتان بیاریم در آن حال که نمی دانید از نو زنده تان کنیم٦۱ شما که آفرینش نخستین را دانسته اید، چرا پند نمیگیرید٦۲ به من بگویید، دانه ای که می کارید٦۳ شما آن را می رویانید یا ما رویاننده ایم٦٤ اگر خواهیم آن را خشک کنیم و به تعجب در شوی٦۵ [و گویید] ما غرامت زدگانیم٦٦ و بلکه بی نصیب شدگانیم٦۷ به من بگویید آبی که می آشامید٦۸ شما آن را از ابر فرود آورده اید یا ما فرودآرندگانیم٦۹ اگر خواسته بودیم آن را شور می کردیم پس چرا سپاس نمی دارید۷۰ به من بگویید: آن آتش که می افروزید۷۱ آیا شما درخت آن را پدید آورده اید یا ما پدید آرندگانیم۷۲ و ما آن را تذکار و بهره ای برای صحراییان کرده ایم۷۳ پس به نام پروردگارت تسبیح گوی۷٤ به مقامات ستارگان قسم می خورم۷۵ و این، اگر بدانید قسمی بسیار بزرگ است۷٦ که این قرآنی ارجمند۷۷ در نامه ای نهفته است۷۸ که ادراک آن جز پاکس سیرتان نکنند۷۹ نازل شده از پروردگار جهانیان است۸۰ آیا این گفتار را سبک می گیرید۸۱ و نصیب خویش این کنید که تکذیب میکنید۸۲ پس چرا وقتی جان به گلو رسید۸۳ و شما در آن هنگام نظاره می کنید۸٤ و ما از شما به محتضر نزدیکتریم اما نمی بینید۸۵ اگر روز جزا را باور ندارید۸٦ پس چرا، اگر راست گویید محتضر را باز نمیگردانید۸۷ اما اگر از مقربان باشد۸۸ آرامش است و روزی نیک و بهشت پر نعمت۸۹ اما اگر از سمت راستی هاست۹۰ سلام بر تو از سمت راستی هاست۹۱ اما اگر از تکذیب کنندگان گمراه باشد۹۲ ما حضری از آب جوشان است۹۳ با ورود جهنم۹٤ این حقیقت یقین است۹۵ پس بنام پروردگار بزرگت تسبیح گوی.۹٦

سوره حدید ۵۷

سوره حدید، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

هر چه در آسمانها و زمین هست تسبیح خدا گوید و او نیرومند و فرزانه است۱ پادشاهی آسمانها و زمین خاص اوست، زنده کند و بمیراند و او به همه چیز تواناست۲ او ازلی و ابدی است، نمایان و ناشناس است و او به همه چیز داناست۳ اوست که آسمانها و زمین را به شش روز آفرید، سپس به عرش پرداخت هر چه به زمین فرو رود و هر چه از آن برون شود و هر چه از آسمان نازل شود و هر چه سوی آن بالا رود [همه را] بداند، هر کجا باشید او با شماست و خدا به اعمالی که می کنید بیناست٤ پادشاهی آسمانها و زمین خاص اوست و همه کارها به خدا بازگشت می یابد۵ شب را به روز در می برد و روز را به شب در می برد و او دانای مکنونات سینه هاست٦ به خدا و پیغمبر او ایمان بیارید و از آن چیزها که شما را نوبت چی آن کرده است انفاق کنید، کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده اند و پاداشی بزرگ دارند۷ شما را چه شده که به خدا ایمان نمی آرید در صورتی که پیغمبر دعوتتان می کند که به پروردگارتان ایمان بیارید و خدا، اگر باور دارید، از شما پیمان گرفته است۸ اوست که آیه های روشن به بنده خویش نازل کند تا شما را از ظلمات به نور بیارد و خدا نسبت به شما مهربان و رحیم است۹ شما را چه شده که در راه خدا انفاق نمی کنید، در صورتی که میراث آسمانها و زمین خاص خداست، آن کس از شما که پیش از فتح، انفاق کرده و کارزار کرده [با دیگران] برابر نیست، آنها به مرتبت از کسانی که پس از فتح انفاق و کارزار کرده اند، برترند و همگی را خدا وعده نیکو داده و خدا از اعمالی که می کنید آگاه است۱۰ کیست که خدا را، وامی نیکو دهد و خدا آن را برای وی بیفزاید و پاداشی ارجمند داشته باشد۱۱ روزی که مردان مؤمن و زنان مؤمن را بینی که نورشان جلو رویشان و سمت راستشان می رود، آن روز نوید شما بهشت هاست که در آن جوی ها روان است که در آن جاودانید و این کامیابی بزرگ است۱۲ روزی که مردان منافق و زنان منافق به کسانی که ایمان داشته اند گویند منتظر شوید که از نورتان اقتباس کنیم، گویند به عقب سر خویش برگردید و نوری بجویید و میانشان دیواری برآرند که دری دارد که اندرون آن رحمت است و برون آن از روبرویش عذاب۱۳ و ندایشان دهند که مگر با شما نبودیم گویند چرا ولی شما خویشتن را به فتنه افکندید و منتظر ماندید و شک آوردید و آرزوها فریب تان داد تا فرمان خدا بیامد و شیطان فریب کار نسبت به خدا غره تان کرده بود۱٤ امروز نه از شما و

نه از آن کسان که کافر بوده اند عوض نگیرند جایگاهتان جهنم است که شایسته شماست و سرانجامیست بد۱۵ آیا هنگام آن نیامده تا کسانی که ایمان دارند، دلهایشان به یاد خدا و آن حق که نازل کرده خاضع شود و چون آن کسان که از پیش کتابشان داده اند نباشید که مدتشان دراز شد و دلهایشان سخت شد و بسیاری از آنها عصیان پیشگان بودند۱٦ بدانید که خدا زمین را پس از موات شدنش زنده میکند، ما این آیه ها را برای شما بیان می کنیم شاید تعقل کنید۱۷ مردان باور کننده و زنان باور کننده که خدا را وام نیکو داده اند، برای ایشان افزون می کند و پاداش ارجمند دارند۱۸ و کسانی که به خدا و پیغمبران وی ایمان آورده اند، آنها نزد پروردگارشان راستی پیشگان و گواهانند، و پاداش و نور خویش دارند و کسانی که کافر شده و آیه های ما را تکذیب کرده اند، آنها جهنمیانند۱۹ بدانید که زندگی این دنیا بازیچه و سرگرمی و زینت است و تفاخر میان خودتان و فزون جویی اموال و اولاد، چو بارانی که گیاه رویانیدن آن کافران را به شگفت آورد آنگاه ریز ریز شود، در دنیای دیگر عذابی سخت هست با مغفرت و خشنودی خدا، و زندگی این دنیا به جز کالای فریبنده نیست۲۰ به مغفرت پروردگارتان بشتابید، با بهشتی که پهنای آن، چون پهنای آسمانها و زمین است و برای کسانی که به خدا و پیغمبران وی ایمان آورده اند مهیا شده این کرم خداست که به هر که خواهد دهد و خدا صاحب کرم بزرگ است۲۱ هیچ مصیبتی به زمین یا نفوس شما نرسد مگر پیش از آنکه خلقش کنیم در نامه-ای بوده که این برای خدا آسان است۲۲ تا برای آنچه از دستتان رفته غم مخورید و از آنچه بدستتان آمده غره مشوید که خدا خود پسندان فخر فروش را دوست ندارد۲۳ همان کسان که بخل ورزند و مردم را به بخل ورزیدن وادار کنند و هر که [از انفاق] روی بگرداند، خدا بی نیاز و ستوده است۲٤ پیغمبران خویش را با دلایل روشن فرستادیم و با ایشان کتاب و مقیاس حق نازل کردیم تا مردم انصاف نگهدارند و آهن را نازل کردیم که در آن صلابت شدید و منفعت ها برای مردم هست و تا خدا ، آنکه را به نادیده یاری او و پیغمبران او می کند معلوم دارد که خدا توانا و نیرومند است۲۵ نوح و ابراهیم را [به پیغمبری] فرستادیم و در نژاد ایشان پیغمبری و کتاب آسمانی نهادیم، بعضیشان هدایت یافته بودند و بسیاری از ایشان عصیان پیشه بودند۲٦ آنگاه از پی ایشان پیغمبران خویش بیاوردیم و عیسی را از پی آوردیم و او را انجیل دادیم و در دل کسانی که پیروی او کرده اند رأفت و رحمت نهادیم و رهبانیت را که ما بر آنها مقرر نکرده بودیم بدعت آوردند و جز به طلب رضای خدا نکردند اما رعایت آن چنانکه شایسته رعایت کردنش بود، نکردند و کسانی از آنها را که ایمان آوردند پاداششان بدادیم و بسیاری از آنها عصیان پیشگان بودند۲۷ شما که ایمان دارید از خدا بترسید و به پیغمبر وی ایمان بیارید تا شما را از رحمت خویش دو سهم دهد و برای شما نوری کند که بدان راه روید و بیامرزدتان که خدا آمرزگار و رحیم است۲۸ تا اهل کتاب بدانند که از کرم خدا به چیزی توانایی ندارند و کرم به دست خداست که آن را به هر که خواهد دهد و خدا صاحب کرم بزرگ است. ۲۹

سوره مجادله ۵۸

سوره مجادله، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

خدا گفتار آن زن را که درباره شوهر خویش با تو مجادله می کند و به خدا شکایت می برد شنید، خدا گفتار شما را می شنود که وی شنوا و بیناست۱ کسانی از شما که درباره زنان خویش صیغه ظهار گویند، زنانشان مادرشان نشوند، مادرانشان جز آن زنان که زاده اندشان نیستند که آنها سخنی ناهنجار و دروغ میگویند۲ و کسانی که به صیغه ظهار از زنان خویش جدا شوند آنگاه به گفته خویش باز گردند، پیش از آنکه تماس حاصل کنند، آزادی بنده ای باید، این پندیست که به شما می دهند و خدا از اعمالی که می کنید آگاهست۳ و هر که نیابد پیش از آنکه تماس حاصل کنند، دو ماه پیاپی روزه و هر که نتواند اطعام کردن شصت مستمند، چنین است تا خدا و پیغمبر او را تصدیق کنید، این حدود خداست و کافران عذابی الم انگیز دارند٤ کسانی که مخالفت خدا و رسول وی کنند، سرکوفته شوند چنانکه اسلافشان نیز سرکوفته شدند و ما آیه های روشن نازل کرده ایم و کافران عذابی خفت انگیز دارند۵ روزی که خدا همگیشان را مجتمع کند و از اعمالشان که خدا آن را شمار کرده و [خودشان] فراموش کرده اند خبرشان دهد که خدا گواه همه چیز است٦ مگر ندانی که خدا هر چه در آسمانها و هر چه در زمین هست بداند، رازگویی سه نفری نیست جز اینکه خدا چهارمین آنهاست، و نه پنج نفری جز اینکه وی ششمین آنهاست و نه کمتر از این و نه بیشتری هست جز آنکه هر کجا باشند خدا نزد آنهاست آنگاه روز رستاخیز از اعمالی که کرده اند خبرشان دهد که خدا به همه چیز داناست۷ مگر آن کسان را که از راز گفتن منع شده اند نبینی که باز بدانچه از آن ممنوع شده اند بازگردند و به گنهکاری و ستمگری و نافرمانی پیغمبر، راز گویی کنند و چون نزد تو آیند تو را درودی گویند چرا خدا به آنچه گوییم عذابمان نمی کند جهنم که وارد آن می شوند و سرانجام بد است، بسشان است۸ شما که ایمان دارید چون رازگویی کنید به گنهکاری و ستمگری و نافرمانی پیغمبر رازگویی مکنید و به نیکی و پرهیزکاری رازگویی کنید و از خدایی که در پیشگاه او محشور می شوید بترسید۹ رازگویی از شیطان است تا کسانی را که ایمان دارند اندوهگین کند اما جز به اجازه خدا به هیچ وجه زیانشان نزند و توکل کنان به خدا توکل کنند۱۰ شما که ایمان دارید چون به شما گویند: در مجلسها جا گشاده کنید، گشاده کنید تا خدا گشایشتان دهد و چون گویند:

برخیزید برخیزید که خدا کسانی از شما را که ایمان دارند با کسانی که دانش یافته اند، مرتبه ها بالا برد و خدا از اعمالی که می کنید آگاهست۱۱ شما که ایمان دارید! چون با پیغمبر رازگویی کنید پیش از راز گوییتان صدقه ای دهید، این برای شما بهتر است و پاکیزه تر، و اگر نیابید خدا آمرزگار و رحیم است۱۲ مگر بیم دارید که پیش از راز گفتنتان صدقه ها دهید، حال که نکردید و خدا به شما بخشید، پس نماز کنید و زکات دهید و اطاعت خدا و رسول وی کنید و خدا از اعمالی که می کنید آگاه است۱۳ مگر آن کسان را ندیدی که گروهی را که خدا غضبشان کرده به دوستی گرفته اند آنها نه از شمایند و نه از غضب شدگان و دانسته به خدا قسم دروغ می خورند۱٤ خدا برای ایشان عذابی سخت مهیا کرده زیرا عملهایی که می کنند بد است۱۵ قسم های خویش را چون سپری کرده و [کسان را] از راه خدا بازداشته اند و عذابی خفت انگیز دارند۱٦ نه اموالشان و نه اولادشان در قبال خدا به هیچ وجه کاری برایشان نخواهد ساخت، آنها جهنمیانند و خودشان در آن جاودانند۱۷ روزی که خدا همگی شان را زنده کند و برای او قسم خورند چنانکه برای شما قسم می خورند و گمان برند چیزی هستند، بدانید که آنها خودشان دروغگویانند۱۸ شیطان بر آنها مسلط شده و یاد خدا را فراموششان کرده، آنها دسته شیطانند، بدانید که دسته شیطان خودشان، زیان کارانند۱۹ کسانی که مخالفت خدا و رسول وی کنند آنها قرین زبونانند۲۰ خدا مقرر داشته که من و پیغمبرانم غلبه می یابیم که خدا توانا و نیرومند است۲۱ گروهی که به خدا و روز جزا ایمان دارند، نبینی که با مخالفان خدا و رسول وی و گرچه پدران با پسران یا برادران یا خویشاوندانشان باشند دوستی کنند، آنها خدا ایمان را در دلهایشان رقم زده و به روحی از جانب خویش نیرومندشان کرده و به بهشت هایشان درآرد که در آن جاوید باشند، خدا از آنها خشنود باشد و آنها نیز از او خشنود باشند، آنها دسته خدایند، بدانید که دسته خدا رستگارانند.۲۲

سوره حشر۵۹

سوره حشر، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

هر چه در آسمانها و زمین هست تسبیح خدا کند و او نیرومند و فرزانه است۱ اوست که از اهل کتاب آن کسان را که کافر بودند، برای راندن نخستین، برون کرد شما گمان نداشتید که بیرون روند و آنها نیز گمان داشتند که قلعه هایشان در قبال خدا نگهدارشان است و [عذاب] خدای از آنجا که احساس نمی کردند به ایشان رسید

و هراس به دلهایشان فکند که خانه هایشان را بدست خودشان و به دست مؤمنان ویران کنند، پس ای صاحب نظر! عبرت گیرید۲ اگر نه خدا، برای ایشان، برون شدن را مقرر کرده بود، در دنیا و آخرت عذاب آتششان می کرد۳ چنین شد، زیرا آنها مخالفت خدا و پیغمبر وی کردند و هر که مخالفت خدا و رسول وی کند، خدا سنگین مجازات است٤ هر نخلی را بریدید یا آن را بر ریشه به پا گذاشتید، با اجازه خدا بود تا عصیان پیشگان خوار شوند٥ آن چیزها که خدا از مال آنها عاید پیغمبر خویش کرد، اسبی و شتری بر آن نتاختید ولی خدا پیغمبران خویش را به هر که خواهد مسلط کند و خدا به همه چیز تواناست٦ هر چه خدا از اموال مردم این دهکده ها عاید پیغمبر خویش کرده خاص خدا و پیغمبر و خویشاوندان وی و یتیمان و مسکینان و به راه مانده است، تا میان توانگران شما دست به دست نگردد، هر چه پیغمبر به شما دهد، آن را بگیرید و از هر چه منعتان کند بس کنید، و از خدا بترسید که خدا سنگین مجازات است٧ و خاص فقرای مهاجران که از دیارشان و اموالشان بیرون شده اند و کرم و رضای خدا می جویند و خدا و رسول او را نصرت میدهند، آنها خودشان راستگویانند٨ و کسانی که پیش از مهاجران در سرای [هجرت] و ایمان جا گرفته اند آن کسان را که سوی ایشان مهاجرت کنند، دوست دارند و از آنچه به آنها داده شود، در دل خویش دغدغه ای نیابند و [آنها را] بر خویشتن و گرچه حاجتمند باشند، مقدم دارند و هر که از بخل ضمیر خویش محفوظ ماند، آنها خودشان رستگارانند٩ و کسانی که از پس ایشان آمده اند گویند پروردگارا ما را با برادرانمان که پیشی گرفته اند بیامرز و در دل ما، پروردگارا، نسبت به کسانی که ایمان آورده اند کینه مگذار که تو مهربان و رحیمی١٠ مگر آن کسان را که نفاق ورزیده اند نبینی که به برادران خویش از اهل کتاب که کافر بودند گویند اگر بیرونتان کنند ما نیز با شما بیرون شویم و هرگز در کار شما اطاعت هیچ کس نکنیم و اگر با شما جنگ کنند نصرتتان دهیم و خدا گواهست که آنها دروغ گویند١١ اگر بیرونشان کنند با آنها بیرون نشوند و اگر به جنگشان آیند، نصرت- شان ندهند و اگر نصرت شان دهند پشت بگردانند و آنگاه یاری نبینند١٢ شما در دل آنها از خدا پر مهابت ترید، چنین است، زیرا آنها گروهی هستند که نمی فهمند١٣ همگی شان با شما کارزار نکند مگر در دهکده- های مستحکم یا از پشت دیوارها صلابتشان میان خودشان شدید است، جمع شان پنداری اما دلهایشان پراکنده است چنین است، زیرا آنها گروهی هستند که تعقل نمیکنند١٤ مانند کسانی که پیش از آنها به همین نزدیکی وبال کار خویش دیدند و عذابی الم انگیز دارند١٥ مانند شیطان آن دم که به انسان گوید کافر شو و چون کافر شود گوید من از تو بیزارم که من از خدا پروردگار جهانیان بیم دارم١٦ و سرانجام شان اینست که هر دو در جهنمند، در آن جاودانند و سزای ستمگران چنین است شما که ایمان دارید از خدا بترسید و هر کس بنگرد برای فردا چه پیش می فرستد و از خدا بترسید که خدا از اعمالی که می کنید آگاه است١٧ و چون آن کسان می باشید که خدا را از یاد بردند خدا خودشان را از یادشان برد، آنها خودشان عصیان پیشگانند١٨ اهل بهشت

و اهل جهنم یکسان نیستند، اهل بهشت، خودشان کامیاب شدگانند۱۹ اگر این قرآن را به کوهی نازل کرده بودیم، آن را از ترس خدا فروتن و شکافته می دیدی، این مثلها را برای مردم می زنیم شاید تفکر کنند۲۰ اوست خدایی که جز او خدایی نیست دانای غیب و شهود است و همو، رحمان رحیم است۲۱ اوست خدایی که جز او خدایی نیست، بدانید که او پادشاه پاک بی خلل ایمنی بخش مراقب نیرومند مقتدر عظیم الشأن است. خدای یکتا از آنچه [با او] شریک می کنند منزه است۲۲ اوست خدایی که جز او هیچ معبودی نیست، همان فرمانروای پاک، سالم از هر عیب و نقص، ایمنی بخش، چیره و مسلط، شکست ناپذیر، جبران کننده، شایسته بزرگی و عظمت است. خدا از آنچه شریک او قرار می دهند، منزه است۲۳ وی خدای خالق موجد صورتگر است نامهای نیکو از اوست هر چه در آسمانها و زمین هست تسبیح او می کند و همو نیرومند و فرزانه است. ۲٤

سوره ممتحنه ٦٠

سوره ممتحنه، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

شما که ایمان دارید! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان مگیرید که با ایشان طرح دوستی افکنید، در صورتی که آنها به این حق که سوی شما آمده کفر میورزند و پیغمبر را بیرون می کنند و شما را نیز، که چرا به پروردگارتان ایمان آورده اید اگر برای جهاد در راه حق و طلب رضای من بیرون شده اید۱ [چنین مکنید] شما مودت ایشان را نهان می دارید و من به آنچه نهان داشته اید و آنچه عیان داشته اید داناترم و هر که از ما چنین کند میان راه گم کرده است۲ اگر با شما برخورد کنند دشمنان تان باشند و دستها و زبان هایشان را به بدی سویتان بگشایند و دوست دارند کافر شوید روز رستاخیز نه خویشاوندانتان و نه اولادتان هرگز سودتان ندهد خدا میان شما فاصله پدید می کند و خدا به اعمالی که می کنید بیناست۳ ابراهیم و کسانی که با وی بودند برای شما مقتدایی نکو بودند، وقتی به قومشان گفتند ما از شما و بتانی که سوای خدا می پرستید بیزاریم، به شما کفر می ورزیم و همیشه میان ما و شما عداوت و کینه توزی هست تا به خدا تنها ایمان بیارید، [و میانشان مودتی نبود] به جز گفتار ابراهیم با پدرش که برای تو آمرزش خواهم خواست و در قبال خدا کاری برایت نتوانم کرد پروردگارا! توکل به تو می کنیم و سوی تو باز می گردیم و سرانجام سوی تو است٤ پروردگارا ما را محنت کش کسانی که کفر می ورزند مکن و بیامرزمان، پروردگارا، که تو نیرومند و فرزانه ای٥ آنها برای شما برای کسانی که از خدا و روز جزا می ترسند، مقتدایی نکویند و هر که روی بگرداند، خدا، همو

بی نیاز و ستوده است٦ شاید خدا میان شما و کسانی از آنها که با هم دشمنید مودتی پدید آرد که خدا تواناست و خدا آمرزگار و رحیم است٧ خدا از نکویی کردن و انصاف ورزیدن با آن کسان که در کار دین با شما جنگ نکرده و از دیارتان بیرونتان نکرده اند، منعتان نمی کند که خدا انصاف گران را دوست دارد٨ خدا فقط از دوستی کردن با آن کسان که در کار دین با شما جنگ کرده و از دیارتان بیرونتان کرده و در کار بیرون کردنتان معاونت کرده اند، منعتان می کند و هر که با ایشان دوستی کند، آنها خودشان ستمگرانند٩ ای پیغمبر! وقتی زنان مؤمن به مهاجرت نزد شما آیند امتحان شان کنید، خدا به ایمان شان داناتر است، اگر آنها را مومن شناختید، سوی کافرانشان باز مگردانید نه اینان به کافران حلالند و نه آنها به زنان مؤمن مهاجر حلال باشند هر چه [در راه ازدواج] خرج کرده اند بدهیدشان برای نکاح کردن این زنان، اگر مهرشان را به ایشان بدهید، گناهی بر شما نیست به عقد زنان کافر اعتبار منهید و آنچه را خرج کرده اید بخواهید و آنها نیز هر چه خرج کرده اند بخواهند این حکم خداست که میان شما حکم می کند و خدا دانا و فرزانه است١٠ اگر از همسران شما کسی سوی کفار رفت و نوبت به شما رسید [که مهر زنانی را به کفار بپردازید] کسانی که زنهایشان رفته‌اند مخارجی را که کرده اند [از این محل] به ایشان بدهید و از خدایی که شما به او ایمان دارید بترسید١١ ای پیغمبر! چون زنان مؤمن پیش تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نکنند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خویش را نکشند، و درغی که ساخته باشند از میان دستها و پاهای خود نیارند و در میان کارهای شایسته عصیان تو نکنند، با ایشان بیعت کن و برایشان از خدا آمرزش بخواه که خدا آمرزگار و رحیم است١٢ شما که ایمان دارید با گروهی که خدا غضبشان کرده و از دنیای دیگر نومیدند، چنانکه کافران از خفتگان گور نومید شده اند، دوستی مکنید.١٣

سوره صف ٦١

سوره صف، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

هر چه در آسمانها و زمین هست تسبیح خدا کند و او نیرومند و فرزانه است١ شما که ایمان دارید! چرا چیزها گویید که نمی کنید٢ نزد خدا سخت مبغوض است که آنچه نمی کنید، بگویید٣ خدا کسانی را که در راه وی به صف، کارزار می کنند که گویی بنایی استوارند، دوست دارد٤ و چون موسی به قوم خویش گفت: ای قوم!

شما که می دانید من فرستاده خدا به سوی شمایم چرا آزارم می کنید و چون انحراف یافتند، خدا دلهایشان را منحرف کرد که خدا گروه عصیان پیشه را هدایت نکند٥ و چون عیسی پسر مریم گفت: ای پسران اسرائیل، من فرستاده خدا به سوی شمایم و تورات را که پیش از من بوده تصدیق می کنم و به پیغمبری که بعد از من بیاید و نام وی احمد است نوید میدهم، چون معجزه ها سوی ایشان آورد گفتند: این جادویی نمایان است٦ ستمگرتر از آنکه سوی اسلام خوانده شود اما به خدا دروغ بندد کیست که خدا گروه ستمگران را هدایت نکند٧ خواهند نور خدا را به دهان هایشان خاموش کنند و خدا کامل کننده نور خویش است و گرچه کافران کراهت داشته باشند٨ اوست که پیغمبر خویش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دینها غالب کند و گرچه مشرکان کراهت داشته باشند٩ شما که ایمان دارید! آیا به تجارتی دلالتتان کنم که از عذابی الم انگیز نجاتتان دهد١٠ به خدا و پیغمبر وی می گروید و با مالها و جانهای خویش در راه خدا جهاد می کنید، این اگر بدانید برای شما بهتر است١١ تا خدا گناهانتان بیامرزد و به بهشت هاتان برد که جوی ها در آن روانست، با مسکن-های خوب در بهشت های جاوید که این کامیابی بزرگ است١٢ و کامیابی دیگر که آن را دوست دارید، نصرت و فتحی نزدیک از جانب خداست و مؤمنان را نوید بده١٣ شما که ایمان دارید! یاران خدا باشید، چنانکه عیسی پسر مریم به حواریان گفت: یاران من در راه خدا کیانند، حواریان گفتند ما یاران خداییم و دسته-ای از پسران اسرائیل گرویدند و دسته دیگر انکار ورزیدند و کسانی را که گرویده بودند، بر دشمن شان قوت دادیم و غلبه یافتند.١٤

سوره جمعه ٦٢

سوره جمعه، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

هر چه در آسمانها و زمین هست، تسبیح خدا پادشاه پاک نیرومند فرزانه کند١ اوست که میان بدویان پیغمبری از خودشان فرستاد که آیه های وی بر ایشان بخواند و پاکشان کند و کتاب و حکمتشان آموزده و گرچه از پیش در ضلالی نمایان بوده اند٢ با دیگران از بدویان که هنوز به ایشان نه پیوسته اند و خدا نیرومند و فرزانه است٣ این کرم خداست که آن را به هر که خواهد دهد و خدا کرمی بزرگ دارد٤ حکایت آن کسان که به تورات مکلف شدند اما تحمل آن نکردند، چون خر است که کتابها بردارد، و صف گروهی که آیه های ما را

تکذیب کرده اند چه بد است و خدا گروه ستمگران را هدایت نکند٥ بگو شما که دین یهود دارید! اگر گمان دارید از همه مردم شما دوستان خدایید، اگر راست گویید، پس آرزوی مرگ کنید٦ و برای آن عملها که دست- هایشان از پیش کرده، هرگز آرزوی مرگ نکنند و خدا به کار ستمگران داناست٧ بگو این مرگ که از آن فرار می کنید به شما می رسد آنگاه به عالم غیب و شهودتان برند و خدا از اعمالی که می کرده اید، خبرتان دهد٨ شما که ایمان دارید! چون به نماز روز جمعه ندا دهند، به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را بگذارید، این اگر بدانید برای شما بهتر است٩ و چون نماز به پایان رود در زمین پراکنده شوید و از کرم خدا روزی بجویید و خدا را بسیار یاد کنید شاید شما رستگار شوید١٠ چون تجارت و سرگرمی ای بینند به سوی آن پراکنده شوند و تو را ایستاده واگذارند. بگو آنچه نزد خدا هست از سرگرمی و از تجارت بهتر است و خدا بهترین روزی دهان است.١١

سوره منافقون ٦٣

سوره منافقون، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

چون منافقان نزد تو آیند گویند: شهادت می دهیم که تو پیغمبر خدایی. خدا نیز داند که تو پیغمبر اویی و خدا شهادت می دهد که منافقان دروغ گویند١ ایمان خویش را چون سپری کرده اند و از راه خدا بگشته اند و اعمالی را که آنها می کنند بد است٢ چنین است، زیرا آنها ایمان آورده و باز کافر شده اند و خدا بر دلهایشان مهر نهاده و آنها فهم نمی کنند٣ و چون ببینیشان پیکرهاشان تو را به شگفت آرد و اگر سخن گویند سخنانشان را بشنوی گویی که آنها چوبهای تکیه داده به دیوارند، هر ندایی را بر ضد خویش پندارند، آنها دشمنانند از ایشان حذر کن، خدایشان بکشد چگونه سرگردان می شوند٤ و چون گویندشان: بیایید تا پیغمبر خدا برای شما آمرزش طلبد، سرهای خویش بپیچند و بینیشان که تکبر کنان روی بگردانند٥ تفاوت شان نکند بر ایشان آمرزش بخواهی یا آمرزش نخواهی، هرگز خدا نخواهدشان آمرزید که خدا گروه عصیان پیشه را هدایت نکند٦ آنها همان کسانند که گویند خرج کسانی را که نزد رسول خدایند ندهید تا پراکنده شوند، خزینه های آسمانها و زمین از خداست اما منافقان فهم نمی کنند٧ گویند اگر به مدینه برگشتیم عزیزتر، ذلیل تر را از آن بیرون خواهد کرد، عزت خاص خدا و پیغمبر او و مؤمنان است ولی منافقان نمی دانند٨ شما که ایمان دارید! اموالتان و اولادتان از یاد کردن خدا سرگرمتان نکند و هر که چنین کند، آنها زیان کارانند٩ از آنچه روزی- تان کرده ایم انفاق کنید از آن پیش که مرگ به یکی تان در رسد و گوید پروردگارا! چرا تا مدتی نزدیک مرا

باز پس نداشتی تا صدقه دهم و از شایستگان شوم۱۰ خدا هیچکس را وقتی اجلش بیاید باز پس نمی دارد و خدا از اعمالی که می کنید آگاه است.۱۱

سوره تغابن ٦٤

سوره تغابن، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

هر چه در آسمانها و هر چه در زمین هست تسبیح خدا کند، پادشاهی خاص اوست و ستایش خاص اوست و
او به همه چیز تواناست۱ اوست که شما را بیافرید بعض شما کافرند و بعضی مؤمنند و خدا به اعمالی که
میکنید بیناست۲ آسمانها و زمین را به حق آفرید و نقشبندیتان کرد و صورتهای شما نیکو کرد و سرانجام
سوی اوست۳ هر چه در آسمانها و زمین هست بداند و هر چه را نهان کنید و هر چه را عیان کنید بداند و
خدا دانای مکنونات سینه هاست٤ مگر خبر آن کسان که از پیش، انکار ورزیدند به شما نرسیده که وبال کار
خویش بدیدند و عذابی الم انگیز دارند٥ چنین شد، زیرا پیغمبرانشان دلایل روشن سویشان آورده بودند و گفتند
آیا بشرانی هدایت ما کنند و انکار کردند و روی گردانیدند و خدا از آنها بی نیاز بود که خدا بی نیاز ستوده
است٦ کسانی که کافرند پنداشته اند که دوباره زنده شان نکنند بگو، چرا قطعاً زنده تان می کنند و آنگاه از
عملهایی که کرده اید خبرتان می دهند و این برای خدا آسان است۷ پس، به خدا و پیغمبر او و این نور که
نازل کرده ایم ایمان بیارید که خدا از اعمالی که می کنید آگاه است۸ روزی که برای رستاخیز، فراهمتان کند،
این روز مغبونی است و هر که به خدا ایمان بیارد و عملی شایسته کند گناهان او را محو کند و به بهشتی
درونش برد که در آن جوی ها روان است و همیشه در آن جاودانند که این کامیابی بزرگ است۹ و کسانی
که کفر ورزیده و آیه های ما را دروغ شمرده اند آنها اهل جهنمند و در آن جاودانند که سرانجامیست بد۱۰
مصیبتی جز به اذن خدا نرسد و هر که به خدا مؤمن شود قلب وی را هدایت کند و خدا به همه چیز داناست۱۱
اطاعت خدا کنید و اطاعت پیغمبر کنید، اگر روی بگردانید به عهده پیغمبر ما، فقط بلاغ نمایان است۱۲ خدای
یکتا جز او خدایی نیست، و مؤمنان به خدا توکل کنند۱۳ شما که ایمان دارید! بعض زنان و فرزندانتان دشمن
شمایند از آنها حذر کنید، اگر بگذرید و چشم بپوشید و ببخشید، خدا آمرزگار و رحیم است۱٤ مالها و فرزندانتان
فقط امتحانی است و نزد خدا پاداشی بزرگ هست۱٥ تا توانید بترسید و گوش فرا دارید و اطاعت کنید و مالی
برای خویش انفاق کنید و هر که از بخل ضمیر خویش محفوظ ماند، آنها خودشان رستگارانند۱٦ اگر خدا را

وام نیکو دهید، آن را برای شما بیفزاید و بیامرزدتان که خدا حق گزار و بردبار است۱۷ دانای غیب و شهود و نیرومند فرزانه است.۱۸

سوره طلاق ٦٥

سوره طلاق، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

ای پیغمبر! وقتی زنان را طلاق می دهید در وقتی که عده آغاز تواند شد طلاقشان دهید وعده را شمار کنید و از خدا پروردگارتان، بترسید و آنها را از خانه هایشان بیرون نکنید و ایشان نیز بیرون نشوند، مگر آنکه بدکاری نمایان کنند این حدود خداست و هر که از حدود خدا تجاوز کند به خویش ستم کرده است. تو نمیدانی شاید خدا پس از این، چیزی پدید آرد۱ و چون به مدت خویش رسیدند به شایستگی نگاهشان دارید یا به شایستگی از آنها جدا شوید و دو تن عدالت دار از خودتان را گواه گیرید و شهادت را برای خدا به پا دارید، هر که به خدا و روز جزا ایمان دارد از این پند گیرد و هر که از خدا بترسد، برای وی راه برون رفتنی نهد۲ و او را از آنجا که به حساب نیارد روزی دهد و هر که توکل به خدا کند، همو وی را بس است، که خدا به کار خویش می رسد که خدا برای همه چیز اندازه ای نهاده است۳ از زنان شما آنها که حیض نشده اند عده-شان سه ماه است و بارداران مدتشان اینست که بار خویش بگذارند و هر که از خدا بترسد برای وی در کارش آسانی نهد٤ این فرمان خداست که آن را به شما نازل کرده و هر که از خدا بترسد گناهان وی را محو کند و پاداش وی را بزرگ سازد٥ طلاقی شدگان را در آنجاها که سکونت می کنید به قدر وسع خویش سکونت دهید و زیانشان نزنید که بر آنها تنگ گیرید و اگر بار دارند نفقه ایشان را بدهید تا بار خویش بگذارند و اگر بر شما شیر دادند مزدشان به ایشان بدهید و با یکدیگر به شایستگی همدلی کنید و اگر سختی کردید دیگری شیردادن طفل را به عهده خواهد گرفت٦ صاحب مکنت از مکنت خویش انفاق کند و هر که روزی او تنگ باشد از آنچه خدایش داده انفاق کند خدا هیچ کس را بیش از آنچه بدو داده مکلف نمی کند خدا از پس سختی، آسانی خواهد نهاد۷ چه بسیار دهکده ها که از فرمان پروردگارشان و پیغمبران وی سرباز زدند و حسابی سختشان کردیم و عذابی زشتشان کردیم۸ پس وبال خویش بدیدند و عاقبت کارشان خسران بود۹ خدا برای ایشان عذابی سخت مهیا کرد، پس ای صاحبان خرد! که ایمان آورده اید از خدا بترسید که خدا تذکاری به شما نازل کرده است۱۰ پیغمبری آیه های روشن کننده خدا را برای شما می خواند تا کسانی را که ایمان آورده و

کارهای شایسته کرده اند از ظلمات به نور آرد و هر که به خدا مؤمن باشد و کار شایسته کند او را به بهشت-ها درآرد که همیشه در آن جاودان باشد، که خدا روزی وی نیکو کرده است۱۱ خدایی که هفت آسمان و زمین ها نظیر آن، آفرید و فرمان ما بین آنها نازل می شود تا بدانید که خدا به همه چیز تواناست و علم خدا به همه چیز احاطه دارد.۱۲

سوره تحریم ٦٦

سوره تحریم، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

ای پیغمبر! چرا چیزی را که خدا به تو حلال کرده حرام می کنی و خشنودی همسران خویش می جویی و خدا آمرزگار رحیم است۱ خدا گشودن قسم هایتان را برای شما مقرر داشته و خدا دوست دار شماست و همو دانا و فرزانه است۲ چون پیغمبر به بعض زنان خویش سخنی اظهار کرد و همین که زن سخن وی را [به دیگری] خبر داد و خدا پیغمبر را از آن مطلع کرد، بعض آن را به زن گفت و از بعض دیگر چشم بپوشید و چون زن را از قضیه خبر داد گفت کی این خبر را به تو داد؟ گفت: دانای رازدان به من خبر داد۳ اگر توبه کنید [شایسته است] که دلهایتان منحرف شده و اگر بر ضد او هم پشتی کنید خدا و جبرئیل و مؤمنان شایسته دوست دار اویند و فرشتگان از پی این مددکارند٤ اگر شما را طلاق دهد، شاید پروردگارش همسران بهتر از شما مسلمان مؤمن مطیع توبه گر عبادت پیشه روزه دار دوشیزه و شوهر دیده بدو عوض دهد٥ شما که ایمان دارید! خودتان و کسانتان را از آتشی که هیزم آن مردم وسنگ است محفوظ دارید، که مراقب آن فرشتگان خشن و سختند که خدا را در مورد آن چیزها که فرمانشان داده عصیان نکنند و هر چه فرمانشان دهند انجام دهند٦ شما که کافر بوده اید، امروز دیگر عذر میارید فقط در قبال اعمالی که می کرده اید سزایتان می دهد۷ شما که ایمان دارید! سوی خدا توبه ای صمیمانه بیارید شاید پروردگارتان گناهانتان را محو کند و به بهشت-هایتان در آرد که در آن جوی ها روانست، در آن روز که خدا، پیغمبر و آن کسان را که با وی ایمان آورده-اند خوار نکند و نورشان پیشاپیش آنها و طرف راستشان رود و گویند: پروردگارا نور ما را کامل کن و بیامرزمان که تو به همه چیز توانایی۸ ای پیغمبر! با کافران و منافقان کارزار کن و با آنها درشتی کن که جایشان جهنم است و سرانجامیست بد۹ خدا در مورد کسانی که کافرند، مثلی می زند زن نوح و زن لوط زیر[قید زناشویی] دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و چون به ایشان خیانت کردند در قبال خدا کاری برای

ایشان نساختند و گفتندشان با درون روندگان به آتش درون شوید۱۰ و نیز خدا در مورد کسانی که ایمان آورده-اند مثلی می زند: همسر فرعون، وقتی گفت: پروردگارا! برای من نزد خویش، خانه ای در بهشت بساز و مرا از فرعون و [شئامت] عمل وی نجات بخش۱۱ و مریم دختر عمران را که عفت خویش نگهداشت و از روح خویش در آن دمیدیم و کلمات پروردگار خویش را با کتابهای وی تصدیق کرد و از فرمانبران بود.۱۲

سوره ملک ٦٧

سوره ملک، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

بزرگ است آن که پادشاهی به کف اوست و او به همه چیز تواناست١ همانکه مرگ و زندگی را آفرید تا امتحانتان کند کدام تان به عمل بهترید و او نیرومند آمرزگار است٢ همانکه هفت آسمان روی هم آفرید، و در خلقت خدای رحمان تفاوتی نمی بینی، نظر بگردان آیا [در آسمانها] شکافی می بینی٣ و باز دوبار نظر بگردان که نظر، دورمانده از هدف به تو بازگردد و وامانده باشد٤ آسمان نزدیک را به چراغها آراستم و آن را وسیله دور کردن دیوان کردیم و برای آنها عذاب آتش افروخته آماده کرده ایم٥ کسانی که به پروردگار خویش کافر شده اند عذاب جهنم دارند که سرانجامیست بد٦ و چون در جهنم افکنده شوند، در آن حال که بجوشد صدای جانخراش آنها بشنوند٧ نزدیک است از غیظ پاره شود و هر وقت گروهی را در آن افکنند خزانه داران جهنم از ایشان پرسند مگر بیم رسانی سوی شما نیامده بود٨ گویند: چرا، بیم رسانی سوی ما آمده بود اما تکذیب کردیم و گفتیم خدا چیزی نازل نکرده و شما جز در ضلالی بزرگ نیستید٩ و گویند: اگر ما می شنیدیم و تعقل می کردیم، در صف اهل جهنم نبودیم١٠ و به گناه خویش اعتراف کنند و لعنت بر اهل جهنم باد١١ کسانی که از پروردگار خویش به نادیده ترسند مغفرت و پاداشی بزرگ دارند١٢ گفتار خویش را نهان کنید و یا آن را آشکار کنید، که خدا دانای مکنونات سینه هاست١٣ چگونه آنکه خالق است و همو، دقیق و کاردان است، علم ندارد١٤ اوست که برای شما زمین را رام کرد، در اطراف آن راه روید و از روزی او بخورید و بازگشت سوی اوست١٥ مگر از آنکه در آسمان است ایمن شده اید که به زمین تان فرو برد و آن وقت زمین متحرک شود١٦ و یا از آنکه در آسمان است ایمن شده اید که باد ریگ باری به شما فرستد و به زودی خواهید دانست بیم دادن من چسان است١٧ کسانی که پیش از آنها بودند نیز تکذیب کردند و تعرض من چه سخت بود١٨ مگر پرندگان بال گشوده را بالای سر خویش نبینند که بال نیز نگهدارند و جز خدای رحمان نگاهشان ندارد که او به همه چیز بیناست١٩ مگر اینکه سپاه شماست در قبال خدای رحمان یاری تان می کند؟ حقا که کافران جز قرین فریب نیند٢٠ یا آنکه روزیتان دهد اگر روزی خویش باز دارد [چه خواهید کرد تذکار نگیرند] بلکه به سرکشی و نفور اصرار ورزند٢١ مگر آنکه نگونسار بر چهره خویش راه رود هدایت یافته-

تر است با آنکه راست و براهی راست گام زند۲۲ بگو اوست که ایجادتان کرده و برای شما گوش و چشم و دلها پدید کرد، و سپاسی که می دارید اندکست۲۳ بگو اوست که شما را در زمین خلق کرد و در پیشگاه او محشور می شوید۲٤ گویند اگر راست می گویید این وعده کی می رسد۲٥ بگو علم نزد خداست و من فقط بیم- رسانی آشکارم۲٦ و چون عذاب را نزدیک بینند چهره های کسانی که کافرند بد ریخت شود و گویندشان این همانست که می خواستید۲۷ بگو به من خبر دهید، اگر خدا مرا و هر که با منست هلاک کند، یا به ما رحم کند کی کافران را از عذابی الم انگیز زنهار میدهد۲۸ بگو او خدای رحمان است بدو ایمان داریم و به او توکل می کنیم و خواهید دانست کی در ضلالت نمایان است۲۹ بگو به من بگویید اگر آب شما [به زمین] فرود رود کی به شما آب روان می دهد.۳۰

سوره قلم ٦۷

سوره قلم، در مکه نازل شده است

بنام خدای رحمان رحیم

نون، قسم به خامه و آنچه نویسند۱ که به نعمت پروردگارت تو دیوانه نیستی۲ و این پاداشی بی منت است۳ و تو خلقی عظیم داری٤ بزودی خواهی دید و آنها نیز بینند٥ که جنون با کدام یک از شماست٦ پروردگارت بهتر داند کی از راه وی گمراه شده و هم او هدایت یافتگان را بهتر شناسد۷ پس، اطاعت تکذیب کنان مکن۸ آرزو دارند تو نرمی کنی و آنها نیز نر میکنند۹ پس مطیع هر سوگند پیشه حقیر مشو۱۰ که عیبجو و پا دو سخن چینی است۱۱ و مانع خیر است و ستمگر و گنهکار۱۲ و با همه اینها پرروست و حرام زاده۱۳ برای آنکه صاحب مال و فرزندان است۱٤ وقتی آیه های ما بر او بخوانند گوید افسانه های گذشتگان است۱٥ زود باشد که روی بینی او علامت گذاریم۱٦ اما مشرکان را مبتلا کرده ایم چنانکه اهل آن باغ را که قسم خورده بودند بامدادان میوه آن بچینند۱۷ و انشاءالله نگفتند، مبتلا کردم۱۸ از جانب خدا، وقتی که آنها خفته بودند، حادثه ای به آن باغ رسیده۱۹ و بی میوه گشت۲۰ و صبحگاهان یکدیگر را ندا دادند۲۱ که اگر میوه چیند سوی کشت خویش شوید۲۲ پس برفتند آهسته به یکدیگر می گفتند۲۳ که امروز نباید مستمندی به باغ شما درآید۲٤ و برون شدند و خود را به منع مستمندی توانا پنداشتند۲٥ و چون باغ خویش بدیدند گفتند ما راه گم کرده ایم۲٦ گفتند [نه] بلکه ما محروم شده ایم۲۷ عاقل ترشان گفت: مگر به شما نگفتم، چرا تنزیه خدا نمیکنید۲۸ گفتند پروردگار ما منزه است که ما ستمگر بوده ایم۲۹ به یکدیگر رو کردند و ملامت همدیگر

میکردند۳۰ گفتند: وای بر ما که سرکش بوده ایم۳۱ شاید پروردگارمان بهتر از آن به ما عوض دهد که ما به پروردگار خویش امید میداریم۳۲ عذاب کردن چنین است و عذاب آخرت، اگر بدانند بزرگتر است۳۳ پرهیزکاران نزد پروردگارشان بهشت های پر نعمت دارند۳٤ مگر ما مطیعان را چون گنهکاران می کنیم۳٥ شما را چه شده چگونه قضاوت می کنید ۳٦ مگر کتابی دارید که آن را میخوانید ۳۷ و هر چه بخواهید انتخاب کنید، در آن می یابید۳۸ یا شما را تا روز قیالمت، به عهده ما پیمانهای رسا هست که هر چه قضاوت کنید، حق شماست۳۹ از آنها بپرس کدامشان متعهد این مطلب است٤۰ و یا شریکان دارید، پس اگر راست گویند شریکان خویش بیارند٤۱ روزی که حادثه ای عظیم رخ دهد و مشرکان به سجده کردن دعوت شوند و نتوانند٤۲ دیدگان فرو افتاده و ذلتشان فرو گرفته است قبلا نیز که سالم بودند به سجده کردن دعوت می شدند [و ابا می کردند] ٤۳ مرا با آنکه این گفتار را تکذیب می کند واگذار، به تدریج از آنجا که ندانند خواهیمشان گرفت٤٤ و مهلت شان دهم که تدبیر من محکم است٤٥ مگر از آنها مزدی می خواهی و از تاوان گرانبارند٤٦ یا غیب نزدشان است و آنها می نویسند٤۷ در قبال حکم پروردگارت صبور باش و چون صاحب ماهی مباش آن دم که ندا داد و غم زده بود٤۸ اگر رحمت پروردگارش به دادش نرسیده بود به صحرا متروک و نکوهیده مانده بود٤۹ پروردگارش برگزیدش و از شایستگانش کرد٥۰ کسانی که کافرند کسانی که کافرند، وقتی قرآن را شنیدند، نزدیک بود تو را با چشمان [خیره] خود به لغزش افکنند و گویند که وی دیوانه است٥۱ اما قرآن به جز تذکاری برای جهانیان نیست.٥۲

سوره حاقه ٦۹

سوره حاقه، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

حادثه رخ دادنی۱ حادثه رخ دادنی چیست۲ و تو چه دانی که حادثه رخ دادنی چیست۳ ثمودیان و عادیان حادثه ویران کننده را تکذیب کردند٤ اما ثمودیان به [صیحه] خارق العاده هلاک یافتند٥ اما عادیان به باد سخت طوفانی٦ که خدا هفت شب و هشت روز پیاپی، بر آنها گماشت هلاک یافتند۷ و آن گروه را از پا افتاده میدیدی گویی آنها تنه های نخل سقوط کرده اند۸ آیا باقیمانده ای از آنها می بینی و فرعون و پیشینیان وی و دهکده- های واژگون شده، اعمال خطا کردند۹ و فرستاده پروردگارشان را عصیان کردند و خدا بگرفتنی [فوق العاده] بگرفتشان۱۰ و چون آب طغیان کرد ما به کشتی حملتان کردیم۱۱ تا آن را برای شما پندی کنیم

و گوشی که حافظ [مسموعات خویش] باشد آن را بشنود١٢ و چون یک دم در صور بدمند١٣ و زمین و کوهها برداشته شوند و به یک شکستن در هم بشکنند١٤ آن روز حادثه رخ داده است١٥ و آسمان بشکافد که آن روز آسمان سست باشد١٦ و فرشتگان بر کناره های آسمانند و هشت [فرشته] عرش پروردگارت را بالای آنها حمل کنند١٧ آن روز شما را پیش آرند و هیچ چیزتان نهان نماند١٨ اما هر که نامه اش را به دست راستش داده اند گوید بیایید و نامه مرا بخوانید١٩ من یقین داشتم که حساب خویش را خواهم دید٢٠ وی در عیشی پسندیده است٢١ در بهشت برین٢٢ که چیدنیهای آن به دسترس است٢٣ به سبب اعمالی که در ایام گذشته کرده اید گوارا بخورید و بنوشید٢٤ اما هر که نامه او را به دست چپش داده اند گوید ای کاش نامه ام را نداده بودند٢٥ و نمی دانستم حساب من چیست٢٦ ای کاش مرگ پایان کار من بود٢٧ مال من، رفع نیازی از من نکرد٢٨ و قدرتم از دست برفت٢٩ بگیریدش و در غلش کنید٣٠ آنگاه به جهنمش برید٣١ آنگاه به زنجیری که طول آن هفتاد ذراع است درش آرید٣٢ که او به خدای بزرگ ایمان نداشت٣٣ و به غذا دادن مستمند ترغیب نمیکرد٣٤ پس، امروز در اینجا دوستی ندارد٣٥ و نه غذایی به جز چرک جهنمیان٣٦ که جز خطاکاران از آن نمیخورند٣٧ به آنچه بینید٣٨ و آن چه نبینید قسم می خورم٣٩ که قرآن گفتار فرشته ای ارجمند است٤٠ و گفتار خیال پردازی نیست و اندکی باور می کنید٤١ و نه گفتار کاهنی است و اندکی اندرز می یابید٤٢ نازل شده از پروردگار جهانیان است٤٣ اگر [پیغمبر] بعض گفتگوها را به ما نسبت می داد٤٤ او را به شدت میگرفتیم٤٥ و شاهرگش را می بریدیم٤٦ و هیچ یک از شما حایل او نمی شد٤٧ که قرآن پندی برای پرهیز گارانست٤٨ و ما دانیم که بعض شما تکذیب کنانید٤٩ و قرآن مایه ندامت کافران است٥٠ و همان حقیقت یقین است٥١ پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی.٥٢

سوره معارج ٧٠

سوره معارج، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

خواهنده ای، عذابی را١ که از طرف خدای صاحب عروجگاه ها٢ به کافران رسیدنیست و جلوگیر ندارد درخواست کرد٣ فرشتگان و جبرئیل در روزی که اندازه آن پنجاه هزار سال است سوی او بالا میروند٤ پس صبر کن، صبری پسندیده٥ که مشرکان عذاب را دور می بینند٦ و ما آن را نزدیک می بینیم٧ روزی که

آسمان چون روغن جوشان شود۸ و کوهها چون پشم حلاجی شده۹ و دوستی حال دوستی نپرسد۱۰ که به یکدیگر بینایشان کرده اند روزی که گنهکار آرزو کند اگر از عذاب آن روز پسرانش را۱۱ با همسر و برادرش را۱۲ و خویشان وی که پناهش میدهند۱۳ و هر که در زمین هست، یکسره فدا دهد و او را از عذاب برهاند۱٤ هرگز، که جهنم آتش سوزان است۱٥ که پوست سر میکند۱٦ و هر که را پشت کرده و [از ایمان] رو بگردانیده۱۷ و مال فراهم کرده و انفاق نکرده ، همی خواند۱۸ که انسان را حریص آفریده اند۱۹ چون بدی به او رسد جزع کننده است۲۰ و چون مال به دست وی آید بخل کننده است۲۱ مگر نمازگزاران۲۲ و همان کسان که نماز خویش پیوسته کنند۲۳ و کسانی که خواهنده و محروم۲٤ در اموالشان حقی معلوم، دارد۲٥ و کسانی که روز جزا را باور دارند۲٦ و کسانی که از عذاب پروردگارشان هراسانند۲۷ که از عذاب پروردگارت ایمن نتوان بود۲۸ و کسانی که حافظان فروج خویشند۲۹ مگر در مورد جفت هاشان یا مملوکانشان که ملامت شدنی نیستند۳۰ و هر که جز این طلبد آنها خودشان تجاوز گرانند۳۱ و کسانی که رعایت گر امانتها و پیمانهای خویشند۳۲ و کسانی که گواهی هایشان را ادا کنند۳۳ و کسانی که مواظب نمازشان باشند۳٤ آنها در بهشت ها محترمانند۳٥ برای چه کسانی که نسبت به تو انکار ورزیده اند۳٦ گروه گروه به راست و چپ دوانند۳۷ مگر هر کدامشان طمع می دارند که به بهشت پر نعمت در آیند۳۸ هرگز، که ما از آنچه می دانند خلقشان کرده ایم۳۹ به پروردگار خاورها و باخترها قسم که ما توانیم٤۰ که بهتر از آنها به جاشان آریم و ما وامانده نخواهیم شد٤۱ بگذار یاوه گویند و بازی کنند تا روز موعودشان را ببینند٤۲ روزی که شتابان از گورها بیرون شوند، گویی به سوی علمی می دوند٤۳ دیدگانشان فرو افتاده و ذلتشان گرفته است، این روزی است که وعده شان می داده اند.٤٤

سوره نوح ۷۱

سوره نوح، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که قومت را از آن پیش که عذابی الم انگیز سویشان بیاید بترسان۱ گفت: ای قوم! من شما را بیم رسانی آشکارم۲ که عبادت خدا کنید و او را بپرستید و مرا اطاعت کنید۳ تا گناهانتان را بیامرزد و تا مدتی معین نگهتان دارد که، اگر بدانید، اجل خدا وقتی بیاید مؤخر نمی شود٤ گفت: پروردگارا

من شب و روز قوم خویش را دعوت کردم٥ و دعوت من جز فرارشان نیفزود٦ و من هر وقت دعوتشان میکنم که بیامرزیشان، انگشتهایشان را در گوش هایشان کنند و جامه هایشان به سر کشند و اصرار ورزند و بزرگی کنند بزرگی کردنی [سخت] ٧ آنگاه من آشکارا دعوتشان کردم٨ و باز دعوت را علنی کردم و نیز نهان کردم، نهان کردنی [دقیق] ٩ گفتمشان از پروردگارتان آمرزش بخواهید که وی آمرزگار است١٠ تا آسمان را به باران فراوان به شما گمارد١١ و شما را به مالها و فرزندان کمک کند و برایتان بهشت ها پدید آرد و برایتان جویبارها پدید آرد١٢ چرا شما به بزرگی خدا١٣ که شما را گونا گون آفریده است، امید ندارید١٤ مگر ندانید خدا چگونه هفت آسمان را بالای هم آفریده است١٥ و ماه را روشنی آن کرده و خورشید را چراغی نهاده است١٦ و خدا شما را از زمین برویانید، رویانیدنی [شگفت انگیز] ١٧ آنگاه شما را به زمین باز میگرداند و برونتان می کند، برون کردنی [تردید ناپذیر] ١٨ و خدا زمین را فرش شما کرده است١٩ تا در راههای گشاده آن راه سپر شوید٢٠ نوح گفت: پروردگارا! آنها عصیان من کردند و کسی را که مال و فرزندانش جز خسارتش نیفزوده، پیروی کردند٢١ و نیرنگ کردند، نیرنگی بزرگ٢٢ و گفتند خدایان خویش را مگذارید ودد وسواع و یغوث و یعوق و نسر را مگذارید٢٣ همانا بسیاری را گمراه کردند و [پروردگارا] ستمکاران را جز گمراهی میفزا.٢٤ به سبب خطاهایشان غرقه گشتند و به جهنم شدند و برای خویش جز خدا یارانی نیافتند٢٥ نوح گفت: پروردگارا! از این کافران دیاری، روی زمین مگذار٢٦ اگر تو بگذاریشان بندگان تو را گمراه کنند و جز بدکاری کفران پیشه تولید نکنند٢٧ پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را با هر که به حال ایمان وارد خانه من شود با مردان مؤمن و زنان مؤمن بیامرز و ستمگران را جز هلاک میفزای. ٢٨

سوره جن ٧٢

سوره جن، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

بگو: به من وحی آمده که گروهی از پریان استماع [قرائت من] کردند و گفتند: ما قرآنی شگفت آور شنیدیم١ که به سوی کمال دعوت می کند و بدان ایمان آوردیم و هیچکس را با خدای خود شریک نمی کنیم٢ و که پروردگار ما والا و بزرگ است و جفت و فرزند نگرفته است٣ و کم خرد ما درباره خدا سخنی نا حق گفت٤ و ما گمان داشتیم که آدمیان و پریان هرگز در باره خدا دروغ نخواهند گفت٥ و چنین بود که مردانی

از آدمیان به مردانی از پریان پناه بردند و طغیانشان بیفزودند٦ و آنها نیز چنانکه شما گمان برده اید، گمان بردند که خدا هیچ کس را دوباره زنده نمی کند٧ و ما با آسمان تماس گرفتیم و آن را پر از نگهبانان و شهاب-ها یافتیم٨ و ما سابقاً نزدیک آسمان در جایگاهها برای استماع می نشستیم و اکنون هر کس استماع کند شهابی را به کمین خویش خواهد یافت٩ و ما ندانیم آیا برای ساکنان زمین شری خواسته اند یا پروردگارشان برای ایشان هدایتی خواسته است١٠ و از جمله ما شایستگانند و بعض کم از ایند و مافرقه های مختلفیم١١ و ما دانیم که در زمین خدا را ناتوان نکنیم و به فرار از او رهایی نیابیم١٢ و ما همین که هدایت را شنیدیم بدان مؤمن شدیم و هر که مؤمن پروردگار خویش شود از نقصان و ظلم نترسد١٣ از جمله ما مسلمانند و بعضی ستمگرانند و هر که اسلام آرد آنها سر هدایت یافتن داشته اند١٤ اما ستمگران هیزم جهنممند١٥ و نیز [به من وحی آمده] که اگر مشرکان براین دین استوار شوند آبی فراوانشان دهیم١٦ تا در این دین بیازمائیمشان و هر که از یاد پروردگارش روی بگرداند او را به عذابی سخت درآرد١٧ و که عبادتها خاص خداست و هیچ کس را با خدا مخوانید١٨ که چون بنده خدا قیام کرد و او را بخواند، [از فرط ازدحام] نزدیک بودند به او بچسبند١٩ بگو من فقط پروردگارم را می خوانم و هیچ کس را با او شریک نکنم٢٠ بگو من برای شما اختیار زیان زدن یا به کمال بردن ندارم٢١ « بگو هیچ کس مرا در قبال خدا پناه دادن نتواند و جز او پناهگاهی نیابم»٢٢ مگر بلاغی از جانب خدا و پیغام آوری او، و هر که عصیان خدا و پیغمبر وی کند، آتش جهنم دارد که همیشه در آن جاوید باشند٢٣ تا وقتی که عذاب موعود را ببینند، خواهند دانست یاور کی ناتوان تر وعده کی کمتر است٢٤ بگو من ندانم آنچه شما را وعده می دهند نزدیک است یا پروردگارم برای آن مدتی خواهد نهاد٢٥ دانای غیب اوست و هیچ کس را از غیب خویش مطلع نخواهد کرد٢٦ مگر پیغمبری که مورد رضای وی باشد که جلو روی او و پشت سرش نگهبانها می آورد٢٧ تا معلوم دارد که پیغام های پروردگارشان را رسانیده- اند که به هر چه نزد آنهاست احاطه دارد و عدد همه چیز را شمار کرده است.٢٨

سوره مزمل ٧٣

سوره مزمل، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

ای جامه به خویش پیچیده١ شب را، به جز اندکی، به پا خیز٢ مگر یک نیمه شب، یا اندکی از آن کم کن٣ یا بر آن بیفزای و قرآن را به تانی خوان، تانی [دقیق] ٤ که ما گفتاری گران به تو القا خواهیم کرد٥ که در ساعت شب و فاق خاطر بیشتر و گفتار استوارتراست٦ که تو را به روز رفت و آمد طولانی است٧ و نام پروردگار خویش یاد کن و توجه خاص او کن، توجه کامل٨ پروردگار خاور است و باختر که خدایی جز او

نیست پس او را تکیه گاه گیر۹ برآنچه گویند صبر کن و از آنها ببر، بریدن نیکو۱۰ مرا با تکذیب کنان منعم، واگذار و اندکی مهلتشان ده۱۱ که نزد ما پندهاست و آتشی بزرگ۱۲ و خوردنی ای گلو گیر با عذابی الم انگیز۱۳ در آن روز که زمین و کوهها بلرزد و کوهها تپه های پراکنده شود۱٤ ما پیغمبری سوی شما فرستاده-ایم که بر شما گواه است چنانکه پیغمبری سوی فرعون فرستادیم۱٥ و فرعون عصیان کرد و از او مؤاخذه کردیم، مؤاخذه ای سخت۱٦ اگر کافر باشید، از روزی که کودکان را پیر می کند، چگونه می پرهیزید۱۷ در آن روز آسمان شکافته شود و [این] وعده ای انجام شدنیست۱۸ این تذکاریست و هر که خواهد سوی پروردگارش راهی بجوید۱۹ پروردگارت داند که تو نزدیك دو ثلث شب و نصف آن و ثلث آن به پا می خیزی و دسته ای از آنها که با تواند نیز، خدا شب و روز را اندازه کند و داند که به سر بردن آن نتوانید شمارا ببخشید، از قرآن هر چه میسر شود، بخوانید خدا داند که بعض شما بیماران خواهند بود و دیگران که در زمین راه سپرند و از کرم خدا [روزی] جویند و دیگران که در راه خدا کارزار کنند، از قرآن هر چه میسر شود بخوانید و نماز کنید و زکات دهید و خدا را وامی نیکو دهید و هر نیکی ای برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا بیابید و پاداش آن بهتر و بزرگتر است، از خدا آمرزش بخواهید که وی آمرزگارو رحیم است.۲۰

سوره مدثر ۷٤

سوره مدثر، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

ای جامه به خویش پیچیده۱ برخیز و بترسان۲ پروردگارت را تکبیر گوی۳ و لباس خویش پاکیزه دار٤ و از گناهان دوری کن٥ و منت منه که بیشتریابی٦ به خاطر پروردگارت صبور باش۷ که چون در صور دمند۸ چنین است که آن روز روزی سخت است۹ و برای کافران آسان نیست۱۰ مرا با آنکه تنها آفریده ام۱۱ و مالی دامنه دار۱۲ با فرزندان حاضر به او داده ام۱۳ و برای او آماده کرده ام، آماده کردن خوب۱٤ و باز طمع دارد که افزونش دهم [مرا با او] واگذار۱٥ هرگز که او نسبت به آیه های ما ستیزه جوست۱٦ به زودی او را به سختی می رسانم۱۷ که وی [درباره قرآن] بیندیشید و حساب کرد۱۸ کشته شود، چگونه حساب کرد۱۹ بازگشته شود چگونه حساب کرد۲۰ آنگاه نظر کرد۲۱ آنگاه عبوس شده و چهره در هم کشید۲۲ آنگاه برفت و بزرگی کرد۲۳ و گفت این نیست، مگر جادوئی که نقل کنند۲٤ این به جز گفتار بشر نیست۲٥ بزودی به سقرش می برم۲٦ و تو چه دانی که سقر چیست۲۷ نه ابقا کند و نه واگذارد۲۸ و بشره ها را بسوزاند۲۹ که نوزده [فرشته] نگهبان آنند۳۰ و ما آتش بانان را جز فرشتگان نکردیم و تعدادشان را جز برای امتحان کسانی

که کافرند نکردیم، تا کسانی که کتابشان داده اند به یقین رسند و کسانی که که ایمان آورده اند ایمانشان افزون شود و کسانی که کتابشان داده اند، و مؤمنان، شك نکنند و کسانی که در دلهاشان مرضی هست و کافران، نگویند خدا از این مثل چه می خواست، چنین، خدا هر که را خواهد گمراه کند و هر کا و هر که را خواهد هدایت کند و سپاه پروردگارت را جز او نداند و این جز تذکاری برای آدمیان نیست۳۱ بی گفتگو، قسم به ماهتاب۳۲ و شب، چون برود۳۳ و صبح چون آشکار شود۳٤ که این یکی از حوادث بزرگ است۳٥ بیم رسان آدمیان است۳٦ برای هر کس از شما که خواهد جلو رود یا عقب افتد۳۷ هر کس در گرو اعمال خویش است۳۸ مگر سمت راستی ها۳۹ که در بهشت ها٤٠ از گنهکاران پرسش کنند٤١ که چه چیز شمار ا به سقر درآورد٤٢ گویند ما نمازگزار نبودیم٤۳ و مستمند را غذا نمی دادیم٤٤ و با یاوه گویان یاوه میگفتیم٤٥ و روز جزا را تکذیب میکردیم٤٦ تا حادثه قطعی به ما رسید٤۷ پس، شفاعت شفیعان سودشان ندهد٤۸ آنها را چه شده که از این تذکار روی گردانند٤۹ گوئی خران رم کرده اند٥٠ که از شیر گریخته اند٥١ بلکه هر یك از ایشان خواهد، صحیفه های گشودشان دهند٥٢ هرگز [ندهندشان] که آنها از آخرت بیم ندارند٥۳ هرگز [گفتارشان راست نیست] که این قرآن تذکاربست٥٤ پس هر که خواهد آن را بخواند [و پند گیرد] ٥٥ و پند نگیرند مگر آنکه خدا خواهد که وی اهل تقوی و مغفرت است.٥٦

سوره قیامه ۷٥

سوره قیامت در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

به روز رستاخیز قسم میخورم۱ و به ضمیر ملامتگر قسم می خورم۲ مگر انسان پندارد که استخوانهای وی را فراهم نمی کنیم۳ چرا، توانائیم که انگشتان وی را بسازیم٤ [پندار او نادرست است] بلکه انسان خواهد در آینده نیز بدکاری کند٥ می پرسد روز رستاخیز کی می رسد٦ و چون دیده خیره شود۷ و ماه بگیرد۸ و خورشید و ماه مجتمع شوند۹ آن روز، انسان گوید گریزگاه کجاست۱٠ هرگز، پناهگاهی نیست۱۱ آن روز قرار گاه نزد پروردگار توست۱۲ آن روز ایشان را از آنچه جلوتر و عقب تر کرده اند خبر دهند۱۳ [خبر لازم نیست] بلکه انسان به کار خویش بیناست۱٤ گرچه عذرهای خویش القا کند۱٥ زبان خویش به تلاوت قرآن مجنبان که [نزول] آن را به شتاب خواهی۱٦ که فراهم آوردن و مجموعه کردن آن به عهده ماست۱۷ و چون آن را بخوانیم قرائت آن را تبعیت کن۱۸ آنگاه توضیح دادن آن به عهده ماست۱۹ اصلا شما دنیا را

دوست دارید۲۰ و آخرت را وا می گذارید۲۱ بعضی چهره ها آن روز شاداب است۲۲ وسوی پروردگار خویش نگران است۲۳ و بعضی چهره ها آن روز تاریك است۲٤ گمان دارد رفتار کمرشکنی با او میکنند۲۵ وقتی جان به گلو رسد۲٦ و گویند شفا دهنده کیست؟۲۷ و بداند که هنگام فرقتست۲۸ و پا به پا پیچد۲۹ آن روز محل رانده شدن سوی پروردگارتوست۳۰ پس، نه تصدیق کرد و نه نماز کرد۳۱ اولی تکذیب کرد و رو بگردانید۳۲ آنگاه خرامان سوی کسان خویش رفت۳۳ وای بر تو پس وای بر تو۳٤ و باز وای بر تو و وای برتو۳۵ مگر انسان پندارد که بیهوده رها شود۳٦ مگر مایه ای از منی نبود که ریخته می شد؟۳۷ پس، خون بسته ای شد و خدای بیافرید و بپرداخت۳۸ و از او دو قسم ماده و نر پدید کرد۳۹ چگونه این خدا قادر نیست که مردگان رازنده کند.٤۰

سوره دهر ۷٦

سوره دهر، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

مدتی زمانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود۱ ما انسان را از نطفه ای مخلوط آفریدیم که [به تکلیف] امتحانش کنیم و او را شنوا و بینا کرده ایم۲ ما راه به او نموده ایم که یا سپاس دار و یا کفران پیشه است۳ ما برای کافران زنجیرها وغلها و جهنمی آماده کرده ایم٤ نیکو کاران پیمانه ای نوشند که آمیخته به کافور است۵ از چشمه ای که بندگان خدا از آن نوشند و آن را [به هر کجا خواهند] روان کنند٦ نیکوکاران به نذر وفا کنند و از روزی که شر آن انکار ناپذیر است بیم دارند۷ و غذا را، با آنکه دوست دارند به مستمند و یتیم و اسیر دهند۸ [و گویند] ما شما را فقط برای رضای خدا غذا می دهیم و به از شما پاداشی و سپاسی نخواهیم۹ ما از پروردگارمان از روزی گرفته و سیاه می ترسیم۱۰ پس، پروردگارشان از شر این روز نگاهشان دارد و تازه روئی و سرور پیششان آرد۱۱ و برای آن صبر که کرده اند بهشت و دیبا پاداششان دهد۱۲ که در آن بر تختها تکیه زده اند و در آنجا آفتاب و سرما نبینند۱۳ و بهشت دیگر که سایه هایش روی آنهاست و میوه هایش کاملا فرو افتاده است۱٤ و ظرفهای نقره و قدحهای آبگینه بر آنها بگردانند۱۵ آبگینه های نقره ای که آن را به دقت اندازه کرده اند۱٦ و در آن پیمانه ای نوشند که به زنجبیل آمیخته است۱۷ از چشمه ای که در آنجا هست و سلسبیل نام دارد۱۸ و پسرکان جاویدان بر آنها بگردند که چون بینشان پنداریشان مرواریدهای پراکنده اند۱۹

و چون بنگری و باز بنگری، نعمت و سلطنت بزرگی است۲۰ و جامه های دیبای سبز و استبرق به تن دارند و دستبندهای نقره زیور کنند و پروردگارشان می پاکشان بنوشاند۲۱ این پاداش شماست و کوششتان حق-گزاری شده است۲۲ ما این قرآن را به تو نازل کرده ایم نازل کردن کامل۲۳ نسبت به حکم پروردگارت صبور باش و مطبع مشرکان گنهکار یا کفران پیشه مشو ۲٤ و بامداد و پسین نام پروردگارت را یاد کن۲۵ و شبانگاه سجده او کن وشبي دراز تسبیح او گوی۲٦ اینان زود رس را دوست دارند و روزی سخت را جلو خویش وا می گذارند۲۷ ما آنها را بیافریده ایم و ترکیبشان محکم کرده ایم و اگر خواهیم نظایر شان بدل آریم بدل آوردنی [بی گفتگو] ۲۸ این تذکاریست و هر که خواهد سوی پروردگارش راهی بجوید۲۹ و شما نمیخواهید مگر آنکه خدا بخواهد که خدا دانا و فرزانه است۳۰ و هر که را خواهد به رحمت خویش درون برد و برای ستمگران عذابی الم انگیز مهیا کرده است.۳۱

سوره مرسلات ۷۷

سوره مرسلات، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

قسم به فرستادگان پیاپی۱ و بادهای وزنده که وزش کند۲ و بادهای ابر پراکن که همی پراکند۳ و امتیاز کنان که امتیاز کنند٤ و فرشتگان که برای [رفع] عذر یا بیم دادن٥ وحی القا کنند٦ که آنچه به شما وعده کنند رخ داد نیست۷ آنگاه که ستارگان محو شود۸ و آنگاه که آسمان بشکافد۹ و آنگاه که کوه ها پاره شود۱۰ و آنگاه که فرستادگان در روزی که معین شود۱۱ به میعاد آیند۱۲ در روز فیصله۱۳ و تو چه دانی که روز فیصله چیست۱٤ آن روز وای بر تکذیب کنان۱٥ مگر پیشینان را هلاک نکردیم۱٦ آنگاه پسینان را از پی ایشان بریم۱۷و با گنهکاران چنین می کنیم۱۸ آن روز وای بر تکذیب کنان۱۹ مگر شمارا از آبی بی مقدار نیافریدیم۲۰ آنگاه شما را تا مدتی معین۲۱ در قرارگاهی استوار کردیم۲۲ و قدرت داشتیم و قدرتمندی نکو بودیم۲۳ آن روز وای بر تکذیب کنان۲٤ و زمین را فراهم آرند۲٥ زندگان و مردگان کردیم۲٦ در آن کوههای بلند نهادیم و آبی گوارا به شما نوشانیدیم ۲۷ آن روز وای بر تکذیب کنان۲۸ سوی چیزی که تکذیب می کردید روان شوید۲۹ به سوی سایه ای که سه شاخه دارد۳۰ که نه سایه افکن است و نه از حرارت نگاه می دارد روان شو ۳۱ که جهنم شعله ای می افکند چون بنایی بلند۳۲ که گوئی شتران زرد گونست۳۳ آن روز وای بر تکذیب کنان۳٤ این روزیست که سخن نکنند۳٥ و اجازه شان ندهند که عذر آورند۳٦ آن روز وای بر تکذیب

کنان۳۷ این روز فیصله است که شما را با پیشینان مجتمع کرده ایم۳۸ اگر نیرنگی دارید در کار من نیرنگ کنید۳۹ آن روز وای بر تکذیب کنان۴۰ که پرهیزکاران در سایه ها و چشمه سارهایند۴۱ و میوه ها از آنچه بخواهند۴۲ به پاداش آن عملها که می کرده اید گوارا بخورید و بنوشید۴۳ که ما نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم۴۴ آن روز وای بر تکذیب کنان۴۵ اندکی بخورید و برخوردار شوید که شما گنهکارانید۴۶ آن روز وای بر تکذیب کنان۴۷ و چون گویندشان رکوع کنید رکوع نکنند۴۸ آن روز وای بر تکذیب کنان۴۹ پس از قرآن کدام گفتار را باور میکنند.۵۰

سوره نباء ۷۸

سوره نباء، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

از چه می پرسند۱ از آن خبر بزرگ همانکه درباره آن اختلاف دارید۲ که همواره درباره آن با یکدیگر اختلاف دارند [که واقع می شود یا نه؟]۳ سؤال نکنند به زودی خواهند دانست۴ بازهم سؤال نکنند به زودی خواهند دانست۵ مگر بزودی زمین را بستری۶ و کوهها را میخها، نکرده ایم۷ و شما را جفت هایی [به صورت نر و ماده] آفریدیم،۸ و شما را نر و ماده آفریده ایم و خفتنتان را آرامشی۹ و شب را پوششی کرده-ایم۱۰ و روز را [وقت] معاش کرده ایم۱۱ و بالای شما هفت [آسمان] محکم ساخته ایم۱۲ و در آن چراغی فروزان نهاده ایم۱۳ و از ابرهای بار ان ریز آبی فراوان نازل کرده ایم۱۴ تا دانه و گیاه۱۵ و باغهای انبوه بدان بر آید۱۶ حقا که روز فیصله میعادی است۱۷ روزی که در صور دمند و گروه گروه بیایند۱۸ و آسمان گشوده شود و درها داشته باشد۱۹ و کوهها راه برده شود و چون سراب باشد۲۰ که جهنم کمینگاهی است۲۱ که سرانجام سرکشان است۲۲ که مدتهای دراز در آن سر کنند۲۳ و در آنجا خنکی و نوشیدنی ای۲۴ جز آب جوشان و چرك نچشند۲۵ پاداش مناسبی است۲۶ که آنها از حساب بیم نداشتند۲۷ و آیه های ما را لجوجانه تکذیب کردند۲۸ و هر چیزی را در نامه ای شمار کرده ایم۲۹ بچشید که جز عذابتان نمی افزائیم۳۰ که پرهیزکاران را جای کامیابی هست۳۱ باغها و تاکستانها۳۲ و نار پستانهای هم سال۳۳ و پیمانه مالامال۳۴ که هنگام پیمانه پیمائی یاوه و تکذیب نشنوند۳۵ پاداش پروردگار تو است که عطای کافیست۳۶ پروردگار آسمانها و زمین و هر چه میانشان هست، خدای رحمان که خطاب به او نتوانند کرد۳۷ روزی که جبرئیل و فرشتگان

به صف بایستند و سخن نکنند جز آنکه خدای رحمانش اجازه دهد، و صواب گوید۳۸ این روزی است که آمد نیست و هر که خواهد سوی پروردگارش بازگشتی بجوید۳۹ ما شما را از عذابی نزدیك بیم میدهم، روزی که شخص به آنچه دستهایش از پیش فرستاده بنگر دو کافر گوید: ای کاش خاک بودم.۴۰

سوره نازعات ۷۹

سوره نازعات، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

قسم به [فرشتگان] جانگیر که به سختی گیرند۱ و نشاط گران [آسمان] که نشاط کننده۲ و شناوران [بالا] که شنا کنند۳ و پیشروان که پیش روند۴ و تدبیر کنان امور۵ [که انکار رستاخیز خطاست] روزی که لرزاننده بلرزاند۶ و لرزاننده دیگر از پس آن آید۷ آن روز دلها هراسان بود۸ و دیدگان شان فرو افتاده باشد۹ گویند چگونه وقتی استخوانهای پوسیده شدیم۱۰ چگونه به حال نخست بازمان می آورند۱۱ گویند: حقاً این بازگشتی زیان آمیز است۱۲ فقط یك فریاد است۱۳ و آنها (از گورها برون شده) روی زمینند۱۴ آیا گفتگوی موسی به تو رسیده است۱۵ وقتی پروردگارش از وادی مقدس طوی ندایش داد۱۶ که سوی فرعون برو که او طغیان کرده است۱۷ بگو: خواهی که پاکیزه شوی۱۸ و سوی پروردگارت هدایت کنم که پرهیز گار شوی۱۹ و آن نشانه بزرگ را به وی نمود۲۰ پس تکذیب کرد و عصیان ورزید۲۱ آنگاه پشت بکرد و بکوشید۲۲ و جمع کرد و ندا داد۲۳ و گفت: من پروردگار والای شمایم۲۴ و خدایش به عذاب دنیا و آخرت بگرفت۲۵ که در این برای هر که بترسد عبرتی هست۲۶ خلقت شما سخت تر است یا آسمان که خدایش ساخته است۲۷ و سقف آن را بالا برده و آن را بپرداخته است۲۸ و شبش را تاریك و روزش را پدید کرده است۲۹ و از پس این زمین را بگسترده است۳۰ و آب و چراگاه از آن برون آورده است۳۱ و کوهها را محکم کرده است۳۲ که مایه برخورداری شما وحیوانات شماست۳۳ و چون بلیه عظیمی بیاید۳۴ روزی که انسان هر چه کوشش کرده بیاد آرد۳۵ و جهنم به هر که بیناست نمایان شود۳۶ اما هر که طغیان کرده۳۷ و زندگی دنیا را ترجیح داده۳۸ جهنمش جایگاه است۳۹ و اما هر که از موقعیت پروردگارش ترسیده و ضمیر خویش را از هوس باز داشته۴۰ بهشتش جایگاه است۴۱ تو را از رستاخیز پرسند که وقت وقوع آن کی است۴۲ تو از آنچه میدانی۴۳ مرجع آن پروردگارتست۴۴ تو فقط کسی را که از رستاخیز بترسد بیم می دهی۴۵ چون رستاخیز را بینند گوئی که آنها جز شبانگاهی یا بامداد آن را به سر نبرده اند.۴۶

سوره عبس ۸۰

سوره عبس، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

روی ترش کرد و پشت بگردانید۱ که چرا آن کور نزد وی آمد۲ تو چه دانی شاید او پاك شود۳ و یا تذکار یابد وتذ کارش سود دهد٤ اما آنکه بی نیازی می کند٥ تو بدو اقبال می کنی٦ که اگر هم پاک نشود گناهی بر تو نیست۷ اما آنکه شتابان نزد تو آمده۸ و همو ترسد۹ تو از وی تغافل میکنی۱۰ چنین مکن، که این قرآن تذکار یست۱۱ هر که خواهد آن را یاد گیرد۱۲ که در صحیفه های ارجمند است۱۳ والا و پاکیزه است۱٤ به دست نویسندگان۱٥ گرامی نکو۱٦ مرگ بر انسان چه چیز به انکارش می کشد۱۷ خدا از چه چیزش آفریده است۱۸ او را از نطفه ای آفرید و توانش داد۱۹ آنگاه راه [هدایت] بر او آسان کرد۲۰ آنگاه وی را بمیراند و به گور برد۲۱ سپس وقتی بخواهد زنده اش کند۲۲ اصلا آنچه را خدایش فرمان داده انجام نداده است۲۳ پس، انسان طعام خویش را بنگرد۲٤ اما آب را بریختنی [عبرت انگیز] بریختیم۲٥ آنگاه زمین را بشکافتنی [دیدنی] بشکافتیم۲٦ و در در آن دانه ای برویانیدم۲۷ با تاك و سبزی۲۸ و زیتون ونخل۲۹ و باغهای انبوه۳۰ و میوه و علف۳۱ که مایه تمتع شما و حیوانات شماست۳۲ و چون فریاد عظیم بیاید۳۳ روزی که شخص از برادرش۳٤ و مادرش و پدرش۳٥ و همسرانش و پسرانش بگریزد۳٦ در آن روز هر کس از آنها کاری دارد که (فقط) بدان پردازد۳۷ بعضی چهره ها آن روز روشن است۳۸ و خندان و شادان است۳۹ و بعضی چهره ها آن روز کدر است٤۰ و سیاهی آن را گرفته است٤۱ آنها کافران بدکارند.٤۲

سوره تکویر۸۱

سوره تکویر، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

وقتی که خورشید پیچیده شود۱ و وقتی که ستارگان تیره شوند۲ و چون کوه ها راه سپر شوند۳ و چون شتران آبستن بی ساربان مانند٤ و چون ددان جمع آیند٥ و چون دریا آتشین شود٦ و چون جانها جفت شوند۷ و چون از قتل دخترک بازخواست شود۸ که بچه گناهی مقتول شده است۹ و چون نامه ها پراکنده شود۱۰ و چون آسمان ز جا کنده شود۱۱ و چون جهنم فروزان شود۱۲ و چون بهشت نزدیک شود۱۳ و هر کس داند چه حاضر کرده است۱٤ قسم به ستارگان دوار۱٥ [یعنی] سیارگان نهان شو۱٦ و به شب چون

تاریك شود۱۷ و صبح چون بدمد۱۸ که قرآن گفتار فرشته ای ارجمند است۱۹ که نیرومند است و نزد صاحب عرش مقامی دارد۲۰ و مطاع است۲۱ و رفیق شما دیوانه نیست۲۲ و فرشته را در افق نمایان دیده است۲۳ و در مورد غیب بخیل نیست۲٤ و قرآن گفتار شیطان مطرود نیست۲٥ پس کجا می روید۲٦ که این جز تذکاری برای جهانیان نیست۲۷ برای هر کس از شما که خواهد استوار شود۲۸ و نخواهید خواست، مگر خدای یکتا پروردگار جهانیان، بخواهد.۲۹

سوره انفطار ۸۲

سوره انفطار، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

وقتی که آسمان بشکافد۱ و وقتی که ستارگان پراکنده شود۲ و وقتی که دریاها به هم پیوندد۳ و وقتی که گورها زیر و رو شود٤ و هر کس داند چه کرده و چه نکرده است٥ ای انسان چیست که تو را به پروردگار ارجمندت غره کرده است٦ که تو را آفریده و پرداخته و تناسبت داده است۷ و به هر صورتی که خواسته ترکیبت کرده است۸ اصلا شما روز جزا را دروغ می شمارید۹ و نگهبانان به شما گماشته اند۱۰ که نویسندگان ارجمندند۱۱ که هر چه کنید بدانند۱۲ که نکوکاران در نعیمند۱۳ و بدکاران در جحیمند۱٤ روز جزا وارد آن شوند۱٥ و از آن غایب نشوند۱٦ توچه دانی که روز جزا چیست۱۷ و باز چه دانی که روز جزا چیست۱۸ روزی که کسی در باره کسی اختیاری ندارد و آن روز فرمان خاص خداست.۱۹

سوره مطففین ۸۳

سوره مطففین، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

وای بر کم فروشان۱ کسانی که وقتی از مردم پیمانه گیرند تمام گیرند۲ و چون پیمانه به مردم دهند یا برای ایشان وزن کنند، بکاهند۳ مگر آنها ندانند که در روزی بزرگ٤ از تو زنده خواهند شد٥ روزی که همه مردم به فرمان پروردگار جهانیان بایستند٦ اصلا نامه بدکاران به دفتر بدان است۷ و تو چه دانی که دفتر بدان چیست۸ کتابی نوشته است۹ و آن روز وای بر تکذیب کنان۱۰ که روز جزا را تکذیب کنند۱۱ و جز ستمگر

گنهکار تکذیب آن نکند۱۲ و چون آیه های ما بر او بخوانند گوید افسانه های گذشتگان است۱۳ اصلا اعمالی که میکرده اند زنگار قلوبشان شده است۱٤ اصلا آن روز از قرب پروردگارشان دورند۱٥ آنگاه وارد جهنم شوند۱٦ و گویندشان اینست که تکذیب آن میکردید۱۷ اصلا نامه نیکان به دفتر نیکی است۱۸ و تو چه دانی که دفتر نیکی چیست۱۹ کتابی نوشته است۲۰ که مقربان شاهد آنند۲۱ که نیکو کاران و در نعیمند۲۲ و برتختها می نگرند۲۳ طراوت نعیم را در چهره هاشان توانی شناخت۲٤ شرابی مهر خورده بنوشانندشان که مهر آن از مشک است۲٥ و هم چشمی کنان در این باب همچشمی کنند۲٦ و چاشنی آن از تسنیم است۲۷ چشمه ایست که مقربان از آن نوشند۲۸ [سابقاً] کسانی که بدکار بودند به کسانی که ایمان داشتند می خندیدند۲۹ و چون بر آنها گذر می کردند به هم چشمک میزدند۳۰ و چون نزد کسانشان میرفتند، شادمان میرفتند۳۱ و چون مؤمنان را میدیدند، میگفتند حقاً اینان گمراهانند۳۲ اما آنها را به نگهبانی مؤمنان نفرستاده بودند۳۳ آن روز کسانی که ایمان داشته اند به کافران بخندند۳٤ و از روی تخت ها نظر کنند۳٥ که آیا سزای اعمال کافر ان را داده اند.۳٦

سوره انشقاق ۸٤

سوره انشقاق، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

وقتی که آسمان بشکافد۱ و فرمان پروردگار خویش برد و شایسته باشد۲ و چون زمین کشیده شود۳ و هر چه در شکم آن هست بیندازد و خالی شود٤ و فرمان پروردگار خویش برد و شایسته باشد٥ ای انسان! تو در راه پرورد گارت کوشش بسیار می کنی و [نتیجه] آن را خواهی دید٦ و اما آنکه نامه اش را بدست راستش دهند۷ پس زود باشد که حسابی آسانش کنند۸ و خوشحال نزد کسان خویش بازگردد۹ اما هر که نامه اش را پشت سرش دهند۱۰ زود باشد که آرزوی هلاک کند۱۱ و به جهنم درآید۱۲ که وی میان کسان خویش شادمان بود۱۳ و گمان برد که هرگز باز نخواهد گشت۱٤ آری پروردگارش بینای وی بود۱٥ به شفق قسم میخورم۱٦ با شب و آنچه پوشاند۱۷ سوگند به ماه هنگامی که بَدر کامل می شود۱۸ که از مرگ به زندگی نو خواهید رفت۱۹ چرا مشرکان باور ندارند۲۰ و چون قرآن برای ایشان خوانده شود سجده نکنند۲۱ بلکه کسانی که کفر می ورزند تکذیب نیز کنند۲۲ خدا بهتر داند که در خاطر چه دارند۲۳ پس به عذابی الم انگیز بشارت-شان ده۲٤ مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند که پاداشی بی منت دارند.۲٥

سوره بروج ۸۵

سوره بروج، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

قسم به آسمان که برجها دارد۱ وروز موعود۲ و شاهد و مشهود۳ [که مشرکان در ضلالند] و اهل گودال٤ اهل آتش هیزم دار هلاک شدند٥ وقتی که بر کناره گودال نشسته بودند٦ و ناظر آن شکنجه بودند که به مؤمنان می کردند۷ بر مؤمنان خرده ای نمی گرفتند جز اینکه به خدای نیرومند و ستوده ایمان آورده بودند۸ همان که پادشاهی آسمانها و زمین خاص اوست و خدا شاهد همه چیز است۹ کسانی که مردان مؤمن و زنان مؤمن را به محنت افکنده و پس از آن توبه نکرده اند، عذاب جهنم دارند و عذاب سوزان دارند۱۰ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند بهشت ها دارند که در آن جوی ها روان است و این کامیابی بزرگ است۱۱ که صلابت پروردگارت شدید است۱۲ اوست که خلق را پدید کرده و باز می آورد۱۳ و همو آمرزگار و مودت شعار است۱٤ و دارای عرش است و ارجمند است۱٥ او هر چه بخواهد می کند۱٦ آیا گفتگوی سپاهیان به تو رسیده است۱۷ (سپاه) فرعون و ثمود۱۸ اصلا کسانی که کفر می ورزند در تکذیب فرو رفته اند۱۹ و خدا به اطرافشان احاطه دارد۲۰ و این قرآنی ارجمند است۲۱ که در لوحی محفوظ است. ۲۲

سوره طارق ۸٦

سوره طارق، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

قسم به آسمان و ستاره شب رو۱ توچه دانی که ستاره شب رو چیست۲ همان ستاره نافذ است۳ که هیچ کس نیست مگر نگهبانی بر او هست٤ انسان بنگرد از چه خلق شده٥ از آبی جهان خلق شده٦ که از مابین پشت و دنده ها برون میشود۷ که خدا به باز آوردنش تواناست۸ روزی که نهان ها آشکار شود۹ انسان نه نیرو دارد نه یار۱۰ قسم به آسمان بازگشت دار۱۱ و زمین شکاف دار۱۲ که این گفتاری قاطع است۱۳ و شوخی نیست۱٤ که آنها نیرنگی کنند۱٥ و من نیز تدبیری کنم۱٦ کافران را مهلتی ده، اندکی مهلتشان ده.۱۷

سوره اعلی ۸۷

سوره اعلی، در مکه نازل شده است

به نام پرورد گار و الایت تسبیح گوی۱ همانکه خلقت کرد و بپرداخت۲ همانکه توان داد و هدایت کرد۳ همانکه چراگاه را پدید آورد٤ و آن را خشك و تیره کنده برای تو خواهیم خواند که فراموش نکنی٦ مگر آنچه خدا خواهد که وی آشکار را با هر چه نهان است بداند۷ و طریقت آسان پیش تو می آوریم۸ تذکار بد، چه تذکار دادن سود دهد [چه ندهد] ۹ هر که پرهیز گار است تذکار خواهد یافت۱۰ و بدبخت تر، از آن کناره میکند۱۱ همانکه به آتش بزرگ درون می شود۱۲ آنگاه در آن نه بمیرد و نه زندگی کند۱۳هر که مصفا شد۱٤ و نام پروردگار خویش یاد کرد و نماز کرد، رستگار شده۱مشرکان زندگی دنیا را ترجیح دهند۱٦ اما دنیای دیگر بهتر است و پاینده تر۱۷ که این در کتابهای پیشینان۱۸ کتابهای ابراهیم و موسی نیز هست.۱۹

سوره غاشیه ۸۸

سوره غاشیه، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

آیا گفتگوی حادثه فراگیرنده به تو رسیده۱ در آن روز کسانی ترسانند۲ [بیهوده] عمل کرده و رنج برده اند۳ داخل آتشی سوزان شوند٤ و از چشم های داغشان بنوشانند٥ که در آنجا غذائی جز خار خشك ندارند٦ که نه فربه کند نه گرسنگی را دفع کند۷ و کسانی آن روز متنعمند۸ و از کوشش خویش راضیند۹ و در بهشت برینند۱۰ که در آن یاوه ای نشنوند۱۱ و در آن چشمه ای روان است۱۲ در آن تخت های بلند است۱۳ و قدحهای نهاده۱٤ و مخده های ردیف۱٥ و فرش های گسترده۱٦ چرا شتر را نمی نگرند که چسان آفریده-اند۱۷ و آسمان را که چسان بر افراشته اند۱۸ و کوهها را که چسان به جا نهاده اند۱۹ و زمین را که چسان گسترده اند۲۰ پند بده که تو فقط پند رسانی۲۱ و بر آنها تسلط نداری۲۲ مگر هر که پشت کند و کافر شود۲۳ خدایش عذاب بزرگ کند۲٤ که بازگشت آنها سوی ماست۲٥ آنگاه حساب ایشان با ماست.۲٦

سوره فجر ۸۹

سوره فجر، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

قسم به صبح دم۱ و دم شب۲ و جفت و طاق۳ و شب هنگامی که در آید٤ آیا در این برای خردمند قسمی
هست؟۵ مگر ندانی پروردگارت با قوم عاد٦ با آن بنای ستون دار۷ که نظیر آن در شهرها ساخته نشده بود،
چه کرد۸ و با قوم ثمود آنان که در آن وادی [برای ساختن بناهای استوار و محکم] تخته سنگها را میبریدند؟۹
و با فرعون صاحب میخها۱۰ همانها که در شهرها طغیان کردند۱۱ و در آن فساد فراوان کردند۱۲ و
پروردگارت تازیانه عذاب بر آنها فرود آورد۱۳ که پروردگارت در کمین است١٤ اما انسان وقتی پروردگارش
امتحانش کند و ارجمندش کنند و نعمتش دهد گوید: پروردگارم ارجمندم کرده است۱۵ و اما چون امتحانش کند
و روزی بر اوتنگ کند گوید: پروردگارم خوارم کرده است١٦ هرگز [چنین نیست] که شما یتیم را محترم
نمی دارید۱۷ و همدیگر را به غذا دادن مستمند ترغیب نمی کنید۱۸ و میراث را یکجا می خورید۱۹ و مال
را بسیار دوست دارید۲۰ چه خطا می کنید! وقتی زمین در هم شکند، شکسته شکسته۲۱ و [فرمان] پروردگارت
با فرشتگان صفا صف بیاید۲۲ آن روز جهنم را بیارند و انسان پند گیرد و پند گرفتنش به چه کار آید۲۳ گوید:
ای کاش در زندگی خویش کاری کرده بودم٢٤ آن روز عذاب او را به هیچ کس نکنند۲۵ و هیچ کس را چون
بستن او نبندند٢٦ توای جان مؤمن۲۷ خشنود و پسندیده سوی پروردگارت بازگرد۲۸ و به صف بندگان من
در آی۲۹ و به بهشت من درون شود.۳۰

سوره بلد ۹۰

سوره بلد، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

به این شهر قسم میخورم۱ و تو در این شهر جای داری۲ و قسم به پدر و فرزندانی که پدید آورد۳ که انسان را در رنج آفریده ایم٤ مگر پندارد که هیچ کس بر او قدرت ندارد٥ گوید که مالی فراوان تباه کردم٦ مگر پندارد که هیچ کس او را ندید۷ مگر برای او دو چشم۸ و یك زبان و دو لب ننهادیم۹ و او را بدو اوج راه بر نشدیم۱۰ پس چرا به کار مشکل اقدام نکرد۱۱ و تو چه دانی که کار مشکل چیست۱۲ گردنی را رها کردن۱۳ یا به روز قحطی١٤ یتیم خویشاوند١٥ یا مسکین خاك نشینی را غذا دادن١٦ تا از آن کسان شود که ایمان آورده و همدیگر را به صبر و ترحم سفارش کرده اند۱۷ اینان سمت راستیها هستند۱۸ و کسانی که آیه های ما را منکر شده اند اهل شئامتند۱۹ که آتشی سرپوشیده قرین ایشانست.۲۰

سوره شمس ۹۱

سوره شمس، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

قسم به خورشید و نور پاشیدنش۱ و ماه وقتی که از پی آن برآید۲ و روز چون زمین را روشن کند۳ و شب و قتی زمین را فراگیرد٤ و آسمان و آن که بنایش کرده٥ و زمین و آن که زمین را گسترده٦ و جان و آنکه جان را بپرداخته۷ و بدکاری و پرهیز کار بودنش را به او الهام کرده۸ هر که جان مصفا کرد رستگار شد۹ و هر که آن را بیالود زیانکار شد۱۰ ثمودیان به سبب طغیانشان تکذیب [پیغمبران] کردند۱۱ وقتی که تیره بخت ترشان برخاست۱۲ پیغمبر خدا به آنها گفت: شتر خدا را با خوره وی بگذارید۱۳ وی را دروغگو شمردند و شتر را بکشتند و پروردگارشان به سرای گناهانشان هلاکشان کرد و دیارشان را هموار کرد١٤ و از عاقبت آن بیم ندارد.١٥

سوره لیل ۹۲

سوره لیل، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

قسم به شب وقتی که فراگیرد۱ و روز وقتی روشن شود۲ و آنکه نرو ماده را آفرید۳ که کوشش شما مختلف است٤ اما آنکه بخشش کرده و پرهیزگار بوده٥ و [کلمه] نیکو را تصدیق کرده٦ پس به زودی طریقه آسانی برای وی میسر کنیم۷ و اما آنکه بخل ورزیده و بی نیازی جسته۸ و [کلمه] نیکو را تکذیب کرده۹ زود باشد که طریقه سختی پیش وی آریم۱۰ و چون واژگون شود مالش برای او کاری نسازد۱۱ هدایت کردن به عهده ماست۱۲ و آخرت و دنیا متعلق به ماست۱۳ پس، از آتشی که زبانه می کند بیمتان می دهیم١٤ که جز بدبخت تر وارد آن نشود١٥ همانکه تکذیب کرد و روی بگردانید١٦ و پرهیزگارتر از آن بر کنار خواهد شد١٧ همانکه مال خویش برای پاکیزگی می دهد١٨ هیچ کس را نزد وی نعمتی نیست که پاداش داده شود١٩ جز آنکه رضای پروردگار والای خویش می جوید٢٠ و زود باشد که خشنود گردد.٢١

سوره ضحی ۹۳

سوره ضحی، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

قسم به روز۱ و شب آن دم که تاریك گردد۲ که پروردگارت نه ترکت کرده نه دشمنت شده۳ و دنیای دیگر برای تو بهتر از این دنیاست٤ زود باشد که پروردگارت عطایت دهد و خشنود شوی٥ مگر نه یتیمت یافت و جا داد٦ و ره گم کرده ات یافت و راه نمود۷ و محتاجت یافت و بی نیاز کرد۸ پس، بر یتیم تسلط مجوی۹ و با گدا خشونت مکن۱۰ و از موهبت پروردگارت سخن گوی.۱۱

سوره انشراح ٩٤

سوره انشراح ، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

مگر نه سینه ترا گشاده کردیم١ و بارگرانت را که پشت تو را سنگین کرده بود٢ از تو برداشتیم٣ و آوازه ات را بلند کردیم٤ که از پی دشواری آسانی هست٥ حقا که از پی دشواری آسانی هست٦ پس چون فراغ یافتی به عبادت کوش٧ و به پروردگار خویش امیدوار باش.٨

سوره تین ٩٥

سوره تین، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

قسم به انجیر و زیتون١ و طور سینا٢ و این شهر امن٣ که انسان را به نیکوترین قوامی آفریدیم٤ آنگاه وی را سفله سفلگان کردیم٥ مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند که پاداش بی منت دارند٦ پس چیست که تو را به تکذیب جزا وا می دارد٧ مگر خدا بهتر از همه حاکمان نیست. ٨

سوره علق ٩٦

سوره علق، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

بخوان به نام پروردگارت که بیافرید١ انسان را از خون بسته بیافرید٢ بخوان و پروردگارت ارجمندتر است٣ همانکه به وسیله قلم بیاموخت٤ به انسان آنچه نمی دانست بیاموخت٥ اصلا اگر انسان خویشتن را٦ بی نیاز دید طغیان می کند٧ که بازگشت سوی پروردگارتوست٨ مگر آن را نبینی که وقتی بنده ای٩ نماز کند او را

باز میدارد۱۰مگر ندانی که اگر قرین هدایت باشد۱۱ یا به پرهیز گاری فرمان دهد۱۲ مگر ندانی که اگر تکذیب کند و رو بگرداند (سزا خواهد دید) ۱۳ مگر نداند که خدا می بیند۱٤ پس سوگند که اگر بس نکند پیشانی را خواهیم کشید۱٥ پیشانی دروغگوی خطا کار را۱٦ پس او انجمن خویش را بخواند۱۷ ما نیز آتش-بانان را خواهیم خواند۱۸ هرگز اطاعت او مکن، سجده کن و تقرب جوی.۱۹

سوره قدر۹۷

سوره قدر، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

ما بعض قرآن را در شب قدر نازل کرده ایم۱ و تو چه دانی که شب قدر چیست۲ شب قدر از هزار ماه بهتر است۳ در شب قدر فرشتگان و جبرئیل به اجازه پروردگارشان برای هر مطلبی نازل شوند٤ و تا دمیدن صبح، آنچه نازل می شود، سلام است.٥

سوره بینه ۹۸

سوره بینه، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

آن کسان از اهل کتاب که کافرند و مشرکان، دست بردار نبودند تا دلیل واضح به سویشان آمد۱ پیغمبری از جانب خدا که صحیفه های پاکیزه می خواند۲ که در آن نوشته های استوار هست۳ کسانی که کتابشان داده اند پراکنده نشدند مگر از پس آنکه دلیل واضح سویشان آمده بود و دستور نداشتند جز این که خدای یگانه را بپرستند٤ و دین خاص او کنند و معتدل باشند و نماز کنند و زکات دهند و دین قویم اینست٥ آن کسان از اهل کتاب که کافرند با مشرکان در آتش جهنمند و در آن جاودانند و آنها بدترین مخلوقند٦ و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند آنها خودشان بهترین مخلوقند۷ و پاداش آنها نزد پروردگارشان بهشت های جاوید است که در آن و جوی ها روان است و تا ابد در آن جاودانند، خدا از ایشان و خشنود است و آنها از خدا خشنودند، این خاص کی است که از پروردگارش ترسیده است.۸

سوره زلزا ل ۹۹

سوره زلزا ل، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

چون زمین به لرزش خویش بلرزد۱ و زمین گرانیهای خویش برون کند۲ و انسان گوید آن را چه شده است۳ آن روز زمین اخبار خویش بگوید٤ برای آنکه پرورد گارت به او وحی کرده است٥ آن روز مردمان متفرق بروند تا اعمال خویش ببینند٦ هر که هم وزن ذره ای نیکی کرده باشد (پاداش) آن را ببیند۷ هر که هم وزن ذره ای بدی کرده باشد (سزای) آن را ببیند.۸

سوره عادیات ۱۰۰

سوره عادیات، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

قسم به تیز تکان که نفس زنند۱ و آتش فروزان که [به اسم خویش از سنگ] شعله بر آرند۲ و هجوم بران صبحگاهان۳ که در آنجا گردی بر آرند٤ و با گرد، میان جمع عدو شونده٥ که انسان نسبت به پروردگارش ناسپاس است٦ و همو بر این گواه است۷ و او به دوستی مال سخت است۸ مگر نداند که وقتی خفتگان قبور بیرون شوند۹ و آنچه در سینه هاست مشخص شود۱۰ در آن روز پروردگارشان آگاه است.۱۱

سوره قارعه ۱۰۱

سوره قارعه، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

بلیه در هم شکن۱ بلیه در هم شکن چیست۲ و توچه دانی که بلیه در هم شکن چیست۳ روزی که مردم چون پروانه های پراکنده باشند٤ و کوهها چون پشم حلاجی شده باشد٥ اما هر که اعمال وزن شده اش گرانست٦ در عیشی پسندیده است۷ و اما هر که اعمال وزن شده اش سبک است۸ پس، جای وی هاویه است۹ و تو چه دانی که هاویه چیست۱۰ آتشی سوزنده است.۱۱

سوره تکاثر ۱۰۲

سوره تکاثر، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

بسیار نمائی سرگرمتان ساخت۱ تا وقتی که به گورها رسیدید۲ بس کنید، به زودی خواهید دانست۳ و باز بس کنید به زودی خواهید دانست٤ بس کنید که اگر به علم یقین می دانستید (بسیار نمایی نمی کردید) ٥ قسم که جهنم را خواهید دید٦ آنگاه جهنم را به دیده یقین خواهید دید۷ آنگاه در آن روز از این نعمت بازخواست میشوید. ۸

سوره عصر ۱۰۳

سوره عصر، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

قسم به روزگار۱ که انسان قرین زیان است۲ مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش کرده و همدیگر را به صبر سفارش کرده اند.۳

سوره همزه ۱۰٤

سوره همزه، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

وای بر عیب جوی طعنه زن۱ همانکه مالی فراهم کرد و آن را بشمرد۲ پندارد که مالش جاویدش کند۳ هرگز که در خورد کننده اش خواهند فکند٤ و تو چه دانی که خورد کننده چیست٥ آتش افروخته خداست٦ که بر دلها مسلط شود۷ که آتش بر آنها بسته باشد۸ در ستونهای کشیده شده.۹

سوره فیل ۱۰٥

سوره فیل، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

مگر ندانی خدایت با صاحبان فیل چه کرد۱ مگر نیرنگ شان را قرین گمراهی نکرد۲ و پرندگانی گروه گروه به آنها فرستاد۳ که سنگهای سفالین رویشان انداختند٤ و چون کاه خورده شده شان کرد.٥

سوره قریش ۱۰٦

سوره قریش ، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

برای ائتلاف قریش۱ که ائتلافتان (وسیله) سفر زمستان و تابستان بود۲ پس پروردگار این خانه را که۳ از گرسنگی رهاشان کرد و غذایشان داد و از ترس ایمن شان کرد، عبادت کنند.٤

سوره ماعون ۱۰۷

سوره ماعون، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

مگر آن را که تکذیب جزا میکند ندیدی۱ همانست که یتیم را به عنف براند۲ و به غذا دادن مستمند، ترغیب نکند۳ وای بر آن نمازگزاران٤ که از نماز خویش غافلند٥ همان کسان که ریا کنند٦ و منع زکات کنند.۷

سوره کوثر ۱۰۸

سوره کوثر، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

ما تو را فزونی بخشیده ایم۱ پس برای پروردگارت نماز کن و قربان کن۲ که دشمن تو همو بی دنباله است.۳

سوره کافرون ۱۰۹

سوره کافرون، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

بگوای کافران۱ من آنچه شما پرستید نمی پرستم۲ و شما نیز پرستنده چیزی ی که من می پرستم نیستید۳ و من نیز پرستنده چیزی که شما پرستیده اید نیستم٤ و شما نیز پرستنده چیزی که من می پرستم نیستید٥ شما را دین خود و مرا دین خویش.٦

سوره نصر ۱۱۰

سوره نصر، در مدینه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

چون یاری خدا و فیروزی بیامد۱ و مردم را بینی که گروه گروه داخل دین خدا شوند۲ به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از او آمرزش بخواه که وی بخشش گر است.۳

سوره لهب ۱۱۱

سوره لهب، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

دستهای ابی لهب زیان کند و زیان کرده است۱ مال وی و آنچه به دست آورده کاری برایش نساخت۲ بزودی وارد آتشی شعله ور شود۳ با زنش که بارکش هیزم است٤ و کتابی تابیده به گردن دارد.۵

سوره اخلاص ۱۱۲

سوره اخلاص، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

بگو او خدای یگانه است۱ خدای بی خلل است۲ نزاده و زائیده نشده۳ و هیچکس همتای او نیست.٤

سوره فلق ۱۱۳

سوره فلق، در مکه نازل شده است

به نام خدای رحمان رحیم

بگو به پروردگار صبح دم پناه می برم۱ از شر آنچه آفریده۲ و از شر شب وقتی که تاریك شود۳ و از شر آنها در گره ها دمند٤ و از شر حسود وقتی حسودی کند.۵

سوره ناس ۱۱٤

سوره ناس، در مکه نازل شده است

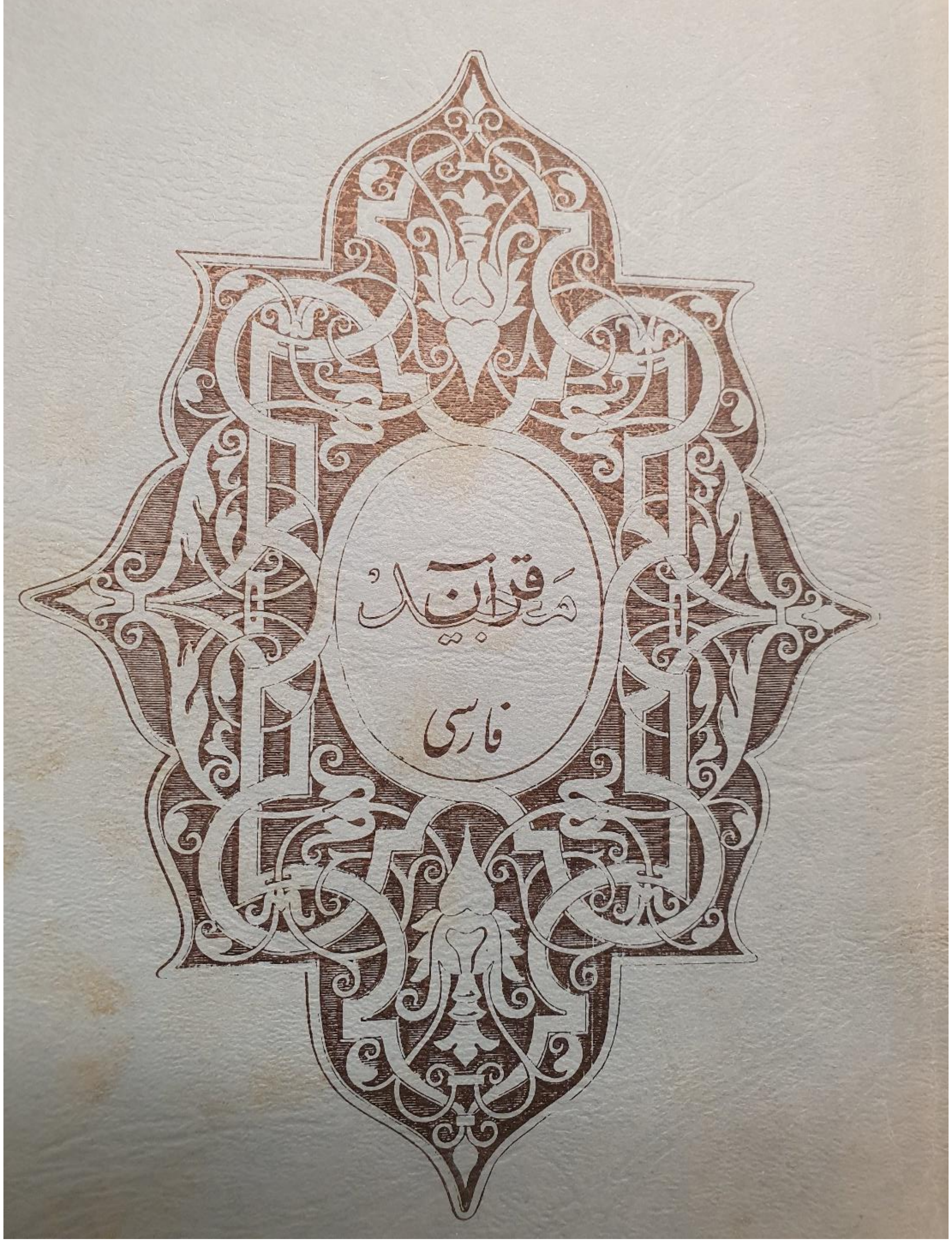
به نام خدای رحمان رحیم

بگو به پروردگار مردم۱ پادشاه مردم۲ و خدای مردم۳ از شر وسوسه گرنهانی پناه میبرم٤ که در دل مردم وسوسه می کند٥ از پریان و آدمیان.٦

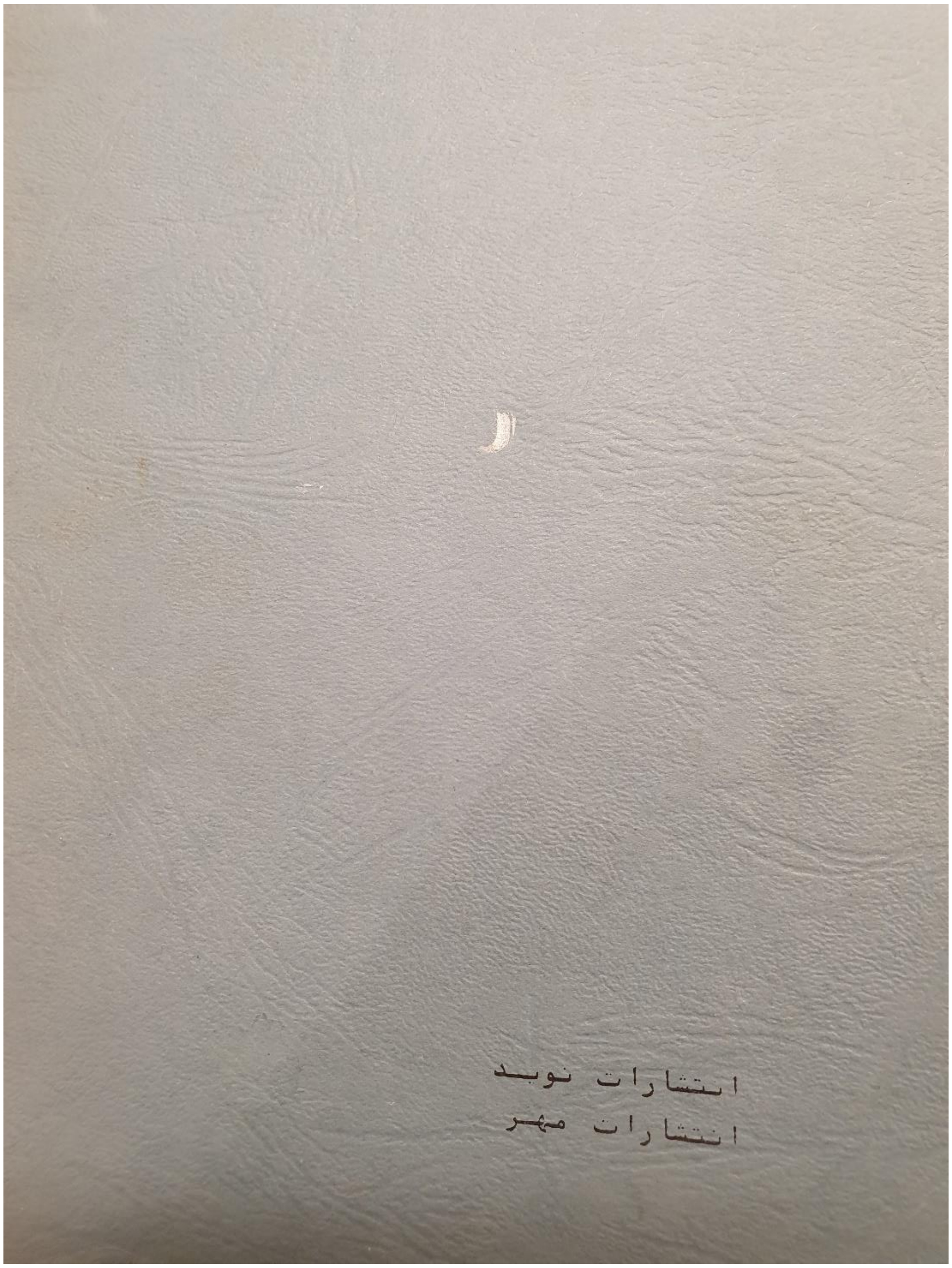
به نیکی پایان یافت

پیوست ها

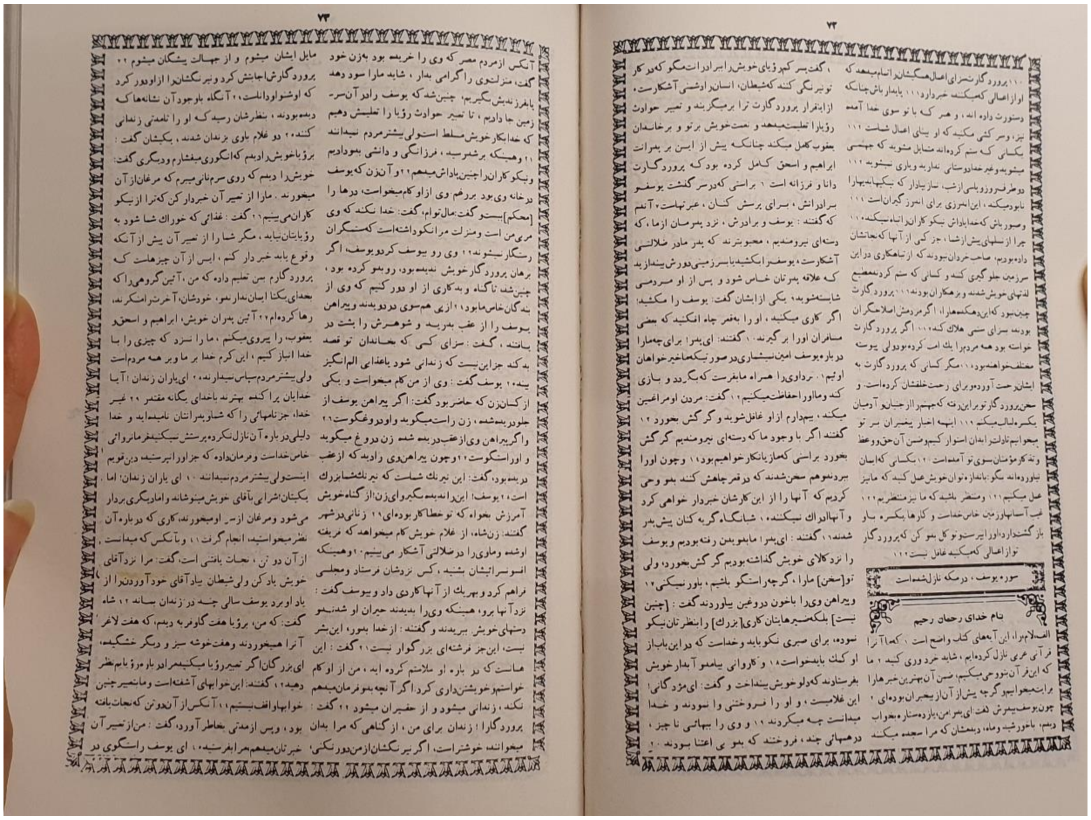
پیوست ها توسط ما بازنویسان کتاب تنظیم شده است .برای درک راحت تر کتاب، تصاویر و متن‌هایی را در پیوست های کتاب جمع‌آوری کرده‌ایم .ما معتقدیم این کار خواندن و درک آن را برای خوانندگان آسان -تر میکند. تصاویر و متن‌ها مربوط به کتاب است.



تصویری از جلد کتاب اصلی قرآن مجید ترجمه ابوالقاسم پاینده سال ۱۳۳٦



تصویری از پشت جلد کتاب اصلی قرآن مجید ترجمه ابوالقاسم پاینده سال ۱۳۳۶



تصویری از داخل کتاب اصلی قرآن مجید ترجمه ابوالقاسم پاینده سال ۱۳۳۶



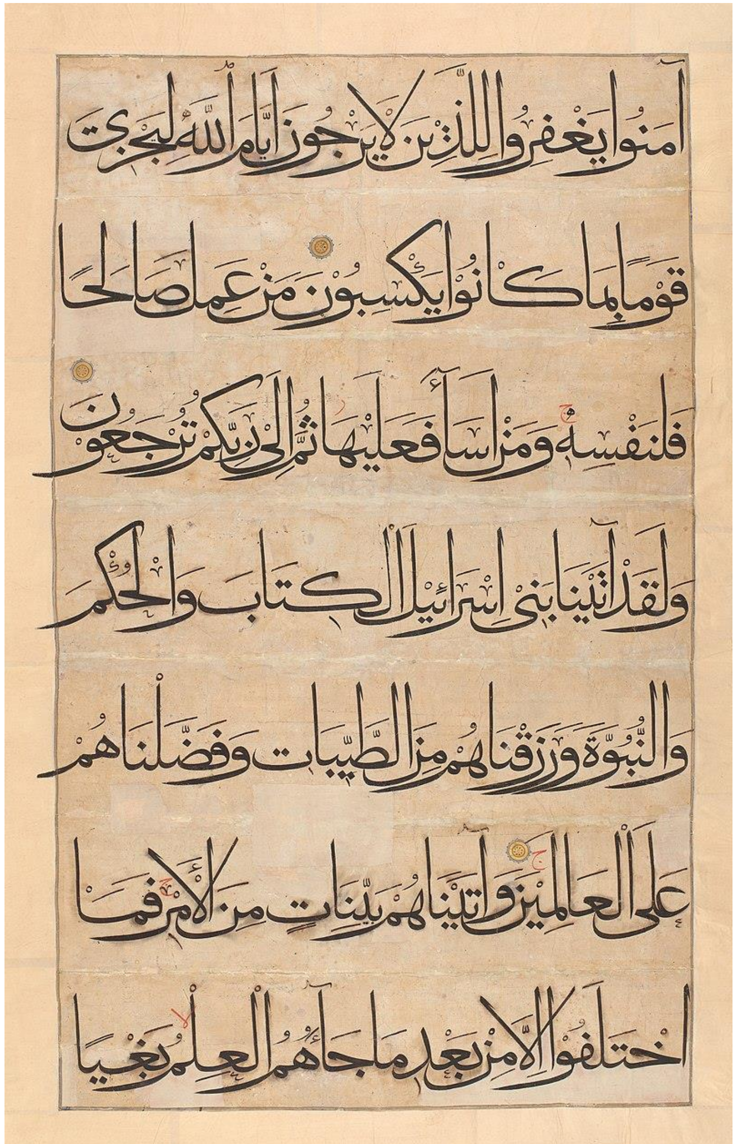
بخشی از یک نسخه باستانی قرآن که گفته می شود به عصر پیامبر اسلام برمی گردد.این نسخه در ردیف قدیمی ترین نسخ قرآن قرار گرفته است و در دانشگاه بیرمنگام انگلستان یافت شده است.



قرآن نگاشته شده در سدهٔ سوم هجری که در موزهٔ رضا عباسی در ایران نگهداری می شود.



نسخه ای از قرآن متعلق به سدهٔ ۱۳ میلادی، در موزهٔ پرگامون آلمان است.


امنوا يغفروا للذين لا يرجون ايام الله ليجزى
قوما بما كانوا يكسبون من عمل صالحا
فلنفسه ومن اساء فعليها ثم الى ربكم ترجعون
ولقد اتينا بنى اسرائيل الكتاب والحكم
والنبوة ورزقناهم من الطيبات وفضلناهم
على العالمين واتيناهم بينات من الامر فما
اختلفوا الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا

صفحه ای از قرآن از آن سدهٔ هشتم هجری خورشیدی در افغانستان یافت شده است.

محمد پیغمبر اسلام

اکنون به قرن هفتم رسیده‌ایم و سخن درباره‌ی مردی می‌رود که جهان را دگرگون ساخت. وی نه رومی بود نه یونانی، نه از فرانک‌ها بود نه از گت‌ها و نه از بریتانیایی‌ها؛ نه شاهی بود، نه سرداری، بلکه -چه حدس می‌زنید؟ مردی بود [از قبیله‌ی قریش] که در شهر مکه در شبه جزیره‌ی عربستان می‌زیست، نام او محمد بود. [پدر وی عبدالله و نیایش عبدالمطلب نام داشت و خاندان وی از خاندان‌های محترم و سرشناس مکه بود.

پدرش عبدالله پیش از آنکه چشم به دیدار فرزند روشن کند. به جهان دیگر شتافته بود. از این رو محمد یتیم از مادر بزاد. این سال -۵۷۰ میلادی بود. اما مادرش آمنه نیز دیر نزیست و در کودکی وی چشم از جهان پوشید. پس از مرگ مادر سرپرستی محمد را نیای وی عبدالمطلب به عهده گرفت، و هنوز هشت ساله بود که او نیز درگذشت و این بار عمویش ابوطالب سرپرستی او را عهده‌دار شد. محمد در دوازده سالگی با عموی خود به بازرگانی به شام رفت. از همان کودکی روحی بزرگ داشت و هوشیار و تیزبین بود و نجابت و مردانگی و درستکاری و پاکدلی او زبانزد همگان بود. او را به سبب درستکاری وی، محمد «امین» می‌خواندند.

روزگاری نیز برای گذران زندگی چوپانی کرد و گوسفندان کسان خود و مردم مکه را می‌چرانید.] [۷] پس از چندی پیشکاریِ بانوی ثروتمندی به نام خدیجه را به عهده گرفت [و بار دیگر برای بازرگانی به شام سفر کرد و در بازگشت به سبب کاردانی و درستکاری، بیش از دیگران سود- برد.] خدیجه [که فریفته‌ی امانت و کاردانی او شده بود] با آنکه ثروت بسیار داشت و محمد را چیزی نبود، به همسری او درآمد. درین هنگام محمد بیست و پنج سال داشت. زندگانی خوشی با یکدیگر آغاز کردند و تا چهل سالگی محمد واقعه‌ی مهمی در زندگانی آنان رخ نداد. محمد همواره به تأمل و اندیشه می‌گذرانید و [خاصه هر سال در ماه رمضان] برای [عبادت و ریاضت و] تفکر در راز آفرینش به غاری که [در کوه حرا در شمال شرقی مکه است،] می‌رفت.

یکی از روزها که به غار رفته بود، در خواب دید که فرشته‌ای بر او ظاهر شد [که نوشته‌ای در دست داشت و به وی گفت بخوان. محمد گفت: چه بخوانم؟ فرشته گفت: بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید.] چون بیدار گشت به خانه رفت و گفت که درین رویا جبرئیل بر او آشکار شده و گفته است که خداوند او را به پیغمبری نامزد کرده است و باید مردم را به دین تازه‌ای بخواند.

[این سال، ۶۱۰ میلادی و سال آغاز وحی یعنی پیام خداوند به او بود و] این دین، [دین یکتاپرستی یا توحید است که] اسلام نامیده می‌شود.

---

[۷] چون درین بخش از زندگانی حضرت محمد پیغمبر اسلام سخن رفته است، پاره‌ای مطالب دیگر (البته به اختصار) مربوط به زندگی آن حضرت به متن افزوده گردید که همه جا میان این نشانه[ ] آمده است. برخی ازین مطالب از کتاب «زندگانی محمد، تالیف دکتر محمد حسین هیکل ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده گرفته شده است.

نخستین کسی که به وی ایمان آورد، خدیجه بود. آنگاه محمد بنابر وحی به خواندن مردم به دین تازه پرداخت و فرمان خداوند را به بستگان و یاران خود رسانید و آنان نیز به او و دین وی ایمان آوردند.



تصویر قرون وسطایی بالا، از موعظه حضرت محمد، متعلق به ایران یا آسیای مرکزی است

اما هنگامی که دین اسلام را با دیگران، که دوست و خویش او نبودند در میان نهاد، او را جادوگر و خطرناك خواندند و با او به ستیز برخاستند. کار این ستیز و مخالفت اندك اندك بالا گرفت تا آنجا که گرد یکدیگر فراهم آمدند و پس از رأی زدن، در این همداستان شدند که او را بکشند و از دست وی آسوده گردند. محمد از توطئه آگاه گشت و [شبی نهان از چشم بداندیشان، با یك تن از یاران خویش که ابوبکر نام داشت] مکه را ترک گفت و به جانب مدینه رهسپار گردید. این واقعه که در سال ۶۲۲ میلادی رخ داد، هجرت نامیده می‌شود. این تاریخ را از آن گفتم که چنانکه پس ازین خواهید دید، دینی که محمد آورد کم کم پیشرفت کرد و جهانگیر شد و امروز جمعیت پیروان این دین، یعنی مسلمانان، به اندازه‌ی یك سوم جمعیت مسیحیان جهان است.

تاریخ مسلمانان جهان از نخستین سال هجرت یعنی ۶۲۲ میلادی آغاز می‌شود، و چنانکه پیشتر دیدیم، آغاز تاریخ مسیحیان سال زادن مسیح است و آغاز تاریخ یونانیان سال نخستین المپیاد و ازآنِ رومیان سال بنیان افکنده شدن شهر رم بود. بدین گونه، مسلمانان و مسیحیان و یونانیان و رومیان، هر گروه سالی را آغاز تاریخ خود می‌گیرند.

ازین زمان به بعد همواره از جانب خداوند به محمد پیام فرستاده می‌شد. محمد خود خواندن و نوشتن نمی‌دانست و کسان دیگری از یاران او این پیام‌ها را بر برگ‌های خرما می‌نوشتند. [اینان را «کاتبان وحی» یعنی نویسندگان پیام می‌خوانند] این پیام‌ها به اندازه‌ای بود که چون یکجا گرد آمد، کتابی بزرگ شد. این کتاب قرآن نامیده می‌شود که کتاب آسمانی مسلمانان جهان است و دستورها و آیین‌های زندگی آنان را دربردارد.

مکه چون زادگاه پیغمبر اسلام است [و محل کعبه یعنی خانه‌ای است که نخستین بار ابراهیم ساخته،] شهر مقدس مسلمانان است. هر مسلمانی در هر کجای جهان که هست در صورت توانایی باید

یك بار در زندگانی به مکه رود، و هنگام نمازگزاردن رو به خانه خدا یعنی کعبه بایستد. هر سال هزارها مسلمان از اطراف جهان به زیارت خانه‌ی خدا می‌شتابند. عبادتگاه مسلمانان، مسجد خوانده می‌شود و هر کس در شبانه روز باید پنج بار به درگاه خداوند نماز بگزارد. در مسجدها مردی بر گلدسته‌ی مناره می‌رود و به بانگ بلند اذان می‌گوید و مردمان را به نماز می‌خواند. وی مؤذن یا اذانگو نامیده می‌شود. نخست خداوند را به بزرگی و یگانگی یاد می‌کند و به پیامبری محمد گواهی می‌دهد و سپس می‌گوید. «به نماز بشتابید، به نماز بشنابید.» آنگاه مسلمان، هر که هست و هر کجا که باشد، در خانه یا در کوی و برزن، باید کار خویش را رها کند و درحالی که رویش به سوی کعبه در مکه است، به نماز ایستد و در برابر خداوند رکوع و سجود کند، یعنی زانوان را خم سازد و سر فرود آورد و روی بر خاك نهد و نماز بخواند. گاه فرش کوچکی نیز به نام سجاده با خود دارد، تا هنگام نماز بر جایی پاك نماز بگزارد. پیروان اسلام مسلمان نامیده می‌شوند و پیشترها چنانکه گفتم، شماره‌ی مسلمانان به اندازه‌ی مسیحیان بود.

در آغاز، مسلمانان به نرمی دیگران را به دین خود می‌خواندند و خوبی و برتری این دین را بر دین پیشین آنان، بدیشان گوشزد می‌کردند. اما کم کم دیگران را، چه می‌خواستند، چه نمی‌خواستند به پذیرفتن دین تازه وادار کردند. اندك اندك به زور شمشیر مردم را به دین اسلام خواندند. اگر کسی دین اسلام را نمی‌پذیرفت و به دین خویش می‌ماند، می‌بایست مالیاتی [به نام «جزیه»] بدهد و [در این هنگام در حمایت اسلام می‌زیست.] اما اگر مسلمان نمی‌گشت و جزیه هم نمی‌پرداخت، کشته می‌شد. محمد گفته بود که این دین برای همه‌ی جهانیان است.

پیغمبر اسلام تا ده سال پس از هجرت یعنی تا سال ۶۳۲ میلادی بزیست و در ۶۳ سالگی رخت ازین جهان به جهان دیگر بُرد، اما کسانی که پس از او آمدند، دین وی را نگاه داشتند و در راه آن شمشیر زدند و کشورهای بسیاری را گشودند و مردمانش را مسلمان کردند. جانشینان پیغمبر خلیفه خوانده شدند. دومین خلیفه عمر نام داشت. وی به اورشلیم رفت و در همانجا که بیشتر معبد سلیمان میبود، مسجدی برای مسلمانان ساخت. مسجد عمر هنوز در همانجا، در اورشلیم برجای است

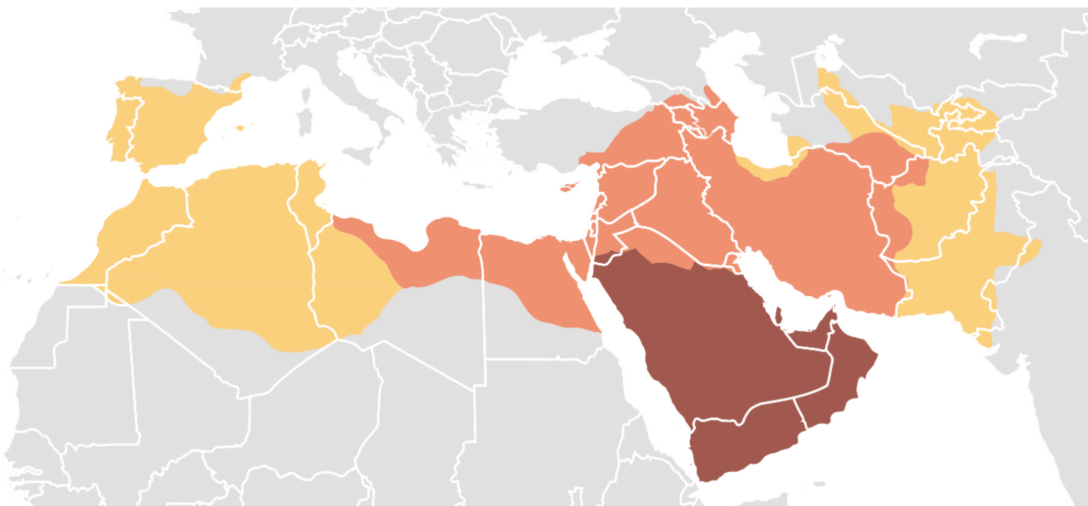
مسلمانان به سوی شمال به جانب اروپا رفتند و هر که را بر سر راه خود یافتند به دین اسلام خواندند و کسانی را که مسلمان نشدند، از دم شمشیر گذراندند. سرانجام به شهر قسطنطنیه (کنستانتینوپل) که مردمانش مسیحی بودند رسیدند. این شهر دروازه‌ی آسیا به اروپا بود و مسلمانان بسیار کوشیدند که آن را بگشایند و از آن بگذرند. اما مسیحیان قیر گداخته و نفت سوزان از دیوارهای شهر بر سرشان ریختند و آنان را از پیشرفت بازداشتند، چنانکه گامی فراتر نتوانستند نهاد. سرانجام چون هر چه کوشیدند به گشادن شهر توفیق نیافتند، پای پس کشیدند و از درآمدن به اروپا ازین راه چشم پوشیدند

آنگاه از جهت مخالف، از راه مکه، راهی دور و دراز به سوی اروپا در پیش گرفتند. به آسانی به مصر درآمدند و مردم آنجا را مسلمان کردند. از مصر در طول کرانه‌های آفریقا به پیش راندند و همه جا را گشودند تا به اقیانوس رسیدند. از آنجا به کشتی نشستند و از راه تنگه‌ی جبل طارق به اسپانیا درآمدند و همچنان اندك اندك بیشتر رفتند تا به فرانسه رسیدند. چنین می‌نمود که کم کم سراسر اروپا به چنگ آنان بیفتد. اما سرانجام نزدیك شهر تور[۸] در فرانسه با هماورد خویش روبه‌رو شدند. پادشاه فرانسه

[۸] Tours

را دستیاری بود کارآمد به نام شارل که در اهمیت حکم دست راست شاه را داشت و او را به لقب مارتل[۹] یعنی سخت‌کوب خواندند. مارتل اصلا به معنی چکش است و او را از آن چنین لقب داده بودند که می‌توانست زخم‌هایی چون زخم چکش بزند، شارل مارتل ناظر دربار، اما کاردانی و شایستگی او بیش از پادشاه بود و پادشاه در برابر او به چیزی شمرده نمی‌شد.

شارل مارتل با سربازان خود به سوی مسلمانان شتافت و نزدیك شهر تور چنان آنها را شکست داد که دیگر هوس دورتر رفتن به مغز خود راه ندادند. پیکار تور در ۷۳۲ میلادی یعنی سال ۱۱۰ هجری روی داد. دین اسلام ۱۱۰ سال پیش از آن پدید آمده بود و در این اندك ملت، مسلمانان، سراسر کشورهای کرانه‌ی جنوبی مدیترانه و اسپانی را تا شهر تور در فرانسه گشوده و مردمانش را به دین اسلام درآورده بودند. مردمان خاور و جنوب مدیترانه تا امروز همچنان مسلمان‌اند.



خلفا دوران
۶۲۲–۶۳۲ ،محمد زمان در اسلام قلمرو گسترش
۶۳۲–۶۶۱ ،راشدین خلفای زمان در اسلام قلمرو گسترش
۶۶۱–۷۵۰ ،اموی خلفای زمان در اسلام قلمرو گسترش

نقشه‌ی امپراطوری اسلام که مکه، مدینه، قسطنطنیه، تور، قرطبه، بغداد، اورشلیم و اروپا در آن نموده شده است.

[۹] Martel (به انگلیسی Hammer)

داستان روزهای عرب

مسلمانان کوشیدند که از دروازه‌ی نزدیك اروپا بدان درآیند، اما کامیاب نشدند و قیر و نفت سوزان آنان را در قسطنطنیه بازداشت. خواستند از دروازه‌ی دورتر رخنه کنند، باز هم کامروا نگشتند، و شارل مارتل آنان را در تور شکست داد. بدین گونه اروپا و مسیحیت اروپا از شکست رهایی یافت، نمی‌توان دانست که اگر عرب‌های مسلمان اروپا را می‌گرفتند. چه بر سر این سرزمین پهناور می‌آمد، زیرا روی هم رفته قومی بزرگ بودند و اروپاییان چیزهای بسیار از آنان آموخته‌اند. اینك پاره‌ای از آن چیزها:

الفبا را فنیقیان اختراع کردند. اما ارقامی که امروز به کار می بریم، اختراع مسلمانان است. ۱-۲-۳-۴ و... رقم‌های عربی[10] خوانده می‌شود. رومیان، حروف را به جای ارقام به کار می‌بردند، مثلاً V به جای ۵ و X برای ده و C به جای صد و M برای هزار به کار برده می‌شد. نیك پیداست که برای پسرکی رومی، جمع کردن ارقامی چنین چه دشوار بوده است.

IV

XII

MC

CXII

VII

این گونه ارقام را نمی‌توان در یك ستون زیر هم نوشت و جمع کرد. ازین دشوارتر، تقسیم یا ضرب ارقام رومی است. اینچنین هنوز گاهگاه ارقام رومی مثلاً بر صفحه‌ی ساعت، به کار برده می‌شود.

MCVII

× XIX

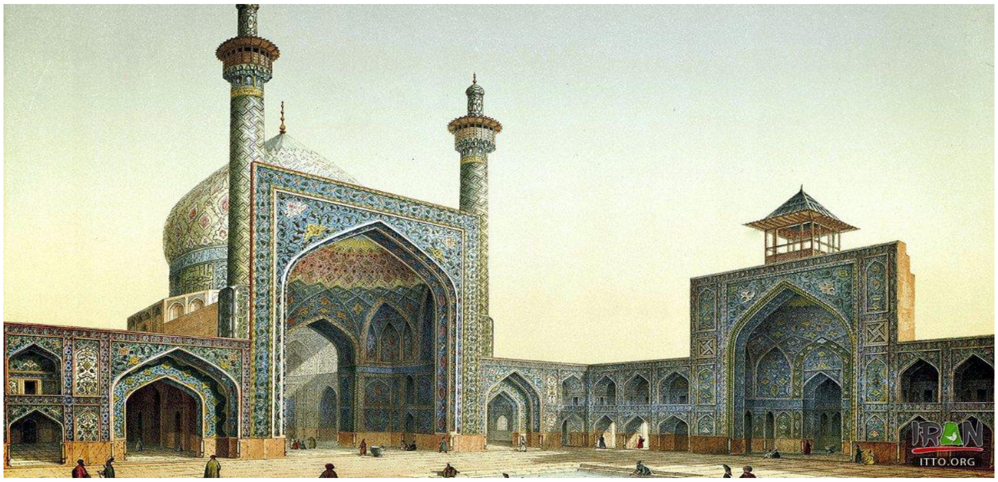
اما ارقامی که شما هر روز در حساب به کار می‌برید و پدرتان در اداره یا دفتر خود و یا در بانک به کار می‌برد، ارقام عربی است.

چیز دیگر:

مسلمانان بناهای زیبای بسیاری ساختند. اما این بناها با آنچه یونانیان و رومیان و مسیحیان می‌ساختند، اختلاف دارد.

---

[10] حقیقت اینست که این گونه ارقام اختراع هندیان است و اینکه اروپاییان آن را اختراع عرب‌ها می‌داند، این است که نخستین بار آنها را در جنگهای صلیبی از مسلمانان آموخته‌اند.



نمای یک طاق آراسته‌ی اسلامی

درها و پنجره‌ها به جای اینکه گرد یا چهار گوش باشد، معمولا نیم دایره یعنی نعلی شکل بود. بر طاق مسجدهای خود گنبد می ساختند که چیزی پیاز مانند است، و بر گوشه‌های آن مناره‌هایی برپا می‌کردند که اذانگو هنگام نماز بر آن رود و مردم را به بانگ بلند به نماز بخواند. دیوارهای بنا را با کاشی‌ها و نقش‌های زیبا روکش می‌کردند. با اینهمه، مسلمانان بنا به دستور قرآن که «نباید چیزی همانند آنچه در آسمان یا روی زمین یا در دریاست بسازی» سخت مواظب بودند که نقش‌های دیوارها تقلید طبیعت نباشد تا به بت‌پرستی شبیه نگردد. ازین رو هیچگاه تصویر جانداران: آدمیان یا حیوانات یا گلها را نمی‌کشیدند، زیرا این کار را گناه و خلاف دین می‌دانستند. نقش‌هایی درهم و پیچ و شکن‌دار پدید می‌آوردند که با آنکه اصلا در طبیعت وجود ندارد، بسیار زیبا بود و آن‌ها را اسلیمی می‌خوانند.

چیزی دیگر:

در عربستان بوته‌های خردی می‌رویید که درون بارهایی که می‌داد دانه‌هایی بود. گوسفندان این دانه‌ها را بسیار دوست می‌داشتند و چون آنها را می‌خوردند سرزنده‌تر می‌شدند. عربها خود نیز به خوردن این دانه‌ها برای همین خاصیتش دلبستگی بسیار داشتند، اما از آن نوشیدنی درست می‌کردند، بدین گونه که آنها را بو می‌دادند و نرم می‌کردند و در آب می‌جوشاندند. این دانه‌ها همان قهوه است. نخست عربها آن را کشف کردند، اما اکنون در همه جای دنیا نوشیده می‌شود.

چیزی دیگر:

مسلمانان بدین نکته پی بردند که چون آب انگور یا میوه‌های دیگر یا دانه‌ها، ترش شود یعنی تخمیر گردد، دگرگونی خاصی در آن پدید می‌آید، هر کس که ازین آب دگرگون شده بیاشامد، حالش دگرگون می‌شود و سخت تحريك ميگردد. این چیز دگرگون گشته را «الکحل[۱۱]» می نامیدند و لغت «الکل» از همین واژه آمده است.

[۱۱] الکل را محمد ذکریای رازی پزشك نامور ایرانی (۲۴۰-۳۲۰هـ) کشف کرده است.

نوشیدن الکل، آدمی را مست می‌سازد یعنی هوشیاری و خرد او را تا مدتی از میان می‌برد، از این رو «قرآن» هر گونه نوشیدنی الکل‌دار و مست‌کننده را بر مسلمانان حرام کرده است. مسلمانان نه همین الکل را کشف کردند، بلکه به زهرناکی و زیانمندی آن نیز پی بردند و هزار و سیصد و اندی سال پیش، مردمان را از آشامیدن آن بازداشتند. با اینهمه، خوردن مشروب الکلی در دیگر جاهای دنیا رواج داشت. ممالک متحد آمریکای شمالی از ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۳ آشامیدن مواد الکلی را ممنوع ساخت. اما این دستور دوباره لغو گردید.

چیزی دیگر:

پارچه‌های پشمین که از آن لباس درست می‌کنند، از پشم گوسفند و موی بز به دست می‌آید. چون از پشم بسیار پارچه‌ی اندك فراهم می‌گشت. این گونه لباس بسیار گران تمام می‌شد. مسلمانان به ساختن پارچه از يك گونه گیاه یعنی پنبه نیز پی بردند که بسیار ارزان‌تر از پشم فراهم می‌شد. آنگاه، برای اینکه پارچه‌های ساده را زیباتر و دل‌انگیزتر سازند، با تخته‌هایی که به شکل‌های گوناگون درست می‌کردند و در رنگ فرو می‌بردند، بر آن‌ها نقش می‌زدند. این پارچه‌های پنبه‌ای نقشدار را امروز در فارسی «چیت» می‌خوانیم.

چیزی دیگر:

شمشیرها و کاردهایی از يك گونه فولاد عجیب می‌ساختند که تیغه‌ی‌های آنها خم می‌شد و دو سرش به هم می‌رسید اما نمی‌شکست، گفته‌اند که این تیغه‌ها چنان تیز بود که موی نازکی را که بر سطح آب شناور بود، از هم می‌شکافت -کاری که از تیغ‌های نازک امروزین برمی‌آید- و در همین حال چنان سخت و محکم بود که میله‌ای آهنین را نیز از میان به دو نیم می‌کرد. این گونه شمشیرها را در دمشق، یکی و در شهر طُلیطُله[۱۲] در اسپانیا می‌ساختند. این شمشیرها و کاردها به شمشیر و کارد دمشقی یا طلیطلی معروف بود. از بخت بد هیچ کس امروز سر ساختن این تیغه‌های عجیب را نمی‌داند. این را «هنر گم گشته» می‌خوانیم.

نزدیك به جایی که وقتی بابل بود، عرب‌ها شهر بغداد را ساختند. اگر داستانهای هزار و يك شب را خوانده باشید، به نام بغداد بسیار برخورده‌اید، زیرا بیشتر آن داستانها در بغداد روی داده است، بغداد پایتخت خاوری مسلمانان بود. مسلمانان در بغداد مدرسه‌ای[۱۳] ساختند که سالهای سال بسیار مشهور و معروف بود، در شهر قُرطُبه[۱۴] در اسپانیا که پایتخت باختری آنان بود نیز مدرسه‌ی بزرگ دیگری ساختند.

هنوز از آنچه پدید آورده‌ی مسلمانان است بسیار چیزهای دیگر می‌توانم برایتان بگویم، بازی شطرنج[۱۵] که بیش از هر بازی دیگری اندیشه در آن به کار می‌رود، ساعت زنگ نواز برای شناختن

---

[۱۲] Toledo
[۱۳] مقصود مدرسه‌ی نظامیه‌ی بغداد است که خواجه نظام الملك وزیر الپ‌ارسلان و ملکشاه سلجوقی آن را ساخته بود
[۱۴] Cordova
[۱۵] شطرنج را هندیان اختراع کرده‌اند.

وقت و بنیاد افکندن کتابخانه‌های حیرت‌انگیز و جز این‌ها. همین اندازه، برای اینکه بدانید عربها چه مردمان هوشمندی بودند، بس است.[١٦]

عربها آریایی نژاد نبودند. از نژاد سامی بودند یعنی از نژاد فنیقیان و یهودیان. عربها مانند عموزادگان فنیقی خود باهوش و همچون دیگر عموزادگان یهودی خویش دیندار بودند. لابد هوشمندی و دینداری فنیقیان و یهود را به یاد دارید.

اما مسلمانان را درباره‌ی زنان عقاید خاصی بود. می‌اندیشیدند که بیشرمی است که زنان روی خود را از مردان نپوشانند. ازین رو هر زنی هنگامی که به کوچه و بازار آمد و شد می‌کرد، با پارچه‌ی نازکی روی خود را می‌پوشید. با چنین روی‌بندی می‌توانست دیگران را ببیند، اما روی خود او دیده نمی‌شد.

دو چیز دیگر از عقاید مسلمانان: مردان بر زنان فرمانروا هستند، و هر مرد چهار زن عقدی می‌تواند داشته باشد.

نمی‌دانیم که اگر مسلمانان اروپا را می‌گشودند و همه‌ی مردمان آن را مسلمان می‌کردند روزگار اروپاییان چگونه بود!

شارل سخت کوب (مارتل) بود که مسلمانان را در تور از پیشروی بازداشت. نام وی شارلمانی[١٧] بود که معنی آن شارل بزرگ است.

شارلمانی نخست فقط پادشاه فرانسه بود، ولی بدین خشنود نبود که فقط پادشاه فرانسه باشد. پس به زودی سرزمین‌هایی را که این سوی و آن سوی وی بود یعنی بخش‌هایی از اسپانی و فرانسه را به تصرف آورد.

آنگاه پایتخت خود را از پاریس به جایی در آلمان که اکس‌لاشاپل[١٨] نام دارد، برد. اکس‌لاشاپل، گذشته از اینکه از پاریس برای پایتختی امپراطوری پهناور او شایسته‌تر بود.

در روزگاری که شارلمانی می‌زیست، هارون‌الرشید خلیفه‌ی عباسی در بغداد بر کشورهای اسلامی فرمانروایی می‌کرد. نام و توصیف هارون در داستانهای هزار و یك شب -اگر آن‌ها را خوانده باشید- آمده است، زیرا این داستانها درین زمان نوشته شده است.

، هارون، با آنکه فرمانروای مسلمانان بود و مسیحی نبود و مسلمانان در آن زمان مسیحیان را دوست نمی‌داشتند، شارلمانی را بسیار پسندید و ستود و برای آنکه پایه‌ی دوستی خود را بدو برساند پیشکش‌هایی ،برای او فرستاد که در میان آنها ساعتی بود که در موقع معین زنگ می‌زد و چنانکه به یاد دارید مسلمانان مخترع آن بودند .ساعت، تحفه‌ای گرانبها بود، زیرا در اروپا چنین چیزی وجود نداشت .مردمان

---

[١٦] هوشمندی تنها از اعراب نبود، و سهم عمده در بسط تمدن اسلام از آن ایرانیان مسلمان است.
[١٧] Charlemange
[١٨] Aix - la - Chapella

اروپا وقت را از سایه‌ای که ساعت آفتابی می‌انداخت، یا از سن و یا آبی که از ظرفی در ظرفی دیگر می‌ریخت یا می‌چکید، معلوم می‌کردند

چون شارلمانی درگذشت، کسی به توانایی و نیرومندی او نبود که امپراطوری روم نو او را اداره کند. امپراطوری بار دیگر پاره پاره گشت و از هم پاشیده شد.

(بر گرفته از تاریخ جهان برای خردسالان از وی. ام. هیلیر. ۱۹۲٤ ترجمه مصطفی مقربی ۱۳٦۱ بازنویسی از مریم پایدار و رحمان دین خواه در سال ۱٤۰۲ صفحه ۱۸۳،۱۷۹،۱۷٥)

A note on the book of The Holy holy Quran, translated by Abul Qasim Payandeh into Persian ۱۳۳٦

This translation is one of the best practical translations, which was also done by someone who had both linguistic and philosophical knowledge in the religion of Islam. Until today, this translation is considered to be one of the best translations of the Holy Holy, translated by Abul Qasim Payandeh into Persian.

Appendices are prepared by us rewriters of the book. For easier understanding of the book, we have collected images and texts in the appendices of the book. We believe this will make it easier for readers to read and understand. The images and texts are related to the book.

Rewriters of the book ۲۰۲۳